



# بلاغ

فصلنامه علمی انجمن معارف اسلامی (شاپا: ۳۲۷۹-۲۳۸۳)

سال سیزدهم - شماره چهار - تابستان ۱۴۰۲

شماره پیاپی ۵۲

---

صاحب امتیاز: انجمن معارف اسلامی

مدیر مسئول: دکتر رضا حاجی ابراهیم

سر دبیر: دکتر محمود قیوم زاده

اعضای هیئت تحریریه:

محسن جوادی، احمد دیلمی، جعفر شانظری، امیر عباس علیزمانی، محمود قیوم زاده،

عبدالله نصری، علی احمد ناصح، محمدرسول آهنگران، ویلیام گراوند،

محمد محمدرضائی، رضا برنجکار، عین الله خادمی، محمدحسن قدردان قراملکی،

عبدالحسین خسرو پناه، سید ساجد علی پوری، مارتین براون.

مدیر داخلی و دبیر تحریریه: مصطفی قیوم زاده

مترجم: محمد احسانی

صفحه آرا: کامپیوتر احسان

ویرایش: حمید رضا علیزاده

یادآوری: فصلنامه پژوهش‌های اخلاقی در زمینه‌های فلسفه اخلاق، اخلاق اسلامی، اخلاق

کاربردی، اخلاق تطبیقی، چالش‌های اخلاقی دنیای جدید و تربیت اخلاقی مقاله می‌پذیرد.

مسئولیت مطالب هر مقاله از هر نظر بر عهده نویسنده است.

نقل مطالب فصلنامه با ذکر مأخذ مانعی ندارد.

فصلنامه در ویرایش، اختصار و اصلاح مقاله‌ها آزاد است.

---

آدرس پستی: قم، بلوار الغدیر، دانشگاه قم، ساختمان کتابخانه، دفتر فصلنامه پژوهش‌های اخلاقی

تلفن: ۳۲۱۰۳۳۶۰، آدرس الکترونیکی: Akhlagh\_1393@yahoo.com

---

این نشریه در پایگاه استنادی علوم جهان اسلامی (ISC) و ایران ژورنال و همچنین در پایگاه اطلاعات علمی

جهاد دانشگاهی (SID) نمایه می‌شود. نویسندگان محترم می‌توانند از طریق این پایگاه به نشانی

www.SID.ir مقالات خود را به صورت الکترونیکی (on-line) جهت بررسی به این نشریه ارسال کرده و

آن را رهگیری (Tracing) کنند و یا به ایمیل مجله (Akhlagh\_1393@yahoo.com) ارسال دارند.

---

بر اساس مجوز شماره ۳/۱۱/۳۶۵۲ مورخه ۱۳۸۹/۳/۳ کمیسیون بررسی نشریات علمی کشور در

وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، درجه علمی به فصلنامه پژوهش‌های اخلاقی اعطا شد.

پژوهش‌های اخلاقی - سال سیزدهم - شماره چهار - تابستان ۱۴۰۲

شماره پیاپی ۵۲

(فصلنامه باخیزه صاحبان اندیشه، قلم و مقالات منتشر می‌شود.)

### راهنمای شرایط تنظیم و ارسال مقالات

از نویسندگان درخواست می‌شود:

۱. مقاله ارسالی از ۲۰ صفحه (هر صفحه ۳۰۰ کلمه) بیشتر نشود.
۲. مقاله ارسالی، باید در محیط word با دقت تایپ و اصلاح شده (با طول سطر ۱۲ سانتیمتر، قطع وزیری) و بر یک روی صفحه A4 همراه با فایل آن به وب سایت یا ایمیل مجله (Akhlagh\_1393@yahoo.com) ارسال شود.
۳. مقاله ارسالی حتماً باید تألیفی باشد و مقالات ترجمه‌ای در صورتی قابل چاپ خواهند بود که همراه نقد و بررسی باشند.
۴. مقاله ارسالی باید دارای بخش‌های ذیل باشد:
  - الف. چکیده فارسی مقاله، حداکثر در ۱۵۰ کلمه و در حد امکان چکیده انگلیسی آن به همین مقدار.
  - ب. مقدمه و نتیجه‌گیری.
  - ج. واژگان کلیدی فارسی و معادل انگلیسی آن (حداکثر ۵ واژه).
  - د. تعیین رتبه علمی نویسنده و مترجم و ایمیل نویسنده / نویسندگانهر درج اسامی و اصطلاحات مهجور، در پایین هر صفحه ضروری است.
۵. منابع و ارجاعات مقاله باید کامل و دقیق باشد، از ارسال مقالات با منابع ناقص جداً خودداری فرمایید.
۶. در صورتی که توضیحات پانویس‌ها فراوان باشد به پی‌نویس منتقل کنید.
۷. مقاله ارسالی نباید در هیچ نشریه داخلی یا خارجی چاپ شده باشد.
۹. منابع مورد استفاده در پایان مقاله به شکل زیر نوشته شود:

### الف) کتاب

نام خانوادگی، نام نویسنده. (سال انتشار). نام کتاب، نام مترجم، محل انتشار، نام ناشر، شماره چاپ، شماره جلد.

### ب) مقاله

نام خانوادگی، نام نویسنده. (سال انتشار). «عنوان مقاله»، نام نشریه، شماره مجله.

## پژوهش‌های اخلاقی

### فصلنامه علمی انجمن معارف اسلامی

#### زیر نظر هیأت تحریریه

سال سیزدهم، شماره چهار، تابستان ۱۴۰۲، شماره پیاپی ۵۲

- ۵ / واکاوی مبانی اخلاقی پاسخ‌های تأدیبی و تربیتی به بزهکاری اطفال از منظر حقوق کیفری اسلام  
روح الله ابراهیمی / محمدعلی حاجی ده آبادی / سید علیرضا حسینی
- ۲۳ / نمودهای تأثیر گذار بر رفتار شهری در داستان‌های معاصر با محوریت داستان‌های جنگ  
مریم اخباری / آرش مشفق / حسین داداشی
- ۴۱ / تأثیر اختلال رفتاری جنسی در تحقق احسان  
محمد اسماعیل بیگی / سید احمد میر خلیلی / علیرضا انتظاری
- ۶۳ / جایگاه اخلاق حسنه در مبنای داوری پذیری در حقوق ایران و اروپا  
محمد امیرنجات / سید ابراهیم حسینی / محمود قیوم زاده
- ۷۵ / بررسی مبانی انذار و تبشیر در خطبه غرأ  
محمد هادی امین ناجی / زهرا امینی ارمکی
- ۹۳ / بررسی تطبیقی رویکردهای پیشگیرانه از شهادت زور از منظر اخلاق، فقه امامیه و حقوق ایران و مصر  
سیدمحمد ابراهیمی / محمد رسول آهنگران / سیدابوالقاسم نقیبی
- ۱۱۳ / بررسی رویکرد اخلاقی، اجتماعی نظام نیمه آزادی به استناد قانون کاهش مجازات حبس تعزیری  
نقیسه جلالی / ایرج گلدوزیان / سیدرضا موسوی
- ۱۳۷ / جلوه‌های ظهور جرم انگاری امنیت مدار در جرائم علیه امنیت در حقوق کیفری ایران  
حسین رضائی تودشکی / سید محمود مجیدی / محمدجواد باقی زاده
- ۱۵۹ / نقش اصول اخلاقی در تعهدات آب و هوایی از منظر حقوق بین الملل  
رضا ملکی / مسعود راعی
- ۱۷۷ / خاستگاه امید و نقش آن بر تعالی حیات درون و برون آدمی در کلام امیرالمؤمنین (ع)  
امیرعباس مهدوی فرد / رضا زمانی / معصومه عزیزی خادم
- ۱۹۳ / بررسی تأثیر اینترنت و ماهواره بر هویت فرهنگی و اخلاقی دانشجویان (مطالعه موردی: دانشگاه آزاد اسلامی واحد ساوه روستای نور علیبیک)  
اعظم نیکوکار / مژگان فرزانی سپهر
- ۲۰۷ / نقش دولت در امنیت انسانی با رویکرد قانون اساسی و تأثیر آن بر شادکامی  
بهناز یوسفی / حسین رحمت‌اللهی
- ۲۴۷ / تعهد اجتماعی در مسوولیت پذیری مدنی با وجود اسباب مجمل  
سیف‌الله گلجیجانی مقدم / اسدالله لطفی / محمود قیوم زاده
- 1-12 / چکیده مقالات به لاتین (Abstracts)



نوع مقاله: پژوهشی

صفحات ۲۲ - ۵

## واکاوی مبانی اخلاقی پاسخ‌های تأدیبی و تربیتی به بزهکاری اطفال از منظر حقوق کیفری اسلام

روح الله ابراهیمی<sup>۱</sup>

محمد علی حاجی ده آبادی<sup>۲</sup>

سید علیرضا حسینی<sup>۳</sup>

### چکیده

مبانی اخلاقی پاسخ‌های تأدیبی و تربیتی به بزهکاری اطفال بیانگر واقعیت‌ها و قواعدی است که صبغه اخلاقی داشته و در راستای حفظ و ارتقای ویژگی‌ها و خصائص اخلاقی در مقام پاسخگویی به جرایم و تخلفات کودکان و نوجوانان به کار بسته می‌شود و مشروعیت پاسخ‌ها در پرتو رعایت این مبانی می‌باشد. مقاله حاضر با روش توصیفی تحلیلی و براساس رجوع به منابع معتبر اسلامی، ماهیت این مبانی را مورد بررسی قرار داده است، یافته‌های تحقیق حاکی از این است که در حقوق اسلام، مبانی اخلاقی پاسخ‌های تأدیبی و تربیتی به بزهکاریهای نوجوانان افزون بر اتقان، متنوع نیز می‌باشند. اهتمام به رشد کودک، اصلاح و بازپروری، ترویج و تعالی فضایل اخلاقی محبت‌مداری و عدالت‌محوری از جمله این مبانی می‌باشند که به منظور تغییر در نحوه تفکر و عقاید کودکان و نوجوانان و بازسازی یا ایجاد احساسات و فضایل اخلاقی و پای‌بندی به رفتارهای اخلاقی بر اساس تعالیم دینی و اسلامی به کار گرفته می‌شوند و از این منظر به اعاده نظم و امنیت عمومی کمک می‌کنند.

### واژگان کلیدی

پاسخ‌های تأدیبی، پاسخ‌های تربیتی، مبانی اخلاقی، نظم و امنیت عمومی، بزهکاری کودکان، حقوق اسلام.

۱. دانشجوی دکتری فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد محلات، دانشگاه آزاد اسلامی، محلات، ایران.

Email: rohollah1360ab@gmail.com

۲. دانشیار گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه قم، قم، ایران. (نویسنده مسئول)

Email: dr\_hajidehabadi@yahoo.com

۳. استاد یار گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد محلات، دانشگاه آزاد اسلامی، محلات، ایران.

Email: seyed150@gmail.com

پذیرش نهایی: ۱۴۰۰/۹/۶

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۶/۹

## طرح مسأله

در میان ساحت‌های گوناگون تربیت، تربیت اخلاقی به دلیل نقش مهمی که در سرنوشت انسان و جامعه دارد، از دیرباز مورد توجه اندیشمندان بوده است. تربیت اخلاقی جامعه است که می‌تواند نه تنها جلوی وقوع جرایم و انحرافات را بگیرد، بلکه زمینه‌های تعالی و تکامل معنوی جامعه را رقم زند. درحقیقت با اخلاق و تربیت اخلاقی است که به سبب اهمیتی که به تقویت کنترل‌های درونی در فرد می‌شود، در او رادع و مانعی قوی در قبال وسوسه‌ها و خواسته‌های نفسانی پدید می‌آورد و از این رو او را از مسیر انحراف و بزهکاری دور می‌سازد و به مسیر صلاح و صواب رهنمون می‌سازد. این مهم باید، به عنوان یک اصل و قاعده حاکم بر کنش‌ها و واکنش‌های جامعه با فرد مورد توجه قرار گیرد. از جمله حوزه‌های تعامل فرد و جامعه نوع مواجهه جامعه با بزهکاریها و جرایم شهروندان است. این مواجهه در قالب مواجهه کنشی و واکنشی و در هریک از این دو فرض رسمی و غیر رسمی و به عبارتی دولتی و غیر دولتی (جامعوی) نمود می‌یابد که امروزه از آن به سیاست جنایی تعبیر می‌شود. مواجهه‌های واکنشی رسمی جامعه در قبال جرایم عمدتاً در قالب قوانین و مقررات کیفری نمود می‌یابد. در هر حال آنچه مهم است، این است که این پاسخها و به عبارتی کنشها و واکنشها زمانی می‌توانند درست و کارآمد باشند که بر پایه ارزش‌های اخلاقی و در راستای تربیت اخلاقی فرد و جامعه باشند. در این میان، پاسخ‌دهی به بزهکاری‌های کودکان و نوجوانان به عنوان زیرساخت‌های آینده هر جامعه براساس ارزشهای اخلاقی و تربیت اخلاقی بسیار حائز اهمیت می‌باشند. چراکه سعادت و پیشرفت هر جامعه در گرو تربیت صحیح این قشر حیاتی است. از سوی دیگر، امروزه ضرورت توجه و بررسی به ارزش‌های اخلاقی بیش از هر زمان دیگر در جامعه احساس می‌شود. دوران کودکی و نوجوانی را باید دوره تمهید اخلاقی در نظر گرفت که با رعایت مبانی اخلاقی در این دوران تمهید، موجبات عمل و رفتار ناب و خالص دینی و اسلامی را در دوران جوانی و میانسالی و بزرگسالی فراهم می‌سازد. در غیر این صورت کودک و نوجوان در ورطه بزهکاری می‌افتد. براین اساس قانونگذار جهت پاسخ تأدیبی و تربیتی به بزهکاری کودکان و نوجوانان می‌کوشد در سایه اخلاق پاسخ‌های در خور توجهی برحسب نوع و حجم بزهکاری آنها ارائه دهد. اهمیت این پاسخ‌ها بدین جهت است که این پاسخ در شخصیت و نوع رفتارهای آتی آنها موثر می‌افتد. همانگونه که برخی پاسخ‌ها و مجازات‌ها می‌تواند کودکان را از مسیر صحیح به طور کامل خارج ساخته و از آنها بزهکاران حرفه‌ای بسازد، دادرسی صحیح و نیز پاسخ‌های انسانی، تأدیبی و تربیتی متناسب با رشد کودکان می‌تواند آنها را به مسیر صحیح بازگردانده و شخصیت انسانی آنها را تضمین نماید. برخی پژوهش‌ها نسبت به تاثیرات نوع پاسخ‌دهی به بزهکاری کودکان و

نوجوانان انجام گرفته است. به عنوان نمونه می‌توان به مقالات «واکوی مجازات‌های کودک از منظر فقه امامیه» نوشته احسان علی اکبری بابوکانی و همکاران (۱۳۹۰)، «روش‌های تأدیب کودک از نظر فقه و روان‌شناسی» نوشته ابوذر صناعی (۱۳۹۶) و «مبانی فقهی و حقوقی خشونت تربیتی در مواجهه با اطفال بزهکار» نوشته حیدر علی جهانبخشی (۱۳۹۹) اشاره نمود که البته هیچ یک به مبانی اخلاقی پاسخ‌های تأدیبی و تربیتی اشاره ای ننموده اند؛ کتاب «مبانی و شیوه‌های تربیت اخلاقی» نوشته خسرو باقری (۱۳۷۷) به مبانی پرداخته است که تنها بر مبانی فلسفی و روانشناسی تربیت انسان پرداخته است و اشاره ای به مبانی اخلاقی پاسخ‌دهی به کودکان بزهکار اشاره ای نکرده است. از این رو مقاله حاضر در صدد است تا مبانی اخلاقی پاسخ‌های تأدیبی و تربیتی به بزهکاری اطفال در حقوق اسلام مورد مطالعه قرار دهد و این وجه تمایز آن پژوهش‌های انجام گرفته می‌باشد. بر همین اساس، جهت تبیین این مبانی، نخست واکوی مفاهیم کلیدی بحث و از جمله واژه مبانی، ضروری است؛ آنگاه مهم‌ترین مبانی پاسخ‌های تأدیبی و تربیتی مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

## ۱. مفاهیم

### – مبانی

«مبانی»<sup>۱</sup> در لغت ساختمان، شالوده، پایه، بنیان و اساس، ریشه و بنیاد یک چیز (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ج ۱، ص ۲۵۲؛ طریحی، ۱۴۱۶، ج ۱، ص ۶۴) و در اصطلاح رگها و ریشه‌های پنهان و نامرئی حقوق و کیفرها (کاتوزیان، ۱۳۹۰، ج ۱، ص ۳۹) است؛ «مبنا» تنها بیان‌کننده دلیل الزام‌ها و منشاء پنهانی تکالیف نیست، بلکه به ستون‌های اصلی می‌پردازد و در توضیح قلمرو و حاکمیت در آن نمودهای خارجی می‌کوشد. (کاتوزیان، ۱۳۸۷، ج ۱، ص ۹) برخی نیز، «مبنا» را به معنای آنچه در پاسخ به چرایی یک قاعده و حکم قابل طرح است، آورده‌اند. (حاجی ده‌آبادی، ۱۳۸۸، ص ۷۷) در این مقاله نیز همین معنای اخیر مدنظر است. لذا، مبانی پاسخ‌های تأدیبی و تربیتی، همان واقعیت‌های توجیه‌کننده و مشروعیت‌بخش پاسخ‌هاست.

### – پاسخ‌های تأدیبی و تربیتی

مقصود از پاسخ‌ها، تدابیر و اقدامات، کنش یا واکنشی است که در قبال بزهکاری اتخاذ می‌شود؛ در فقه جزایی اسلام واکنش‌هایی که در قبال بزهکاری کودکان ارائه می‌شوند «پاسخ‌های تأدیبی» نام دارند. فقها در مواردی که مرتکب جرم، صغیر و کودک است، از تعبیر «یؤدب»<sup>۲</sup> استفاده می‌کنند و البته گاهی از واژه «تعزیر»<sup>۱</sup> نیز مدد می‌جویند. ولی در هر حال

1. Foundations

۲. «لا حدّ علی الاطفال و لکن یؤدبونه ادبا بلیغا: اطفال حد نمی‌خورند اما شدیداً تأدیب می‌شوند» (نوری، ۱۴۰۸،

مقصودشان پاسخ‌های موثر در بهسازی شخصیتی و رفتاری کودک است. بنابراین پاسخ‌های تأدیبی و تربیتی، پاسخ‌های اتخاذی، در راستای اصلاح و تربیت کودک است که در شمار «اقدامات تأمینی و تربیتی» جای دارند. این اقدامات شامل برخی تدابیر قانونی الزام آور بوده که در خصوص افراد دارای حالت خطرناک، به منظور حفظ نظم عمومی جامعه اجرا می‌گردد، بدون اینکه اثر مسئولیت اخلاقی و معنوی بر جای گذارند (ایمن، ۱۳۷۰، ص ۱۲۴). البته امروزه در کنار اقدامات تأمینی، اصطلاح «اقدامات تربیتی» نیز آورده می‌شود. (صانعی، ۱۳۷۱، ج ۲، ص ۳۶۹). اقدامات تأمینی و تربیتی شامل دو جنبه اصلی و مهم می‌باشد: (۱) جنبه تأمینی و (۲) جنبه اصلاحی. اقدامات تأمینی مطابق قانون نیز تدابیری هستند که دادگاه برای جلوگیری از تکرار جرم نسبت به مجرمین خطرناک اتخاذ نموده است. (ماده ۱ قانون اقدامات تأمینی و تربیتی مصوب ۱۳۳۹). لذا، صدور حکم اقدام تأمینی از طرف دادگاه وقتی جایز است که کسی مرتکب جرم گردیده باشد.

### - اخلاق

اخلاق، جمع خلق و به معنای سرشت، خوی، طبیعت و ... است که به معنای صورت درونی و باطنی و ناپیدای آدمی به کار می‌رود که با بصیرت درک می‌شود؛ (ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۱۰، ص ۸۶) لذا، اخلاق صفات نهادینه شده درونی انسان است. به طوری که هم شامل خوی‌های نیکو و پسندیده و هم شامل خوی‌های زشت و ناپسند می‌شود. (مصباح یزدی، ۱۳۹۴، صص ۱۳-۱۴)

### - بزهکاری کودکان

بزه در لغت به معنای اِثم، سَیئه و خَطِیئه (محمدی اشتهاری، ۱۳۷۶، ص ۷). «گناه» و ذَنْب، (طوسی، ۱۴۰۹، ج ۳، ص ۵۷۷؛ مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۹۱، ص ۲۵۷؛ طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۱۰، ص ۲۱۸). جرم، خطا، (معین، ۱۳۹۱، ص ۱۲۲۵) غلط، نافرمانی، تبهکاری، جنایت، عصیان، تقصیر و معصیت، (دهخدا، ۱۳۷۷، ج ۲۱، ص ۴۲۷). قطع کردن، چیدن میوه از درخت، حمل کردن، کسب کردن، ارتکاب گناه و وادار کردن به کاری ناپسند (فراهِیدی، ۱۴۱۰ ه ق، ج ۶ ص ۱۱۹). و در آموزه های اسلامی به معنای نافرمانی از دستورات خداوند (محمدی اشتهاری، ۱۳۷۶، ص ۷). و انجام دادن کار نهی شده از سوی خدا و یا ترک کار امر شده آمده است. (سجادی، ۱۳۷۳، ج ۲، ص ۴۲۹). در معنای حقوقی بزه و جرم مترادفند و بزهکار کسی است که مرتکب یکی از جرایم مندرج در قوانین کشوری که در آن زندگی می‌کند می‌گردد. مع الوصف وقتی بزهکاری

۱. الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ مُعَلَّى بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ حَمَادِ بْنِ عُثْمَانَ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) فِي آدَبِ الصَّبِيِّ وَالْمَمْلُوكِ فَقَالَ خَمْسَةٌ أَوْ سِتَّةٌ وَارْفُقْ؛ حماد بن عثمان می‌گوید: از امام صادق (ع) در مورد مقدار تأدیب صبی و برده سؤال کردم. حضرت فرمود: پنج یا شش ضربه و نرمی کن (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۷، ص ۲۶۷).



کودکان مدنظر است، افزون بر این معنا به ارتکاب اعمالی که جامعه برای کودکان به لحاظ حساسیت سنین رشد و تأثیرگذاری رفتارها بر سلامت و شخصیت آنها در بزرگسالی بوده را نیز در بر می‌گیرد. هر چند ممنوعیت ارتکاب چنین رفتارهایی در قالب قوانین و مقررات کیفری اندراج پیدا نکرده باشد. رفتارهایی همچون استعمال سیگار یا دیر به خانه آمدن و... بنابراین، بزهکاری کودکان یعنی هرگونه رفتار یا ترک رفتاری که از سوی کودکان و نوجوانان انجام گیرد که خلاف و ناقض قانون و مقررات اجتماعی باشد و در نتیجه برای آن در قانون، مجازات مشخصی تعیین شده باشد، بزهکاری کودکان نام دارد.

### – کودک

کودک در لغت، طفل و صغیر، (جوهری، ۱۴۱۰، ذیل «طفل»؛ واسطی زبیدی، ۱۴۱۴، ذیل «صغر»)، خردسال، (معین، ۱۳۹۱)، کوچک، (دهخدا، ۱۳۷۷)، و نابالغ<sup>۱</sup> است. در اصطلاح فقهی نیز، ابتدای کودکی از لحظه انعقاد نطفه می‌باشد (حبیبی، ۱۳۸۱، ص ۳۳). که آیات متعدد قرآن<sup>۲</sup> از آن با عنوان «جنین» یاد نموده اند. بنابراین، کودک کسی است که به حد بلوغ شرعی (پسران ۱۵ سال قمری و دختران ۹ سال قمری) نرسیده باشد. (نجفی، ۱۴۰۴، ج ۲، ص ۴؛ طوسی، ۱۳۸۷، ج ۲، ص ۲۸۲). از نظر امام خمینی (ره) نیز کودک کسی است که از تصرف در اموالش ممنوع است. (خمینی، ۱۳۹۲، ج ۲، ص ۵۲۰). بنابراین، از نظر فقهی به پسر زیر پانزده سال تمام قمری و دختر زیر نه سال تمام قمری، کودک اطلاق می‌گردد. البته صغیر به ممیز و غیر ممیز تقسیم می‌شود. صغیر غیر ممیز مرحله قبل از تمییز و تشخیص است و در این دوره کودک مسئولیت کیفری ندارد. اما صغیر ممیز کودکی که بتواند اجمالاً بین نفع و ضرر خود فرق بگذارد و معاملات سودآور را از زیان آور تشخیص دهد. (حلی، ۱۴۱۴، ج ۷، ص ۱۱۰)

## ۲. گونه شناسی مبانی اخلاقی پاسخهای تأدیبی و تربیتی به بزهکاری اطفال در حقوق اسلام

در حقوق اسلام هرچند شرط مسئولیت کیفری بلوغ است؛ اما چنین نیست که کسانی که زیر سن مسئولیت کیفری هستند، یکسره رها شده و هیچ نوع پاسخی دریافت ندارند. منابع روایی و فقهی در چنین صورتی پاسخی که به «تأدیب» اشتها یافته را تجویز و ضرورت دانسته اند، تا جایی که می‌توان از تأدیبات در عرض تعزیرات به عنوان دسته ای خاص از پاسخ های کیفری اسلام به جرایم یاد کرد. واکاوی ماهیت این پاسخهای تأدیبی و تربیتی به بزهکاری اطفال، تاکنون آنطور که باید و شاید صورت نگرفته است. در این مقاله ماهیت این پاسخها تنها

۱. منظور از نابالغ نرسیدن به سن بلوغ است.

۲. سوره حج (۲۲)، آیه ۵؛ سوره مؤمنون (۲۳)، آیه ۱۴؛ سوره غافر (۴۰)، آیه ۶۷؛ سوره قیامه (۷۵)، آیه ۳۸ – ۳۷.

از منظر اخلاقی مورد بررسی و تحلیل قرار داده می‌شود. در مقام تأدیب و تربیت کودکان فقها مبنای ای را در نظر گرفته‌اند که در ذیل به بررسی هر یک پرداخته می‌شود.

### – اهتمام به رشد کودک

رشد یا نمو به دگرذیسی های پی‌درپی و سامانندی گفته می‌شود که از زمان زایش تا مرگ رخ می‌دهد. (هیلمگارد، ۱۳۶۲، ص ۴۴۸) از دیدگاه اسلام رشد، معنای ارزشی و اخلاقی عمیق و گسترده‌ای دارد. این کلمه به معنای عاقل، بالغ، هدایت‌دانی، (دانا، ۱۳۸۷، ص ۶۹۱) صلاح و کمال یافتن (مصطفوی، ۱۳۶۰، ص ۱۲۳) آمده است. بنابراین از نظر اسلام رشد از جایگاه والا و ارزشمندی برخوردار است که انسان می‌تواند در مسیر تعالی و کمال خویش با تحمل سختی‌ها بدان دست یابد و به این جایگاه عظیم نائل آید. بر همین اساس است که پیامبر اکرم (ص) می‌فرماید: « هنگامی که خداوند خیر کسی را می‌خواهد او را در دین فقیه و آگاه می‌سازد و رشدش را به او الهام می‌کند. » (متقی هندی، ۱۴۱۳، ح ۲۸۶۹۰) بنابراین، از دیدگاه اسلام رشد و تربیت اخلاقی ملاک است که در صورت نائل آمدن به آن، انسان به جایگاه رفیع اخلاقی و ارزشی می‌رسد. اما برای دستیابی به این نوع تربیت، انسان فطرتاً، از آغاز تولد برای تربیت‌پذیری آمادگی دارد، لذا، هرچه این امر در سنین پایین‌تر انجام گیرد نتایج بهتری خواهد داشت. در دوره رشد، مغز کودک آمادگی پذیرش هر نوع تأثیری است؛ زیرا هرچه در اختیار کودک قرار گیرد، فوراً مجذوب آن می‌شود. بر همین اساس، اخلاق کسب شده در دوران رشد و کودکی آثار مهمی در مراحل بعدی زندگی به جای می‌گذارد. نظر به اهمیت این دوران، اسلام در بسیاری از آیات<sup>۱</sup> دوران رشد انسان را از کودکی تا بزرگسالی به سه دوره سیادت (دوران طفولیت یعنی سن تولد تا ۷ سالگی)، اطاعت (دوران بلوغ یا نوجوانی یعنی سنین ۷ تا ۱۴ سالگی) و وزارت (جوانی یا بزرگسالی یعنی سنین ۱۴ تا ۲۱ سالگی) تقسیم نموده است که بر اساس روایات مهمترین این دوران در جهت رشد تربیت دینی و اخلاقی، دوران طفولیت و بلوغ (بدو تولد تا ۲۱ سالگی) می‌باشد. پیامبر اکرم (ص) کودک را در هفت سال اول سید و آقا، در هفت سال دوم مطیع و فرمانبردار و در هفت سال سوم وزیر و مشاور یاد نموده‌اند. (حر عاملی، ۱۴۱۹، ج ۱۵، ص ۱۲۴). بنابراین، با توجه به فرمایش پیامبر (ص) کودک باید تا هفت سالگی آزاد باشد و به حال خود رها گردد و تربیت و ادب وی از هفت سالگی تا چهارده سالگی انجام گیرد.

از دیدگاه اسلام وجود فطرت امری مسلم و قطعی است، و دین اسلام هم دین فطرت است و به همین دلیل جاویدان است. فطرت همان طبیعت و سرشت انسان است و پیداست که سرشت اکتسابی نیست. اسلام به عوامل ارثی و تاثیر آن در رشد انسان توجه خاصی دارد و

۱. آیه ۵۴ سوره روم؛ آیه ۶۷ سوره غافر؛ آیه ۵۹ سوره نور و ..

مجموعه عوامل قبل از تولد، از قبیل نحوه انتخاب همسر، زمان ازدواج، زمان تشکیل نطفه و تاثیر عوامل ژنتیکی، ایام بارداری، هنگام تولد و زمان زایمان را در رشد و سلامت جسمی و روانی انسان موثر می‌داند و به آنها عنایت دارد. پیامبر اکرم (ص) می‌فرماید: «شقاوت انسان بدبخت و سعادت انسان خوشبخت در شکم مادر تعیین می‌گردد.» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۳، ص ۴۳). بنابراین، والدین مهمترین نقش کلیدی در رشد و تربیت دینی کودک را ایفا می‌کنند که با رعایت دستورات و برنامه‌های اسلامی برای زمان قبل از بارداری و دوران بارداری و ... نسبت به پرورش و تربیت اسلامی کودک همت گمارند؛ به طوری که در آینده نیز از راه راست منحرف نشود و به بزهکاری روی نیاورد. چرا که تربیتی که اسلام پیش بینی نموده است به دور از انحرافات است.

اسلام دینی است که از همان لحظه انعقاد نطفه برای کودک حقوقی را مدنظر قرار داده است. به عنوان نمونه با انعقاد نطفه کودک، جزو یکی از وارثان می‌گردد. همچنین هر کودکی از این حق برخوردار است که از نام نیکو برخوردار باشد؛ با شیر مادر تغذیه گردد، نسبت به وی مهر و محبت روا گردد و از هر گونه کودک آزاری به دور باشد. بر همین اساس است که پیامبر (ص) بر احترام به کودک و رفتار پسندیده با وی را مورد تأکید قرار داده‌اند. (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۲۳، ص ۱۱۴). زیرا ایشان خود با کودکان بدین نحو رفتار می‌نمودند.

از دیدگاه اسلام افراد بشر خصوصیات و استعدادی متفاوت دارند و هر کس از توانایی و ظرفیت معینی برخوردار است؛ لذا وجود تفاوت‌های فردی به عنوان یک امر مسلم و ضروری مورد قبول واقع گردیده که لازمه زندگی بشر است. در رشد و تربیت دینی نیز باید اصل تفاوت فردی رعایت شود و اهمیت به آن را از ویژگی‌های خوب والدین به حساب آورد. در همین راستا اسلام یکی از ضروریات را برنامه ریزی و بکار بردن روش‌های خاص تربیتی دانسته است که یکی از آنها طرز رفتار با کودک است؛ به طوری که رفتار با کودک باید با رفتاری که با بزرگسالان است، تفاوت داشته باشد.

مقتضیات زمان نیز عامل دیگری است که در رشد و تربیت دینی کودک نقش بسزایی دارد. اسلام نیز تأکید زیادی نسبت به توجه والدین به این امر در تربیت دینی کودک داشته است که شرایط و اقتضای محیط را نیز در تربیت نمودن کودک در نظر بگیرند. در روایتی از امام علی (ع) نیز به عدم تحمیل آداب و رسوم زمان با فشار و زور به کودک تأکید داشته‌اند که آنها برای زمان خود آفریده شده‌اند. (ابن ابی الحدید، ۱۳۷۸، ج ۲۰، ص ۲۶۷).

#### – اهتمام به اصلاح رفتارهای نابهنجار کودک

از اساسی‌ترین، ظریف‌ترین و حساس‌ترین وظایف والدین در امر تربیت کودک، برخورد شایسته در مواجهه با لغزش‌ها و خطاهای کودکان و اصلاح و تغییر رفتار ناشایست و نادرست

آنان است. در این باب، رفتار اصلاح‌گرایانه والدین باید برگرفته از آموزه‌های تربیتی اهل بیت (ع) باشد؛ چرا که کودکان به عنوان سرمایه‌های مهم و ارزشمند هر جامعه باید از تربیت صحیح برخوردار باشند. بر همین اساس، در صورتی که کودک منجر به رفتار ناصواب و انحرافی شد، والدین باید با رفتار اصلاح‌گرایانه با آنها برخورد نمایند تا بتوانند آنها را نسبت به رفتار ناشایستی که انجام داده‌اند آگاه نمایند. البته روی آوردن کودک به رفتارهای انحرافی اغلب از کیفیت رفتار و تعامل خود والدین سرچشمه می‌گیرد؛ زیرا ممکن است والدین نسبت به تربیت اخلاقی و دینی، مراعات حلال و حرام و آموزش احکام دینی به کودکان بی تفاوت بوده و یا نسبت به کودک نظارت و کنترل کافی مبذول نمایند و یا خود والدین خلاف‌ها و ناهنجاری‌ها را در منظر کودکان خیلی عادی جلوه دهند و برای کودک نیز عادی باشد.

از آنجایی که در دوران کودکی شخصیت کودک در حال شکل‌گیری است باید اصول اخلاقی را به بهترین شکل مناسب به او تعلیم داد در این اساس در شریعت مقدس اسلام هر چند کودک بزهکار از مسئولیت کیفری مبرا دانسته شده یا تنبیه او در مسائل اخلاقی به همراه رأفت و گذشت می‌باشد اما به جهت اصلاح و بازپروری کودک در آینده حکم به تأدیب و تعزیر او شده تا رفتار وی در مسیر صحیح شکل بگیرد.

بر اساس برخی روایات هدف سیاست کیفری و تربیتی اسلام، هدفی اصلاح‌گرایانه و در نهایت رسیدن به قرب الهی می‌باشد؛ که می‌توان این روایات را در دو گروه جای داد. برخی روایات خاص می‌باشند با این مضمون که در صورتی که پاسخ تأدیبی به کودک به جا و به موقع داده شود، می‌تواند به اصلاح وی در آینده بینجامد و وی را از رفتار ناصواب و غیر اخلاقی برحذر نماید. امام علی (ع) نیز در روایتی فرمودند: «کسی که خوش رفتاری او را اصلاح نکند، خوب کیفر دادن او را اصلاح خواهد کرد.» (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶، ص ۲۹۷). همچنین در روایت دیگری آمده است: «اصلاح خوبان به بزرگداشت آنهاست و اصلاح بدان، به تنبیه و عقاب آنهاست.» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۷۵، ص ۸۲). بنابراین مطابق این دو روایت روشن می‌شود که تنبیه اثر اصلاحی داشته و در مواردی که اگر احیاناً اثر اصلاحی هم نداشته باشد، دست کم اثر بازدارندگی خواهد داشت.

اما برخی روایات، اشاره به تربیت دینی و اخلاقی کودکان دارند؛ در واقع با توجه به اینکه نهاد خانواده در آیین مقدس اسلام جایگاه ویژه‌ای دارد و به سبب ارزش این جایگاه برای والدین حقوقی نسبت به فرزندان‌شان برشمرده شده است و از جمله این حقوق، امر به تربیت صحیح کودک و حفظ او از معاصی است که در اینجا با ذکر ادله‌ای که امر به تربیت کودکان کرده، به این مهم دست می‌یابیم که هدف اسلام پرورش نسل آتی که این هدف در سایر ابعاد و سیاست‌های شریعت مقدس اسلام از جمله سیاست کیفری آن لحاظ شده است. به عنوان نمونه پیامبر

اکرم (ص) در باب تربیت فرزند و این وظیفه مهم والدین فرمود: فرزندان خود را گرامی بدارید و ادب نیکو به ایشان بیاموزید. (نوری طبرسی، ۱۴۰۸، ج ۱۵، ص ۱۶۸). یا در روایت دیگری آمده است که شخصی نزد پیامبر اکرم (ص) آمد و عرضه داشت: ای رسول خدا حقوق فرزندم چیست؟ حضرت فرمود: نام نیکو بر وی بگذاری و او را خوب تربیت کنی و در موضع نیکو بنشانی. (نوری طبرسی، ۱۴۰۸، ج ۲۱، ص ۴۷۹). بنابراین همانطور که در این دو روایت دیده می شود، تأدیب و تربیت کودکان، به عنوان یکی از حقوق کودک و وظیفه تربیتی در مسائل اخلاقی بر عهده پدران گذاشته شده است.

تربیت بزهکاران و اصلاح اخلاقی آنها البته اختصاصی به دوران کودکی ندارد برخی آیات قرآن از جمله آیه ۱۶۰ سوره بقره و آیات ۱۶ و ۱۷ سوره نساء تأکید به توبه بعد از ارتکاب جرم دارند؛ زیرا در شریعت مقدس اسلام هرگاه فردی مرتکب جرم و عمل نامشروعی شود، تشویق به توبه و بازگشت از مسیر شده است و حتی مواردی در کنار توبه، مسئله اصلاح نفس او هم مطرح گردیده است. (قیاسی و همکاران، ۱۳۹۱، ج ۱، ص ۳۷۹). در واقع این مطلب حاکی از آن است که هدف مجازات در اسلام صرف اجرای قانون و برقراری نظم در جامعه نیست، بلکه در کنار اجرای قانون توجه به اصلاح و تربیت افراد شده تا ریشه جرم و معاصی از اساس قطع شود. اما این مهم در مورد کودکان با پذیرش پاسخ های تادیبی مورد تأکید بیشتری قرار گرفته است. از این رو، در راستای جلوگیری از تکرار جرم و خطا و اصلاح و تربیت کودک، اقدام به تعزیر و تأدیب او پذیرفته شده است. (صانعی، ۱۳۹۷، صص ۲۱۸ - ۲۱۹).

با توجه به اینکه هر معلولی علتی دارد، از نظر والدین هر رفتار انحرافی که از کودک سر می زند نیز دارای علتی است؛ لذا، برای اصلاح رفتار انحرافی باید به علت و منشأ آن دست یافت و آن را تغییر داد و محو نمود. در روایتی از امام علی (ع) آمده است: «آن کس که بزرگی و کرامت نفس خود را باور داشته باشد آن را با گناه و خطا پست و ذلیل نخواهد کرد.» (نوری طبرسی، ۱۴۰۸، ج ۱۱، ص ۳۳۹). بر اساس این فرمایش منشأ لغزش و خطا فقدان عزت نفس و روحیه خودباوری در فرد می باشد. بنابراین در صورتی که شیوه تربیتی تغییر کند و روش صحیح تربیت دینی و اخلاقی در مورد خطاها و لغزش های کودکان بکار گرفته شود می توان به اصلاح کودک دست یافت. البته، در صورتی که تأدیب و تنبیه کودک برای تربیت و اصلاح نباشد، بر کودک، لطمه ی روحی و جسمی وارد می کند که ظلم است و به حکم عقل ظلم قبیح و ناپسند است و بنای عقلا نیز آن را نکوهش می کند؛ ولیکن در صورتی که به منظور حفظ نظام اسلامی و جلوگیری از آلودگی و فساد باشد، از واجبات بزرگ است و از اهمیت خاصی برخوردار است و این به حکم عقل است که باید بزهکار را تعزیر کرد؛ مؤید این دلیل عقلی روایتی از امام رضا (ع) راجع به دلایل نصب امام است: «خداوند امام را قیّم مردم قرار داد تا آنها را از انجام فساد باز

دارد و احکام الهی را به اجراء درآورد.» (صدوق، ۱۳۸۶، ص ۲۵۲) بر همین اساس، برخی از این شیوه‌های اصلاح رفتار در پرتو سیره و سخن اهل بیت (ع) که والدین بایستی نسبت به تربیت دینی و اصلاح آنها به کار گیرند.

والدینی که نسبت به اصول و ارزش‌های دینی پایبند و دارای اعتقادات مذهبی عمیق می‌باشند، معمولاً از خطا و لغزش در جامعه به دور بوده و کمتر دچار انحرافات اخلاقی و اجتماعی می‌گردند؛ به تبع کودکانی هم که در دامن این والدین پرورش یافته‌اند، کودکانی صالح و به دور از رفتارهای ناشایست و غیراخلاقی می‌باشند. به همین دلیل است که امام صادق (ع) در روایتی می‌فرماید: «قبل از پیشی گرفتن گروه‌های منحرف بر شما، نوجوانان خود را با احادیث و معارف ما آشنا کنید (طوسی، ۱۴۰۷، ج ۸، ص ۱۱۱). بنابراین، والدین و مربیان می‌توانند با پرورش ایمان مذهبی و تمایل به اعتقادات دینی که در فطرت هر انسانی نهفته است، نسبت به جهت دادن فطریات کودکان در شکوفائی این حس درونی اقدام نموده و آنها را در مسیر تربیت دینی و اخلاقی سالم قرار دهند. نمونه بارز ایجاد فضایی مذهبی و جذاب برای کودک در خانواده می‌باشد.

### - اخلاق مداری

اخلاق، بخشی از آموزه‌های دین اسلام است که به فضایل و رذایل اعمال انسان می‌پردازد. اخلاق به صفات درونی انسان گفته می‌شود که در درون نهادینه شده است. این واژه، هم خوی‌های نیکو و پسندیده مانند جوان‌مردی و دلیری را شامل می‌شود و هم خوی‌های زشت و ناپسند همچون فرومایگی و بزدلی را؛ (مصباح یزدی، ۱۳۹۴، ص ۱۹-۲۰؛ معلمی، ۱۳۸۴، ص ۱۳-۱۴) همچنین اخلاق فردی چون صبر و شجاعت و اخلاق اجتماعی مثل تواضع و ایثار را در بر می‌گیرد. (مکارم شیرازی، ۱۳۸۷، ج ۱، ص ۷۶) اخلاق اسلامی بخشی از آموزه‌های دین اسلام است که از فضایل و رذایل اعمال انسان سخن می‌گوید. (موسوی بجنوردی، ۱۳۸۵، ص ۱۲۸۵) دین اسلام برای اخلاق، اهمیت فراوان قائل شده است و هدف مهم رسالت پیامبر (ص) را اصلاح اخلاق انسان‌ها بیان کرده است. (بقره، ۱۵۱؛ آل عمران، ۱۶۴؛ جمعه، ۲) پیامبر اسلام (ص) در روایتی، هدف از نبوتش را تکمیل فضایل اخلاقی معرفی کرده است. (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۶۹، ص ۳۷۵؛ نوری طبرسی، ۱۴۰۸، ج ۱۱، ص ۱۸۷) بر این اساس، از جمله اهداف دین در زندگی انسان‌ها، اداره زندگی فردی و اجتماعی است که این مهم تنها در پرتو مجموعه خاصی از دستورهای اخلاقی، تأمین می‌شود. لذا، باید گفت: دین، بدون اخلاق، به اهداف خود نمی‌رسد و سعادت دنیا و آخرت انسان تأمین نمی‌شود. (مصباح یزدی، ۱۳۹۴، ص ۲۲۳) چنین اخلاقی دارای دو جنبه فردی و اجتماعی است. به طوری که جنبه فردی آن بدون در نظر گرفتن اجتماع قابل طرح است و جنبه اجتماعی آن، در رابطه فرد با انسان‌های دیگر، شکل می‌گیرد؛ به گونه‌ای که

اگر یک انسان، تنها زندگی کند، برای وی مطرح نخواهد شد. (مکارم شیرازی، ۱۳۸۷، ج ۱، ص ۷۶)

یکی از دلایل پیچیدگی هر مبنایی در خصوص پاسخ، این است که چنین مبنایی باید از قبل موضع خود را در خصوص بسیاری مسائل دشوار اخلاقی و حقوقی مشخص نموده باشد. پر واضح است که پیش فرض مبنای اخلاق مداری نیز اتخاذ موضع مخصوصی درباره ماهیت اخلاق و اختیار کودک است و همین موضع است که آن را از رقبای دیگرش متمایز می‌گرداند. بنابراین، بر اساس مبنای اخلاق مداری منظور از پاسخ آن نیست که کودک در مقابل آنچه جامعه انجام آن را از او می‌خواهد به نحوی شرطی شود؛ بلکه بنابر این مبنا، مقصود از پاسخ، آموزش این نکته به کودک بزهکار است که آنچه او انجام داده (یا قصد انجامش را دارد)، از آنجا که به لحاظ اخلاقی عملی نادرست است و نباید مرتکب آن شد، ممنوع شده است. به عنوان مثال، در صورتی که کودکی مرتکب بزه ای گردد و والدین نسبت به وی پاسخ تأدیبی تنبیه را اعمال نمایند، در واقع، هدف از پاسخ بر اساس این مبنا، فهماندن نادرستی عمل به کودک بزهکار است. در این صورت، در مبنای اخلاق مداری طبیعتاً از پیش مفروض است که اساساً واقعیتی به نام درست و نادرست وجود دارد. به عبارت دیگر، این مبنا طبیعتاً مبتنی بر عینیت‌گرایی اخلاقی<sup>۱</sup> است. از این‌رو، بر اساس این مبنا، هدف پاسخ تأدیبی یا کیفری باید چیزی بیش از صرف بازدارندگی از ارتکاب برخی بزه‌ها باشد، یعنی چنین پاسخی باید بکوشد تا دلایلی اخلاقی برای عدم ارتکاب بزه در اختیار کودک قرار دهند. با این وجود، مطابق این مبنا می‌توان مداوای همراه با رنج کودکانی را که اختیارشان را از دست داده و قانونی را نقض کرده‌اند، به منظور بازداشتن آنها از ارتکاب اعمالی مشابه در آینده، توجیه‌پذیر دانست؛ اما مبنای اخلاق مداری چنین معالجه‌ای را پاسخ نمی‌نامد. پس یک تمایز موجود میان مبنای اخلاق مداری و توجیه مبتنی بر بازدارندگی پاسخ، این است که بر اساس مبنای اخلاق مداری، والدین درصدد استفاده از رنج به صورتی قهرآمیز و برای ریشه‌کن ساختن تدریجی برخی رفتارهای ناشایست کودک نیستند، بلکه تمایل دارند کودک را به لحاظ اخلاقی آموزش دهند، به نحوی که کودک به انتخاب خود برخی رفتارهای ناصواب را کنار نهند. اما افزون بر این تمایز، اینکه بر اساس مبنای اخلاق مداری پاسخ تأدیبی یا کیفری به عنوان راهکار درمانی کودک بزهکاری که دارای اختلال روانی یا شخصیتی است و بیمار محسوب می‌گردد، واقع نمی‌شود، بلکه پاسخ به عنوان راهکاری است برای رساندن پیامی اخلاقی به کودکی که عملی غیراخلاقی انجام داده و باید به خاطر این عمل مسئول دانسته شود.

در مبانی فقهی و اسلامی نیز اخلاق مداری به عنوان مبنای تربیت دینی در آیات<sup>۱</sup> و روایاتی نیز مورد تأکید قرار گرفته است. به طوری که قرآن به عنوان منبع کامل مبانی اسلامی حدود تکلیف والدین را نسبت به تربیت اخلاقی کودکان در آیه و قیاس<sup>۲</sup> مشخص نموده است. مطابق این آیه، بزهکار شدن کودک به دلیل عدم توجه والدین به تربیت دینی و اخلاقی آنها در هفت سال اول زندگی آنها می باشد. (جان بزرگی، ۱۳۸۷، ص ۱۳) علاوه بر این، تربیت دینی و اسلامی کودک تنها با انس و الفت آنها با آموزه های دینی تحقق می یابد و از لحاظ سنی نیز در دوران قبل از بلوغ این نوع تربیت مؤثر می باشد؛ چرا که بعد از دوران بلوغ کودک علاقه و تمایل درونی به این نوع تربیت از خود نشان نمی دهد و لذا، این نوع اقدامات تربیتی بر رشد اخلاقی وی کارایی ندارد. (موحدی و همکاران، ۱۳۹۷، ص ۱۵) البته علاوه بر آیات قرآنی برخی روایات نیز به اخلاق مداری بسیار اهمیت داده اند؛ به طوری که در روایتی از پیامبر اکرم (ص) آمده است که: «همانا من برای کامل کردن کرامت‌های اخلاقی مبعوث شده‌ام.» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۱۶، ص ۲۱۰). بنابراین، مطابق این روایت اخلاق مداری به حدی مهم است که پیامبر (ص) مبعوث شدن خود را به پیامبری در این هدف دانسته است.

بنابراین، بی تردید اگر بخواهیم شاهد کاهش نرخ جرم در جامعه اسلامی باشیم، می‌بایست از شیوه‌ها و روش‌های تربیتی مناسب که مطابق با موازین و راهکارهای عقلی و شرعی است، بهره‌جویی کنیم. بهترین و کلیدی‌ترین شیوه‌های تربیتی را می‌توان در اقوال و افعال شایسته اهل بیت (ع) پی جویی کرد؛ زیرا آنان به عنوان بالاترین و برترین مربیان تربیتی بشر به حساب می‌آیند و تمامی مکاتب تربیتی عالم، چاره‌ای جز تسلیم و رهجویی از مکتب تربیتی اسلام و اهل بیت (ع) ندارند. بی‌گمان اهل بیت پیامبر (ص) بهترین و برترین سرمشق‌های اخلاقی برای کودکان هستند. هر کسی از بزرگ و کوچک اگر بخواهد در حوزه خودسازی و تزکیه نفس گام بردارد و فضایل اخلاقی را در خود ایجاد کند یا تقویت کند بایست از روش آنان پیروی کند.

### – بازدارندگی به منظور مصلحت و نظم عمومی

تعزیر یا تأدیب کودکان مطابق با مبانی فقهی و اسلامی به منظور مصلحت و نظم عمومی در جامعه می‌گردد. اطلاق مبانی فقهی اثبات‌کننده این است که هدف از تأسیس دولت و

۱- آیات ۳۳ و ۱۹۹ سوره اعراف؛ آیات ۷۸، ۱۶۹، ۱۹۵، ۲۶۳ و ۲۶۸ سوره بقره؛ آیات ۱۰۴ و ۱۹۳ و ۱۹۸ سوره آل عمران؛ آیه ۷۷ سوره قصص؛ آیه ۷۱ سوره هود؛ آیه ۹۶ سوره مؤمنون؛ آیه ۵۳ سوره اسراء؛ ۵۳؛ آیه ۴۵ سوره عنکبوت و آیه ۱۵۱ سوره انعام.

۲- «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قُوا أَنفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا وَقُودُهَا النَّاسُ وَالْحِجَارَةُ عَلَيْهَا مَلَائِكَةٌ غِلَاظٌ شِدَادٌ: ... ای مؤمنین خود و خانواده خویش را از آتش دوزخ محافظت کنید.» (آیه ۶ سوره تحریم)



حکومت اسلامی، بر پا کردن عدل و قسط در جامعه، اصلاح امور جامعه، جلوگیری از ظلم و ستم و انحرافات و نیز قطع ریشہ‌های فساد و منکر است. بر ہمین اساس، امام علی(ع) وجود امامت و رہبری را از ضروریات دانسته اند تا سبب سامان یافتن امور جامعه اسلامی گردد و در سایہ آن از ظلم جلوگیری شود و صاحبان حق بہ حقوق خود برسند. (دشتی، ۱۳۸۳، ۶۸۳). بنابراین، یکی از ملزومات در جامعه حفظ نظام و رفع ظلم می باشد. (خوبی، ۱۴۲۲، ج ۱، ص ۳۲۷). کہ تنها با وضع قوانین انجام این امور امکان پذیر است و بدیہی است کہ چنانچہ متخلفان از مقررات و قوانین مجازات نشوند، این وضعیّت باعث ہرج و مرج می شود و هیچ عقل سلیمی این را نمی پذیرد. از این رو، این قوانین باید ضمانت اجرایی داشته باشند. در این زمینہ فقہا بہ روایات متعدّد و سیرہ مشرّعہ و دلیل عقل استناد کردہ اند - نیازی بہ بیان آن ادلّہ در این مقالہ نیست. از نظر عقلی نیز حکومت اسلامی موظف است در ہر زمان حسب نیاز جامعه نسبت بہ تدوین و وضع قوانین و مقررات خاص در راستای مصالح اجتماعی اقدام کند و نسبت بہ متخلفان پاسخ تادیبی یا کیفری مقرر نماید. شارع مقدس در مورد گناہانی کہ مفسدہ کمتری دارند مجوّز تعزیر می دہد؛ وانگہی، بہ طریق اولی نسبت بہ سایر جرایم عمومی ای کہ نظم جامعه را مختل می کنند ساکت نیست. بدیہی است کہ در این موارد ضرورتی ندارد کہ سابقہ ای بر تحریم در نصوص وجود داشته باشد. بر این اساس، در مورد کودکان بزهکاری اتخاذ پاسخ های تادیبی یا کیفری در قالب تعزیر بہ منظور بازدارندگی آنها از فساد و تباهی در آیندہ ضروری می باشد تا از این طریق بتوان جامعه ای سالم، اسلامی داشت. بر ہمین اساس است کہ برخی عالمان فقہی در توجیہ جواز تعزیر کودکان ممیز بیان داشته اند کہ جواز تعزیر نسبت بہ کودک ممیز(صبی) بہ خاطر پیشگیری از فساد و قطع ریشہ‌های آن است و اصل در تشریح حدود و تعزیرات ہمین ملاک (قطع فساد) است» (طباطبایی، ۱۴۱۸، ج ۱۰، ص ۱۱۸).

## نتیجه گیری

پاسخ‌های ارائه شده به بزهکاری کودکان در حقوق کیفری اسلام براساس این واقعیت است که چنین پاسخ‌هایی بهره‌مند از مبانی اخلاقی و تربیتی مسلم می‌باشد. بهره‌مندی از این زیرساخت تربیتی به ویژه اخلاقی است که چنین پاسخ‌هایی تجویز می‌شود و از آنجا که از دیدگاه اسلامی نقش اصلی و اساسی در تأدیب و تربیت کودک را والدین در خانواده بر عهده دارند؛ لذا، آنها نیز می‌توانند برای تربیت دینی و اسلامی کودک چنین پاسخ‌های تأدیبی و تربیتی را در عمل بکار بگیرند؛ زیرا این نوع پاسخ‌ها صبغه اخلاقی دارند؛ مشروعیت چنین پاسخ‌هایی در پرتو رعایت مبانی می‌باشد که به منظور حفظ و ارتقای ویژگی‌ها و خصائص اخلاقی به کار بسته می‌شوند. واکاوی گونه‌های این منابع نشان می‌دهد که این مبانی افزون بر اتقان، متنوع نیز می‌باشند و اموری همچون اهتمام به رشد کودک، اصلاح و بازپروری، ترویج و تعالی فضایل اخلاقی محبت‌مداری و عدالت‌محوری را در بر می‌گیرند. از دیدگاه اسلام، مطابق چنین مبانی‌ای، هنگام اجرای پاسخ‌ها باید شخصیت و کرامت کودک را محترم شمرده شود تا زمینه‌های لازم برای رشد فضایل اخلاقی در وی و سرنوشت وی در آینده فراهم گردد؛ همه امور دینی برپایه این واقعیت اساسی رقم می‌خورد که همه تکالیف و قوانین در راستای تربیت و تزکیه انسان و تقویت فضایل اخلاقی در فرد و جامعه است. در این میان پاسخ‌دهی به جرایم و انحرافات و به ویژه بزهکاریهای نوجوانان نیز از این قاعده مستثنی نیست؛ لذا، ارزیابی و سنجش هر نوع اقدام در پاسخ‌دهی به بزهکاری کودکان در قوانین موضوعه برپایه همین معیار رقم می‌خورد. براین اساس هم برداشت‌های ناروایی که تعزیر خصوصاً تعزیر به معنای زدن با این واقعیت اسلامی در تضاد است و هم پاسخهایی که صرفاً نظم اجتماعی را مد نظر قرار می‌دهد با ارزشهای اخلاقی بیگانه است.

## فهرست منابع

قران کریم

۱. ابن ابی الحدید، عبدالحمید(۱۳۷۸)، شرح نهج البلاغه، قم، مکتبه آیت الله المرعشی.
۲. ابن منظور، محمد بن مکرم(۱۴۱۴)، لسان العرب، بیروت - لبنان، دار الفکر للطباعة و النشر و التوزیع - دار صادر، چاپ سوم.
۳. ایمن، حافظ(۱۳۷۰)، دفاع جامعه در مقابل جرم و مجرم، ترجمه: محمد علی اردبیلی، تهران، دانشگاه شهید بهشتی.
۴. تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد(۱۳۶۶)، تصنیف غرر الحکم و درر الکلم، محقق: درایتی، مصطفی، قم، مرکز النشر التابع لمکتب الاعلام الاسلامی.
۵. جان بزرگی، مسعود(۱۳۸۷)، آموزش اخلاق، رفتار اجتماعی و قانون پذیری به کودکان (راهنمای عملی)، تهران، نشر ارجمند، چاپ اول.
۶. جوهری، اسماعیل بن حماد(۱۴۱۰)، الصحاح - تاج اللغة و صحاح العربیة، چاپ اول، دار العلم للملایین، بیروت.
۷. جهانبخشی، حیدر علی؛ رحمان ستایش، محمد کاظم؛ فضل الهی، سیف اله(۱۳۹۰)، « مبنای فقهی و حقوقی خشونت تربیتی در مواجهه با اطفال بزهکار»، فصلنامه علمی تحقیقات حقوقی آزاد، دوره سیزدهم، شماره پنجاه.
۸. حاجی ده آبادی، احمد(۱۳۸۸)؛ جبران خسارت بزه دیده به هزینه دولت و نهادهای عمومی، قم، سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، چاپ اول.
۹. حبیبی، تهمینه(۱۳۸۱)، « نقدی بر کنوانسیون حقوق کودک»، مطالعات راهبردی زنان، شماره ۱۶.
۱۰. حر عاملی، محمد بن الحسن(۱۴۱۹)، وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه، قم: انتشارات اسلامیة.
۱۱. حلی، حسن بن یوسف بن مطهر اسدی(۱۴۱۴)، تذکره الفقهاء قم، مؤسسه آل البيت عليهم السلام، چاپ اول.
۱۲. خمینی، روح الله(۱۳۹۲)، تحریر الوسیله، قم، انتشارات الجماعه المدرسین قم، چاپ بیست و ششم.
۱۳. خویی، سید ابو القاسم موسوی(۱۴۲۲)، مبنای تکملة المنهاج، قم، مؤسسه إحياء آثار الإمام الخوئی، چاپ اول.

۱۴. دانایی، امیر هوشنگ (۱۳۸۷)، مرشد، فرهنگ عربی-فارسی، تهران، انتشارات نگاه.
۱۵. دشتی، محمد (۱۳۸۳)، نهج البلاغه، قم، انتشارات پویشگر، چاپ اول.
۱۶. دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۷)، لغت نامه، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ اول.
۱۷. راغب اصفهانی، حسین (۱۴۱۲)، المفردات فی غریب القرآن (مفردات الفاظ القرآن)، دمشق - بیروت، دارالقلم - الدار الشامیة، چاپ اول.
۱۸. سجادی، جعفر (۱۳۷۳)؛ فرهنگ معارف اسلامی، تهران، انتشارات کومش، چاپ سوم.
۱۹. سیاح، احمد (۱۳۷۳)، فرهنگ جامع عربی-فارسی، تهران، کتابفروشی اسلام، چاپ شانزدهم.
۲۰. صانعی، ابوذری (۱۳۹۷)، تعزیر و تأدیب کودک از منظر فقه و روانشناسی، تهران، دانشگاه عدالت.
۲۱. صانعی، پرویز (۱۳۷۱)، حقوق جزای عمومی، تهران، گنج دانش، چاپ چهارم.
۲۲. صدوق، ابن بابویه قمی، محمد بن علی بن بابویه (۱۳۸۶)، علل الشرائع، قم، کتابفروشی داوری، چاپ اول.
۲۳. طباطبایی حائری، سید علی بن محمد (۱۴۱۸)، ریاض المسائل فی تحقیق الاحکام بالدلائل، قم، مؤسسه آل البيت عليهم السلام، چاپ اول.
۲۴. طباطبایی، محمد حسین (۱۴۱۷)؛ المیزان فی تفسیر القرآن، قم، دفتر انتشارات اسلامی، چاپ پنجم.
۲۵. طباطبایی، محمد حسین (۱۳۷۱)، مجموعه مقالات، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپ اول.
۲۶. طریحی، فخر الدین (۱۴۱۶)، مجمع البحرين، تهران، کتابفروشی مرتضوی، چاپ سوم.
۲۷. طوسی، ابو جعفر، محمد بن حسن (۱۳۸۷)، المبسوط فی فقه الإمامیة، تهران، المكتبة المرتضویة لإحياء الآثار الجعفریة، چاپ سوم.
۲۸. طوسی، ابو جعفر، محمد بن حسن (۱۴۰۷)، تهذیب الأحکام، تهران، دار الکتب الإسلامیة، چاپ چهارم.
۲۹. طوسی، محمد بن حسن (۱۴۰۹)، التبیان فی دائرة المعارف قرآن کریم، تحقیق: احمد حبیب قصیر عاملی، چاپ اول، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
۳۰. علی اکبری بابوکانی، احسان؛ عباسپور، رضا؛ ناصری، حسین، (۱۳۹۰)، «واکاوی مجازاتهای کودک از منظر فقه امامیه»، پژوهشنامه فقه و حقوق اسلامی، سال چهارم، شماره هفتم.
۳۱. فراهیدی، خلیل بن احمد (۱۴۱۰)، کتاب العین، قم، نشر هجرت، چاپ دوم.
۳۲. قیاسی و همکاران (۱۳۹۱)، مطالعه تطبیقی حقوق جزای عمومی (اسلام و حقوق موضوعه)، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، چاپ چهارم.
۳۳. کاتوزیان، ناصر (۱۳۸۷)، مبانی حقوق عمومی، تهران، نشر میزان، چاپ سوم.

۳۴. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷)، اصول الکافی، چاپ اول، تہران، دار الاسوہ للطباعہ و النشر.
۳۵. متقی ہندی، علاءالدین علی بن حسام‌الدین (۱۴۱۳)، کنز الاعمال فی سنن الاقوال و الافعال، بیروت، مؤسسہ الرسالہ.
۳۶. مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳)، بحار الانوار الجامعہ لدرر اخبار ائمہ الاطہار، دار احیاء التراث العربی، بیروت.
۳۷. محمدی اشتهاری، محمد (۱۳۷۶)؛ گناہ شناسی: درسہایی از قرآن از استاد محسن قرائتی در سیمای جمهوری اسلامی ایران، تہران، پیام آزادی، چاپ دوازدہم.
۳۸. مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۹۴)، فلسفہ اخلاق، تحقیق و نگارش: احمدحسین شریفی، قم: مؤسسہ آموزشی و پژوهشی امام خمینی، چاپ سوم.
۳۹. مصطفوی، حسن (۱۳۶۰)، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، قم، مؤسسہ الطباعہ و النشر.
۴۰. معلمی، حسن (۱۳۸۴)، فلسفہ اخلاق، قم: مرکز جهانی علوم اسلامی، چاپ اول.
۴۱. معین، محمد (۱۳۹۱)، فرہنگ فارسی معین، تہران، انتشارات امیر کبیر، چاپ بیست و ہفتم.
۴۲. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۸۷)، اخلاق در قرآن، قم: امام علی بن ابیطالب (ع).
۴۳. موحدی پارسا، فاطمہ و ہمکاران (۱۳۹۷)، «امکان تربیت اخلاقی کودکان تا ہفت سال بر اساس آموزہ های اسلام (آیات و روایات)»، دوفصلنامہ علمی پژوهشی تربیت اسلامی، سال سیزدہم، شمارہ ۲۶.
۴۴. موسوی بجنوردی، سید محمود (۱۳۸۵)، بررسی نقش اخلاق در فقہ و حقوق (۱) و (۲)، بازتاب اندیشہ، شمارہ ۸۳.
۴۵. نجفی، محمد حسن (۱۴۰۴)، جواہر الکلام فی شرح شرائع الإسلام، بیروت - لبنان، دار احیاء التراث العربی، چاپ ہفتم.
۴۶. نوری طبرسی، حسین بن محمدتقی (۱۴۰۸)، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، مؤسسہ آل البیت (علیہم السلام) لإحیاء التراث، بیروت.
۴۷. واسطی زبیدی، محب الدین سید محمد مرتضی (۱۴۱۴)، تاج العروس من جواہر القاموس، بیروت - لبنان، دار الفکر للطباعہ و النشر و التوزیع، چاپ اول.



نوع مقاله: پژوهشی

صفحات ۲۳ - ۴۰

## نمودهای تأثیر گذار بر رفتار شهری در داستان‌های معاصر با محوریت داستان‌های جنگ

مریم اخباری<sup>۱</sup>

آرش مشفق<sup>۲</sup>

حسین داداشی<sup>۳</sup>

### چکیده

هدف از این مقاله بررسی سیمای شهر و ویژگی‌ها و نمودهای شهری در پنج اثر داستانی حوزه ادبیات جنگ است. بدین منظور، پنج اثر داستانی حوزه ادبیات جنگ (دفاع مقدس)، گزینش شد. محتوای آن‌ها از نظر عناصر و نمودهای شهری مورد بررسی قرار گرفت. نتایج این بررسی نشان داد، در این آثار جنگ در شهرها، بمباران، فقر و قحطی، ویرانی و نابودی فضای ظاهری شهرها و عناصر شهری در اثر جنگ از بیشترین بسامد برخوردارند. در تمامی این آثار، شهر سیمایی تیره و غم‌آلود دارد. گورستان‌ها و بیمارستان‌ها مملو از شهید و مجروح است. اغلب مردم شهر، یا مهاجرت کرده‌اند یا آن‌ها که مانده‌اند فقر مانع رفتن آن‌ها گردیده. عناصر مدرنیته شهری، ابزاری هستند در بستر جنگ. همچنین رویکرد به ادبیات داستانی جنگ از بعد عناصر شهری، حاکی از آن است که اغلب نام شهرهای درگیر جنگ بیشترین کاربرد را داشته‌اند.

### واژگان کلیدی

نمودهای شهری، ادبیات معاصر، داستان‌های دفاع مقدس.

۱. دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی، واحد بناب، دانشگاه آزاد اسلامی، بناب، ایران.

Email: maryam.akhbari1355@gmail.com

۲. استادیار و عضو هیئت علمی گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد بناب، دانشگاه آزاد اسلامی، بناب، ایران. (نویسنده مسئول)

Email: arashmoshfeghi@gmail.com

۳. استادیار و عضو هیئت علمی گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد بناب، دانشگاه آزاد اسلامی، بناب، ایران.

Email: hossein.dadashi53@yahoo.com

پذیرش نهایی: ۱۴۰۱/۱۰/۲۵

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۷/۲۷

## طرح مسأله

شهر، یکی از اصلی‌ترین محیط‌های زندگی در نظام اجتماعی معاصر است. که متشکل از ساختارها و نهادهای گوناگون اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و صنعتی است. طی سده‌های اخیر، تعاریف متعددی از سوی اندیشمندان جغرافیا، جامعه‌شناسی، اقتصاد، جمعیت‌شناسی و برخی علوم دیگر از شهر ارائه شده است.

«انعکاس تحولات درونی و سطحی شهرها در ادبیات داستانی، رهیافتی است که می‌تواند در شناخت بازه‌های تاریخی یک جامعه به پژوهشگران یاری رساند اما از سوی دیگر عناصر و پدیده‌های مختلفی می‌تواند بر چگونگی تصویرسازی تحولات فضای اجتماعی شهر در ذهن و تراوشات قلمی نویسنده تأثیر گذارد. شناخت عناصر اصلی و نحوه ساخت این عناصر در اندیشه یک نویسنده، بازگوکننده میزان انطباق تصویر ساخته شده از متن داستان با جامعه بیرونی و تحولات تاریخی آن است. شناخت فضاهای اجتماع شهری با استفاده از متون ادبیات داستانی بدون توجه به نحوه ارتباط متن داستانی، فضای اجتماعی شهری و نویسنده، امری ناقص و شاید گمراه‌کننده باشد.» (مدنی، ۱۳۹۶: ۲۱۴-۱۸۹)

به عبارتی بهتر، داستان‌ها و رمان‌ها به‌عنوان یکی از دستاوردهای ادبیات معاصر، نقش بنیادینی در نمایاندن فضای شهری و تغییر و تحولات متفاوت آن‌ها تحت تأثیر عوامل مختلف اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و... ایفا کرده‌اند. دستیابی به محتوای ادبیات داستانی از مواردی است که می‌توان از طریق آن به بازنمایی و شناخت فضای اجتماعی شهرها دست یافت. شکل‌گیری فضای شهری و چگونگی ویژگی‌های مختلف ظاهری، فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی، جمعیتی و... در دوره‌های مختلف تحت تأثیر عوامل متعددی از جمله انقلاب و جنگ تغییر می‌یابد. با آغاز جنگ تحمیلی در سال ۱۳۵۹ مسأله جنگ در ادبیات داستانی معاصر ایران منعکس شد و پرداختن به جنگ و تبعات اجتماعی، انسانی، سیاسی و اقتصادی آن، راه‌های نوینی را پیش پای نویسندگان قرار داد و بسیاری از آن‌ها نسبت به جنگ و پیامدهای آن احساس مسئولیت کردند. و بیش از صدها و هزاران رمان و داستان کوتاه در این زمینه خلق نمودند.

پژوهشگر بر آن است تا معیار گزینش داستان‌ها و رمان‌ها در این پژوهش را، رویکردهای چهارگانه نویسندگان معاصر به موضوع جنگ قرار بدهد. آثاری که با این رویکردها انتخاب شده‌اند عبارت‌اند از: داستان‌های ارزش محور (ارمیا)، داستان‌های جامعه‌محور (زمین سوخته)، داستان‌های انتقاد محور (ثریا در اغماء، زمستان ۶۲)، داستان‌های انسان‌محور (پل معلق). با نگاهی به سیمای شهر و شهرنشینان در آثار داستانی جنگ، علل و عوامل گوناگونی در شکل‌گیری فضاها و تصاویر شهر آن داستان‌ها نقش داشته‌اند. نخستین عامل مهم که بر موضوع



و درونمایه آثار تأثیر گذاشته، تأثیرپذیری این نویسندگان از جنگ تحمیلی و مباران است. اقتصاد بحران زده، قحطی و فقر، مهاجرت، دفاع از وطن، مرگ اندیشی، شهادت و بسیاری از ناهنجاری ها و آسیب های روانی در جامعه و... از جمله عناصر و نمودهای شهری بارزی است که در این ۵ اثر داستانی مشهود است. این عوامل موجب حاکمیت مفاهیمی چون مبارزه در راه آرمان ها، جنگ، شهادت، ویرانی شهرها، آوارگی مردم جنگ زده، مهاجرت برخی از شهرنشینان، محرومیت، فقر اقتصادی و فرهنگی سطوحی از جامعه، در این داستان ها گردیده است.

### روش تحقیق

در این پژوهش تلاش شده تا به شکلی توصیفی و تحلیلی با ابزار کتابخانه ای و اسنادی، به چگونگی تأثیر جنگ و تبعات آن در شکل گیری تصویر شهری در دوره معاصر پرداخته شود. به این منظور، از میان تعداد کثیری از داستان هایی که در حوزه ادبیات جنگی جای گرفته اند، تعدادی محدود و شاخص بر اساس رویکردهای چهارگانه به ادبیات جنگ<sup>۱</sup> را برگزیدیم. این داستان ها عبارتند از «زمین سوخته»، از احمد محمود، «ارمیا» نوشته رضا امیرخانی، «ثریا در اغمء» و «زمستان ۶۲» اثر اسماعیل فصیح، «پل معلق» از محمدرضا بایرامی. سپس هر کدام از این داستان ها با در نظر گرفتن عناصر شهری و نمودهای مختلف آن، بررسی شد و از نشانه هایی که به نوعی با عناصر و زندگی شهری در ارتباط بودند، یادداشت برداری گردید. در مرحله بعدی انواع عناصر شهری و موارد رویکرد به شهر، که تحت تأثیر جنگ و تبعات ناشی از آن رنگ و بوی متفاوتی به خود گرفته اند، دسته بندی و از نظر کیفیت حضور و تحول و نوآوری، بررسی گردید.

### پیشینه تحقیق

در زمینه ادبیات پایداری، تاکنون مقالات متعددی به چاپ رسیده است. از جمله آن ها می توان به مقاله «رویکردهای عمده ادبیات داستانی جنگ» نوشته «مهدی سعیدی» اشاره کرد. نویسنده در این پژوهش سعی نموده رویکردهای متفاوتی که ادبیات دفاع مقدس، به موضوع جنگ داشته است بررسی کند. همچنین در مورد تعریف شهر و عناصر تشکیل دهنده آن، مقاله ای تحت عنوان «بازنمایی فضای شهری در ادبیات داستانی معاصر» از «سعید مدنی» قابل ذکر می نماید. مؤلف در آن پژوهش، صرفاً به تحلیل فضای اجتماعی در ۵ اثر داستانی معاصر ایران، در محدوده زمانی انقلاب مشروطه تا انقلاب ۱۳۵۷ پرداخته است. اما در راستای بررسی نمودهای شهری در آثار داستانی معاصر ایران و ارتباط آن با پدیده جنگ و مباران و... تحقیق و پژوهشی تاکنون صورت نگرفته است.

## ضرورت مسئله

جنگ و دفاع مقدس، از جمله موضوعات اساسی و بنیادینی است که در چگونگی شکل‌گیری سیمای متفاوت شهری، فرهنگ مردم، ایجاد تیپ‌های خاص در جامعه، خلق باورها و اعتقادات متفاوت، نوع روابط اجتماعی مردم، ایجاد ارزش‌های خاص در جامعه، کمیت جمعیت و... تأثیر بسزایی دارد. همه این عوامل مذکور از شاخصه‌های اصلی و مهم در شکل‌گیری و ایجاد فضای شهری است.

در کلیت داستان‌هایی که در حوزه ادبیات جنگ قرار می‌گیرند، توجه و تمایل به ویرانی‌ها و خرابی‌های ناشی از جنگ و پیامدهای اجتماعی و فرهنگی و تأملات روحی و جسمی مردمان شهر را می‌توان یافت. همچنین تبعات ناشی از جنگ، یکی از مضمون‌های اصلی است که در پیوند با شهر در آثار داستانی معاصر مشهود است. از این رو مطالعه برخی رمان‌ها و داستان‌های جنگ برای دستیابی به نمودهای شهری حاصل از جنگ، از اهداف این مقاله است. برای دستیابی به این هدف، این مقاله به دنبال پاسخگویی به چند پرسش اساسی و مهم به شرح زیر است: الف) جنگ چه تأثیری در کیفیت و کمیت عناصر مختلف شهری دارد؟ ب) کدام‌یک از عناصر و ویژگی‌های ساختار شهری در کانون توجه نویسندگان معاصر ادبیات جنگ قرار گرفته‌اند؟ ج) داستان‌های معاصر تا چه میزان بازتاب دهنده چهره واقعی شهرهای ایران در دوران جنگ و بعد از آن بوده‌اند؟

### ۱. تعریف ادبیات جنگ و تأثیر آن بر ادبیات داستانی

«ادبیات جنگ، نوشته‌ها و آثاری است که به نوعی به جنگ و مسائل مرتبط با آن می‌پردازد. در دوره معاصر، ادبیات جنگ به نوشته‌ها و آثاری اطلاق می‌گردد که محور اصلی آن‌ها جنگ ایران و عراق (۱۳۶۷-۱۳۵۹) است.» (شریفی، : ۱۳۸۷: ۱۰۱، ذیل ادبیات جنگ) نویسندگان و روایتگران جنگ تحمیلی با الهام از واقعیات و قوه خالق خود آثاری خلق کردند که نسل امروز با تمام رشادت‌ها و از خودگذشتگی‌های پدران، مادران، خواهران و برادران خود را در دفاع از کیان این آب و خاک به خوبی ترسیم می‌کند. «ادبیات پایداری، هدفمند است؛ هدف اصلی آن، ایجاد انگیزه و تحرک در جامعه برای مبارزه با استبداد داخلی یا تجاوز بیرونی با آگاهی دادن و بیدار کردن مردم است.» (جهانگرد، ۱۳۹۵: ۷۱).

ادبیات داستانی همواره بستر مناسبی برای بازنمایی پدیده‌های اجتماعی و تاریخی بوده است و نویسندگان در قالب و ژانرهای مختلف به فراخور سبک و سیاق ادبی و پشتوانه فکری‌شان به آن پدیده‌ها پرداخته‌اند. جنگ نیز به‌عنوان پدیده‌های اجتماعی و تاریخی بارها و به روش‌های مختلف، موضوع و دستمایه آثار بسیاری، چه در ادبیات ایران و چه در ادبیات غرب قرار گرفته است. نویسندگان و پژوهشگران، تعاریف مختلفی برای این نوع ادبی مطرح کرده‌اند.

«ادبیات جنگ هم شامل آن دسته از آثاری می‌شود که به توصیف جنگ، رزمندگان، وقایع و صحنه‌های جنگ، ادوات و ابزار جنگ، نقشه‌ها و فنون جنگ و... می‌پردازد. و هم آن دسته که غیرمستقیم مسائل مربوط به جنگ نظیر مهاجرت، مبارزان شهرها، خانواده‌ی رزمندگان، ترغیب افراد به پیوستن به جبهه‌ها، مسائل پشت جبهه را توصیف می‌کنند. همچنین ادبیات جنگ نه تنها شامل آثار ادبی تولید شده در صحنه‌های جنگ و زمان جنگ، بلکه آثار تولید شده در خارج صحنه‌های نبرد و زمان پس از جنگ را نیز در بر می‌گیرد.» (کوثری، ۱۳۷۹: ۳۴) «داستانی که از جنگ، برای جنگ، درباره‌ی جنگ و حواشی آن نوشته می‌شود، ادبیات داستانی جنگ محسوب می‌شود.» (حنیف، ۱۳۸۶: ۱۱).

## ۲. تعریف شهر و عناصر شهری

«فضای شهری ساختاری سازمان‌یافته، آراسته و واجد نظم به‌صورت کالبدی برای فعالیت‌های انسانی است.» (توسلی، ۱۳۸۶: ۱۸) فضای شهری به مثابه‌ی یک محیط اجتماعی در بردارنده‌ی مجموعه‌ای از ارتباطات است. «شهر، ظرف زندگی مردم و مکان حضور اندیشه‌ها و آرمان‌هایشان است و تجلیگاه تفکراتی است که مبنای زندگی انسان‌ها را تعیین می‌کند.» (احمدی، نیاز خانی، لطیفی، ۱۳۹۸: ۸۵). شهر به‌طور کلی قوانین حاکم بر روابط فرهنگی مردمان یک جامعه را در خود به نمایش می‌گذارد. فرهنگ در اشکال، ترسیمات، ابزار و محیط فیزیکی ظاهر می‌شود. و طراحی‌های شهری، طراحی خانه‌ها و ساختارهای عمومی به‌طور صریح بازتاب ارزش‌ها و اعتقادات یک فرهنگ هستند. بنابراین فضای شهری با رویکردی اجتماعی، محصولی فرهنگی به‌شمار می‌آید که تحت تأثیر نیروهای بر خاسته از فرهنگ و اجتماع شکل گرفته است. این نیروها مجموعه قوانین و هنجارهای نهادینه شده‌ی جامعه است. که به‌واسطه ارزش‌ها از قدرت و نیروی لازم برای بهنجار کردن مردم برخوردار است. و همین نیروها هستند که در تعامل بین فرهنگ و اجتماع به خلق فضای شهری منجر می‌شوند. در واقع، می‌توان گفت شهر بستر فرهنگ مدرن و رمان، تصویرگر آن به‌شمار می‌آید. و این نویسنده است که با تصویر و مفهوم‌سازی، به درک و چگونگی فضای آن (شهر) کمک خواهد کرد.

## ۳. نگاهی اجمالی به محتوای آثار داستانی

### الف) زمین سوخته (احمد محمود)

داستان «زمین سوخته» داستان و روایت ۳ ماه اول جنگ ایران و عراق است، از زبان مردی اهل اهواز که با وجود مباران‌های متوالی و مرگ بسیاری از دوستان و آشنایان در آنجا می‌ماند. این داستان به قدری قابل لمس و حس هست که خواننده‌ای که در زمان اکنون داستان را می‌خواند احساس عجیبی پیدا می‌کند. جنگ و مشکلات آوارگان و در رسیدن کمک‌ها و افزوده

شدن شهدا و خراب شدن خانه‌ها با قرآتی جدید و جالب در این داستان روایت می‌شود.

### (ب) ارمیا (رضا امیرخانی)

داستان «ارمیا» داستانی متفاوت از جنگ هشت ساله ایران و عراق است. ارمیا فرزند پسر یک خانواده مرفه است. وی دانشجوی رشته عمران است. اما تصمیم ناگهانی وی برای اعزام به جبهه همه چیز را تغییر می‌دهد. وی طرز فکری متفاوت از خانواده‌اش دارد. دانشگاه را رها کرده برای رفتن به جبهه ثبت‌نام می‌کند. در واقع داستان در سه بخش روایت می‌شود. روایت اول مربوط به دوران اعزام ارمیا به جبهه، داستان رفاقت با مصطفی و اتفاقاتی است که در سنگر رخ می‌دهد. در بخش دوم ارمیا به تهران بازمی‌گردد و جنگ و آنچه در جبهه برای او رخ داده، چنان تحولی را در درون او ایجاد کرده است که تاب و تحمل زندگی در خانه اشرافیشان را ندارد! و در نهایت در سومین بخش کتاب، قهرمان داستان در جنگ‌های شمال ایران حضور می‌یابد.

### (پ) ثریا در اغما (اسماعیل فصیح)

«ثریا در اغما» رمانی است نوشته «اسماعیل فصیح» که به مسئله مهاجرت و دوری از وطن می‌پردازد. جلال آریان، کارمند شرکت ملی نفت ایران، برادرزاده‌ای به نام ثریا دارد. ثریا که درسش در فرانسه تمام شده است، قصد بازگشت به ایران را دارد اما طی حادثه‌ای به کما می‌رود. بعد از این اتفاق، جلال از آبادان به فرانسه می‌رود تا به وضعیت برادرزاده‌اش رسیدگی کند. در آنجا با کسانی که بعد از انقلاب از ایران خارج شده‌اند هم‌نشین می‌شود. «ثریا در اغما» شرح، توصیف و بیان احساسات و اتفاقاتی که در این وضعیت بر وی می‌گذرد. هم‌زمان با این اتفاق جنگ ایران و عراق نیز در حال شروع است.

### (ت) زمستان ۶۲ (اسماعیل فصیح)

در دی‌ماه ۱۳۶۲ جلال آریان، استاد بازنشسته دانشکده نفت آبادان، به طور اتفاقی به همراه دکتر فرجام، متخصص کامپیوتر از آمریکا به اهواز می‌رود تا ادريس پسر بسیجی مستخدمش را که در خلال جنگ مفقود شده است، بیابد. وی سپس با دکتر فرجام جوان که می‌خواهد مرکز کامپیوتری را برای شرکت نفت راه‌اندازی کند، بیشتر آشنا می‌شود. دکتر فرجام با مقررات دست و پاگیر اداری و گزینه‌های صلاحیت‌های درگیر شده، از کار دلسرد می‌شود و سپس به خاطر نجات جان سربازی که چشمان نامزدش شبیه نامزد فوت شده اوست، به جای سرباز به خط مقدم رفته، شهید می‌شود تا سرباز بتواند با کارت او به خارج کشور فرار کند.

### (ث) پل معلق (محمد رضا بایرامی)

داستان پسری ۱۸ ساله بنام «نادر صدیف» است که از خانواده‌ای کاملاً معمولی به خدمت سربازی می‌رود. نادر از تهران به منطقه‌ای دورافتاده اعزام می‌شود و در کنار پلی قرار می‌گیرد که

در اثر بمباران ویران‌شده و به جای پل قبلی، پلی موقت برای عبور و مرور روی رودخانه زده‌اند. نادر خود را از شهری پرهیاهو به گوشه‌ای پرت از این سرزمین می‌رساند و در آنجا به‌مرور خاطرات تلخ گذشته خود می‌پردازد.

#### ۴. چگونگی رویکرد به عناصر شهری

هر پژوهشگری با توجه به دیدگاه و تخصص خویش، تعریف‌هایی از شهر و عناصر شهری ارائه می‌دهد. در این بخش از مقاله، نویسنده سعی نموده عناصر مشترک این حوزه را با در نظر گرفتن ابعاد مختلف تعاریف عناصر شهری، اعم از گستردگی جمعیتی، صنعتی، اداری، ویژگی‌های اجتماعی و فرهنگی و... با ذکر نمونه متن‌هایی از آثار داستانی مذکور، کیفیت حضور آن عناصر در داستان‌ها را تحلیل کند.

#### ۴-۱. ساختار ظاهری جامعه‌ی شهری

##### ۴-۱-۱. فضاهای عمومی شهر

در ابتدای رمان «زمین سوخته» وقتی هنوز خبر حمله عراق در حد شایبه‌ای در اذهان مردم است، آرامشی مطلق در شهر حکم فرماست. همه اقشار شهر در نهایت امنیت و آرامش، مشغول روزمرگی‌های خود هستند. راوی شهر را این‌گونه توصیف می‌کند «آفتاب از لب بام پریده است. چراغ خیابان‌ها روشن شده است. نانوائی خلوت است. مجید شیر برنجی کنار دیگ بزرگ شیر برنج، رو سنگفرش مقابل نانوائی نشسته است و مگس می‌پراند.» (محمود، ۱۳۶۱: ۱۴) و (همان: ۱۸) وقتی همه اهالی شهر کوچ کرده و شهر را خالی گذاشته‌اند، چنین تصویری از شهر به چشم می‌خورد «همه‌جا ساکت است. جابه‌جا آنتن تلویزیون‌ها روی بام‌ها یک‌سوی شده است. لابد کسی تو خانه نیست.» (همان: ۳۱۹) در اوج بحران جنگ، که همه‌جا پر از شهید و ویرانی است، فضایی کاملاً تاریک بر شهر حکم فرماست. «خیلی‌ها سیاه پوشیده‌اند. این روزها تو اهواز کمتر خانواده‌ای پیدا می‌شود که عزادار نباشد. وانت‌بار سیاه‌پوشی پشت سر تابوت‌هاست. تابوت‌ها دست‌به‌دست می‌شوند.» (همان: ۲۶۶) و (فصیح، ۱۳۶۶: ۶-۵) و (بایرامی، ۱۳۸۱: ۷۴)

در داستان «ارمیا» بعد از بازگشت شخصیت اصلی داستان (ارمیا) از جبهه، با چنین تصویری از شهر مواجه می‌شود «دیوارهای سنگی سفید به طرز عجیبی از شعارنویسی مصون مانده بودند. مثل یک ورق سفید در انتظار مداد نویسنده.» (امیرخانی، ۱۳۸۷: ۴۱) در بخشی از همین داستان، ارمیا مجدداً به دانشگاه مراجعه می‌کند تا ادامه درس‌هایش را پیگیری کند. در نظر وی دانشگاه چنین می‌نماید «دیوارهای آجری سرخ؛ ساختمان‌های بلند و کوتاه و راه‌های درازی که این ساختمان‌ها را به هم وصل می‌کردند. راه‌ها مثل مار دور ساختمان‌های آجری چنبره زده بودند. معلوم نبود چرا این دیوارها را با آجر قرمز ساخته بودند. اگر دیوار دور را بلندتر می‌ساختند، چیزی مثل زندان در ذهن آدم درست می‌شد. اما اینجا دانشگاه بود، دانشگاه صنعتی بوعلی!»

(همان: ۷۰) شهر تهران در داستان «ارمیا» بعد از اتمام جنگ، حال و هوای دیگری به خود می‌گیرد «در خیابان‌های شلوغ تهران دیگر از ماشین‌های گلی خبری نبود. ماشین‌هایی که برای استتار، روی آن‌ها گل می‌مالیدند، جایشان را به ماشین‌های نو داده بودند. دیگر اتوبوس‌های حمل رزمندگان به جبهه، سرویس رفت و برگشت مدارس دخترانه شده بودند.» (همان: ۸۳)

#### ۴-۱-۲. مراکز علمی - آموزشی

در بخش‌های آغازین رمان «زمین سوخته» پیش از آن که جنگ در شهر فراگیر شود، جوی کاملاً آرام توأم با شور و نشاط حاکم است. همهٔ امور زندگی و آموزشی در روال عادی خود در جریان است. «به باز شدن مدارس چیزی نمانده. بچه‌ها مقابل کتاب‌فروشی اسلامی شلوغ کرده‌اند. دارند کتاب درسی می‌خرند. شور و شوق بچه‌ها که به مدرسه می‌روند، به شهر چهرهٔ دیگری می‌دهد.» (محمود، ۱۳۶۱: ۱۸) از جمله بخش‌های آموزشی که در داستان ارمیا در نظر راوی - شخصیت اصلی داستان - نمود خوشایند و رضایت‌بخشی ندارد، بخش آموزش دانشگاه‌ها است. ارمیا از جنگ بازمی‌گردد و راهی دانشگاه و بخش آموزشی آنجا می‌شود تا کارهای اداری برگزاری مجدد امتحاناتش را انجام دهد. «اداره آموزش دانشگاه معمولاً جزء قسمت‌هایی بود که دانشجویان خیلی دوست نداشتند گذرشان به آنجا بیفتد. یک دانشجو که تازه بر صورتش چند دانه مو روییده است، به اداره آموزش می‌رود و به کارمندی که دو برابرش سن دارد، امر و نهی می‌کند.» (امیرخانی، ۱۳۸۷: ۷۷)

#### ۴-۱-۳. سازمان‌های اداری و مؤسسات

تأثیرپذیری داستان‌نویسان جنگ از این حادثهٔ مهم، باعث گردید نام سازمان‌ها و مؤسساتی نمود پیدا کنند که تا قبل از آن دوره، کاربرد و معنایی نداشته‌اند. از جملهٔ این سازمان‌ها، سازمان بنیاد شهید است «با نام‌های که از بیمارستان شهید بقائی در دست دارم، به بنیاد شهید و مرکز امور جنگ‌زدگان و بیمارستان‌ها و مراکز مجروحین و اسکان‌های معلولین جنگی مراجعه می‌کنم.» (فصیح، ۱۳۶۶: ۱۳۸)

#### ۴-۱-۴. مراکز خدماتی

فرودگاه‌ها اولین مراکزی هستند که با بمباران آن‌ها جنگ علناً شروع می‌شود. بعد از اولین بمباران که فرودگاه اهواز، تبریز، همدان، دزفول و تهران نابود می‌شود، شهر چنین تصویری به خود می‌گیرد «غروب، چراغ‌های شهر روشن نمی‌شود. مردم انگار که از زمین جوشیده باشند، از خانه‌ها بیرون ریخته‌اند. همه، با هیچ آشنایی قبلی با گرمی از همدیگر استقبال می‌کنند.» (محمود، ۱۳۶۱: ۲۵) و (همان: ۲۳۲).

#### ۴-۱-۵. مراکز درمانی

بنا به موضوع محوری (جنگ) که در آثار مذکور برجستگی و الایی دارد، مراکز درمانی همچون بیمارستان، درمانگاه و... در کانون توجه نویسندگان قرار گرفته‌اند. بیمارستان‌ها مملو از خیل زخمی‌ها و مجروحین است «تو اتاق عمومی، تمام تخت‌ها پر است. حتی رو زمین هم مجروح خوابیده است. حتی تو راهروها پتو پهن کرده‌اند و مجروحین را کنار همدیگر خوابانده‌اند.» (همان: ۱۳۷) گاهی از شدت مراجعه مجروحین و مصدومین به بیمارستان، این مرکز خدماتی تبدیل می‌شود به خانه امن پزشکان فداکار و ایشارگر! (همان: ۱۲۳) و (فصیح، ۱۳۶۶: ۴۹)

#### ۴-۱-۶. مکان‌های مذهبی - زیارتی - تفریحی - ورزشی - رفاهی

مکان‌های مختلف مذهبی، رفاهی، تفریحی، ورزشی و... در آثار داستانی جنگ به انحاء متعدد گاهی حضور می‌یابند. اما بنا به موضوعات محوری و فضای نابسامان حاکم بر این آثار، مکان‌های تفریحی و ورزشی (پارک، سینما، موزه، باغ‌وحش و...) نمود چندانی ندارند. اگر هم نامی از آن‌ها برده می‌شود، بسیار کمرنگ و اغلب در جهت تشدید در توصیف خرابی‌ها و ویرانگری‌های ناشی از جنگ و بمباران است. در رمان «پل معلق» راوی وقتی مشغول مرور خاطرات خویش است، اشاره‌ای دارد به سینما، صرفاً به‌عنوان مکانی برای گذران وقت. «از پله‌های ایستگاه رفت بالا... چرا نرفته بود پارک یا سینما یا جایی دیگر که بشود وقت را کشت؟» (همان: ۱۲) قهوه‌خانه‌ها، از جمله مکان‌های پربسامد در این آثار به شمار می‌روند. چراکه مکانی برای دورهم شدن مردم تلقی می‌شود، نشر اخبار و اطلاعات به روز جنگ در همین قهوه‌خانه‌ها رخ می‌دهد و گاهی مکانی می‌شود برای تفریح اهالی محل «قهوه‌خانه خلوت است. عصرها شلوغ می‌شود. مردم محل، عصر که می‌شود تو قهوه‌خانه مهدی پاپتی، دور همدیگر جمع می‌شوند و به حرف زدن و کبریت بازی و شرط‌بندی که تا شب شود.» (محمود، ۱۳۶۱: ۱۰۵) مسجد نیز به‌عنوان مکانی مقدس، در آثار داستانی جنگ محل تجمع نیروهای مردمی و سربازان برای اعزام به خط مقدم است. مکانی برای تجلی اتحاد و یکدلی مردم. «تو تمام مساجد شهر و کمیته‌ها، غلغله مردم است. صف داوطلبان جبهه و جنگ‌های چریکی، روبروی مساجد و کمیته‌ها، لحظه‌به‌لحظه درازتر می‌شود. می‌خواهند تو میدان جمع شوند. و به طرف مسجد راه پیمائی کنند و برای آزاد کردن زندانی‌ها شعار بدهند.» (همان: ۵۵ و ۲۹۷) «رستوران‌ها نیز مثل بقیه‌ی جاهای اهواز تقریباً تخلیه شده.» (فصیح، ۱۳۶۶: ۲۶۴)

#### ۴-۲. ابعاد فرهنگ شهری

تأثیر کیفیت محیط بر زندگی انسان، امری روشن است. محیط‌های مختلف تأثیرات خاصی بر روحیه افراد دارند و رفتارهای متفاوتی را ایجاد می‌کنند. از جمله موضوعات اساسی که در

چگونگی ایجاد فضای شهری و نحوه رفتار و برخورد مردم شهرنشین، نقش بسزایی دارد جنگ و تبعات ناشی از آن است. در آثار مذکور، وضعیت روحی و روانی مردم شهر نیز تحت‌الشعاع جنگ و حوادث و مشکلات ناشی از آن، چهره‌های مختلفی به خود می‌گیرد. قحطی و فقر منجر به تنش روانی و عصبی شدن مردم شهر می‌شود «صف بنزین خانه‌ها انتها ندارد. دعوای لفظی، مقابل نانوائی‌ها و بنزین خانه‌ها به فحش و فحش‌کاری و زدوخورد بدل می‌شود. مردم مثل خروس جنگی به سر و کله‌ همدیگر می‌پزند.» (محمود، ۱۳۶۱: ۵۶)

جنگ، بمباران، فقر و... تا حدی مخرب و ویرانگر است که تنها سه ماه کافی است تا بی‌مهری و بی‌محبتی را در سرتاسر شهر جریان دهد «سه ماه جنگ، همه چیز را عوض کرده است. کمبود مواد غذایی، شهیدان پی‌درپی، در بدری و آوارگی مردم در اردوگاه‌ها، و بعد بازگشتشان، منهدم شدن خانه‌ها زیر گلوله‌های توپ، مملو شدن بیمارستان‌ها از زخمی‌ها، هوای سرد، کمبود سوخت، بی‌بنزینی، بیکاری، تنگدستی و... خیلی‌ها را تنگ حوصله کرده است. گاهی یک کلام که رنگ بی‌مهری داشته باشد، قشقرقی به پا می‌کند.» (همان: ۲۷۳) اما گاهی نیز، یک بحران فراگیر و عمومی، منجر به اتحاد و همدلی مردم می‌شود. «زن‌ها، بچه‌ها، پسرها و دخترها، کوچه به کوچه و خانه به خانه جست‌وجو می‌کنند و کیسه‌های خالی را دسته می‌کنند. اتوبوس‌ها، وانت‌بارها، و سواری‌ها مملو از پیر و جوان همه به هم فشرده، و با فریادهای درهم و سرتا پا خیس عرق و رنگ‌ها برافروخته، خیابان‌ها را پشت سر می‌گذارند به طرف پادگان.» (همان: ۲-۳۱) در هر برهه‌ای از جنگ، چه در طول هشت سال دفاع مقدس و چه بعد از اتمام جنگ و مصالحه، مردم بحران‌های روحی - روانی متعددی را متحمل شدند. مشکلات اقتصادی از جمله اساسی‌ترین دغدغه‌های زندگی آن دوره بود. «ارمیا» با دیدن تصویرهای مختلف شهر تهران، غرق در اندیشه و غم می‌شود «هیچ‌کس نمی‌دانست چه اتفاقی برای اقتصاد مملکت خواهد افتاد. روزی نبود که خبر ورشکستگی تاجری منتشر نشود.» (امیرخانی، ۱۳۸۷: ۸۴) یأس و ناامیدی از زندگی، کار و آینده، در شرایط جنگی احساسی طبیعی و عادی در بین مردم به نظر می‌رسد «این روزها اداره‌ها تق و لق است. کسی حال و حوصله‌ی کار کردن ندارد.» (محمود، ۱۳۶۱: ۱۳۳) ناامیدی از زندگی و مرگ طلبی و زندگی ستیزی، از جمله اندیشه‌های نشأت گرفته از اوضاع بحرانی جنگ است. (بایرامی، ۱۳۸۱: ۳۸)

عدم امنیت در شهر، از آسیب‌های اجتماعی ناشی از جنگ به شمار می‌رود که در پی مهاجرت ساکنان از شهر ایجاد می‌شود «تو شهر دزدی زیاد شده است. شایع است که از شهرهای دیگر با کامیون می‌آیند و اثاثیه خانه‌های مردم را بار می‌کنند و می‌روند.» (محمود، ۱۳۶۱: ۱۰۵) «رشوه‌خواری موضوعی است که به‌عنوان راهکاری برای رفع مشکل مردم شهر، به‌صورت غیرمستقیم در داستان «پل معلق» بدان اشاره می‌شود.» (بایرامی، ۱۳۸۱: ۸)



### ۳-۴. سبک زندگی خانواده شهری

#### ۱-۳-۴. نقش‌ها و مسئولیت‌های اعضای خانواده

تمامی اعضای خانواده در اغلب داستان‌های جنگ، حضور دارند. اما مادر جایگاه ویژه‌ای دارد. وی همواره چهره‌های داغدار، مهربان، وفادار، راضی، دلسوز، نگران ولی همواره امیدوار، ذکر بر لب و دعاگو دارد. در اوج بمباران شهر، وقتی خانه‌ها با پتوهایی استتار شده و همه در خانه‌ای تاریک، پناه گرفته‌اند. «مادر موی سفیدش را زیر مقنعه جمع کرده است. خیس عرق است. لب‌های مادر می‌جنبند انگار که آیه‌الکرسی می‌خواند.» (محمود، ۱۳۶۱: ۳۸)

وقتی اعضای خانواده در نهایت ناامیدی و ناراحتی قصد مهاجرت از شهر دارند، علی‌رغم طوفان درونی که در وجود مادر برپاست، وی کماکان ذکر بر لب دارد و آرامشش را حفظ می‌کند «مادر همچنان قرآن به دست دارد.» (همان: ۴۸) مادر مثل همیشه صبور است و سرشار از تحمل. حتی بعد از شنیدن خبر شهادت فرزندانش. «(همان: ۳۲۴) مادر داستان «ارمیا» تنها دوست و همراه همیشگی فرزندش (ارمیا) است. وی با فرزند خویش رابطه‌ای صمیمانه و دوستانه دارد و تنها کسی است که به دردهای او آگاهی دارد. (امیرخانی، ۱۳۸۷: ۶۰)

#### ۲-۳-۴. جمعیت خانواده‌ها

جنگ در میان جمعیت‌ها، آثار عمیقی بر تغییر ترکیب جمعیت دارد: ضریب مرگ‌ومیر، زاد و ولد و مهاجرت. در جنگ، مرگ‌ومیرها بر نسل جوان متمرکز می‌شوند. پدیده‌ای که در ساختار سنی و جنسی جمعیت تغییر ایجاد می‌کند. «(کاپلو، ونسن، ۱۳۸۹: ۶۱) در بازه زمانی که رمان‌های مورد بحث جریان می‌یابند، اغلب خانواده‌ها پرجمعیت هستند. و اغلب صاحب ۴ فرزند یا بیشتر. «هفت نفریم. پسر تو جبهه است. دخترم زیر آوار مانده. خودم و دو تا بچه توی چادر...» (محمود، ۱۳۶۱: ۲۷) و (امیرخانی، ۱۳۸۷: ۸۵) اما علی‌رغم پرجمعیت بودن خانواده‌ها، جنگ و بمباران باعث شده تا آمار مرگ‌ومیر به شدت افزایش یابد. و جوهره جنگ جز این نمی‌طلبد. «هر جنگ، جنبه‌های زیادی دارد. اما یکی از این جنبه‌ها اثر غیرقابل انکاری برجا می‌گذارد که آن را در همه جنگ‌ها می‌یابیم، جنبه کشتار جمعی سازمان یافته و هدفدار، است. زیرا جنگ بدون کشتار وجود ندارد» (یوتول، ۱۳۷۹: ۴۷)

#### ۴-۴. نام شهرها

به اقتضای موضوع ادبیات جنگ، در اغلب آثار این حوزه بیشترین بسامد نام شهرها، متعلق است به شهرهای آبادان، اهواز، خوزستان و گاهی تهران. «راحت آبادان را می‌کویند. آبادان جهنم سوزان شده است.» (محمود، ۱۳۶۱: ۹۹) جلال آریان (راوی داستان) در «زمستان ۶۲» اوضاع و احوال مردم تهران را این گونه شرح می‌دهد «آن‌ها هم مثل همه به نوعی منتظر

چیزی‌اند. توی صف منتظر اتوبوس‌اند با منتظر نان لواش‌اند.» (فصیح، ۱۳۶۶: ۱۳۷).

#### ۴-۵. مضامین مرتبط با شهر

##### ۴-۵-۱. نظم و قانون

وقتی اولین حملات به شهر اهواز شروع می‌شود و بیش از دویست تانک تا ده کیلومتری شهر می‌آیند، آرامش و نظم شهر به کلی مختل می‌شود. «یکهو شهر عین لانه زنبوری که با یک ضربه ناگهانی خراب شده باشد و یا در یک لحظه، گر گرفته باشد، به هم می‌ریزد. نظم رفت‌وآمد ماشین‌ها به هم خورده است.» (محمود، ۱۳۶۱: ۲۹)

##### ۴-۵-۲. بمباران شهرها

از جمله مضامین خاص و نو که در ادبیات داستانی معاصر، به‌ویژه داستان‌های جنگ مشهود است، فضای شهری مرگبار ناشی از جنگ و بمباران جنگی است. «شب‌ها، شهر مثل گور تاریک می‌شود.» (همان: ۳۸) جنگ و بمباران و فضای پر از رعب و وحشت ناشی از آن، باعث ایجاد تدابیر امنیتی از طرف عامه مردم نیز می‌گردد. «در اولین حملات ناگهانی دشمن، تمام شیشه‌ها و پنجره‌ها فرو می‌ریزد. هنوز فرصت نکرده‌ایم که شیشه‌ها را چسب بزنییم. چسب کاغذی یک‌شبه نایاب شده است.» (همان: ۳۷) و (بایرامی، ۱۳۸۱: ۳۲)

##### ۴-۵-۳. آوارگی و در بدری

«درون مایه رمان زمین سوخته بیان حوادث، مشکلات، گرفتاری‌ها و دربه‌دری‌هایی است که برای مردم شهرهای جنگ‌زده رخ داده است و نویسنده از این طریق خواسته است تا مشکلات و سختی‌های جنگ‌زدگان را منعکس نماید. نویسنده سعی کرده است که تنها حوادث و مشکلات را بیان کند و این خواننده است که باید به طور غیرمستقیم هدف نویسنده را دریابد.» (قالوندی، عابدی، عزیزی، ۱۳۹۷: ۱۰۰-۸۴). با اولین حمله و ورود تانک‌ها به شهر «پیرمردی آرام بر سر خود می‌زنند و زمزمه می‌کند خانه خراب شدیم. بعد از یه عمر آبروداری در بدر شدیم!» (محمود، ۱۳۶۱: ۲۹) و (بایرامی، ۱۳۸۱: ۳۰)

##### ۴-۵-۴. مهاجرت یا وطن‌دوستی

جنگ و اثرات ناشی از آن، چهره‌های متفاوت و تأسف‌برانگیز به شهر می‌دهد « مردم گروه‌گروه خانه‌ها را ترک می‌کنند. و با هر وسیله‌ای که به دستشان می‌افتد از شهر خارج می‌شوند. گروه‌گروه کثیری پیاده راه افتاده‌اند. بی‌آنکه مقصدی داشته باشند به طرف بیابان می‌روند. مردم با دست‌خالی از خرمشهر گریخته‌اند. خانه و زندگیشان را رها کرده‌اند.» (محمود، ۱۳۶۱: ۴-۸۳) و (فصیح، ۱۳۶۶: ۱۴۷) و (محمود، ۱۳۶۱: ۷۲) اما اوج حس وطن‌دوستی و وابستگی به زادگاه در سخنان مادر داستان زمین سوخته، به طرز نامحسوسی خودنمایی می‌کند.

«به من قول بدین که اگر تو غربت مردم بیاریدم تو همین شهر خودم.» (همان: ۶۲)

#### ۴-۵-۵. شجاعت و ایثار یا ترس

در گیرودار جنگ و خرابی‌ها و ناامنی‌های ناشی از آن، دو موضوع شهادت و ایثار و در مقابل آن، ترس و نگرانی از مهلکه جنگ، از دغدغه‌های فکری شخصیت‌های داستان‌ها و رمان‌های ادبیات جنگ محسوب می‌شود. گروهی معتقدند وظیفه هر هم‌وطنی حضور در جنگ است تا خون شهدا پامال نشود. همه موظف‌اند تا آخرین قطره خون بجنگند چرا که این حکم تاریخ است «اگر نجنگیم به خودمون خیانت کرده‌ایم. به نسلمان خیانت کرده‌ایم. به انقلاب خیانت کرده‌ایم.» (محمود، ۱۳۶۱: ۲۶۹، ۱۹۰) اما گروهی نیز بر این باورند که ماندن در شهر و شهادت، فقط مختص فقراست و بس «همیشه ماها سنگ زیر آسیا هستیم. همه دردها را ما باید تحمل کنیم.» (همان: ۷۷) و (بایرامی، ۱۳۸۱: ۳۷).

#### ۴-۵-۶. فقر و قحطی

در شرایط جنگ و مشکلات ناشی از آن، فقر و نداری و قحطی از جمله موضوعاتی است که گریبان گیر افشار متوسط جامعه است. و<sup>۱</sup> (همان: ۵۶)

#### ۴-۶. فناوری و مدرنیسم

در داستان‌ها و رمان‌های ادبیات جنگ، عناصر نوین شهری و مدرنیته از جمله رادیو و تلویزیون بیشتر به عنوان وسیله‌ای جهت اطلاع‌رسانی جنگ و بمباران و گزارش آمار شهدا و... به کار رفته است. رادیو، به عنوان ابزار اطلاع‌رسانی اغلب مواقع ضعیف عمل می‌کند! در اوایل رمان «زمین سوخته» وقتی خبر بمباران فرودگاه پخش می‌شود «طیاره‌های عراق، فرودگاه‌ها را بمباران کردن. زدن فرودگاه را داغون کردن. حتی یک کلمه از رادیو گفته نمیشه.» (همان: ۲۴) گاهی رادیو وسیله‌ای قرار می‌گیرد برای تهییج مردم «طنین سروده‌های انقلابی و مارش نظامی که از رادیوها برمی‌خیزد تمام شهر را پر کرده است. رادیو از مردم دعوت می‌کند که برای دادن خون مراجعه کنند. (فصیح، ۱۳۶۶: ۲۹۰) و (همان: ۳۳۲) تلویزیون، اخبار جنگ را به صورتی عینی و واضح به تصویر می‌کشد «این طرف اتاق تلویزیون سرلوحه اخبار ایران و جنگ تحمیلی را پخش می‌کند.» (فصیح، ۱۳۶۶: ۲۹۰) و (همان: ۳۳۲) به طور کل می‌توان گفت، در آثار داستانی جنگ و دفاع مقدس، آن دسته از عناصر فناوری و مدرنیته‌ای بیشترین کاربرد را دارند که در راه مبارزه، دفاع و حمله در شرایط جنگی استفاده می‌شوند. از آن جمله هلی کوپتر، دوربین سیمونوفن، تفنگ ۱۰۶، اره برقی، تک لول، ویبراتور، راکت، هواپیما، آژیر، خمپاره و... (همان: ۱۹۷) و (بایرامی، ۱۳۸۱: ۹ و ۵۱)

#### ۴-۷. مشاغل و سازمان‌ها

در میان مشاغل و سازمان‌های گوناگون که با زندگی شهری پیوند دارد، در این آثار بیشتر سازمان‌هایی تازه تأسیس حضور دارند. سازمان‌هایی که در جهت رفاه حال مردم جنگ‌زده ایجاد شده است. از جمله ستاد تبلیغات و هلال احمر. بنیاد امور جنگ‌زدگان، بنیاد شهید و دادگاه زمان جنگ. «با نامه‌ای که از بیمارستان شهید بقایی در دست دارم به بنیاد شهید و مرکز امور جنگ‌زدگان و بیمارستان‌ها و مراکز مجروحین و اسکان‌های معلولین جنگی مراجعه می‌کنم.» (فصیح، ۱۳۶۶: ۱۳۸) و (محمود، ۱۳۶۱: ۴۳) انواع صاحبان مشاغل نیز در این داستان‌ها نمود دارند. معلم، دکتر، قهوه‌چی، سلمانی، لوکس‌فروشی، بستنی‌فروش، راننده تاکسی، کتاب‌فروش، باقالافروش، مکانیک، دکتر داروخانه، کارمند و کارگر و... (همان: ۱۴ و ۸۸ و ۵۵ و ۴۵)

## نتیجه‌گیری

در داستان «ثریا در اغماء» نویسنده از طریق تیپ‌ها و فضا‌های مختلف، ویرانگری‌های ناشی از جنگ را به خوبی تصویر می‌کند. جامعه‌ای که در «زمستان ۶۲» ترسیم می‌شود، مملو است از فشارهای روحی روانی، بی‌نظمی، ضعف اقتصادی، عزا و ماتم، درد و رنج، شهادت و شب‌های تاریک. بستر زندگی در رمان «زمین سوخته» فقیرترین محله‌های اهواز است. در این محله‌ها آدم‌ها همچون ماهی‌های بی‌دفاع در جویبار پرتلاطم زندگی شنا می‌کنند و بالأخره با دینامیت و باروت صید می‌شوند. در جامعه رمان واقع‌گرایانه «زمین سوخته» مردم که اغلب آدم‌های کوچک و بازاری‌اند جنگ را پذیرفته‌اند و در روزهای سخت پناهگاه همدیگرند. در داستان «پل معلق» جامعه‌ای که بایرامی به تصویر کشانده، عصبی، بی‌قرار و کلافه و مستأصل است. جنگ شهرها آرامش را از مردم ربوده آن‌ها را آواره و بی‌عزت کرده. در این جامعه بدبینی بیش از خوش‌بینی به چشم می‌خورد. با توجه به نتیجه نهایی که از بررسی ۵ داستان ادبیات جنگ حاصل شد، می‌توان به چنین جمع‌بندی رسید:

۱. از جمله عناصر شهری بارز در این داستان‌ها، که بیش از بقیه موارد خودنمایی کرده و کانون توجه اغلب نویسندگان بوده، ساختار ظاهری جامعه شهری است. تمامی عناصر زیر مجموعه این عنصر، در پی جنگ و بمباران دچار ویرانی و نابودی شده، و چهره‌های تاریک و غم‌آلود و بی‌رمق به‌ظاهر شهر بخشیده‌اند.

۲. در ابتدای همه داستان‌ها، قبل از شروع جنگ، نویسندگان جوی مثبت و سرشار از آرامش و امنیت را ترسیم کرده‌اند. فضایی که کم‌کم تبدیل به گورستانی از شهدا می‌شود.

۳. در این داستان‌ها به نام سازمان‌هایی نوساخته که نشئت گرفته از موقعیت جنگی است، اشاره شده است.

۴. در تمامی این آثار، مادر شخصیتی صبور و باایمان و صمیمی با اعضای خانواده دارد. تا حدی که به خاطر شهادت فرزندش، شاکر خداست. چرا که شهادت را مایه عزت و سربلندی می‌داند.

۵. فقر، قحطی و وجود ناامنی در پی جنگ از جمله عواملی هستند که موضوع مهاجرت را برجسته می‌سازند.

۶. جنگ و نگرانی‌ها و تبعات جبران‌ناپذیر آن، مردم شهر را از نظر روحی و روانی بسیار تضعیف کرده و سختی‌های ناشی از بمباران و مهاجرت و ... بی‌طاقتشان نموده. ولی گاهی نیز همان جنگ آن‌ها را به هم نزدیک‌تر و بامحبت‌تر کرده است.

۷. اقشار مختلف جامعه در جامعه شهری جنگ‌زده حضور دارند و یاریگر همدیگر هستند.

۸. عناصر مدرنیته و نوین شهری در این داستان‌ها، اغلب در راستای عنصر جنگ کاربرد می‌یابند.

۹. مراکز مختلف تفریحی، ورزشی، رفاهی و... در این داستان‌ها نمود چندان واضح برجسته‌ای ندارند.

۱۰. یأس و ناامیدی و مرگ طلبی از جمله باورهای اغلب اشخاص این داستان‌ها است.

۱۱. در داستان «ارمیا» خواننده با باورها، اعتقادات و تیپ‌های جدیدی در حوزه ادبیات جنگ آشنا می‌شود. در رمان واقع‌گرای «زمین سوخته» محور داستان، جامعه و هنجارها و آسیب‌های مربوط به آن است. در داستان‌های «زمستان ۶۲» و «ثریا در اغماء» نویسنده تفکری بدبینانه به جنگ و حواشی آن دارد. و در داستان «پل معلق» محوریت انسان است با تمام ترس‌ها و تردیدهایی که دارد.

## فهرست منابع

## الف) کتاب‌ها

۱. امیرخانی، رضا. (۱۳۸۷). ارمیا، تهران، شرکت انتشارات سوره مهر.
۲. حنیف، محمد. (۱۳۸۶). جنگ از سه دیدگاه (نقد و بررسی ۲۰ رمان و داستان بلند جنگ)، تهران، بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس، چ اول.
۳. ربانی، رسول. (۱۳۸۵). جامعه‌شناسی شهری، اصفهان، انتشارات سمت.
۴. کوثری، مسعود. (۱۳۷۹). تأملاتی در جامعه‌شناسی ادبیات، تهران، مرکز بازشناسی اسلام و ایران (باز).
۵. توسلی، محمود. (۱۳۷۹). طراحی فضای شهری. فضای شهری و جایگاه آن‌ها در زندگی و سیمای شهری، تهران، انتشارات شهیدی، چ سوم.
۶. فصیح، اسماعیل. (۱۳۷۱). ثریا در اغماء، انتشارات ذهن آور، چ چهاردهم.
۷. .... (۱۳۶۶). زمستان، تهران، نشر نو، چ اول.
۸. بایرامی، محمدرضا. (۱۳۸۱). پل معلق، تهران، نشر افق، چ یازدهم.
۹. محمود، احمد. (۱۳۶۱). زمین سوخته، تهران، نشر نو، چ اول.
۱۰. کاپلو، تئودور. ونسن، پاسکال. (۱۳۸۹). جامعه‌شناسی جنگ، ترجمه دکتر هوشنگ فرخجسته، تهران، انتشارات جامعه‌شناسان، چ اول.
۱۱. بوتول، گاستون. (۱۳۷۹). جامعه‌شناسی جنگ، ترجمه هوشنگ فرخجسته، تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، چ چهارم.
۱۲. شریفی، محمد. (۱۳۸۷). فرهنگ ادبیات فارسی، تهران، فرهنگ نشر نو و انتشارات معین، چ دوم.

## ب) مقالات

۱۳. سعیدی، مهدی. (۱۳۸۵). «رویکردهای عمده ادبیات داستانی جنگ ۱۳۸۴-۱۳۵۹»، پژوهش زبان و ادبیات فارسی، ش هفتم.
۱۴. مدنی، سعید. زمانی دهقانی، مجید. بهیان، شاپور. آقاجانی، حسین. (۱۳۹۶). «بازنمایی فضای اجتماعی شهری در ادبیات داستانی ایران معاصر»، مطالعه جامعه‌شناختی شهری، سال هفتم. ش ۲۴.
۱۵. فلاوندی، زیبا. عابدی، سید حمزه. عزیزی، علی. (۱۳۷۹). «بررسی عناصر داستان «زمین سوخته» اثر احمد محمود»، قند پارسی، سال اول، شماره ۱.
۱۶. جهانگرد، فرانک. (۱۳۹۵). «تحلیل سیر تکوینی تعاریف ادبیات پایداری در ایران»، ادبیات پایداری دانشگاه کرمان، سال هشتم، شماره ۱۴.
۱۷. احمدی، سارا. نیاز خانی، سمانه. لطیفی، غلامرضا. (۱۳۹۸). «بازاندیشی آرمان شهری مدرن در ادبیات داستانی دو دهه آخر قبل از انقلاب اسلامی (با تأکید بر آثار نادر ابراهیمی)»، فصلنامه انجمن ایرانی مطالعات فرهنگی و ارتباطات، سال پانزدهم، شماره ۵۵.





نوع مقاله: پژوهشی

صفحات ۶۲ - ۴۱

## تأثیر اختلال رفتاری جنسی در تحقق احسان

محمد اسماعیل بیگی<sup>۱</sup>

سید احمد میر خلیلی<sup>۲</sup>

علیرضا انتظاری<sup>۳</sup>

### چکیده

مسأله اختلال عملکرد جنسی یکی از پدیده‌های نوپیداست که در پژوهش‌ها و مطالعات اخلاقی، فقهی و حقوقی کمتر مورد بررسی و کاوش قرار گرفته است. اختلال جنسی در مقابل سلامت جنسی قرار دارد. یکی از مسایل مرتبط با اختلال عملکرد جنسی، تأثیر آن بر حسن معاشرت، زیست عقیفانه یا پاک زیستی، رضایت جنسی و در نتیجه احسان زوجین است که می‌تواند مورد بررسی و تحلیل قرار گیرد. یافته پژوهش آن است که با توجه به ملاک و معیارهای حسن معاشرت می‌توان اختلال‌های جنسی را از موانع تحقق احسان برشمرد. به تعبیری دیگر، با توجه به قواعد اخلاقی و تأثیر آن بر احکام حقوقی، می‌توان بر این نظر بود که اختلال‌های جنسی می‌تواند در زمره موانع احسان محسوب گردد.

### واژگان کلیدی

اختلال جنسی، اختلال عملکرد جنسی، اختلال رفتاری، احسان، حسن معاشرت.

۱. دانشجوی دکترای گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد محلات، دانشگاه آزاد اسلامی، محلات، ایران.

Email: hojjatele@yahoo.com

۲. دکتری گروه فقه و مبانی اسلامی، واحد محلات، دانشگاه آزاد اسلامی، محلات، ایران. (نویسنده مسئول)

Email: dmirkhalili@gmail.com

۳. دکتری گروه فقه و مبانی اسلامی، واحد محلات، دانشگاه آزاد اسلامی، محلات، ایران.

Email: entezari.uni@gmail.com

پذیرش نهایی: ۱۴۰۱/۵/۱۵

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۲/۱۴

## طرح مسأله

از نظر قرآن کریم، فلسفه آفرینش همسر برای انسان، دست یابی به آرامش است.<sup>۱</sup> آرامش بخشی وجود همسر از آن جاست که وی نیازهای جنسی و عاطفی انسان را در رابطه مشروع تأمین می‌کند (بستان (نجفی)، ۱۳۹۹ش، ص ۲۸). قرآن کریم خانه را کانون آرامش خوانده است (نحل، آیه ۸۰) که به نظر می‌رسد آرامش بخشی خانه به اعتبار وجود همسر است. فعالیت جنسی، بخش مهمی از زندگی زناشویی را تشکیل می‌دهد که زمینه آرامش و رضایت را در همسران فراهم می‌کند. همسرانی که فعالیت جنسی رضایت بخشی ندارند با انواع مشکلات روبرو می‌شوند. یکی از عوامل مهم سازگاری و ایجاد صمیمیت میان همسران، رابطه جنسی سالم و مطلوب میان آنها است. همسرانی که رابطه موفق و خوشایندی دارند از زندگی مشترک شان بیشتر خشنود و راضی‌اند و معمولاً زندگی پایدارتری دارند (نورعلیزاده میانجی، ۱۳۹۷ش، ص ۶۴؛ موسوی و امامی راد، ۱۳۹۹ش، ص ۲۷؛ حسین زاده، ۱۳۹۷ش، ص ۳۰۹).

اختلال جنسی در مقابل سلامت جنسی و رضایت جنسی قرار دارد. منظور از سلامت جنسی، مفهوم عامی از نبود مشکل، اختلال، انحراف و نابهنجاری جنسی و همچنین بهره‌مندی از وضعیت مطلوب و رضایت بخش جنسی، همراه با مهارت در رفتار جنسی سالم، موفق و سازنده است (نورعلیزاده میانجی، ۱۳۹۷ش، ص ۵۶). منظور از رضایت جنسی نیز میزان خرسندی همسران از مسایل جنسی و توانایی لذت بردن و لذت دادن به یکدیگر است (موسوی و امامی راد، ۱۳۹۹ش، ص ۵۴). این عارضه به لحاظ اخلاقی و تربیتی آثار نامطلوبی برای زوجین به دنبال دارد که مهم‌ترین آن از بین بردن کارکردهای ازدواج و خانواده است.

این موضوع علاوه بر آثار زیان بار و مخرب اخلاقی و تربیتی، در حقوق خصوصی و حقوق خانواده دارای آثاری از جمله در حقوق و مسؤولیت‌های همسری و در انحلال نکاح بوده و در حقوق کیفری نیز منشأ اثر است (هدایت نیا، ۱۳۹۹ش، ص ۱۲۰-۱۲۴؛ همو، ۱۳۹۶ش، ص ۳۶۴). یکی از مسایل مرتبط با اختلال جنسی، تأثیر آن بر حسن معاشرت، زیست عقیفانه یا پاک زیستی، رضایت جنسی و در نتیجه احسان زوجین است که می‌تواند مورد بررسی و تحلیل قرار گیرد. اختلال جنسی به ناتوانی زوجین در برقراری رابطه جنسی موفق و رضایت بخش اشاره می‌کند و به گونه‌ای حسن معاشرت و زیست عقیفانه را به چالش می‌کشد. روشن است که تأمین مشروع نیاز جنسی و پاک زیستی یکی از اهداف ازدواج و از مصادیق معاشرت به معروف است (بستان (نجفی)، ۱۳۹۹ش، ص ۸۴) و عملکرد جنسی مطلوب می‌تواند به افزایش سلامت اخلاقی و عمومی جامعه و رضایت زناشویی و نهایتاً حفظ ارکان خانواده منتهی شود

۱. به این مطلب در آیات ۲۱ سوره روم و ۱۸۹ سوره اعراف اشاره شده است.

(مزینانی و دیگران، ۱۳۹۱، ص ۶۶). بنابراین، اختلال جنسی با این هدف در تعارض است؛ چه این که با فرض ابتلای یکی از زن یا مرد به اختلال جنسی، آنان نمی‌توانند به مطالبات و نیازهای جنسی یکدیگر پاسخ گویند. کمترین اثر این عارضه، کاهش میزان رضایت در روابط همسران و اختلال در آرامش روانی و سلامت اخلاقی آنها و گاهی تأمین نیاز جنسی خود در خارج از چرخه زندگی مشترک است.

اختلال جنسی موضوعی نوپدید است که هر چند به تأثیر منفی آن بر کارکردهای خانواده در برخی کتاب‌ها اشاره شده و مقالاتی در باره علل و عوامل آن و تأثیر آن در به چالش کشیدن آرامش همسران از زاویه‌های مختلف پزشکی، روان‌شناسی، اخلاقی، تربیتی و جامعه‌شناسی و حقوقی به رشته تحریر درآمده<sup>۱</sup>، ولی تا آن جا که بررسی شد به موضوع تأثیر این اختلال‌ها بر احسان زوجین ورود نکرده و به آن نپرداخته‌اند. از این رو با توجه به پیشینه بحث، در این پژوهش برآنیم به موضوع اختلال عملکرد جنسی (کژکاری جنسی) پرداخته، مصادیق آن را استخراج و بر فقه و حقوق تطبیق داده و تأثیر آن در خروج از احسان را مورد بررسی و تحلیل قرار دهیم.

اختلال جنسی شامل مصادیق متعددی است که عمدتاً در کتاب و سنت سابقه ندارد و به لحاظ موضوع شناسی فقهی، «مستحدثه» محسوب می‌شود. برخی از این مصادیق عبارتند از: نظیر زودانزالی، دیرانزالی، واژینیسم، مقاربت دردناک، انزجار جنسی، انحراف جنسی، اختلال هویت جنسی و... منظور از اصطلاح «اختلال جنسی» در این نوشتار، «اختلال عملکرد جنسی»<sup>۲</sup> است.

## ۱. مفهوم شناسی

### ۱-۱. اختلال

«اختلال» واژه‌ای عربی و مصدر باب افتعال از ریشه «خلل» است. واژه شناسان خلل و اختلال را به «اضطراب» و «عدم انتظام» معنی کرده‌اند (فیومی، ۱۴۱۸ه.ق، ج ۲، ص ۱۸۰). بعضی نیز گفته‌اند معنی اصلی این کلمه «انفراج» است؛ مبتنی بر این، اختلال در امور به معنی اضطراب و عدم انتظام و شکاف برداشتن کارهاست. (مصطفوی؛ ۱۴۰۲ه.ق، ج ۳، ص ۱۱۸). در لغت‌نامه‌های فارسی، این واژه به سست و تباه شدن کار، زیان رسیدن به کارها، نادرست شدن کار، نابه‌سامانی، بی‌نظمی، بی‌ترتیبی و تباهی معنی شده است (دهخدا، ۱۳۷۷ش، ج ۱، ص ۱۵۱۱). برخی از فقیهان نیز اختلال و خلل را این گونه تعریف کرده‌اند: «الخلل فی اللغه هو

۱. به برخی از این آثار در این پژوهش اشاره شده است

الفساد والوهن و النقص و اضطراب الشیء و عدم انتظامه.» (هاشمی شاهرودی و دیگران، ۱۴۳۲ه.ق، ج ۸، ص ۱۸۰).

به تعبیر دیگر «اختلال به طور کلی به معنای به هم خوردن سامان و تعادل طبیعی در روان و جسم است. اختلال هنگامی مطرح می‌شود که عاملی در زندگی فردی و اجتماعی نابسامانی ایجاد کرده و جریان عادی و معمولی زندگی را بر هم زده باشد.» (نور علیزاده میانجی، ۱۳۹۷ش، ص ۵۶).

معادل انگلیسی واژه اختلال، «Disorder» است که در لغت نامه‌ها به معنای بیماری، اختلال، ناهنجاری عملکردی، بی‌نظمی، بی‌ترتیبی، نابه سامانی و... به کار رفته است (نیومن دورلند، ۱۳۹۳ش، ص ۳۱۸). بعضی نیز آن را به بی‌نظمی، به هم خوردگی مزاج و مختل کردن ترجمه کرده‌اند (حییم، ۱۳۷۴ش، ص ۱۴۴). در هر صورت، این واژه به کلمات دیگری اضافه می‌شود و به صورت ترکیبی به کار می‌رود، مانند اختلال بصر (عدم انتظام قوه بینایی)، اختلال حواس (پراکندگی و پریشانی حواس)، اختلال دماغ (پریشانی حواس و عدم انتظام اعمال مغز)، اختلال عقل (عدم انتظام اعمال مغز و دیوانگی) (دهخدا، همان، ج ۱، ص ۱۵۱۱)، اختلال رفتاری (ساعت چی، ۱۳۹۴ش، ص ۴) و اصطلاح «اختلال جنسی» که موضوع پژوهش پیش رو است.

## ۱-۲. جنس

واژه «جنس» نمایان‌گر مذکر یا مؤنث بودن است. در ترکیب اختلال جنسی با واژه «جنسیت» قرابت معنایی دارد و همین موجب شده به اشتباه به جای آن به کار رود؛ بنابراین، لازم است تفاوت این دو واژه واکاوی شود. جامعه‌شناسان میان جنس ۱ و جنسیت ۲ تمایز قائل هستند، اگر چه برخی آنها را به یک معنی می‌دانند (گولومبوک و فی وش، ۱۳۸۴ش، ص ۱۲). جنس به تقسیم بندی زیست‌شناختی یا بیولوژیک میان مذکر و مؤنث اشاره دارد و به معنی قوه جنسی یا نر و مادگی است؛ در حالی که جنسیت به اجزای غیر بیولوژیکی جنس اشاره می‌کند و ناظر به ویژگی‌های شخصی و روانی است که جامعه آنها را تعیین می‌کند و انتظار دارد که مثلاً زن و مرد در موقعیتهای معین رفتار خاصی کنند.

برخی در تفاوت این دو بر این باورند که جنس به تفاوت‌های فیزیکی بین زن و مرد اشاره دارد، در حالی که جنسیت تفاوت‌های روان‌شناختی، اجتماعی، فرهنگی و غیره را در بر می‌گیرد که تحت عناوین هویت جنسی، جهت‌گیری جنسی، نقش جنسی و رفتار جنسی نمود می‌یابد (نوروزی و فتحی، ۱۳۹۸ش، ص ۳۸).

1. Sex.
2. Gender.

قربان لفظی این دو در زبان فارسی، موجب شده است که در گفت و گوهای عمومی، به اشتباه، به جای یکدیگر به کار روند. این درحالی است که این دو واژه، نزد کارشناسان امور زنان، معانی کاملاً متفاوتی دارند. به اعتقاد برخی، واژه «جنس» باید به ابعاد بیولوژیکی مردانگی و زنانگی فرد محدود شود و «جنسیت» به صفات و ویژگی‌های اجتماعی دو جنس اطلاق گردد. به بیان دیگر، واژه «جنسیت» به اجزای غیر بیولوژیکی جنس اشاره دارد که از نظر فرهنگی، برای مردان یا زنان مناسب تشخیص داده می‌شود. جنسیت در واقع، مجموعه انتظاراتی است از مرد و زن نوعی که در موقعیتی معین، چه باید بکند. اصطلاح جنس بر تفاوت‌های فیزیکی و بیولوژیکی میان زن و مرد دلالت دارد، حال آن که جنسیت، ناظر بر ویژگی‌های شخصی و روانی است که جامعه، آن‌ها را تعیین می‌کند و تحت عناوین هویت جنسی، جهت‌گیری جنسی، نقش جنسی و رفتار جنسی نمود می‌یابد (نوروزی و فتحی، ۱۳۹۸ش، ص ۳۸؛ رزم ساز، ۱۳۹۳ش، ص ۴۹؛ ساعت چی، ۱۳۹۴ش، ص ۱۸۰).

### ۱-۳. اختلال جنسی

با توجه به معانی «اختلال» و «جنس»، اصطلاح «اختلال جنسی» به معنی آشفتگی، نابه‌سامانی یا اختلال در قوه جنسی شخص و مفهومی مقابل «سلامت جنسی» است. منظور از سلامت جنسی، مفهوم عامی از نبود مشکل، اختلال، انحراف و نابهنجاری جنسی و همچنین بهره‌مندی از وضعیت مطلوب و رضایت بخش جنسی، همراه با مهارت در رفتار جنسی سالم، موفق و سازنده است (نورعلیزاده میانجی، ۱۳۹۷ش، ص ۵۶).

البته نباید «اختلال جنسی» و «مشکل جنسی» را یکی پنداشت، بلکه این دو با هم تفاوت دارند. تعبیر اختلال برای بیماری و موارد آسیب‌زا به کار می‌رود که کنش‌وری و فعالیت‌عادی جنسی را دچار عارضه جدی کرده باشد، اما واژه «مشکل»، معنای عام‌تری دارد و مواردی را هم که در حد بیماری نیست در بر می‌گیرد (همان، ص ۵۷). به تعبیر دیگر، مشکلات جنسی لزوماً ناشی از اختلال یا کژکاری در یکی از مراحل چرخه پاسخ جنسی انسان نیست. ناکامی در برقراری رابطه جنسی رضایت بخش ممکن است به دلیل ناآگاهی از تفاوت‌های جنسی و اقتضائات آن یا نا‌آشنایی با مهارت‌های همسررداری باشد. نیز ممکن است ناشی از مصرف برخی داروها یا برخی موقعیت‌های خاص مانند فوت خویشان نزدیک باشد. طبیعتاً با رفع این عوارض، فرد به حالت عادی باز می‌گردد. بعضی نویسندگان با هدف ارائه ضابطه‌ای برای تمیز اختلال یا کژکاری جنسی از مشکلات جنسی نوشته‌اند: «کژکاری‌های جنسی نشانه‌های مستمر و مکرر دارند». این تعبیر برای آن است که مشکلات جنسی ناپایدار و گذرا، اختلال یا کژکاری شمرده نشود (هدایت‌نیا، ۱۳۹۹ش، ص ۳۵).

متخصصان سلامت روانی برای تشخیص اختلال‌ها از اصطلاحات و تعریف‌های

استانداردی استفاده می‌کنند که در راهنمای تشخیصی و آماری اختلال‌های روانی (DSM)<sup>۱</sup> وجود دارد. در آخرین ویراست راهنمای تشخیصی و آماری اختلال‌های روانی (DSM-5)، اختلال‌های مربوط به مسایل جنسی را در سه بخش جداگانه طبقه بندی می‌کند. این سه بخش عبارت‌اند از: «اختلال عملکرد جنسی»، «اختلال انحراف جنسی» و «اختلال هویت جنسی». از این سه نوع اختلال که هر سه به قوه جنسی شخص مربوط می‌شود، اصطلاحاً به اختلال جنسی «Sexual Disorder» تعبیر می‌شود (موریسون، ۱۳۹۷ش، ص ۲۹۸؛ نور علیزاده میانجی، ۱۳۹۷ش، ص ۴۰۸). مقصود از اختلال جنسی در این نوشتار، اختلال عملکرد جنسی یا اختلال عملکرد کنشی جنسی است. بروز اختلال در چرخه پاسخ جنسی یا هنگام رابطه جنسی را اختلال عملکرد جنسی گویند؛ اختلال‌هایی مانند عدم نعوظ، زودانزالی یا دیرانزالی، سردمزاجی یا بیش‌فعالی جنسی، واژینیسم، مقاربت دردناک، انزجار جنسی و... . هنگامی که در فعالیت جنسی و برقراری رابطه با همسر و فرایند آمیزش با او، کنش‌وری جنسی، رفتار جنسی و عملکرد جنسی دچار نارسایی یا کژکاری شود، از آن به «اختلال عملکرد جنسی» یاد می‌شود (نورعلیزاده، همان، ص ۵۶؛ اسلامی نسب، ۱۳۸۵ش، ص ۸۶).

#### ۱-۴. حسن معاشرت

معاشرت به دلیل ساختار واژگانی - باب مفاعله - از مفاهیم اجتماعی و دوسویه است که هرگاه قید و پسوندی بدان افزوده نشود، گزینه‌های چندی در آن جای می‌گیرد؛ معاشرت مردان با مردان، زنان با زنان و مردان با زنان در جامعه و مردان با زنان در درون خانواده که مهم‌ترین آنها گزینه اخیر است.

اگر موضوع معاشرت با پسوند خانواده مورد نظر و گفت و گو باشد همان سان که در آیه ۱۹ سوره نساء چنین است به این معنی است که معاشرت به معروف ملاک رفتاری برای مردان تنها نیست و مقصود از: «*وَ عَاشِرُوهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ*» همزمان، تعیین ملاک و مبنای رفتاری شوهر با زن و زن با شوهر خویش است، پس مردان و زنان در رفتار متقابل خانوادگی و زناشویی از این زاویه که هر دو باید طبق معروف رفتار کنند همسان و برابرند. آیه مبارکه: «*وَ لَهُنَّ مَثَلُ الَّذِي عَلَيْهِنَّ بِالْمَعْرُوفِ*» (سوره بقره، آیه ۲۲۸) نیز به گونه‌ای صریح، وظایف، حقوق و آداب معاشرت متقابل مرد و زن در درون خانواده را برابر و همانند می‌شمارد و معیار آن را معروف معرفی

۱. متخصصان بهداشت روانی برای برچسب گذاری رفتارهای ناهنجار انسان‌ها در یک نظام طبقه بندی به توافق رسیده‌اند. محصول توافق آنان در یک کتاب مرجع تخصصی، به دست انجمن روان پزشکی آمریکا منتشر شده است. از این کتاب مرجع، به اختصار به «DSM» تعبیر می‌شود. اولین ویراست (DSM) به دست انجمن روان پزشکی آمریکا در سال ۱۹۵۲ انتشار یافت. سپس بارها در آن تجدیدنظر صورت گرفت تا روزآمدترین دانش درباره اختلال‌های روانی را منعکس کند. آخرین ویراست آن با نام «DSM-5tm» توسط انجمن روان پزشکی آمریکا انتشار یافت.

می‌کند (هاشمی، ۱۳۸۰ش، ص ۹۹).

معروف از «ع ر ف» مشتق شده و در وزن‌های مختلف (عُرف، عَرَف، عِرْف) به کار رفته است که در هر وزن معنایی خاص دارد. از این میان، وزن عُرْف (بر وزن قفل) و مشتقات دیگر آن نظیر عرفان، عارف، معرفت، تعریف، عُرفا، اعراف و معروف، معنایی نزدیک به علم دارد. به بیان دیگر، معروف در این معنا می‌تواند به معنای معلوم باشد. برخی واژه‌شناسان نوشته‌اند: «و العُرْفُ والعَارِفَةُ والمَعْرُوفُ واحد: ضد النکر، و هو کلُّ ما تُعْرِفه النفس من الخیر و تَبْسأ به و تَطْمئنْ اِلَیْه». (ابن منظور، ۵۱۴۱۴.ق، ج ۹، ص ۲۳۹).

این که گفته شد معروف معنایی نزدیک به معلوم دارد، بدان جهت است که متعلق علم می‌تواند خیر و شر باشد در حالی که متعلق عُرْف ظاهراً فقط خیر است. به بیان دیگر، معروف همان‌طور که ابن منظور گفته است هر چیز خیری است که نفس به آن شناخت پیدا نماید. از این رو، معنای معروف و معلوم گرچه به هم نزدیک است، ولی مترادف نیستند.

بعضی واژه‌شناسان، معروف را به «ما یستحسن من الافعال» معنی کرده‌اند (ابن منظور، ۵۱۴۱۴.ق، ج ۹، ص ۲۳۹). یعنی فعل پسندیده و نیکو. البته اختصاص به فعل ندارد و هر قول پسندیده و نیک نیز معروف محسوب می‌گردد. راغب در معنای معروف می‌گوید: «والمعروف اسم لكل فعل یعرف بالعقل أو الشرع حسنه». (راغب اصفهانی، ۵۱۴۱۲.ق، ص ۳۳۱) به هر حال، در مورد معنی لغوی این واژه ابهامی وجود ندارد، اما آن چه شایسته بررسی است، مفهوم آن در قرآن کریم است.

واژه معروف، صرف نظر از مشتقات دیگر آن، حدود چهار بار در قرآن کریم آمده است (حکمت نیا و دیگران، ۱۳۸۸ش، ج ۲، ص ۷۰). زیادی استعمال این واژه در قرآن اهمیت بیان مفهوم آن را دو چندان می‌نماید که حدود نیمی از این تعداد به موضوع معاشرت مردان با زنان در محیط خانه اختصاص یافته و معروف را ضابطه کلی در معاشرت و در روابط خانوادگی قرار داده است. یکی از مفسران می‌نویسد: «أی خالطوهن: من العشرة التي هی المصاحبة بما امرکم الله من اداء حقوقهن التي هی النصفه فی القسم و النفقة و الاجمال فی القول و الفعل و قیل: المعروف أن لا یضربها و لا یسئ القول فیها و یكون منبسط الوجه معها؛ مقصود از معاشرت به معروف، برخورد الهی با آنها و ادای حقوق زنان، انصاف در قسم و نفقه و زیبایی در گفتار و کردار است.» (طبرسی، ۱۳۷۲ش، ج ۳، ص ۴۱). به تعبیر دیگر، معروف آن است که به زن ضرر و آزار نرساند. با او بد سخن نگوید و با روی گشاده با او مواجهه شود (فیض کاشانی، ۵۱۴۱۸.ق، ج ۱، ص ۲۰۰).

به نظر می‌رسد عبارت «حسن معاشرت» معادل مناسبی برای «معاشرت به معروف» باشد. نگاهی به کاربردهای مختلف معروف در قرآن مؤید این برداشت بوده و نشان دهنده آن است که

معاشرت به معروف، قاعده ای فقهی حقوقی است (حکمت نیا و دیگران، ۱۳۸۸ش، ج ۲، ص ۷۰؛ هدایت نیا، ۱۳۹۹ش، ص ۲۲۳؛ (بستان‌نجفی)، ۱۳۹۹ش، ص ۸۴). از مصادیق حسن معاشرت، تأمین آرامش روانی همسر است که این مهم از دو مسیر ارضای نیازهای جنسی و ارضای نیازهای عاطفی به دست می آید.

### ۱-۵. احسان

احسان مصدر باب افعال است و از ریشه حصن گرفته شده است. واژه شناسان «حصن» را به بنای مستحکم و غیر قابل نفوذ یا جایگاه مرتفع و احسان را به مصونیت بخشیدن و حفظ کردن معنی کرده‌اند (فراهیدی، ۱۴۱۰ه.ق، ج ۳، ص ۱۱۸؛ صاحب بن عباد، ۱۴۱۴ه.ق، ج ۲، ص ۴۶۰؛ جزری، بی تا، ج ۱، ص ۳۹۷؛ ابن منظور، ۱۴۱۴ه.ق، ج ۱۳، ص ۱۱۹؛ طریحی، ۱۴۱۶ه.ق، ج ۶، ص ۲۳۶). لطافت واژه احسان از آن جهت است که صفتی ارزشی و ثابت در شخصیت فرد را نشان می دهد با صرف نظر از برخورد با عوامل خارجی، ولی به ظاهر، این ویژگی‌ها در «حفظ» به کار نرفته است (مصطفوی، ۱۴۰۲ه.ق، ج ۲، ص ۲۳۵). به زره که انسان را از آسیب و جراحت مصون می دارد، درح حصین می گویند (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ه.ق، ص ۲۳۹؛ ابن منظور، ۱۴۱۴ه.ق، ج ۱۳، ص ۱۱۹). تعبیر احسان در ساختارهای محصنات، محصنین، احصن، احصنت و... در هشت آیه از قرآن کریم به کار رفته است (مکارم شیرازی، ۱۴۱۸ ه.ق، ص ۶۹؛ موسوی اردبیلی، ۱۴۲۷ه.ق، ج ۱، ص ۱۹۲).

در اصطلاح نیز به کسی که خود را از بی‌عفتی حفظ می کند محصن می گویند و به زنی که در اثر شوهر داشتن و یا با عفت بودن خود را از بی‌عفتی نگه دارد محصنه (به صیغه فاعل و مفعول) می گویند. به صیغه فاعل از آن جهت که خود را از بی‌عفتی نگه دارد و به صیغه مفعول بدان جهت که از بی‌عفتی بازداشته می شود (راغب اصفهانی، همان، ص ۲۳۹؛ طریحی، همان، ج ۶، ص ۲۳۶؛ فراهیدی، همان، ج ۳، ص ۱۱۸؛ مشکینی، بی تا، ص ۴۴-۴۶). به تعبیر برخی دیگر، در شماری از آیات و روایات از ازدواج با واژه احسان تعبیر شده است که از ریشه لغوی حصن به معنای دژ و قلعه مشتق شده و اشاره تلویحی به این مطلب است که هر یک از دو همسر برای دیگری به منزله دژ و قلعه ای است که او را از خطر وقوع در انحرافات جنسی نگاه می دارد (بستان‌نجفی)، ۱۳۹۶ش، ص ۱۳۹).

### ۲. مصداق یابی اختلال عملکرد جنسی

چرخه پاسخ جنسی انسان چهار مرحله متمایز دارد. این مراحل چهارگانه به طور تصاعدی عبارتند از: ۱. مرحله انگیزش؛<sup>۱</sup> ۲. مرحله پلاتو؛<sup>۲</sup> ۳. مرحله ارگاسم؛<sup>۳</sup> ۴. مرحله فرونشینی یا

1 . Excitement phas.

2 . Plateau phase.



تحلیل<sup>۲</sup> (مسترز و جانسون، ۱۳۹۲ش، ص ۱۲). در بعضی منابع، از این مراحل چهارگانه به برانگیختگی، برانگیختگی ممتد و یک نواخت، اوج لذت جنسی و خاتمه، تعبیر شده است (ساعت چی، ۱۳۹۴ش، ص ۳۸۵). برخی نوشته اند مرحله میل یا تمایل به رابطه جنسی<sup>۳</sup> نیز که در فرایند یک رابطه جنسی از نظر روان شناسی بسیار اهمیت دارد به عنوان نخستین مرحله به این چهار مرحله افزوده شده است. پس طبق دیدگاه این گروه، مراحل و چرخه جنسی شامل پنج مرحله می باشد (نور علیزاده میانجی، ۱۳۹۷ش، ص ۱۱۲).

رابطه مراحل پیش گفته بدین صورت است که هر مرحله به منزله علت برای مرحله بعد است. میل شهوانی هیجان درونی ناشی از خیال پردازی جنسی یا نوازش گری در تماس جسمی مستقیم یا تماشاگری عمدی یا اتفاق جنسی است. در هر صورت، این هیجان درونی موجب برانگیختگی جسمانی به صورت لیز شدن مهبل در زن و نعوظ آلت در مرد می شود. مرحله سوم پاسخ جنسی انسان، همان اوج لذت جنسی است که «ارگاسم»<sup>۴</sup> نامیده می شود. ارگاسم همراه با انقباض های عضلانی در ناحیه تناسلی و رعشه های خفیف در بدن زن و مرد روی می دهد که در مردان با انزال همراه است. فرونشینی مرحله پایانی و دوره بازگشت به حالت عادی است. مراحل پیش گفته به طور معمول در ارتباط جنسی کامل و رضایت بخش برای مردان و زنان تکرار می شود؛ اگرچه در اشخاص مختلف به لحاظ سرعت و طول مدت ممکن است متفاوت باشد. این سخن بدان معنی نیست که همه افراد قادرند این مراحل را تجربه کنند. اصطلاح کژکاری یا اختلال جنسی اشاره به وجود اختلال در یکی از مراحل پاسخ جنسی انسان است. بعضی افراد مبتلا به کژکاری، میل جنسی کمی دارند یا اساساً میلی ندارند. برخی دیگر در مرحله برانگیختگی جسمانی تأخیر دارند یا به طور کلی، برانگیخته نمی شوند. بعضی دیگر قادر نیستند مرحله ارگاسم را تجربه کنند. (هدایت نیا، ۱۳۹۹ش، ص ۳۴).

برخی از نویسندگان مصادیق کژکاری جنسی را این گونه بیان کرده اند: «اختلالات جنسی در مردان بر اساس ناتوانی در رسیدن به رابطه جنسی رضایت بخش بوده و شامل اختلال در انزال زودرس، انزال رو به عقب و انزال به تأخیر افتاده می باشد و این اختلالات در زنان مبتنی بر ناتوانی در رسیدن به رابطه رضایت بخش جنسی بوده و شامل اختلالات میل جنسی، تحریک جنسی، ارگاسم و آمیزش جنسی دردناک<sup>۵</sup> است.» (معاونت پژوهش گروه روان شناسی موسسه امام خمینی، ۱۳۸۶ش، ص ۳۷). برخی دیگر، مشکلات جنسی شایع در مردان را مشکلات مربوط

- 1 . Orgasmic phase.
- 2 . Resolution phase
- 3 . Desire phase.
- 4 . Orgasm.
- 5 . vaginismus

به نعوظ، انزال زودرس و نرسیدن به اوج لذت جنسی و مشکلات شایع جنسی در زنان را ناراحتی عاطفی، ناراحتی جسمی و مشکل در رسیدن به اوج لذت جنسی دانسته اند (ونیکس، ۱۳۹۱ش، ص ۳۴).

### ۳. بررسی و تحلیل دیدگاه‌ها

تنوع مصادیق اختلال‌های جنسی فراتر از تطبیقاتی است که در فقه اسلامی صورت گرفته است. نظیر «عنن» که نوعی اختلال جنسی شناخته می‌شود و در عین حال، در زمره عیوب زوج قرار دارد و با توجه به ادله نقلی موجود، اثر آن در فسخ نکاح پذیرفته شده است. اختلال جنسی مصادیقی دارد که در ردیف عیوب موجب فسخ قرار نمی‌گیرند. اغلب مشکلات یا کژکاری‌هایی که امروزه به نام اختلال جنسی شناخته و تعریف می‌شوند، در فقه اسلامی سابقه ندارند و فقط اشاراتی کلی به آنها در فقه اسلامی یافت می‌شود؛ مشکلاتی مانند زودانزالی یا دیرانزالی، سردمزاجی یا بیش‌فعالی جنسی، واژینیسم، مقاربت دردناک، انزجار جنسی و غیر آن.

برخی مصادیق عیوب موجب فسخ، اختلال جنسی شناخته نمی‌شوند و تعریف پیش گفته بر آن منطبق نیست، مانند نایبایی و زمین‌گیری که از نظر فقهی جزو عیوب اختصاصی زوجه محسوب شده‌اند. این قبیل آسیب‌ها به فعالیت جنسی زوجین لطمه نمی‌زنند و با وجود آنها، فعالیت جنسی به صورت طبیعی صورت می‌گیرد یا اگر تأثیری داشته باشند، ناچیز است و به همین دلیل، اختلال جنسی محسوب نمی‌شوند.

عنن مصداق مشترک اختلال جنسی و عیوب موجب فسخ است. برخی در پاسخ به این پرسش که آیا می‌توان اختلالات جنسی موضوع علم روان‌شناسی مانند انزال زودرس و واژینیسموس<sup>۱</sup> را با عیوب موجب فسخ نکاح مانند عنن و قرن منطبق دانست و آنها را موجبی برای فسخ نکاح برشمرد، نوشته‌اند که میان اختلال نعوظ و عیب عنن، اختلال واژینیسموس و عیب قرن (عقل یا رتق)، و همچنین اختلال انزال زودرس مشروط بر عدم توانایی دخول و عیب عنن شباهت‌های بسیاری می‌باشد (اصغری، ۱۳۹۲ش). تا آن جا که بررسی شد فقیهان به بررسی اختلال‌های جنسی و تأثیر آن در خروج از احصان نپرداخته‌اند، اما در ذیل موضوع عیوب موجب فسخ نکاح به عنن به عنوان یکی از عیوب موجب فسخ، مباحثی را مطرح کرده‌اند. که می‌توان با توجه به بحث «عنن» بحث «اختلال عملکرد جنسی و تأثیر آن بر احصان» را سامان داد.

عَنن، ۲ نوعی ناتوانی جنسی در مردان است. واژه شناسان آن را به بیماری که مانع انتشار

1 . vaginismus

2 . impotence

عضو یا برخاستن آلت تناسلی مرد می‌شود، تعریف کرده‌اند (هاشمی شاهرودی و دیگران، ۱۴۳۲ ه.ق، ج ۱، ص ۶۷۵). عنن اختصاص به مردان دارد و به مرد مبتلا به آن «عنین» و به این حالت «عُنَّة» گفته می‌شود، هرچند برخی واژه شناسان آن را برای زنان هم به کار برده و نوشته‌اند: «امراة عَنِیَّة: لاتشتهی الرجال.» (طریحی، ۱۴۱۶ ه.ق، ج ۳، ص ۲۸۳).

فقیهان نیز عنن را این گونه تعریف کرده‌اند: «العنة فهو مرض يعجز معه عن الإیلاج، و یضعف عن الانتشار؛ (کرکی، ۱۴۱۴ ه.ق، ج ۱۳، ص ۲۲۸) عنن بیماری است که باعث عدم نعوذ آلت مردانه شده و مرد ناتوان از نزدیکی با همسرش می‌شود.» برخی نیز نوشته‌اند: «العنن و هو مرض يعجز معه عن الإیلاج، لضعف الذکر عن الانتشار (وجدانی فخر، ۱۴۲۶ ه.ق، ج ۱۲، ص ۱۷۶) عنن بیماری است که مرد به دلیل عدم نعوظ و برخاستن آلت تناسلی از نزدیکی کردن با همسرش ناتوان می‌شود.» یکی دیگر از فقیهان بعد از تعریف عنن، به دلایل و خصوصیات آن پرداخته و می‌نویسد: «و هو مرض يعجز معه الرجل عن الإیلاج لضعف الذکر عن الانتشار و قد یقع من الخوف و من السحر و قد یقع من الإعراض عن النساء و عدم الميل إلیهن و من الکبر و من غیرهما و قد یكون اصلياً و عارضياً و شرطه أن لا یختص بامرأة دون أخرى» (کاشف الغطاء، ۱۴۲۲ ه.ق، ص ۱۸۳). یکی از مراجع عظام تقلید نیز در این باره نوشته است: «عنن عارضه‌ای در مرد است که به واسطه آن قادر بر مباشرت با هیچ زنی نباشد و میزان در عدم قدرت و تشخیص آن نیز موکول به عرف است.» (شیرازی زنجانی، ۱۴۱۹ ه.ق، ج ۲۰، ص ۶۴۴۴). ایشان در جایی دیگر می‌نویسد: «در کتب لغت به زنی که تمایل جنسی به مرد نداشته باشد «عنین» می‌گویند. وقتی این دو مطلب را در کنار هم بگذاریم می‌توانیم نتیجه بگیریم که از نظر اهل لغت صرف عدم امکان مباشرت در صدق «عنن» کافی نیست، بلکه معیار وحید در تحقق آن، عدم تمایلات جنسی است که هم در مرد و هم در زن می‌تواند وجود داشته باشد. در حالی که در کلمات فقها اصلاً قید عدم تمایلات جنسی مطرح نمی‌باشد و تنها به عدم تمکن از مباشرت اکتفا شده است.» (همان، ص ۶۴۴۶). به تعبیر دیگر: «عنن از امراض است و گاهی منشأ آن عوامل جسمی و گاهی عوامل روحی است و اسباب مختلف دارد...» (مکارم شیرازی، ۱۴۲۴ ه.ق، ج ۵، ص ۱۰۷). فقیهان دیگر نیز به این موضوع پرداخته‌اند که به همین مقدار بسنده می‌شود (نجفی، ۱۴۰۴ ه.ق، ج ۳۰، ص ۳۲۴؛ انصاری، ۱۴۱۵ ه.ق، ص ۴۴۱؛ خوانساری، ۱۴۰۵ ه.ق، ج ۴، ص ۳۶۴؛ امام خمینی، بی‌تا، ج ۲، ص ۲۹۳).

تفاوت عنن با اصطلاح عقیم بودن آن است که فرد می‌تواند عقیم باشد، اما در توان جنسی خود مشکلی نداشته باشد. ضمناً بسیاری از کسانی که دچار مشکل ناتوانی جنسی هستند می‌توانند بارور نیز باشند.

در تعریف عنن عدم شهوت و تمایل به زنان ملحوظ نیست و چه بسا حالت فوق با وجود

شهوت و تمایل نیز توأم باشد (ر.ک: نجفی، ۱۴۰۴ ه.ق، ج ۳۰، ص ۳۲۴؛ محقق داماد، بی‌تا، ص ۳۴۴).

اگر زن بعد از مشخص شدن عنن شوهر اقدام به فسخ ازدواج کرد که سخنی نیست، اما اگر از حق فسخ خود استفاده نکرد و صبر کرد و رضایت داد به ادامه زندگی مشترک، با وجود ناتوانی جنسی شوهر و بعد از مدتی به دلیل ناتوانی شوهر در ارضای جنسی او، مرتکب زنا شد حکم مسأله چیست؟ فقیهان در پاسخ به این پرسش، عنن و دیگر بیماری‌ها که موجب عدم توانایی در آمیزش هست را باعث خروج طرف مقابل از «احسان» دانسته‌اند. یکی از مراجع عظام تقلید در پاسخ به این پرسش که هر گاه زوج عیبی دارد که زن با وجود آن عیب می‌تواند عقد را فسخ کند مثل این که مرد مقطوع الاله یا خصی باشد لکن نمی‌خواهد فسخ کند اگر در چنین موردی زوجه زنا کند محصنه است یا خیر؟» گفته‌اند: «در فرض مذکور زن محصنه نیست.» (موسوی گلپایگانی، ۱۴۰۹ ه.ق، ج ۱، ص ۵۴۴، مسأله ۱۴). همچنین در پاسخ به این پرسش که هر گاه شوهر عنین باشد و زوجه‌اش زنا دهد آیا محصنه است یا خیر، نوشته‌اند: «زوجه در این فرض محصنه نیست.» (همان، مسأله ۱۲). باید توجه داشت اگر زوجه نیز دارای بیماری‌هایی باشد که زوج امکان وطی با وی را نداشته باشد، زوج از احسان خارج می‌شود. ایشان همچنین در پاسخ به این پرسش که هر گاه زوجه عیبی دارد که آن عیب مانع از وطی است و زوج می‌تواند عقد را فسخ کند لکن نمی‌خواهد فسخ کند اگر در چنین موقعی زوج زنا کند محصن است یا خیر، چنین پاسخ داده‌اند: «مرد مورد سؤال محصن نیست.» (همان، مسأله ۱۳). و در پاسخ به استفتای دیگری با این مضمون که هر گاه زوج مریض و در منزل بستری باشد و به همین جهت نتواند با زوجه نزدیکی کند و در چنین حالی، زوجه زنا دهد آیا محصنه است یا خیر، فرموده‌اند: «در فرض مذکور زوجه محصنه نیست.» (همان، ص ۵۴۳، مسأله ۱۱).

از سوی دیگر، در منابع فقهی تأمین نیازهای جنسی و عاطفی همسران، داشتن روابط جنسی متعارف، زیست عفیفانه و وفاداری زوجین به یکدیگر و خودداری از برقراری رابطه نامشروع از لوازم حسن معاشرت دانسته شده است (فیض کاشانی، بی‌تا، ج ۲، ص ۲۸۸).

قانون‌گذار جمهوری اسلامی ایران در آخرین اراده خود در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ با توجه به دیدگاه‌های فقیهان، مصادیق احسان را وسعت داده و با توسعه و گسترش موانع و مصادیق احسان، دایره شمول زنا و لواط محصنه را تنگ تر کرده و بیشتر زناها و لواط‌ها را در شمول زنا و لواط غیر محصنه قرار داده است. برخی نوشته‌اند: یکی از نوآوری‌های قانون مجازات اسلامی جدید، مزیق نمودن مفهوم احسان است (حاجی ده‌آبادی، ۱۳۹۸ ش، ص ۱۰۳). از سویی بنای حدود بر تخفیف است (شیرازی، ۱۴۰۷ ه.ق، ج ۸۷، ص ۵۷). از این رو در ماده ۲۲۷ این قانون آمده است: «اموری از قبیل مسافرت، حبس، حیض، نفاس، بیماری مانع از مقاربت یا بیماری که موجب خطر برای طرف مقابل می‌گردد مانند ایدز و سفلیس، زوجین را از احسان خارج می‌کند.»

همان گونه که پیشتر آمد، اختلال‌های جنسی علاوه بر حقوق خانواده، در حقوق کیفری نیز منشأ اثر است (هدایت نیا، ۱۳۹۹ش، ص ۱۲۰). یکی از موضوعاتی که در ذیل ماده ۲۲۷ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ قابل بررسی و کاوش است اختلال‌های جنسی زوجین و تأثیر آن بر خروج از احسان آنها می‌باشد.

تا آن جا که بررسی شد حقوق دانان نیز همانند فقیهان به بررسی اختلال‌های جنسی و تأثیر آن در خروج از احسان نپرداخته‌اند، اما در ذیل عیوب موجب فسخ نکاح به عنن به عنوان یکی از عیوب موجب فسخ، مباحثی را مطرح کرده‌اند.

برخی بر این باورند که: «عنن (بفتح عین و نون اول) یک نوع بیماری که به واسطه آن آلت مرد منتشر نمی‌شود و در نتیجه از عمل نزدیکی عاجز می‌گردد. در تعریف عنن عدم شهوت و تمایل به زنان ملحوظ نیست و چه بسا حالت فوق با وجود شهوت و تمایل نیز توأم باشد. این بیماری همان طور که ممکن است طبیعی باشد، محتمل است معلول کنش‌های روانی و یا افسون نیز باشد.» (محقق داماد، بی‌تا، ص ۳۴۴).

عده ای نیز این گونه نظر داده اند: «عنن و آن بیماری است که موجب می‌شود قوه نشر آلت تناسلی مرد ضعیف گردد به طوری که نمی‌تواند نزدیکی کند. کسی که دارای این بیماری است او را عنین گویند.» (امامی، بی‌تا، ج ۴، ص ۴۶۴). حقوق دانان دیگر نیز عنن را به ناتوانی جنسی شوهر معنا کرده‌اند (لنگرودی، ۱۳۸۵ش، ص ۴۷۷).

در منابع حقوقی نیز، تأمین نیازهای جنسی و عاطفی همسران، داشتن روابط جنسی متعارف، زیست عقیفانه و وفاداری زوجین به یکدیگر و خودداری از برقراری رابطه نامشروع از لوازم حسن معاشرت دانسته شده است (صفایی و امامی، ۱۳۷۵ش، ص ۱۳۶؛ کاتوزیان، ۱۳۷۹ش، ج ۱، ص ۲۱۹).

قوانین و مقررات پیش و پس از انقلاب اسلامی درباره تأثیر اختلال‌های جنسی بر احسان اشاره‌ای نداشته اند، ولی در آرای مراجع مختلف قضایی و به ویژه قضات عالی مقام دیوان عالی کشور به مواردی از اختلال‌های جنسی مانند ناتوانی جنسی زن یا شوهر، سرد مزاجی و ... اشاره شده که نشان از توجه و دغدغه آن مراجع در این باره و تأثیر این اختلال‌ها در دوری از زیست عقیفانه و پاک زیستی و خروج از احسان دارد. به برخی از این آرا اشاره می‌شود:

۱. در یکی از این آرا، عدم توانایی شوهر متهمه در ارضای جنسی او موجب سقوط شرایط احسان در متهمه دانسته شده، از این رو رأی به سقوط حد رجم داده شده است. خلاصه این پرونده به شرح زیر است:

«با قتل آقای ...، مأمور انتظامی در مورخ ۱۳۷۵/۱۱/۲۴، مأمورین به همسر او بانو ... مظنون شده و او تحت تعقیب قرار می‌گیرد. بانو ... اظهار می‌دارد که: همسر من نمی‌توانست مرا ارضا کند و ماهی یک بار با من نزدیکی می‌کرد و من با اجنبی زنا کردم و در قتل دخیل بودم.

شعبه ۴ دادگاه عمومی سنندج در مورخ ۱۳۷۵/۱۲/۶ طی دادنامه شماره ۱۳۹۰ ضمن این که در هنگام اخذ آخرین دفاع، متهمین اقرار به زنا داشته‌اند، حکم به رجم متهمه و همچنین صد ضربه شلاق حدی برای متهم دیگر (...) به استناد اقرار آنها صادر می‌کند. اما شعبه ۱۱ دیوان عالی کشور در دادنامه شماره ۱۱/۴ مورخ ۱۳۷۶/۱/۲۴، در پی اعتراض و کیل متهمه اقدام به نقض رأی صادره می‌نماید به این شرح که: ... در خصوص آن قسمت از دادنامه که طی آن، محکومه (بانو...) را به حد رجم محکوم کرده... با توجه به مسأله ۱۰ جلد ۲ تحریرالوسیله صفحه ۴۸۵... و مستند به ماده ۸۶ ق.م.ا.شبهه در احصان موجب سقوط رجم است.

شعبه دوم دادگاه عمومی سنندج مجدداً با توجه به ۴ بار اقرار متهمه در مراحل مختلف و اعلام پشیمانی او در جلسه دادگاه مستنداً به مواد ۶۸ و بند ب ماده ۸۳ ق.م.ا. حکم به رجم متهم صادر کرده است. متعاقب صدور این رأی، وکیل متهمه تجدیدنظرخواهی نموده و پرونده به لحاظ سابقه ارجاع به شعبه ۱۱ دیوان عالی کشور ارسال شده و این شعبه طی دادنامه شماره ۱۷۳۱ مورخ ۱۳۷۴/۹/۲۹ رأی صادره را به شرح ذیل نقض نموده است: ... به لحاظ این که شرایط احصان محقق نیست، حکم صادره نقض می‌گردد و موضوع اصراری تشخیص داده می‌شود.

در نهایت امر، رأی اصراری شماره ۱۵ مورخ ۱۳۷۷/۷/۱۹ به این شرح صادر می‌گردد: «... نظر به این که تحقق احصان مشروط بر شرایطی است که در فصل سوم ق.م.ا. به ویژه در مواد ۸۳ و ۸۶ بیان شده است، خانم ... در دفاع از خود، عدم توانایی جنسی همسر خود را مطرح کرده که مدارک پرونده نیز مؤید آن است... لذا زنا مستوجب رجم... نقض می‌گردد.» (گروه پژوهشی انتشارات دانش، ۱۳۹۹ ش ص ۱۰۶).

۲. شعبه ۲۷ دیوان عالی کشور نیز در دادنامه ای آورده است: «... از سوی دیگر، همسر متهم با تقدیم لایحه‌ای اعلام نموده با شوهر خویش مشکل جنسی داشته و تصاویر نظریه پزشکی قانونی حاکی از وجود مشکل زناشویی از سالها قبل و تداوم معالجات دارد که مجموعه مراتب فوق موید نظریه اقلیت بوده و لااقل موجب شبهه دارنه می‌باشد، لذا در وضعیت فعلی، دادنامه تجدیدنظرخواسته شماره... حاوی حکم رجم آقای... قابل تایید نمی‌باشد و...» (گروه پژوهشی انتشارات دانش، ۱۳۹۹ ش، ص ۲۰۴).

۳. شعبه ۳۳ دیوان عالی کشور نیز آورده در پرونده دیگری آورده است: «... ثانیاً، با توجه به اظهارات همسر متهم مبنی بر داشتن مزاج سرد، موضوع احصان نیاز به بررسی بیشتر دارد تا هیچ گونه شبهه‌ای متصور نباشد...» (گروه پژوهشی انتشارات دانش، ۱۳۹۹ ش ص ۲۵۵).

دقت در این نمونه آرا محقق را به این نکته رهنمون می‌نماید که برخی بیماری‌ها نیز باعث خروج زوجین از احصان می‌شود و لذا یک نوع بیماری خاص دارای خصوصیت نمی‌باشد و آن چه باعث ناتوانی جنسی یا اختلال عملکرد جنسی و در نتیجه موجب سوء معاشرت و زیست غیر عقیفانه باشد سبب خروج زوجین از احصان می‌گردد.

بنابراین، از نظر فقهی و حقوقی، عنن و دیگر بیماری‌ها که باعث عدم توانایی بر آمیزش است هرچند استمتاعات دیگر ممکن باشد باعث خروج زوج و همچنین زوجه از احسان می‌گردد. اما در خصوص اختلال عملکرد جنسی اظهار نظر صریح فقهی یافت نگردید؛ بنابراین در ادامه باید با استعانت از ادله اجتهادی حکم این پدیده را کاوش کرد.

#### ۴. کشف ملاک و مناط خروج از احسان

کشف ملاک و مناط و در پی آن، الغای خصوصیت و تنقیح مناط کمک شایانی به دست یابی به پاسخ پرسش این پژوهش دارد. چه این که اگر ملاک خروج زوجین از احسان مشخص گردد می‌توان به کمک ابزار «تنقیح مناط» حکم اختلال عملکرد جنسی را در خروج از احسان مشخص نمود. «تنقیح مناط در نزد فقیهان، شناسایی علت حکم از کلام شارع، از راه حذف ویژگی‌های غیر دخیل در حکم است» (هاشمی شاهرودی و دیگران، ۱۴۲۶ه.ق، ج ۲، ص ۶۴۴). «الغای خصوصیت» نیز در مواردی استعمال شده که فقیه از طریق الغا و اسقاط خصوصیتی که در موضوع حکم (اعم از متعلق حکم یا متعلق متعلق حکم یا مکلف) یا خود حکم مدخلیت ندارد، مصداق دیگری از موضوع حکم را یافته و حکم را بر آن بار می‌کند. برای مثال، طبق آیه شریفه «وَالَّذِينَ يَزْمُونَ الْمُحْصَنَاتِ ثُمَّ لَمْ يَأْتُوا بِأَرْبَعَةِ شُهَدَاءَ فَاجْلِدُوهُمْ ثَمَانِينَ جَلْدَةً» (نور: ۴)، حد قذف‌کننده زنان محصنه بیان شده، ولی حکمی در مورد قذف‌کننده مردان محصن نیامده است. فقها با الغای خصوصیت زن بودن فرد قذف‌شده، حکم یادشده را برای قذف‌کننده مرد محصن نیز ثابت می‌کنند (مومن قمی، ۱۳۸۰ش، ص ۱۴۳). در این فرآیند، زن محصنه که موضوع حکم منصوص به معنای متعلق متعلق حکم است، به عنوان فردی از موضوع واقعی تلقی شده، همان‌گونه که مرد محصن نیز فردی از آن است.

برای کشف مناط و ملاک حکم به خروج افراد دارای اختلال عملکرد جنسی باید سنخ این مسأله مورد توجه قرار گیرد آیا این مسأله جزء امور تعبدی است یا امور عقلایی که عقل در آن درک و حکم دارد و توانایی حضور دارد؟ با امعان نظر مشخص می‌گردد یکی از اهداف اولیه ازدواج که معاشرت و آمیزش جنسی است با اختلال عملکرد جنسی قابل جمع نیست از این رو منطقی و عقلایی نیست که شارع مقدس از سویی هدف تشریح ازدواج را سکونت و آرامش روحی - روانی «لتسکنوا الیها» معرفی نماید و از سوی دیگر یکی از مهم‌ترین ابزارهای تأمین آرامش بین زوجین که آمیزش جنسی است نادیده بگیرد. بنابراین، شارع مقدس با واقع بینی تمام و در نظر گرفتن حقایق مادی و نیازهای غریزی و زیستی زوجین در صورت عجز زوجین از آمیزش جنسی و ابتلا به بیماری‌هایی همچون عنن، زوجین را از دایره احسان خارج کرده است. بنابراین و با توجه به این ملاک یعنی «اختلال در عملکرد مطلوب جنسی» می‌توان هر یک از مصادیق اختلال جنسی، اعم از عنن و همچنین عوامل روانی اختلال در عملکرد جنسی را تحت آن حکم قرار داد و بر خروج این افراد از دایره احسان حکم کرد.

همچنین باید توجه داشت که هرچند بعضی از مصادیق اختلال‌های جنسی موضوعات جدید فقهی هستند و در مسأله محل بحث عنوان اختلال جنسی و مصادیق جدید آن موضوع ادله شرعی قرار نگرفته است، ولی بازگشت آن به عناوینی است که برای آن ادله خاص یا عام در منابع فقه یافت می‌شود.

#### ۴-۱. قواعد نفی ضرر و حرج

با توجه به آن چه در تعریف اختلال جنسی بیان شد، به لحاظ پیامدشناسی، بازگشت اختلال جنسی به «ناتوانی در برقراری رابطه جنسی موفق» است. این تعریف، آسیب‌های پیش رو را در بر می‌گیرد: ۱. عجز یا نداشتن قدرت در ایفای وظیفه زناشویی؛ ۲. ضرری یا حرجی شدن رابطه زناشویی.

عناوین پیش گفته به لحاظ فقهی منشأ اثر هستند و برای هریک، ادله خاص یا عام وجود دارد. بنابراین، مستنبط می‌تواند با برگرداندن مصادیق اختلال جنسی به عناوین فقهی شناخته شده و معروف مانند «ضرر» و «حرج» حکم آن این مصادیق را نیز استنباط کند. برای مثال، اگر ثابت شود ابتلای فرد به مصداقی از اختلال جنسی موجب ناتوانی جنسی وی شده یا رابطه جنسی را برای وی یا همسرش ضرری یا حرجی ساخته است، می‌توان از طریق قواعد نفی ضرر یا حرج، حکم آن را به دست آورد. همچنین از طریق ملاک‌های احکام عیوب که شرح آن گذشت؛ چه این که حکم به احصان چنین افرادی، ضرری و حرجی است و در شریعت مقدس اسلام از ضرر و حرج نفی و نهی شده است. بنابراین، شارع مقدس حکم به احصان چنین افرادی نمی‌نماید.

#### ۴-۲. قاعده معاشرت به معروف

معاشرت به معروف فقط مسأله فرعی نیست، بلکه اصل یا قاعده فقهی است که از آن می‌توان برای استنباط احکام موضوعات و مسایل نوظهور در حوزه فقه خانواده بهره جست (حکمت نیا و دیگران، ۱۳۸۸ ش، ج ۲، ص ۷۰؛ هدایت نیا، ۱۳۹۹ ش، ص ۲۲۳). اختلال جنسی به ناتوانی زوجین در برقراری رابطه جنسی موفق و رضایت بخش اشاره می‌کند و به گونه ای حسن معاشرت و زیست عقیفانه را به چالش می‌کشد. روشن است که تأمین مشروع نیاز جنسی و پاک زیستی یکی از اهداف ازدواج و از مصادیق معاشرت به معروف است (بستان‌نجفی)، ۱۳۹۹ ش، ص ۸۴)؛ بنابراین، اختلال جنسی با این اهداف در تعارض است؛ چه این که با فرض ابتلای یکی از زن یا مرد به اختلال جنسی، آنان نمی‌توانند به مطالبات و نیازهای جنسی یکدیگر پاسخ گویند. کمترین اثر این عارضه، کاهش میزان رضایت در روابط همسران و اختلال در آرامش روانی و سلامت اخلاقی آنها و گاهی تأمین نیاز جنسی خود در خارج از چرخه زندگی مشترک است. با توجه به ملاک و معیارهای حسن معاشرت و معاشرت به معروف که در اسلام



بر آن تأکید فراوان شده است<sup>۱</sup>، می‌توان اختلال‌های جنسی را از موانع تحقق احسان برشمرد. به تعبیری دیگر، با توجه به قواعد اخلاقی و تأثیر آن بر احکام حقوقی، می‌توان بر این نظر بود که اختلال‌های جنسی تواند در زمره موانع احسان محسوب گردد.

#### ۴-۳. قاعده درء

قاعده درء یکی از قواعد مسلم فقهی است که در حقوق ایران نیز جریان دارد. بر اساس این قاعده که باعث سقوط حدود می‌شود هر جا که در احراز شرایط ارتکاب جرم حدی تردید شود قاعده درء جاری است و نمی‌توان حدود را جاری کرد. این قاعده مستند به حدیثی از پیامبر اعظم (ص) است که در آن آمده است: «...ادْرءُوا الْحُدُودَ بِالشُّبُهَاتِ...» (حرعاملی، ۱۴۰۹هـ.ق، ج ۲۸، ص ۴۷، ح ۴). فقیهان با استفاده از این حدیث، در موارد وجود شبهه قایل به برداشته شدن حدود شده‌اند (نجفی، ۱۴۰۴هـ.ق، ج ۴۱، ص ۲۶۲، ۳۰۶ و ۴۶۴). در مسأله مورد بحث نیز با توجه به اختلال جنسی، تحقق احسان برای قاضی محل تردید و شبهه است و لذا جریان حکم حدی زنای محصنه مجاز نیست. پس در صورت شک در احسان فرد دارای اختلال جنسی و یا احسان طرف مقابل او در صورت زنا باید حکم به عدم احسان کرد.

#### ۴-۴. قاعده احتیاط در دماء

از قاعده احتیاط در دماء به عنوان یکی از مهم‌ترین اصول عقلایی در جامعه نام می‌برند (سبزواری، ۱۴۱۳هـ.ق، ج ۲۷، ص ۲۳۹). عقلا در خون انسان‌ها و از بین بردن یک نفس، احتیاط‌های لازم را دارند و به محض این که شواهدی بر تجویز قتل پیدا کردند، قتل را اجرا نمی‌کنند، بلکه اثبات قتل را بر امور مهم و محکم استوار می‌کنند. البته این گونه هم نیست که احتیاط در دماء، مقدم بر امارات باشد و حق دیگران از بین برود (حب الله، ۱۴۲۲هـ.ق، ج ۲۲، ص ۶۹). بنابراین، هرگاه قاضی تردید کند که آیا متهم مرتکب عمل ممنوعی شده است یا خیر یا این که آیا مرتکب در انجام عمل غیر قانونی، قصد و عمد داشته است یا خیر و یا این که آیا مرتکب در انجام عمل غیر قانونی، قصد و عمد داشته است یا خیر، به مقتضای اصل احتیاط نسبت به حفظ جان و عرض مسلمان، باید مجازات از متهم برداشته شود. در مسأله مورد بحث نیز این تردید برای قاضی وجود دارد که آیا زنای محصنه انجام شده است یا خیر؟ که با تمسک به قاعده احتیاط در دماء، حکم به برائت از زنای محصنه می‌دهد.

۱. از منظر قرآن کریم، اساسی‌ترین اصل در رفتار و تعامل میان زن و شوهر، معاشرت به معروف است. خداوند در آیه ۱۹ سوره نساء می‌فرماید: «... وَعَاشِرُوهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ...»

### نتیجه گیری

در این پژوهش مانعیت اختلال عملکرد جنسی در تحقق احسان از منظر اخلاقی، فقهی و حقوقی مورد بررسی و تحلیل قرار گرفت. از جمله نتایج این پژوهش این که از نظر فقهی اظهار نظر صریحی درباره مانعیت اختلال عملکرد جنسی در تحقق احسان نشده است. لکن رهیافت این پژوهش آن است که از طریق کشف ملاک و مناط خروج از احسان می‌توان به حکم فقهی اختلال عملکرد جنسی در مانعیت از تحقق احسان دست یافت. ملاک کشف شده برای خروج از احسان «عجز یا نداشتن قدرت در ایفای وظیفه زناشویی» است که این مناط در افراد دارای اختلال عملکرد جنسی نیز وجود دارد؛ بنابراین، می‌توان حکم خروج از احسان را بر این افراد مترتب کرد. از سوی دیگر با توجه به ملاک و معیارهای حسن معاشرت و معاشرت به معروف در خانواده که در اسلام بر آن تأکید فراوان شده است نیز می‌توان اختلال‌های جنسی را از موانع تحقق احسان برشمرد. همچنین رهیافت دیگر برای خروج افراد دارای اختلال جنسی از زمره محصنین آن است که به این مهم توجه شود که حکم به احسان چنین افرادی ضرری و حرجی است و بر اساس ضوابط شناخته شده فقهی ضرر و حرج نفی شده است. با استناد به قاعده درء و همچنین قاعده احتیاط در دماء نیز می‌توان حکم به خروج از احسان در افراد دارای اختلال عملکرد جنسی نمود.

### فهرست منابع

۱. ابن عباد، صاحب، (۱۴۱۴)، المحيط فی اللغة، بیروت، عالم الكتاب، چاپ اول، ج ۲.
۲. ابن منظور، محمدين مکرم (۱۴۱۴)، لسان العرب، بیروت، دارالفکر، چاپ سوم، ج ۹ و ۱۳.
۳. اسلامی نسب، علی (۱۳۸۵)، درمان های جنسی، تهران، نسل نواندیش، چاپ ششم.
۴. اصغری، منصوره، (۱۳۹۲)، پایان نامه کارشناسی ارشد: «تبیین حقوقی-روان شناختی تأثیر اختلالات جنسی هر یک از زوجین در انحلال نکاح»، تهران، دانشگاه تربیت مدرس، دانشکده علوم انسانی.
۵. امامی، سید حسن (بی تا)، حقوق مدنی، انتشارات اسلامیة، تهران، بی چا، ج ۴.
۶. انصاری، شیخ مرتضی (۱۴۱۵)، کتاب النکاح، قم، گنگره جهانی بزرگ داشت شیخ اعظم انصاری، چاپ اول.
۷. بستان(نجفی)، حسین(۱۳۹۶)، جامعه شناسی خانواده با نگاهی به منابع اسلامی، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، چاپ پنجم.
۸. جزری، ابن اثیر (بی تا)، النهاية فی غریب الحدیث، قم، اسماعیلیان، چاپ اول، ج ۱.
۹. جعفری لنگرودی، محمد جعفر(۱۳۸۵)، ترمینولوژی حقوق، تهران، گنج دانش، چاپ شانزدهم.
۱۰. گروه پژوهشی انتشارات دانش (گردآورنده) (۱۳۹۹)، جرم زنا در رویه دادگاه ها، تهران، چراغ دانش، چاپ اول.
۱۱. حاجی ده آبادی، احمد (۱۳۹۸)، مقاله: «ارتقای جایگاه زنان در قانون مجازات اسلامی سال ۱۳۹۲»، نشریه مطالعات راهبردی زنان، دوره ۲۱، شماره ۸۴.
۱۲. حب الله، حیدر (۱۴۲۲)، مقاله: «الشهادة علی الزنا - المعاينة والیقین»، مجله فقه اهل البيت (عربی)، قم، مؤسسه دائرة المعارف الاسلامیة، ش ۲۲.
۱۳. حسین زاده، علی(۱۳۹۷)، همسران سازگار(راه کارهای سازگاری)، قم، انتشارات موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، چاپ بیست و دوم.
۱۴. حکمت نیا، محمود و دیگران(۱۳۸۸)، فلسفه حقوق خانواده، تهران، شورای فرهنگی اجتماعی زنان، چاپ اول، ج ۲.
۱۵. حییم، سلیمان (۱۳۷۴)، فرهنگ انگلیسی فارسی حییم، تهران، نشر فرهنگ معاصر، چاپ سوم.
۱۶. خوانساری، سید احمد (۱۴۰۵)، جامع المدارک، قم، موسسه اسماعیلیان، چاپ دوم، ج ۴.
۱۷. دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۷ش)، لغت نامه دهخدا، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ج ۱.
۱۸. راغب اصفهانی، حسین (۱۴۱۲)، مفردات الفاظ القرآن، بیروت، دارالعلم، چاپ اول.

۱۹. رزم ساز، بابک (۱۳۹۳)، روش‌های پیش‌گیری از جرایم جنسی و خلاف عفت عمومی در سیاست جنایی جمهوری اسلامی ایران، تهران، مجد، چاپ اول.
۲۰. سادات اسدی، لیلا (۱۳۸۵)، مقاله: «حق جنسی، اختلال و انحراف در آن در قوانین موضوعه»، مجله ندای صادق، سال ۱۳۸۵، شماره ۴۳.
۲۱. ساعت چی، محمود (۱۳۹۴)، فرهنگ روان‌شناسی، تهران، انتشارات معین، چاپ دوم.
۲۲. سبزواری، سید عبدالاعلی (۱۴۱۳) مهذب الاحکام، مؤسسه المنار، قم، چاپ چهارم، ج ۲۷.
۲۳. شبیری زنجانی، سید موسی (۱۴۱۹)، کتاب نکاح، قم، مؤسسه پژوهشی رأی‌پرداز، چاپ اول، ج ۲۰.
۲۴. شیرازی، سیدمحمد (۱۴۰۷)، الفقه، قم، مؤسسه الفکر الاسلامی، ج ۸۷.
۲۵. صفایی، سید حسین و اسدالله امامی (۱۳۷۵)، حقوق خانواده، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ پنجم.
۲۶. طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۲)، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تهران، ناصر خسرو، چاپ سوم، ج ۳.
۲۷. طریحی، فخرالدین (۱۴۱۶ ه.ق)، مجمع البحرین، تهران، کتاب فروشی مرتضوی، چاپ سوم، ج ۳ و ۶.
۲۸. عاملی، شیخ حر (۱۴۰۹)، وسایل الشیعه، قم، مؤسسه آل‌البیت (ع)، چاپ اول، ج ۲۸.
۲۹. فراهیدی، خلیل بن احمد (۱۴۱۰)، کتاب العین، قم، نشر هجرت، چاپ دوم، ج ۳.
۳۰. فیض کاشانی، ملا محسن (بی تا)، مفاتیح الشرایع، قم، انتشارات کتابخانه آیت‌الله مرعشی نجفی، چاپ اول، ج ۲.
۳۱. فیض کاشانی، ملا محسن (۱۴۱۸)، الاصفی فی تفسیر القرآن، قم، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، چاپ اول، ج ۱.
۳۲. فیومی، احمد بن محمد مقرئ (۱۴۱۸)، المصباح المنیر، بیروت، المكتبة العصرية، چاپ اول، ج ۲.
۳۳. کاتوزیان، ناصر (۱۳۷۹)، دوره مقدماتی حقوق مدنی (خانواده)، تهران، نشر دادگستر، ج ۱.
۳۴. کرکی، علی بن حسین (۱۴۱۴)، جامع المقاصد فی شرح القواعد، قم، مؤسسه آل‌البیت (ع)، چاپ دوم، ج ۱۳.
۳۵. الکساندرنیومن دورلند، ویلیام (۱۳۹۳) فرهنگ پزشکی دورلند، ترجمه حمید نام‌آور و محمد جواد ضرابی، تهران، انتشارات یادواره کتاب، چاپ اول.
۳۶. کاشف الغطاء، حسن (۱۴۲۲)، أنوار الفقاهة - کتاب النکاح، نجف اشرف، مؤسسه کاشف الغطاء، چاپ اول.

۳۷. محقق داماد، سید مصطفی (بی تا)، بررسی فقهی حقوق خانواده (نکاح و انحلال آن)، بی نا، چاپ اول، قم.
۳۸. مزینانی، ربابه و دیگران، (۱۳۹۱)، مقاله: «بررسی شیوع اختلالات عملکرد جنسی در زنان و عوامل مرتبط با آن»، مجله علوم پزشکی رازی، دوره ۱۹، شماره ۱۰۵.
۳۹. مسترز، ویلیام و ویرجینیا جانسون (۱۳۹۲)، واکنش جنسی انسان، ترجمه هدایت موتابی، تبریز، نشر فروزش، چاپ سوم.
۴۰. مشکینی، علی (بی تا)، مصطلحات الفقه، بی نا، بی جا، بی چا.
۴۱. مصطفوی، حسن (۱۴۰۲)، التحقیق فی کلمات القرآن، تهران، مرکز کتاب للترجمه و النشر، چاپ اول، ج ۲ و ۳.
۴۲. معاونت پژوهش گروه روان شناسی موسسه امام خمینی (۱۳۸۶)، تقویت نظام خانواده و آسیب شناسی آن (مجموعه مقالات)، قم، انتشارات موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، چاپ دوم.
۴۳. مکارم شیرازی، ناصر (۱۴۱۸)، أنوار الفقاهة (کتاب الحدود و التعزیرات)، قم، انتشارات مدرسه الإمام علی بن ابی طالب (ع)، چاپ اول.
۴۴. مکارم شیرازی، ناصر (۱۴۲۴)، کتاب النکاح، قم، انتشارات مدرسه امام علی بن ابی طالب (ع)، چاپ اول، ج ۵.
۴۵. موریسون، جیمز، TM&DSM راهنمای تشخیصی ویژه درمان گران به زبان ساده، ترجمه فرهاد شاملو و دیگران، تهران، نشر ارجمند، چاپ اول.
۴۶. موسوی اردبیلی، سید عبد الکریم (۱۴۲۷)، فقه الحدود و التعزیرات، قم، جامعه المفید، چاپ دوم، ج ۱.
۴۷. موسوی خمینی، سید روح الله (بی تا)، تحریر الوسیلة، قم، اسماعیلیان، چاپ اول، ج ۲.
۴۸. موسوی گلپایگانی، سید محمدرضا (۱۴۰۹) مجمع المسائل، قم، دارالقرآن الکریم، چاپ دوم، ج ۱.
۴۹. موسوی، سیدعباس و امامی راد، احمد (۱۳۹۹)، کتاب جامع رضایت جنسی همسران (عوامل و موانع)، تهران، شرکت چاپ و نشر بین الملل، چاپ اول.
۵۰. مومن قمی، محمد (۱۳۸۰)، مبانی تحریر الوسیلة، کتاب الحدود، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چاپ اول.
۵۱. نجفی، محمد حسن (۱۴۰۴)، جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام، بیروت، دار إحياء التراث العربی، چاپ هفتم، ج ۳۰ و ۴۱.
۵۲. نور علیزاده میانجی، مسعود (۱۳۹۷)، سلامت و اختلال جنسی همسران (رویکردی اسلامی و روان شناختی)، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، چاپ اول.

۵۳. نوروزی، نادر و مریم فتحی (۱۳۹۸)، نقش انحرافات جنسی در ارتکاب جرم، تهران، امجد، چاپ اول.
۵۴. وجدانی فخر، قدرت الله (۱۴۲۶)، الجواهر الفخرية فی شرح الروضة البهیة، قم، انتشارات سما، چاپ دوم، ج ۱۲.
۵۵. ونیکس، جان (۱۳۹۱)، رویکرد حل مسأله در درمان مشکلات جنسی، ترجمه عطاالله محمدی، تهران، نشر ارجمند، چاپ اول.
۵۶. هاشمی، سیدحسین (۱۳۸۰)، مقاله: «مبانی و معیارهای رفتار با زن در قرآن»، قم، مجله پژوهش‌های قرآنی، شماره ۲۵ و ۲۶.
۵۷. هاشمی شاهرودی، سید محمود و دیگران (۱۴۳۲)، موسوعة الفقه الإسلامی المقارن، قم، مؤسسه دائرة المعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل بیت (ع)، چاپ اول، ج ۱ و ۸.
۵۸. هاشمی شاهرودی، سید محمود و دیگران (۱۴۲۶)، فرهنگ فقه مطابق مذهب اهل بیت (ع)، قم، مؤسسه دائرة المعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل بیت (ع)، چاپ اول، ج ۲.
۵۹. هدایت نیا، فرج الله (۱۳۹۹)، اختلال جنسی و حقوق خانواده، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، چاپ اول.
۶۰. هدایت نیا، فرج الله (۱۳۹۵)، نشوز زوجین در فقه و نظام حقوقی ایران، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، چاپ اول.

61. American psychiatric Association, Diagnostic & Statistical Manual of Mental Disorders, Fifth Edition, (DSM-5)

نوع مقاله: پژوهشی

صفحات ۶۳ - ۷۴

## جایگاه اخلاق حسنه در مبانی داوری پذیری در حقوق ایران و اروپا

محمد امیرنجات<sup>۱</sup>

سید ابراهیم حسینی<sup>۲</sup>

محمود قیوم زاده<sup>۳</sup>

### چکیده

داوری پذیری به معنای قابلیت ارجاع یک دعوی به داوری در همه کشورهای دنیا از منابع و الزاماتی سرچشمه می‌گیرید که این منابع مبانی داوری پذیری را تبیین می‌نمایند. یکی از این منابع اخلاق حسنه می‌باشد. اخلاق حسنه که جزو منابع الزامی غیر موضوعه می‌باشد در قواعد حقوقی تمام کشورها وجود دارد. هم در حقوق ایران و هم در حقوق کشورهای اروپایی ارجاع دعوی به داوری در خصوص موضوعات حقوقی منطبق با اخلاق حسنه ممنوع است. اما تعریف اخلاق حسنه و مصادیق آن در تمام کشورها یکسان نیست. ممکن است موضوعی در حقوق ایران به دلیل ممانعت با اخلاق حسنه قابل داوری پذیری نباشد و برعکس در حقوق کشورهای اروپایی قابل داوری پذیری باشد. بنابر این با توجه به ارزش و اهمیت داوری، بررسی این مبنا بسیار اهمیت دارد. در حقوق کشورهای اروپایی دکترین حقوقی و رویه قضایی به استناد به آراء قضات و تفسیرهای حقوقی سعی بر محدودیت معیار اخلاق حسنه و سایر مبانی فوق در داوری پذیری دعاوی نموده است تا دعاوی بیشتری قابل ارجاع به داوری باشد.

### واژگان کلیدی

داوری پذیری، اخلاق حسنه، رای داور، نظم عمومی.

۱. دانشجوی دکتری رشته حقوق خصوصی واحد ساوه، دانشگاه آزاد اسلامی، ساوه، ایران.

Email: Hoghooghdaan2@gmail.com

۲. استادیار موسسه آموزشی امام خمینی(ره)، قم، ایران. (نویسنده مسئول)

Email: S.e.hosseini@yahoo.com

۳. استاد گروه معارف اسلامی، واحد ساوه، دانشگاه آزاد اسلامی، ساوه، ایران.

Email: maarefteacher@yahoo.com

پذیرش نهایی: ۱۴۰۰/۹/۶

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۶/۱۱

## طرح مسأله

جایگاه اخلاق حسنه در داوری آنقدر مهم است که عدم توجه به آن داوری را بی اعتبار داوری می شود و باعث عدم شناسایی رای داور می گردد. طبق ماده ۶ قانون آیین دادرسی مدنی اگر قراردادی خلاف اخلاق حسنه باشد اما مغایر شرع نباشد قابل ترتیب اثر خواهد بود. در قانون ثبت اختراعات طرحهای صنعتی و علائم تجاری و در بند او ماده ۴ بند ب ماده ۳۲ و ماده ۴۶ عبارت موازین شرعی نیز در کنار اخلاق حسنه به کار رفته است. در ماده ۲۱۱ قانون آیین دادرسی مدنی نیز در کنار نظم عمومی از عفت عمومی و مسائل مصالح عامه سخن گفته شده است.

اخلاق حسنه با اینکه جزو منابع حقوقی است لیکن جزو قانون موضوعه نمی باشد. بدین توضیح که در هیچ یک از قوانین کشور ها قانونی در این خصوص بالصراحه تصویب نشده است. بلکه تنها چند ماده به این موضوع پرداخته است. برای مثال در حقوق ایران ماده ۹۷۵ و ۹۶۰ قانون مدنی به این موضوع اشاره کرده است و در حقوق فرانسه شرط ارث در زندگی مشترک منطبق با خلاق حسنه دانسته شده و از لحاظ حقوقی معتبر است. نتیجه این موضوع این است که در قوانین کشور تشخیص موضوع اخلاق حسنه با قاضی است و عدم رعایت این موضع از موارد بطلان رای داوری می باشد. رعایت اخلاق حسنه از چنان درجه و اهمیتی برخوردار است که نمی توان به ارجاع اختلاف به داوری که نهادی خصوصی است نظر داد. بنابراین با توجه به ماهیت و مفهوم اخلاق حسنه باید توجه داشت که داوری پذیری دعاوی در هر نظام حقوقی در خصوص اخلاق حسنه بر مبنای متفاوتی قرار دارد اما حقوق تمام کشور ها اخلاق حسنه در داوری گنجانده شده است در زمینه داوری پذیری مقالاتی همچون نظم عمومی در داوری پذیری دعاوی مالکیت فکری و قانون حاکم بر داوری پذیری از جمله مقالات مرتبط با این موضوع می باشند. اما هیچ یک از این مقالات تاکنون به طور تخصصی در زمینه اخلاق حسنه در داوری پذیری توضیحی ارائه نکرده است چرا که بحث اخلاق حسنه در داوری وزیری منابع بسیار محدودی دارد. علاوه بر اینکه هیچ یک از مقالات تاکنون به صورت تطبیقی به جایگاه اخلاق حسنه در داوری پذیری پرداخته اند. از آنجا که مطالعه تطبیقی موضوع تحقیق موضوع تقریباً دشوار می باشد گنجاندن اینگونه مباحث تطبیقی اهمیت و ارزش اثر علمی را دوچندان می نماید



### گفتار اول: بررسی کلی مبانی داوری و اخلاق حسنه

#### بند اول - تعریف تعریف داوری در حقوق ایران و کشورهای اروپایی

داور در لغت به معنای انصاف دهنده، حکم اختصاصی، قاضی، حکم، مشترک، کسی که میان مردم حکم و فصل دعوی کند تعریف شده است. (کریمی، عباس، پرتو، حمیدرضا، ۱۳۹۷) به نظر می رسد هر اختلافی را که بتوان با رعایت نظم عمومی و قوانین امری از طریق اشخاص غیر قاضی حل و فصل نمود را می توان داوری نامید.

در هلند داوری بر مبنای اصل سرزمینی بودن به دو حوزه تقسیم شده است: داوری در هلند، و داوری در خارج هلند. (کلانتریان، مرتضی، ۱۳۷۴) که با بررسی قانون این کشور میتوان نظر داد که در قانون این کشور تعریفی از داوری به میان نیامده است. مقررات داوری در حقوق آلمان، به موجب قانون آئین دادرسی مدنی ۱۹۸۶ در مورد دعاوی قابل ارجاع به داوری است (کلانتریان، همان، ۱۱۴). مبنای تنظیم قانون و ضوابط داوری در انگلیس، با دیگر کشورهای اروپا متفاوت است. از اواخر قرن هفدهم به بعد دو نوع داوری در انگلستان رواج داشته است (کلانتریان، مرتضی همان ص ۱۱۱). داوری داوطلبانه در خارج دادگاه، به نحوی که امروزه تقریباً در همه جا متداول است، و داوری طبق تصمیم دادگاه.

#### بند دوم - تعریف اخلاق حسنه

برخی حقوقدانان اخلاق حسنه را مبانی و موازین اخلاقی که اکثریت جامعه آنرا در عرصه زندگی پذیرفته و عمل کردن بر خلاف آن را ناپسند شمارند (وارنوک، ج، ۱۳۶۸). برخی دیگر نیز در تعریف اخلاق حسنه می گویند " حداقل موازین اخلاقی که از نظر متعارف مردم یک قوم یا سکنه یک کشور نبض آنها ناپسند شمرده شود" (جعفری لنگرودی، محمد جعفر، ۱۳۷۸). در واقع اخلاق حسنه مجموعه ضوابط و مقررات و رفتاری است که مورد پسند اکثریت مردم یک جامعه باشد. عنصر رفتاری اخلاق حسنه به مکان بر می گردد یعنی ممکن است موضوعی در مکانی اخلاق حسنه شمرده شود و در مکانی دیگر به حساب نیاید.

#### گفتار دوم - جایگاه اخلاق حسنه در داوری پذیری دعاوی در حقوق ایران

##### بند اول - مبنای اخلاق حسنه در حقوق ایران

اخلاق حسنه آنقدر رابطه نزدیکی با نظم عمومی دارد که مرزهای افتراق آن به سختی قابل تشخیص است. در شاخه حقوق خصوصی، اخلاق حسنه بیشتر به سمت علم حقوق متمایل است در واقع بیشتر قواعد حقوقی قواعد اخلاقی نیز محسوب می شوند. قواعدی همچون راستگویی و کمک به دیگران.

قواعد حقوقی دیگری نیز وجود دارد که تصور می شود هیچ گونه ارتباطی به اخلاق ندارد

مانند مقررات حمل و نقل یا برخی از موارد مربوط به آیین دادرسی مدنی. علت این تصور آن است که خود این مقررات نیک تلقی می‌شود. و قانونگذار برای جلوگیری از اختلال در نظام اجتماعی آن را وضع می‌کند. برخی از مقررات قانونی نیز به ظاهر مغایر با اخلاق حسنه به نظر می‌رسد

ماده ۹۷۵ قانون مدنی پیرامون رعایت اخلاق حسنه بحث نموده است. و ماده ۹۶۱ قانون مدنی حاکمیت اخلاق در روابط مالی را تبیین کرده است و در بحث مسئولیت مدنی مبارزه با تجاوز به حقوق افراد قاعده اخلاقی محسوب می‌شود. مثلاً در حقوق کار مواردی مثل قانون کار و بیمه‌های اجتماعی و تعاونی‌ها و مقررات وابسته به کار کودکان و زنان و تعیین حداقل دستمزد و حداکثر ساعت کار و زیر پوشش خدمات درمانی صحبت می‌کنیم قواعد اخلاقی را می‌بینیم در حقوق کیفری تاثیر و سرایت اخلاق حسنه بیش از سایر شاخه‌های دیگر نمایان است. آدم‌کشی، دزدی، کلاهبرداری، خیانت در امانت، تقلب، اعمال منافی عفت، خیانت، دادن رشوه، جعل، و اختلاس مبانی و اصول اخلاق در هر جامعه ستیز دارد.

### ارتباط اخلاق حسنه با نظم عمومی

اخلاق حسنه با نظم عمومی ارتباط و وحدت مهمی دارد چرا که حقوق ایران ریشه مذهبی دارد و این ریشه ارتباط بین این دو را توجیه می‌کند. ماده ۹۷۵ قانون مدنی می‌گوید محکمه نمی‌تواند قوانین خارجی و یا قرارداد های خصوصی را که برخلاف اخلاق حسنه بوده یا به واسطه جریحه دار کردن احساسات جامعه یا به علت دیگر مخالف با نظم عمومی محسوب می‌شود به موقع به اجرا بگذارد. از این روست که عده‌ای از حقوقدانان مثل سالی من چینی و سیمون به ارتباط و وحدت اخلاق حسنه و نظم عمومی نظر دادند و گاهی نیز نظم عمومی را نظم اخلاقی و معنوی نامیده‌اند. گفته من چینی در هر کشوری نظم عمومی شامل احترام به اصول عالی اخلاق انسانی و اجتماعی به همان نحوی است که در آن کشور جایی گیر شده است. (واستانی، احمد، ۱۳۴۱)

بنابراین در حقوق ایران ارتباط بین حقوق و اخلاق وجود دارد چرا که حقوق ایران ریشه مذهبی دارد. قانون اساسی ایران نیز بند ۶ اصل ۲ حفظ کرامت و ارزشهای والای انسان نفی ستمگری و ستم کشی بند ج اصل ۲ و استبداد و خودکامگی اصل ۳۶ تامین آزادی‌های سیاسی و اجتماعی بند ۷ اصل ۳ رفع تبعیض بند ۹ اصل ۳ بند ۱۴ اصل ۳ و توسعه و تحکیم برادری اسلامی و تعاون بین همه مردم بند ۱۵ اصل ۳ از این موارد می‌باشد و می‌توان گفت که اخلاق اسلامی مهمترین مبنای شکل‌گیری حقوق اساسی نیز در مورد اخلاق حسنه است.

همانطور که می‌بینیم علاوه بر مخالفت صریح قانون در ماده ۹۷۵ قانون مدنی ایران نظم عمومی و اخلاق حسنه از مواردی است که باعث بی اعتبار شدن توافقات خصوصی می‌شود.

به این معنی که ظهور کمال شخصیت انسان منوط به آزادی اراده است و عدم توجه با آن قانون باید جلوی تصادم اراده های آزاد را بگیرد تا تالی فاسدی بر این آزادی مترتب نشود و مصالح اجتماعی فدای آن آزادی نشود (جعفری لنگرودی، محمد جعفر همان) مفهوم شناسی اخلاق حسنه تکیه بر وجدان شخص دارد. نتیجه ای که می توان گرفت این است که اعتبار این قواعد از درون تضمین می شود نه از بیرون در حالی که قواعد حقوقی از طرف دولت تضمین می شود

### بند دوم- اصول حاکم بر داوری پذیری در حقوق ایران

در حقوق ایران با مطالعه دقیق در قوانین اصولی را می توان مشاهده نمود که جایگاه اخلاق حسنه را در قانون توجیه می نماید که این ارتباط را توجیه می نماید

#### ۱- اختیاری بودن مراجعه به داوری

یکی از اصول مهم در داوری آزادی طرفین در مراجعه به داوری می باشد که این آزادی نیز مبنای اخلاقی دارد، حتی اگر طرفین نهادی را به عنوان داور انتخاب کنند فقط اراده آنهاست که به آن ارگان وصف داور می بخشد. یکی از آثار اختیار طرفین در مراجعه به داوری اختیار مطلق داور و از دست دادن صلاحیت دادگاه می باشد (صفایی، سید حسین، ۱۳۷۵). با استفاده از این اصل می توان در شبهات داوری پذیری و شک در برخورد موضوع با اخلاق حسنه اصل را بر ارجاع دعوی به داوری دانست.

#### ۲- توافق طرفین به داوری

اگر یکی از طرفین موافقت نامه های داوری اختلاف خود را در دادگاه مطرح کنند و طرف دیگر درخواست ارجاع اختلاف را به داوری بدهد، دادگاه موضوع را به داوری خواهد داد مبنای این موضوع هم پروتکل ۱۹۲۳ ژنو و کنوانسیون ۱۹۲۷ ژنو و کنوانسیون نیویورک می باشد.

#### ۳- استقلال و بی طرفی داوران

طبق این اصل که باز هم ریشه و مبنای اخلاقی دارد، داور در صورتی می تواند جرح شود که اوضاع و احوال موجود باعث تردید های موجهی در خصوص بی طرفی و استقلال او شود یا دارای اوصافی باشد که مورد توافق طرفین نیست. رعایت این موضوع به نوعی رعایت اخلاق حرفه ای در داوری محسوب می گردد.

#### بند سوم- مبنای قانونی داوری پذیری در حقوق ایران

برای فهم داوری پذیری باید خط قرمز ورود به موضوعاتی همچون نظم عمومی و اخلاق حسنه را بررسی کرد. اصل ۱۳۹ قانون اساسی صلح دعاوی مربوط به اموال عمومی و دولتی و

ارجاع به داوری موکول به تصویب هیئت وزیران می باشد و در موارد مهم داخلی باید به تصویب مجلس نیز برسد

ماده ۴۹۶ قانون آیین دادرسی مدنی نیز که یک سری دعاوی را همچون ۱- دعاوی ورشکستگی و ۲- دعاوی راجع به اصل نکاح و فسخ آن و طلاق و نسب مستثنی نموده که قابل ارجاع به داوری نیستند.

و بسیاری از دعاوی همچون دعاوی کیفری قابل ارجاع به داوری نیستند (بر مبنای ماده ۴۷۸ قانون آیین دادرسی کیفری) که بر مبنای نظم عمومی یا اخلاق حسنه قابلیت ارجاع به داوری را ندارند. بنابراین غیر از این موارد اصل بر داوری پذیری دعاوی است. با کمی دقت در این دسته از دعاوی می توان نتیجه گرفت که مبنای داوری ناپذیری این دعاوی یا ریشه در نظم عمومی دارد یا اخلاق حسنه.

قانون داوری تجاری بین المللی در بند ۲ ماده ۲ بیان نموده کلیه اشخاصی که اهلیت اقامه دعوی دارند می توانند داوری اختلافات تجاری بین المللی خود را اعم از اینکه در مراجع قضایی مطرح شده باشد یا نشده باشد در هر مرحله از دعوی به داوری ارجاع دهند.

همچنین در ماده ۳۳ و ۳۴ قانون داوری تجاری بین المللی رای داور در مواردی همچون اینکه داور اهلیت نداشته باشد یا مفاد رای با نظم عمومی و اخلاق حسنه کشور یا قواعد آمره ایران یا اسناد رسمی معتبر معارض باشد و موضوع طبق قانون ایران از طریق داوری قابل حل و فصل نباشد داوری قابل ابطال است. بنابر این می توان نتیجه گرفت قانون ایران بالصراحه و به طور ضمنی عدم رعایت اخلاق حسنه را از موارد بطلان رای داوری محسوب نموده است.

#### **بند چهارم - ضمانت اجرا مخالفت رای داوری با نظم عمومی و اخلاق حسنه**

اگر رای داوری مخالف قوانین آمره و اخلاق حسنه و نظم عمومی باشد یا موضوع داوری از دعاوی قابل ارجاع به داوری نباشد و چنین رای از سوی ذینفع برای ابلاغ و اجرا به دادگاه ارائه شود آیا دادگاه باید از جهات فوق چشم پوشی کند و امر به ابلاغ و اجرای چنین رای که به وضوح بر خلاف قوانین آمره موجد حق است صادر نماید.

#### **۴-۱- بررسی نظم عمومی و ارتباط آن با اخلاق حسنه**

در حقوق ایران نظم عمومی و اخلاق حسنه چنان ارتباطی دارند که تفکیک این دو از هم امری غیر عقلایی محسوب می شود. نظم عمومی مجموعه از اصول و قواعدی است که عایت آن برای حسن جریان امور الزامی می باشد به گونه ای که هیچ تخصصی و تخلف از آن پذیرفته نیست. (نیکبخت، حمیدرضا، ۱۳۸۱)

در واقع نظم عمومی مجموعه اصول و قواعدی است که نمی توان آن را نادیده گرفت. قوانین امره نیز از زیرمجموعه های نظم عمومی می باشد که نمی توان بر خلاف آن راضی نمود.

ماده ۱۰ قانون مدنی و ماده ۱۲۸۸ قانون مدنی قوانین و مقرراتی که مخالف نظم عمومی باشد و همچنین قراردادها قابل ابطال است. در حقوق بین الملل تعریف نظم عمومی مجموعه اصول و قواعدی است که چنان به اصول تمدن نظام حقوقی کشور وابسته است که دادگاه های آن کشور ناچارند اجرای آنها را با اجرای قانون خارجی مقدمه شمارند.

ضمانت اجرای تضاد قرارداد داوری با نظم عمومی بطلان آن است. نکته مهم این است که در برخورد با نظم عمومی از همان ابتدا باید به موضوع نگرینست و چنان چه موضوعاتی قابل ارجاع از لحاظ تداخل با نظم عمومی نداشته باشد را می توان به داوری ارجاع نمود. در موضوعات حقوق اساسی و آزادی های ذاتی بشر از قبیل حق حیات حق تعیین سرنوشت آزادی بیان و اندیشه از عواید نظم عمومی باشد. به همین ترتیب دعاوی همچون ورشکستگی یا دعاوی مربوط به مالکیت معنوی و حقوق رقابت نیز به علت ارتباط با نظم عمومی قابل ارجاع به داوری نیست. در حقوق ایران در همین حد به موضوع نظم عمومی پرداخته شده است و هم بر اساس قوانین داخلی و هم بر اساس داوری تجاری بین المللی، سعی نشده نظم عمومی درجه بندی شود و بر اساس شدت و اهمیت نظم عمومی در ارجاع به داوری نظر داد.

اخلاق حسنه رابطه عمومی عمیقی با نظم عمومی دارد به طوری که یکی از مهمترین منابع حقوق اخلاقی بر پایه ایجاد و تحکیم نظم عمومی جامعه است.

به نظر می رسد رابطه نظم عمومی و اخلاق حسنه عموم و خصوص مطلق باشد. آنچه با اخلاق حسنه منافات دارد با نظم عمومی نیز مخالف است ولی امکان دارد قراردادی با نظم عمومی در تعارض باشد ولی از نظر اخلاقی ناپسند نباشد. <sup>۱</sup> (کاتوزیان، ناصر، ۱۳۸۵) قراردادهای مخالف اخلاق حسنه یعنی قراردادهای خلاف وجدان عمومی جامعه.

به تعبیر دیگر اینگونه قراردادهای توافقاتی است که ناقض اصول اجتماعی، مذهبی، عرفی و ملازمات عقلیه مردم یک جامعه است که طبعاً فاقد هرگونه اثر حقوقی خواهد بود.

از جمله پررنگ ترین مصادیق اخلاق اسلامی رعایت حریم روابط زن و مرد و اخلاق در روابط جنسی است که صد البته ریشه مذهبی در حقوق کشور ما دارد. ماده ۱۹۰ قانون مدنی جمهوری اسلامی ایران مشروعیت جهت معامله را یکی از شرایط صحت معامله بر شمرده است ماده ۲۱۷ قانون مدنی تصریح می کند در معامله لازم نیست که جهت آن تصویب شد ولی اگر تصویب شده باشد باید مشروع باشد و اعلام معامله باطل است.

## گفتار سوم - مبانی نظری داوری پذیری در کشورهای اروپایی بند اول - مبانی اخلاق حسنه در حقوق اروپایی

مقدمتاً باید گفت اخلاق حسنه از سده ششم قبل از میلاد در حقوق روم پدید آمد. اصطلاح اخلاق نیکو یا حسنه به دست حقوقدانان رومی پدید آمد. بعد از انقلاب فرانسه همراه با نظم حقوق در قانون مدنی اخلاق حسنه راه یافت و اهمیت خود را همچنان نگاه داشت. مفهوم اخلاق حسنه در حقوق انگلستان و آلمان نیز از همین اهمیت برخوردار است. (واستانی، احمد، همان) در حقوق فرانسه اخلاق حسنه بر چهار گونه است اخلاق وابسته به شخصیت اشخاص اخلاق شغلی پزشکان اخلاق مبتنی بر شرافت، اخلاق جنسی. حقوق آلمان نیز بر اساس ماده ۱۰۳۰ قانون داوری آلمان توافق نامه داوری را شامل اختلافات مربوط به منافع اقتصادی و غیر اقتصادی مثل طلاق می داند در زمینه بحث اخلاق حسنه منعطف تر شده است.

فرانسویان در خصوص داوری پذیری که تابع سیاست‌های مقررات ملی هستند رویکرد کلاسیک دارند.

ماده ۲۰۶۰ قانون مدنی فرانسه مقرر داشته در مورد اختلافات دولتی و شخصی مثلاً در مورد طلاق و همچنین در مواردی که دربردارنده نظم عمومی و منافع عمومی یا اخلاق حسنه است توافق درباره داوری نمی‌توان نمود.

با این حال رویه قضایی دادگاه حقوقی فرانسه در این خصوص تکامل یافته و رویکرد فرانسوی در خصوص این ماده منسوخ و کهنه شده و در آغاز دهه نود دادگاه تجدید نظر فرانسه با این قضیه تصمیم گرفت که در داوری بین المللی داوران صلاحیت تصمیم‌گیری در مورد اختلافاتی را دارند که به موضوعات سیاست عمومی مربوط می‌شود.

### بند دوم - مبانی اخلاق حسنه در داوری پذیری کشورهای مهم اروپایی

در قانون آیین دادرسی مدنی آلمان از مواد ۱۰۲۸ الی ۱۰۴۸ در مورد داوری پذیری می‌باشد. با مطالعه در قوانین اینطور یافت می‌شود وقتی حکم داوری منتج به مخالفت با حقوق بنیادین و اخلاق حسنه باشد این داوری باطل است. در حقوق آلمان در موردی که مرجع داوری حقوق ماهوی را برخلاف آنچه طرفین مقرر داشته بودند مراعات نکرده باشد و وقتی که شناسایی حکم داوری منتهی به نتیجه شود ناسازگار با اصول اساسی حقوق آلمان باشد. و مخصوصاً وقتی که مخالف با حقوق بنیادین و اخلاق حسنه باشد باشد که قانون اساسی تضمین نموده است این داوری باطل می‌باشد

قسمت ۲ بند ۱ ماده ۱۰۴۱ که به وسیله قانون ۲۵ ژوئیه ۱۹۸۶ اصلاح شده است و در قانون ۲۵ ژوئیه ۱۹۸۶ به جای نظم عمومی و اخلاق حسنه اصول اساسی حقوق آلمان را قرار

داده که این تغییر عبارتی در معنای تغییر نداده است قواعد مربوط به تعیین قیمت ها قواعد مربوط به رقابت را باید از جمله اصول اساسی حقوق آلمان محسوب نمود. بنابر این مشخص می شود که حقوق آلمان نیز اخلاق حسنه را مورد اهمیت قرارداده است منتهی تعیین مصادیق آن با قاضی پرونده است که ایشان نیز از عرف جامعه استفاده می نماید

در حقوق فرانسه هم باید گفت طبق ماده ۲۰۵۹ قانون مدنی فرانسه بیان می دارد که همه اشخاص می توانند حقوقی را که در تعیین تکلیف آن آزادند به داوری ارجاع دهند. البته طبق رای دیوان عالی فرانسه این ماده در مورد داوری بین المللی شامل نمی شود. و داوران بین المللی می توانند در مورد موضوعات نظم عمومی رسیدگی کنند. طبق قانون فرانسه موضوعات مربوط به نظم عمومی غیر قابل داوری هستند:

ماده ۲۰۶۰ قانون مدنی فرانسه بیان می کند اشخاص نمی توانند مسائل مربوط به وضعیت شخصی و اهلیت یا مسائل راجع به طلاق و به طور کلی تمام مسائلی که با نظم عمومی یا اخلاق حسنه است را به داوری ارجاع دهند. امروزه دادگاه های فرانسوی بر خلاف حقوق ایران داوری اختلافات راجع به موضوعات همچون مالکیت فکری و رشکستگی و حقوق ثبت شده را میپذیرند. (Gaillard & Savage 1999)

در حقوق فرانسه برخی از حقوقدانان مثب و پیر بر روی رابطه نزدیک اخلاق و حقوق پا فشاری می کنند. کتاب قاعده اخلاقی در تعهدات مدنی که منبع اصلی قواعد تعهدات در حقوق مدنی فرانسه اخلاق مذهبی است و با نگارش آن جایزه آکادمی که فرانسه را از آن خود ساخت نیز نیروی سازنده حقوق اصول و قواعد اصول عقاید خود را در مورد رابطه نزدیک حقوق و اخلاق و مذهب بیان کرده است (کاتوزیان ناصر، ۱۳۸۴)

در حقوق انگلستان به طور سنتی در صورتی که اصل قرارداد ناقض نظم عمومی باشد شرط داوری مندرج در آن نیز باطل است. بنابر این می توان نتیجه گرفت که مبنای اخلاق حسنه در انگلستان گسترده تر از سایر کشورها مثل فرانسه است لیکن چون حقوق انگلستان نیز حقوق عرفی است مصادیق و محتوای آن را عرف تعیین می نماید.

در حقوق جزای انگلستان نیز اخلاق به رسمیت شناخته شده و تاثیر اخلاق در آن مشهود است شمار قابل توجهی از افعال نه تنها به دلیل مغایرت با اخلاق جرم شناخته شده اند و اگر کسی ادعا کند که بزه و جرم قلمداد شدن کنش های مربوطند نه به خاطر مغایرت آن با آرمان های اخلاقی بلکه به خاطر گذر نیست که به نظم عمومی وارد می کند

آنان معتقدند که امروز حقوق انگلستان داوری را در قلمرو نظم عمومی و اخلاق حسنه اجازه می دهد و هیچ گونه محدودیتی در خصوص موضوع اختلافی که به داوری ارجاع می گردد وجود ندارد.

در حقوق سوئیس قانون فدرال راجع به حقوق بین الملل خصوصی مصوب ۱۸ دسامبر ۱۹۸۷ کلیه مسائل از حقوق اشخاص و خانواده گرفته تا داوری بین المللی را شامل می‌گردد. لیکن رای داوراگر با اخلاق حسنه منافی باشد قابل ابطال می باشد.

در ماده ۱۷۷ این قانون در خصوص داوری پذیری دعاوی بیان می دارد: ماده ۱۷۷ این ماده در بند یک خود قبل از وضع قاعده خاص در بند ۲ راجع به قراردادهای منعقد بین کشورها یا موسسات عمومی که در واقع بیشتر به اهلیت یا اختیار مربوط می شود تا به همراه قابل ارجاع به داوری درباره قابل داوری بودن دعاوی میگوید هر امری که جنبه مادی داشته باشد قابل ارجاع به داوری است. بنابراین دقیق قوانین کشورهای مهم اروپایی اینطور برداشت می‌شود که درین کشورها همچون ایران اخلاق حسنه مانع پذیرش داوری می‌گردد و ارزش آن اگر نگوئیم بیشتر از حقوق ایران است معادل آن به اهمیت آن پرداخته شده است لیکن ممکن است مصادیق اخلاق حسنه در هر کشوری متفاوت باشد



### نتیجه گیری

یکی از منابع داوری پذیری دعاوی عدم مخالفت آن دعوا با اخلاق حسنه می باشد. در واقع اخلاق حسنه از قواعد امری دعاوی است و جزو منابع الزامی غیر موضوعه است. هم در حقوق ایران و هم در قوانین کشورهای اروپایی چنانچه رای داور و به طور کلی آرای صادره مخالف اخلاق حسنه باشند آن رای باطل می باشد. در واقع در حقوق ایران و حقوق کشورهای اروپایی قواعدی وجود دارد که ریشه در اخلاق و وجدان انسان دارد و تعارض با آن مانع داوری است. اما مصادیق اخلاق حسنه در بسیاری از مسائل همچون آزادی های ذاتی بشر مشترک و در برخی مسائل همچون آزادی فردی در هر کشوری با توجه به فرهنگ ایران متفاوت میباشد. تنها تفاوتی که در این زمینه وجود دارد این است که در برخی کشورهای اروپایی با رویکردی که نسبت به گسترش داوری پذیری دعاوی وجود دارد دعاوی را که شامل اخلاق حسنه میباشند را نیز قابل ارجاع به داوری می داند که لازم است با بهره گیری از رویه این کشورها به گستر داوری پذیری دعاوی با توجه به اهمیت آن در کاهش پرونده های قضایی اهتمام ورزید.

## فهرست منابع

### کتاب

۱. امامی، سید حسن، حقوق مدنی، تهران، انتشارات اسلامی، چاپ یازدهم، جلد اول، ۱۳۸۴.
۲. جعفری لنگرودی، محمد جعفر، مبسوط در ترمینولوژی حقوق، تهران، انتشارات گنج دانش، چاپ چهارم، جلد اول.
۳. جنیدی، لعیا، اجرای آرا داوری بازرگانی خارجی، تهران، انتشارات شهر دانش، چاپ اول
۴. ج. وارنوک، فلسفه علم اخلاق در عصر حاضر، ترجمه صادق لاریجانی، تهران، دفتر خدمات حقوق بین‌المللی جمهوری اسلامی، چاپ اول.
۵. صفایی، سید حسن، حقوق بین‌الملل و داوری‌های بین‌المللی، تهران، نشر میزان، چاپ اول.
۶. کریمی عباس، پرتو، حمید رضا، حقوق داوری داخلی، تهران، انتشارات دادگستر، چاپ هفتم.
۷. کلانتریان، مرتضی، بررسی مهمترین نظام‌های حقوقی داوری جهان، تهران، دفتر خدمات حقوق بین‌المللی جمهوری اسلامی، چاپ اول.
۸. کاتوزیان، ناصر، اعمال حقوقی، تهران، انتشارات سهامی، چاپ یازدهم.
۹. کاتوزیان، ناصر، قواعد عمومی قراردادها، تهران، انتشارات سهامی، چاپ پنجم، جلد اول.
۱۰. نیکبخت، حمیدرضا، شناسایی و اجرا آثار داوری‌های تجاری در ایران، تهران، موسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی، چاپ اول
۱۱. واستانی، احمد، عبد الغنی، نظم عمومی در حقوق خصوصی، تهران، انتشارات دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، چاپ اول.

### مقالات

۱۲. امیری قائم مقامی، عبد المجید، سنت نبوی و عدالت کیفری، فصلنامه حقوق دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، شماره ۴ سال ۱۳۸۸.
۱۳. کاتوزیان، ناصر، اخلاق و حقوق، فصلنامه اخلاق در علوم و فناوری، شماره‌های ۱ و ۲ تابستان ۱۳۸۶.
۱۴. الماسی، نجاد علی، علیزاده، عبد الرضا، نظم عمومی در رویکرد حقوقی، فقهی و جامعه‌شناختی، مجله پژوهش‌های فقهی، دوره دوازدهم، بهار ۱۳۹۵.

### منابع لاتین

15. Lourens v Commission for Conciliation Mediation and Arbitration and Others (C788/2011) [2013] ZALCCT 16 (21 May 2013)
16. Fouchard, Gaillard, Goldman on International Commercial ... Philippe Fouchard, Emmanuel Gaillard, Berthold Goldman · 1999 -Based on and includes revisions to : *Traité de l'arbitrage commercial international* / Ph. Fouchard, E. Gaillard, B. Goldman. 1996--Cf. foreword..

نوع مقاله: پژوهشی

صفحات ۹۲ - ۷۵

## بررسی مبانی انذار و تبشیر در خطبه غراء

محمد هادی امین ناجی<sup>۱</sup>

زهرا امینی ارمکی<sup>۲</sup>

### چکیده

پیامبران طبق مأموریت الهی خود از ابزار انذار و تبشیر برای ترغیب مردم به سوی انجام کارهای نیک و اجتناب از برخی دیگر بهره برده اند. چنانچه پیامبران به یک نظام انگیزشی تمسک نمی‌جستند تعالیم آن‌ها بی ثمر و بیهوده بود. علی (علیه السلام) نیز از چنین شیوه‌ای در خطب و سخنانشان برای نجات انسانها یاری میجوید. هدف اصلی این پژوهش بررسی خطبه غراء به مثابه یک گفتمان برای کشف مبانی سازنده انذار و تبشیر در کلام امیرالمومنین (ع) است. با بررسی مبانی، الگوی انذار و تبشیر برجای مانده از کلام حضرت علی (ع) با روش تحلیلی - توصیفی بازکاوی و تبیین می‌شود و ما را در فهم بهتر معانی و دلالت‌های کلام امام (ع) یاری می‌کند. پنج عنوان مبانی انذار و تبشیر در کلام علی (ع) و بالآخر خطبه غراء را تشکیل می‌دهند که عبارتند از:

۱. اتمام حجت؛ ۲. هدایت؛ ۳. ایجاد روح تقوا؛ ۴. تذکر؛ ۵. پند و عبرت‌آموزی.

### واژگان کلیدی

انذار، تبشیر، مبنا، خطبه غراء، نهج البلاغه.

۱. استاد گروه علوم قرآن و حدیث، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران. (نویسنده مسئول)

Email: aminnaji@pnu.ac.ir

۲. دانشجوی دکتری معارف نهج البلاغه، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران.

Email: Zahra\_amin5@student.pnu.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۳/۸ پذیرش نهایی: ۱۴۰۱/۶/۱۰

## طرح مسأله

کشف و تبیین مبانی هر موضع و مسأله، برای دستیابی به حقیقت و یافتن طریق نمونه سازی والگو پردازی حایز اهمیت است. در این راستا پژوهش حاضر به بررسی متن نهج البلاغه می پردازد تا با شیوه ای نو به کشف و تبیین نظام انذار و تبشیر در کلام امیرالمومنین (ع) دست پیدا کند. در حقیقت با به کارگیری این شیوه می توان شبکه معنایی از انذار و تبشیر را در کلام امیر مومنان (ع) کشف و بازکاوی کرد. با توجه به جایگاه والای خطبه غراء در کلام امیرالمومنین (ع) از لحاظ فصاحت و بلاغت که حاوی مفاهیم عمیق، انسجام معنایی و تصویرپردازی با هدف فهم عمیق تر مضامین عالی آن است و از طرفی دیگر به طور جدی در مقام آماده ساختن دل‌ها و بیدار کردن مردم بوده و کمتر کسی است که عمیقا تحت تأثیر آن واقع نشود. بنابراین هدف اصلی این پژوهش بررسی خطبه غراء به مثابه یک گفتمان برای کشف مبانی سازنده انذار و تبشیر در کلام امیرالمومنین (ع) است. این بررسی تصویر جدیدی از کلام انگیزشی امام علی (ع) را مکشوف می کند، زیرا بررسی مبانی کلام انذار و تبشیر در نهج البلاغه، الگوی انذار و تبشیر برجای مانده از ایشان را بازکاوی می کند. در واقع مبانی انذار و تبشیر، مباحث نظری و معرفت شناختی زیرساختی است که با تغییر هر واحد آن، همه بخش های یک کلام انذاری و یا تبشیری تغییر می یابد. بنابراین بازکاوی این مبانی در خطبه غراء ما را به وجوه مغفول مانده گفتار در فهم بهتر معانی و دلالت های کلام امام (ع) یاری می کند.

## پیشینه پژوهش

در سالهای اخیر پژوهشهایی که به بررسی روشهای نوین فهم و تفسیر متن پرداخته شده رو به فزونی گذاشته است و پژوهشگران با روش ها و رویکردهای مختلف به موضوع انذار و تبشیر پرداخته اند. یکی از این روشها، روش تحلیل گفتمان است. کاربرد این روش در نهج البلاغه، فرآیند فهم گفتار امام علی (ع) را دقیق تر، نظام مندتر و با عینیت بیشتری همراه می کند و اینگونه میزان خطا در برداشت از متن کاهش پیدا می کند. از جمله مهم ترین پژوهشهای انجام شده با روش تحلیل گفتمان با موضوع انذار و تبشیر، می توان به نمونه های زیر اشاره کرد:

مقاله "تحلیل گفتمان بشارت" که در فصلنامه پژوهش های زبان شناختی قرآن (۱۳۹۶) چاپ شده است. ابراهیم نامداری و زهرا عبادی در این مقاله شرایط تحقق کارگفت بشارت و میزان تاثیرگذاری این شیوه را با به کارگیری وعده های دنیوی و اخروی برای ترغیب و تشویق مخاطب به سبب قبول ایمان و انجام تکالیف بررسی کرده اند. در مقاله "انذار از روش تا اصل تربیتی" که در پژوهشنامه قرآن و حدیث شماره بیست و یک (۱۳۹۸) منتشر شد. نگارندگان حمید رضا یونسی و نیکو دیالمه به بررسی واژه انذار در قرآن پرداختند و خصوصیات

معنایی این واژه را احصا کردند تا جایگاه این مفهوم را به اصل تربیتی ارتقا دهند. مقاله "تحلیل ساختار کارگفت انذار در قرآن" که توسط علیرضا دل افکار، علیرضا و مهدی ارجمندفر (۱۳۹۳) در مجله علوم قرآن و حدیث نوشته شده است، به ترسیم بافت پیرامونی کارگفت انذار، و شرایط لازم برای تحقق آن پرداخته است. علیرضا صادق زاده و مریم بنان (۱۳۹۱) در مقاله "رویکرد تربیتی به آیات انذار و تبشیر" در فصلنامه پژوهشی در تعلیم و تربیت اسلامی به انذار و تبشیر به عنوان روش تربیتی نگاه می کنند و لزوم همراهی این دو روش را برای تحقق اصل اعتدال روحی لازم می دانند. در مقاله "جایگاه تشویق و تنبیه در مدیریت علوی با تکیه بر نهج البلاغه" که در نشریه علوم قرآن و حدیث چاپ شد، مهدی مردانی با نگاه تشویقی و تنبیهی به موضوع انذار و تبشیر در مدیریت حضرت علی (ع) پرداخته است. مقاله "تبشیر و انذار دورکن اساسی تبلیغ" (۱۳۷۹)، موسوی به نقش تربیتی آنها در تبلیغ اشاره کرده است. احمد بهشتی نیز در مقاله "تبشیر و انذار"، مجله پیوند (۱۳۶۱) به نقش انذار و تبشیر برای تکامل بخشیدن و تزکیه اشاره کرده است.

هر کدام از این پژوهش ها به نوبه خود بسیار ارزشمند هستند اما آنچه که پژوهش حاضر را از آنها متمایز می سازد، تمرکز بر احصاء مبانی انذار و تبشیر برای یافتن الگوی انذار و تبشیر در نهج البلاغه با تکیه بر خطبه غراء بر اساس مبانی به دست آمده از آیات انذار و تبشیر در آیات قرآن بوده است. با توجه به اینکه راه نفوذ ما به موضوعات، از طریق آثار و خصوصیات آنهاست. آثار و کارکردهای موضوعات قابل تغییر هستند. موضوعات با یکدیگر و با اجزای درونی خود فعل و انفعال دارند، یعنی اثر می گذارند و اثر می پذیرند. در حقیقت متغیرها عوامل تاثیرگذار و تاثیر پذیر در مجموعه سیستم هستند. در این پژوهش تلاش شده است با یک رویکرد عالمانه و با استقرا مبانی تاثیرگذار و تاثیرپذیر بر انذار و تبشیر در خطبه غراء، گامی در تنظیم الگوی انذار و تبشیر بر اساس روش های دقیق پژوهشی برداشته شود.

### مبانی مفهومی

برای به دست آوردن الگوی حاکم بر انذار و تبشیر نیازمند تعریف انذار، تبشیر و مبانی هستیم. ریشه واژه انذار "نَذَرَ" بر وزن "فَعَلَ" ثلاثی مجرد است. (نَذَرَ بَكَذَا) یعنی آگاه و با خبر بود. (راغب، ۱۴۱۲، ۷۹۷) انذار در لغت به معنای "اخبار فیه التخويف" (الجوهري، ابو نصر، ۸۲۵/۲) یا (اخبار مع التخويف) است. به گونه ای که بخش وسیعی از مشتقات ماده «ن ذر» با آن پیوند یافته است. صورت ثلاثی مجرد «نَذِرَ يَنْذِرُ» در عباراتی چون «نَذِرَ الْقَوْمَ بِالْعَدُوِّ» به معنای آن است که مردمان قوم از خطر دشمن آگاه و بر حذر شدند (ازهری، ۲۰۰۱: ۳۰۳/۱۴؛ ابن منظور، ۱۴۱۴: ۲۰۱/۵؛ فیروزآبادی، ۱۴۲۶: ۴۸۱). همین واژه است که با ورود به باب افعال و پذیرش معنای تعدیه، موجب ساخت صورت «أَنْذَرَ يُنْذِرُ» به معنای «ترساندن» و «بر حذر

داشتن» شده است، بنابراین اگر خبری با رعب و وحشت همراه باشد مثل خبر دادن از یک جنگ بزرگ و ... انذار بر آن صدق می‌نماید. زیرا وجود خوف در مفهوم انذار اعم است از اینکه به دلالت مطابقی باشد یا دلالت التزامی و یا حتی دلالت عقلی. در حقیقت انذار تخویف است از مخوفی که زمان آن وسیع است تا از آن احتراز شود و اگر زمانش وسیع باشد آن را اشعار گویند. (طریحی، ۳/۴۹۱؛ ابن اثیر جزری، ۴/۳۶۸؛) گرچه برخی از عالمان مسلمان، «انذار» را به «إخبار» یا «إبلاغ» معنا کرده‌اند، اما همچنان بر این نکته متفق‌اند که مؤلفه معنایی «ترساندن» در آن حضور جدی دارد؛ یا آگاه کردن، ابلاغ و خبر دادنی که در آن ترسانیدن صورت پذیرد، یا برحذر داشتن از امر ترسناکی که زمان و فرصت کافی برای پرهیز از آن باشد. برخی نیز معتقدند که انذار در مقابل تبشیر متضمن اخبار از امری هول‌انگیز و رعب‌آور است (جوهری، ۱۴۰۷: ۸/۲؛ ۲۵؛ راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۷۹۷؛ ابن فارس، ۳۹۹: ۵/۴۱۴) البته مصطفوی معنای انذار را ترسانیدنی بیان میدارد که به صورت گفتاری باشد. (مصطفوی، ج ۱۲، ص ۷۵، «نذر»)

برای بررسی واژه تبشیر باید علاوه بر خود واژه سایر متعلقات آن را هم در فرهنگ‌های لغت بررسی کنیم. راغب در مفردات می‌گوید: ریشه واژه تبشیر از «بَشَرَ یا بَشْرَةٌ» است. به معنای ظاهر پوست بدن انسان است که جمع «بَشْرَةٌ»، بَشَر و أَبْشَار است. انسان هم با توجه به همین معنی پوست بدنش به بشر تغییر ده، برخلاف حیوانات که بدنشان از کرک و پشم پوشیده شده است. البته او تبشیر را به معنای خبر مسرت بخش هم می‌داند. (راغب، ۱، ۱۲۵) پس تبشیر به معنای شادمانی، خبر صادق و فرح بخش است اما برای رسیدن به معنای بَشَر باید اوزان ثلاثی مجرد آن را هم بررسی کرد. «بَشَرٌ، یَبْشِرُ، بَشْرًا، بُشُورًا» از باب «نَصَرَ، یَنْصُرُ» به معنای مژده دادن است و «بَشْرٌ، یَبْشِرُ، بَشْرَةً» از باب «عَلَّمَ، یَعْلَمُ» به معنای مسرور شدن است و همچنین «بَشْرٌ، یَبْشِرُ، بَشْرَةً» از باب «ضَرَبَ، یَضْرِبُ» مسرور شدن و خوشحال گردیدن است. (زمخشری، ذیل (ب-ش-ر)) راغب در مفردات می‌گوید: «بَشْرٌ» هنگامی که به باب افعال برده می‌شود، «إِشَارٌ» به معنای نیکو ساختن چهره و یا شاد گردانیدن است. و اگر به باب تفعیل برود به معنای «بَشْرْتَهُ» یعنی او را به موضوعی مسرت بخش خبر دادم، می‌شود. که موید آن سوره حجر (ایات ۵۳-۵۵) می‌باشد. (راغب، ۱، ۱۲۶) برخی بر این نظرند که اگر بخواهیم «بَشْرٌ» را به معنای انبساط و فرح به کارگیریم باید وارد بر باب «تفعیل» یعنی تبشیر استفاده شود. پس یعنی آن را با بَشَر و مَبْشِر هم ماده دانسته و اصل واحدی برای آن در نظر گرفته که به معنای مطلق انبساط و گشاده روئی است؛ به انسان نیز از این جهت «بَشْرٌ» می‌گویند که گشاده روئی مخصوص به اوست. بشیر هم به معنای «مژده ده» است که جمع آن «بَشْرٌ» بر وزن (قُفْل) است و موید آن آیه «وَهُوَ الَّذِي أَرْسَلَ الزِّيَّاحَ بَشْرًا نَبِئًا يَدْعِي رَحْمَتَهُ» (فرقان/ ۴۸)، او کسی است که بادها را پیش از رحمت خود (باران) مژده دهنده فرستاده. (مصطفوی، ۱، ۲۷۵ و ۲۷۷) در مورد

واژه بشارت باید گفت که این واژه مصدر ثلاثی مجرد بر وزن فعاله است. راغب بشارت را از ریشه "بشر" به معنای سرور می‌داند، و به آن بُشری نیز می‌گوید. به خبر مسرور کننده بشارت و بشری می‌گوید. (راغب؛ ۱۲۵) معادل آن در فارسی خبر خوش و مژده است. (دهخدا، ۱۳۷۷: ۳/۴۱۷۰) در تفاوت بشارت و خبر، طوسی می‌گوید که بشارت خبر سرور انگیزی است که برای بار اول داده شود. (طوسی، ۱۰۷/۱) شایان ذکر است که "بشارت" هم خبرهای مسرت انگیز و هم خبرهای اندوه بخش را شامل می‌شود. (همان) برخی بر این باورند که اگر به صورت مطلق به کار برود فقط به معنای نوید و خیر و مزدگانی است و تنها در صورتی به معنای "شر" است که قرینه ای در کار باشد. (جوهری، ۱۳۷۶: ۲/۵۹۰-۵۹۱) چنانکه در سوره توبه آیه ۳ آمده: "کافران را به مجازات دردناک بشارت ده" و یا در آیه ۳۴ سوره توبه خداوند مانع از انفاق را به عذاب الیم بشارت داده است. برخی بر این نظرند که استفاده کردن واژه بشارت، برای وعده عذاب به کفار و منافقین استعاره است، زیرا چیزی که باید شادشان کند به صورت خبر عذاب در می‌آید. (راغب، ۱۲۵) نگارنده "تاج العروس" بر این نظر است که هرگاه بشارت به طور مطلق به کار رود، به خبر اختصاص یابد، چنان که استعمال آن در خبرهای شادی آفرین و مسرت بخش به مراتب بیشتر از استعمال آن در موارد وعده و تهدید به عذاب است. (زبیدی، ۱۳۰۶ق، ۴۴-۴۵) در ادامه باید گفت که "بشَرَه" هنگامی که به باب استفعال می‌رود، "استبشار" به معنای شادمان شدن به شنیدن خبر و راه‌گشایی در امور و کارها است. (راغب، ۴۸) قاموس قرآن کریم نیز در ذیل معنای استبشار چنین می‌فرماید: "استبشار: بمعنی طلب شادی و یافتن و یا دانستن چیزی است که شاد میکند؛ «و یَسْتَبْشِرُونَ بِالَّذِينَ لَمْ يَلْحَقُوا بِهِمْ مِنْ خَلْفِهِمْ أَلَّا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَ لَا هُمْ يَخْزُونُ» (آل عمران/۱۷۰)، "در باره کسانی که هنوز بآنها نپیوسته‌اند شادمانند که بآنها خوفی نیست و محزون نمی‌شوند". یعنی شهداء از اینکه میدانند برای مؤمنان که در دنیا مانده‌اند بیمی و اندوهی در آخرت نیست شادی میکنند و از این حقیقت که دانسته‌اند طلب شادی مینمایند «وَ جَاءَ أَهْلُ الْمَدِينَةِ يَسْتَبْشِرُونَ» (حجر/۶۷). "اهل مدینه آمدند در حالیکه از شنیدن قضیه‌ی میهمانان لوط شادی می‌جستند و شادمان بودند." (قرشی، علی اکبر، ۱، ۱۹۴) از مجموع دیدگاه‌های صاحبان کتب لغت می‌توان معنای لغوی تبشیر را، رساندن خبر که غالباً خبر مسرت‌بخش یا به عبارتی دیگر مژده است معنا نمود. بشارت در اصطلاح اخبار به خیر و امور مطلوب است و مخبر آنرا تبشیر گویند. (طیب، ۱۳۶۹: ۱/۴۱۶). در تعریف دیگری بشارت به معنای نوید دادن به سعادت و وضعیت دلپذیر و مطلوب آینده که در اثر اجرای قوانین الهی و اطاعت از آن پدید می‌آید و بشیر یعنی مژده دهنده به این وضعیت مطلوب. (سلیمی، ۱۳۷۹: ۲۰۷) مفسرین نیز در تعریف اصطلاحی بشارت بر این نظرند که خبری است که به وسیله آن خبرگیرنده مسرور می‌شود و این کلمه از "بشَرَه" نشأت می‌گیرد. (طوسی، ۱، ۱۰۸) برخی

دیگر نیز آن را "مژده رحمت و رضوان و بهشت خداوند به کسانی که ایمان آورده و تقوا پیشه کرده‌اند" میدانند. (طباطبایی، ۳، ۲۴۳)

برای تعریف مبنا نیز ابتدا به بررسی لغوی آن می پردازیم. مبنا به معنای بنیان، اساس، ابتدا، اول و پایه به کار می‌رود. (دهخدا، ۱۳۷۷) هنگامی که این واژه به چیزی اضافه می‌شود منظور اساس و پایه آن امر است. برخی بر این نظرند که مبانی را باید اینگونه تعریف کرد که آنها گزاره‌های توصیفی - تبیینی یا تجویزی مدلل اند که در پاسخ به مطلب لم و چرایی آمده و موجه ساز و مشروعیت بخش مسائل و گزاره‌های علم اند. (کاظمینی، محمد حسین، ۱۳۹۴، ۶۰) در واقع مراد از مبانی در این رساله مباحث نظری و معرفت‌شناسی زیر ساختی است که با تغییر هر واحد آن همه بخش‌های یک مجموعه تغییر می‌یابد. (دلشاد، مصطفی، ۱۳۹۴، ۴۸)

### روش تحقیق

با توجه به اینکه نهج البلاغه، یکی از متون معتبر اسلامی و مورد وثوق علمای فریقین است و در انتساب آن به امام علی(ع)، تردیدی نیست. (ابن ابی‌الحدید، ۱۳۷۸ق: ۱۲۷- ۱۲۹) نوع مطالعه در این منبع اسلامی، به عنوان یک متن دینی و با توجه به بخشهای متنوع و رویکردهای گوناگون آن، طبعاً روش خود را طلب می‌کند. روش تحقیق کلان در این مقاله توصیفی و تحلیلی است. اما در برخی مباحث این تحلیلها با توصیفات موافق نیست زیرا در توصیفات در خیلی از موارد اشاره ای به نظام انذار یا تبشیر نشده است به همین دلیل کلان روش تحقیق روش تحلیلی و توصیفی است اما در برخی از موارد به دلیل فقدان این نظام در انذار و تبشیر، پژوهشگر باید این موارد را از دل منابع و متون استخراج و اجتهاد کند. بنابراین روش تحقیق در این رساله اجتهادی نیز می‌باشد. در تعریف روش اجتهادی آورده اند که عبارت است از تکنیک‌های جمع‌آوری اطلاعات مربوط به یک موضوع یا مسئله از موضوعات و مسائل علوم انسانی از منابع اسلامی و شیوه تحلیل و طبقه‌بندی آنها به منظور کشف نظر اسلام درباره آن موضوع یا مسئله. (فتحعلی‌خانی، محمد، ۱۳۹۷، صفحه ۱۶۷ و ۱۶۸) لازم به ذکر است که در این روش اجتهادی، مبنا و موضوعات از نهج البلاغه استخراج و استنباط شده‌اند و این اجتهاد خود پژوهشگر است که تا به حال در هیچ پژوهشی انجام نشده بود. لازم به تذکر است که مصداق این مبانی از ظاهر کلام امیرالمومنین (ع) و متن خطبه غراء استخراج شده و بر اساس باطن کلام امیرالمومنین (ع) احصاء نشده است. نوع استراتژی به کار گرفته شده در این پژوهش، استراتژی تحقیق کیفی است. در این میان استراتژی تحلیل محتوا به عنوان استراتژی اصلی تحقیق در نظر گرفته شده است. روش تحلیل محتوا، روشی برای شناخت، تحلیل و گزارش الگوهای موجود در داده‌های کیفی است. این روش فرآیندی است که می‌تواند در اکثر روش‌های کیفی به کار رود. (براون و کلارک، ۲۰۰۶) در واقع روش تحلیل محتوا روشی است که



می‌توان بر اساس آن خصوصیات زبانی یک متن گفته یا نوشته شده را به طور سیستماتیک شناخت و از آن نیز نتیجه‌هایی درباره مسائل غیر زبانی یعنی خصوصیات فردی و اجتماعی گوینده یا نویسنده و نظرات و باورهای وی به دست آورد. (رفیعی پور، فرامرزی، ۱۳۸۲، ۱۰۹)

بنابراین تحلیل محتوا روشی است که می‌توان آن را درباره انواع گوناگون پیام‌ها از جمله خطابه‌ها به کار بست. واژه‌های به کار رفته توسط سخنران، بسامد و وجه آرایش آنها در جمله، ساختمان خطابه و چگونگی بستن آن، منابع اطلاعاتی هستند که بر مبنای آن پژوهشگر می‌کوشد به شناخت در مورد محتوا دست پیدا بکند. (کیوی ریمون، ۱۳۷۰، ۲۲۲)

### بررسی خطبه غراء

خطبه غراء از خطبه‌های معروف علی (علیه السلام) است و شارحان آن را حاوی ظرافت‌هایی می‌دانند که جزو معجزات امیرمؤمنان است به گونه‌ای که اگر این خطبه نبود، بلاغت گم می‌شد و سخنوران گنگ و لال بودند. (ابن ابی الحدید، ۶، ۲۷۸) برخی نیز بر این عقیده‌اند که این خطبه به لحاظ بلاغت تعجب‌انگیزی الفاظ و بلندی معنا و مفاهیم آن، غراء نامیده شده است. (بحرانی، ۱۳۷۵: ۳۶۶) امیرالمؤمنین در این خطبه، درباره‌ی انسان از جهات متعدد و با نظریه موجودیت او که دارای استعدادها و قوای متنوع است، مطالبی را بیان فرموده است. همچنین حقایق را درباره‌ی خداوند که خالق انسان است و انسان باید معرفت و گرایش به او داشته باشد و نیز مسائل مربوط به مبداء حرکت و مسیر و مقصد نهایی حیات آدمی را مطرح و اصول و قضایای کلی درباره‌ی اینکه این انسان چه باید باشد و چگونه باید زندگی کند را متذکر شده است (علامه جعفری، ۱۳۸۸: ۱۷۷۶). قسمتی از این خطبه در بیان خلقت بدن انسان و ذکر نعمتهای حق تعالی و ترسانیدن از هول وحشت صراط و ترغیب بر تقوا و پرهیزکاری است. (فیض الاسلام، ۱۳۶۵: ۱۹۷) متن خطبه نشان می‌دهد که امام (علیه السلام) به طور جدی در مقام آماده ساختن دل‌ها و بیدار کردن مردم بوده و کمتر کسی پیدا می‌شود که تحت تأثیر این خطبه قرار نگیرد. بررسی موضوعات اصلی و فرعی در این خطبه نشان می‌دهد که محتوای اصلی خطبه غراء مشتمل بر چهار موضوع، حوزه انسان و سرگذشت او، نکوهش دلبستگی به دنیا، توصیه به تقوا و بیان اوصاف پرهیزگاران و توصیف حوادث بعد از مرگ است که پربسامدترین موضوع، انسان و سرگذشت او است. امام علی (ع) در مورد انسان و سرگذشت او، به مرگ انسان، نعمت‌های عطا شده به انسان، غفلت انسان، حیات دنیوی، عبرت‌پذیری انسان و فانی بودن دنیا می‌پردازد. ایشان در حوزه نکوهش دلبستگی به دنیا، مواردی چون فانی بودن دنیا، فریبندگی دنیا، حتمی بودن عذاب و خوف الهی را بیان می‌فرمایند. همچنین در حوزه توصیه به تقوا، به اتمام حجت الهی، ترس از عذاب الهی، آثار تقوا، تاکید بر غنیمت شمردن فرصت‌ها و تاکید بر تفکر اشاره می‌کند؛ امام (ع) در حوزه اوصاف پرهیزگاران به تلاش در راستای آخرت، جایگاه پرهیزگاران، مراقبه،

تفکر و خوف الهی پرداخته‌اند. همچنین توصیف حوادث بعد از مرگ، توجه به نعمت‌های الهی، توصیف قیامت، بیان وسوسه‌های شیطان و دام‌های او، حمد و ثنای الهی از دیگر مضامین موجود در خطبه است.

### مبانی انذار و تبشیر در نهج البلاغه

در این قسمت بنا داریم که به بررسی مباحث زیرساختی انذار و تبشیر و یا همان مبانی بپردازیم.

#### اتمام حجت

یکی از مبانی انذار و تبشیر اتمام حجت است. اتمام حجت با بیدارسازی و آگاهی رسانی نسبت به انگیزه و ترغیب به انجام دادن عمل و تحریم آن، راه هرگونه بهانه جویی و عذر خواهی در زمان تنبیه و عاقبت امور را بر انسان می‌بندد و فلسفه اتمام حجت، مختار بودن بشر در گزینش مسیر حرکت است. امام علی (ع) در خطبه غراء به این اتمام حجت اشاره می‌کند: «قَدْ أَمَّهُلُوا فِي طَلَبِ الْمُخْرَجِ وَ هَدُّوا سَبِيلَ الْمُنْهَجِ وَ عَمَرُوا مَهْلَ الْمُسْتَعْتَبِ وَ كَشَفَتْ عَنْهُمْ سُدْفَ الرِّيبِ وَ خَلُّوا لِمَضْمَارِ الْجِيَادِ وَ زَوِيَّةَ الْإِزْتِيَادِ وَ أَنَاةَ الْمُقْتَبِسِ الْمُرْتَادِ فِي مُدَّةِ الْأَجْلِ وَ مُضْطَرَبِ الْمَهْلِ». در جملات این فراز، امام (ع) به فرصت‌های الهی و اتمام حجت‌ها که دارای ابعاد مختلفی است، اشاره می‌کند. ایشان می‌فرمایند که از یک سو: مردم زمان کافی برای جلب رضای حق دارند. از سوی دیگر: از طریق کتب آسمانی و ارشادات انبیا و اولیا و هدایت عقل، راه‌های نجات در برابر دیدگان آنها قرار گرفته. از سوی سوم: توانایی و مهلت، برای جبران خطاها و توبه از گناهان و جلب رضای پروردگار دارند. از سوی چهارم: پرده‌های ظلمت و تاریکی که بر اثر وسوسه‌های شیاطین و ایجاد شک و تردید، بر قلب انسان می‌افتد، به وسیله تابش انوار الهی و هدایت‌های ربّانی کنار زده می‌شود و از سوی پنجم: درهای توفیق، برای به کار گرفتن اندیشه، در مدت نسبتاً طولانی به روی آنها گشوده شده است. این صفات در بیشتر خطبه‌های حضرت (ع) به صورتهای گوناگون بیان شده است گویا قصد وی از تکرار این صفتها، یادآوری آن ویژگیها و تمام کردن حجت بر آنها بوده است؛ تا جایی برای انکار نباشد. (مکارم، ۳، ۳۷۳) امام (ع) در فراز دیگری به اتمام حجت الهی اشاره می‌فرماید: «شما را به تقوای الهی سفارش می‌کنم! همان خداوندی که با انذار و هشدار خود راه عذر را بسته و با دلایل روشن، طریق هدایت را نشان داده، و حجت را تمام کرده است» (أَوْصِيكُمْ بِتَقْوَى اللَّهِ الَّتِي أَعْدَرَ بِمَا أَنْذَرْتُمْ، وَ اِخْتَجَّ بِمَا نَهَجْتُمْ). با توجه به اینکه عدل الهی بدون اتمام حجت کافی، پیاده نمی‌شود و به همین دلیل، خداوند از طریق رسول ظاهر، که سلسله انبیا و اولیا هستند و رسول باطن، که عقل و خرد آدمی است حق و باطل را تبیین فرموده تا هیچ کس به عذر جهل و نادانی - برای تبرئه خویش در برابر خلاف کاری‌ها - متوسل نشود. در واقع جمله «اِخْتَجَّ بِمَا نَهَجْتُمْ» اشاره به ارائه

طریق و نشان دادن راه سعادت است و جمله «أَعْدَرَ بِمَا أُنذَرَ» اشاره به خطراتی است که در این مسیر، در برابر انسان کمین کرده است. (همان، ۴۱۵) بنابراین عدل خداوند اقتضا می کند که با انذار و تبشیر برای بندگان اتمام حجت کند تا آنها را به انجام عملی ترغیب و یا به تحریم عملی باز دارد و اینگونه راه هر بهانه جویی و عذر خواهی در زمان تنبیه و عاقبت امور را بر انسان ببندد.

### هدایت

یکی دیگر از مبانی انذار و تبشیر هدایت است. امام (ع) در فراز اول خطبه غراء می فرماید: «و استهدیه قریبا هادیا» معنی استهدای، طلب هدایت می باشد و چون خداوند به همه بندگان نزدیک است از او درخواست هدایت می شود. در واقع قرب حق بدین مفهوم است، که پذیرای فضل خداوند به بخشش او نزدیک است، و هدایت حق سبحانه تعالی، عبارت است از دادن آگاهی به هر موجودی که صاحب درک می باشد، تا آنچه را که شایستگی دریافتش را دارد به زبان حال از خداوند بخواند. با توضیح مطلب فوق، روشن می شود که به لحاظ این دو صفت "قریب و هادی" خداوند، مبدئی است که هدایت را باید از او خواست. (ابن میثم، ۲، ۴۹۸) در واقع امام هدایت را به این دلیل از او می طلبد که او هم زمام هدایت بندگان را در کف گرفته و هم به آنها نزدیک است. (مکارم، ۳، ۳۳۲) این نکات با توضیح لغوی و اصطلاحی هدایت نیز یکسان می باشد. راغب اصفهانی درباره معنی هدی می گوید: «هدی در لغت به معنی دلالت و راهنمایی از روی لطف و مهربانی است. (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ۸۳۵) صاحب کشف نیز درباره معنای اصطلاحی هدایت می گوید: «هدایت عبارت است از ارائه طریق و آفاقه قوایی که شخص بتواند بوسیله آن، مصالح خود را دریابد، و یا عبارت است از نصب ادله‌ای که بوسیله آن حق را از ناحق جدا کند، و یا ارسال رسل و انزال کتب باشد. (زمخشری، ۲، ۱۵۴۰) بنابراین هدایت یکی از مبانی انذار و تبشیر است زیرا هدایت باعث تحریک و ترغیب به عمل در انسان و جلو راندن او در مسیر کمال می شود. در واقع انذار و تبشیر با تحریک این بعد از شخصیت انسان، او را به تشویق حاصل شده از هدایت می رساند و در حقیقت متری انذار و تبشیر می شود تا آگاهی پیدا کند و این آگاهی توسط تذکر ایجاد می شود و به شرط پذیرش توسط او، نتیجه آن هدایت خواهد بود. (یونسی، رضا، ۱۳۸۹، ۱۱۷)

### ایجاد روح تقوا

یکی دیگر از مبانی زیر ساختی که انذار و تبشیر بر اساس آن شکل گرفته است و به ما برای رسیدن به کلام انذار و تبشیر کمک میکند، ایجاد روح تقوا در مخاطب است. علی (ع) در خطبه غراء در ۵ فراز به تقوی الهی اشاره کرده است. "أَوْصِيكُمْ عِبَادَ اللَّهِ بِتَقْوَى اللَّهِ الَّتِي ضَرَبَ الْأَمْثَالَ وَ وَقَّتْ لَكُمْ الْأَجَالَ وَ أَلْبَسَكُمْ الرِّبَاطَ وَ أَرْفَعَتْ لَكُمْ الْمَعَاشَ وَ أَحَاطَتْ بِكُمْ

الإحصاء وَ أَرْصَدَ لَكُمْ الْجَزَاءَ وَ أَتْرَكُمُ بِالنَّعْمِ السَّوَاعِجِ وَ الرَّفْدِ الرَّوَافِعِ." تقوای انسان‌ها مهمترین اصلی است که حضرت علی (ع) به آن اشاره میکند و علت تقوا را با ذکر نعمت‌ها به آنها متذکر میشود؛ با این مضمون که خداوند برای انسانها مثلها زده تا آنان را به راه راست هدایت کند، زمان مرگ را مشخص نکرده تا خودشان را از گناه پاک نگه دارند و به آنها لباس زیبا پوشانده و در معیشتشان توسعه داده است و در کنار آن، دنیا را محل آزمایش و وسیله امتحان قرار داده و لازمه موفقیت در امتحان را، تقوا، عمل صالح و پیروی کردن از دستوراتش مشخص کرده است. با توجه به محور جانشینی در علم نشانه‌شناسی، فعل «أوصیکم» حائز اهمیت است؛ زیرا امام (ع) میتواند از افعال دیگری در رساندن مقصود استفاده کند. نکته قابل برداشت این است که احتمالاً حضرت (ع) نکته مهمی را مد نظر داشته که با فعل وصیت آغاز میکند؛ زیرا غالباً در وصیت به مهمترین خبر اشاره می‌گردد. و این خبر مهم ایجاد روح تقوی و دعوت به تقوی الهی بوده است. (رضایی، نفیسه، ۱۳۹۳: ۵۲) همچنین استفاده از واژه "عبادالله" به این نکته اشاره می‌کند که امام مخاطبان را از خود میبندد و رستگاری آنان را در نظر دارد. مطلب مهم که بارها حضرت (ع) در سخنان خود متذکر می‌شود و راه رستگاری را در آن می‌بیند، تقوای خدا می‌باشد؛ در ضمن امام (ع) برای تاکید بر این نکته در ادامه این فراز واژه "ألبسکم الریاش" را به کار برده است. زیرا لباس نه تنها انسان را از سرما و گرما حفظ می‌کند بلکه در برابر حوادث و ضرباتی که از هر سو ممکن است وارد شود محافظت می‌نماید و عیوب آدمی را می‌پوشاند، بنابراین از این نظر که تقوا در آیات قرآن به لباس تشبیه شده، این تعبیر تناسبی با اصل سخن، که دعوت به تقوا است را دارد. (مکارم، ۳، ۳۳۸) در فراز دیگری از خطبه نیز، امام (ع) باز توصیه به تقوی کرده است: "أوصیکم بتقوی الله الذی أَعَدَّ بِمَا أُنذَرُ وَ اخْتَجَّ بِمَا نَهَجَ وَ حَذَرَکُمْ عَدُوًّا نَفَذَ فِي الصُّدُورِ حَقِيًّا" «شما را به تقوای الهی سفارش می‌کنم! همان خداوندی که با انذار و هشدار خود راه عذر را بسته و با دلایل روشن، طریق هدایت را نشان داده، و حجت را تمام کرده است». در ادامه به تعریف لغوی واژه تقوا می‌پردازیم. تقوا در لغت از واژه «وقایه» به معنی حفظ شیء است، از آن چه به او زیان برساند. (راغب اصفهانی، ۱۳۶۹، ۳، ۴۷۹) شهید مطهری در معنی واژه تقوا نوشته است که این کلمه از ماده «وقی» است که به معنای حفظ و صیانت و نگهداری است. معنای اتقای احتفاظ است، ولی تا کنون دیده نشده که در ترجمه‌های فارسی این کلمه را به صورت حفظ و نگهداری ترجمه کنند. ایشان اضافه کرده که کسی مدعی نشده است که معنای تقوا، ترس یا پرهیز و اجتناب است، بلکه چون دیده شده لازمه صیانت خود از چیزی ترک و پرهیز است در این معنی استعمال شده است. (مطهری، مرتضی، ۱۳۸۵: ۳) به عقیده ایشان، ما دو نوع تقوا می‌توانیم داشته باشیم؛ تقوایی که ضعف است و تقوایی که قوت است. نوع اول این است که انسان برای این که خود را از آلودگی‌های معاصی حفظ کند، از

موجبات آن‌ها فرار می‌کند و خود را همیشه از محیط گناه دور نگه دارد و نوع دوم این‌که در روح خود حالت و قوتی بوجود آورد که به او مصونیت روحی و اخلاقی دهد که اگر فرضاً در محیطی قرار گیرد که وسایل و موجبات گناه فراهم باشد، آن حالت و ملکه روحی، او را حفظ کند. (همان، ۱۴۱) بنابراین یکی از مبانی زیر ساختی که انذار و تبشیر بر اساس آن شکل گرفته است و به ما برای رسیدن به هدف انذار و تبشیر کمک میکند، ایجاد روح تقوا در مخاطب است.

### تذکر

یکی از مبانی انذار و تبشیر، تذکر و یادآوری نعمت‌های دنیایی و اخروی است. این تذکر نیاز فطری انسان است و بدون آن، دل به شرار غفلت و ضلالت دچار می‌شود و می‌میرد. تذکر یعنی یاد آوردن و یادآور شدن آنچه انسان از آن در غفلت است، یا آن را به فراموشی سپرده است. تذکر نعمتها و یاد منعم و خدایی که در همه جا حاضر است و تمام ممالک وجود در تحت نظر او اداره می‌شود، و این تذکر، روشی نیکو در حراست آدمی از پلیدی و برانگیزنده به تلاش و درستی است. منذرین و مبشرین، مردمان را متذکر نعمتها و رحمت‌های خداوند می‌کنند و آنان را متذکر محضر حق و حضور می‌کردند و از این راه به اصلاح مردمان می‌پرداختند؛ امام(علیه السلام) در فرازی از خطبه غراء، بخشی از نعمت‌های مهم الهی را متذکر می‌شود: "جَعَلَ لَكُمْ أَسْمَاعاً لَتَعْبِي مَا عَنَّاها وَ أَبْصَاراً لَتَجْلُو عَنْ عَشَاهَا وَ أَشْلاءَ جَامِعَةً لِأَعْضَائِهَا مُلَائِمَةً لِأَخْنَائِهَا فِي تَرْكِيْبِ صُوْرِهَا وَ مُدِدِ عُمْرِهَا بِأَبْدَانٍ قَائِمَةً بِأَرْفَاقِهَا وَ قُلُوْبٍ زَائِدَةً لِأَرْزَاقِهَا فِي مُجَلَّاتِ نِعْمِهِ وَ مُوجِبَاتِ مَنِّهِ وَ حَوَاجِزِ عَافِيَّتِهِ، وَ قَدَرِ لَكُمْ أَعْمَاراً سَتَرَهَا عَنْكُمْ وَ خَلَفَ لَكُمْ عِبْرًا مِنْ أَنْارِ الْمَاضِيْنَ قَبْلَكُمْ مِنْ مُسْتَمْتَعِ خَلَاقِهِمْ وَ مُسْتَفْسَحِ خَنَاقِهِمْ أَرْهَقْتَهُمُ الْمَنَآيَا دُونَ الْأَمَالِ وَ شَدَّبْتَهُمْ عَنْهَا تَحْزُمُ الْأَجَالِ، لَمْ يَمْهَدُوا فِي سَلَامَةِ الْأَبْدَانِ وَ لَمْ يَعْتَبِرُوا فِي أَنْفِ الْأَوَانِ. تذکر نعمتها حس شکرگزاری انسان را بر می‌انگیزد و انگیزه ای برای معرفه الله و پرهیزگاری می‌شود. در واقع امام(علیه السلام) در این بخش از سخنان خود، از یک سو اشاره به نعمت بزرگ تک تک اعضای بدن کرده و از سوی دیگر، به هماهنگی اعضای بدن با یکدیگر اشاره می‌فرماید. بنابراین تذکر و یادآوری یاد حق و نعمت‌ها ابتدا در حق خود و آن‌گاه در حق دیگران، از آن رو لازم است که در طریق معرفت و رشد یا درمان باشد و غفلت‌ها را از دل‌مان در مسیر نورانی تربیت بزدايد. بنابراین یکی از مبانی امام علی(علیه السلام) در انذار و تبشیر مخاطبان همین بود که آنها را از راه تذکر و یادآوری نعمت‌های الهی، انذار و بیدار می‌ساخت.

### پند و عبرت آموزی

یکی دیگر از مبانی مهمی که انذار و تبشیر بر آن استوار است، پند و عبرت آموزی کلام انذار و تبشیر است. طبق بررسی‌های صورت گرفته به نظر می‌آید که پند و عبرت آموزی در کلام امیر(ع) شامل سه موضوع می‌باشد: ۱. مرگ اندیشی؛ ۲. عبرت آموزی؛ ۳. آخرت اندیشی. برای

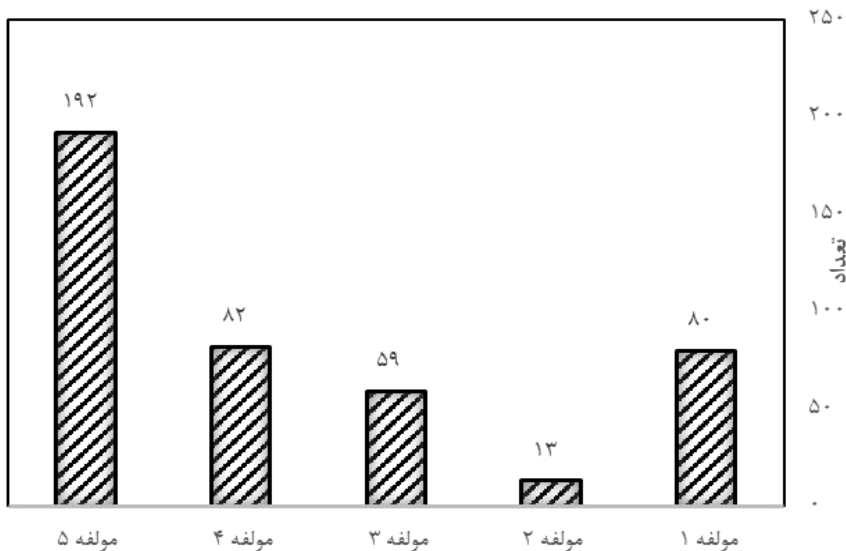
مثال حضرت علی (ع) در خطبه غراء به عنوان "منذر" با قصد عبرت آموزی، سرنوشت جسم و روح انسان را پس از مرگ برای مخاطب خود با عبارات جامع و کامل بیان می‌کند؛ در واقع امام (ع) مخاطب خود را به مرگ اندیشی رهنمون می‌کند. ایشان می‌فرمایند: "بدن به سرعت متلاشی می‌شود و طعمه حشرات زمین می‌گردد؛ چهره‌های زیبا، زبان توانا و عقل‌های دانا همگی بر باد می‌روند و جز مستی استخوان پوسیده و قبرهای ویران شده و گاه به کلی از نظرها محو گشته از آنها باقی نمی‌ماند. مصیبت بزرگتر اینجاست که پرونده اعمال به کلی بسته می‌شود به گونه‌ای که نمی‌توان چیزی بر حسنات افزود و نه چیزی از سیئات کاست." در حقیقت امام علی (ع) در این فراز به تصویرگری پرداخته است و تصویری دیداری برای مخاطب خود ارائه می‌دهد به گونه‌ای که مخاطب احساس می‌کند در صحنه حاضر و ناظر است و می‌تواند خود را در مراحل مختلف قرار دهد. در واقع امام تلاش می‌کند که این انداز برای مخاطب قابل لمس تر و اثرگزاریش بیشتر شود. سپس امام (علیه السلام) در یک نتیجه‌گیری به بیان این نکته می‌پردازد که چرا مردم با دیدن این همه صحنه‌های عبرت‌انگیز، پند نمی‌گیرند و بیدار نمی‌شوند؛ می‌فرماید: «(ولی افسوس که) دلها از گرفتن بهره خویش، سخت و ناتوان شده و از رشد معنوی خود غافل گشته، و در غیر طریق حق گام بر می‌دارد، گویی غیر آنها مقصود هستند (و مرگ یا فرمان‌های الهی هرگز به سراغ آنها نمی‌آید) و گویی نجات و رستگاری آنها در به چنگ آوردن دنیا است.» در فرازی دیگر از خطبه غراء امام (ع) مخاطب خود را ترغیب به آخرت اندیشی می‌کند: "حَتَّىٰ إِذَا تَصَرَّمَتِ الْأُمُورُ وَ تَقَصَّتِ الدُّهُورُ وَ أُرْفِ النَّشُورُ، أَخْرَجَهُمْ مِنْ ضَرَائِحِ الْقُبُورِ وَ أَوْكَارِ الطُّيُورِ وَ أَوْجِرَةَ السَّبَاعِ وَ مَطَارِحِ الْمَهَالِكِ سِرَاعاً إِلَىٰ أَمْرِهِ مُهْطِعِينَ إِلَىٰ مَعَادِهِ رَعِيلاً صُمُوتاً قِيَاماً صُفُوفاً، يَنْفُذُهُمُ الْبَصْرُ وَ يُسْمِعُهُمُ الدَّاعِيَ، عَلَيْهِمْ لُبُوسُ الْأَسْتِكَانَةِ وَ وَرَعُ الْأَسْتِسْلَامِ وَ الدَّلَّةِ، قَدْ صَلَّتِ الْحَيْلُ وَ انْقَطَعَ الْأَمَلُ، وَ هَوَتْ الْأَفْنِدَةُ كَاطِمَةً وَ حَشَعَتِ الْأَصْوَاتُ مَهِينِمَةً، وَ الْجَمُّ الْعَرَقُ وَ عَظُمَ الشَّفَقُ وَ أُرْعِدَتِ الْأَسْمَاعُ لِزُبْرَةِ الدَّاعِي إِلَىٰ فَضْلِ الْخِطَابِ وَ مَقَايِصَةِ الْجَزَاءِ وَ نُكَالِ الْعِقَابِ وَ نَوَالِ التَّوَابِ. در این بخش از خطبه که به راستی خطبه‌ای است «غراء» و درخشان و بیدارگر، امام (علیه السلام) به سراغ معاد می‌رود و ترسیمی تکان‌دهنده از صحنه محشر و حال خلائق در آن روز می‌کند، تا مردم را انداز کند و غافل‌ترین افراد را بیدار سازد. برای همین مستقیماً به سراغ رستاخیز مردگان و قیام آنها از قبرها، که قسمت حساس مطلب است، می‌رود و می‌فرماید: «(در این هنگام) آنها را از شکاف قبرها و آشیانه‌های پرندگان و لانه‌های درندگان و میدان‌های هلاکت خارج می‌کنند. (مکارم، ۳، ۳۶۹) علی (ع) در ادامه از این جمله‌های کوتاه و پرمعنا، با آهنگ خاصی که دارد، استفاده می‌کند تا ترسیمی تکان‌دهنده از وضع بندگان در صحنه محشر را نشان دهد؛ "سِرَاعاً إِلَىٰ أَمْرِهِ، مُهْطِعِينَ إِلَىٰ مَعَادِهِ، رَعِيلاً صُمُوتاً، قِيَاماً صُفُوفاً، يَنْفُذُهُمُ الْبَصْرُ، وَيُسْمِعُهُمُ الدَّاعِيَ" در حقیقت حرکت سریع انسانها،

نشانه دستپاچگی و وحشت از سرنوشت است و گردن کشیدن به خاطر آن است که هر لحظه در انتظار حادثه ای هستند. بیان این حالات از این جمعیت عظیم بدین سبب است که داور روز محشر خداوند است و تمام اعمال کوچک و بزرگ با دقت و موشکافی تمام، مورد محاسبه قرار می گیرد و جزای هر کس با قاطعیت به او داده شود و مجازات های دردناک در انتظار بدکاران و آلودگان باشد، بنابراین بروز و ظهور چنین حالاتی عجیب نیست. امام (ع) در این قسمت از فراز به «الْجَمَّ الْعَرَقُ» اشاره می کند که تعبیر گویایی از نهایت گرفتاری حاضران محشر است، از طرفی وحشت و اضطراب و از طرف دیگر گرمای محشر از سوی دیگر، فشردگی جمعیت و خستگی مفرط، چنان دست به دست هم می دهند که آب بدنها به عرق تبدیل می شود و از تمام پیکرشان جاری می گردد؛ چنان از سر و صورتشان عرق جاری است، که اطراف دهان را احاطه کرده، به گونه ای که اگر لب بگشایند، دهان پر از عرق خواهد شد. برای همین امام (علیه السلام) این حالت را با تعبیر جالب «الْجَمَّ الْعَرَقُ» (عرق به دهان آنها لجام زده است!) بیان فرموده است. (مکارم، ۳، ۳۵۹) در واقع امام با این ترسیم از وضع بندگان در روز رستاخیز، سعی بر این داشته که مخاطب خود را با دعوت به اخرت اندیشی به سمت پند و عبرت آموزی رهنمون کند تا بدین گونه مردمان را انداز کند تا شاید غافل ترین آنها هم پند بگیرند. در فراز دیگری از خطبه غراء امام مخاطب خود را به عبرت آموزی دعوت می کند و می فرماید: "فَيَا لَهَا أُمَّالًا صَائِبَةً وَ مَوَاعِظَ شَافِيَةً لَوْ صَادَفَتْ قُلُوبًا زَاكِيَةً وَ أَسْمَاعًا وَاعِيَةً وَ أَرْءَا عَاذِمَةً وَ أَلْبَابًا حَاذِمَةً؛ فَاتَّقُوا اللَّهَ تَقِيَّةً مَنْ سَمِعَ فَخَشَعَ وَ اقْتَرَفَ فَاعْتَرَفَ وَ وَجَلَ فَعَمَلَ وَ حَاذَرَ فَبَادَرَ وَ أَيَقِنَنَّ فَأَحْسَنَنَّ وَ عَبَّرَ فَاعْتَبَرَ" در این بخش از کلام امام (علیه السلام) به موعظه های نافذ و مؤثر و مثل های روشنگر و اندرزهایی که سبب نجات انسانها است، اشاره می کند. در واقع هدف، بیان این نکته است که اگر گوش شنوا و عقل آگاه و دل بیداری باشد، موعظ هدایتگر، به قدر کافی در اختیار است و به تعبیر دیگر: در فاعلیت فاعل، نقصی نیست، اگر نقصانی باشد در قابلیت قابل است. سپس امام (علیه السلام) امر به تقوا کرده و بیان داشته که شروع تقوا شنیدن سخنان انبیای الهی است، به گونه ای که قلب و جان در برابر سخنان حق خاضع می گردد؛ در ابتدا در مقام توبه بر می آید و به گناهان خویش، در برابر حق اعتراف می کند، سپس خوف الهی او را به سوی عمل می فرستد و با سرعت در این راه گام برمی دارد. در واقع انداز باعث می شود که به انجام دادن عمل صالح ترغیب شود؛ سپس به مقام یقین می رسد و آثارش در اعمال او ظاهر می گردد؛ از حوادث تاریخی و آنچه با چشم خود می بیند، عبرت می گیرد و از هشدارها درس می آموزد؛ (مکارم، ۳، ۳۸۰) امام (ع) در تلاش است تا با ذکر اینگونه مثالها، مخاطب به آن معنای ماورایی منتقل شده و حالتی خاضعانه در وجودش برای پذیرش انداز و تبشیر به وجود آید. این توضیحات با بررسی لغوی واژه عبرت نیز یکسان می باشد زیرا عبرت در لغت بر وزن فَعَلَهُ از ریشه «عَبَرَ»

است. راغب اصفهانی در تعریف واژه "عَبْرٌ" بیان می‌دارد: «أَضَلُّ الْعَبْرِ تَجَاوُزٌ مِنْ حَالِ الْإِسَى حَالٍ». (راغب، ماده عبر، ۳۲۰) در واقع بیان می‌دارد که در عبرت نوعی جابجایی و انتقال قابل درک است. اهل لغت نیز این واژه را به معنای پند و اندرز گرفته‌اند. (ابن منظور، ۱۴۰۸، ۹، ۱۸) در واقع، انسان از نقل یک سخن و یا جریان تاریخی به معنایی ماورای آن منتقل می‌شود و در اثر آن، حالتی خاضعانه و خاشعانه در برابر حق، برای او پدید می‌آید. نکته مهم در کلام انذار و تبشیر این است که گوینده باید زمینه‌ها و مقدماتِ بوجود آمدن چنان حالتی را برای مخاطب خود فراهم کند. در حقیقت این عبرت آموزی باعث می‌شود که انسان به درجه‌ای از درک و بصیرت برسد که بتواند از ظواهر امور بگذرد و به باطن آنها بنگرد. از محسوسات و مشهودات عبور کند و به معقولات برسد، و قدرتی فراگیر برای سنجش و اندازه‌گیری، تجزیه و تحلیل، حل و فصل امور و انتخاب و تصمیم‌گیری در ابعاد مختلف زندگی به‌دست آورد. بنابراین یکی از مبانی زیر ساختی که انذار و تبشیر بر اساس آن شکل گرفته است، پند و عبرت آموزی است.

بنابراین پنج عنوان مبانی و زیرساخت‌های انذار و تبشیر را در خطبه‌گرا بیان می‌دارند، که به شرح ذیل می‌باشند: ۱. اتمام حجت؛ ۲. هدایت؛ ۳. ایجاد روح تقوا؛ ۴. تذکر؛ ۵. پند و عبرت آموزی.

در شکل زیر فراوانی تعداد هر گزاره به صورت نموداری در خطبه‌گرا نمایش داده شده است.



شکل ۱. نمودار فراوانی گزاره مبانی، در خطبه‌گرا



در ابتدا کل خطبه غراء به صورت گزاره از روی متن نهج البلاغه تصحیح صبحی صالح و ترجمه آقای شهیدی تفکیک شد. در ادامه مبانی احصاء شده در مقاله از ۳۱۹ گزاره متن خطبه غراء استخراج شد. از لحاظ فراوانی مبنای پند و عبرت آموزی که شامل سه موضوع مرگ اندیشی، عبرت آموزی و آخرت اندیشی است، بیشترین مبنای به کار رفته در کلام انذار و تبشیر امام علی (ع) در خطبه غراء بوده است. در واقع، امیرالمومنین (ع) با توجه به اینکه در عبرت آموزی، مخاطب به معنای ماورایی کلام منتقل می شود و حالتی خاضعانه و خاشعانه در برابر حق، برای او پدید می آید، زمینه ها و مبانی انذار و تبشیر را برای مخاطب خود فراهم می کند تا او از محسوسات و مشهودات عبور کند و به معقولات برسد، و قدرتی فراگیر برای سنجش و اندازه گیری، تجزیه و تحلیل، حل و فصل امور و انتخاب و تصمیم گیری در ابعاد مختلف زندگی به دست آورد.

## نتیجه گیری

- ۱) یکی از مبانی انذار و تبشیر اتمام حجت است. اتمام حجت با بیدارسازی و آگاهی رسانی نسبت به انگیزه و ترغیب به انجام دادن عمل و تحریم آن، راه هرگونه بهانه جویی و عذر خواهی در زمان تنبیه و عاقبت امور را بر انسان می بندد. و فلسفه اتمام حجت، مختار بودن بشر در گزینش مسیر حرکت است.
- ۲) هدایت یکی دیگر از مبانی انذار و تبشیر است زیرا باعث تحریک و ترغیب به عمل در انسان و جلو راندن او در مسیر کمال می شود. در واقع انذار و تبشیر با تحریک این بعد از شخصیت انسان، او را به تشویق حاصل شده از هدایت می رساند.
- ۳) یکی دیگر از مبانی زیر ساختی که انذار و تبشیر بر اساس آن شکل گرفته است، ایجاد روح تقوا در مخاطب است.
- ۴) یکی دیگر از مبانی انذار و تبشیر، تذکر و یادآوری نعمت های دنیایی و اخروی است. این تذکر نیاز فطری انسان است زیرا بدون آن، دل به شرار غفلت و ضلالت دچار می شود و می میرد. بنابراین منذرین و مبشرین، مردمان را متذکر نعمتها و رحمتهای خداوند می کنند تا آنان متذکر محضر حق شوند و از این راه به اصلاح مردمان بپردازند.
- ۵) یکی دیگر از مبانی مهمی که انذار و تبشیر بر آن استوار است، پند و عبرت آموزی کلام انذار و تبشیر است که شامل سه موضوع مرگی اندیشی، عبرت آموزی و آخرت اندیشی است.
- ۶) از لحاظ فراوانی مبنای پند و عبرت آموزی بیشترین مبنای به کار رفته در کلام انذار و تبشیر امام علی (ع) در خطبه غراء بوده است.
- ۷) از لحاظ فراوانی بین ۳۱۹ گزاره متن خطبه غراء مبنای هدایت کمترین مبنای به کار رفته در خطبه غراء بوده است.

## فهرست منابع

## قرآن

۱. ابن ابی الحدید، عزالدین ابو حامد. (۱۳۳۷ش). شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید، قم، کتابخانه عمومی آیت الله مرعشی نجفی.
۲. ابن اثیر، مبارک بن محمود (۱۳۶۷ش). النهایه فی غریب الحدیث، قم، اسماعیلیان.
۳. ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴ق). لسان العرب، بیروت، انتشارات دار صاد.
۴. الجوهری، اسماعیل بن حماد (۱۴۰۷ق). الصحاح، به کوشش عبدالغفور العطاری، بیروت، دارالعلم للملایین.
۵. ازهری، محمد بن احمد (۱۴۲۱ق). تهذیب اللغة، بیروت، دار احیاء تراث العربی.
۶. بحرانی، میثم بن علی بن میثم، (۱۳۶۲ش). شرح نهج البلاغه، قم، نشر کتاب.
۷. دلشاد، مصطفی، (۱۳۹۵). سیره نبوی «منطق عملی»، تهران، دریا.
۸. دهخدا، علی اکبر، (۱۳۴۶ش). لغت نامه، تهران، دانشگاه تهران.
۹. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، (۱۴۱۲ق). المفردات فی غریب القرآن، بیروت، دارالعلم الدار الشامیه.
۱۰. زمخشري، محمود، (۱۴۰۷ق)، الکشاف عن التنزیل حقائق غوامض، بیروت، دارالکتب العلمیه.
۱۱. سید رضی، محمد بن حسین، (۱۳۸۱). نهج البلاغه، سید جعفر شهیدی، تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ۲۲.
۱۲. الطیب، عبدالله، (۱۱۱۰م). المرشد الی فهم الاشعار العرب و صناعتها. بیروت، دارالفکر.
۱۳. طباطبایی، سید محمد حسین، (۱۴۱۷ق). المیزان فی تفسیر القرآن، قم، جامعهی مدرسین حوزه علمیه قم.
۱۴. طریحی، فخرالدین، (۱۳۷۵ش). مجمع البحرین، تهران، کتابفروشی مرتضوی.
۱۵. طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، (۱۴۱۵ق). التبیان فی تفسیر القرآن، تصحیح احمد حبیب قصیر عاملي، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
۱۶. فیروز آبادی، محمد بن یعقوب، (۱۴۱۵ق). القاموس المحیط، بیروت، دارالکتب العلمیه، منشورات محمد علی بیضون.
۱۷. قرشی، سید علی اکبر، (۱۳۰۷). قاموس قرآن، قم، ناشر اسلامیه.
۱۸. قزوینی، احمد بن فارس (۵۱۳۹۹). معجم المقاییس اللغة، لبنان، دارالفکر.

۱۹. مصطفوی، حسن، (۱۳۶۰ش). التحقيق فی کلمات القرآن الکریم، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
۲۰. مطهری، مرتضی، (۱۳۸۱)، مجموعه آثار، قم، انتشارات صدرا.
۲۱. مکارم شیرازی، ناصر و همکاران، (۱۳۷۴ش). تفسیر نمونه، تهران، دارالکتب الإسلامیة.
۲۲. مقالات
۲۳. بهشتی، احمد، (۱۳۶۱ش). "تبشیر و انذار"، مجله پیوند، شماره پنج، صص ۷۵\_۷۹
۲۴. دل افکار، علیرضا؛ صانعی پور، محمد حسن؛ زندی، بهمن و دیگران. (۱۳۹۳)، "تحلیل ساختار کارگفت انذار در قرآن"، مجله علوم قرآن و حدیث، شماره پنجم، ص ۳۹\_۶
۲۵. رضائی، نفیسه، (۱۳۹۳)، "تشانه‌شناسی خطبه‌های نهج البلاغه: ۳ (شقشقیه)، ۱۹۳ (متقین)، ۸۳ (الغزء)، ۱۰۹ (معروف به الزهراء) و خطبه ۱۷۶"، پارسای داخل کشور کارشناسی ارشد ۱۳۹۳، استادراهنما سیدرضا میراحمدی، استاد مشاور: علی نجفی ایوکی دانشگاه کاشان، دانشکده ادبیات و زبانهای خارجی
۲۶. عابدی، حسن؛ شیخ زاده، محمد (۱۳۹۰). "تحلیل مضمون شبکه مضامین: روشی ساده و کارآمد برای تبیین الگوهای موجود در داده‌های کیفی"، مجله اندیشه مدیریت راهبردی، سال پنجم، شماره دوم، صص ۱۵۱\_۱۹۸.
۲۷. فتحعلی خانی، محمد (۱۳۹۷). "روش و روش‌شناسی در علوم انسانی اسلامی چارچوبی برای تحلیل و ارزیابی نظریه‌های علم دینی و علوم انسانی اسلامی"، مجله قبسات، شماره هشتاد و نه، صص ۱۵۵\_۱۷۸
۲۸. مردانی، مهدی، (۱۳۹۰). "جایگاه تشویق و تنبیه در مدیریت علوی با تکیه بر نهج البلاغه". علوم قرآن و حدیث. (۳۱)، ۱۷۲\_۱۵۳
۲۹. موسوی، س.م. (۱۳۷۹). "تبشیر و انذار دو رکن اساسی تبلیغ". مجله مبلغان، شماره دوازدهم، صص ۶۳\_۷۰
۳۰. یونسی، حمیدرضا؛ دیالمه، نیکو، (۱۳۹۸). "انذار از روش تا اصل تربیتی". پژوهشنامه قرآن و حدیث. شماره بیست و یک، صص ۱۰۸-۱۱۶.

نوع مقاله: پژوهشی

صفحات ۹۳ - ۱۱۲

## بررسی تطبیقی رویکردهای پیشگیرانه از شهادت زور از منظر اخلاق، فقه امامیه و حقوق ایران و مصر

سیدمحمد ابراهیمی<sup>۱</sup>  
محمد رسول آهنگران<sup>۲</sup>  
سیدابوالقاسم نقیعی<sup>۳</sup>

### چکیده

شهادت به عنوان ابزار و از ادله مشترک در اثبات دعوی، در فقه امامیه و حقوق ایران و مصر، دارای جایگاهی پر اهمیت است. لذا برای پیشگیری آن از آفت تزویر بایسته است اقداماتی در دو حوزه پیشینی و قبل از وقوع یعنی عدم ابتلا به جرم شهادت زور و حوزه پسینی و بعد از وقوع جرم، یعنی حوزه درمان پرداخت. در این مقاله در حوزه پیشینی و کنشی به بررسی رویکردهای اخلاق و عدالت در فقه و حقوق ایران و مصر پرداخته شده و معتقد است توجه به عدالت در شاهد به عنوان پلیس درونی، عنصری بازدارنده از ارتکاب شهادت زور می باشد و بکارگیری عامل اخلاق تضمین کننده در بازدارندگی از شهادت زور محسوب می گردد. در حوزه اقدامات پسینی و واکنشی ضمن پرداختن به مجازاتهای مختلف، بر بکارگیری مجازات تشهیر که از مختصات و شاخصه فقه می باشد به عنوان اقدام اساسی و اصلی بازدارنده از تکرار جرم شهادت زور، تصریح شده است. و در تطبیق سه نظام یاد شده خلاء عناصر عدالت و اخلاق و تشهیر در حقوق مصر و نیز فقدان این مجازات در حقوق ایران به عنوان نقاط ضعف هر یک از نظامات حقوقی یاد شده تلقی گردیده است.

### واژگان کلیدی

شهادت زور، پیشگیری، عدالت، اخلاق، مجازات، تشهیر.

۱. دانشجوی دکتری فقه و حقوق اسلامی، واحد علوم و تحقیقات دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

۲. استاد گروه فقه و مبانی حقوق پردیس فارابی دانشگاه تهران، قم، ایران. (نویسنده مسئول)

Email: ahangaran@ut.ac.ir

۳. دانشیار گروه فقه و حقوق، دانشگاه شهید مطهری، تهران، ایران.

پذیرش نهایی: ۱۴۰۱/۲/۴

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۱/۷

## طرح مسأله

از مهم‌ترین و اساسی‌ترین ابزارها و ملاک‌های اثبات دعوی در فقه و حقوق ایران و مصر شهادت شهود می‌باشد و در قرآن در موارد متعددی به این مهم اشاره شده است: اثنان ذوا عدل منکم (۱۰۶، مائده) و اشهدوا ذوی عدل منکم (۲، طلاق) و استشهدوا شهیدین من رجالکم (۲۸۲، بقره) و نیز در حقوق ایران و مصر به عنوان دلیل اثبات مورد توجه واقع شده است در حقوق ایران مواد (۴۰۶ تا ۴۲۶) قانون مدنی و مواد (۱۷۴ تا ۲۰۰) قانون مجازات اسلامی و در حقوق مصر طی مواد (۶۰ تا ۱۰۲) قانون اثبات مواد مدنی و تجاری و مواد (۲۷۷ تا ۲۹۴) ماده (۳۸۱) قانون الاجراءات جزایی مصر و بحث شهادت زور در قانون عقوبات در باب ششم طی مواد (۲۹۴ تا ۳۰۰) مورد تصریح قرار گرفته است. اما آنچه در این مهم، مورد توجه و مذاقه است اینکه آیا هر شهادتی می‌تواند مفید فایده باشد و قاضی را به عدالت قضایی رهنمون نماید؟ در پاسخ باید گفت اگر چه شهادت ابزاری لازم و ضروری برای اثبات جرم است ولی اگر این عامل آسیب‌شناسی نشود و بدون هیچ ملاحظه‌ای مبادرت به استفاده از شاهد گردد نه تنها نتایج مثبت نخواهد داشت بلکه باعث بروز سوء استفاده‌های متعدد و مختلف خواهد گردید به طوری که از قبل این شهادت بارگاهی برای سوداگری و طمع‌ورزی وضع می‌شود، و ضمن تولید شهادت دروغ که در فقه به عنوان گناه کبیره و در حقوق به عنوان جرم علیه عدالت قضایی، جرم انگاری می‌شود، جریان دادرسی را با اختلال و مخاطره مواجه می‌سازد و علاوه بر آسیب فردی، آسیب‌های اجتماعی جبران‌ناپذیری را موجب خواهد شد، لذا بایسته است که با توجه به اهمیت موضوع شهادت در نظام قضایی و جایگاه بی‌بدیل آن در این روند، عناصری را جهت پیشگیری از ابتلا به آفت‌ها و آسیب‌ها، شناسایی نمود از این رو این مقاله در مقام آن است که جهت تحقق این خواسته با نگاه تطبیقی به این موضوع در فقه و حقوق ایران و مصر ابتدا در حوزه پیشینی به اخلاق و عدالت شاهد که شاخصه اصلی فقه و حقوق ایران است و در حوزه پسینی در صورت افافه نکردن کنش‌های اخلاقی، علاوه بر پرداختن به مطلق مجازات برای شاهد زور که وجه مشترک فقه امامیه و دو سیستم حقوقی ایران و مصر است، به مجازات تشهیر به عنوان مجازات اختصاصی فقه پرداخته شود.

در حوزه اقدامات پیشینی، بکارگیری شاهد عادل و پایبند به اخلاق و آموزه‌های دینی به عنوان عنصر اساسی احتراز و پیشگیری از ابتلا به جرم شهادت زور ضروری می‌باشد و با توجه به اختلاف آراء فقها در تعریف عدالت، معتقد است که شاهد در صورت اتصاف به هر یک از عدالت نفسانی یا عملی و داشتن مروت از چنان اخلاقی برخوردار می‌شود که وی را از ارتکاب گناه و جرم مصون می‌دارد و در واقع مروت شخص شاهد به معنی متخلق بودن به کردار و رفتار نیکو و پسندیده در او محسوب می‌گردد و لذا معتقد است هر چه شاهد با ملکات نفسانی و

اخلاق حسنه قرین باشد ضریب ارتکاب شهادت زور کاهش خواهد یافت اما وقتی اقدامات کنشی در حوزه پیشینی کارساز نشوند و نتوانند از وقوع جرم جلوگیری کنند نوبت به استفاده از مجازات ها و اقدامات واکنشی در حوزه پسینی می رسد که با عطف توجه به مجازات تشهیر به عنوان خصیصه فقه و پیشنهاد درج و کاربرد آن در قوانین موضوعه ایران و مصر به عنوان مجازات عمومی، می توان بستر وصول به کاهش شهادت زور را فراهم ساخت. در این مقاله بر اساس تبیین مقام و جایگاه عناصر اخلاق و عدالت در اقدامات پیشینی و کنشی در فقه امامیه و حقوق ایران و تمرکز بر مجازات اختصاصی فقه یعنی تشهیر، در حوزه اقدامات پسینی و واکنشی، و بیان خلاء این عناصر در حقوق مصر، از طریق روش توصیفی - تحلیلی استفاده گردیده است.

## رویکردهای پیشینی

### ۱- پیشگیری کنشی

پیشگیری دارای اشکال مختلف است (نجفی ابرند آبادی، ۱۳۷۸ش، ص ۱۲۹ تا ۱۴۹). در کنار پاسخ های سرکوبگر ضرورت جستجوی پاسخ های خارج از قلمرو حقوق کیفری از جمله پاسخ های پیشگیرانه در برابر جرم احساس می شود، مراد از پاسخ های پیشگیرانه در یک تعریف اجمالی اقدام هایی است که جنبه کنشی داشته و با ماهیتی غیر قهر آمیز یا در مقام سالم سازی جامعه یا برای رفع بحران های جرم زا و یا برای به هم زدن اوضاع و احوال قبل بزهکاری اتخاذ می شوند (نجفی ابرند آبادی، ۱۳۸۳ش، ص ۵۶). در نظام حقوق اسلامی، برای پیشگیری از جرم و گناه تدابیر خاصی اندیشیده شده است و شارع مقدس برای اجرای آنها، راه های مختلفی را مقرر داشته است (ولیدی، ۱۳۸۴ش، ص ۴). پیشگیری اقدامات و تدابیری است که باعث ممانعت و جلوگیری و احتراز از ارتکاب یا کاهش و محدود سازی تحقق آن می گردد. موثرترین راهکار، پیشگیری کنشی از ارتکاب گناه و جرم شهادت زور محسوب می شود. از منظر جرم شناسی پیشگیرانه، اقدامات کنشی غیر قهر آمیز و بیرون از دامنه نظام کیفری، به مثابه ابزاری است که دولت را در رسیدن به هدف والای بزهکاری بدون توسل به سرکوبگری و سزادهی یاری می رساند (دارابی، ۱۳۹۷ش، ص ۳۸). از طریق تقویت ایمان و ایجاد تربیت صحیح و اصلاح جامعه و از بین بردن علل وقوع جرم می توان از تعداد جرم ها و جنایت ها تا حدود زیادی کاست (شهید مطهری ۱۳۷۰ش، ج ۱، ص ۲۲۶)

### ۱-۱- عدالت و اخلاق (مروت)

اصل اولی در مبارزه و مقابله با هر بیماری و بزهکاری، جلوگیری از ابتلا به بیماری می باشد یکی که از اشکال پیشگیری از جرم، بررسی علت و مبارزه علیه آن است یعنی باید زمینه و بستری را فراهم ساخت تا در سایه آن مصونیت ایجاد گردد. از آنجا که ارتکاب شهادت زور همانند سایر جرائم می تواند تابعی از وضع اقتصادی، فرهنگی، سیاسی، خانواده و ... باشد برای

مبارزه با این بزه باید عوامل مذکور از بین برود و باید گفت علاوه بر مشکل بودن اصلاح آنها، این مهم از حیثه اختیار فردی نیز خارج است ولی برای برون رفت از آن می توان به تقویت ایمان و توجه به اخلاقیات و آموزه های دینی که از اوصاف فرد عادل است، اشاره نمود. آموزه های دینی عموماً تضمین کننده پیشگیری از بزهکاری است (گسن به نقل از ولیدی، ۱۳۸۸ش، ص ۴۱). شریعت جزایی اسلام در مقام مبارزه با ارتکاب گناه افراد، مردم را تنها متوجه کیفر دنیوی نموده بلکه با تهدید به عذاب اخروی و تقویت ایمان به معاد می خواهد از وقوع جرائم پیشگیری نماید (گلدوزیان، ۱۳۶۸ش، ص ۷۶). اگر شاهد عادل باشد احتمال دروغگویی او بسیار پایین است (زراعت، ۱۳۹۷ش، ص ۱۵۴). عدالت از شروطی است که شاهد را به درستی گفتار متصف می نماید (بهرامی، ۱۳۹۷ش، ص ۱۳۶). عدالت در فقه اسلام عبارتست از یک نیروی معنوی پایداری که صاحبش را دائماً در پرهیزگاری و رعایت جانب مروت نگهدارد (جعفری لنگرودی، ۱۳۷۸ش، ص ۱۷۸). شروطی که شاهد را به درستی گفتار متصف می نماید، عدالت، علم به مشهوده، شایستگی اخلاقی و دوری از آنچه مخل بر مروت است (بهرامی، ۱۳۹۷ش، ص ۱۳۶). تعدادی از افراد تحت تاثیر عقاید مذهبی، اصول اخلاقی، وضع جسمی و روانی، موقعیت اجتماعی دارای عواملی هستند که با وجود عوامل جرم زا مرتکب جرم نمی شوند (دانش، ۱۳۷۹ش، ص ۱۰۰). یکی از اهداف بزرگ جرم شناسی پیشگیری و ممانعت از وقوع جرم است... به همین جهت کلیه کوششها باید در راه مبارزه با اعمال بزهکاران باشد نه شفا دادن بزهکاران (مظلومان، ۱۳۵۶ش، ص ۵۱). بر اساس تاکیدات و تعاریف یاد شده از پیشگیری، باید گفت در حوزه پیشینی، بکارگیری شاهد عادل و متصف به اخلاق برای اداء شهادت از تدابیر مهم وصول به هدف یادشده می باشد. زیرا وجود ایمان و تقوا و اخلاق در فرد به مثابه پلیس درونی، او را از ارتکاب بزه و گناه باز می دارد.

### ۱-۱-۱. عدالت

در لغت - یعنی هر آن چیزی که فطرت انسان حکم به استقامت و درستی آن کند (ابن منظور، بی تا، ج ۱۱، ص ۴۱۴). عدالت در مقابل ظلم و جور است (فیومی، ۱۴۰۵ق، ص ۳۹۶). عدالت در لغت یعنی انسانی که دارای احوال متعادل باشد (شیخ طوسی، بی تا، ج ۸، ص ۲۱۷). در اصطلاح: ۱- عدالت ملکه ای درونی و نفسانی است که فرد را بر تقوا و مروت وادار می کند (مشهور فقهای امامیه بعد از علامه حلی، علامه حلی، ۱۴۱۳ق، ج ۲، ص ۱۲۹؛ شهید اول، بی تا، ج ۲، ص ۲۵۹؛ فیض کاشانی، ۱۴۱۵ق، ج ۵، ص ۱۰۷؛ امام خمینی، ۱۳۸۴ش، ج ۴، ص ۱۵۰). ۲- عدالت صرف ترک گناهان کبیره و صغیره یا ترک گناه کبیره را گویند (ابن ادریس، نراقی، ابی صلاح، ابن حمزه، محقق سبزواری، به نقل از شیخ انصاری، ۱۱۴۴ق، ج ۶). ۳- عدالت یعنی استقامت و عدم انجام گناه عملی و فعلی که از سر ملکه و حالت پایدار درونی باشد (شیخ



مفید، ۱۴۱۰ق، ۷۲۵؛ شیخ طوسی، بی تا، ج ۸، ص ۲۱۷ و النهایه، ۱۴۱۷ق، ج ۲، ص ۵۲؛ محقق حلی، ۱۳۶۴ش، ج ۴، ص ۹۱۱. ۴- عدالت یعنی مسلمان بودن و عدم فسق (شیخ طوسی، ۱۴۰۷ق، ج ۶، ص ۲۱۷ و بی تا، ج ۸، ص ۲۱۷؛ ابن جنید به نقل از علامه حلی، ۱۴۱۳ق، ج ۲، ص ۵۱۳؛ شیخ مفید به نقل از شیخ انصاری، ۱۳۷۴ش، ص ۳۲۶؛ خوانساری، ۱۳۵۵ش، ج ۶، ص ۱۰۶). ۵- فقهای قدیم عدالت را حسن ظاهر تعریف کرده اند (انصاری، ۱۳۷۴ش، ج ۳، ص ۱۶۵). یعنی اگر انسان به ظاهر اعمال دینی بپردازد و ظاهر او موجب شک در فسق او نشود، عادل محسوب می شود.

عدالت با هر کدام از تعاریف یاد شده بدین معنا است که فرد در سایه توجهات به آموزه های دینی و اخلاقی، خود را از اجتناب به گناه و معاصی دور نگه می دارد و لذا موجبات احتراز شهادت زور که به عنوان جرم و گناه تلقی می گردد از بین می رود. و به نظر می رسد طبق نظر مشهور فقها، عدالت یک معنی بیشتر ندارد و شامل ملکه و عدالت نفسانی است که مرتبه ای از مراتب بعد از عصمت محسوب می شود، نهایتاً آنکه عصمت ملکه ای است که در نفوس معصومین حاصل می شود. اما ملکه عدالت، از صدور انجام گناه منع نمی کند، بلکه انجام گناه را سخت می کند و فرد را اخلاق مدار نموده و موجبات ترک گناه و جرائم را برایش فراهم می سازد. آقای خوبی که قائل به عدالت عملی است، معتقدند عدالت یعنی استقامت عملی در جاده شریعت و فرد باید در همه ادوار و حالات استقامت داشته باشد (خوبی، ۱۴۱۸ق، ج ۱، ص ۲۱۵). و به عبارت دیگر باید متصف به اخلاق عملی در زندگی خود بوده و خدا را ناظر و حاضر بر اعمال و کردار خود بداند. بنابر این با اتصاف شاهد به عدالت و اصول اخلاقی، موجبات احتراز وی از ارتکاب به گناه کبیره که از مصادیق بارز آن دروغگویی و شهادت زور می باشد، فراهم خواهد شد.

### ۱-۱-۲. مروت

مروت یعنی هیات نفسانی که انسان را بر اخلاق نیکو و عادت زیبا وادار می کند (فاضل هندی، ۱۴۱۶ق، ج ۲، ص ۳۷۴). مروت یعنی پاک ساختن فرد از چیزهای زشتی که در شان مثل او نیست، مانند مسخره کردن، کشف عورت در نماز که تاکید شده بر استحباب پوشش آن و چیز خوردن در بازار و اینکه فقیه لباس نظامی بپوشد یا برعکس نظامی لباس فقیه را بپوشد (شهید اول، ۱۴۱۲ق، ج ۲، ص ۱۴۶).

مروت به عنوان شرط عدالت: اکثر فقها، مروت را شرط عدالت می دانند و قائل به کاشفیت مروت برای عدالت هستند (شیخ طوسی، بی تا، ج ۸، ص ۲۱۷؛ ابن ادریس، ۱۴۱۰ق، ج ۲، ص ۱۱۷؛ ابن حمزه، ۱۴۰۸ق، ۲۳۰؛ علامه حلی، ۱۴۱۳ق، ۷۱۸؛ شهید اول، بی تا، ج ۲، ص ۲۳۷ و ۱۴۱۲ق، ج ۲، ص ۱۲۵؛ و ۱۴۱۹ق، ص ۲۶۷؛ محقق کرکی، ۱۴۱۴ق، ج ۲، ص ۳۷۲؛ شهید ثانی، بی تا، ج ۳، ص ۱۳۰). و لذا ترک مروت را موجب زائل شدن عدالت می شمردند. و در

کتاب المدارک و الذخیره از فقهای متأخر نقل شده که مشهور علماء امامیه و اهل سنت این نظر را دارند (نراقی، ۱۴۱۹ق، ج ۱۸، ص ۱۲۰). و در تایید آن استدلال کرده اند به: ۱- اصل ۲- شهرت ۳- اینکه نفی مروت فساد عقل یا بی توجهی به دین است ۴- کسی که فاقد مروت است مورد اطمینان و وثوق نیست. ۵- عرف فرد بی مروت را عادل نمی خواند. ۶- روایت امام کاظم (ع) مبنی بر اینکه کسی که مروت ندارد دین ندارد و کسی که عقل ندارد مروت ندارد (کلینی، ۱۴۱۱ق، ج ۱، ص ۱۳ و ۱۲).

### ۱-۱-۳. اخلاق و عدالت در حقوق ایران

با توجه به تعریفی که از عدالت شاهد در قانون ایران ذکر شده حاصل می شود که عدالت و اخلاق دو بال جدا ناپذیر از یکدیگر هستند و انسان عادل همان انسان متخلق به اصل و ارزش های الهی است که در سایه آن خود را از گناه و جرم دور نگه می دارد. طبق ماده ۱۸۱ قانون مجازات اسلامی عادل کسی است که در نظر قاضی یا شخصی که بر عدالت وی گواهی می دهد، اهل معصیت نباشد. و شهادت شخصی که اشتهار به فسق داشته باشد، مرتکب گناه کبیره شود یا بر گناه صغیره اصرار داشته باشد تا احراز تغییر در اعمال او و اطمینان از صلاحیت و عدالت وی، پذیرفته نمی شود. عدالت یعنی ترک جرائم بزرگ و اصرار نوزیدن بر جرائم کوچک و رعایت مروت (جعفری لنگرودی، ۱۳۷۸ش، شماره ۵۳۲۶).

همچنین طبق ماده ۱۳۱۳ قانون مدنی شهادت اشخاص ذیل پذیرفته نمی شود:

- ۱- اشخاص ولگرد و کسانی که تکدی را شغل خود قرار دهند.
- ۲- اشخاص معروف به فساد اخلاق
- ۳- کسی که نفع شخصی در دعوی داشته باشد.
- ۴- شهادت دیوانه در حال دیوانگی.
- ۵- کسانی که عدالت شرعی آنها محرز نشده باشد. و ماده ۱۳۱۳ مکرر ق. م. و تبصره آن و ماده ۱۷۷ ق. م. ا. همگی دلالت صریح بر شرط اتصاف شاهد به عدالت و اخلاق دارند.

### ۱-۱-۴. اخلاق در حقوق مصر

در حقوق و قوانین مصر علیرغم تاکید اصل دوم قانون اساسی این کشور مبنی بر وضع قوانین بر اساس شریعت اسلام، صراحتاً به نکات اخلاقی و آموزه های دینی توجه نشده است. اصل دوم قانون اساسی مصر مقرر داشته: دین رسمی کشور اسلام، زبان رسمی آن عربی و منبع اصلی قانونگذاری شریعت اسلام است. سنهوری می گوید: آنچه در حقوق امروز مصر مهم است حصول اطمینان و یقین قاضی از امانتداری و صدق گفتار شهود می باشد بنابر این نه تنها در مسائل جزایی بلکه در امور مدنی و تجاری نیاز به تعدد و جنسیت و سن خاصی برای شهود نمی شود (السنهوری، ۲۰۰۹م، ج ۲، ص ۳۲۲). این سخن سنهوری تاییدی است که صدق و امانتداری و درستی رفتار شاهد از لوازم صحت شهادت شاهد می باشد و البته برای وجود چنین اوصافی لازم است فرد شرایط ابتدایی بلوغ و عقل را دارا باشد زیرا از مقتضیات بدیهی برای بروز رفتار به

هنجار و دور از خطا رسیدن به رشد سنی و عقلی می باشد ولی علیرغم این تاکیدات، در قوانین مصر، اشاره صریح به آنها نگردیده است.

## ۲. ارزیابی

### ۲-۱. عدالت و اخلاق

در فقه و حقوق ایران بر عدالت نفسانی و توجه به اخلاق به عنوان عنصر اساسی برای احتراز شاهد از شهادت زور تاکید گردیده است. عدالت یعنی فرد در اثر تعهد دینی بر حسب عادت، به انجام گناه تمایلی نداشته و از آن پرهیز نماید که تحقق آن نیز چندان سخت نیست (ایزدی فرد؛ کاویار؛ حسین نژاد، ۱۳۹۷ش، ص ۳۱). لذا عادل کسی است که مرتکب گناه کبیره نشده و بر صغیره نیز اصرا نوزد و دارای اخلاقی باشد که همواره خداوند را ناظر و حاضر بر اعمالش بداند. و مروت را می توان معنای دیگر اخلاق تلقی نمود که بر این اساس از شرایط اصلی عدالت در شاهد می باشد یعنی لازم است که شاهد دارای خلق نیکو و حسن باشد تا بتواند متصف به عدالت محسوب گردد و یکی از مصادیق فضایل اخلاقی صداقت و عدم دروغ و تهمت می باشد (خواجه نصیر طوسی، ۱۳۷۷ش، ص ۵۵ تا ۵۸). که خود عامل بازدارنده از شهادت زور تلقی می گردد.

### رویکردهای پسینی

وقتی رویکردهای پیشینی نتوانند نسبت به احتراز از بزه و جرم، کافی باشند نوبت به استفاده از اقدامات پسینی یعنی برخورد قهری با مجرم و به عبارتی پیشگیری عادلانه کیفری می گردد تا در سایه آن هم مجرم از تکرار جرم دست بردارد و هم عبرتی باشد برای سایر مردم که به این نوع جرائم نپردازند. شهید مطهری در همین رابطه می گوید تربیت و ایجاد دارالتادیب بی تردید لازم و ضروری است و تربیت صحیح، مسلم است که از میزان جرائم می کاهد ولی هیچیک از اینها جای دیگری را نمی گیرد نه تربیت و نظامات عادلانه جانشین کیفر و مجازات می شود و نه کیفر و مجازات جانشین تربیت صحیح و نظام اجتماعی سالم (شهید مطهری ۱۳۷۰ش، ج ۱، ص ۲۲۶). و لذا شارع مقدس نیز برای حفظ نظام بشری، به مجازات به عنوان یکی از راهکارها و رویکردها، توجه نموده و علاوه بر مجازات اخروی برای فرد بزهکار، مجازات دنیوی نیز تعیین نموده است که در این راستا برای شهادت زور نیز جرم انگاری کرده و مجازات تعیین نموده است. هر قدر که جوامع بزرگتر، مدرن تر، پیچیده تر و متنوع تر می گردند از حقوق کیفری به عنوان مکانیزم مهم کنترل استفاده می گردد (شیکر، ۱۳۹۳ش، ۱). اهداف مجازات را می توان به عینی یعنی اصلاح و تربیت مجرم و هدف ذهنی یعنی ایجاد عدالت تقسیم نمود (نوربها، ۱۳۸۶ش، ۳۵۴ و ۳۵۵). هدف از مجازات تنبه مجرم و دیگران از ارتکاب جرم است (کاتوزیان، ۱۳۸۶ش، ۱۱). بدون تردید یکی از راه های منطقی و صحیح در بروز جرم،

پیشگیری از آن است (اردبیلی، ۱۳۸۰ش، ص ۳۶). به طور کلی مجازات شهادت زور را در فقه می‌توان به مجازات اختصاصی و عمومی تقسیم کرد. مجازات اختصاصی: اگر شهادت زور موجب ایجاد خسارت شود باید از سوی شهود جبران گردد. در خسارت مالی جبران خسارت به دو شیوه برگرداندن وضع او به صورت پیشین یا جبران خسارت از راه دادن معادل است (کاتوزیان، ۱۳۸۶ش، ص ۳۵۶). و در خسارت جانی و بدنی باید قصاص شده یا در صورت مصالحه، دیه پرداخت نمایند، مجازات عمومی: که شامل تشهیر و تعزیر مجرم است.

### ۱. جرم انگاری شهادت زور

اصل در شریعت اسلام این است که مسئولیت کیفری تنها در مورد عملی مترتب می‌شود که شخص آنرا از روی عمد انجام می‌دهد که شارع آنرا حرام نموده است و دلیل آن نص آیه ۵ احزاب "و لیس علیکم جناح فیما اخطاتم به و لکن ما تعمدت قلوبکم" است (محمدی، ۱۳۹۵ش، ص ۱۲۹). ولی از آنجا که شهادت زور جرم مطلق می‌باشد چه عمدا و چه سهوا، مستوجب مجازات تلقی شده است.

**در قرآن: ۱- والذین لا یشهدون الزور و اذا مزوا باللغو مزوا کراما ( ۷۲، فرقان) و** کسانی که شهادت به ناحق ندهند و چون با ناپسندی برخورد کنند با بزرگواری بگذرند. ۲- و اجتنبوا قول الزور (۳۰، حج) و از قول ناحق دوری گزینید.

**در سنت: ۱- حدیث نبوی:** ایها الناس عدلت شهادة الزور بالشرك بالله ثم قرا فاجتنبوا الرجس من الاوثان و اجتنبوا قول الزور. رسول اکرم (ص): ای مردم شهادت به باطل هم ردیف شرک به خداوند است، سپس آیه ۳۰ سوره حج را تلاوت کردند: بپرهیزید از بت‌ها و از سخن ناروا و ناحق، دوری کنید. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴ش، ج ۱۴، ص ۹۲) ۲- امام صادق (ع): شاهد الزور لا تزول قدمه حتی تجب له النار. (کلینی ۱۴۱۱ق، ۷، ۳۸۳) شاهد زور قدم بر نمی‌دارد مگر اینکه آتش جهنم برایش واجب می‌گردد.

### ۲. مجازات شاهد زور

#### ۲-۱. در فقه امامیه

شهادت زور در کتب قضا و شهادت تحت عنوان طواری مورد توجه و بحث فقیهان امامیه قرار گرفته است و در مباحث فقه مدنی نکاح، طلاق، وصیت، معاملات، تجارت و... و مباحث فقه جزایی قصاص، حدود، دیات و تعزیرات، تحت عناوین قتل، زنا، لواط، سرقت، قذف، شرب خمر، قوادی و... و به طور کلی هرآنچه با شهود به اثبات می‌رسد چه از راه شنیدن چه دیدن، بدان پرداخته شده است.

## ۲-۱-۱. مجازات تشهیر

شهادت زور در فقه به عنوان جرم مطلق تلقی می شود، لذا شارع، در قالب مجازات های عمومی، مجازات تشهیر را که از اختصاصات مهم فقه می باشد به عنوان عامل مهم پیشگیری از جرم مزبور و به منظور عبرت جامعه از بکارگیری شاهد زور در شهادت و عدم تکرار مجرم به ارتکاب آن، پیش بینی کرده است.

**معنای تشهیر:** در لغت: مصدر باب تفعیل از ریشه شَهَرَ می باشد و لغت دانان معانی متعددی را برایش ذکر کرده اند مثل: آشکار شدن عمل (ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ص ۵۶). ظاهر کردن و نمایاندن شیء به نحو قبیح و زشت در میان مردم و به منظور آگاه شدن آنان (فراهیدی، ۱۴۲۵ق، ۳۹۹). افشا کردن و رسوا کردن بین مردم (فیومی، ۱۴۰۵ق، ۱، ۳۲۵). ذکر کردن و شناساندن (معلوف، ۱۳۸۵ش، ص ۴۰۶). و در اصطلاح: اعلان مجازات مجرم و ندا دادن به گناه او در برابر مردم، بالاخص در جرائمی که در آنها به عنوان امین مردم به مجرم اعتماد می شود، تا او را بشناسند و از او دوری نمایند. (عوده، ۱۴۱۳ق، ج ۱، ص ۷۰۴) به معنای گسترش و رواج دادن بدی و زشتی عمل کسی بین مردم. (قلعجی، ۱۴۰۵ق، ص ۱۳۰)

**مبانی تشهیر:** ۱- روایت سماعه بن مهران از امام صادق (ع)، شاهدان زور باید تازیانه زده شوند که وقت خاصی برای آن نیست و باید در شهر گردانده شوند تا او را بشناسند و دو باره مرتکب آن نشوند ... (حرعاملی، ۱۴۳۲ق، ۲۷، ۳۳۳) در بررسی سند روایت آنرا مضمهره و مخدوش عنوان کرده اند زیرا شخص مورد سوال یا گوینده سخن مشخص نیست. ولی باید گفت این مطلب اشکالی ایجاد نمی کند زیرا سماعه کتابی داشته که در ابتدای آن از امام صادق (ع) نقل کرده و سپس بقیه روایات را عطف بر آن کرده است. از این رو وقتی روایات او را به شکل پراکنده در کتاب های دیگر نقل کرده اند به صورت مضمهره در آمده است. ۲- روایت عبد اله بن سنان از امام صادق (ع): شاهدان زور باید تازیانه زده شوند که وقت خاصی هم ندارد و این امر بر عهده امام است و باید در شهر گردانده شوند تا مردم آنها را بشناسند و آیه ۴ و ۵ سوره نور را تلاوت کردند... (حرعاملی، ۱۴۳۲ق، ۲۷، ۳۳۴) ظاهرا در سند این روایت هیچ مشکلی نیست و گفته شده عبدالله از فقهای صالح و موثقی است که هرگز مورد طعن و ایراد قرار نگرفته و حتی بسیار مدح شده است. (تقرشی، ۱۴۱۸ق، ج ۳، ص ۱۱۳) ۳- روایت غیاث بن ابراهیم از امام جعفر صادق (ع) که از پدرش نقل کرده هرگاه علی (ع) شاهد زور را دستگیر می کرد، اگر غریب بود، او را به محله و شهر خودش می فرستاد، و اگر بازاری بود او را به بازار محل کسب و کارش می فرستاد و گردانده می شد و چندین روز او را زندانی می کرد و سپس آزادش می کرد. (حرعاملی، ۱۴۳۲ق، ۲۷، ۳۳۴) این روایت به لحاظ سندی موثق است (مجلسی اول، ۱۴۰۶ق، ۱۶۳: ۶؛ طباطبایی حائری، ۱۴۱۲ق، ج ۱۵، ص ۴۳۲) حتی اگر این روایت را مرسل هم بدانیم، استناد

به عمل و فتوای فقیهان بزرگ و مشهور امامیه به ویژه اصحاب اجماع، بر اساس احادیث مرسل، ضعف سندی را جبران و آنها را قابل استناد خواهد کرد، که اصطلاحاً به این وضعیت جبران ضعف سندی به شهرت عملی گفته می‌شود. (بجنوردی، ۱۳۸۹ق، ج ۳، ص ۱۲۱)

**حکم تشهیر:** یکی از چالش‌هایی که در خصوص تشهیر مطرح می‌شود ادعای عدم وجوب آن است زیرا بعضی فقها مثل شیخ مفید و ابن ادریس آن را با لفظ ینبغی یعنی سزاوار است، بیان کرده‌اند (ابن ادریس، ۱۴۱۰ق، ج ۳، ص ۵۲۹) ولی با توجه به اینکه اکثر فقها بلکه مشهور فقها قائل به وجوب تشهیر هستند و فقط دو فقیه قائل به ینبغی شده‌اند این مخالفت، خدشه‌ای به وجوب آن وارد نمی‌سازد. و اینکه آنها در مقام طرح استحباب برای تشهیر نبوده‌اند تا از لفظ ینبغی بتوان برداشت عدم وجوب کرد زیرا شیخ مفید در کنار تشهیر از وجوب تعزیر نام برده است. و ابن ادریس نیز چون تعزیر تحت اختیار حاکم می‌باشد، نخواسته که به وجوب آن برای حاکم، حکم کرده باشد. و باید گفت اگر تشهیر همانند تعزیر باشد به نظر حاکم وابسته است.

## ۲-۲. مجازات شهادت زور در حقوق ایران

**مجازات اصلی:** در حقوق ایران جرم شهادت زور جرمی تعزیری محسوب می‌شود و مجازات آن طبق صریح ماده ۶۵۰ ق.م.ا. عبارتست از جزای نقدی و حبس و طبق تبصره ماده مذکور شامل حد، قصاص یا دیه متناسب با نتیجه حاصل از ارتکاب شهادت زور می‌باشد. ماده ۶۵۰ ق.م.ا.: هرکس در دادگاه نزد مقامات رسمی شهادت دروغ بدهد به سه ماه و یک روز تا دو سال حبس و یا به یک میلیون و پانصد هزار ریال جزای نقدی محکوم خواهد شد. تبصره - مجازات مذکور در این ماده علاوه بر مجازاتی است که در باب حدود و قصاص و دیات برای شهادت دروغ ذکر گردیده است. مهم‌ترین جرم‌انگاری در حقوق کیفری ایران در زمینه مسئولیت کیفری شاهد مربوط به ادای شهادت کذب می‌باشد که در حال حاضر موضوع ماده ۶۵۰ قانون مجازات اسلامی است (ابوالحسنی، و آسیابان طاهری، ۱۳۹۲ش، ۱۲۶). جرائم دیگری که در راستای بررسی مسئولیت کیفری شاهد می‌توان نام برد موضوع مواد ۱۸۲ و ۲۰۰ قانون مجازات اسلامی در رابطه با جرم زنا و لواط است، در این جرائم شاهد اگر چه لزوماً شهادت کذب را مرتکب نشده اما به دلیل قذف موجب مجازات می‌باشد یعنی وقتی در زنا یا لواط اظهاراتی متفاوت و مختلف نسبت به یک جرم از سوی شهود ابراز گردد یا شهادت نصاب لازم را پیدا نکند شهود به حد قذف محکوم می‌شوند. از جبران خسارت، تعزیر توسط زندان یا جزای نقدی و اجرای حد (قذف یا قصاص) و پرداخت دیه می‌توان به عنوان سایر مجازات‌های شهادت زور در حقوق ایران نام برد.

**مجازات تکمیلی:** طبق ماده ۲۳ ق.م.ا. دادگاه می تواند فردی را که به حد، قصاص یا مجازات تعزیری از درجه شش تا درجه یک محکوم کرده است با رعایت شرایط مقرر در این قانون، متناسب با جرم ارتكابی و خصوصیات وی به یک یا چند مجازات از مجازاتهای تکمیلی زیر محکوم نماید: الف- اقامت اجباری در محل معین ب- منع از اقامت در محل یا محل های معین پ- منع از اشتغال به شغل حرفه یا کار معین ت- انفصال از خدمات دولتی و عمومی ث- منع از رانندگی با وسایل نقلیه موتوری و یا تصدی وسایل موتوری ج- منع از داشتن دسته چک و یا اصدار اسناد تجارتي چ- منع از حمل سلاح ح- منع از خروج اتباع ایران از کشور خ- اخراج بیگانگان از کشور د- الزام به خدمات عمومی ذ- منع از عضویت در احزاب، گروه ها و دستجات سیاسی یا اجتماعی ر- توقیف وسایل ارتكاب جرم یا رسانه یا موسسه دخیل در ارتكاب جرم ز- الزام به یادگیری حرفه شغل یا کار معین ژ- الزام به تحصیل س- انتشار حکم محکومیت قطعی.

**مجازات تبعی:** طبق ماده ۲۵ ق. م. ا. مجازاتهای تبعی محکوم عبارتست از محرومیت هفت، سه یا دو ساله از حقوق اجتماعی که طبق ماده ۲۵ ق.م.ا. نمونه ای از آنها عبارتست از عضویت در شوراهای شهر و روستا، انتخاب شدن یا عضویت در انجمن ها، شوراهای احزاب و جمعیت ها به موجب قانون یا برای مردم، عضویت در هیات های منصفه و امانا و شوراهای حل اختلاف، استخدام و یا اشتغال در کلیه دستگاههای حکومتی اعم از قوای سه گانه و سازمان ها و شرکت های وابسته به آنها، قیم و امین و متولی و ناظر و متولی موقوفات و داور.

علیرغم وجود مجازات های سه گانه یاد شده در حقوق ایران باید گفت برای مجازات شهادت زور همانند قوانین مصر، مواد متعدد و جداگانه وضع نگردیده و در قالب مجازاتهای تکمیلی و تبعی نیز صراحتاً به شهادت زور اشاره نشده است. برخلاف قوانین دیگر کشورهای اسلامی (از جمله مصر) قانون ایران توجه ویژه ای به این نوع بزه مخرب و متعارض با عدالت قضایی و کیفر ویژه مترتب بر آن یعنی تشهیر ننموده است (مرتاضی، موسوی رکنی، ساریخانی، ملک افضلی، ۱۳۹۳، ش، ۱۲۱).

## ۲-۳. مجازات در حقوق مصر

برای بررسی انواع مجازات در حقوق مصر ابتدا باید انواع جرائم را مورد شناسایی قرار داد لذا اقسام جرائم طبق ماده ۹ قانون عقوبات مصر، عبارتند از: جنایات، جنحه ها و امور خلاف.

**جنایت:** جرائمی که مرتکب آن به مجازات های اعدام، زندان ابد، زندان مشدد و زندان محکوم می شود (ماده ۱۰ قانون عقوبات مصر).

**جنحه:** جرائمی که مرتکب، به مجازات های حبس، جزای نقدی که حداکثر آن بیشتر از صد جنیه نباشد، محکوم می شود (ماده ۱۱ قانون عقوبات مصر).

**خلاف:** امور خلافی، جرائمی که مجازات مقرر برای آنها بیشتر از صد جنیه نمی باشد (ماده ۱۲ قانون عقوبات مصر).

## ۲-۳-۱. اقسام مجازات

در حقوق مصر مجازات های مختلفی متناسب با هر یک جرائم یاد شده، به شرح ذیل پیش بینی شده است:

**یک- اعدام، زندان ابد، زندان مشدد و زندان و محرومیت از حقوق و مزایای مختلف برای جرائم جنایی.** طبق ماده ۱۳ قانون عقوبات مصر- هر کس به اعدام محکوم شود به دار آویخته می شود. و بر اساس ماده ۱۴ قانون عقوبات مصر- زندان ابد و زندان مشدد عبارت از زندانی کردن محکوم علیه در یکی از زندانهایی که قانون تعیین کرده است و به کار واداشتن محکوم علیه به کارهای معینی که دادگاه تعیین می کند. اگر مجازات حبس ابد باشد، برای تمام دوران و اگر مشدد باشد، تا زمان حکم است. مدت زمان حبس مشدد از سه سال کمتر و از پانزده سال بیشتر نمی باشد مگر در موارد خاصی که در قانون پیش بینی شده باشد.

**دو- حبس و جزای نقدی که حداکثر آن بیش از صد جنیه نباشد، برای جرائم جنحه. وفق ماده ۱۶ قانون عقوبات مصر- مجازات زندان عبارت است از حبس محکوم علیه در یکی از زندان های عمومی و به کار واداشتن او در داخل یا خارج از زندان به اعمالی که در حکم دادگاه برای او تعیین شده است. این مدت نباید کمتر از سه سال و بیشتر از پانزده سال باشد مگر در شرایط خاصی که در قانون مقرر شده باشد. و طبق ماده ۱۸ قانون عقوبات مصر- مجازات حبس عبارت است از محبوس کردن محکوم علیه در یکی از زندان های مرکزی یا زندان های عمومی به میزان محکومیت وی و نباید مدت آن کمتر از بیست و چهار ساعت و بیشتر از سه سال باشد مگر در شرایط خاص که در قانون مقرر شده است. و ماده ۱۹ قانون عقوبات مصر- مجازات حبس را بر دو نوع تقسیم می کند: حبس بسیط، حبس با کار. محکوم علیه به حبس با کار که در حکم دادگاه معین شده ممکن است در خارج از زندان به کار گرفته شود.**



**سه-** جزای نقدی که بیش از صد جَنیه نباشد برای امور خلاف. ماده ۲۲ قانون عقوبات مصر مقرر می دارد: مجازات جزای نقدی عبارت است از الزام محکوم علیه به پرداخت مبلغ مقرر در حکم به خزانه دولت مقدار جزای نقدی نباید کمتر از صد قروش و در جرائم جنحه ای نباید بیشتر از پانصد جَنیه باشد و طبق ماده ۲۳ قانون عقوبات مصر: اگر کسی بازداشت موقت شود و حکم صادره او جزای نقدی باشد هر روز حبس او پنج جَنیه محاسبه و از جزای نقدی او کسر می گردد.

### ۲-۳-۲. مجازات شاهد زور

انواع مجازات شاهد زور عبارتست از جبران خسارت، جزای نقدی، زندان معمولی، زندان مشدد و اعدام.

**اعدام و حبس مشدد-** طبق ماده ۲۹۵ قانون عقوبات مصر: اگر شهادت دروغ به گونه ای بر حکم دادگاه تاثیر گذارد که موجب ضرر متهم شود، کسی که اقدام به دادن شهادت دروغ به ضرر متهم کرده است به زندان مشدد یا زندان محکوم می شود، اگر شهادت دروغ موجب صدور حکم اعدام متهم شود و حکم اعدام اجرا گردد، کسی که اقدام به دادن شهادت دروغ کرده است، محکوم به اعدام می شود. و طبق ماده ۲۳۰ قانون عقوبات: هر کس عمدا و با سبق تصمیم یا تمهید مقدمات مرتکب قتل نفس بشود به اعدام محکوم می شود.

**حبس-** طبق ماده ۲۹۴ ق.ع.م. هر کس در امور جنایی به نفع یا ضرر متهم شهادت دروغ بدهد به مجازات حبس محکوم می شود. و طبق ماده ۲۹۶ هر کس در امور جنحه یا امور خلاف به ضرر متهم شهادت دروغ بدهد یا به نفع او اقدام به شهادت کذب کند به حبس که بیشتر از دو سال نباشد، محکوم می گردد. طبق ماده ۲۹۷ هر کس در دعوی مدنی شهادت دروغ دهد به مجازات حبس که بیشتر از دو سال نباشد محکوم می شود.

**حبس ابد و جزای نقدی-** مجازات شاهد زور مرتشی می باشد. ماده ۲۹۸ اگر شاهد در ازای شهادت دروغ در امور جنایی یا مدنی وجه یا مالی گرفته یا هدیه ای دریافت یا وعده ای را قبول کرده باشد، شاهد و پرداخت کننده وجه و وعده دهنده به مجازات رشوه یا به مجازات شهادت زور اگر اشد از مجازات رشوه باشد، محکوم می گردد. مجازات رشوه طبق موضوع ماده ۱۰۳ قانون عقوبات مصر زندان ابد و جزای نقدی می باشد. ماده ۱۰۳: هر کارمند دولت که برای خود یا برای دیگری جهت انجام وظیفه ای که به عهده دارد چیزی را قبول یا اخذ کند یا وعده یا هدیه ای را قبول نماید مرتشی محسوب می شود. مجازات مرتکب زندان ابد و جزای نقدی که از هزار جنیه کمتر و بیشتر از آنچه اخذ یا مورد وعده قرار گرفته نباشد، خواهد بود.

**حبس و جزای نقدی -** مجازات شاهد زور قاذف می باشد: ماده ۳۰۲ قانون عقوبات مصر: هر کس نسبت به دیگری به وسیله یکی از طرق مذکور در ماده ۱۷۱ این قانون اموری را که در

قانون دارای مجازات است و موجب مجازات آن فرد می شود نسبت دهد یا اموری را اسناد کند که سبب تحقیر او در نزد مردم گردد اگر چه امر اسنادی حقیقت باشد، قاذف محسوب می شود. ماده ۳۰۳ قانون عقوبات مصر: مجازات جرم ارتکاب قذف، حبس است که نباید بیشتر از یک سال باشد و جزای نقدی است که نباید کمتر از دو هزار و پانصد جنیه و بیشتر از هفت هزار و پانصد جنیه باشد یا یکی از این دو مجازات خواهد بود. ماده ۳۰۸ قانون عقوبات مصر: چنانچه اهانت یا قذف یا دشنام یا نسبت دادن عیوب به کسی که به یکی از طرق و موارد مذکور در ماده ۱۷۱ این قانون ارتکاب یافته است، متضمن و باعث بی آبرویی افراد گردد یا حرمت خانوادگی دیگران را خدشه دار کند، مجازات آن در حدود مقررات مذکور در مواد ... این قانون حبس و جزای نقدی می باشد.

**مجازات تبعی محرومیت:** طبق بند سه ماده ۲۵ قانون عقوبات مصر هر کس به یک مجازات جنایی محکوم شود از : یک: انجام هر خدمت دولتی دو: استفاده از علائم و نشانه های رسمی و دولتی سه: شهادت دادن نزد محاکم در مدت مجازات چهار- اداره و سرپرستی اموال و املاک خود در مدت مجازات، محروم می شود، مگر در مواردی که دادگاه برای کسب دلیل او را احضار کند.

## نتیجه گیری

۱- شهادت، بالاتفاق در فقه امامیه و حقوق ایران و مصر یکی از ادله اثبات دعوا می باشد و شهادت زور علاوه بر فقه در دو سیستم حقوقی ایران و مصر به عنوان جرم مطلق، جرم انگاری شده است.

۲- برای سلامت شهادت از گزند آسیب ها، اقدامات و تدابیری قبل ارتکاب جرم و بعد از وقوع جرم به منظور اجتناب از وقوع و تکرار جرم قابل طرح است. که حوزه اقدامات پیشینی به اقدامات کنشی و حوزه اقدامات پسینی به اقدامات واکنشی قابل تقسیم است.

الف- حوزه پیشینی اقدامات پیشگیرانه - در حوزه پیشینی، بکارگیری شاهد عادل و متصف به اخلاق برای اداء شهادت از تدابیر مهم وصول به هدف یادشده می باشد. زیرا وجود ایمان و تقوا و اخلاق در فرد به مثابه پلیس درونی، او را از ارتکاب بزه و گناه باز می دارد. لذا بهترین اقدام پیشگیرانه را می توان بکارگیری شاهدهی که متصف به عدالت و پرهیزگاری و خداترسی و اخلاق حسنه باشد، عنوان نمود.

نقاط ضعف و قوت: در حقوق مصر هر شخص بالغ و عاقل با هر دین و آیینی و هر جنسیتی می تواند ادای شهادت نماید لذا خلاء صفت بازدارنده عدالت و عدم توجه صریح به اصول اخلاقی برای شاهد در حقوق مصر را می توان از نقاط ضعف این سیستم حقوقی نام برد. ولی در فقه و حقوق ایران عدالت و آموزه های دینی و اخلاقی برای شاهد را می توان از نقاط قوت آنها بر شمرد و به نظر می رسد با بکارگیری شاهد عادل و متخلق به اخلاق حسنه، موجبات احتراز وی از ارتکاب به گناه کبیره که از مصادیق بارز آن دروغگویی می باشد، فراهم خواهد شد.

ب- حوزه پسینی اقدامات پیشگیرانه: یک- اشتراکات سه سیستم حقوقی عبارتند از وجود مجازات های مختلف برای شاهد زور یعنی: جبران خسارت، حبس، جزای نقدی و زندان و اعدام متناسب با ایجاد جرم حاصل از شهادت زور. دو- افتراقات: شهادت زور در فقه و حقوق ایران به عنوان جرم مطلق، جرم انگاری شده و عمد و قصد در آن راه ندارد لذا در فقه مجازات عمومی شاهد زور در قالب تشهیر و تعزیر و در حقوق ایران در قالب تعزیر ذکر گردیده اگر چه در حقوق ایران ذکری از تشهیر به میان نیامده است.

نقاط قوت و ضعف- وجود مجازات تشهیر یکی از مهم ترین امتیازات فقه نسبت به حقوق ایران و مصر است. در حقوق مصر با توجه به تقسیم جرائم در سه قالب جنایت، جنحه و خلاف، مجازات های اختصاصی جزای نقدی، زندان و اعدام متناسب با هر یک از اقسام سه گانه جرائم

طی مواد هفت گانه ۲۹۴ تا ۳۰۰ قانون عقوبات که موجب تحقق متناسب سازی جرم و مجازات است را می توان از نقاط قوت حقوق مصر بر شمرد. ضعف مشترک حقوق ایران و مصر را باید عدم ذکر مجازات تشهیر نام برد. همچنین وجود تنها یک ماده قانونی (۶۵۰ ق.م.ا.) و تعیین جزای نقدی یک میلیون تا دوازده میلیون ریال که با توجه به تورم، تناسب بین جرم و مجازات را مخدوش کرده را می توان ضعف دیگر حقوق ایران یاد کرد لذا بهتر بود قانونگذار به منظور رعایت تناسب جرم و مجازات نسبت به تعیین نوع جرم و بزه و ذکر مجازات آن، همانند قانون عقوبات مصر در مواد ۲۹۴ تا ۳۰۰ اقدام می نمود زیرا با توجه به اختلاف سطح دانش و تجربه قضات در دادگاه ها، ممکن است احکامی غیر متناسب با نوع جرم حاصل از شهادت زور از سوی قضات غیر مجتهد یا کم تجربه صادر گردد.

## فهرست منابع

- ۱- قرآن کریم
- ۲- آخوندی، محمود. (۱۳۶۸ش). آیین دادرسی کیفری، تهران، سازمان چاپ و انتشارات وزارت ارشاد.
- ۳- ابن ادریس عجللی حلی، محمد. (۱۴۱۰ق). السرائر، قم، موسسه نشر اسلامی جامعه مدرسین.
- ۴- ابن حمزه، محمد بن علی. (۱۴۰۸ق). الوسيله. قم، مکتبه آیه اله مرعشی نجفی.
- ۵- ابن منظور، جمال الدین محمد بن مکرم. (۱۴۱۴ق). لسان العرب، بیروت، دار صا، چاپ سوم.
- ۶- ابوالحسنی، سلامه؛ آسیابان طاهری، محمد حسن. (۱۳۹۲ش). بررسی مسئولیت کیفری شاهد، مجله مطالعات بین المللی پلیس، شماره ۱۵.
- ۷- اردبیلی، محمد علی. (۱۳۸۰ش). حقوق جزای عمومی. تهران، نشر میزان.
- ۸- السنهوری، عبدالرزاق احمد. (۲۰۰۹ م). الوسیط، بیروت، منشورات الحلبي الحقوقیه. جلد ۲.
- ۹- انصاری، مرتضی. (۱۴۴ق). رسائل فقهیه، قم، مجمع الفکر الاسلامی، چاپ اول.
- ۱۰- \_\_\_\_\_ . (۱۳۷۴ش). مکاسب، قم، انتشارات اسماعیلیان، چاپ سوم.
- ۱۱- ایزدی فرد، علی اکبر؛ کاویار، حسین؛ حسین نژاد، سید مجتبی. (۱۳۹۷ش). عدالت نفسانی قاضی، فصلنامه دیدگاه های حقوق قضایی، شماره ۸۱.
- ۱۲- بجنوردی، سید میرزا حسن. (۱۳۸۹ق). القواعد الفقهیه، قم، دارالکتب العلمیه.
- ۱۳- بهرامی، بهرام. (۱۳۹۷ش). بایسته های ادله اثبات، تهران، نگاه بینه، چاپ هفتم.
- ۱۴- تفرشی، سید مصطفی. (۱۴۱۸ق). نقد الرجال، قم، موسسه آل البيت، چاپ اول.
- ۱۵- جعفری لنگرودی، محمد جعفر. (۱۳۷۸ش). ترمینولوژی حقوق، تهران، گنج دانش.
- ۱۶- حرعاملی، محمد بن حسن. (۱۴۳۲ق). وسائل الشیعه، قم، موسسه النشر الاسلامی.
- ۱۷- خواجه نصیر طوسی، محمد بن محمد بن حسن، (۱۳۷۷ش)، اخلاق محتشمی، تهران، دانشگاه تهران.
- ۱۸- خوانساری، سید احمد. (۱۳۵۵ش). جامع المدارک، تهران، مکتبه الصدوق.
- ۱۹- خمینی، سید روح اله. (۱۳۸۴ش). تحریر الوسيله، ترجمه علی اسلامی، قم، دفتر انتشارات اسلامی.
- ۲۰- خویی، سید ابوالقاسم. (۱۴۱۸ق). الموسوعه (اجتهاد و تقلید)، قم، موسسه الخویی، ج ۱.
- ۲۱- دارابی، شهرداد. (۱۳۹۷ش). پیشگیری از جرم در مدل مردم سالار سیاست جنایی، تهران، میزان، چاپ دوم.
- ۲۲- داد مرزی، سیدمهدی، دانش نیا، محمد. (۱۳۹۴ش). دوره حقوق تعهدات، قم، دانشگاه قم.
- ۲۳- دانش، تاج الزمان. (۱۳۹۳ش). مجرم کیست، جرم شناسی چیست، تهران، کیهان.

چاپ هشتم.

- ۲۴- زراعت، عباس. (۱۳۹۷ش). شرح مبسوط قانون مجازات اسلامی، تهران، انتشارات جنگل.
- ۲۵- شهید اول، محمد بن مکی. (بی تا). القواعد و الفوائد. قم، مکتبه المفید.
- ۲۶- \_\_\_\_\_ . (۱۴۱۲ق). الدروس. قم، موسسه النشر الاسلامی.
- ۲۷- \_\_\_\_\_ . (۱۴۱۹ق). الذکری. قم، موسسه آل البيت. چاپ اول.
- ۲۸- شهید ثانی، زین الدین بن علی. (۱۴۱۳ق). مسالك الافهام، قم، موسسه المعارف الاسلامیه.
- ۲۹- \_\_\_\_\_ . (بی تا). الروضه البهیة (اللمعه دمشقیه)، بیروت، دارالعالم الاسلامی.
- ۳۰- شهید مطهری، مرتضی، (۱۳۷۰ش). مجموعه اثار، تهران: انتشارات صدرا.
- ۳۱- شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن. (بی تا). المبسوط فی الفقه الامامیه، تهران، المرتضویه.
- ۳۲- \_\_\_\_\_ . (۱۴۰۷ق). الخلاف، قم، موسسه النشر الاسلامی.
- ۳۳- \_\_\_\_\_ . (۱۴۱۷ق). النهايه فی مجرد الفقه و الفتاوى، قم، نشر اسلامی.
- ۳۴- شیخ مفید، محمد بن محمد نعمان. (۱۴۱۰ق). المقنعه، قم، موسسه النشر الاسلامی.
- ۳۵- شیخ نیا، امیر حسین. (۱۳۷۴ش). ادله اثبات دعوی، تهران، شرکت سهامی انتشار.
- ۳۶- شیکر، دیوید. (۱۳۹۳ش). مفهوم و ماهیت مجازات، ترجمه آقای، حسین، تهران، انتشارات جنگل.
- ۳۷- طباطبایی حائری، سیدعلی. (۱۴۱۲ق). ریاض المسائل، قم، موسسه نشر اسلامی.
- ۳۸- عبدالمالک، جندی. (۱۳۴۹ق). الموسوعه الجنائیه، بیروت، دارالاحیاء لتراث العربی.
- ۳۹- علامه حلی، حسن بن یوسف بن مطهر. (۱۴۱۳ق). قواعد الاحکام، قم، موسسه النشر الاسلامی.
- ۴۰- \_\_\_\_\_ . (۱۴۱۳ق). مختلف الشیعہ الی تحصیل مسائل الشیعہ، قم، موسسه النشر الاسلامی.
- ۴۱- عوده، عبدالقادر. (۱۴۱۳ق). التشريع الجنایی الاسلامی مقارنا بالقانون الوضعی، بیروت، موسسه الرساله.
- ۴۲- فاضل هندی، محمد بن حسن. (۱۴۱۶ق). كشف اللثام و الابهام، قم، موسسه نشر اسلامی.
- ۴۳- فراهیدی، خلیل بن احمد. (۱۴۲۵ق). کتاب العين، قم، اسوه.
- ۴۴- فیض کاشانی، محمد محسن. (۱۴۱۵ق). تفسیر الصافی، تهران، مکتبه الصدر.

- ۴۵- فیومی، احمد بن حمد. (۱۴۰۵ق). المصباح المنیر، قم، دارالهجره.
- ۴۶- قلجی، محمد. (۱۴۰۵ق). معجم لغه الفقهاء، بیروت، دار النفائس و النشر، چاپ اول.
- ۴۷- کاتوزیان، ناصر. (۱۳۸۶ش). الزامهای خارج از قرارداد، تهران، دانشگاه تهران.
- ۴۸- \_\_\_\_\_ . (۱۳۶۸ش). حقوق جزای عمومی ایران، تهران، دانشگاه تهران.
- ۴۹- کلینی، محمد بن یعقوب. (۱۴۱۱ق). اصول الکافی، بیروت، دارالتعارف للمطبوعات.
- ۵۰- مجلسی اول، محمد تقی. (۱۴۰۶ق). روضه المتقن فی شرح من لا یحضر الفقیه، قم، موسسه کوشانپور.
- ۵۱- محقق ثانی (کرکی)، شیخ نورالدین علی. (۱۴۱۴ق). جامع المقاصد، قم، موسسه آل البیت.
- ۵۲- محقق حلی، ابوالقاسم جعفر بن حسن. (۱۳۶۴ش). الشرایع، ترجمه ابوالقاسم یزدی، تهران، نشر دانشگاه تهران.
- ۵۳- محمدی، حمید. (۱۳۹۵ش). مسولیت کیفری ناشی از فعل غیر در حقوق کیفری ایران و مصر، تهران، گنج دانش.
- ۵۴- مرتاضی، احمد؛ موسوی رکنی، علی اصغر؛ ساریخانی، عادل؛ ملک افضلی، محسن. (۱۳۹۳ش). بررسی معنا شناختی شهادت زور و ضرورت معرفی عمومی، فصلنامه پژوهش های فقه و حقوق اسلامی، شماره ۳۵.
- ۵۵- مظلومان، رضا. (۱۳۵۶ش). کلیات جرم شناسی، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ دوم.
- ۵۶- معلوف، لوئیس. (۱۳۸۵ش). فرهنگ جامع نوین، تهران، کتابفروشی اسلام.
- ۵۷- مکارم شیرازی، ناصر. (۱۳۷۴ش). تفسیر نمونه. تهران، دارالکتب الاسلامیه. چاپ اول.
- ۵۸- نجفی، محمد حسن. (۱۴۰۸ق). جواهر الکلام، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
- ۵۹- نجفی ابرنآبادی، علی حسین. (۱۳۸۳ش)، علوم جنایی (مجموعه مقالات)، تهران، سمت.
- ۶۰- \_\_\_\_\_ . (۱۳۷۸ش). پیشگیری از بزهکاری و پلیس محلی، مجله تحقیقات حقوقی، ش ۲۵ و ۲۶.
- ۶۱- نراقی، احمد. (۱۴۱۹ق). مستندالشیعه فی احکام الشریعه. قم، موسسه آل البیت لاحیاء التراث.
- ۶۲- نوربها، رضا. (۱۳۸۶ش). زمینه حقوق جزای عمومی، تهران، گنج دانش. چاپ بیستم.
- ۶۳- ولیدی، محمدصالح. (۱۳۸۸ش). پیشگیری از جرم در آموزه های اسلامی، مجله مطالعات پیشگیری از جرم، ش ۱۱.
- ۶۴- \_\_\_\_\_ . (۱۳۸۴ش). حقوق جزای عمومی، تهران، انتشارات سمت، چاپ نهم.





نوع مقاله: پژوهشی

صفحات ۱۳۶ - ۱۱۳

## بررسی رویکرد اخلاقی، اجتماعی نظام نیمه آزادی به استناد قانون کاهش مجازات حبس تعزیری

<sup>۱</sup> نفیسه جلالی<sup>۲</sup> ایرج گلدوزیان<sup>۳</sup> سیدرضا موسوی

### چکیده

یکی از ابزارهای سیاست جنایی نهادهایی است که راه را برای بازگشت بزهکاران به جامعه هموار می‌کند کیفر زندان هر چند فی حد ذاته فرصتی است که آمادگی لازم را برای بازگشت پدید می‌آورد و زندانی را در آستانه ورود به اجتماع از توانایی سازگاری دوباره برخوردار می‌سازد، اما نباید فراموش کرد که محیط زندان با تمام امکانات بازپروری محیطی است اصولاً توان‌گیر و انس مخصوصاً در محکومیت‌های دراز مدت بزهکار را به هنگام خروج از زندان با دشواری‌های سازگارپذیری مواجه می‌کند. همین امر باعث شد تا قانون‌گذار برای اولین بار در قانون مجازات اسلامی مصوبه ۱۳۹۲ نظامی را تحت عنوان نظام نیمه‌آزادی در ماده‌ی ۵۶ و ۵۷ تصویب نمود که این تأسیس حقوقی به نفع برخی از متهمین است که اعطای این تأسیس به متهمان منوط به احراز شرایط متعددی است. در مقاله حاضر ضمن بررسی نظام نیمه‌آزادی در قانون مصوب ۹۲ و بررسی مبانی قانونی و شرعی و مراحل اجرای آن، این نظام را در قانون کاهش مجازات حبس‌های تعزیری ۱۳۹۹ بررسی کرده و دریافته شد که این نظام که رضایت محکوم در میزان مجازات در آن شرط است نه تنها تسامحی به حال متهم است بلکه به حال جامعه و دولت مفید است زیرا با خروج متهم از زندان جامعه نیروی کار بیشتری را برای رونق و تولید داشته و از طرفی هزینه‌ی دولت در زندان‌ها کم خواهد شد و این توافق با متهم نمونه‌ی بارز قراردادی شدن عدالت کیفری در ایران است.

### واژگان کلیدی

عدالت اجتماعی، حبس، نظام نیمه‌آزادی، عدالت قراردادی.

۱. دانشجوی دکتری تخصصی، رشته حقوق کیفری و جرم‌شناسی، واحد گرگان، دانشگاه آزاد اسلامی، گرگان، ایران.

Email: Nafise.law@gmail.com

۲. استاد تمام، دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق، دانشگاه تهران و عضو هیئت علمی دانشگاه

Email: miramts@yahoo.com

۳. استادیار، گروه الهیات و معارف اسلامی، دکتری تخصصی علوم قرآنی، واحد گرگان، دانشگاه آزاد اسلامی،

Email: R3131393@gmail.com

گرگان، ایران. (نویسنده مسئول)

پذیرش نهایی: ۱۴۰۰/۹/۶

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۶/۱۰

## طرح مسأله

نظام نیمه‌آزادی در شمار جایگزین‌های حبسی است به گونه‌ای که زمینه‌ی بازپروری محکومان را طی یک فرآیند قراردادی نمودن حقوق کیفری فراهم می‌سازد. پیدایش روش نیمه-آزادی مدیون اجرای نظام تربیتی ویژه‌ای است که در اصطلاح کیفرشناسان به نظام ایرلندی یا نظام تدریجی معروف شده است. این نظام نخستین بار در سال ۱۸۲۸ میلادی به ابتکار وزیر ریاداری فرانسه هیدونو ویل درباره‌ی محکومان به زندان به کار بسته شد. سپس در سال ۱۸۴۰ به وسیله فرمانده دریایی انگلیس به نام ماکونوچی در جزیره نورفولک به اجرا درآمد و سرانجام از آنجا که نتایج سودمندی به بار آورد. در سال‌های ۱۸۵۰ به وسیله والتر کروفتون در مقیاس گسترده‌تری در ایرلند به اجرا گذاشته شد. (کوشا، شاملو، ۱۳۹۳، ۲۰۲)

به تعبیر حقوق‌دانان فرانسوی در نظام نیمه‌آزادی محکوم در طول روز و بدون نگهداری خود را در خارج از محیط زندان انجام می‌دهد و شب‌ها و روزهای تعطیل را در زندان سپری می‌کند. (پرادل، ۱۳۷۴، ۱۳۴؛ آنسل، ۱۳۸۸، ۳۱)

ایشان نظام نیمه‌آزادی را از نظام کیفرهای پایان هفته‌ای متمایز می‌کنند که در آن محکوم مجازات خود را به دفعات مستمر از جمعه شب تا صبح دوشنبه تحمل می‌کند و در روزهای کاری هفته به دنبال زندگی معمولی خود می‌رود. (آنسل، ۱۳۸۸، ۳۱)

در مکاتب مختلف جهان، بنام، مناسب‌ترین ضمانت اجرای کیفری را حبس می‌دانست و بعدها با روی کار آمدن مکتب دفاع اجتماعی و تحقیقی به نقد مجازات‌ها پرداخته شد و به دنبال تناسب‌پذیری بین جرم و مجازات و شخصیت محکوم بودند چرا که کیفر حبس از ابعاد مختلف از قبیل تحمیل هزینه‌های زیاد به جامعه و ناکامی در اصلاح و بازپروری بزهکاران و تسهیل تکرار دوباره و از همه مهم‌تر تبعات و جرایم جدید که در دوران حبس آموزش دیده است را می‌تواند نمایان کند. (امینی، ۲۰۱۳، م، ۷۵)

تحول دیدگاه‌ها نسبت به زندان به انتشار کتاب‌های متعددی پیرامون زندان‌های فرقه‌ای مذهبی اثر ژان مبیون کشیش فرانسوی در سال ۱۶۹۰ میلادی نسبت داد که با الهام از دین و بر مبنای اصول فردی‌سازی و انسان‌سازی کیفر حبس چنان تأثیری بر جا نهاد که به تعبیر پرادل فرانسوی، کلیه‌ی مقررات نوین زندان‌ها که حاوی قواعدی در زمینه‌ی انضباط، بهداشت و کار، ملاقات، مدرسانی معنوی هستند و همچنین مقررات جدید زندان که در تاریخ ۱۲ فوریه ۱۹۸۷ میلادی که مورد تصویب کمیته وزرای شورای اروپا قرار گرفت و همگی در کتاب کوچک ژان مبیون جمع‌اند. (پرادل، ۱۳۷۴، ۳۷-۳۴)

آثار مشابهی در رابطه با این موضوع به چشم می‌خورد. دکتر امیرحسین نیازپور در کتاب توافقی شدن آیین دادرسی کیفری بیشترین بحث را در خصوص قراردادی شدن بیان کردند، اما

وجه تمایز مقاله حاضر با آثار مشابه آن است که به بررسی قانون کاهش مجازات حبس‌های تعزیری مصوب ۱۳۹۹ پرداخته شده و با رویکرد اخلاقی و اجتماعی مورد بررسی قرار گرفته است. در قانون مجازات اسلامی نیز به این مقوله‌ی ارزشمند انسانی توجه نموده و به نهادهای مهمی از جمله نظام نیمه‌آزادی و آزادی مشروط توجه کرده است. وقتی در این نظام برای تعیین مجازات رضایت خود محکوم شرط اساسی و ساختاری می‌شود به این معنا است که محکوم با مقام قضایی طی توافقی به قراردادی خواهند رسید که اراده‌ی هر دو طرف دارای درجه‌ی اعتبار می‌باشد. بدین جهت در این مقاله نه تنها به دنبال چپستی و چرایی نظام نیمه‌آزادی بلکه به دنبال اثرات آن بر روی محکوم و جامعه به‌عنوان نهاد اجتماعی و شرایط و ضوابط این نظام در راستای قانون و قوانین شرعی و متفرقه پرداخته خواهد شد.

### ۱. پیشینه‌ی نظام نیمه‌آزادی

خاستگاه حقوقی نظام نیمه‌آزادی را باید در حقوق کیفری کشورهای غربی از جمله فرانسه و ایرلند جستجو کرد. (اکرمی؛ سیف‌الله‌پور، ۱۳۹۶، ۸)

اما پیشینه‌ی تأسیس نظام نیمه‌آزادی در کشور ما به آیین‌نامه اجرایی قانون مربوط به تشکیل دادگاه اطفال بزهکار مصوب ۱۳۴۷ برمی‌گردد که مقرر می‌داشت: «درمورد اطفالی که مدت توقف آن‌ها در قسمت اصلاح و تربیت و یا زندان بیش از شش‌ماه باشد، در آخرین ماه توقف چنانچه مدیر کانون، رفتار و وضع روحی و اخلاقی طفل را مناسب تشخیص دهد می‌تواند با اطلاع و پس از تأیید قاضی دادگاهی که طفل را به کانون اعزام داشته است موافقت نماید که طفل روزها در خارج نزد کارفرمای مورد اعتماد کار کرده یا در آموزشگاهی که مورد موافقت کانون باشد تحصیل نماید و شب‌ها به کانون مراجعه کند.»

مطابق تبصره این ماده «مدیر کانون در این‌باره با کارفرمای مربوط قراردادی منعقد خواهد نمود و در نحوه‌ی کار، تحصیل و حضور و غیاب اطفال به وسیله‌ی مددکاران اجتماعی یا نمایندگان که از این نظر تعیین می‌شوند نظارت خواهد داشت، در صورت نقض مقررات این ماده به وسیله‌ی طفل مراتب فوراً جهت اتخاذ تصمیم مجدد به دادگاه مربوط اعلام خواهد شد.» (اکرمی، سیف‌الله‌پور، ۱۳۹۶، ۹)

متعاقباً آیین‌نامه سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی مصوب ۱۳۵۴ در ماده (۵۱) ضمن تصریح به نظام نیمه‌آزادی این موضوع را به موارد دیگر مانند زندانیان واجد شرایط اشتغال به کار در مؤسسات صنعتی و کشاورزی خارج از زندان می‌باشند تعمیم داد.

پس از پیروزی انقلاب اسلامی در ماده (۱۱) قانون جرایم نیروهای مسلح مصوب ۱۳۸۲ نوعی محدود از نظام نیمه‌آزادی را تحت عنوان «حبس با خدمت» بیان نمود.

که این موارد تقریباً معادل همان نظام نیمه‌آزادی فرانسه بود که در قانون مجازات اسلامی

مصوب ۱۳۹۲ به صراحت نظام نیمه‌آزادی پیش‌بینی شد.

گسترش نظارت‌های تأمینی زندان‌هایی بدون دیوار، گامی به سوی کاهش مجازات‌های حبس بوده است که شروع آن در ماه می ۱۹۹۷ میلادی، دولت جدید انگلستان از حزب کارگر بود که اعلام کرد.

به موازات سیاست‌های نوین در مورد مسئله آموزش و دولت رفاه، به سازی عدالت کیفری نیز باید در اولویت دولت جدید قرار گیرد. (Savage, 1998, 111)

تونی بلر نخست وزیر وقت انگلستان راهبرد جدیدی را برای گسترش تکنیک‌های نظارتی پیشرفته و جمع‌آوری اطلاعات، از جمله نصب دوربین‌ها و تلویزیون مداربسته ارائه داد. بلر معتقد بود که به هنجار بودن جرم و این‌که جزئی از زندگی امروز ما این است اعتقاد داشت. مدیریت نوین جرم، بی‌شابهت به آموزه‌های نخستین جنبش دفاع اجتماعی و بنیان‌گذاران اتحادیه بین-المللی حقوق جزا نیست. (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۸۸، ۷۳۱)

مدیریت محوری کیفرشناسی نوین باعث گردید تا کنترل اجتماعی، تدابیری جدید در سیاست جنایی دولت فراهم آورد و کارهایی مانند روی‌آوری، سلامت، آموزش و رفاه نیز قابل رویت است و این نیز می‌تواند پیشینه‌ای برای نظام نیمه‌آزادی باشد.

## ۲. ادبیات نظام نیمه‌آزادی

در این قسمت به بیان مفاهیم و مبانی و نظام نیمه‌آزادی پرداخته خواهد شد که تحت عنوان چپستی و چرایی بیان خواهیم کرد.

### ۲-۱. نظام نیمه‌آزادی

نظام نیمه‌آزادی از جمله شیوه‌های توافقی و قراردادی است که میان محکوم و مقام قضایی طی یک گفت‌وگو در مرجع قضایی حاصل می‌شود که طی آن محکومین به حبس را در دوران حبس در خارج از محیط زندان تحت حمایت امور درمانی و خدمات نگهداری و آن‌ها برخی از فعالیت‌های مربوط به زندگی خود را در بیرون از محیط زندان انجام می‌دهند که طی آن محکوم بدون مراقبت در بیرون از زندان فعالیت‌های حرفه‌ای خود را انجام خواهد داد و در دیگر زمان‌ها مثل شب‌ها در زندان به سر می‌برد. (نیازپور، ۱۳۹۲، ۳۰۹)

این نظام به دو روش اجرا می‌شود. مجرمان گاه بدون مراقب مانند کارگران ناکرده بزه در محیط خارج از زندان اشتغال یافته فقط در هنگام استراحت و روزهای تعطیل در زندان به سر می‌برند و گاهی برای آموزش علمی و حرفه‌ای و نیز درمان اختلال‌های عصبی، روانی، شخصیتی و حتی حبسی به بیرون از محیط زندان اعزام می‌شوند. (دانش، ۱۳۷۶، ۳۹۱)

این شیوه نقش بسیار مؤثری در ثبات خانوادگی مجرم داشته و اصل فردی بودن مجازات‌ها را تضمین می‌کند و از سوی دیگر اصلاح گام‌به‌گام مجرم را در دستور کار قرار می‌دهد و در

بازپروری بزهکاران نقش مؤثری ایفا می‌کند. (بابیوردی، ۱۳۹۶، ۱۰)

## ۲-۲. چرایی نظام نیمه‌آزادی

در این مبحث به مبانی نظام نیمه‌آزادی که شامل مبانی اجتماعی و قانونی و مبانی فقهی است پرداخته خواهد شد.

### ۲-۲-۱. مبانی اجتماعی روی آوری به نظام نیمه‌آزادی

#### ۲-۲-۱-۱. معایب زندان از دیدگاه اجتماع

معایب فراوانی برای زندان از سوی حقوق دانان، قضات و مسئولین قضایی ذکر شده که به اختصار بیان می‌گردد.

امروزه اجتماعی به یکی از عناصر و کنش‌گر اصلی پیشگیری از جرم تبدیل شده است که زندان از جمله معایب اصلی اجتماعی است که به اجتماع آسیب می‌زند.

برای پیشگیری از آن گونه‌های مختلفی مانند به پلیس، شهرداری، مدارس، نهادهای مسئول در زمینه بهداشت و سلامت، واحدهای مددکاری اجتماعی و بخش خصوصی مشارکت می‌کنند.

به عنوان مثال، در کشور فیجی، اداره زندان و اصلاح درمان با هدف تغییر افکار عمومی در این خصوص از همه رسانه‌های موجود جهت انتشار این پیام که هر بزهکار باید از شانس دومی برای زندگی برخوردار گردد، استفاده می‌کند. (رازینی، ۱۳۹۲)

#### ۲-۲-۱-۱-۱. ایجاد سابقه کیفری

در کشور ما ورود به زندان معمولاً مساوی است با ایجاد پیشینه‌ی کیفری، متأسفانه در ایران سیستم درج سوابق کیفری کامل نبوده و در عمل هر کسی به هر دلیلی پای به زندان می‌گذارد، با انگشت‌نگاری از وی، نوع اتهام یا محکومیت وی، به‌عنوان سابقه کیفری برای او منظور می‌شود و هر مجرمی که به زندان نمی‌رود سابقه‌ای برای او درج نمی‌شود هر چند که جرم این فرد شدید و مثلاً از نوع حد باشد. (آشوری، ۱۳۸۱، ۴۰)

در جامعه دیدگاه اکثر مردم به فردی که حتی چند شب در زندان بوده و برائت حاصل نموده، متفاوت از سایر بزهکاران است و این امور این امر را ایجاب می‌کند که در استفاده از مجازات حبس می‌بایست محتاطانه‌تر اقدام نمود. ارتکاب جرایم و تعداد بزهکاران نیز به طور فزاینده‌ای افزایش می‌یابد. (محمدی، ۱۳۸۴، ۹۸)

ارقام رو به افزایش نشان می‌دهد که باید زندانیان را به کار گماشت تا از هزینه‌هایی که دولت برای آن‌ها در زندان می‌کند کاسته شود تا آن‌ها بخشی از هزینه‌های نگهداری را در زندان خودشان تأمین کنند و باقی‌مانده مزد به خود بزهکار داده می‌شود تا به خانواده‌اش بدهد.

(آشوری، ۱۳۸۱، ۹۳)

از طرفی کمبود فضای مناسب برای نگهداری زندانیان و امکانات کافی برای آنان مبحث مهم دیگری است که با افزایش زندانیان خطر بزرگی است. بنابراین آیا می‌توانیم بگوییم که بهترین شیوه پشتیبانی از جامعه زندان محسوب می‌شود؟ با وجود معایب زندان و تأثیرات مخرب آن در حقیقت زندان به یک آموزشگاه عالی فساد تبدیل می‌شود. (عسگری، ۱۳۸۳)

چطور می‌توان زندان را محلی برای اصلاح و تربیت دانست و از طرفی دیگر همسر و فرزندان محکوم در زندان دچار اختلالات شده و معمولاً همسران آن‌ها جدا می‌شوند و فرزندانشان با عناوین متفاوتی در جامعه مورد خطاب قرار می‌گیرند و این آثار سوء روانی و اجتماعی زندانی شدن والدین بر فرزندان تا سال‌ها همراه آن‌ها خواهد بود و بدین ترتیب که در صورت زندانی شدن پدر و طلاق مادر و ازدواج مجدد او با مرد دیگر فرزندان دارای ناپدری می‌شوند و ناپدری خود دارای تبعاتی در سرنوشت فرزندان خواهد بود. فلذا با بیان ایرادات اشاره شده به نظر می‌رسد که باید در به‌کار بردن مجازات حبس در مرحله قانون‌گذاری رسیدگی در محاکم و اجرای احکام بازنگری جدی صورت گیرد. (مظلومان، ۱۳۶۸، ۱۵۰)

بنابراین مهم‌ترین جلوه‌های مشارکت اجتماع در بازپذیری بزهکاری به شرح زیر می‌باشد:

الف) مداخله در بازپروری، درمان و بازگشت‌پذیری اجتماعی.

ب) مشارکت در برنامه‌های ترک تکرار جرم.

ج) مساعدت در ارائه خدمات حین آزادی مشروط، خدمات پسازندان و بازگشت زندانی به جامعه.

هرچند سازمان‌های داوطلب و جامعه مدنی چندان مقید به این تکلیف نمی‌باشد. البته گاهی با جامعه‌ی خطر مواجه می‌شویم. یعنی اجتماعات فقیر و فروپاشیده توأم با نرخ بالای بزهکاری و آمار بالای زندانی. در این شرایط خروج جمعیت زندانی به همین جامعه آسیب‌پذیر موجب ایجاد مشکل برای خود اجتماع و نیز زندانیان می‌گردد. البته رصد جغرافیایی حضور این دسته و محل تمرکز و تجمعشان می‌تواند ضمن کاهش تأثیر عوامل خطر، به برنامه‌ریزی برای ارائه خدمات به آنان کمک کند.

## ۲-۲-۲. مبنای قانونی روی‌آوری به نظام نیمه‌آزادی

### ۲-۲-۲-۱. جایگاه حبس و حبس‌زدایی در قوانین کیفری

مجازات حبس یکی از اولین و قدیمی‌ترین مجازات‌هایی است که در قوانین جزایی فرهنگ‌های بشری در ازای رفتارهای مجرمانه افراد تعیین می‌گردد.

با علمی شدن مجازات‌ها و ظهور مکاتب کیفری، سعی در هدفمند کردن مجازات‌ها شد تا حبس با هدف امکان اصلاح و بازپروری مجرم و امکان بازگشت به جامعه ممکن شود.

ولی حبس به علت مشکلاتی که برای مجرم و خانواده وی و جامعه ایجاد می‌کند، مطلوب نیست. (حاجی تبار فیروزجائی، ۱۳۷۸، ۸۸-۶۷)

وقتی فردی به زندان می‌رود علت قبیحی که در جامعه دارد با دیده حقارت به محکوم و خانواده وی نگریسته می‌شود. مشکلات ذکر شده باعث گردید تا کشورهای مختلف و از جمله ایران در پی حبس‌زدایی از مجازات‌ها و تعیین مجازات‌های جایگزین باشند که در قانون مجازات اسلامی ۹۲ دیده می‌شود. با نگاهی به قانون فوق می‌توانیم نهادهای مختلفی را از جمله معافیت از مجازات در ماده ۳۹ قانون مجازات اسلامی که در مورد مجازات‌های تعزیری درجه ۷ و ۸ در صورت جهات تخفیف و پیش‌بینی اصلاح مرتکب و فقدان سابقه کیفری مؤثر و گذشت شاکی قاضی می‌تواند مجرم را از مجازات معاف نماید. (گلدوست جویباری، ۱۳۹۴، ۶۲-۵۳)

از نهادهای دیگر می‌توان به تعویق صدور حکم در ماده ۴ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ اشاره نمود که در جرایم تعزیری درجه ۶ تا ۸ با وجود شرایطی صدور حکم را به تعویق می‌اندازد و در صورت رعایت کلیه تدابیر و دستورات از طرف محکوم حکم به معافیت او از کیفر پس از اتمام مدت تعویق داده خواهد شد. (مرادی، ۱۳۹۳، ۲۳۳)

از نهادهای دیگر نظام نیمه‌آزادی است که در ماده ۵۶ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ اشاره گردیده است

با بیان نمونه‌هایی از آثار حبس‌زدایی در قانون مجازات اسلامی و نمونه‌های دیگری مانند آزادی مشروط و تعلیق اجرای مجازات می‌توانیم دریابیم که قانون‌گذار به عدم کارایی زندان پی برده است و به دنبال حبس‌زدایی و کاهش آثار جرم می‌باشد.

## ۲-۲-۲. اصلاح قوانین کیفری

مهم‌ترین دلیلی که امروزه باعث تراکم جمعیت کیفری زندان در ایران شده حبس محور بودن قوانین است که برای خارج شدن از این وضعیت ابتدا در قانون مجازات اسلامی سال ۱۳۹۲ و بعد از آن در قانون مجازات حبس‌های تعزیری مصوب اردیبهشت ۱۳۹۹ به صراحت به کاهش مجازات حبس پرداخته است و بسیاری از جرایم را قابل گذشت نموده و در خصوص نظام نیمه-آزادی که سابقاً در ماده ۵۷ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ فقط در جرایم تعزیری درجه ۵ تا ۷ اعمال می‌شده اینک در جرایم تعزیری درجه ۲ و ۳ و ۴ پس از سپری شدن یک چهارم از مدت حبس و در حبس‌های تعزیری درجه ۵ تا ۷ به صورت مطلق و در حبس‌های تعزیری درجه ۲ و ۳ و ۴ پس از سپری شدن یک چهارم از مدت حبس مشروط به سپردن تأمین گذشت شاکی، رضایت محکوم و تعهد محکوم پذیرفته می‌شود که این امور در مورد این نظام نشان می‌دهد که رویکرد قانون‌گذار به سمت کاهش مجازات حبس است.

### ۲-۲-۳. مبانی فقهی روی آوری به نظام نیمه‌آزادی

رویکرد فقه نسبت به نظام نیمه‌آزادی مستلزم ایضاح موقعیت مجازات حبس در حقوق اسلامی است.

### ۲-۲-۳-۱. جایگاه حبس در حقوق کیفری اسلامی

جایگاه حبس در حقوق کیفری اسلام می‌بایست در حبس‌های حدی و تعزیری بررسی کرد.

حبس‌های حدی را می‌توانیم در خصوص سرقت حدی در زمانی که سرقت را دو مرتبه انجام داده باشد و هر بار حد بر وی جاری شده باشد و در مرتبه‌ی سوم مجازات او حبس است اشاره کرد و محکوم باید تا پایان عمر در حبس باقی بماند. (شیخ طوسی، ۱۴۰۷، ۴۳۷؛ حلبی ۱۴۰۳، ۴۱؛ طرابلسی، ۱۴۰۶، ۵۴۵؛ ابن سعید حلی، ۱۴۰۵، ۵۶۱؛ محقق حلی، ۱۴۰۸، ۴۳؛ علامه حلی، ۱۴۱۰، ۱۸۴؛ شهید اول، ۱۴۱۰، ۲۶۲)

یکی دیگر از وجوه مذکور در این امر این است که برخی در روایات این‌گونه استظهار می‌نمایند که «وَأُغْنَىٰ عَنِ النَّاسِ شَرَهُ» و «و كَفَّ عَنِ النَّاسِ» است که دلالت بر این امر دارد که از طریق محبوس نمودن سارق، جامعه از شر محفوظ است و بعد از تحقق توبه دیگر شری برای سارق متصور نمی‌باشد که ادامه‌ی حبس وی را توجیه سازد. (منتظری، ۱۴۰۹، ق، ۵۱۸)

یکی از موارد دیگر در حبس‌های حدی در مورد ارتداد است که با توبه از زندان آزاد می‌شود. (فاضل لنکرانی، ۱۴۲۲، ق، ۷۰۰)

در حبس‌های تعزیری دلالت اغلب روایات به اعتبار اقدام تأمینی جهت پیشگیری از تکرار بزه و معصیت از سوی مرتکب دانسته‌اند که ارتباطی با اجرای تعزیر ندارد و اصولاً جنبه‌ی تدابیر پیشگیرانه یا بازداشت موقت است نه مجازات و از این رو برخی جمع حبس را با مجازات حدی و تعزیری در همین نکته ندانسته‌اند که اصولاً به‌عنوان مجازات به آن نگریسته نشده است. (صافی گلپایگانی، بی‌تا، ۵۴)

با توجه به اصل حداقلی بودن استفاده از مجازات حبس، به‌عنوان ضمانت اجرای کیفری برای بزهکاران، به تبع هر نهاد مؤثر در تقلیل قلمرو اجرای مجازات یا آثار سوء آن، نه تنها با موازین اسلام مغایرتی ندارد بلکه در راستای تطابق‌دهی بیشتر با موازین مزبور تلقی خواهد شد. نظام نیمه‌آزادی نیز در همین راستا از نظر فقهی قابل توجیه است.

### ۲-۲-۳-۲. جایگاه نظام نیمه‌آزادی در حقوق کیفری اسلام

برخی از صاحب‌نظران با استناد به روایاتی که پیامبر اعظم (صلی‌الله‌علیه و آله و سلم) جهت حفظ حقوق مردم، متهمین را چند روز و یا مقداری از روز حبس می‌نمودند، آن را همان روش نیمه‌آزادی قلمداد نموده‌اند. (دانش، ۱۳۶۸، ۱۴۵) فقهای عامه نیز بر جواز حبس خانگی به



عنوان تعزیر برخی از مجرمین فتوا داده‌اند. (وزاره الاوقاف و الشؤون الاسلامیه الکویت، ۱۴۰۹ق، ۳۲۰)

چنانچه به هر دلیلی حاکم جامعه اسلامی تصمیم به حبس افراد در زندان و به دور از سایر اعضای جامعه بگیرد، بایسته است زمینه‌ی ارتباط زندانی با جامعه فراهم شود از مهم‌ترین سازوکارهای تأمین چنین هدفی اعطای آزادی محدود به زندانی جهت امور دینی، آموزشی و خانوادگی است و این را می‌توان نمونه‌ی بارز نظام نیمه‌آزادی دانست فلذا می‌توان دریافت که نظام نیمه‌آزادی ریشه‌ای عمیق در فرهنگ دینی و جامعه‌ی ما دارد که با کمی بررسی می‌توان به آن‌ها دست یافت.

فلذا همان‌طوری که اشاره شد مهم‌ترین هدف نظام نیمه‌آزادی در باب باز شدن اجتماعی شدن مجرم است که در جرم‌شناسی اسلامی به آن تأکید کرده است. در جرم‌شناسی اسلامی از مجرم با عنوان گناهکار تعبیر می‌گردد باید با بیان دیدگاه‌های مختلف در اثبات این امر پردازیم که جرم‌شناسی اسلامی به این امر تأکید دارد. بنابراین به چند دیدگاه می‌پردازیم:

**دیدگاه اول:** این است که فرد، شخصاً مرتکب این جرم (گناه) شده و ذینفع بوده، پس ضمن تحمل مجازات و کیفر، باید سعی کند مجدداً خود را در قالب نظم عمومی و اخلاق حسنه با جامعه هماهنگ کند و باز اجتماعی شود. این دیدگاه کاملاً ماتریالیستی است که فقط دید دنیوی دارد.

**دیدگاه دوم:** این است که باید در قالب‌هایی مانند مددکاری اجتماعی و کمک‌های محدود به فرد گناهکار کمک کنیم تا به زندگی برگردد. در این دیدگاه دوباره فرد محور قرار می‌گیرد. در هر دو دیدگاه فرد هنوز همان برجسب مجرم بودن را حتی بعد از تحمل کیفر و بازگشت مجدد به دامن جامعه را دارد و اینجاست که تشکیل پرونده‌ی شخصیت معنا پیدا می‌کند.

با بیان رویکردهای دیدگاه‌های اسلامی می‌توان نتیجه گرفت که علاوه بر بازگشت به جامعه مسئله برجسب‌زنی بسیار مهم است. در اسلام بزه‌پوشی بر مبنای مصلحت‌گرایی مصداق بارز دارد و اینجاست که توبه به‌عنوان راهی غیر از کیفر و مجازات و تأثیرگذار به سراغ فرد گناهکار می‌آید و او را به زندگی برمی‌گرداند و به مقامی بالاتر از دوران قبل از گناه دست می‌یابد.

نقش تعلیم اسلامی به‌معنای واقعی کلمه تجلی یافته و این دیدگاه کامل‌ترین و مؤثرترین نهاد بازگشت مجرم و گناهکار به دامن جامعه است. فلذا روش‌های غیرکیفری از نظر اسلام برای بازی اجتماعی شدن مجرم (گناهکار) مؤثرتر است. (قاسمی مقدم، ۱۳۸۸، ۲۰۷) و (موسوی فرد، محمدرضاء، ۱۳۹۷، ۱۹۷-۱۹۵)

### ۳. آثار نظام نیمه‌آزادی

#### ۳-۱. سرعت بخشی به رسیدگی‌های کیفری

رسیدگی به پرونده‌های کیفری همواره از مهم‌ترین دغدغه‌های عمیق اندیشمندان و سیاست‌گذاران جنایی بوده است. چنان‌که شماری از اندیشمندان کیفری خصوصاً سزار بکاریا کارآمدی سیاست‌ها و اقدام‌های نظام عدالت کیفری را در گرو سری به بزهکاری می‌دانستند. (بکاریا، ۱۳۸۵، ۹۵) سرعت بخشی به رسیدگی در مدت زمان معقول نه به صورت فوری و شتابزده منظور است که در تضمین حقوق طرفین دعاوی کیفری و جامعه تأثیر بسزایی دارد. نظام نیمه‌آزادی به‌عنوان راهبرد و شیوه‌ای از قراردادی شدن عدالت کیفری از بارزترین راهکارهای پاسخ‌دهی سریع به بزهکاری است که با هدف قرار دادن سرعت‌بخشی به رسیدگی کیفری درصدد افزایش کارایی دستگاه عدالت کیفری در این زمینه است. بدین سان این سازوکار مرتکبان جرم سریعاً با پاسخ‌های عدالت کیفری مواجه می‌شوند و بزه‌دیدگان نیز در مدت معقول‌تری به خواسته‌هایشان خواهند رسید. (خزایی، ۱۳۷۷، ۱۵۰)

#### ۳-۲. کاهش میزان استفاده از مجازات حبس

نظام عدالت کیفری از گذشته تا امروز از ضمانت اجرای متفاوتی استفاده نموده است که یکی از پرکاربردترین آن‌ها مجازات حبس بوده است که در برهه‌ای از زمان شدت بسیار یافته بود. (غلامی، ۱۳۸۷، ۶۳)

#### ۳-۳. کاهش هزینه‌های نظام عدالت کیفری

یکی از مهم‌ترین آثار کاربرد نظام نیمه‌آزادی کاهش هزینه‌های نظام عدالت کیفری است. چنان‌که زمانی که محکومان از حبس آزاد شده و به اجتماع برمی‌گردند نه تنها از هزینه‌ای که برای زندانیان در زندان صرف می‌شود کاهش می‌یابد بلکه نیروی کار به جامعه اضافه شده و می‌تواند موجب رشد و شکوفایی اقتصادی در جامعه شود. از طرفی معمولاً هزینه‌های مربوط به جبران زیان‌های وارده به بزه‌دیدگان و چگونگی پاسخ‌دهی به بزهکاران بر عهده‌ی نظام عدالت کیفری بوده که با به‌کار بردن نظام نیمه‌آزادی در جرایم کم‌اهمیت می‌توان جبران زیان‌های وارده را بر عهده‌ی خود بزهکار و پاسخ‌دهی را به روش‌های نوینی که از هزینه‌های کمتری برای عدالت کیفری دارند، واگذار نمود که این پاسخ‌ها می‌تواند به صورت‌های کیفری و غیرکیفری باشند. (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۸۸، ۵۱)

#### ۳-۴. افزایش دقت در رسیدگی‌های کیفری

در این روزگاری که به موازات افزایش جمعیت انسان‌ها، میزان بزهکاری نیز رو به فزونی گذاشته است. چندان‌که شماری از آمارهای جنایی بیانگر رشد شمار بزهکاری در جوامع بشری

می‌باشد، استفاده از روش‌های سنتی پاسخ‌دهی به بزهکاری سبب افزایش حجم پرونده‌ها می‌شود و در نتیجه کاهش دقت در رسیدگی‌ها ایجاد می‌شود.

با اجرای نظام نیمه‌آزادی که از شماره پرونده‌ها کاهش می‌دهد و آمار پرونده‌های قضایی را کم می‌کند، می‌توانیم افزایش دقت در رسیدگی‌های کیفری را مشاهده کنیم.

### ۳-۵. بازپروری و اصلاح متهم/ مجرم

یکی دیگر از آثار اجرای نظام نیمه‌آزادی بازگشت متهم خلاصی یافته از حبس به جامعه است و این امر موجب بازپروری و اصلاح او می‌گردد زیرا در این پاسخ‌دهی مطلوب به وی این امکان داده می‌شود که مجدداً به‌عنوان شهروندی قانون‌مدار در جامعه حضور یابد و از فعالیت‌های قانون‌مدارانه‌ای که پی می‌گیرد، برخوردار شود و از سوی دیگر منافع اجتماعی را تأمین کند و از این منظر، اصلاح بزهکار همچون کیمیایی است که وجود بزهکار را از فردی معارض هنجارهای اجتماعی، به عضوی از جامعه که هم‌نوا با الزامات زندگی اجتماعی و مقید به ارزش‌های آن است، تبدیل می‌کند. (Skinner, 1953, 93-182)

البته کمک‌های بازپرورانه دولت در این زمینه تأثیرگذار است، مثلاً سازمان‌های مردم‌نهاد می‌توانند با ارائه برنامه‌های حمایتی اثربخشی مناسبی در افراد داشته باشند که در این زمینه سطح آموزش، سن، شرایط زندگی و اشتغال بزهکار مورد توجه قرار می‌گیرد. از دیگر موارد بازپذیری کمک به بزهکاران در فرآیند بازگشت به بازار کار است که بدیهی است از عوامل موفقیت بازپذیر شدن آن‌ها می‌باشد. زیرا اشتغال صرفاً یک منبع درآمد نمی‌باشد بلکه ساختار و فرصت‌هایی را معیار می‌کند و ارتباطات اجتماعی را افزایش می‌دهد و احساس اعتماد و احترام به نفس را در بزهکاران بالا می‌برد.

معمولاً کارفرمایان از استخدام زندانیان سابق اکراه دارند. در این‌جا برچسب زندان به سایر عوامل مانند فقدان مهارت و تجربه اضافه می‌شود. بدین ترتیب اگر چه هنوز رابطه بین شغل و تکرار جرم روشن نیست اما نتایج نشان می‌دهد که آمار تکرار زندانیانی که توانسته‌اند پس از حبس یک شغل قانونی با یک پرداختی مناسب داشته باشند در مقایسه با زندانیان بدون یک موقعیت شغلی قانونمند کمتر است. (Visher, Winterfield and Coggeshall, (2005), (295-315; Voir, (2005), 7-12; Graffam, (2005), 147-171)

یکی از منابع بالقوه حمایتی برای بازپروری بزهکاران به جامعه، خانواده می‌باشد و به همین دلیل آن دسته از بزهکارانی که از حمایت خانواده برخوردارند در دستیابی به یک شغل و حفظ آن در مقایسه با دسته بدون حمایت موفق‌ترند. (برنور، ۱۳۸۸)

بازپروری بازگشت بزهکار به سمت جامعه مهم‌ترین هدف نظام نیمه‌آزادی است که به‌طور مختصر آن را شرح دادیم. (ابراهیمی، ۱۳۹۴، ۱۰۵-۱۰۴)

### ۳-۶. فردی سازی کیفرها

فردی کردن مجازات یعنی شناخت شخصیت واقعی مجرم با توجه به عوامل مختلف تأثیرگذار در ارتکاب جرم با استفاده از نظریه کارشناسان علوم مختلف و تعیین مجازات مناسب با شخصیت مرتکب به نحوی که باعث اصلاح و درمان مجرم شود و باعث بازگشت مرتکب به آغوش جامعه و خانوادهاش شود.

اجرای نظام نیمه آزادی موجب اصل فردی کردن مجازاتها و تناسب مجازات با شخصیت محکوم می شود که باید با توجه به شخصیت محکوم مجازات وی در نظر گرفته شود. زیرا فردی کردن مجازاتها همچون سایر اصول حاکم بر مجازاتها زایندهی تفکر و اندیشه ای است که به ضرورت اجرای مجازات در جامعه بشری سخت انتقاد دارد. اما این بدان معنی نیست که اصل مذکور با تمام اهداف و خصایص مجازات سازگاری داشته باشد. زیرا یکی از خصایص عمده مجازات، خصیصه ثبات و مشخص بودن آن است قانون جزا باید صریحاً نوع کیفر و مدت آن را تعیین کند این امر با اصل فردی کردن مجازاتها تطابق ندارد، چون بنا به اصل مذکور نه تنها دادرس باید انتخاب نوع و میزان کیفر را بنا به تناسب حال مجرم آزادی عمل داشته باشد بلکه باید محدود کردن کیفر را هنگام صدور دادنامه الغا نموده و سرنوشت محکوم را به اداره زندان سپرد. در حقیقت بزهکار به بیماری تشکیل شده است که برای بهبود بیماری اعزام به بیمارستان می شود ولی زمان بیرون آمدن او دقیقاً از قبل تعیین نشده و خروج او بستگی به بهبودی و شفای کامل دارد. (جعفری لنگرودی، ۱۳۶۳، ۲۰۰؛ سرکجوری، عباسی، بی تا، ۹۱)

نظام نیمه آزادی با فردی کردن مجازات کاملاً در ارتباط است به گونه ای که در مورد هر فردی باید کیفری متناسب با شخصیت و نوع جرم ارتکابیش اعمال شود و جنبه ی فردی باید اعمال گردد و این گونه عمل کردن به معنای واقعی اجرا کردن عدالت است. (صانعی، ۱۳۷۶، ۹۲)

### ۴. جایگاه نظام نیمه آزادی در حقوق کیفری ایران

در حقوق کیفری ایران نظام نیمه آزادی در مواد ۵۶ و ۵۷ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ بیان شده است. در مقام بیان جایگاه نظام نیمه آزادی می بایست به اجرا و نحوه ی اجرا و شرایط و ضوابط و ضمانت اجرای عدم رعایت تعهدات پردازیم.

#### ۴-۱. اجرای صحیح نظام نیمه آزادی

در قانون تأکید گردیده است که برای اجرای صحیح این نظام باید مراکزی در سازمان زندانها با همین عنوان تأسیس شود و امکانات مالی و انسانی و ابزارهای پیشرفته در اختیارشان قرار بگیرد و بودجه مناسب در قوانین بودجه هر سال به آنها اختصاص داده شود و در غیر این صورت مغفول خواهد ماند. (قدسی، بیگی، ۱۳۷۲، ۶)

در قانون و مقررات اجرایی سازمان زندانها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور ۱۳۷۲در

ماده ۷ از مراکز به این شکل تعبیر گردیده است که: «مراکز حرفه‌آموزی و اشتغال مکانی است که می‌تواند محصور و در پوشش خارجی دارای حفاظت مناسب یا نامحصور و بدون حفاظت مأمور انتظامی و یا در حالتی بینابین باشد که دوباره به آسایشگاه‌های خود بازگشت داده می‌شوند.» بنابراین در این نظام بزهکارانی مدتی از شبانه‌روز را در خارج از محیط زندان و بقیه مدت را در داخل آسایشگاه به سر می‌برند. فلذا به جای زندان نیمه‌باز از عنوان «مراکز حرفه‌آموزی و اشتغال» استفاده شده است. (نیازپور، ۱۳۹۲، ۳۹۱)

#### ۴-۲. اختیارات و الزامات دادگاه در اجرای نظام نیمه‌آزادی

به طور کلی دادگاه تکلیفی برای اجرای نظام نیمه‌آزادی ندارد حتی اگر همه شرایط قانونی آن فراهم باشد این نظام یک نهادی ارفاقی برای متهم و مجرم است که در راستای منافع بزهکار تاسیس گردیده و اختیاری در دید قاضی است.

#### ۴-۳. شرایط نظام نیمه‌آزادی

شرایط نظام نیمه‌آزادی در ماده ۵۶ و ۵۷ قانون مجازات اسلامی بیان گردیده است که در این قسمت به شرایط ماهوی که در قانون مجازات اسلامی قید شده و به ماهیت موضوع رسیدگی می‌نماید و شرایط شکلی موضوع که در قانون آیین دادرسی کیفری اشاره گردیده، مورد بررسی قرار خواهیم داد.

#### ۴-۳-۱. شرایط ماهوی

در شرایط ماهوی که به نظام نیمه‌آزادی مرتبط است به موضوع حکم، رضایت محکوم، تعهد دادن محکوم، جلب رضایت شاکی (محکوم له)، سپردن تأمین مناسب اشاره خواهیم نمود.

#### ۴-۳-۱-۱. موضوع حکم

نظام نیمه‌آزادی تنها در خصوص مجازات حبس قابل اعمال است و در خصوص جرایم بسیار مهم و دارای مجازات شدید اعمال نمی‌شود فرض بر این است که چنین مجرمانی خطرناک هستند.

از این رو ضمانت اجراهای دیگری مانند بازداشت بدل از جزای نقدی یا اقامت اجباری در مکان معین از مشمول نظام نیمه‌آزادی خارج است.

در خصوص انواع حبس تنها در حبس‌های تعزیری قابل اعمال است و در خصوص حبس‌های حدی که تعبدی است نمی‌توان تغییری در آن‌ها داد.

در ماده قانون مجازات اسلامی که در ماده ۱ انواع مجازات‌ها به حدود و قصاص و دیات و تعزیرات تقسیم شده است (ماده ۱ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲) که مجازات‌های تعزیری به سه دسته تقسیم می‌شوند که عبارتند از: تعزیرات منصوص شرعی و تعزیرات

غیرمنصوص شرعی و تعزیرات حکومتی. با این تقسیم‌بندی باید گفت که مجازات حبس موضوع حکم نظام نیمه‌آزادی مشمول مجازات‌های تعزیری غیرمنصوص شرعی است چراکه تعزیرات منصوص شرعی مجازات‌هایی هستند که نوع جرم و مجازات آن در فقه و شرع بیان گردیده و در ردیف حدود و قصاص و دیات قرار خواهند گرفت و تغییراتی در میزان جرایم نمی‌توانیم بدهیم بنابراین تغییر، تبدیل، تشدید و تخفیف در حدود راه ندارد.

با این شرح باید گفت که نظام نیمه‌آزادی که یک نهاد ارفاقی به حال متهم است و مجازات را به نوع دیگری تبدیل می‌کند نمی‌تواند مشمول مجازات‌های تعزیری منصوص شرعی گردد.

همان‌گونه که در ماده‌ی ۵۷ قانون مجازات اسلامی مصوب ۹۲ نظام نیمه‌آزادی را در خصوص حبس‌های تعزیری درجه ۵ تا ۷ بیان داشته بود که با تصویب قانون کاهش مجازات حبس‌های تعزیری مصوب اردیبهشت ۱۳۹۹ این درجه‌بندی دچار تردید است چرا که قانون‌گذار به این ماده‌ی ۵۷ ت مصوب ۹۲ یک تبصره اضافه نموده است که طی آن این‌گونه بیان گردید: «در حبس‌های تعزیری درجه ۲ تا درجه ۴، پس از سپری شدن یک‌چهارم و در حبس‌های تعزیری درجه ۵ تا ۷ به‌طور مطلق دادگاه صادرکننده حکم قطعی می‌تواند مشروط به گذشت شاک و سپردن تأمین مناسب و تعهد به انجام یک فعالیت شغلی، حرفه‌ای، آموزشی، حرفه‌آموزی، مشارکت در تداوم زندگی خانوادگی یا درمان اعتیاد یا بیماری که در فرآیند اصلاح یا جبران خسارت وارده بر بزه‌دیده مؤثر است، محکوم را با رضایت خود او تحت نظام نیمه‌آزادی قرار دهد. همچنین محکوم می‌تواند در طول دوره تحمل مجازات در صورت دارا بودن شرایط قانونی، صدور حکم نیمه‌آزادی را تقاضا نماید و دادگاه موظف به رسیدگی است.

**تبصره-** مقررات این ماده در مورد حبس‌های تعزیری درجه‌های ۲، ۳ و ۴، در صورت گذراندن یک چهارم مدت حبس قابل اعمال است.

با بیان متن صریح قانون‌گذار در قانون مجازات کاهش حبس‌های تعزیری مصوب ۹۹ / ۲ / ۲۳ مجلس شورای اسلامی به این نتیجه خواهیم رسید که نظام نیمه‌آزادی دیگر همانند سابق فقط در حبس‌های تعزیری درجه ۵ تا ۷ صرفاً به علت سبک بودن در این جرایم به‌کار می‌رفته است، نیست و در حبس‌های تعزیری درجه‌های ۲ و ۳ و ۴ نیز مشروط به شرایطی کاربرد دارد و رویکرد قانون‌گذار روزبه‌روز بیشتر به سمت افزایش نهادهای ارفاقی و کاهش مجازات حبس است.

در هر حال حبس موضوع نظام نیمه‌آزادی باید از جمله کیفرهای اصلی باشد فلذا در مورد حبس بدل از مجازات تکمیلی موضوع ماده ۲۴ قانون مجازات اسلامی که بر اساس قانون کاهش حبس‌های تعزیری مصوب ۹۹ / ۲ / ۲۳ در کلیه‌ی جرایم تعزیری به‌کار می‌رود، قابل

اعمال نیست.

#### ۴-۳-۱-۲. شرایط ناظر بر محکوم

برای اجرای نظام نیمه‌آزادی در حبس‌های تعزیری باید شرایطی رعایت گردد که این شرایط ناظر بر خود محکوم می‌باشند.

#### ۴-۳-۱-۳-۱. رضایت محکوم

همین ملاک در تعویق و تعلیق مراقبتی یکی از نوآوری‌های قانون‌گذار در قانون مجازات اسلامی مصوبه ۱۳۹۲ بیان واژه‌ی رضایت محکوم بوده است که برگرفته از رویکردهای جرم‌شناسانه می‌باشد. رضایت محکوم را در نظام نیمه‌آزادی و نظام الکترونیکی شرط اصلی استفاده از این نظام‌ها دانسته است و شروط ضروری می‌باشد فلذا رضایت محکوم به‌عنوان شرط ضروری در ماده ۵۷ قانون مجازات اسلامی مصوبه ۹۲ بیان گردیده است ولی این شرط ضروری را در سایر نظام‌ها مانند نظام آزادی مشروط یا تعلیق اجرای مجازات مشاهده نمی‌کنیم اگرچه آن‌ها نیز نهادهای ارفاقی هستند.

علت شرط مذکور آن است که در طی نظام نیمه‌آزادی فرآیند اجرای حکم حبس طولانی‌تر می‌شود زیرا محکوم مدتی را که در خارج از زندان به‌سر می‌برد جزء مدت محکومیتش به حساب نخواهد آمد. (الهام، برهانی، ۱۳۹۶، ۱۷۰) و به همین علت که مدت محکومیت متهم طولانی‌تر می‌شود مقنن رضایت محکوم را که نوعی پذیرش به تأخیر افتادن پایان اجرای محکومیتش می‌باشد را ضروری دانسته است. (حیدری، ۱۳۹۴، ۳۴۷)

البته به زعم بعضی از حقوق‌دانان رضایت متهم برای تضمین کارآمدی نظام نیمه‌آزادی است چه در غیر این صورت نمی‌توان از فعالیت‌های موضوع تعهد وی انتظار آثار اصلاحی را داشت و نوعی کار اجباری محسوب می‌شود لیکن به‌نظر می‌رسد و نیز دوره مراقبت به‌عنوان یکی از جایگزین‌های حبس وجود دارد، در حالی که مقنن آن‌ها را به رضایت محکوم مقید نکرده است، لذا مبنا را باید در همان طولانی شدن مدت اجرای حکم دانست. (اکرمی، ۱۳۹۳، ۱۲۲)

#### ۴-۳-۱-۳-۲. دادن تعهد به دادگاه توسط محکوم

در این نظام در راستای بازپروری بزهکار محکوم به حبس اقداماتی را در جهت تقویت حس همبستگی اجتماعی نسبت به جامعه، خانواده خویش و قربانی جرم باید انجام بدهد که از این رو محکوم باید نسبت به انجام برخی فعالیت‌های ماده‌ی ۵۷ شعر حصری هستند اقدام نماید. زمان التزام محکوم به اجرای تعهدات تا زمان اتمام مدت محکومیت به حبس خواهد بود.

**۴-۳-۱-۳-۳. سپردن تأمین مناسب**

در جایی که متهم به مجازات حبس محکوم شده و این مجازات حبس ملغی شده است و محکوم برای اقدامات مقرر در ماده ۵۷ فوراً آزاد می‌شود ولیکن به جهت تضمین اجرای دقیق حکم محکومیت اخذ تأمین مناسب از او ضروری است.

از نظر مقنن ایران گزینش و اجرای روش نیمه‌آزادی به برخورداری بزهکاری از یک سری شرایط مانند سپردن تأمین مناسب برای پیشگیری از فرار احتمالی و وجود رضایت آنان نیازمند است.

**۴-۳-۱-۳-۴. شرایط ناظر بر محکوم له**

در ماده ۵۷ قانون مجازات اسلامی گذشت شاکی از جمله شرایط مقرر در اعطای نظام نیمه‌آزادی بیان شده است و این به این معناست که این نظام در جرایم غیرقابل گذشت اعمال می‌شود،

که در این ماده دو شرط با رویکرد بزه‌دیده‌مداری برای بهره‌جستن از شیوه نیمه‌آزادی پیش‌بینی شده است، شرط نخست، گذشت شاکی - بزه‌دیده و شرط دوم مشارکت بزهکار در ترمیم خسارت‌های وارد به بزه‌دیده است. به این طریق که: احراز گذشت شاکی - بزه‌دیده و تلاش بزهکار برای جبران خسارت‌های وارد شده به بزه‌دیده برای گزینش و اجرای روش نیمه‌آزادی ضروری است.

روش نیمه‌آزادی همواره در دوره‌های مختلف نظام کیفری ایران به رسمیت شناخته شده، اما در این میان فقط در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ جنبه‌ی قراردادی شدن این شیوه مورد توجه قرار گرفته است. در حالی که در پرتو قانون مزبور و پذیرش رویکرد اعتبارسنجی به اراده بزهکار، شیوه نیمه‌آزادی به صورت یکی از جلوه‌های راهبرد قراردادی شدن شناسایی شده است. (نیاز پور، ۱۳۹۲، ۳۱۵-۳۱۴)

**۴-۳-۲. شرایط شکلی**

شرایط شکلی به معنای مقرراتی است که برای نحته اجرای نظام نیمه‌آزادی در قانون آمده است.

**۴-۳-۱-۲-۱. شکل تصمیم**

قانون‌گذار شکل خاصی را بیان نکرد و به صورت کلی آورده است: «محکوم را تحت نظام نیمه‌آزادی قرار دهد در ماده ۵۷ قانون مجازات اسلامی آمده است که محکوم می‌تواند صدور حکم را تقاضا نماید. پس دادگاه نمی‌تواند تصمیم به آزادی یا قرار بگیرد.» همین‌طور برای تصمیم‌گیری به موجب ماده ۶۹ آیین‌نامه اجرایی سازمان زندان‌ها و



اقدامات تامینی و تربیتی کشور ۱۳۸۴ بزهکاران در صورت برخورداری از شماری از شرایط - که جنبه بزه و بزهکارمدار دارند - می‌توانند مشمول شیوه نظام نیمه‌آزادی شوند. در این ماده بر اساس این ماده سن و جنس، وضعیت جسمی و روانی، چگونگی شخصیت و پیشینه بزهکاران از بارزترین شرایط فردی‌اند که پس از ارزیابی آن‌ها در خصوص استفاده از این روش تصمیم‌گیری می‌شود. علاوه بر این، میزان تحصیلات و تخصص بزهکاران نیز از مهم‌ترین شرایط محیطی هستند که بررسی آن‌ها می‌تواند در چگونگی بهره‌جستن از این روش نقش‌آفرین باشد. (صفاری، ۱۳۸۷، ص ۱۵۷) بنابراین تدوین‌کنندگان آیین‌نامه مذکور با پیش‌بینی شرایط یاد شده بستری مناسب برای سنجش جنبه‌های مختلف شخصیت بزهکاران و چگونگی رفتار آنان در آینده را فراهم نموده‌اند تا به این وسیله مجرمان شایسته تشویق کیفری به شکل دقیق‌تری شناسایی شوند و تصمیم‌گیری به شکل صحیح‌تری اتفاق خواهد افتاد. (نیازپور، ۱۳۹۲، ص ۳۱۱)

#### ۴-۳-۲-۱-۱. مرجع تصمیم

مرجع تصمیم دادگاه صادرکننده حکم قطعی است و تصریحی در قانون بر لزوم حضوری بودن دیده نمی‌شود.

در زمینه‌ی قوانین شکلی توجه به بخشی از قانون جدید آیین دادرسی کیفری الزامی است. مواد ۵۵۱، ۵۵۸ این قانون «اجرای قرار تعلیق اجرای مجازات، آزادی مشروط، قرار تعویق صدور حکم، نظام نیمه‌آزادی و آزادی تحت نظارت سامانه‌های الکترونیکی» اختصاص پیدا کرده است. در ماده ۵۵۳ این‌گونه آمده است که «در جرایم مشمول نظام نیمه‌آزادی و آزادی تحت نظارت سامانه‌های الکترونیکی، قاضی اجرای احکام کیفری می‌تواند پس از وصول گزارش شورای طبقه‌بندی زندان و نظریه مددکاران اجتماعی معاونت اجرای احکام کیفری، مبنی بر آن که اجرای یک فعالیت شغلی یا حرفه‌ای، آموزشی، حرفه‌آموزی، مشارکت در تداوم زندگی خانوادگی و یا درمان پزشکی، از سوی محکوم‌علیه در خارج از محیط زندان، در فرآیند اصلاح وی یا جبران ضرر و زیان بزه‌دیده مؤثر است، به دادگاه صادرکننده حکم، پیشنهاد اجرای نظام نیمه‌آزادی و آزادی تحت نظارت سامانه‌های الکترونیکی را طبق مقررات راجع به دادرسی الکترونیکی دهد و مطابق تصمیم این دادگاه اقدام کند. (ابوالحسنی، غائمی، بی‌تا، ۸)

در مواد ۲۱۷ و ۲۴۷ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۹۲ پیش‌بینی شده است که صدور قرار برای اتهامات متعدد متهم قرار تأمین واحد صادر می‌شود مگر آن که رسیدگی به جرایم ارتكابی در صلاحیت ذاتی دادگاه‌های مختلف باشند که در این صورت برای اتهامات موضوع صلاحیت هر دادگاه، قرار تأمین متناسب و مستقل صادر می‌شود.

فلذا در خصوص نهاد اعطا کننده مرجع تصمیم در ماده ۶۶ آیین‌نامه نهاد اعطا کننده روش نیمه‌آزادی نسبت به مجرمان شورای طبقه‌بندی زندانیان است. این شورا به‌موجب بندهای الف و

ب این ماده در خصوص «تعیین و تقسیم محل استقرار محکومان و متهمان» و «اشتغال یا عدم اشتغال به کار محکومان در مراکز اشتغال داخل و خارج از مؤسسه یا زندان» تصمیم‌گیری می‌کند. اعضای شورای طبقه‌بندی که مطابق ماده ۶۵ این آیین نامه عبارتند از: «قاضی ناظر زندان، رئیس زندان یا مرکز مربوط، مسئولان واحدهای قضایی، بازپروری، انتظامی، رئیس اندرزگاه مربوط، یک نفر روان‌شناس و یک نفر مددکار اجتماعی پس از احراز شرایط لازم در راستای اعطای این روش گام برمی‌دارند. مطابق مواد پیش فقط شورای مذکور پس از احراز شرایط لازم در این خصوص تصمیم‌گیری نموده و دیگر نیازی به جلب رضایت بزه کار نمی‌باشد و طبیعتاً نبود رضایت بزه‌کار سیاست‌های اتخاذ شده را دست‌کم با چالش‌های حقوق بشری مواجه می‌سازد. زیرا به کار گماردن افراد بدون توجه به نظر آنان جنبه بیگاری پیدا کرده و دستگاه عدالت کیفری را به عنوان ناقض ارزش‌های بنیادین حقوق بشر معرفی می‌نماید.

به همین جهت در برخی از اسناد بین‌المللی الزام‌آور از جمله بند ۳ ماده ۸ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی ۱۹۶۶ بر ممنوعیت کار اجباری حتی در قالب اجرای کیفر اشاره شده است. (نیازپور، ۱۳۹۲، ۳۱۳)

به این ترتیب تحمیل کار بر بزه‌کاران بر اساس آموزه‌های حقوق بشری ممنوع بوده و استفاده از این روش تنها همراه با رضایت مجرمان امکان‌پذیر می‌باشد.

بنابراین قراردادی پنداشتن نظام نیمه‌آزادی را با توجه به آیین‌نامه فوق که رضایت محکوم ارزشی ندارد و مهم نیست دچار تردید قرار داده‌اند چرا که اعطای این نظام را تنها به نظر شورای طبقه‌بندی سپرده است و تصمیم شورا به صورت یک‌سویه بر بزه‌کاران تحمیل می‌گردد. در نتیجه این سیاست با ماهیت راهبرد قراردادی شدن عدالت کیفری فاصله داشته و اکنون نمی‌توان آن را شیوه‌ای قراردادی پنداشت. تردید در قراردادی دانستن این شیوه آن‌گاه تقویت می‌شود که تدوین‌کنندگان این آیین‌نامه هنگام برشمردن شرایط اعزام بزه‌کاران به مراکز حرفه‌آموزی و اشتغال، رضایت آنان برای اتخاذ این تصمیم را نادیده انگاشته‌اند. فلذا بهتر است نسبت به رضایت بزه‌کار در این نظام دقت نظر گردد. (نیازپور، ۱۳۹۲، ۳۱۴)

##### ۵- ابهام‌ها در نظام نیمه‌آزادی

در قانون آمده است که اجرای فعالیت‌های موضوع تعهد، زیر نظر مراکز نیمه‌آزادی صورت می‌گیرد در حالی که این مراکز، سابقه‌ای در نظام حقوقی ایران ندارند و اصولاً سازمان این مرکز و نحوه فعالیت آن باید در قالب آیین‌نامه، پیش‌بینی شود.

## نتیجه‌گیری

با توجه به بررسی نظام نیمه‌آزادی در جنبه‌های مختلف اخلاقی، اجتماعی و به‌ویژه قانون کاهش مجازات حبس تعزیری مصوب ۱۳۹۹ دریافت شد که در این نظام با رویکردی ارفاقی نسبت به بزهکار اقدام کرد و سعی در تسامح و تساهل دارد تا بزهکار تا جایی که امکان دارد به زندان نرود. این امر در قانون کاهش حبس تعزیری پررنگ‌تر شده است به گونه‌ای که دایره‌ی جرایم تعزیری قابل گذشت را بیشتر کرده است و جرایم بیشتری را شامل می‌شود.

وقتی رویکرد قانون‌گذاران به سمت‌وسویی می‌رود که از تعداد زندانیان کاسته شود و افراد کمتری به زندان بروند، می‌توان نتیجه گرفت که بُعد اخلاقی و اجتماعی این قضیه بسیار پررنگ است و بازپروری و اصلاح بزهکار دارای اهمیت و الویت است.

بنابراین به نتایج حاصل از مقاله به‌صورت موردی اشاره خواهد شد:

۱. بازپروری یا باز اجتماعی کردن بزهکار اولین هدف و مهم‌ترین وظیفه دستگاه عدالت کیفری است که مجرم با پذیرفتن اشتباه خود و ابراز ندامت از کار خود سرعت رسیدن به این هدف را بیشتر می‌نماید.

نیمه‌آزادی می‌تواند شیوه‌های مناسب و علمی در پیشگیری از تکرار جرم و اصلاح و بازپروری مجرمین یاری نماید.

۲. تکرار جرم به عنوان معیار منحصر به فرد ارزیابی موفقیت یا عدم موفقیت نظام کیفری است.

قبول مجرمیت به‌عنوان نشانه اصلاح و بازپروری مجرم و عدم تکرار جرم نشانه موفقیت نظام عدالت کیفری در شیوه پاسخ‌دهی به این‌گونه مجرمین است.

۳. نظام نیمه‌آزادی در مرحله پیش‌دادرسی موجب قضا‌دایی و در نتیجه کاهش جمعیت کیفری کشور به‌خصوص جمعیت زندان‌ها و هزینه‌های ناشی از آن می‌گردد. علاوه بر این، موجب سرعت در رسیدگی، کاهش حجم پرونده‌ها و در نتیجه افزایش دقت در رسیدگی‌های کیفری می‌گردد. همچنین در مرحله پس‌ادارسی نیز موجب توقف دعوای کیفری و جلوگیری از چرخه طولانی دادرسی و هزینه‌های ناشی از آن صرف منابع محدود جامعه در دیگر بخش‌های مورد نیاز از جمله سلامت می‌گردد.

۴. نظام نیمه‌آزادی علاوه بر آگاهی‌بخشی به مردم (متهم/ مجرم) در خصوص حقوق و کرامت انسانی به‌هنگام رویارویی با مقام قضایی، در تحقق دادرسی عادلانه که از اراده و خواست هر دو طرف نشأت گرفته نیز تأثیر بسزایی دارد.

۵. نظام نیمه‌آزادی در جرایم تعزیری به‌کار می‌رود و در جرایم حدی و قصاص و دیات و تعزیرات منصوص شرعی اعمال نمی‌شود. بنابراین این نظام در جرایم خطرناک و پر اهمیت به

کار نمی‌رود.

۶. نظام نیمه‌آزادی در جرایم غیر قابل‌گذشت و تعزیری اعمال می‌گردد. بنابراین در جرایم قابل‌گذشت اعمال نخواهد شد، چرا که به محض گذشت شاکی در جرایم قابل‌گذشت موقوفی تعقیب صادر می‌گردد.

۷. در فقه اسلامی استفاده از مجازات حبس به‌عنوان ضمانت اجرای کیفری به‌ندرت در نصوص مورد پذیرش قرار گرفته است. از این‌رو، نظام نیمه‌آزادی همانند دیگر نهادهای جایگزین‌های حبس که بتواند به تقلیل قلمرو اجرای این مجازات یا آثار سوء آن بینجامد، نه تنها با موازین اسلامی مغایرتی ندارد بلکه گامی مؤثر در انطباق بیشتر نظام کیفری با حقوق اسلامی خواهد بود.

۸. در نظام نیمه‌آزادی رضایت محکوم شرط ضروری اعطای این نظام است و این امر برگرفته از رویکردهای جرم‌شناسان است.

### پیشنهادها

۱. فرهنگ سازی کردن نظام نیمه‌آزادی در راستای کاهش مجازات حبس و افزایش بازپروری و اصلاح مجرمین.

۲. نظام نیمه‌آزادی نوعی تخفیف است بنابراین مجرمان خاصی از این جرایم استفاده می‌کنند. مناسب‌تر بود که شرایط خاصی را برای برخورداری از این تخفیف برقرار می‌ساختند مانند این‌که محکوم‌علیه فاقد سابقه محکومیت کیفری باشد و رضایت وی نیز اخذ گردد.

۳. ضمانت اجرای خاصی برای تخلف از تعزیر محکوم‌علیه پیش بینی نشده است بهتر است در اصلاحیه قانون این امر لحاظ گردد.

۴. به دست‌اندرکاران عدالت کیفری آموزش کافی در جهت قوانین جدید داده شود تا بتوانند با تخصص و آگاهی کافی به برگزاری عدالت پرداخته و قوانین نو با شکست مواجه نشود.

۵. موافقت متهم در نظام نیمه‌آزادی شرط ضروری اعطای این نظام است و برگرفته از اصل فردی کردن مجازات‌ها است. بهتر است تا موافقت متهم را در صدور قرار ترک تعقیب دعوای کیفری پیش‌بینی نمایند.

۶. با توجه به قراردادی شدن عدالت کیفری در نظام نیمه‌آزادی و در جاهای دیگر قانون مانند نظام الکترونیکی یا در خدمات عمومی رایگان یا در قراردادهای تأمین لازم است ماده‌ای را به قراردادی شدن عدالت کیفری ایران در قانون مجازات اسلامی اختصاص دهند و منسجم‌تر باشد.

۷. شناخت و ترویج انواع پاسخ‌ها چه کنشی و چه واکنشی به مردم و مجرمان زیرا شمع فروغ آگاهی موجب پر نور شدن عدالت است.

## فهرست منابع

### منابع فارسی

- ۱- ابراهیمی، شهرام، (۱۳۹۴)، پیشگیری از تکرار جرم در پرتو بازپذیرسازی اجتماعی بزهکاران، نشر میزان، صص ۱۰۵-۱۰۴.
- ۲- ابوالحسنی، سلامه، غامی، علی، (بی‌تا)، آسیب‌شناسی حقوقی نظام نیمه‌آزادی در قانون جدید مجازات اسلامی ۹۲، نخستین کنفرانس ملی علوم انسانی و توسعه، ص ۸.
- ۳- اکرمی، روح‌الله، سیف‌الله‌پور، فرزانه، (پاییز ۱۳۹۶)، تحلیلی در نظام نیمه‌آزادی در حقوق کیفری ایران و فرانسه با رویکردی به مبانی فقهی آن، فصلنامه پژوهش تحقیق تطبیقی حقوق اسلام و غرب، سال چهارم، شماره سوم، ص ۸.
- ۴- اکرمی، روح‌الله، (۱۳۹۳)، جزوه حقوق جزای عمومی ۳، دوره فقه القضاة مدرسه علمیه حضرت ولی عصر (عجل‌الله تعالی فرجه الشریف) زیر نظر ریاست قوه قضاییه، ص ۱۲۲.
- ۵- الهام، غلامحسین و برهانی، محسن، (۱۳۹۶)، درآمدی بر حقوق جزای عمومی: واکنش در برابر جرم، تهران، نشر میزان، چ ۳، ص ۱۷۰.
- ۶- امینی، محمد، (۲۰۱۳ م)، سوداگری با تاریخ، جلد ۱، چاپ نخست، نشر: شرکت کتاب، ص ۷۵.
- ۷- آشوری، محمد، (۱۳۸۱)، آیین دادرسی کیفری، نشر سمت، جلد اول، چاپ هفتم، ص ۴۰.
- ۸- آنسل، مارک، (۱۳۸۸)، از زندان تا کیفرزدایی، ترجمه محمد اشوری، دادنامه، ش ۲.
- ۹- بایوردی، اردوان، (۱۳۹۶)، نظام نیمه‌آزادی حقوق کیفری ایران، نشر قانون یار، ص ۱۰.
- ۱۰- برنور، معصومه، (۱۳۸۸)، تدابیر حمایتی بعد از خروج از زندان در حقوق کیفری ایران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه قم.
- ۱۱- بکاریا، سزار، (۱۳۸۵)، رساله جرایم و مجازات‌ها، ترجمه محمدعلی اردبیلی، نشر میزان، چاپ پنجم، ص ۹۵.
- ۱۲- پرادل، ژان، (۱۳۷۴)، تاریخ اندیشه‌های کیفری، تهران، ترجمه علی‌حسین نجفی ابرندآبادی، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، چ ۱.
- ۱۳- جعفری لنگرودی، محمدجعفر، (۱۳۶۳)، ترمینولوژی حقوق، تهران، گنج دانش، ص ۲۰۰.
- ۱۴- سرکجوری، عاطفه، مصطفی، عباسی، (بی‌تا)، بررسی عملکرد نظام نیمه‌آزادی و آزادی مشروط در نحوه بازپروری مجرم، مقاله کنفرانس، ص ۹۱.
- ۱۵- حاجی تبارفیروزجائی، حسین، (۱۳۷۸)، جایگاه جایگزین‌های حبس در نظام عدالت کیفری ایران (حال و آینده)، مجله حقوقی دادگستری، شماره ۶۴، صص ۸۸-۶۷.
- ۱۶- حلبی، ابوالصلاح تقی‌الدین، (۱۴۰۳ق)، الکافی فی الفقه، اصفهان، جلد ۱. مکتبه الامام

امیرالمؤمنین علیه السلام.

- ۱۷- حلی (علامه)، حسن بن یوسف، (۱۴۱۰ق)، ارشادالأذهان الی احکام الایمان، قم، مؤسسه النشر الاسلامی، جلد ۲، چاپ ۱.
- ۱۸- حلی (محقق)، نجم‌الدین جعفر بن حسن، (۱۴۰۸ق)، شرایع الاسلام فی مسائل الحلال و الحرام، قم، نشر اسماعیلیان، جلد ۴، چاپ ۲.
- ۱۹- حیدری، علی‌مراد، (۱۳۹۴)، حقوق جزای عمومی: بررسی فقهی حقوقی واکنش علیه جرم، تهران، سمت، ج ۱، ص ۳۴۷.
- ۲۰- خزایی، منوچهر، (۱۳۷۷)، بررسی نظری و عملی تسریع آیین دادرسی کیفری، مجموعه مقالات، کتابخانه گنج دانش، چاپ نخست، ص ۱۵۰.
- ۲۱- دانش، تاج‌زمان، (۱۳۷۶)، حقوق زندانیان و علم زندان‌ها، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ سوم، ص ۳۹۱.
- ۲۲- رازینی، محمدمهدی، (۱۳۹۲)، بررسی جرم‌شناختی رویکرد پلیس ایران به امنیت شهری (با مطالعه رویکرد پلیس انگلستان)، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه امام صادق(ع).
- ۲۳- صافی گلپایگانی، لطف‌الله، بی‌تا، التعزیر: احکامه و حدوده، قم، نشر مؤلف، ص ۵۴.
- ۲۴- صفاری، علی، (۱۳۸۷)، کیفرشناسی (تحولات، مبانی و اجرای کیفر سالب آزادی)، چاپ چهارم، نشر جنگل، ص ۱۵۷.
- ۲۵- صناعی، پرویز، (۱۳۷۶)، حقوق جزای عمومی، چاپ هفتم، جلد ۲، تهران، گنج دانش، ص ۹۲.
- ۲۶- طوسی، محمدبن حسن، (۱۴۰۷ق)، تهذیب الاحکام، تهران، دارالکتب الاسلامیه، جلد ۶ و ۱۰، چاپ ۴.
- ۲۷- عسگری، علی، (۱۳۸۳)، تأثیرات محیط زندان بر افسردگی زندانیان، نشریه اداره کل زندان‌های استان مرکزی.
- ۲۸- غلامی، حسین، (۱۳۸۷)، تکرار جرم (بررسی حقوقی - جرم‌شناختی)، نشر میزان، چاپ دوم، ص ۶۳.
- ۲۹- فاضل لنگرانی، محمد، (۱۴۲۲ق)، تفصیل الشریعه فی شرح تحریرالوسیله: کتاب الحدود، قم، مرکز فقه الاثمه الاطهار علیهم السلام، چاپ ۱، ص ۷۰۰.
- ۳۰- قاسمی مقدم، ناصر، (۱۳۸۸)، اقدامات تأمینی در حقوق کیفری ایران، چاپ پنجم، سال چهارم، تهران، نشر میزان، ص ۲۰۷.
- ۳۱- قدسی، ابراهیم، حمزه، بیگی، (۱۳۷۲)، نظام نیمه‌آزادی در قانون جدید، کنفرانس بین‌المللی نقش مدیریت انقلاب اسلامی در هندسه قدرت نظام جهانی، ص ۶.

- ۳۲- کوشا، جعفر، باقر، شاملو، (۱۳۹۳)، نوآوری‌های قانون جزای جدید فرانسه، نشر میزان، چاپ ۱، ص ۲۰۲.
- ۳۳- گلدوست جویباری، (۱۳۹۴)، آیین دادرسی کیفری، انتشارات جنگل، تهران، صص ۶۲-۵۳.
- ۳۴- محمدی، داوود، (۱۳۸۴)، مجازات‌های جایگزین، نشر عود، چاپ اول، تهران، ص ۹۸.
- ۳۵- مرادی، فرزانه، (۱۳۹۳)، توافق با متهم در پرتو نهاد دادوستد اتهامی با تأکید بر نظام حقوقی ایران، نشر مجد، ص ۲۳۳.
- ۳۶- مظلومان، رضا، (۱۳۶۸)، جامعه، جرم، مجازات، هدف، نو و خصایص کیفرها، نشر دانشگاه تهران، ص ۱۵۰.
- ۳۷- منتظری، حسین علی، (۱۴۰۹ق)، دراسات فی ولایه الفقیه و فقه الدوله الاسلامیه، قم، نشر تفکر، جلد ۲، چاپ ۲، ص ۵۱۸.
- ۳۸- موسوی فرد، سید محمدرضا، (۱۳۹۷)، جرم‌شناسی اسلامی گرایش نوین حقوق کیفری ایران و جهان اسلام، جلد اول، نشر مجد، صص ۱۹۷-۱۹۵.
- ۳۹- نجفی ابرنآبادی، علی حسین، (۱۳۸۸)، حقوق کیفری اقتصادی (تعزیرات)، دوره کارشناسی ارشد حقوق اقتصادی، دانشکده حقوق، دانشگاه شهید بهشتی، ص ۵۱.
- ۴۰- نیازپور، امیرحسین، (۱۳۹۲)، توافقی شدن آیین دادرسی کیفری، نشر میزان، ص ۳۰۹.
- ۴۱- وزارت الاوقاف و الشؤون الاسلامیه الکویت، (۱۴۰۹ق)، الموسوعه الفقهيّه، کویت، جلد ۱۶، چاپ ۲، ص ۳۲۰.

#### منابع انگلیسی

- 42- C.A.Visher, L. Winterfield and M.B. Coggeshall, (2005), "Ex-Offender) employment Programs and Recidivism: A Metaanalysis", Journal of Experimental Criminology, Vol 1, No.3, pp.295-315; VoiR, A, (2005), "Improving the employment Rates of Ex-Prisoners under Parole", Federal Probation, Vol.69, No.1, pp. 7-12; Graffamet , A, (2005), "Variables Affecting Successful Retintegration, Vol. 40, No.1, et 2 pp.147-171.
- 43- Skinner, B.F., (1953), Science and Human Behavior, New York, Macmillan, pp. 93-182.
- 44- P. Savage, Stephan, (1998), The Politics of Criminal Justice Policy, in Law, Power, and Justice in England and Wales, Edited by Lank. Mckenzie, Group, p. 111.





نوع مقاله: پژوهشی

صفحات ۱۵۸ - ۱۳۷

## جلوه های ظهور جرم انگاری امنیت مدار در جرائم علیه امنیت در حقوق کیفری ایران

حسین رضائی تودشکی<sup>۱</sup>سید محمود مجیدی<sup>۲</sup>محمدجواد باقی زاده<sup>۳</sup>

### چکیده

امنیت گرایی یکی از برساخت های ناروایی است که بر پیکره ی سیاست جنایی تحمیل می گردد و به معنای روند انحرافی در تشکیل یک فرایند پاسخ دهی به پدیده ی مجرمانه است. امنیت گرایی سیاست جنایی می تواند معیاری برای تمیز یک سیاست جنایی کارآمد و مطلوب از یک سیاست جنایی ناکارآمد و نامطلوب باشد؛ در نتیجه سیاست جنایی هر جامعه می بایست برای جرم انگاری و خلاف قاعده دانستن اعمال و اقدامات افراد که تا پیش از این مباح تلقی می شدند، توجیه مناسب ارائه دهد. مقاله حاضر به روش توصیفی - تحلیلی تدوین شده است. در این مقاله سعی شده است به این پرسش مهمترین مختصات جرم انگاری امنیت مدار در حقوق کیفری ایران کدام است؟ پاسخ مناسب داده شود. بنظر می رسد مهمترین مختصات جرم انگاری امنیت مدار در حقوق کیفری ایران شامل جرم انگاری اندیشه مجرمانه، جرم انگاری اعمال مقدماتی، ابهام سازی تقنینی و جرم انگاری های نوین نیز می باشند. هدف از مقاله حاضر تشریح جلوه های گرایش به جرم انگاری تهاجمی در حقوق کیفری ایران می باشد.

### واژگان کلیدی

جرم انگاری، حقوق کیفری، امنیت مدار، جرایم علیه امنیت.

۱. دانشجوی دکتری، حقوق جزا و جرم شناسی، واحد دامغان، دانشگاه آزاد اسلامی، دامغان، ایران.

Email: rezaiee.hossein@yahoo.com

۲. عضو هیات علمی و استادیار، واحد دامغان، دانشگاه آزاد اسلامی، دامغان، ایران. (نویسنده مسئول)

Email: majidi@du.ac.ir

۳. عضو هیات علمی و استادیار، واحد دامغان، دانشگاه آزاد اسلامی، دامغان، ایران.

Email: baqizadeh@gmail.com

پذیرش نهایی: ۱۴۰۱/۱/۱۷

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۰/۲۰

## طرح مسأله

حقوق کیفری به منظور حمایت از ارزشهای اساسی اعمال مجرمانه را معین می‌کند. در این راستا گاهی قانونگذار در چارچوب منطقی و با در نظر گرفتن ارزشهای مورد قبول جامعه به جرم انگاری اقدام می‌کند. اما همواره این چنین نیست چرا که بعضاً اعمالی جرم انگاری می‌شوند که در جامعه مباح تلقی می‌شوند. در این حالت با جرم انگاری حداکثری یا امنیت مدار روبرو هستیم. یکی از جلوه‌های مهم جرم انگاری امنیت مدار در حوزه جرائم علیه امنیت است به گونه‌ای که جرم انگاری حداکثری به روشنی در آن آشکار است. از آنجا که نوع و شیوه قانون گذاری می‌تواند دامنه مداخله حقوق کیفری به بهانه حفظ نظم و امنیت عمومی را توسعه دهد، از اینرو چنین شیوه‌ای زمینه را برای محدود کردن حقوق شهروندی و آزادی‌های مشروع افراد فراهم می‌سازد.

هدف اصلی از ارائه مقاله حاضر ترسیم جلوه‌های امنیتی شدن جرائم امنیت مدار در حقوق کیفری ایران است. شیوه نگارش توصیفی تحلیلی می‌باشد. سئوالاتی که در اینجا مطرح می‌شوند عبارتند از: مهمترین مختصات جرم انگاری امنیت مدار در حقوق کیفری ایران کدام است؟ ۲- سیاست کیفری ایران از کدام تکنیک‌های ناظر بر جرم انگاری امنیت مدار غفلت کرده است؟ بنظر می‌رسد؛ ۱- مهمترین مختصات جرم انگاری امنیت مدار در حقوق کیفری ایران شامل جرم انگاری اندیشه مجرمانه، جرم انگاری اعمال مقدماتی، ابهام سازی تقنینی و جرم انگاری‌های نوین نیز می‌باشد. ۲- سیاست کیفری ایران از تکنیک‌های جرم انگاری مستقل معاونت در جرایم علیه امنیت و جرم انگاری به صورت مطلق و جرم انگاری با اکتفاء به سوء نیت عام بهره‌ای نبرده است. جرم انگاری امنیت مدار با تکیه بر گسترش رکن قانونی در شیوه جرم انگاری ناظر بر جرائم تبلیغ علیه نظام، همکاری با دول متخاصم، بغی و افساد فی الارض قابل مشاهده است. جرم انگاری امنیت مدار با تکیه بر گسترش دامنه رکن مادی در موارد توسعه در موضوع، بزه دیده و بزه‌کار جرم، جرم انگاری مطلق و اعمال مقدماتی و نیز جرم انگاری مستقل معاونت قابل مشاهده می‌باشد. جرم انگاری امنیت مدار با تکیه بر گسترش دامنه رکن معنوی نیز در جرم انگاری با اکتفاء به سوء نیت عام، جرم انگاری اندیشه مجرمانه و جرم انگاری جرائم غیر عمدی جرائم علیه امنیت قابل ملاحظه است. علاوه بر این جلوه‌های جرم انگاری حداکثری، با ارائه مثال‌های مختلف در حقوق ایران ارائه شده است. راهکارهایی که نشانگر شکل گیری سیاست تنبیهی و غیر ملایم و امنیت مدار قانونگذار ایران در قبال جرائم خطر آفرین علیه امنیت عمومی و حاکمیت سیاسی می‌باشد. در هر صورت سیاست کیفری ایران از برخی راهکارها چون جرم انگاری مستقل معاونت، کاربرد قیود حداقلی با اکتفاء به سوء نیت عام، تمایلی نداشته است.

## ۱- بازشناسی مفاهیم

### ۱-۱- جرم انگاری

فرایند جرم انگاری همواره متأثر از عوامل مختلفی چون مبانی نظری و مورد قبول حکومت و ملاحظات سیاسی و عقیدتی حاکم بر جامعه است. وجود چنین عواملی مانع از آن نیست که جرم انگاری از منابع فراملی نیز تاثیر بپذیرد. (مجیدی، ۱۳۹۳، ص ۳۹-۴۰)

### ۱-۲- جرم انگاری امنیت مدار

امروزه، امنیت در شمار اصلی ترین ارزشهایی است که انسان اجتماعی و ایدئولوژیهای سازمان دهنده تفکر و شیوه عمل انسان، برای ایجاد و تضمین آن برنامه ریزی و از ابزار حقوق کیفری برای تنظیم نوع و چگونگی واکنش در قبال نقض آن بهره می برند. حال اگر عملکرد سیاست تقنینی یک جامعه تحت عنوان جرم انگاری، از حدود نرمال و متعارف خود خارج شده و دامنه مداخله و پیشروی حقوق کیفری را در قلمرو اعمال مباح افراد گسترش دهد و یا با محدود کردن منطقه آزاد رفتاری، سبب توسعه منطقه کنترل شده رفتاری شود، سخن از جرم انگاری حداکثری یا امنیت مدار پیش می آید. (هوساگ، ۱۳۹۰، ص ۲۶) بازخورد و آثار عملی این نگرش به پدیده‌ی مجرمانه در راستای اهداف امنیت‌گرایانه و در بستر اجتماع، تعاملات میان حکومت و جامعه مدنی را به سطح حداقلی تنزل می‌دهد و به شدت مداخله‌ی نظام اجتماعی و مشارکت آن در سیاست جنایی را به حاشیه می‌راند و از این طریق پاسخ‌های کیفری سرکوب‌گر به‌عنوان اهرم و بازوی اجرایی تأمین امنیت، بر پیکره‌ی نظام عدالت کیفری تحمیل می‌گردد. لذا سیاست جنایی امنیت‌گرا، رسالت اصلی خود را در مقابله با بزه‌کاران دشمن که بیگانه محسوب می‌شوند بازتعریف می‌کند. با این تفاسیر آنچه حاصل می‌گردد رویکرد مطالعاتی نوینی است که پذیرش خواسته یا ناخواسته‌ی مفهوم «امنیت‌شناسی» را به دنبال دارد (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۹۱، ص ۱۴)

امنیت‌گرایی یکی از برساخت‌های ناروایی است که بر پیکره‌ی سیاست جنایی تحمیل می‌گردد و به معنای روند انحرافی در تشکیل یک فرایند پاسخ‌دهی به پدیده‌ی مجرمانه است. امنیت‌گرایی سیاست جنایی می‌تواند معیاری برای تمیز یک سیاست جنایی کارآمد و مطلوب از یک سیاست جنایی ناکارآمد و نامطلوب باشد؛ چراکه سیاست جنایی نامطلوب در آینده‌ای دور یا نزدیک، با بحران جدی و انسداد روبه‌رو خواهد شد. لذا امنیتی‌شدن سیاست جنایی، بستری برای ارزیابی سیاست‌های جنایی از این حیث است که یکی از اهداف پرداختن به این موضوع را جلوه‌گر می‌سازد. (قناد، اکبری، ۱۳۹۶، ص ۴۲-۴۳) به این ترتیب دل‌نگرانی دولتها برای تأمین امنیت شهروندان و قربانیان بالقوه بزهکاری، محور مطالعاتی بعضی جرم‌شناسان را نیز متأثر کرده و آنان را به سمت مطالعات امنیت با تکیه بر برنامه‌ها و اقدام‌های کنشگران

پلیسی - امنیتی سوق داده است. این تغییر رویکرد آرایش و جهت‌گیریهای سیاست جنایی را نیز تحت الشعاع خود قرار داده است، چنانکه تضمین امنیت حقوقی - قضایی، یعنی رعایت حقوق و آزادی‌های شهروندان و حقوق مظنون، متهم و مجرم تحت الشعاع تضمین امنیت جسمانی و مالی شهروندان و نظم عمومی (حقوق کیفری امنیت مدار) قرار گرفته و پیشگیری اجتماعی از بزهکاری به تدریج جای خود را به پیشگیری محدود کننده وضعی از جرم می‌دهد (جرم‌شناسی امنیتی) (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۹۱، ص ۱۶)

### ۱-۳-۱- ویژگی‌های جرم‌انگاری امنیت مدار

#### ۱-۳-۱-۱- اعمال صلاحیت فراملی

توسعه صلاحیت محاکم و قوانین داخلی یک کشور نسبت به برخی از جرائمی که علیه منافع عالیه آن کشور در خارج از قلمرو سرزمین صورت می‌گیرد به «صلاحیت واقعی» قوانین کیفری معروف است که عده‌ای از نویسندگان حقوقی از آن به اصل حمایت یا حافظتی هم نام می‌برند.

بر اساس ماده ۵ ق.م.ا. ۱۳۹۲: «هر ایرانی و یا غیر ایرانی که در خارج از قلمرو حاکمیت ایران مرتکب یکی از جرائم زیر با جرایم مقرر در قوانین خاص گردد، طبق قانون مجازات جمهوری اسلامی ایران محاکمه و مجازات می‌شود و هر گاه رسیدگی به این جرایم در خارج از ایران به صدور حکم محکومیت و اجرای آن منتهی شود، دادگاه ایران در تعیین مجازات‌های تعزیری، میزان محکومیت اجراشده را محاسبه می‌کند» با توجه به ماده ۵ قانون مجازات اسلامی می‌توان وقوع جرم در خارج از کشور، ارتکاب جرایم مهم علیه امنیت و آسایش عمومی مذکور در این ماده را از شرایط اصلی اعمال صلاحیت واقعی در حقوق کیفری ایران تلقی نمود. قانونگذار در قانون مجازات اسلامی مصوب ۹۲ و بر خلاف قوانین جزایی سال‌های ۶۰ و ۷۰، گرایش به اجرای «نظریه احتساب مجازات‌های قبلی در هنگام اجرای اصل صلاحیت واقعی پیدا نموده است. مطابق این نظریه دولت‌ها در هنگام اعمال صلاحیت واقعی، باید محاکمه قبلی مرتکب جرم را در کشور محل وقوع جرم مورد نظر قرار داده و اگر وی در آن‌جا دوران مجازات خود را به خاطر همین اعمال سپری نموده، ضروری است که مجازات اجرا شده قبلی را از مجازات فعلی کسر نماید.

#### ۱-۳-۲- رسیدگی در مراجع اختصاصی

در حقوق ایران رسیدگی به جرایم علیه امنیت در دوران قبل و پس از انقلاب به صورت عمده در صلاحیت محاکم اختصاصی می‌باشد. اصل ۱۷۲ قانون اساسی در این خصوص بیان می‌دارد: «برای رسیدگی به جرایم مربوط به وظایف خاص نظامی یا انتظامی اعضای ارتش، ژاندرمری، شهربانی و سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، محاکم نظامی مطابق قانون تشکیل می‌شود»

گردد ولی به جرایم عمومی آنان یا جرایمی که در مقام ضابط دادگستری مرتکب شوند در محاکم عمومی رسیدگی می‌شود». علی‌رغم بیان قانون اساسی در این زمینه به تدریج تصویب قوانین عادی، زمینه به وجود آمدن محاکم اختصاصی دیگری را نیز به وجود آوردند. و به موازات آن صلاحیت محاکم نظامی نیز به تدریج افزایش یافت.

### ۱-۳-۳- جرم انگاری مستقل معاونت از جرم

معاونت در جرم بر مبنای رویکرد عاریه‌ای یا استقلالی مورد پذیرش نظامهای حقوقی واقع شده است و بسیاری از کشورها جرم انگاری عمل معاون را بر مبنای رویکرد عاریه‌ای پذیرفته‌اند. در سیاست کیفری ایران، قانونگذار به صورت پراکنده در مواد قانونی مختلفی در مورد جرم انگاری معاونت سخن گفته است؛ همانند ماده (راهنمایی به سقط جنین) موضوع ماده ۶۲۳ق.م.ا. و (تحریک به جنگ و قتال) موضوع ماده ۵۱۲ قانون مجازات اسلامی به صورت مستقل از معاونت جرم انگاری کرده است.

### ۱-۳-۴- جرم انگاری اندیشه مجرمانه

بنابر اصول کلی حقوق جزا، اصل بر این است که اندیشه و قصد مجرمانه صرفاً قابل مجازات نبوده و قانون باید قبل از هرگونه مداخله کیفری، وجود یک نمود عینی و خارجی از چنین اندیشه و قصدی را احراز نماید لکن در مواردی که تصمیم مجرمانه بین دو یا چند نفر مشترک است و تبعات و مفاسد زیانباری برای نظم و امنیت جامعه علی‌الخصوص حقوق حاکمیت به همراه داشته باشد، صرف همین تصمیم، می‌تواند در قلمرو مداخله حقوق کیفری قرار می‌گیرد. در این زمینه در حقوق کیفری ایران، تبانی برای ارتکاب جرایم علیه امنیت کشور موضوع ماده ۶۱۰ قانون مجازات اسلامی است.

### ۱-۳-۵- جرم انگاری اعمال مقدماتی

اصل کلی بر این است که این مرحله مطابق با اصول کلی حقوق جزا و احترام به حقوق و آزادیهای افراد در قلمرو حقوق کیفری قرار نگیرد. به بیان دیگر کنشهای افراد تنها زمانی که وارد مرحله اجرایی جرم شوند، قابل تعقیب و مجازات هستند. اما گاهی قانونگذار بنا بر دلایل و مصالحی، اعمال مقدماتی را در موارد خاصی واجد وصف مجرمانه دانسته و برای آن مجازات تعیین کرده است. در این زمینه می‌توان به موضوع مواد ۴۹۸ و ۴۹۹ قانون مذکور (تشکیل یا اداره دستجات غیرقانونی یا عضویت در آنها و ماده ۵۶۳ (ورود به مواضع امنیتی) اشاره نمود. این اقدام تقنینی از آن جهت می‌تواند اهمیت داشته باشد که از دیرباز، ممنوعیت اعمال مجازات بر اندیشه مجرمانه و اعمال مقدماتی، در زمره قواعد عمومی محسوب شده است.

### ۱-۳-۶- جرم انگاری به صورت مطلق

جرایم از لحاظ لزوم یا عدم لزوم حصول نتیجه مجرمانه به دو دسته جرایم مطلق و مقید تقسیم می‌شوند. جرایمی که برای مقنن اهمیت زیادی داشته، در زمره جرایم مطلق قرار گرفته و جرایم دارای اهمیت کم تر، مقید به تحقق نتیجه مجرمانه از سوی قانونگذار خواهند شد. بر همین مناسبت که فرایند جرم انگاری در اغلب جرایم علیه اشخاص و اموال به صورت مقید و در جرایم علیه امنیت، به صورت مطلق صورت می‌گیرد در این زمینه می‌توان به ماده ۵۰۰ قانون مجازات اسلامی با عنوان تبلیغ علیه نظام اشاره نمود که صرف تبلیغ علیه نظام با تحقق شرایط آن، برای محقق شدن جرم مذکور کافی و نیاز به تحقق نتیجه خاصی نیست. همچنین می‌توان به موضوع مواد ۴۹۸ و ۴۹۹ قانون مذکور (تشکیل یا اداره دستجات غیرقانونی یا عضویت در آنها)؛ ماده (۵۰۳) و (۵۰۴)؛ ماده (۲۸۷) و بسیاری از موارد دیگر اشاره کرد که قانونگذار برای تحقق این جرایم، نتیجه مجرمانه خاصی را در نظر نگرفته است. بر این اساس اقدام قانونگذار در تصریح بر مقید بودن جرم محاربه در ماده ۲۸۶ قانون مجازات اسلامی برخلاف چنین سیاستی تحلیل می‌شود. این اقدام قانونگذار درحالتی صورت پذیرفت که رجوع به نظرات فقهی فقهای امامیه نشانگر آن است که بزه محاربه از سوی اکثریت آن‌ها مطلق بوده و صرف ابراز عملی از سوی مرتکب جرم که به قصد ایجاد ترس و ارباب عمومی باشد و یا بتواند نوعاً و غالباً رعب و وحشت ایجاد کند، کافی خواهد بود.

### ۱-۳-۷- جرم انگاری با اکتفا به سوء نیت عام

روش دیگر مرتبط با رکن روانی در راستای سیاست جرم انگاری امنیت مدار، آن است که تنها به لزوم تحقق سوء نیت عام در جرم انگاری جرم مربوطه اکتفاء شود تا بدین طریق دامنه شمولی جرایم گسترش یابد لیکن در حقوق کیفری ایران کاملاً سیاستی متفاوت در این زمینه حاکم می‌باشد. از این رو در ارتباط با جرم جمع آوری اطلاعات طبقه بندی شده موضوع ماده ۵۰۵ قانون مجازات اسلامی علاوه بر سوء نیت عام، وجود سوء نیت خاص قصد بر هم زدن امنیت عمومی نیز ضروری دانسته شده است. درباره انتقال اطلاعات به افراد فاقد صلاحیت موضوع ماده ۵۰۱ قانون مجازات اسلام نیز علاوه بر ضرورت اقدام عمدی مرتکب در جهت انتقال و تسلیم اطلاعات (سوء نیت عام) قصد جاسوسی (سوء نیت خاص) نیز ضروری است.

### ۱-۳-۸- ابهام سازی تقنینی

در حقوق کیفری ایران در بسیاری از مواد قانونی، قانونگذار به دلیل استفاده از عناوین کلی و ابهام زا، زمینه توسعه در دامنه شمولی مواد قانونی را فراهم آورده است. ابهامات تقنینی موجود در مواد ۵۰۰ تبلیغ علیه نظام، ۵۱۵ سوء قصد به جان مقامات سیاسی، و نیز ماده ۶۳۸

روابط نامشروع قانون مجازات اسلامی در زمره این موارد محسوب می گردد.

### ۱-۳-۹- جرم انگاری نوین

از جمله راهکارهایی که می توان باتکیه بر آن زمینه توسعه و گسترش دامنه جرم انگاری رافراهم کرد، اقدام به جرم انگاری های جدید در جرایمی است که ضرورت آن ها از سوی قانونگذار احساس می شود. از طرف دیگر از دیدگاه جرم شناختی، جرم انگاری یا جرم تلقی کردن قانونی فعل و یا ترک فعل، فرایندی است که به وسیله آن رفتارهای جدید، به موجب قوانین کیفری مشمول قانون جزا می شوند (نجفی ابرند آبادی، ۱۳۹۷، ۸۶) در حقوق کیفری ایران با تصویب قانون مجازات اسلامی در سال ۱۳۹۲، قانونگذار به وضع جرایم جدیدی در حوزه جرایم علیه امنیت اقدام کرده است. اهتمام مقنن ایرانی به حفظ حقوق حاکمیت، ثبات سیاسی و امنیت عمومی، سبب شده تا دو عنوان مجرمانه " افساد فیالارض " و " بغی " در قانون مجازات اسلامی جدید، مورد جرم انگاری مجزا واقع شوند.

### ۱-۴- تورم تقنینی

تورم در لغت به آماس کردن، ورم کردم، آماس و ورم معنا شده است. (معین، ۱۳۵۳، ص ۱۱۶۴) همچنین به معنای باد کردن نیز آمده است (دهخدا، ۱۳۷۷، ص ۱۱۰۸) تورم بیشتر در مفهوم اقتصادی آن کاربرد دارد و در سایر علوم کاربرد چندانی ندارد و در صورتی که کاربرد هم داشته باشد، چندان عام و رایج نیست. به نظر می رسد با توجه به معنای لغوی واژه تورم که در فرهنگ فارسی به آماس کردن معنا شده، می توان گفت که به کارگیری این واژه در سایر علوم اقتصادی مانع استعمال آن در سایر علوم نیست. در علم حقوق کیفری نیز که اصطلاح پیچیدگی قوانین و ازدیاد قوانین را می توان به کار برد و حجم بالای مجموعه قوانین، اعم از حقوقی و کیفری خود زبان گویای این مسئله می باشد، کاربرد واژه تورم را در علم حقوق کیفری بلاشکال می سازد. اگرچه برای حفظ جامعه وجود قانون کیفری ضروری است، ولی تدوین و تصویب این مقررات به لحاظ ارتباطی که با آزادی افراد دارد، باید با نهایت دقت و ظرافت صورت پذیرد، زیرا هر جرم انگاری برابر است با محدود شدن گستره آزادی های افراد در جامعه، که این امر با توجه به فطرت بشر که خواستار آزادی از قید و بند و رهایی از محدودیت است، در تضاد و تعارض می باشد. لذا تدوین قانون کیفری باید آخرین راه حل باشد نه اولین راه حل، همچنانکه عمل جراحی برای یک بیمار به عنوان آخرین راه چاره برگزیده می شود. (حبیب زاده، نجفی ابرندآبادی، کلانتری، ۱۳۸۰، ص ۶۰) تحدید آزادی ها موجبات اعتراض را فراهم می آورد که به ضرر حکومت و جامعه است.

جرم انگاری و کیفرگذاری (تعیین مجازاتها) ابزار اصلی سیاست گذاران در کنترل اجتماعی است، به علاوه آنکه گفتمان رسمی مراجع سیاستگذار نیز عمدتا مبتنی بر تهدید، ارباب و

استفاده از حداکثر ظرفیتهای کیفری در ایجاد ترس از ارتکاب جرم در میان افراد ناکرده بزه و ترس از تکرار ارتکاب جرم در میان بزهکاران بالقوه است (غلامی، ۱۳۹۱، ص ۴۲)

طی سالهای اخیر، یک روند جرم انگارانه وسیع همراه با مجازاتهای تند و سختگیرانه، نسبت به برخی از جرایم علیه امنیت و نظم عمومی در ایران وجود داشته است که موارد متعدد این جرم انگاریها را می توان در قانون مجازات اسلامی دید ( شمس ناتری ، جاهد، ۱۳۸۷، ص ۹۹) برای نمونه مقنن در ماده ۲۸۷ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ عنوان مجرمانه جدیدی با عنوان «بغی» را برای اولین بار و به عنوان جرم امنیتی مستوجب حد و اعدام پیش بینی کرده است. این درحالی است که در هیچ کدام از نوشته های فقهی نشانی از بغی به عنوان جرم مستوجب حد دیده نمی شود. (مهدوی پور، شهرانی کرانی، ۱۳۹۳، ص ۱۷۵)

## ۲- علل جرم انگاری امنیت مدار

عوامل متعددی در شکل گیری حقوق کیفری مدرن نقش داشته اند:

### ۲-۱- دلیل سیاسی

دولتها متولی امنیت هستند. حق بر امنیت یکی از حقوق بشری است که شهروندان آن را مطالبه می کنند و لذا حق امنیت. دولتها را مکلف می کند که امنیت جهانی، مالی و حیثیتی شهروندان را تضمین نمایند. لذا دولتها بیش از پیش خود را مکلف به تامین امنیت می دانند چنانکه در نظامهای مردم سالار که بر اساس انتخابات، اعضای حکومت از بالا تا پایین به طور ادواری تغییر می کنند، گفتمان امنیتی گاه رأی آور است و مصرف سیاسی دارد. وعده تامین امنیت به یک راه جلب رأی مردم تبدیل شده است. امنیت مقوله ای حقوق بشری و در عین حال سیاسی است. با توجه به اینکه از یکسو، جرایم مشی در حال رشد هستند و از سوی دیگر، شکل گیری جرایم تروریستی که جرایم بدون مرز هستند و احساس ترس از جرم را در میان مردم افزایش می دهند، مردم بیش از پیش از دولتها مطالبات در مقوله امنیت دارند. (نجفی ابرنابادی، ۱۳۸۳-۱۳۸۴، ص ۲۱۰۱؛ جعفری، ۱۳۸۷، ص ۳۸)

### ۲-۲- دلیل اقتصادی

بزهکاری بویژه از نوع سازمان یافته آن بیش از پیش بودجه کشور را به خود اختصاص داده و دولتها را از درآمد هنگفتی محروم می کند و همزمان نیروی زیادی برای مبارزه با آن لازم است. صرف هزینه زیاد برای اصلاح این مجرمین - بدلیل عدم امید به اصلاح آنها به صلاح یا متناسب با امکانات موجود دانسته نمی شود، لذا طرد آنان به عنوان راه چاره مطرح می شود. (نجفی ابرنابادی، ۱۳۸۳-۱۳۸۴، ص ۲۱۰۲؛ جعفری، ۱۳۸۷، ص ۳۸)



## ۲-۳- دلیل جرم‌شناسی

نسل جدید بزهکاران یعنی مجرمین سازمان یافته و تروریست‌ها فقط دنبال کسب مال و ثروت نیستند بلکه ارتکاب جرم توسط آنها گاه نفی و انگار نظم سیاسی موجود است. آنان با نظم موجود در کشور - حتی در یک قاره یا در دنیا - مخالفت می‌ورزند. پس این یک مبارزه مجرمانه سیاسی است. در چنین شرایطی بزهکاران خود را آشکارا از جامعه جدا می‌کنند. (نجفی ابرنآبادی، ۱۳۸۳-۱۳۸۴، ص ۲۱۰۲؛ جعفری، ۱۳۸۷، ص ۳۸)

## ۲-۴- جرم انگاری جرائم غیر عمدی جرائم علیه امنیت

در میان حقوقدانان این دیدگاه مشهور است که اصل بر عمدی بودن جرایم است و در صورتیکه عنوان شک نماییم که آیا برای عملی عنوان غیر عمدی نیز در نظر گرفته شده یا خیر بایستی قاتل به عدم جرم انگاری شویم، چنانچه ما قتل عمد و غیر عمد داریم، ولی آیا تحریک غیر عمدی نیز داریم، بایستی حقوق افراد را در پرتو اصل برائت رعایت نماییم، اما مسئله در جرایم امنیتی خارج از قاعده ی بالاست و مقنن در مواردی به گسترش مصادیق غیر عمدی پرداخته است (کوشکی، عزیزاده سرشت، ۱۳۹۴، ص ۱۰۹)

بر مبنای قاعده کلی جرایم صرفاً در حالت عمدی قابل مجازات بوده و صورت غیر عمدی آنها علی‌الاصول قابل مجازات نیستند. با این وجود در جرایم بسیار مهم سیاست کیفری کشورها تمایل به قابل مجازات دانستن حتی حالت غیر عمد آنها داشته است. نکته مهم در این زمینه آن است که تاکنون اگر این جرایم مهم منحصر در جرم قتل بوده لیکن سمت و سوی فعلی سیاست کیفری کشورها متمایل به برخی جرایم علیه امنیت کشور شده است، توضیح آن که برای مثال به دلیل اهمیت حفظ اطلاعات دارای اهمیت و ضررهایی که در اثر بی‌مبالاتی مسئولان مربوطه و عدم حفاظت بهینه از منافع اساسی ملت در زمینه‌های مختلف ممکن است محقق شود، قانون جزای فرانسه در ماده ۱۰-۴۱۳، بی‌مبالاتی منتهی شدن به آشکار شدن اسرار دفاعی کشور را قابل مجازات دانسته است. نکته مهم در ماده فوق آن است که اولاً هر فردی که خواه دولت و یا به دلیل حرفه و شغل خود امین دانسته شود مشمول جرم فوق می‌گردد و ثانیاً هر گونه بی‌مبالاتی که منجر به افشاء گم کردن و از دست دادن اطلاعات شود مشمول مجازات خواهد بود. رویکردی که در حقوق ایران در حال حاضر به دلیل به کارگیری قیود متعدد «مامورین دولتی»، «تخلیه اطلاعاتی» و نیز «دشمن» در ماده ۵۰۶ قانون تعزیرات<sup>۱</sup> امکان پذیر نمی‌باشد. مهم در

۱. ماده ۵۰۶ - چنانچه مأمورین دولتی که مسوول امور حفاظتی و اطلاعاتی طبقه‌بندی شده میباشند و به آنها آموزش لازم داده شده است در اثر بی‌مبالاتی و عدم رعایت اصول حفاظتی توسط دشمنان تخلیه اطلاعاتی شوند به یک تا شش ماه حبس محکوم می‌شوند

این زمینه آن است که سیاست کیفری کشورها در جهت سیاست توسعه بخشی دامنه جرم انگاری، غیر عمدی بودن برخی جرائم علیه امنیت را نیز قابل مجازات دانسته است. (مجیدی، ۱۳۹۶، ص ۲۷۵)

در سایر قوانین می توان رد پای جرم انگاری جرایم غیر عمدی علیه امنیت را یافت. به عنوان مثال می توان به مواد زیر اشاره کرد:

- مواد ۲۷ و ۲۸ قانون مجازات نیروهای مسلح<sup>۱</sup> مصوب سال ۱۳۸۲ (راجع به بی مبالاتی در تخلیه ی اطلاعاتی)

- ماده ی ۸ قانون اخلاگران در صنایع نفت ایران<sup>۲</sup> ۱۳۳۶ اشاره نمود.

## ۲-۵- بررسی تحولات تقنینی بزه تبانی (از جرم انگاری پیشنهادهای تبانی تا تفکیک تبانی امنیتی و غیر امنیتی)

منظور از تبانی، «توافق بین دو یا چند نفر برای ارتکاب جرم» می باشد. علی رغم این که این جرم را می توان یک «جرم ناتمام» نامید، زیرا توافق کنندگان به منظور و هدف مورد نظر خود نرسیده اند، لیکن مجازات کردن تبانی به معنی مجازات کردن اندیشه مجرمانه صرف نمی باشد، زیرا عنصر مادی جرم با حصول توافق تحقق یافته است.

در پاسخ به این سؤال که چرا صرف تبانی قابل مجازات است (در حالی که در شروع به جرم نه تنها قصد و تصمیم گرفتن برای ارتکاب جرم قابل مجازات نیست، بلکه انجام اقدامات مقدماتی نیز، به موجب ماده ۱۲۳ «قانون مجازات اسلامی»، مصوب سال ۱۳۹۲، قابل مجازات نمی باشد) معمولاً به این واقعیت اشاره می شود که در تبانی بیش از یک نفر دخالت دارند و همه ما می توانیم از تجارب روزمره خود دریابیم که گاه حاضر به انجام کارهای مخاطره

۱. ماده ۲۸ - هر نظامی که پس از آموزش لازم درمورد حفظ اطلاعات طبقه بندی شده، در اثر بی مبالاتی و عدم رعایت اصول حفاظتی، توسط دشمنان و یا بیگانگان تخلیه اطلاعاتی شود، به یک تا شش ماه حبس محکوم می گردد.  
ماده ۲۹ - هرگاه تخلف و سرپیچی از تکالیف نظامی سبب تسلط دشمن بر اراضی یا مواضع یا افراد خودی شود، مرتکب به مجازات محارب محکوم می گردد.

۲. ماده ۸ - هر کس یکی از اعمال مذکور در مواد ۱ و ۲ را بدون سوء قصد ولی بر اثر بی مبالاتی یا غفلت مرتکب شود چنانچه عمل ارتكابی موجب هلاک نفس شود محکوم به یکسال الی سه سال حبس تأدیبی و در صورتی که موجب تخریب یا تعطیل قسمتی از مراکز عملیات صنایع شود محکوم به شش ماه تا دو سال حبس تأدیبی خواهد شد چنانچه بی مبالاتی یا غفلت موجب خرابی هر گونه اشیاء و آلات و ادوات متعلق به صنایع نفت بشود مرتکب محکوم به حبس تأدیبی از یک ماه تا شش ماه و نیز جبران خسارتی که از عمل او ناشی شده خواهد گردید.

تبصره: منظور از بی مبالاتی اقدام به امری است که مرتکب نمی بایست به آن مبادرت نموده باشد و منظور از غفلت خودداری از امری است که مرتکب می بایست به آن اقدام نموده باشد اعم از این که منشأ بی مبالاتی یا غفلت عدم اطلاع و عدم مهارت یا عدم تجربه یا عدم رعایت قانون یا مقررات یا اوامر یا نظامات و یا عرف و عادت باشد.

آمیزی با پشتیبانی یک شخص دیگر می‌باشیم، در حالی که چه بسا خود به تنهایی جرأت و جسارت انجام آن کارها را نداشته باشیم. (میرمحمدصادقی، ۱۳۹۰، ص ۳۹) به علاوه واقعیت که تبانی برای ارتکاب جرم گاه در جرایم سازمان یافته و از شبکه‌های مجرمانه انجام می‌شود، لزوم برخورد سریعتر و شدیدتر با تبانی کنندگان را آشکار می‌سازد. بدین ترتیب، در راستای حفاظت از جامعه در قبال جرمی که اولاً امکان تحقق آن زیاد است، و ثانیاً، در صورت تحقق یافتن، خطرات و زیانهای بیشتری را به وجود می‌آورد، دخالت زودهنگام مراجع مربوط برای نابود کردن تبانی در نطفه ضروری به نظر می‌رسد. (میرمحمدصادقی، ۱۳۹۴، ص ۲۴۸-۳۴۹)

در زمینه وجود تحولات تقنینی در ارتباط با شرایط و ارکان جرم تبانی، حقوق کیفری ایران و فرانسه وجه تشابه زیادی دارند. دست یافتن به این وجوه تشابه، تنها پس از بررسی تحولات گوناگون حاکم بر این جرم در حقوق کیفری ایران و فرانسه امکان پذیر می‌باشد. در ارتباط با حقوق کیفری ایران باید در ابتدا به ماده ۷۴ ق.م.ع. مصوب ۱۳۰۴ اشاره نمود که تمامی مختصات و ویژگی‌های آن، در دوره‌های بعدی قانونگذاری از بین رفت. ماده مزبور در این رابطه مقرر می‌نمود: «هرگاه جماعتی در خفا برای ارتکاب جنایات مذکوره در ماده ۷۰، دسته بندی و تصمیم کنند، جزای آنها حبس تأدیبی از یک الی سه سال است و اگر هنوز شروع به اجرای مقصود نکرده و عملی از آنها سر نزده باشد جزای آنها حبس تأدیبی از سه ماه تا یک سال است و اگر کسی دعوت به اجتماع مذکوره کرده ولی دعوت او به اجابت نرسیده است، جزای او حبس تأدیبی از یک الی شش ماه خواهد بود».

موضوع تبانی مطابق با ماده ۷۲ ق.م.ع. مصوب ۱۳۰۴ محدود به تحریک مردم به قتل و غارت بود پس از پیروزی انقلاب، قانونگذار در ماده ۸۸ ق.ت. ۱۳۶۲ به تبیین این جرم پرداخت. گسترش موضوع تبانی بر اساس قانون تعزیرات مصوب ۱۳۶۲، از جمله سیاست‌های کیفری بود که قانونگذار در زمینه تدوین مقررات ناظر بر جرائم علیه امنیت بعد از پیروزی انقلاب پیگیری نمود. اما اعمال سیاست کیفری جرم زدایی نسبت به ارتکاب عمل ارائه پیشنهاد تبانی توانست تحولاتی را در مقررات مرتبط با این جرم در سال ۱۳۷۵ ایجاد نمود. از اینرو قانونگذار مقررات مربوط به این جرم را به شرح ذیل، مقرر شد:

ماده ۶۱۰ ق.م. : «هرگاه دو نفر یا بیشتر اجتماع و تبانی نمایند که جرائمی بر ضد امنیت داخلی یا خارجی کشور مرتکب شوند یا وسایل ارتکاب آن را فراهم نمایند در صورتی که عنوان محارب بر آنان صادق نباشد به دو تا پنج سال حبس محکوم خواهند شد».

ماده ۶۱۱ ق.م. : «هرگاه دو نفر یا بیشتر اجتماع و تبانی نمایند که علیه اعراض یا نفوس یا اموال مردم اقدام نمایند و مقدمات اجرایی را هم تدارک دیده باشند ولی بدون اراده خود موفق به اقدام نشوند حسب مراتب به حبس از شش ماه تا سه سال محکوم خواهند شد».

تفکیک عنصر قانونی تبانی برای ارتکاب جرائم علیه امنیت کشور از انجام تبانی برای ارتکاب جرائم غیر امنیتی، اولین تغییری می باشد که قانونگذار در سال ۱۳۷۵ اعمال نموده است. از این رو می توان اقدام قانونگذار جهت جرم زدایی از انجام تبانی برای ارتکاب جرائم علیه اموال، أعراض و نفوس مردم بدون انجام اعمال مقدماتی را گامی به جلو در جهت حفظ و مراقبت از قاعده عدم مجازات اندیشه مجرمانه تحلیل نمود.

در قانون تعزیرات مصوب ۱۳۷۵ در زمینه جرم تبانی تغییر مهمی در رابطه با تعیین مجازات های قانونی این جرم صورت گرفت. قانون تعزیرات جدید، احتمال تحقق عنوان مجرمانه محاربه و افساد فی الارض را تنها در ارتباط با انجام تبانی برای ارتکاب جرائم علیه امنیت کشور مطرح نمود و در کنار آن، مجازات سالب آزادی را هم با توجه به موضوع تبانی، متفاوت دانست. از این رو مجازات حبس تبانی علیه امنیت کشور را دو تا پنج سال و برای تبانی علیه اموال، نفوس و أعراض مردم، مجازات شش ماه تا سه سال حبس را تعیین نموده است.

مقایسه رکن قانونی بزه تبانی در قوانین و مقررات قبل و پس از انقلاب نشان دهنده آن است که موضوع تبانی در قوانین پس از انقلاب، توسعه پیدا کرده است. این توسعه می تواند در بر گیرنده کلیه جرائم علیه امنیت داخلی و خارجی، از جمله تبانی برای ارتکاب جرائم علیه امنیت دولت (حکومت) باشد. در مقابل بر اساس موازین قانونی بعد از انقلاب باید بر این اعتقاد بود که تا زمانی که مرتکبین به توافق مجرمانه قطعی و حتمی دست نیابد نباید آنها را برخلاف ماده ۷۴ ق.م.ع. که پیشنهاد تبانی هم مشمول جرم انگاری بود قابل مجازات بدانند.

## ۲-۶- ابهامات تقنینی در جرائم علیه امنیت

دو مقوله محاربه و افساد فی الارض از عناوین فقهی هستند که پس از انقلاب اسلامی، به اقتضای اصل چهارم قانون اساسی وارد قوانین جزایی ایران شدند. این دو عنوان مجرمانه از عناوین بحث برانگیز و مناقشه آمیز بوده و در ارتباط با ماهیت و عناصر متشکله آنها میان فقها و حتی حقوقدانان اختلاف نظر قابل ملاحظه دیده می شود. در قوانین پس از انقلاب اسلامی تا سال ۱۳۹۲، مقنن ایرانی غالباً مفاهیم محاربه و افساد فی الارض را با یکدیگر به کار می برد و در مواردی هم که افساد فی الارض را جداگانه استعمال می کرد. در صدد بود تا همان حکم محارب را درباره آن جاری سازد. (میرمحمدصادقی، رحمتی، ۱۳۹۴، ص ۱۷)

بررسی عناوین محاربه و افساد فی الارض در تحولات تقنینی پس از انقلاب اسلامی نشان می دهد که عناوین مزبور، به تدریج توسعه زیادی پیدا کرده اند. محاربه و افساد فی الارض از معدود عناوینی هستند که در دهه های اخیر تا این اندازه بسط مفهومی یافته اند. محاربه که در متون فقهی و نظرات اکثر فقها، محدود به شکل خاصی از جرائم علیه امنیت بوده، در سیاست کیفری قانون گذار چنان توسعه یافته است که جرائم مختلف و متعددی در زمینه های اقتصادی،

اجتماعی، فرهنگی و غیره را شامل می‌شود. به بیان دیگر، اگرچه علی‌الظاهر به نظر می‌رسد در ابتدا فلسفه جرم‌انگاری محاربه و افساد فی‌الأرض، برقراری امنیت عمومی برای مردم بوده است (با توجه به استفاده از ضابطه «دست به اسلحه بردن» در تعریف این عناوین) اما در حال حاضر، به جهت حفظ اقتدار ملی و ثبات سیاسی، این عناوین شامل جرائم علیه امنیت دولت و حقوق حاکمیت نیز می‌شوند. نگاهی به قوانین و مقررات موجود نشان می‌دهد که بخش عمده موارد استفاده قانون‌گذار از عناوین محاربه و افساد فی‌الأرض، مواردی است که ضرر و زیان و صدمه‌ای متوجه حقوق حاکمیت می‌گردد. (میرمحمدصادقی، رحمتی، ۱۳۹۴، ص ۱۸)

قانون‌گذار ایران، در برخی از قوانین پس از انقلاب، برای اعمالی مجازات اعدام تعیین کرده است که در آنها به هیچ وجه ضابطه دست به سلاح بردن با سلاح کشیدن دیده نمی‌شود. ضمن اینکه مجازات اعدام پیش‌بینی شده در قوانین مورد اشاره جز از باب افساد فی‌الأرض قابل توجیه نمی‌باشد، چون نه با هیچ یک از حدود دیگر سنخیت دارد و نه می‌توان آن را تعزیر (که لاجرم باید دون‌الحد باشد) تلقی کرد. (میرمحمدصادقی، ۱۳۹۴، ص ۶۱)

بدین ترتیب، در حقوق کیفری ایران، در موارد متعددی قانون‌گذار برای صدق عنوان محاربه یا افساد فی‌الأرض، بیش از آنکه به ضابطه است به اسلحه بردن توجه داشته باشد. به قصد مرتکب دایر بر مقابله و معارضة با نظام و یا آثار ناشی از اعمال وی در ضربه زدن به نظام توجه داشته است و به عبارت دیگر، یکی از دو ضابطه عینی<sup>۱</sup> یا نوعی و ذهنی<sup>۲</sup> و شخصی<sup>۳</sup> در

۱. بر مبنای این ضابطه نتیجه‌ی عمل ارتكابی مورد مذاقه قرار می‌گیرد به تعبیر دیگر هرگاه رفتار بزهکار به سازمان و شیوه‌ی کار قوای عمومی اعم از منافع سیاسی دولت و حقوق سیاسی شهروندان آسیب و گزند می‌آورد کند سیاسی است. اگر ضابطه‌ی فوق را در جرایم امنیتی مندرج در کتاب پنجم قانون مجازات اسلامی با عنوان جرایم ضد امنیت داخلی و خارجی اعمال کنیم بسیاری از جرایم این بخش مانند تشکیل دسته یا جمعیت باهدف برهم زدن امنیت کشور (ماده ۴۹۸) جاسوسی به نحوی که به امنیت ملی صدمه وارد آورد (ماده ۵۰۲) همکاری با دول خارجی متخاصم علیه جمهوری اسلامی ایران (ماده ۵۰۸) و بسیاری از جرائمی که برهم زدن نظم حاکمیت را نشانه گرفته اند، باید سیاسی تلقی و از اعداد جرایم امنیتی خارج شود (کوشکی، علیزاده سرشت، ۱۳۹۴، ص ۱۱۳)

۲. در این نظریه به داعی و قصد شخص توجه میشود، این توجه به انگیزه و قصد سبب می‌گردد تا کسانی که با اغراض سیاسی و بدون توجه به منافع شخصی مبادرت به ارتكاب جرم می‌نمایند باز شناخته شوند، ولی ایراد عمده‌ای که بر این دیدگاه وارد است، گسترش دایره‌ی شمول جرایم سیاسی که جرم مرکب و مرتبط را نیز در برمی‌گیرد، اما «امروزه بیشتر رفتارهای خشن خصوصاً جرایم علیه افراد بیگناه به بهانه‌های سیاسی از قلمرو جرم سیاسی حذف شده است» (کوشکی، علیزاده سرشت، ۱۳۹۴، ص ۱۱۳)

۳. برای مثال، می‌توان به مواردی چون ایجاد کردن مراکز فساد و فحشا در صورتی که سببیت برای فساد عامه داشته باشد (ماده ۱۰۳) قانون تعزیرات مصوب کمیسیون قضایی مجلس شورای اسلامی در سال (۱۳۶۲)، گران فروشی، کم فروشی یا عرضه نان نامرغوب و خودداری از عرضه کالا یا از دادن فاکتور به قصد مقابله با حکومت (مواد ۵ و ۶ قانون

لطمه زدن به نظام را برای تشخیص عنوان محاربه به کار برده است»<sup>۱</sup> (مجیدی، ۱۳۹۳، ص ۲۱) حتی برای اعمال چنین ضابطه‌هایی و با شمول موارد این چنینی (غیر از دست به اسلحه بردن) به عنوان محاربه، لازم است در راستای اصل قانونی بودن جرم و مجازاتها قانون گذار رفتارهایی را که در حکم محاربه هستند از پیش مشخص کند. قانونگذار ایران در قانون مجازات اسلامی، مصوب سال ۱۳۹۲ نه تنها به این موارد توجه نداشته، بلکه با تفکیک عنوان افساد فی الارض از محاربه و ارائه تعریف گسترده‌ای از افساد فی الارض (در ماده ۲۸۶)<sup>۲</sup> به ایرادات فوق افزوده است.

تشدید مجازات محترمان و گران فروشان، مصوب سال ۱۳۶۷) عبور دادن افراد از مرز در صورتی که این عمل مخل امنیت عمومی باشد (ماده ۱ قانون مجازات عبور دهندگان از مرز مصوب سال ۱۳۶۷)، ارتکاب ارتشا، اختلاس، کلاهبرداری با تشکیل و رهبری شبکه چند نفره (ماده ۴ قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشا و اختلاس و کلاهبرداری مصوب سال ۱۳۶۷)، خرید، فروش نگهداری، حمل یا قاچاق مواد مخدر در سطح گسترده و یا باعث اعتیاد افراد در بیش از یک مورد شدن (مواد ۱۸، ۹، ۱۱، قانون مبارزه با مواد مخدر، مصوب سال ۱۳۶۷)، جعل، توزیع یا وارد کردن اسکناس رایج داخلی به قصد مبارزه با نظام یا توسط عضوی از یک شبکه مجرمانه (ماده واحده قانون تشدید مجازات جاعلین اسکناس و واردکنندگان توزیع کنندگان و مصرف کنندگان اسکناس مجعول، مصوب سال ۱۳۶۸)، اخلال در نظام تولید، توزیع، صادرات یا پولی از طریق کارهایی مثل قاچاق ارز، احتکار و گران فروشی، رشاء و ارتشا خارج کردن میراث فرهنگی از کشوره حیف ومیل کلان اموال مردم با تأسیس شرکت های مضاربه ای و مانند آن، تقلب در پیمان ارزی و غیره (مواد ۱ و ۲ قانون مجازات اخلال گران در نظام اقتصادی کشور، مصوب سال ۱۳۶۹) اشاره کرد. همچنین، قانونی که بیش از همه به محاربه و افساد فی الارض اشاره کرده، قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح، مصوب سال ۱۳۸۲ است، مطابق با این قانون، اعمالی مثل برنامه ریزی با تشکیل جمعیت به منظور براندازی نظام جمهوری اسلامی ایران (ماده ۱۷)، اقدام برای جدا کردن قسمتی از قلمرو حاکمیت جمهوری اسلامی ایران یا لطمه وارد کردن به تمامیت ارضی با استقلال کشور (ماده ۲۰)، دادن اسرار کشور به دشمن یا بیگانه (ماده ۲۴. بند ج) پناه دادن جاسوسان (تبصره ۲ ماده ۲۴)، تخلف از تکالیف نظامی (ماده ۲۹). انعقاد قرارداد تسلیم با دشمن (ماده ۳۱)، ادامه جنگ پس از دریافت دستور توقف عملیات (ماده ۳۵)، خودداری از رفتن به مأموریت (ماده ۴۲)، ترک محل نگهبانی (ماده ۴۳) وارد کردن صدمه بدنی به خود برای فرار از کار (ماده ۵۱)، غیبت با فرار (مواد ۶۱ الی ۶۵) در حکم افساد فی الارض و مجازات آنها اعدام است.

۱. برای مثال، می توان به مواردی چون برنامه ریزی با تشکیل جمعیت به منظور براندازی نظام جمهوری اسلامی ایران، اقدام برای جدا کردن قسمتی از قلمرو حاکمیت جمهوری اسلامی ایران یا لطمه وارد کردن به تمامیت ارضی با استقلال کشوره دادن اسرار کشور به دشمن یا بیگانه، پناه دادن به جاسوسان، تخلف از تکالیف نظامی و غیره در قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح، مصوب سال ۱۳۸۲ اشاره کرد.

۲. ماده مذکور اشعار می دارد: «هر کس به طور گسترده، مرتکب جنایت علیه تمامیت جسمانی افراد، جرائم علیه امنیت داخلی یا خارجی کشور، نشر اکاذیب، اخلال در نظام اقتصادی کشور، احراق و تخریب، پخش مواد سمی و میکروبی و خطرناک یا دایر کردن مراکز فساد و فحشا با معاونت در آنها گردد به گونه ای که موجب اخلال شدید در نظم عمومی کشور، نامنی با ورود خسارت عمده به تمامیت جسمانی افراد یا اموال عمومی و خصوصی، یا سبب اشاعه فساد یا فحشا در حد وسیع گردد، مفسد فی الارض محسوب و به اعدام محکوم می گردد.

چنین عنوان مجرمانه مستقلی و با چنین شرایطی برای نخستین بار در نظام کیفری ما مورد پیش بینی قرار گرفته است. با توجه به متن ماده مذکور، مشخص می شود که دامنه این جرم بسیار گسترده است و بسیاری از مجرمان را می توان تحت شمول آن قرار داده مفسد فی الارض اعلام و در نتیجه به مجازات اعدام محکوم کرد. به ویژه از آن رو که واژه های گسترده، شدید، عمده و وسیع که در ماده به کار رفته اند، تعریف دقیق و روشنی ندارند و هر قاضی ممکن است تعریف خاص خود را از آنها ارائه دهد. (میرمحمدصادقی، ۱۳۹۴، ص ۶۳)

چنانچه برای قاضی چنین اختیار و نقشی قائل باشیم بر خلاف اصل تفکیک قوا و اصل قانونی بودن جرم و مجازات ها عمل کرده ایم که ناصحیح و غیر معقولانه بودن چنین روشی واضح و مبرهن است. بدیهی است چنین شیوه قانون نویسی، دست قضات را برای اعمال سلاقی شخصی باز می گذارد و امکان نقض حقوق شهروندی و آزادی های مشروع افراد را افزایش می دهد. این در حالی است که تردیدی وجود ندارد که قوانین کیفری به دلیل حساسیت و اهمیت ویژه ای که دارند، باید روشن و بدون ابهام نوشته شوند و این وظیفه در مواردی که با مجازات سنگینی مثل اعدام مواجه می باشیم، طبعاً مضاعف می شود (میرمحمدصادقی، ۱۳۹۴، ص ۶۳)

یکی دیگر از جرائم علیه امنیت که در قوانین جزایی پس از انقلاب ضابطه مشخصی نداشته و دچار تغییر و تحول زیادی شده، جرم بغی است، توضیح آنکه قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۷۰. دو عنوان محاربه و بغی را به نوعی با یکدیگر خلط کرده بود و برای مرتکبان جرائم مذکور در مواد ۱۸۶، ۱۸۷ و ۱۸۸ که به ترتیب به قیام مسلحانه در برابر حکومت اسلامی، ریختن طرح براندازی حکومت اسلامی و تهیه اسلحه و مواد منفجره برای این منظور یا ارائه امکانات مالی موثر به طراحان و نیز نامزد شدن برای یکی از پست های حساس حکومت کودتا مربوط بود، مجازات محاربه را پیش بینی کرده بود؛ اما قانون مجازات اسلامی، مصوب سال ۱۳۹۲، با حذف این مواد بغی را به عنوان یکی از مصادیق جرائم مستوجب حد، در ماده ۲۸۷ مورد حکم قرار داده است، به نظر می رسد موضع قانون گذار در قانون اخیرالذکر مقرون به صواب باشد، زیرا این اعمال، به دلیل اینکه علیه حکومت انجام می شوند، با عنوان مجرمانه بغی سازگارتر هستند. در واقع، محاربه یک جرم علیه امنیت و بغی یک جرم علیه حکومت است، البته ذکر این نکته هم ضروری است که حتی در اصل جرم انگاری بغی هم میان فقها و حقوقدانان اختلاف نظر وجود دارد. (میرمحمدصادقی، رحمتی، ۱۳۹۴، ص ۳۰)

مطالعه سیاست کیفری ایران در قبال جرم جاسوسی نشان می دهد که قانونگذار در زمینه مهمترین مسائل مربوط به این جرم غیرشفاف و مبهم عمل می نماید. سیاستی که منجر به بروز اختلاف در حیطة و شمول این جرم در میان جامعه حقوقی کشور می شود. اختلافهای نظری که به علت این ابهامات در میان حقوقدانان و رویه قضایی وجود دارد، تنها محدود به یک دسته از

موضوعات جزئی نمی باشد، بلکه پیرامون مصادیق جاسوسی و یا ارکان مادی و معنوی آن هم اختلافات نظرهای متعددی وجود دارد. رویکردهای گوناگونی که جایگاه اصل کیفی بودن قوانین کیفری (لزوم صراحت و شفافیت متون قانونی) را در مورد این جرم مهم به خطر می اندازد. نخستین اختلاف محوری مربوط به مصادیق جاسوسی در حقوق کیفری ایران می باشد. از آنجاکه قانونگذار هیچ گونه تقسیم بندی در زمینه مقررات مربوط به جرائم علیه امنیت را مطرح نکرده، در مورد برخی از جرائم علیه امنیت همواره این پرسش مطرح می شود که آیا این موارد به عنوان مصداقی از جرائم جاسوسی قابل پذیرش می باشند یا خیر؟ به این دلیل می باشد که برخی از حقوقدانان ایرانی همکاری با دول خارجی متخاصم (موضوع ماده ۵۰۸ ق.م.ا) را - به تبعیت از مصادیق پذیرفته شده جاسوسی از طرف قوانین جزایی کشورهای دیگر مصداقی از جاسوسی در حقوق کیفری ایران می دانند و برخی دیگر از حقوقدانان، بزه مزبور را تنها به عنوان یکی از جرائم علیه امنیت مطرح نموده اند (مجیدی، ۱۳۹۹، ص ۲۵۵)

در حقوق کیفری ایران در رابطه با شمول موضوعات جاسوسی هم وحدت نظری وجود ندارد. عده ای از حقوقدانان مقصود از «اسرار مربوط به سیاست داخلی و خارجی کشور» (مذکور در ماده ۵۰۱ ق.م.ا) را در بر گیرنده کلیه ی اسرار محرمانه سیاسی، اقتصادی و فرهنگی می دانند و عده ای دیگر آن را محدود به اسرار سیاسی و نظامی تفسیر نموده اند افزون بر این، به علت ابهامات موجود، عده ای از نویسندگان پاره ای از جرائم مرتبط با جاسوسی مانند اخفا یا سبب اخفا شدن جاسوسی را هم به عنوان مصداقی از جاسوسی در حقوق کیفری ایران مطرح نموده اند (مجیدی، ۱۳۹۹، ص ۲۵۵)

سیاست کیفری ایران در رابطه با نحوه تفکیک جرم جاسوسی از خیانت به کشور هم با عدم شفافیت مواجه است. در صورتی که عده ای از نویسندگان حقوقی به علت عدم اشاره قانونگذار به عنوان مجرمانه خیانت به کشور، وجود چنین عنوان مجرمانه ای را در قلمرو جرائم علیه امنیت ممکن نمی دانند. عده ای دیگر از حقوقدانان مصادیق گوناگونی از جرائم علیه امنیت همانند طرح براندازی، همکاری با دشمن متخاصم و نیز تسلیم اسرار به نیروهای خارجی را از مصادیق قانونی خیانت به کشور تشخیص داده اند با توجه به ابهامات فوق به نظر ضروری می رسد قانونگذار در راستای اعمال سیاست کیفری شفاف و صریح و نیز جهت رعایت اصل قانونمندی جرائم و مجازاتها، برخی اقدامات تقنینی را انجام بدهد. (مجیدی، ۱۳۹۹، ص ۲۵۵)

## ۲-۷- تحولات حقوق کیفری ایران پس پیروزی از انقلاب اسلامی

در نظام حقوقی ایران از ابتدای تصویب مقررات کیفری شکلی سیاست اعمال تضمینات دادرسی به لحاظ قانونی و رویه قضایی، با موانع متعدد و محدودیت های غیر قابل توجیهی روبرو بوده و این روند کم و بیش ادامه دارد. از جمله ی تضمینات دادرسی می توان به حضور وکیل و



مداخله وی در مرحله تحقیقات اشاره کرد. روند تحول حق برخورداری متهم از وکیل در جریان تحقیقات مقدماتی - که یکی از اصول دادرسی عادلانه و برقراری تساوی سلاح ها به شمار می‌رود- در نظام حقوقی ایران تا حدی شگفت انگیز بوده است. در متن اولیه قانون آیین دادرسی کیفری، حکم صریحی درباره دخالت وکیل متهم در جریان تحقیقات مقدماتی دیده نمی شود. ولی پس از آن در سال ۱۳۳۵ تبصره ای به ماده ۱۱۲ قانون آیین دادرسی کیفری اولیه افزود که ضمن آن به متهم این اختیار داده شد که وی بتواند یک نفر از وکلای رسمی دادگستری را بدون آن که - وی بتواند در امر تحقیق مداخله کند- به همراه خود داشته باشد، و او (وکیل) تنها مجاز به «ارائه تذکر به بازپرس» آن هم «پس از خاتمه بازجویی...» دانسته بود. (خالقی، ۱۳۸۹، ص ۱۴۴)

«قانون تعزیرات»، مصوب سال ۱۳۶۲، از ماده ۱۶ (پس از اتمام جرایم علیه امنیت) به جرایم ضد آسایش عمومی می پرداخت، و از این نکته که عنوان ذکر شده در بالای ماده ۸۴ «جرایم نسبت به مأمورین دولت» بود می توانستیم استنباط کنیم که جرایم ضد آسایش عمومی مجموعه جرایم مطروحه از ماده ۱۶ الی ماده ۸۳ «قانون تعزیرات» می باشند، این جرایم عبارت بودند از قلب سکه، جعل و تزویر، محو یا شکستن مهر و سرقت نوشتجات از اماکن دولتی، فرار محبوسین قانونی و اخفاء مقصرین، غضب عناوین و مشاغل، تخریب اموال دولتی، تقصیرات وزرا و مأمورین دولتی، امتناع از انجام وظایف قانونی و تعدیات مأمورین دولتی نسبت به دولت.

با این حال، با توجه به فقدان فصل بندی کامل و صحیحی در «قانون تعزیرات» مصوب ۱۳۶۲ این امکان وجود داشت که در درک صحیح و دقیق فهرست جرایم علیه آسایش عمومی مشکل و اختلاف نظر بروز کند که البته این امری کاملاً معمول است، زیرا تقسیم بندی ها عمدتاً بر حسب سلیقه و ذوق اشخاص و گاهی هم به اشتباه انجام می گیرند و نمی توان برای آنها منطق قطعی پیدا کرد. حتی «قانون تعزیرات»، مصوب سال ۱۳۷۵، در برخی از فصل ها، از جمله در فصل پنجم راجع به جعل و تزویر، جرایمی را ذکر کرده که با عنوان فصل، هماهنگی و مطابقت ندارد. در هر حال، شاید برای پرهیز از همین مشکلات اختلاف نظرها بوده است که «قانون تعزیرات»، مصوب سال ۱۳۷۵، اساساً متعرض عنوان «جرایم علیه آسایش عمومی» نشده و هر یک از جرایم فوق الاشعار را در مربوط به خود بررسی کرده است، بدون این که مجموع آنها را تحت عنوان کلی و ضد آسایش عمومی قرار دهد.

در مورد جرایم علیه امنیت کشور» نیز «قانون تعزیرات»، مصوب سال ۱۳۷۵، آنها را ذیل دو سرفصل مجزا ذکر نکرده، بلکه فصل اول (مشمول بر ۱۵ ماده، یعنی از ماده ۴۹۸ الی ماده ۵۱۲) را مجموعاً زیر عنوان «جرایم ضد امنیت داخلی و خارجی کشور» ذکر کرده است. همین شیوه در «قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح»، مصوب سال ۱۳۸۲، در پیش گرفته شده است.

در قانون اخیرالذکر، مواد فصل دوم (از ماده ۱۷ الی ماده ۲۸) ذیل عنوان «جرایم علیه امنیت داخلی و خارجی» ذکر شده اند، در حالی که قانون مجازات عمومی این جرایم را در دو مبحث تحت عنوان «جنحه و جنایات بر ضد امنیت خارجی مملکت»، (از ماده ۶۰ الی ماده ۶۸) و «جنحه و جنایت بر ضد امنیت داخلی مملکت» (از ماده ۶۹ به بعد) ذکر کرده بود، که این دو مبحث تحت فصل اول از باب دوم «قانون مجازات عمومی» ذکر شده بودند. «قانون تعزیرات»، مصوب سال ۱۳۶۲ همان نقص مذکور (یعنی نداشتن فصل بندی دقیق و منظم) طی ۹ ماده اول جرایمی که در «قانون مجازات عمومی» تحت عنوان «جرایم ضد امنیت خارجی که مورد اشاره قرار گرفته بودند اشاره می کرد، بدون آن که به این عنوان اشاره ای داشت باشد، و مواد ۱۰ الی ۱۵ را زیر عنوان «جرایم بر ضد امنیت داخلی مملکت» آورده بود

در هر حال، به نظر می رسد که پرهیز قانونگذار از تفکیک قائل شدن بین جرایم ضد امنیت داخلی و جرایم ضد امنیت خارجی به دلیل آن است که قرار دادن برخی از جرایم مورد بحث تحت هر یک از این دو عنوان ممکن است با شک و تردید مواجه شود، چون این دو ممکن است با یکدیگر همپوشانی هایی داشته باشند. حتی برخی اصل این تقسیم بندی را مورد تردید قرار داده و اظهار داشته اند که امنیت کشور یک واحد غیرقابل تجزیه می باشد، که ممکن است توسط اتباع کشور یا افراد خارجی مورد تهدید قرار گیرد. این امر نباید مجوزی برای تفکیک قائل شدن بین این جرایم باشد. البته شاید بتوان برای این تقسیم بندی، محمل معقولی یافت و آن این که برخی از جرایم پیش بینی شده در قانون با استقلال و تمامیت ارضی کشور برخورد دارند، مثل جاسوسی برای دشمن، تحریک نظامیان به فرار از مقابل دشمن، تسلیم شهر با هواپیما به دشمن، تنظیم قرارداد تسلیم با دشمن، همکاری با دولت خارجی متخاصم، اخفای جاسوسان دشمن و معرفی جاسوس به کشور بیگانه، که سه مورد اخیر در مواد ۵۰۸ و ۵۱۰ قانون تعزیرات، پیش بینی شده اند، و موارد پیشین در مواد مختلف قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح، مصوب سال ۱۳۸۲، مورد اشاره قانونگذار قرار گرفته اند. از سوی دیگر، برخی از جرایم علیه امنیت، بدون برخورد با استقلال و تمامیت ارضی کشور، تنها به هرج و مرج و اغتشاش در داخل کشور می انجامند، مثل تحریک مردم به کشتار، موضوع ماده ۵۱۲ «قانون تعزیرات»، مصوب سال ۱۳۷۵. بدین ترتیب، می توان گفت که جرایم دسته اول جزء جرایم ضد امنیت خارجی، و جرایم دسته دوم جزء جرایم ضد امنیت داخلی کشور تلقی می گردند. در قوانین ایران گاه در متن مواد به اقدامات با جرایم علیه امنیت داخلی یا خارجی کشور اشاره شده است. البته، امروزه در بسیاری از کشورها به جای تقسیم بندی امنیت به داخلی و خارجی آن را، با توجه به آنچه که منافع ملی، اقتضاء می کند، به انواعی مثل «امنیت سیاسی، امنیت نظامی، امنیت اقتصادی، امنیت اجتماعی و ... تقسیم می کنند». (میرمحمدصادقی، ۱۳۹۴، ص ۱۹)

## نتیجه گیری

نظام حقوق کیفری با هدف حفاظت و حمایت از ارزش‌های اساسی و مورد قبول جامعه با تبیین رفتارهای خلاف و معارض قواعد و هنجارها، اعمال مجرمانه و منحرفانه را تعیین و مشخص می‌نماید. سیاست جنایی هر جامعه می‌بایست برای جرم‌انگاری و خلاف قاعده دانستن اعمال و اقدامات افراد که تا پیش از این مباح تلقی می‌شدند، توجیه مناسب ارائه دهد. رسالت حقوق کیفری و اعمال و اجرای مجازات همواره در گرو جرم‌انگاری می‌باشد که اگر فرآیند جرم‌انگاری در چارچوب معقول و مورد قبول جامعه صورت بگیرد، می‌توان سیاست تقنینی کیفری را در راستای جرم‌انگاری، موفق ارزیابی نمود و همگان به این مسئله که حمایت کیفری از ارزش‌های مورد قبول آن‌ها، حمایتی شایسته و بایسته است، متفق‌القول می‌شوند. حال اگر عملکرد سیاست تقنینی یک جامعه تحت عنوان جرم‌انگاری، از حدود نرمال و متعارف خود خارج شود و دامنه مداخله و پیشروی حقوق کیفری را در قلمرو اعمال مباح افراد گسترش دهد و یا با محدود کردن منطقه آزاد رفتاری، سبب توسعه منطقه کنترل شده رفتاری شود، سخن از جرم‌انگاری حداکثری یا امنیت مدار پیش می‌آید. در حقوق جزا ما با دو نوع سیاست کیفری روبرو هستیم. از سویی سیاست کیفری عدالت محور (شهروند مدار) قرار دارد و از سویی دیگر و در مقابل آن، سیاست کیفری امنیت‌گرا (حداکثری، امنیت‌مدار، توسعه‌طلب) قرار دارد. در سیاست کیفری عدالت محور، اصل بر محدودیت قلمرو مسئولیت افراد و عدم مداخله در زندگی خصوصی آنان است و در سیاست کیفری امنیت‌گرا، که در چند دهه اخیر با مداخله روز افزون دولت‌ها در زندگی خصوصی افراد و گسترش مسئولیت فردی به منصف ظهور رسیده است؛ غایت ظاهری، حاکمیت امنیت به بهانه از بین رفتن و خدشه به حقوق بشر می‌باشد. سیاست تقنینی با توجه به دیدگاه امنیت‌گرایی، به کنترل گسترده رفتارهای اجتماعی از رهگذر جرم‌انگاری حداکثری می‌پردازد.

جرم‌انگاری حداکثری که از اصول راهبردی سیاست کیفری ایران در قلمرو جرائم علیه امنیت است از بررسی مقررات جزایی مربوطه به خوبی قابل استنباط می‌باشد. اهتمام ویژه قانونگذار به حفظ و تأمین ثبات سیاسی و تلاش در جهت استحکام بخشیدن به پایه‌های نظام سبب شده است تا از یک سو دامنه جرم‌انگاری در این جرائم تا مرحله اندیشه مجرمانه و اعمال مقدماتی پیش رود و از سوی دیگر عناوین مجرمانه پیشین نیز دچار تغییرات جدید گردند. توسعه در عناوین مجرمانه پیشین گاهی به کمک تغییر در اوصاف مجرمانه و در برخی موارد از طریق جرم‌انگاری‌های نوین محقق شده است.

### پیشنهادها

- پیشنهاد می‌شود قانونگذار با توجه به مشکلات امنیتی کشور، اقدام به جرم‌انگاری‌های جدیدی در زمینه ی بزه جاسوسی نماید و در کنار آن با تکیه بر روش احصاء قانونی، صراحتاً مصادیق بزه جاسوسی را در متون قانونی اعلام نماید تا از بروز اختلاف نظر و دیدگاه‌های حقوقی در این باره بکاهد. پذیرش صریح نظریه «ملیت» در مقام تفکیک بزه جاسوسی از خیانت به کشور از سوی مقنن نیز می‌تواند به تقلیل ابهامات موجود کمک شایانی نماید.

- پیشنهاد می‌شود جهت تحقق سیاست کیفری سرکوبگرانه از سوی مقنن در قبال مرتکبین جرایم علیه امنیت، تغییرات مهمی رادر شیوه‌ی مبارزه در قبال این دسته از مجرمین را مورد نیاز دارد. بکارگیری از روش جرم‌انگاری مستقل معاونت در جاسوسی، در زمره‌ی یکی از این روش‌های کارآمد در مقابل مجرمین امنیتی است که غالباً این جرایم را به صورت بانندی و سازمان یافته مرتکب می‌شوند.

## فهرست منابع

### کتابها

۱. خالقی، علی، ۱۳۸۹، آیین دادرسی کیفری، چاپ سیزدهم، تهران، انتشارات شهر دانش
۲. دهخدا، علی اکبر، ۱۳۷۷، لغت نامه دهخدا، چاپ اول، تهران، انتشارات دانشگاه تهران
۳. مجیدی، سید محمود، ۱۳۹۳، حقوق کیفری اختصاصی تطبیقی (جرایم علیه امنیت)، چاپ دوم، تهران، نشر میزان.
۴. مجیدی، سید محمود، ۱۳۹۹، جرایم علیه مصالح عمومی کشور- جزای اختصاصی ۲- چاپ اول، تهران، نشر میزان.
۵. معین، محمد، ۱۳۵۳، فرهنگ فارسی معین، چاپ دوم، تهران، انتشارات امیرکبیر تهران.
۶. میر محمد صادقی، حسین؛ ۱۳۹۰، تحلیل مبانی حقوق جزای عمومی، چاپ دوم، تهران، نشر جنگل.
۷. میر محمد صادقی، حسین، ۱۳۹۴، حقوق کیفری اختصاصی (۳) جرایم علیه امنیت و آسایش عمومی، چاپ ۲۹، تهران، میزان.
۸. نجفی ابرندآبادی، علی حسین، ۱۳۹۱، درباره امنیت شناسی (از حق بر امنیت تا حق بر تأمین)، دیپاچه، رضوانی، سودابه، مدیریت انسان مدار ریسک جرم، چاپ اول، تهران، نشر میزان
۹. نجفی ابرند آبادی، علی حسین، هاشم بیگی، حمید، ۱۳۹۷، دانشنامه جرم شناسی، تهران، نشر میزان
۱۰. هوساگ، داگلاس، ۱۳۹۰، جرم انگاری افراطی، چاپ اول ترجمه محمد تقی نوری، تهران، مجد.

### مقاله ها

۱۱. حبیب زاده، محمدجعفر، نجفی ابرندآبادی، علی حسین، کلاتنری، کیومرث ۱۳۸۰، «تورم کیفری عوامل و پیامدها»، فصلنامه علمی پژوهشی مدرس، شماره ۴.
۱۲. شمس ناتری، محمدابراهیم، جاهد، محمدعلی، ۱۳۸۷، عوامل و نتایج تورم کیفری و راهکارهای مقابله با آن، فصلنامه فقه و حقوق، شماره ۱۷.
۱۳. غلامی، حسین، ۱۳۹۱، اصل حداقل بودن حقوق جزا، فصلنامه پژوهش حقوق کیفری، شماره ۲
۱۴. قناد، فاطمه، اکبری، مسعود، ۱۳۹۶، امنیت گرای سیاست جنایی، پژوهش حقوق کیفری، شماره ۱۸.

۱۵. کوشکی، غلامحسین، علیزاده سرشت، نادر، ۱۳۹۴، نگاهی به قلمرو جرایم امنیتی در پرتو صلاحیت دادگاه انقلاب، پژوهش حقوق کیفری، شماره ۱۲.
۱۶. مجیدی، سید محمود، ۱۳۹۶، راهکارهای تامین جرم انگاری توسعه گرا در حقوق کیفری، پژوهشنامه حقوق کیفری، شماره ۱۰.
۱۷. مهدوی پور، اعظم، شهبزانی کرانی، نجمه، ۱۳۹۳، امنیتی شدن جرم‌شناسی راهبردها و آثار آن بر حقوق کیفری، پژوهشنامه حقوق کیفری، شماره ۱۰.
۱۸. میرمحمدصادقی، حسین، رحمتی، علی، ۱۳۹۴، مصادیق عدول از اصول کلی حقوقی کیفری در جرائم علیه امنیت، فصلنامه راهبرد، شماره ۷۶.

### تقریرات

۱۹. جعفری، مجتبی، ۱۳۸۷، مختصر جرم‌شناسی، خلاصه مباحث جرم‌شناسی دکتر نجفی ابرندآبادی.
۲۰. نجفی ابرندآبادی، علی حسین، سال تحصیلی ۱۳۸۳-۱۳۸۴، تقریرات جرم‌شناسی سیاست جنایی و تکنیک‌های حقوق کیفری، گردآوری توسط لیلا اسدی و بتول پاکزاد، نیمسال دوم دوره دکتری دانشگاه شهید بهشتی تهران.

نوع مقاله: پژوهشی

صفحات ۱۷۶ - ۱۵۹

## نقش اصول اخلاقی در تعهدات آب و هوایی از منظر حقوق بین الملل

رضا ملکی<sup>۱</sup>

مسعود راعی<sup>۲</sup>

### چکیده

علی رغم وجود رژیم حقوقی برای مقابله با تغییرات آب و هوایی در عصر کنونی، پیامدهای گوناگون تغییرات آب و هوا به سرعت در حال افزایش است و بیشترین تاثیرات منفی آن بر روی مردم فقیر و حاشیه ای اطراف جهان است. با توجه به ناکارآمدی نهاد مسئولیت حقوقی دولت ها در رعایت تعهدات آب و هوایی چه راهکار عملی می توان برای مقابله با این چالش در نظر گرفت؟ به نظر می رسد با توجه به مسیر ناهموار نظام حقوقی مسئولیت بین المللی برای مقابله با تغییرات آب و هوایی، از کنوانسیون ساختاری تا پاریس، می توان با اعتبار بخشیدن به اصول اخلاقی به مسئولیت اخلاقی دولت ها متوسل شد. در این نوشتار، با روش توصیفی و تحلیلی پس از بررسی رژیم حقوقی تغییرات آب و هوایی و چالش های آن، به اصول اخلاقی و ارتباط آن با تعهدات مرتبط با تغییرات آب و هوایی بعنوان راهکاری عملی برای مقابله با تغییرات آب و هوایی پرداخته می شود.

### واژگان کلیدی

تغییرات آب و هوایی، مسئولیت بین المللی دولت، اصول اخلاقی، مسئولیت اخلاقی، سند ۲۰۱۷ یونسکو.

۱. دانشجوی دکتری رشته حقوق بین الملل عمومی، واحد نجف اباد، دانشگاه آزاد اسلامی، اصفهان، ایران.  
Email: lawreza26@Yahoo.com

۲. دانشیار گروه حقوق بین الملل عمومی، واحد نجف اباد، دانشگاه آزاد اسلامی، اصفهان، ایران. (نویسنده مسئول)  
Email: masoudraei@yahoo.com

## طرح مسأله

بشر رفته رفته به موازات دستیابی به ابزار و فناوریهای تکامل یافته تر و بهره برداری از آنها، متوجه ذخایر طبیعی موجود در زیست کره و امکاناتی شد که میتواند بسیاری از آرزوهای دیرینه وی را برآورده سازد به این ترتیب گامهای نخستین برای تخریب و انهدام محیط زیست (وقوع جرایم زیست محیطی) برداشته شد. بسیاری از این اقدامات به مرور باعث تغییر آب و هوا گردید که این مقوله نیز به دنبال خود باعث شیوع پدیده هایی دیگری همچون شیوع امواج گرما و سرمای جهانی، تخریب لایه اوزن، وقوع سیل، خشکسالی و دیگر بلایای طبیعی، تشدید فرایندهای بیابان زایی و فرسایش، همچنین، تغییرات غیرقابل بازگشت در اکوسیستم گردید که هر کدام از این موارد به نوبه خود انواع حقوق بشر را تحت تاثیر قرار داد. لذا در این میان، درک موضوعات زیست محیطی و رفتار مردم در این زمینه در طول قرون گسترش یافته است. از آنجا که محیط زیست و پلایندگی آن از ضروریات بقای بشر می باشد لذا باید مانع از ورود صدمه و خسارت به آن گردید. نکته حائز اهمیت، آن بخش از مسایل زیست محیطی است که به مانند تغییرات آب و هوایی، ماهیت «فرامرزی» دارند، که از اهمیت بیشتری برخوردارند. بنابراین امروزه، محیط زیست و صدمات وارده بر آن از مهمترین دغدغههای جامعه بین المللی است و اندیشمندان بینالمللی به دنبال دستیابی به راهکارهای ثمر بخش برای کاهش خسارات وارد بر آن هستند.

حال سوال اساسی این نوشتار این است که با توجه به تاثیرات تغییرات آب و هوایی بر حقوق بشر از یک طرف، و محیط زیست از طرف دیگر، حقوق بین الملل برای مقابله با این چالش پیچیده جهانی چه راهکارهایی در نظر گرفته است؟ آیا راهکارهای موجود توانسته اند مانعی در مقابل نقض تعهدات آب و هوایی ایجاد نمایند؟ یا به عبارت دیگر این راهکارها تا چه میزان موفق بوده اند؟ در پاسخ به این سوال باید گفت به دلیل فقدان قواعد خاص در زمینه مسئولیت بین المللی در رژیم تغییرات آب و هوایی، به نظر می رسد، می بایست موضوع تغییرات آب و هوایی و آسیب های ناشی از این پدیده در چارچوب مفهوم مسئولیت آسیب های زیست محیطی مورد بحث و بررسی قرار بگیرد، لذا در این میان، حقوق عام مسئولیت بین المللی بر هرگونه نقض تعهدات معاهده ای و جبران خسارت مربوط قابلیت اعمال دارد که متاستفانه حقوق عام مسئولیت بین المللی در تئوری قابلیت اعمال دارد، اما در عمل در زمینه قابلیت انتساب، به دلیل عدم وجود قطعیت در سببیت، قادر به اثبات انتساب نیست و به دلیل فقدان تعهد در زمینه ممنوعیت مطلق انتشار گازهای گلخانه ای، ناتوان از اثبات نقض تعهد است. همچنین، نظام مذکور به دلیل خروج موضوعی مسئله خسارت از معاهدات مرتبط با تغییرات آب و هوایی،



بالأخص در توافق پاریس، قادر به حل جبران خسارت نیز نیست. لذا مسئولیت بین المللی دولت در زمینه تغییرات آب و هوایی با ناکارآمدی در ایفا کارکردهای خود مواجه است.

همین مسائل باعث شد تا موضوع تغییر آب و هوا به یک چالش زیست محیطی-اخلاقی در عصر حاضر تبدیل گردد. علی الخصوص بعد از فروپاشی مذاکرات کپنهاک در سال ۲۰۰۹ بسیاری از اندیشمندان را به این پرسش سوق داد که آیا جامعه بین المللی فراتر از بیانیه های اعلامی کم عمق با عبارات مبهم، دارای حدود و ثغور اخلاقی برای حل معضل تغییرات آب و هوایی هست یا خیر؟ این نوشتار، پس از بررسی راه کارها و فعالیت های پیشگیرانه ای که تاکنون جامعه بین المللی در مقابله با تغییرات آب و هوایی صورت گرفته است، به بیان چالش های موجود در این اقدامات می پردازد و سپس بعنوان راهکار، با تاکید بر اصول اخلاقی و ارتباط آن با تعهدات آب و هوایی، نقشی را که این اصول در عمل میتواند موجبات کاهش اثرات تغییرات اقلیمی ایفا نماید، مورد مطالعه و تحلیل قرار می دهد.

با بررسی پیشینه و ادبیات تحقیق درمی یابیم که تحقیقاتی که تاکنون در رابطه با این موضوع صورت گرفته است سعی کرده اند از ابعاد مختلف نهاد مسئولیت مدنی دولتها را در قبال تغییرات آب و هوایی مورد بررسی قرار داده و به عبارت دیگر، از دادخواهی و مسئولیت بین المللی بعنوان ابزاری جهت مقابله با عدم ایفای تعهدات در خصوص تغییرات آب و هوایی استفاده کنند و می توان گفت در مطالعات صورت گرفته، تحقیقی با هدف این نوشتار و تاکید بر نقش اصول اخلاقی برای اجرای تعهدات آب و هوایی در حقوق بین الملل به خصوص با تاکید بر سند ۲۰۱۷ یونسکو مدنظر هست، یافت نگردید. به طور مثال، عباس پورهاشمی، سبحان طیبی و شیما نادری در مقاله تحت عنوان « دادخواهی و مسئولیت بین المللی؛ ابزار مقابله با عدم ایفای تعهدات در خصوص تغییرات آب و هوایی» در سال ۱۳۹۳، معتقدند به دلیل ماهیت دولت محور نظام بین الملل تاکنون منجر به ایجاد یک نظام جامع حقوق بین الملل محیط زیست نشده است؛ لذا باید مقابله با تهدیدات محیط زیستی و نیز اعمال تعهدات مربوط در عرصه بینالمللی را از مساله دولتها به مساله ملتها و شهروندان فارغ از هرگونه مرزبندیهای سیاسی تغییر داد و با ایجاد دادگاهی بین المللی با رعایت ضوابط اقدامات پیشگیرانه و ایجاد شعبات خاص، برای مراجعه تابعان حقوق بین الملل، دادخواهی به نفع عموم (چه در سیستم داخلی و چه در سیستم بین المللی) مجاز شناخته شود، تا حدی که هر فرد بتواند با مراجعه به دادگاههای بین الملل محیط زیست تحت حاکمیت سازمان ملل بتواند احقاق حق نموده و جبران خسارت وارده را طلب نماید. همچنین حجت سلیمی ترکمانی در مقاله « از مسئولیت حقوقی دولتها تا مسئولیت اخلاقی آن ها در زمینه مقابله با تغییرات آب و هوایی» در سال ۱۳۹۷ معتقد است رژیم حقوقی تغییرات آب و هوایی، که شامل کنوانسیون ساختاری، پروتکل کیوتو و توافقنامه پاریس است، به

دلیل فقدان قواعد خاص در زمینه مسئولیت بین المللی در این رژیم، حقوق عام مسئولیت بین المللی بر هر گونه نقض تعهدات معاهده ای و جبران خسارت مربوطه قابلیت اعمال دارد. اما این حقوق عام از کارآمدی لازم در حوزه تغییرات آب و هوایی برخوردار نیست لذا مسئولیت بین المللی دولت در زمینه تغییرات آب و هوایی با ناکارآمدی در ایفای کارکردهای خود مواجه است و برای جبران این ناکارآمدی روند اخیر به سمتی است که در کنار مسئولیت حقوقی دولت ها، به تدریج مسئولیت اخلاقی آن ها با محوریت کاهش مصرف انرژی نیز مورد توسل واقع می شود. آقای علی مشهدی و خانم آزاده رستگار نیز در سال ۱۳۹۷ در مقاله ای تحت عنوان «تغییرات آب و هوایی، حقوق بشر و لزوم تاسیس دیوان بین المللی محیط زیست» بیان نموده اند با توجه به این که بسیاری از کنوانسیون ها و معاهدات محیط زیستی دارای نهاد الزام آور نیستند، در صورت بروز اختلاف میان طرف های کنوانسیون و همچنین، برای جلوگیری از تخریب هرچه بیشتر محیط زیست، تاسیس یک دیوان بین المللی محیط زیستی همانند دیوان بین المللی دادگستری، می تواند برای رفع مسالمت آمیز اختلافات در زمینه محیط زیست کمک کننده باشد. در کل با توجه به عدم توفیق نهاد مسئولیت عام بین المللی در حل معضل تغییر آب و هوایی، نگاهی با رویکرد جدید و توجه به اصول اخلاقی برای ایفای تعهدات آب و هوایی نیاز به مطالعه هر چه بیشتر در این زمینه را ایجاب می نماید.

### ۱- رژیم حقوقی مقابله با تغییرات آب و هوایی و چالش های آن

طی دو قرن اخیر، فعالیتهای صنعتی متراکم دولتها از دوران پس از انقلاب صنعتی، منجر به ازدیاد تراکم گازهای گلخانه‌ای در آسمان شده و این پدیده به تدریج سبب گرم تر شدن و به هم خوردن توازن انرژی زمین شده است (نواری، ۱۳۹۳: ۴۸) در حقیقت تغییر اقلیم یا تغییرات آب و هوایی، به هر تغییر مشخص در الگوهای مورد انتظار برای وضعیت میانگین آب و هوا گفته می شود که در طولانی مدت برای منطقه ای خاص یا تمامی کره زمین رخ دهد. در سالهای اخیر، تغییرات زیستمحیطی مانند تغییرات آب و هوایی، چالشهایی اساسی را برای امنیت انسانی در سراسر جهان ایجاد کرده اند که تشدید روز افزون معضلات زیستمحیطی همچون گرمایش جهانی، کاهش منابع آب و نابودی تنوع زیستی در قرون آتی، به یکی از مهمترین دغدغههای بسیاری از کشورهای جهان و سازمانهای بینالمللی تبدیل شده اند. (جاجرمی، ۱۳۹۲: ۱۹۴؛ اخوان کاظمی و دیگران، ۱۳۹۸: ۱۰) بنابراین اقدام سریع جامعه بین المللی را در این زمینه ایجاب می کند. با این حال، امروزه مطالعات علمی نشان می دهند که تعهدات کاهش انتشار آلودگی که توسط دولت ها ایجاد شده اند ناکافی بوده و از آن جایی که از نظر عینی این تعهدات به طور موثر برای بررسی تغییرات آب و هوایی کافی نیستند و به طور کافی اجرا نشده اند از این رو بسیاری از کشورها در مسیر انجام تعهدات خود موفق نبوده اند. موانع قابل توجهی برای اقدامات

جمعی موثر در مواجهه با تغییرات آب و هوایی وجود دارد. به طور مثال در بین کشورها اختلافات فاحشی از نظر سهم کربن در جو، پیشرفت صنعتی و ثروت، طبیعت انتشار آلاینده ها و آسیب پذیری آب و هوا وجود دارد. فقر در برخی از نقاط جهان به همراه نابرابری های مداوم درون و بیرون کشورها رو به افزایش است (Hayes & et al, 2018, 16) در بسیاری از جوامع و در میان سیاستمداران بی میلی آشکاری برای اصلاح شیوه های زندگی و توسعه وجود دارد و به اصطلاح در مورد راه حل های فنی برای رفع مشکلات پیچیده تغییرات آب و هوا اختلاف نظر وجود دارد. (اسفندیاری، میر عباسی، ۱۳۹۴: ۱۶۰)

دولت ها در چارچوب این محدودیت ها طی دو دهه گذشته اقدام به ایجاد یک رژیم حقوقی بین المللی در حال تکامل برای رسیدگی به تغییرات آب و هوا و اثرات آن نموده اند؛ "کنوانسیون سازمان ملل متحد در مورد تغییرات آب و هوا" و "پروتکل کیوتو" اولین گام قابل توجه جامعه بین المللی برای پرداختن به این نگرانی ها است. این ابزارها در سطح جهانی مورد توجه قرار گرفت و هدف اساسی آن ایجاد یک چارچوب حقوقی بین المللی برای مسئولیت مشترک اما متمایز در رابطه با کاهش گازهای گلخانه ای و انتشار آن و حمایت از اقدامات ملی برای مواجهه با این نگرانی جهانی با توجه ویژه به نیازهای کشورهای در حال توسعه و آسیب پذیر، از جمله کشورهای کم تر توسعه یافته و توسعه نیافته می باشد. (اسفندیاری، میر عباسی، ۱۳۹۴: ۱۶۱)

کنوانسیون دولت های عضو خود را به دو گروه اصلی با تعهدات مختلف تقسیم می کند. گروه اول که به اصطلاح "دولت های ضمیمه ۱" می باشند؛ کشورهایی که عمدتاً پیشرفته و صنعتی بوده و از نظر تاریخی مسئول بسیاری از گازهای گلخانه ای هستند که براین اساس موضوع کاهش گازهای گلخانه ای قرار می گیرند. گروه دوم دولتهای غیر ضمیمه ۱ هستند که بیشتر شامل کشورهای در حال توسعه و کمتر توسعه یافته میباشد که کمک های ویژه ای دریافت می کنند. پروتکل کیوتو نیز که در سال ۱۹۹۷ تصویب و در سال ۲۰۰۵ لازم الاجرا گشت، تعهدات الزام آور قانونی به ۱۸۷ دولت عضو آن شامل محدودیت الزام آور در انتشار گازهای گلخانه ای برای ضمیمه ۱ کنوانسیون برای دوره اول تعهدات یعنی مابین سال های ۲۰۰۸-۲۰۱۲ تعیین کرد (که در این زمینه متمایز از تخفیف مجازات "تسویقی" و "اقدامات سازگاری" کنوانسیون تغییرات آب و هوایی عمل کرد). براین اساس، دولت ها باید اطلاعات مشخصی در مورد میزان انتشار و اقدامات انجام شده در مورد کاهش انتشار ارائه دهند و پروتکل کیوتو طیف وسیعی از مکانیزم ها را برای تسهیل این امر مانند «سازو کار اجرای مشترک»، «سیستم تجارت انتشار بین المللی» و مکانیزمی موسوم به «مکانیزم توسعه پاک» فراهم کرده است. (Voigt, 2008: 3) به طور کلی کنوانسیون چارچوب سازمان ملل متحد تغییرات آب و

هوایی به مانند دیگر کنوانسیون‌های چارچوب واجد یک تعهد کلی در خصوص تثبیت انتشار گازهای گلخانه‌ای بر اساس سطح انتشار سال ۱۹۹۰ است؛ بی‌آنکه حدود و شیوه ایفای این تعهد کلی مشخص باشد. این حدود و شیوه‌ها در پروتکل کیوتو که سندی الزام‌آور است، مندرج می‌باشد. این سند ضمانت دقیق حدود تعهدات مندرج در کنوانسیون چهارچوب، کاهش اثر گازهای گلخانه‌ای را توسط دولت‌های توسعه یافته عضو کنوانسیون تضمین می‌نماید. پس از آن، در سال ۲۰۱۵ و در کنفرانس بیست و یکم اعضا در پاریس نیز توافقنامه موسوم به پاریس به تصویب رسید. در مقایسه این دو سند باید اذعان داشت که: از ابداعات مهم پروتکل کیوتو اولاً توجه و نظارت بر گازهایی که در پروتکل مونترال بیان نشده بود و ثانیاً بسط و تفصیل روشهای نظارت بر گزارشهای ملی اعضا و ثالثاً بیان سهم دقیق هر یک از اعضا در میزان کاهش انتشار گازهای گلخانه‌ای را می‌توان ذکر کرد. در مقابل، توافقنامه پاریس ضمن تاکید بیشتر بر برنامه مشارکت ملی کشورها، معیار پایبندی کشورها به توافق نامه را بیشتر مبتنی بر کاهش دمای زمین قرار داده است. نکته مهم دیگر در خصوص توافقنامه پاریس اذعان ضمنی به عدم موفقیت ایده‌های بلندپروازانه کنوانسیون در خصوص کاهش انتشار گازهای گلخانه‌ای و کاهش گرمایش زمین است بدین صورت که توافقنامه پاریس در کنار تعهد به کاهش دما و انتشار، تعهد به ارائه برنامه‌های افزایش سازگاری و انعطاف‌پذیری متناسب با شرایط جدید اقلیمی را نیز در نظر قرار داده است. (ماده ۷ توافقنامه پاریس). (حاج زاده، ۱۳۹۹، ۵۸)

اما متأسفانه برخلاف اثراتی که تغییرات آب و هوایی بر حقوق بشر می‌گذارد، هیچ یک از اسناد فوق دربردارنده مقررات لازم اجرایی در زمینه ضمانت اجرای تعهدات موجود در این اسناد نیستند؛ بنابراین نقطه شروع برای بحث مسئولیت بین‌المللی دولت ناشی از تغییرات آب و هوایی، ایجاد ارتباط میان این اسناد و حقوق بین‌الملل عام می‌باشد. (پورخاقان شاهرضایی، ۱۳۹۶: ۹۴)

با این حال، نهاد مسئولیت بین‌المللی یکی از حوزه‌های پر تردید حقوق بین‌الملل است. این پیچیدگی و ابهام در مورد مسأله تغییرات آب و هوایی با توجه به ماهیت و نوع آسیبها و تهدیدات ناشی از آن افزایش می‌یابد. با ارزیابی کارکرد نظام مسئولیت بین‌المللی دولت در حوزه تغییرات آب و هوایی به این نتیجه می‌رسیم که این نظام با ناکارآمدی نسبی مواجه است. در رابطه با رکن قابلیت انتساب؛ به دلیل وجود و پذیرش معیارهای متعدد مالکیت، اجرای اقتدار حکومتی و هدایت و کنترل، بحث قابلیت انتساب رفتار واحدهای دولتی به دولت مربوطه با ابهام مواجه است؛ از طرفی، در بحث قابلیت انتساب رفتار واحدهای غیر دولتی منتشر کننده گازهای گلخانه‌ای به دولت در قالب اصل «تلاش مقتضی» به دلیل مشخص نبودن آستانه میزان مراقبت و کنترل لازم، انتساب رفتار با مشکل مواجه است. در خصوص تشخیص وقوع

نقض، به عنوان رکن دوم ایجاد کننده مسئولیت، نیز ابهام وجود دارد، چراکه از یک سو در هیچکدام از معاهدات سه گانه رژیم تغییرات آب و هوایی، نفس انتشار گازهای گلخانه‌ای ممنوع نیست و صرفاً انتشار برای سطح خاص موجبات نقض تعهد را فراهم می‌سازد. از سوی دیگر مبنای تشخیص رعایت تعهد در برخی از این اسناد، ظرفیت و توانایی ملی برای ایفای تعهدات مربوطه است و در این صورت لازم است بسته به مورد تصمیم گرفته شود. فراتر از مباحث مربوط به ایجاد مسئولیت در بحث جبران خسارت نیز ناکارآمدی مسئولیت بین المللی دولت قابل طرح است؛ چرا که عموماً در معاهدات تغییرات آب و هوایی به جبران خسارت هیچگونه اشاره‌ای نشده است و حتی در توافق پاریس که از واژه ضرر و زیان استفاده شده است به اصرار کشورهای توسعه یافته، بحث مسئولیت دولت و جبران خسارت مستثنی شده است. این امر نشان می‌دهد نظام مسئولیت بین المللی دولت در ایفای کارکردهای خود در زمینه تغییرات آب و هوایی، با ناکارآمدی نسبی بود مواجه است.

بنابراین باید با در نظر گرفتن این موضوع، راه حل‌های مناسب برای رفع این چالش و شکاف‌های موجود ارائه شود. لذا سعی گردیده تا با به اصول اخلاقی به عنوان راهکاری برای رعایت تعهدات آب و هوایی در نظام بین الملل نگریسته شود و تحلیل نماییم تا چه حد این اصول می‌توانند در این مسیر و رسیدن به اهداف توسعه پایدار و حمایت از محیط زیست ایفای نقش نمایند.

## ۲- ارتباط اصول اخلاقی و تعهدات آب و هوایی

اخلاق، هسته اصلی هر تعهدی را تشکیل می‌دهد. در حقیقت، اخلاق، به عنوان یک نیروی محرک، می‌تواند منجر به هدایت اقدامات گردد، داوری‌ها را تسهیل نماید، منافع متضاد را رفع نماید، اولویت‌ها را تعیین نماید. اخلاق این ظرفیت را دارد که تئوری را با عمل، اصول کلی را با اراده سیاسی و آگاهی جهانی را با کنش‌های محلی پیوند دهد. (UNESCO, 2018) برای درک کامل یک دیدگاه اخلاقی در مورد تغییرات آب و هوایی، شاید سوالی که به ذهن‌ها خطور نماید این است که چرا اصول اخلاقی در مبارزه با تغییرات آب و هوایی مهم است؟

در پاسخ به این سوالات باید اذعان داشت که اخلاق بعنوان یک شیوه فلسفی می‌تواند به جامعه کمک نماید تا با گام برداشتن به عقب، دید وسیع تری از علل و پیامدهای تغییرات اقلیمی داشته و براساس آن واکنش نشان داده و عمل نمایند. در حقیقت، تغییرات آب و هوایی به عنوان بزرگترین تهدید برای توسعه ملی به ویژه برای کشورهای جزیره‌ای کوچک در حال توسعه دیده می‌شود. به عنوان مثال، سنت وینسنت و گرنادین‌ها<sup>۱</sup> یک ایالت جزیره‌ای است که در ۲۰ سال

1. Saint Vincent and the Grenadines

گذشته تحت تأثیر طوفان‌های قوی‌تر از قبل، خشکسالی‌های طولانی‌تر، سیل‌های ناگهانی بیشتر و افزایش سطح دریا قرار گرفته است. یا در دسامبر ۲۰۱۳، خسارات ناشی از فرورفتگی‌های وارد شده به جزیره ۹۳.۳ میلیون دلار آمریکا برآورد شد. در چنین شرایطی، پایداری به حقایق و اثرات اقتصادی تغییر اقلیم برای مبارزه با آن کافی نیست. (Gardiner, 2014, 169)

در حقیقت، اصول اخلاقی برابری و عدالت، دولت‌ها و سایر بازیگران مربوطه را به تسهیل و تشویق آگاهی عمومی و مشارکت در تصمیم‌گیری‌ها و اقدامات از طریق دسترسی به اطلاعات و دانش در مورد تغییرات آب و هوا و همچنین ابزارهای نحوه اجرا وادار می‌کند. این اقدامات می‌بایست از طریق تقویت گفتگو و ارتباطات اجتماعی توسط رسانه‌ها، جوامع علمی، سازمان‌های جامعه مدنی و جامعه به طور کلی انجام شود. در راستای اهمیت هماهنگی مابین کشورها، باید بیان کنیم که اصول اخلاقی برای مبارزه موثرتر و موجه‌تر با تغییرات آب و هوایی ضروری است. به عنوان مثال، کره جنوبی هر بهار با طوفان‌های شن زرد رنگی که از مغولستان و چین می‌وزد، تحت تأثیر قرار می‌گیرد. از طرفی، با صنعتی شدن اخیر و جنگل‌زدایی در غرب چین و مغولستان، طوفان‌های شن زرد حاوی یک ماده مضر در گرد و غبار هستند که می‌تواند سلامت مردم را تحت تأثیر قرار دهد و مشکلات اجتماعی ایجاد کند. این پدیده مخصوص کره جنوبی نیست و چین و مغولستان را نیز تحت تأثیر قرار می‌دهد. (UNESCO, 2018) بنابراین، نیاز به هماهنگی اقدامات کشورها برای مقابله و مبارزه با این معضل وجود دارد. اینجاست که اصل همبستگی مطرح می‌شود. همبستگی، در این زمینه، به این معنی است که کشورهای آسیب‌دیده باید بدانند که همگی در دنیایی که ما در آن زندگی می‌کنیم سهیم هستند و نمی‌توانند از امکان زندگی روی زمین صرفاً برای منفعت‌شان صرف نظر کنند. تلاش برای حفاظت و ارتقای جهان باید به گونه‌ای انجام شود که نشان دهنده همبستگی و وابستگی متقابل بین مردمان با پیشینه‌های مختلف وجود دارد. (Caney, 2005, 748)

در کل، تغییرات آب و هوایی بعنوان مشکلی مطرح می‌شود که دارای ویژگی‌های خاص خود است که منجر می‌شود به آن بعنوان یک مشکل اخلاقی دیده شود. این ویژگی‌ها عبارتند از:

اولاً؛ تغییرات آب و هوایی مسأله‌ای است که ممکن است توسط برخی از اشخاص در یک بخش از دنیا ایجاد شود اما افرادی در نقطه‌ای دیگر از جهان در معرض خطر قرار گیرند که اغلب در ایجاد این تغییرات نقشی نداشته‌اند. به طوریکه هم نسل‌های حاضر و هم نسل‌های آینده را در معرض خطر و تهدید قرار دهد؛ ثانیاً، آسیب‌هایی که افراد در معرض خطر با آن مواجه می‌شوند صرفاً ناراحتی‌های ناشی از تغییرات آب و هوایی نیست، بلکه خطرات بالقوه‌ای ناشی از این تغییرات است که تهدید کننده زندگی، سلامتی و منابع طبیعی افراد است که کاملاً

به حق حیات آنها وابسته می باشد؛ ثالثاً، تغییرات آب و هوایی چالشی است که بسیاری از افرادی که در معرض خطر هستند، کمتر می توانند با دادخواهی علیه حکومت و دولت، از خود محافظت کنند. بنابراین، بیشترین امید کسانی که در معرض تغییرات آب و هوایی و آسیب های ناشی از آن هستند این است که دولت ها و افرادی که این تغییرات را ایجاد می کنند، متوجه شوند برای اجتناب از آسیب رساندن به آنها و قربانیان وظیفه و تعهد دارند؛ رابعاً، ماهیت گاز دی اکسید کربن به صورتی است که به طور کامل در اتمسفر مخلوط می شود، لذا هر فعالیت انسانی که منجر به انتشار این گازها گردد، در افزایش غلظت آن در جو نقش دارد. بنابراین یک راه حل جهانی برای تغییرات آب و هوایی مستلزم آن است که تمامی آحاد بشری به سهم خود انتشار گازهای گلخانه ای را محدود سازند. علی الخصوص کسانی که سطح بالاتری از گازهای گلخانه ای را تولید می نمایند، براساس اصل انصاف باید سطح انتشار خود را به سطح تعیین شده و قابل قبول جهانی محدود کنند. همه این موارد نشان می دهد که موضوع تغییرات آب و هوایی و تعهدات مربوط به کاهش آن جدا از تعهدات حقوقی و سیاسی که دولت ها براساس معاهدات بین المللی بر عهده می گیرند، یک تعهد اخلاقی است که حتی دولت هایی که عضو این معاهدات نیستند هم ملزم به رعایت آن هستند. (Donald & et al. 2015, 19)

## ۲-۱- اصول اخلاقی مرتبط با تعهدات آب و هوایی

همانطور که بیان گردید، از آنجایی که دولت هایی که حداقل بهره مندی را از فرایند توسعه و صنعتی شدن دارند غالباً بیشترین تاثیر را از تغییرات آب و هوایی می بینند، بعد اخلاقی تغییرات آب و هوایی روز به روز برجسته تر می شود. اسناد بین المللی الزام آور و غیر الزام آور متعددی وجود دارد که می توانند برای قانونمند ساختن اجماع جهانی روی ارزش های اخلاقی حاکم در حوزه تغییرات آب و هوایی مورد استفاده قرار گیرند. هر یک از این اسناد مبتنی بر ارزش ها و اصول اخلاقی خاصی هستند که حمایت جهانی در این حوزه را به خود جلب نموده اند. اصول و ارزشهای اخلاقی مندرج در این اسناد شاید نتوانند به طور کامل یا کافی مسائل مربوط به تغییرات آب و هوایی را حل کند، ولی می توانند برای پر کردن خلاء راهکارهای حقوقی در نیل به اهداف تغییرات آب و هوایی مورد استفاده قرار گیرند (COMEST, 2010, 21). هرچند فرایند تبدیل اصول اخلاقی به اصول و قواعد حقوقی الزام آور زمان بر است، ولی در بدینانه ترین حالت نیز این اصول جزو حقوق نرم قلمداد می شوند و در آینده قابلیت تبدیل به حقوق سخت را خواهند داشت. چنین روندهای سابقاً در خصوص مفاد اعلامیه استکهلم (۱۹۷۳) و اعلامیه ریو (۱۹۹۲) طی شده است و اصول اخلاقی مندرج در آن ها به اصول

حقوقی تبدیل شده‌اند. (سلیمی ترکمانی، ۱۳۹۷، ۱۲۴)

لذا، در فقدان قواعد حقوقی موثر و روشن، دولت‌ها به دنبال راهکارهایی بودند که یکی از آنها طرح مسئولیت اخلاقی است (Spence, 2010, 80). اگرچه دولت‌ها بر اساس مفاد کنوانسیون ساختاری، پروتکل کیوتو و توافق پاریس، متعهد به کاهش انتشار گازهای گلخانه‌ای تا سطح خاصی هستند، اما برای تضمین نیل به اهداف مطروحه لازم است دولت‌ها بالأخص دولت‌های توسعه یافته، فرای منافع ملی خود بر اساس اصول اخلاقی نیز عمل نمایند؛ بنابراین تلاش برای ایفای تعهدات صرفاً بر مبنای منافع ملی نمی‌تواند راه حل مطلوبی برای حل مسئله تغییرات آب و هوایی باشد، بلکه نیاز به پذیرش مسئولیت اخلاقی نیز هست (Brown, 2009, 978)

در این میان اولاً، کشورهای توسعه یافته بر اساس کنوانسیون ساختاری، مسئولیت اخلاقی برای هدایت رژیم تغییرات آب و هوایی دارند. بر طبق بند یک ماده سه کنوانسیون ساختاری، کشورهای توسعه یافته بایستی روند مبارزه با تغییرات آب و هوایی را هدایت و رهبری کنند. رهبری کشورهای توسعه یافته به معنای ایجاد زمینه‌های حرکت عمومی برای تحقق اهداف رژیم تغییرات آب و هوایی است که از جمله شامل کاهش در میزان سرانه انتشار گازهای گلخانه‌ای در کلیه کشورها با استفاده از منابع اقتصادی و فنی است. در راستای ایفای این کار کرد، کشورهای توسعه یافته اخلاقاً متعهد هستند که نوعی از شیوه زندگی برای کل دنیا، توسعه یافته یا در حال توسعه، طراحی کنند که بستگی به مصرف بالای انرژی نداشته باشند. همچنین آنها بایستی نوعی الگوی مصرف انرژی ارائه کنند که سایر دولت‌ها نیز بتوانند از آن پیروی کنند (Brown, 2009, 991). یکی از این راه‌کارها ترویج استفاده از سوخت‌های تجدیدپذیر یا نوین به جای سوخت‌های فسیلی است. این سوخت‌ها علاوه بر اینکه جایگزین مناسبی برای سوخت‌های فسیلی باشند، در عین حال ضمن دارا بودن تطابق‌های زیست محیطی توان کشورها را در تأمین مصرف داخلی برای تولید انرژی الکتریکی، انرژی گرمایی و حمل و نقل تأمین کنند و یکی از مسائل مهمی است که تفکر جمعی کشورهای مختلف را به خود مشغول کرده است. در این میان، استفاده از انرژی‌های نوین از جمله انرژی هسته‌ای، خورشیدی، بادی و... می‌تواند باعث کاهش وابستگی به منابع فسیلی، کاهش انتشار گازهای آلاینده از بخش‌های تولید و مصرف منابع انرژی و همچنین باعث کاهش انتشار گازهای گلخانه‌ای که تاثیر اساسی بر گرمایش جهانی دارند، شود. افزایش امنیت عرضه انرژی، کاهش میزان گرمایش جهانی، تحریک رشد اقتصادی، ایجاد اشتغال، افزایش میزان درآمد سرانه، افزایش عدالت اجتماعی و حفاظت محیط زیست در تمام زمینه‌ها، افزایش دسترسی به منابع انرژی پایدار و مطمئن برای مناطق روستایی و کمتر توسعه یافته همگی از مزایای استفاده از



انرژیهای نوین و تجدیدپذیر است. (رائی، اعلمی، ۱۳۹۶، ۲)

علاوه بر این، در راستای یک چشم انداز برجسته سیاسی برای «تمدن زیست محیطی»، امروزه بسیاری از کشورهای توسعه یافته سعی می نمایند یک زبان جدیدی برای تغییرات اقلیمی ارائه دهند، در این راستا، به طور مثال، چین، در مسیر جدید گفتمان آب و هوایی قرار گرفته است. به طور خاص، هدف آنها این است که اقدامات اقلیمی را به زبانی که فراتر از سوالات مربوط به انتشار کربن و زغال سنگ است، چارچوب بندی نمایند. در ترویج درک وحدت بین طبیعت و بشر، به نظر می رسد پکن به اقداماتی متعهد است که مشکلات اکولوژی و تنوع زیستی را به اندازه ارائه راه حل برای کاهش انتشار کربن، مورد رسیدگی قرار می دهد. این هدف در خلال نشست COP15 تنوع زیستی سازمان ملل متحد، که چین در اکتبر ۲۰۲۱ میزبان آن بود، به وضوح نشان داده شد. اگرچه جلسات عمومی (عمدتاً مجازی) تنها در مرحله اول گفتگوها برگزار شد و مرحله دوم برای آوریل ۲۰۲۲ برنامه ریزی شده است اما شی جین پینگ به سرعت از صندوق تنوع زیستی ۲۳۰ میلیون دلاری برای حمایت از حفاظت از تنوع زیستی در کشورهای در حال توسعه رونمایی نمود. در حوالی زمان نشست COP15، پکن همچنین اولین کتاب سفید خود را در مورد تنوع زیستی منتشر کرد. (خبر آنلاین، کد خبر: 1583389، ۲۶ آذر ۱۴۰۰)

همچنین، تعهد به رعایت انصاف در قبال کشورهای در حال توسعه و آسیب پذیر، از جمله اصول اخلاقی در رژیم تغییرات آب و هوایی است که به صورت اصل مسئولیت مشترک اما متفاوت در اسناد بین المللی تغییرات آب و هوایی جلوه می کند. اصل مسئولیت مشترک اما متفاوت یکی از اصول حقوق بین الملل محیط زیست می باشد که از مفهوم میراث مشترک بشریت نشأت گرفته است و بر مسئولیت مشترک کشورها برای حفاظت از محیط زیست و در عین حال تعهدات متفاوت آنها با در نظر گرفتن شرایط و اوضاع و احوال متفاوت و خاص کشورها در ایجاد مشکلات زیست محیطی و تواناییهای فنی و اقتصادی شان برای برطرف کردن مشکلات زیست محیطی تاکید دارد. این اصل در بسیاری از اسناد بین المللی و توافقات سازمان تجارت جهانی به کار رفته است، اگر چه هنوز تبدیل به یک قاعده عرفی بین المللی نشده است اما نقش مهم و کلیدی آن در توسعه و اجرای حقوق بین الملل محیط زیست از طریق منصفانه کردن تعهدات معاهداتی و کمک به توسعه پایدار کشورهای در حال توسعه، قابل توجه است. (عبداللهی، معرفی، ۱۳۸۹، ۱۹۹)

از جمله اصول اخلاقی دیگر مرتبط با تعهدات مرتبط با تغییرات آب و هوایی، تعهد به تلاش در نیل به توسعه پایدار است. همانطور که می دانیم، توسعه پایدار عبارتی است که امروزه گوش همه انسان ها با آن آشناست. یکی از الزامات توسعه پایدار این است که محیط زیست و منابع طبیعی به عنوان میراث جمعی بشریت به گونه ای محافظت شود که علاوه بر پاسخگویی

به نیازهای نسل حاضر، ظرفیت پاسخ دهی به نیازهای نسل های آینده را نیز داشته باشد. بنابراین، توسعه را زمانی پایدار می خوانیم که مخرب نباشد و امکان حفظ منابع را برای آیندگان فراهم آورد (پوراصغر و دیگران، ۱۳۹۲، ۴۸) به طور کلی، توسعه پایدار از طریق ادغام سه مولفه توسعه اقتصادی، رعایت حقوق بشر و حمایت زیست محیطی ایجاد می شود و چارچوبی برای تقویت و ارتقاء سطح حیات و رفاه بشری برای نسل های اخیر و آتی است (پورهاشمی، موسوی، ۱۳۹۰، ۷۸) بی شک، یکی از گزینه های مطابق با توسعه پایدار، کاهش مصرف انرژی از طریق ارتقاء کارآمدی و حفاظت از انرژی است. لذا کلیه دولت ها بایستی با لحاظ کاهش مصرف انرژی، روندهای توسعه اقتصادی خود را به نحوی طی کنند که منجر به تغییرات آب و هوایی نشوند. (سلیمی ترکمانی، ۱۳۹۷، ۱۲۶)

## ۲-۲- سند " اصول اخلاقی تغییرات آب و هوایی " ۲۰۱۷ یونسکو

آخرین تحول در زمینه مسئولیت دولت ها در حوزه تغییرات آب و هوایی ، تهیه سند ۲۰۱۷ یونسکو موسوم به «اصول اخلاقی تغییرات آب و هوایی»، به عنوان یک سند غیر الزام آور ولی راهبردی است. این اعلامیه ، اصول اخلاقی در زمینه تصمیم گیری ، سیاست گذاری و سایر اقدامات مربوط به تغییرات آب و هوایی را مطرح می نماید و از دولت ها و سایر بازیگران می خواهد این اصول را در تصمیمات و اقدامات مرتبط با تغییرات آب و هوایی در کلیه سطوح ، از محلی تا بین المللی ویرگو لحاظ کنند. البته بر طبق ماده ۱۸ این اعلامیه، هیچ یک از اصول و مقررات این اعلامیه نبایستی به عنوان تفسیری از اصول و مقررات کنوانسیون ساختاری و توافق پاریس قلمداد شود. این اصول شش گانه در برخی موارد نظیر انصاف و عدالت و توسعه پایدار ، همان تکرار اصول اخلاقی مندرج در کنوانسیون ساختاری و توافق پاریس می باشند ولی موارد دیگری نیز نظیر دانش علمی اضافه شده است که تلقی آنها در قالب یک اصل اخلاقی قابل تأمل است. این اصول شش گانه عبارتند از: (۱) اصل جلوگیری از بروز خسارت؛ (۲) اصل احتیاط؛ (۳) انصاف و عدالت؛ (۴) توسعه پایدار؛ (۵) وحدت و یکپارچگی؛ (۶) دانش علمی و وحدت در تصمیم گیری .

اگرچه به نظر می رسد این اصول در درجه اول جز اصول حقوقی بوده و سابقاً در اسناد زیست محیطی نیز مورد تصریح واقع شده اند، اما این صنعت تلاش داشته است به این اصول وجهه اخلاقی نیز ببخشد. ماده ۱۶ اعلامیه مقرر می دارد که مفاد اعلامیه بایستی به عنوان یک مجموعه واحد قلمداد شود ، به طوری که تمام اصول آن با یکدیگر ارتباط متقابل داشته و مکمل هم باشند. در راستای تحقق و رعایت این اصول اخلاقی ، راهکارهای زیر برای دولتها و سایر بازیگران بین المللی پیشنهاد شده است: (۱) علم تکنولوژی و ابتکارات؛ (۲) ارزیابی و مدیریت ریسک؛ (۳) لحاظ اولویتهای گروه های آسیب پذیر؛ (۴) آموزش؛ (۵) افزایش آگاهی های

عمومی؛ ۶) همکاری بین المللی؛ ۷) ترویج و توسعه توسط یونسکو؛ و ۸) مسئولیت پذیری (سلیمی ترکمانی، ۱۳۹۷، ۱۲۷-۱۲۶)

در کل، با انتشار گزارش اخیر هیئت بین الدولی تغییرات آب و هوایی در مورد گرمایش جهانی ۱.۵ درجه سانتی گراد، اعلامیه «اصول اخلاقی تغییرات آب و هوایی»، بیش از هر زمان دیگری مورد نیاز است. نتیجه این گزارش قوی ترین دلیل برای شعار یونسکو تحت عنوان «تغییر ذهن ها، نه آب و هوا» است: تغییر در مورد اینکه نحوه اندازه گیری موفقیت اقتصادی، خط مشی های عمومی، خدمات اقتصادی حیاتی، نحوه آموزش های فعلی و آینده به چه صورتی باید باشد؛ در همین راستا، ابعاد اخلاقی انتخابهای ما برای رشد و توسعه، هسته این تغییرات دگرگون کننده قرار دارد. بنابراین پاسخ به سوالاتی مانند، «کدام ارزش ها را برای انتخاب های اقتصادی، سیاسی و فردی انتخاب می کنیم؟»، «در چه جامعه ای می خواهیم زندگی کنیم و چه نوع دنیایی را می خواهیم به نسل های آینده منتقل کنیم؟» برای مبارزه با تغییرات آب و هوایی بسیار مهم است و بدون کمک اعلامیه «اصول اخلاقی در رابطه با تغییرات آب و هوایی» پرداختن به آنها دشوار است. (unesco, 2018)

## نتیجه گیری

تغییرات آب و هوایی حلقه واسط میان تخریب و آلودگی محیط زیست از یک سو و به خطر افتادن حیات انسانها و کره خاکی از سوی دیگر است به این معنا که این پدیده، از یک طرف، معلول تخریب محیط زیست است و از سوی دیگر عاملی برای تهدید موجودیت انسان است؛ درحقیقت، تغییر آب و هوا یک زنجیره به هم پیوسته است که این زنجیره از فعالیت‌های توسعه‌ای به ویژه مصرف سوخت‌های فسیلی آغاز می شود و به دنبال خود پیامدهای متعددی را می آورد. این عوامل باعث شد جامعه بین المللی به تدریج از اواخر قرن بیستم با درک آثار منفی قابل توجه این پدیده، به فکر ایجاد رژیم حقوقی برای مقابله با این پدیده بيفتند. لذا در این راستا، از یک طرف شاهد شکل گیری اجلاس های جهانی تحت عناوین «آینده مشترک ما» «آینده ای که ما می خواهیم بسازیم» «آینده سبز» و آینده های پیش رو که حاصل فرآیند نشست های متعدد بین المللی در خصوص مسایل بسیار مهم زیست محیطی در عرصه بین المللی و منتج از نظرگاه ساکنان زمین و حاکمان جهان است، بشویم و از طرف دیگر، شاهد شکل گیری اسناد و معاهدات بین المللی و منطقه ای برای مقابله با پدیده تغییرات آب و هوایی گردیم. به طوریکه، بنیان های رژیم حقوقی تغییرات آب و هوایی در کنوانسیون چارچوب سازمان ملل در مورد تغییرات آب و هوایی یا کنوانسیون ساختاری (۱۹۹۲) پایه گذاری شد، در پروتکل کیوتو (۱۹۹۷) به آن قالب الزام آور داده شد و نهایتاً در توافق پاریس (۲۰۱۵) تقویت شد. این رژیم برای حل مسأله تغییرات آب و هوایی، در درجه اول روی راه حل تثبیت و کنترل انتشار گازهای گلخانه ای متمرکز است و تعهداتی که بر عهده دولت های عضو می گذارد عمدتاً ناظر بر کاهش تدریجی انتشار گازهای گلخانه ای است.

در این راستا، حقوق بین الملل برای مقابله با این چالش پیچیده جهانی نهاد مسئولیت بین المللی و ارتقای ظرفیت آن برای رسیدگی به خسارات ناشی از تغییرات آب و هوایی را بعنوان یکی از ضمانت اجراهای قوی در این حوزه در نظر گرفته است. نکته مهم این واقعیت است که مهمترین چالش در شفاف سازی نظام مسئولیت در زمینه تغییرات آب و هوا، حاکمیت و منافع کشورهای است که مانع این امر شده اند و در نهایت عدم تمایل دولت ها به از دست دادن حق حاکمیت و منافع آن، ماهیت داوطلبانه تعهدات و عدم ضمانت اجرای موثر، هم در سطح بین المللی و هم ملی از یک طرف، و از طرف دیگر مسائل و مشکلات مربوط به انتساب عملی که اثبات کننده نقض یک تعهد بین المللی گردد، مانع رویارویی ما با یک سیستم موثر مسئولیت بین المللی در زمینه آسیب ها و پیامدهای منفی تغییرات آب و هوایی شده است. با وجود چنین شرایطی یا می بایست با لحاظ ماهیت و شرایط منحصر به فرد مسئله محیط زیست، بالاخص

پدیده تغییرات آب و هوایی، نظام مسئولیت خاصی برای این حوزه ایجاد شود، یا بایستی فرای چارچوب حقوقی مسئولیت، از طریق دیگری موجبات اجرای مفاد معاهدات رژیم تغییرات آب و هوایی فراهم شود. به نظر می‌رسد رژیم تغییرات آب و هوایی به جای اتکای صرف به مسئولیت حقوقی مبنی بر ممنوعیت انتشار گازهای گلخانه‌ای، بایستی به مسئولیت اخلاقی دولت‌ها مبنی بر کاهش مصرف انرژی نیز توجه کند. دولت‌ها بالاخص دولتهای در حال توسعه، با درک چنین وضعیتی از همان ابتدا در هر سه معاهده این رژیم، در کنار تعهدات حقوقی بر تعهدات اخلاقی دولت‌ها به شکل پذیرش رهبری به کشورهای توسعه یافته، رعایت انصاف در قبال کشورهای آسیب پذیر و تعهد به تلاش برای نیل به توسعه پایدار تاکید داشته‌اند. حتی بعد از انعقاد توافق پاریس ۲۰۱۵، دولت‌های عضو این توافق در نشست دیگری به میزبانی یونسکو در سال ۲۰۱۷ در پاریس، با تهیه سند اصول اخلاقی مربوط به تغییرات آب و هوایی نیز بر مسئولیت اخلاقی دولت‌ها در این حوزه تاکید مجدد نمودند. هر چند در چارچوب رویکرد پوزیتیویستی به حقوق بین الملل، اصول اخلاقی به اندازه اصول حقوقی محکم و الزام‌آور نیستند، ولی درج این اصول در اعلامیه‌های غیر الزام‌آور حاکی از باور اکثریت دولت‌ها به وجود و رعایت چنین اصولی در شکل‌دهی به جریان مقابله با پدیده تغییرات آب و هوایی است.

### فهرست منابع

۱. نواری، علی، (۱۳۹۵)، تأملی بر عملکرد جامعه‌ی بین‌المللی در برابر تغییرات آب‌وهوایی، پژوهش‌های محیط‌زیست، سال ۵، شماره ۹، صص ۴۷-۵۸.
۲. جاجرمی، کاظم، زهرا پیشگامی فرد، و حجت مهکویی، (۱۳۹۲)، ارزیابی تهدیدات زیست محیطی در امنیت ملی ایران، فصلنامه راهبرد، سال ۲۲، شماره ۶۷، صص ۲۳۰-۱۹۳.
۳. اخوان کاظمی، مسعود، سادات حسینی، طیبه، بهرامی پور، فرشته، (۱۳۹۸)، مطالعه واکاوی تغییرات آب و هوایی بر امنیت بین‌المللی، فصلنامه مطالعات روابط بین‌الملل، سال ۱۲، شماره ۴۵، صص ۳۹-۹.
۴. اسفندیاری، چنگیز، میرعباسی، سید باقر، (۱۳۹۴)، بررسی ابعاد حق بر غذا و امنیت غذایی در اسناد بین‌المللی، فصلنامه حقوق پزشکی، سال نهم، شماره سی و پنجم، صص ۱۸۴-۱۵۸.
۵. حاج زاده، هادی، (۱۳۹۹)، تحلیلی بر الزامات حقوقی مقابله با تغییرات اقلیمی از منظر معاهدات بین‌المللی و قوانین داخلی، نشریه پژوهش‌های تغییرات آب و هوایی، فصلنامه علمی دانشگاه گلستان، سال اول، شماره ۲، صص ۷۸-۵۵.
۶. پورخاقان شاهرضایی، زینب، (۱۳۹۶)، مسئولیت بین‌المللی خسارات ناشی از تغییرات آب و هوایی، حقوق تطبیقی، جلد ۱۳، شماره ۱، صص ۹۱-۱۱۰.
۷. عبدلهی، محسن، مشهدی، علی، فریادی، مسعود (۱۳۹۱)، حقوق حفاظت از هوا، تهران: بنیاد حقوقی میزان.
۸. پور اصغر، سنگاچین، ف. صالحی، الف. دیناروندی، م. مقایسه روشهای سنجش توسعه پایدار منطقه ای با استفاد از شاخص های ترکیبی، پژوهش‌های محیط‌زیست، سال ۴، شماره ۷، ۱۳۹۲. صص ۴۵-۵۸.
۹. پورهاشمی، سید عباس، موسوی، مریم السادات، (۱۳۹۰)، مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها در حقوق محیط‌زیست، دانشنامه حقوق و سیاست، شماره ۱۵، صص ۷-۹۲.
۱۰. سلیمی ترکمانی، حجت، (۱۳۹۷)، از مسئولین حقوقی دولت‌ها تا مسئولیت اخلاقی آن‌ها در زمینه مقابله با تغییرات آب و هوایی، مجله مطالعات حقوقی دانشگاه شیراز، دوره دهم، شماره دوم، صص ۱۳۳-۱۰۶.
۱۱. راثی، وحید، اعلمی، حبیب‌الله، « بررسی آخرین روند جهانی در سرمایه‌گذاری انرژی‌های تجدیدپذیر همراه با چالش‌های موجود»، دومین کنفرانس بین‌المللی مهندسی برق، تهران، شهریور ۱۳۹۶.

1. Caney, S. (2005), Cosmopolitan justice, responsibility and global climate change. *Leiden Journal of International Law* 18, 747-775
  2. Gardiner, S. M. (2014), some early ethics of geoengineering the climate: A commentary on the values of the Royal Society report. *Environmental Values* 20, 163-188
  3. Hayes K., Blashki G., Wiseman J., Burke S. and Reifels L, (2018), "Climate change and mental health: risks, impacts and priority actions", *International journal of mental health systems*
  4. Christina Voigt, (2008): State Responsibility for Climate Change Damages, *Nordic Journal of International Law*, 77, 1–22
  5. unesco, 12/2/2018, Ethical principles – an essential tool to combat climate change, access at: 26/2/2022 available at: <https://en.unesco.org/news/ethical-principles-essential-tool-combat-climate-change>
  6. Donald A. Brown and Prue Taylor, (2015), Ethics and Climate Change A Study of National Commitments, *IUCN Environmental Policy and Law Paper No. 86*, pp: 1-204
  7. COMEST (World Commission on the Ethics of Scientific Knowledge and Technology), ethical implications of world global change, Report, UNESCO, 2010
  8. Spence, David B. (2010), Corporate social responsibility in the Oil and Gas Industry: the importance of reputational risk, *Chicago Kent law review*, volume 86, issue 1, pp: 59-85
  9. Brown, Donald A, John C, Dernbach, (2009), the ethical responsibility to reduce energy consumption, *Hofstra Law Review*, Vol 37, pp: 985-1006
۱. خبرآنلاین، نگرش چین به رهبری زیست محیطی، کد خبر: ۱۵۸۳۳۸۹، ۲۶ آذر ۱۴۰۰، تاریخ مشاهده ۳ اسفند ۱۴۰۰، قابل مشاهده در: <https://www.khabaronline.ir>





نوع مقاله: پژوهشی

صفحات ۱۹۲ - ۱۷۷

## خاستگاه امید و نقش آن بر تعالی حیات درون و برون آدمی در کلام امیرالمؤمنین (ع)

امیرعباس مهدوی فرد<sup>۱</sup>

رضا زمانی<sup>۲</sup>

معصومه عزیزی خادم<sup>۳</sup>

### چکیده

«امید» حالتی درونی است که ارتباط محکمی با چگونگی نگرش آدمی به مبدأ، مقصد، سلوک و مشی‌گزینی او در زندگی دنیوی و وصول به سعادت در حیات واپسین دارد، این پژوهش به روش توصیفی-تحلیلی، با بررسی خاستگاه امید و نقش آن در کمال انسان، در پی دستیابی به سیر و سلوکی برخاسته از سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام است که انسان را به تعالی روح و سعه وجودی رسانده و سبب بهبود سبک زندگی او شود. اگر آدمی با «خودشناسی» و «خود ارزیابی» و «شناخت واقعیت جهان»، از «افتقار وجودی» خویش و سایر مخلوقات آگاه شود، امید خود را تنها در خداوند تعالی محصور نموده و با «حُسن ظن» به او در دهش هر نعمت یا بازداری از آن، عالی‌ترین مرحله کمال یعنی مقام «رضا» در وجودش ظهور می‌یابد، و آن‌گاه که به مقام رضا واصل گردد، در برابر شرایط زیست فردی و اجتماعی از زندگی لذت بخش همراه با آرامش بهره‌مند خواهد بود.

### واژگان کلیدی

امام علی(ع)، امیدواری، خودشناسی، افتقار وجودی، رضا.

۱. استادیار گروه معارف اسلامی، دانشکده الهیات، دانشگاه قم، قم، ایران. (نویسنده مسئول)

Email: aa.mahdavidfard@qom.ac.ir

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد تاریخ تمدن ملل اسلامی دانشگاه قم، قم، ایران.

Email: zamanireza1341@gmail.com

۳. دبیر آموزش و پرورش استان البرز.

Email: M.azizi1390@yahoo.com

پذیرش نهایی: ۱۴۰۲/۲/۶

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۱/۸

## طرح مسأله

«امید و امیدواری» حالتی درونی و مهارتی دست‌یافتنی برای آدمیان است که ارتباط محکمی با چگونگی نگرش آدمی به مبدأ، مقصد، سلوک و مشی‌گزینی او در زندگی دنیوی و وصول به حیات واپسین دارد. امید در زندگی انسان به اندازه‌ای اهمیت دارد و به حدی تأثیرگذار است که از نظر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله؛ «اگر امید نبود، هیچ مادری کودکش را شیر نمی‌داد و هیچ باغبانی نهالی نمی‌کاشت»؛ «الْأَمَلُ رَحْمَةٌ لِأُمَّتِي وَ لَوْ لَا الْأَمَلُ مَا رَضَعَتْ وَالِدَةٌ وَلَدَهَا وَ لَا عَرَسَ غَارِسٌ شَجْرًا». (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۷۴، ص ۱۷۵)

با جستجوی به عمل آمده مقالات و پژوهش‌هایی در موضوع امید و امیدواری یافت گردید: علامه مصباح یزدی (ره) در مقاله «نقش سازنده امید به زندگی» به بازشناسی امید کاذب از صادق پرداخته و نائل گردیدن به کمال مطلوب را مشروط به تلاش و بهره‌مندی از امید «صادق» می‌داند؛ مقاله «تحلیل مؤلفه‌ها و مصادیق امیدواری در نهج البلاغه» نوشته محمدرضا یوسف زاده چوسری و مرتضی شاه مرادی؛ به مفهوم امیدواری و مهم‌ترین مؤلفه‌های امید از منظر نهج البلاغه پرداخته و بر لزوم ایجاد و پرورش روحیه امیدواری در بین دانشجویان تأکید دارد؛ عباس پسندیده در مقاله «امید نیروی تحرک بخش زندگی» به این نکته پرداخته که انسان اگر در سختی‌ها صبر کند و امیدوار باشد به آسانی و آسایش می‌رسد؛ مقاله «نقش امید در تکامل شخصیتی انسان» نوشته فرزانه نجاریان؛ با استفاده از آیات بین امید به خدا و تعمیم هدف انسان به دنیا و آخرت ارتباط برقرار نموده است؛ بخشعلی قنبری در مقاله «مؤلفه‌های اساسی به زیستی» جوانب مختلف امید در حوزه‌ی اخلاق تعریف آن، علل و عوامل امید را بررسی کرده است و در مقاله «بررسی مفهوم امید در قرآن و روایات و نقش آن در تربیت انسان» مجید خاری آرانی، اکبر رهنما زهرا علی اکبر زاده آرانی؛ با استفاده از آیات و روایات، ضمن بیان مفهوم شناسی امید، آثار امید را در تعلیم و تربیت و زندگی فردی و اجتماعی بیان کرده است.

عموم مقالات مذکور با استفاده از آیات و روایات به طور عام به مفهوم شناسی و مصادیق و مؤلفه‌های امید پرداخته‌اند، نوآوری و تفاوت این پژوهش با کارهای انجام شده این است در حوزه اخلاق نظری در پی ترسیم سامان‌دهی فرآیند امیدواری بر مبنای ژرف‌نگری در حوزه خداشناسی، خودشناسی و جهان‌شناسی است که سلوکی برخاسته از سخنان امام علی (ع) امام عارفان و سالکان ترسیم کند و در حوزه اخلاق عملی هدف این سلوک، وصول به نگرشی است که آدمی بتواند در سایه امید به نصرت خداوند با تحصیل قدرت شناختی و عاطفی خویش، در مقابل مشکلات و مصائب ایستادگی نموده و دست از تکاپو برنداشته، و بر ناامیدی چیره شود.

همان‌گونه که در آغاز مقدمه بیان شد، «امید مهارتی» دست‌یافتنی است، فرضیه این

نوشتار این است که می‌توان با بهره‌مندی از سخنان حضرت علی (ع) در سه حوزه شناختی، عاطفی، روانی-حرکتی، فرآیند «امیدواری» را چونان یک مهارت به دیگران آموزش داد بنابراین، می‌توان گفت امید و امیدواری در سه حوزه شناختی، عاطفی و روانی-حرکتی انسان اثرگذار است. زیرا این سه حوزه با جریان‌ها و فعالیت‌های ذهنی و فکری (شناختی)، علاقه، انگیزش، انگیزه و ارزش‌گذاری (عاطفی) و فعالیت‌های جسمانی (روانی-حرکتی) انسان در ارتباط‌اند. (سیف، ۱۳۹۷: ۴۵۸-۴۵۹).

با توجه به سخنان امام علی علیه السلام، می‌توان ادعای ارتباط امید با سه حوزه شناختی، عاطفی و روانی-حرکتی در شخص امیدوار را اثبات نمود آن حضرت فرمود: «يَنْبَغِي لِمَنْ عَرَفَ اللَّهَ سُبْحَانَهُ أَنْ لَا يَخْلُو قَلْبُهُ مِنْ خَوْفِهِ وَ رَجَائِهِ». برای کسی که خدای سبحان را می‌شناسد، شایسته است که دل او از بیم و امید خداوند تهی نگردد (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰: ۱۰۹۲۶)؛ و نیز فرمود: «فَكُلُّ مَنْ رَجَا عَرَفَ رَجَاؤَهُ فِي عَمَلِهِ» هر کس امیدوار است به امیدواری در انجام دادن کارهایش شناخته می‌شود (رضی، نهج البلاغه، خطبه ۱۶۰). در کلام آن حضرت شناخت خدا و تهی نشدن قلب در حوزه شناختی، علاقه به امید و ارزش‌گذاری برای امیدواری در حوزه عاطفی و انجام دادن افعال با امیدواری در حوزه روانی-حرکتی مرتبط‌اند. در ادامه این نوشتار به تفصیل این مهم می‌پردازیم.

## مفهوم شناسی

### ۱. امید

امید صورت تغییر یافته «أَمْت» پهلوی به معنی آرزو است و «رجاء» عربی معادل آن است (دهخدا، ۱۳۸۵، ذیل ماده: امید)، همچنین امید به معنای آرزو و چشمداشت است (عمید، ۱۳۸۷، ج: ۱: ۲۳۴)؛ در قرآن کریم، نیز سلسله مفاهیمی پیرامون این عنوان وجود دارد، مانند: رجاء و امید داشتن<sup>۱</sup>، تمنا<sup>۲</sup>، در میان مفاهیم مذکور، مفهوم «رجاء» به معنای امید و امیدواری با مراد این مقاله قریب و هم‌سنخ است؛ زیرا رجاء در لغت به معنای آرزو (ابن فارس، ۱۴۰۴، ج: ۲: ۴۹۴)، اَمْن (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ذیل خوف: ۳۰۳)، ضد یأس و ناامیدی است (ابن منظور، ۱۴۱۴، ج: ۱۴: ۳۱۰)، خواستن، چشم‌به‌راه چیزی بودن (آذرنوش، ۱۳۹۱، ذیل رجاء: ۳۶۰).

رجاء نزد اهل سیر و سلوک، عبارت از سکون و آرامش دل به وعده نیک و نوید است؛ اگر این حالت در آنان پایدار باشد، «مقام» و اگر ناپایدار باشد «حال» نامیده می‌شود. رجاء همچنین

۱. «فَمَنْ كَانَ يَرْجُوا لِقَاءَ رَبِّهِ فَلْيَعْمَلْ عَمَلًا صَالِحًا وَلَا يُشْرِكْ بِعِبَادَةِ رَبِّهِ أَحَدًا»: (کهف: ۱۱۰)؛ «و تَرْجُونَ مِنَ اللَّهِ مَا لَا

يَرْجُونَ وَ كَانَ اللَّهُ عَلِيمًا حَكِيمًا»: (نساء: ۱۰۴)

۲. «أَمْ لِلْإِنْسَانِ مَا تَمَنَّى»: (نجم: ۲۴)

شادمانی قلب است برای انتظار داشتن آنچه محبوب است (تهانوی، ۱۹۹۶م، ج ۱: ۸۴۴)؛ برخی نیز رجاء را به حالتی نفسانی تعبیر می‌کنند که اگر کسی بداند یا احتمال دهد امر خوشایند و دلپذیری برایش پیش خواهد آمد، حالت امیدواری بر او عارض می‌گردد (راغب اصفهانی، همان). علامه طباطبایی (ره) در میزان واژه رجاء را مقابل خوف، به معنای امیدواری و ظن رسیدن به چیزی، بلکه اعتقاد مطلق به آن، بیان نموده که این امیدواری باعث مسرت و شادی است (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۲۰: ۳۰). بنابراین، در فرآیند امیدواری رسیدن به هدف و شادمانی جریان دارد. حضرت علی علیه السلام می‌فرماید: «الْأَمَلُ رَفِيقٌ مُؤْنِسٌ»؛ امید، همنشینی است که موجب انس و آرامش می‌شود؛ (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰: ۱۰۴۲).

برخی نیز واژه رجاء را با خوف تعریف نموده و این دو را دو بال برای عمل شمارند. به نظر ایشان خوف تعدیل‌کننده رجاء است. عبد آنگاه که به ثواب و سعه رحمت خداوند امیدوار شود و ذکر نعم و منن الهی را بشنود پس امید بسته و می‌داند که فضل، کرم و بخشش از صفات خداوند است و بنابر مرجع امید خود یعنی خداوند متعال قلبش آرام و ساکن می‌گردد (ابونصر سراج، ۱۹۶۰م: ۹۱). بنابراین، امیدواری و امید داشتن امری ستوده و شایسته برای آدمی و ناامیدی ناستوده و ناشایست است. «وَمَنْ يَقْنَطْ مِنْ رَحْمَةِ رَبِّهِ إِلَّا الضَّالُّونَ» (زمر: ۵۳)؛ و «وَلَا تَيَاسُوا مِنْ رَوْحِ اللَّهِ إِنَّهُ لَا يَبْئَسُ مِنْ رَوْحِ اللَّهِ إِلَّا الْقَوْمُ الْكَافِرُونَ» (یوسف: ۸۷)؛ مولانا با استناد به این دو آیه شریفه آدمیان را به امیدواری و گریز از ناامیدی فرا می‌خواند:

انبیا گفتند نو میدی بدست	فضل و رحمت‌های باری بی حد است
از چنین مَحْسِنِ نشاید ناامید	دست در فِتراکِ این رحمت زیند
ای بسا کارا، که اول صعب گشت	بعد از آن بگشاده شد، سختی گذشت

(مثنوی معنوی، د سوم، ب ۲۹۲۲-۲۹۲۴: ۷۴۱)

## ۲. مقام رضا

«رضا» در لغت به معنای «خشنودی» است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ ج ۲: ۸۰)؛ اصل «رضا» به موافقت میل آدمی به آنچه با آن مواجه است دلالت دارد. (مصطفوی، ۱۳۶۰، ج ۴: ۱۵۲)؛ و ضد آن سخط است، به معنای آن که انسان غیر آن چه خدا مقدر کرده طلب کند و آن را برای خود اولی و سزاوارتر بیندارد. (فیض کاشانی ۱۳۸۲: ۱۷۵). و در اصطلاح عبارت است از: «ترک اعتراض به مقدرات الهیه در باطن و ظاهر، قولاً و فعلاً»، (نراقی، ۱۳۸۶: ۶۱۲).

از نظرگاه اهل سیر و سلوک مقام رضا بالاترین مرتبه کمال انسان است؛ چنان که امام

۱. فِتراک: در لغت به معنای تسمه و دوال که از عقب زین اسب می‌آویزند و با آن چیزی به ترک می‌بندند: عمید، فرهنگ فارسی عمید، ج ۲: ۱۵۱۲؛ فِتراک در اینجا به معنای ریسمان الهی و «حبل الله» است.

خمینی (ره) می فرماید: «رضا عبارت از خشنودی بنده از حق تعالی و اراده او و مقدرات او و مرتبه‌های عالی آن از اعلا مراتب کمال انسانی است و بزرگتر مقامات اهل جذبه و محبت است و آن فوق تسلیم و دون مقام فناست»؛ (موسوی خمینی، ۱۳۸۰: ۱۶۲) و نیز عزالدین کاشانی می نویسد: «مقام رضا نهایت مقامات سالکان است ... هر که در این مقام قدمگاهی فرمودند به بهشت معجلش رسانیدند، چه روح و فرح که از لوازم اهل بهشت است در رضا و یقین تعبیه فرمودند»؛ (عزالدین محمود، کاشانی، ۱۳۶۷: ۳۹۹).

### ۳. تعالی حیات درون و برون

تعالی به معنای برتری، بلندی، پیشرفت، ترقی، رفعت، بلندپایه شدن، بلندقدر شدن، رفعت یافتن است. (عمید، ۱۳۸۷، ذیل حرف «راء»): منظور از حیات درون، عالم وجود انسان، بنابراین مقصود از تعالی حیات درون، کمال نفسانی و تکامل روح و سعه وجودی است؛ و مقصود حیات برون یعنی پیشرفت و بهبود سبک زندگی، بین این دو ارتباط وثیقی وجود دارد، در واقع بین تعالی و کمال نفسانی و بهبود سبک زندگی و نگاه صحیح انسان به زندگی، رابطه سبب و مسببی وجود دارد. رسیدن به کمال و تعالی نفسانی، موجب آرامش روانی می شود و انسان را از تلاطم روحی و تشویش و نگرانی می رهاند و سبب ارتقای کیفی زندگی و احساس آرامش و لذت از زندگی می گردد.

### خاستگاه امید و تأثیر آن بر کمال و تعالی انسان

برای شناخت خاستگاه امید و چگونگی تحصیل حالت پسندیده امیدواری و گریز از حالت ناپسند ناامیدی، بایسته است آدمی به احوال، عواطف، احساس، اعمال و ... خود آگاه گردد تا بتواند ردیلت ناامیدی را از وجود خویش پیراسته و به فضیلت امیدواری آراسته گردد؛ از همین رو، می توان خودشناسی را اولین خاستگاه امید و امیدواری شمرد تا انسان بتواند به ویژگی‌ها، گرایش‌ها، خوشایند، ناخوشایند، انگیزه، امید، ترس و ... خود معرفت یابد.

از دیگر خاستگاه‌ها و همچنین مبانی دست‌یابی به مقام امید در قلب آدمی افزون‌بر خودشناسی، جهان‌شناسی است؛ جهان‌شناسی به نگرش انسان در باره دنیا و ویژگی‌های ناپایدار آن و همچنین فقر وجودی ماسوی الله اشاره دارد.

در رأس این دو، خداشناسی است؛ مراد از خداشناسی چگونگی نگرش انسان به صفات جمال و جلال خداوند و به عنوان مبدأ هر گونه عطا و دهش و منع از آن بر اساس حکمت، چگونه زیستن، هدف‌گایی آفرینش و حیات انسان و ... است.

### ۱. خودشناسی

انسان اگر در وجود خویش نظر کند خواهد دید وجودی است از هر نظر وابسته و غیر مستقل و نیازمند که بدون اتحاد با یک وجود مستقل و بی نیاز یک لحظه ادامه بقاء او ممکن

نیست، و چیزی حقیقی و دائمی از خود ندارد، او تهی دست و نادار است. حضرت علی(ع) به بینوایی و وابستگی آدمیان در همه مسائل، اشاره نموده و فرمودند: «مِسْكِينُ ابْنِ آدَمَ؛ مَكْتُومُ الْأَجَلِ، مَكْتُونُ الْعِلْلِ، مَحْفُوظُ الْعَمَلِ، تُؤَلِّمُهُ الْبَقَّةُ، وَ تَقْتُلُهُ الشَّرْقَةُ، وَ تُنْبِتُهُ الْعَرْقَةُ»؛ بیچاره فرزند آدم؛ اجلس پنهان، بیماری هایش پوشیده، اعمالش همه نوشته شده، پشه‌ای او را آزار می‌دهد، جرعه‌ای گلو گیرش شده او را از پای در آورد، و عرق کردنی او را بد بو سازد» (نهج البلاغه، حکمت ۴۱۹). همچنین فرموده‌اند: «مَا لِابْنِ آدَمَ وَ الْفَخْرِ أَوْلَاهُ نُظْفَةٌ وَ آخِرُهُ حَيْفَةٌ لَا يَزُرُقُ نَفْسَهُ وَ لَا يَدْفَعُ حَتْفَهُ»؛ آدمی در همه مراحل هستی خود محتاج است و در هیچ چیزی اعم از آفرینش، ادامه حیات و مرگ، مالک امور خود نیست (نهج البلاغه، حکمت ۴۴۵)؛ انسان در همه شئون حیات مانند: خلقت، تربیت و پرورش، تغذیه و... زندگی وابسته و محتاج به خداوند است؛ «يَا مَنْ بَدَأَ خَلْقِي وَ ذَكَّرِي وَ تَرْبِيَّتِي وَ بَرِّي وَ تَغْذِيَّتِي»؛ (طوسی، ۱۴۱۱، ج ۲: ۸۴۶).

از همین رو، می‌توان گفت از جمله حقایقی که انسان با خودشناسی (حوزه شناختی) پس از تجزیه و تحلیل لایه‌ها و سطوح وجودی خود درمی‌یابد، که از خود هیچ سرمایه و چیزی ماندگار ندارد، فقیر و نادار است. برآیند شناخت و معرفت ژرف در حوزه فقر وجودی این است که به ناتوانی خویش آگاه شده و به عجز خود اقرار کند، می‌کوشد تا این ناتوانی را در سایه قدرت بی پایان و مطلق الهی جبران کند و فقط به ذات حق تعالی دل بسته و امیدوار باشد، (حوزه عاطفی)، و لذا حضرت علی(ع) «شناخت و معرفت نفس را سودمندترین معرفت می‌شمارد»؛ «مَعْرِفَةُ النَّفْسِ أَنْفَعُ الْمَعَارِفِ»؛ (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰: ۹۸۶۵)؛ و آن را مانع غلتیدن در ورطه هلاکت می‌داند: «لَنْ يَهْلِكَ أَمْزُؤُ عَرَفَ قَدْرَهُ»؛ اگر انسانی قدر منزلت خود و هویت انسانی‌اش را شناخت، هرگز هلاک نمی‌شود (عطاردی، ۱۳۸۶، ج ۲۰: ۵۱۳).

علاوه بر احساس وابستگی به خدای تعالی و امید بستن به او، شخص در شناخت خود به آن می‌رسد در حوزه حرکت و عمل باید اولاً: در زندگی هدف یا اهدافی را برای خود تعریف کند، در انتخاب هدف لازم است هدف‌ها را متناسب با توان خود و واقعیت زندگی برگزیند. حضرت امیر علیه السلام به همخوانی میان انتظار از خود با وضع موجود فرموده‌اند: «رَغْبَتُكَ فِي الْمُسْتَحِيلِ جَهْلٌ»؛ رغبت و میل تو به ناممکن و محال، نادانی است (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰، ح ۷۲۱۸: ۵۳۸۴). برای وصول به هدف، باید برنامه داشت؛ «اَوْصِيكُمْ بِتَقْوَى اللَّهِ... وَ نَظْمِ أَمْرِكُمْ». (نهج البلاغه، نامه ۳۱)، پیوسته در تلاش و تکاپو بود و از تنبلی گریخت؛ «أَفَةُ النَّجْحِ الْكَسَلُ». (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰، ح ۱۰۶۱۷: ۴۶۳)، (حوزه روانی-حرکتی).

ثانیا: با توجه به موانع راه درونی(هوای نفس) و بیرونی(شیطان و تعلقات دنیوی) برای اینکه بتواند میزان ترقی و وصول به هدف‌ها را سنجش نماید، باید به محاسبه و ارزیابی خود در همه مسائل زندگی برخیزد. محاسبه، حساب کشیدن از نفس در اعمال و رفتار و اقوال و... است.

محاسبه، رسیدگی به اعمال نیک و بد صادر شده از انسان است (عبدالرزاق کاشانی، ۱۳۸۵: ۵۳). از نگاه آن حضرت، محاسبه نفس سودمند و مغفول شدن از آن زیانبار است: «مَنْ حَاسَبَ نَفْسَهُ رِبْحٌ وَ مَنْ عَفَلَ عَنْهَا خَسِرٌ». (نهج البلاغه، حکمت ۲۰۸)؛ و هر کس نفس خویش را به حساب کشد، سعادت‌مند خواهد شد: «مَنْ حَاسَبَ نَفْسَهُ نَسِعِدَ». (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰، ح ۲۴۳: ۵۸۵). آنان که به محاسبه نفس خویش بپردازند، در نتیجه بر فراز و فرودهای آن در مراحل گوناگون زندگی چیره خواهند شد (حوزه شناختی). می‌توان آنان که خود و برنامه‌های زندگی‌شان را ارزیابی می‌کنند، از افرادی برشمرد که روانی سالم دارند؛ همانگونه که برخی، نگرش و بازخوردهای مربوط به خود شامل: تسلط بر هیجان‌ها، آگاهی از ضعف‌ها، میزان رضایت‌مندی از خوشی‌ها، احساس مسئولیت در مقابل محیط انسانی و طبیعی، پذیرش مسئولیت در زندگی، توانایی تصمیم‌گیری، ذوق گسترش امکانات و توسعه‌گرایی و علاقه‌های خود، ... را از مؤلفه‌های افرادی است که از بهداشت روانی برخوردارند (شجاعی و حیدری، ۱۳۸۹: ۵۳). این افراد اگر در مسیر وصول به هدف‌های زندگی با موانع روبرو گردند از آنجا که روانی سالم دارند، برای رفع مانع یا عبور از آن اقدام می‌کنند (حوزه روانی-حرکتی).

ثالثاً: در تأثیر خودشناسی بر امید، تغییر مسیر و گذرگاه است؛ اسنایدر، امید را انتظار مثبت برای وصول به هدف‌ها می‌داند؛ و عقیده دارد انتظار مثبت از دو بُعد گذرگاه (مسیرها یا طرح‌های هدفمند) و تفکر عامل (اراده‌های هدفمند) صورت بسته است. وی امید را عبارت از ظرفیت ادراک شده برای تولید مسیرهایی به سمت هدف‌های مطلوب و انگیزه ادراک شده برای حرکت در این مسیرها، بیان می‌کند (پرچم و همکاران، ۱۳۹۲).

آدمی پس از محاسبه و سنجش میزان وصول به هدف‌ها یا شکست در آن، باید گام بعدی برای وصول به مقام امیدواری را بردارد. اگر تا اندازه بسیاری، هدف تحصیل شده بود که همان روال و روش را ادامه دهد ولی اگر این مهم حاصل نشده بود، باید مسیر و گذرگاه را تغییر دهد (حوزه روانی-حرکتی). نخست باید رضایت را بر ذهن و قلب خود حاکم گرداند تا بتواند برای ادامه مسیر انگیزه داشته باشد (حوزه شناختی و عاطفی).

پس از ارزیابی، محاسبه و سنجش میزان دست‌یابی به هدف، باید به مجاهده با نفس و سرکشی‌های آن برای پیشبرد اهداف برخاست (حوزه روانی-حرکتی). امام علی (علیه السلام) می‌فرماید: «مَنْ عَرَفَ نَفْسَهُ جَاهِدَهَا، مَنْ جَهِلَ نَفْسَهُ أَهْمَلَهَا»؛ هر که نفس خود را شناخت، به جهاد با آن برخاست و هر که آن را نشناخت، به حال خود رهایش ساخت: (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰: ۷۸۵۵ - ۷۸۵۶).

همچنین فرموده‌اند: برای تملک نفس، باید به جهاد با آن مداومت داشت تا زمامش را در اختیار گرفت: «أَمْلِكُوا أَنْفُسَكُمْ بِدَوَامِ جِهَادِهَا». (لیثی واسطی، ۱۳۷۶، ح ۲۱۱۳: ۸۹)؛ برآیند

جهاد با نفس، شناخت هیجانات<sup>۱</sup>، کنترل و چیره شدن بر آنها است. بعضی از این هیجانات عبارتند از: خاموش کردن خشم، بخشیدن در اوج قدرت، حفظ فروتنی هنگام خشم و برافروخته نشدن، مدارا کردن هنگام جاه و دولت داشتن؛ «وَ اكْظِمِ الْغَيْظَ وَ تَجَاوَزْ عِنْدَ الْمَقْدِرَةِ وَ اِحْلَمْ عِنْدَ الْعُصْبِ وَ اصْفَحْ مَعَ الدَّوْلَةِ». (نهج البلاغه، نامه ۶۹) واکاوی ضعف و کاستی خود و چشم پوشی از عیوب دیگران؛ «يَا أَيُّهَا النَّاسُ طُوبَى لِمَنْ سَعَلَ عَيْبَهُ عَنْ عَيْبِ النَّاسِ». (نهج البلاغه، خطبه ۱۷۶) و... اگر هیجانات که برخاسته از افکار ذهنی است، کنترل شوند در پی آن احساس و رفتار نیز کنترل خواهد شد و در نتیجه آدمی می‌تواند با تغییر تفکر در باره رخدادهای زندگی و ایجاد نگرش امیدوارانه و نسبت دادن آنها به مبدأ حقیقی صدور افعال، نتایج مطلوب و پایدار را برای خویش رقم زند.

## ۲. جهان‌شناسی

همانطور که گذشت انسان با شناخت خود به ناداراری و فقر وجودی خویش واقف می‌شود، و از آنجا که خود عضوی از عالم ممکنات است، برآیند شناخت و معرفت ژرف در حوزه فقر وجودی این است که با قضاوت و داوری خویش، افتقار خود را به همه مخلوقات تعمیم می‌دهد و همه آنها را نیز فقیر محض و وابسته به قدرتی برتر می‌بیند؛ نشانه افتقار ذاتیشان، نامانایی و ناپایداری آنان است؛ از این رو، درمی‌یابد که باید از مردم و دارایی‌های آنها هیچ امید و چشم داشتی نداشته باشد.

حضرت علی علیه السلام فرموده است: «إِذَا أَرَادَ أَحَدُكُمْ أَنْ لَا يَسْأَلَ اللَّهَ سُبْحَانَهُ تَسْبِيحًا إِلَّا أَعْطَاهُ فَلْيَبْسُ مِنَ النَّاسِ وَ لَا يَكُونْ لَهُ رَجَاءٌ إِلَّا اللَّهُ سُبْحَانَهُ»؛ اگر شخصی دوست دارد چیزی را از خدا درخواست کند و خداوند هم به او عطا نماید، پس باید از مردم ناامید گردد و امیدی نداشته باشد مگر از خداوند سبحان (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰ ح ۱۵۳: ۲۹۰)، از این کلام نورانی استفاده می‌شود که آدمی باید به آن بینش و نگرش ترقی نماید که از همه مردم در قلبش ناامید باشد؛ زیرا آنها فقیر محض‌اند و در ورای ذهنش این فکر حاکم باشد که دهنده حقیقی تنها خداوند است و غیر او اسباب و واسطه‌های خدا برای وصول نعمت و فیض اویند. به تعبیری عرفانی، باید ذهن و قلب را از امیدواری به اغیار تخلیه کرده و این دو ابزار ادراکی آدمی (ذهن و قلب؛ دو حوزه شناختی و عاطفی) را به امیدواری آن هم تنها به خداوند متحلی نماید. نتیجه این تخلیه و تخلیه، وصول به مقام رجاء و امیدواری به عطاکننده حقیقی است، و

۱. هیجان فرآیند پیچیده روانی است که جنبه‌های بسیاری از جمله: تجربه ذهنی، جلوه ارتباطی و تغییرات فیزیولوژیک و... را مشمول می‌گردد و ابراز کننده احساسات و عواطفی است که افراد می‌توانند با درون‌نگری در وجود خود شناسایی نمایند یا با بیرون‌نگری به دیگران نسبت دهند. (موکیلی، ۱۳۸۴، انگیزش و هیجان: ۱۳۵ و ۱۵۵).



اوست سبب‌ساز و سبب‌سوز.

همچنین شناخت دنیا، انسان را به بی‌اعتباری و ناپایداری آن رهنمون می‌شود (حوزه شناختی). حضرت علی (ع) دنیا را به نامانایی، فریفتن با زیورهای فریبنده، آمیختگی حلال و حرام، خیر و شر، حیات و مرگ، شیرینی و تلخی وصف نموده است که خداوند آن را برای اولیا و دوستانش برنگزیده و در دادن آن به دشمنانش نیز دریغ نورزیده است. جمع شده دنیا نابود شدنی، مُلک آن گرفتنی و آبادانی‌اش ویران شدنی است. عمر در دنیا چونان تمام شدن زاد و توشه است پس چه خیری در آن است؟ روزگار در دنیا نیز چونان گذراندن راهی است که پایان‌پذیر است پس چه سودی دارد؛ «أَحْذَرُكُمْ الدُّنْيَا فَإِنَّهَا مَنْزِلُ قُلْعَةٍ وَ لَيْسَتْ بِدَارٍ نُجْعَةٍ قَدْ تَزَيَّنَتْ بِعُزُورِهَا وَ عَزَتْ بِزِينَتِهَا دَارُهَا هَانَتْ عَلَى رَبِّهَا فَخَلَطَ حَلَالُهَا بِحَرَامِهَا وَ خَيْرُهَا بِشَرِّهَا وَ حَيَاتُهَا بِمَوْتِهَا وَ خُلُوقُهَا بِمُرِّهَا لَمْ يَصْفِهَا اللَّهُ تَعَالَى لِأَوْلِيَانِيهِ وَ لَمْ يَضِنَّ بِهَا عَلَى أَعْدَائِهِ خَيْرُهَا زَهِيدٌ وَ شَرُّهَا عَتِيدٌ وَ جَمْعُهَا يَنْقَدُ وَ مُلْكُهَا يَسْلُبُ وَ عَامَرُهَا يَخْرُبُ فَمَا خَيْرٌ دَارٍ تَنْقُصُ نَقْصَ الْبِنَاءِ وَ عُمُرُ يَفْتَنُ فِيهَا فَنَاءَ الرِّادِ وَ مُدَّةِ تَنْقَطِعِ انْقِطَاعِ السَّيْرِ». (نهج البلاغه، خطبه ۱۱۳)

اگر به نامانایی صفات دنیا توجه شود (حوزه عاطفی) و انسان از آنها عبرت بگیرد، آنگاه با بصیرت به دنیا و دنیاداران می‌نگرد و درمی‌یابد، دنیا سراب و مجاز است و دنیاخواهان برای امری سرابین در کند و کاو هستند، آنها در نهایت با دستان تهی آن را ترک کرده و برای میراث‌خواران خود باقی می‌گذارند. از همین رو، بایسته است آدمی در همان حال که برای دستیابی به اهداف و خواسته‌هایش می‌کوشد (حوزه روانی-حرکتی) در ژرفای جانش این فکر حاکم باشد که این دنیا با همه سازوبرگش فانی و نامانا است (حوزه شناختی) و تا می‌تواند بکوشد دلبسته آن نگردد (حوزه عاطفی)، و تنها دلبستگی و امید او به ذات ازلی و ابدی و غنی باشد، امام علی علیه السلام می‌فرماید: «اجعلوا كل رجائكم لله سبحانه و لا ترجوا أحدا سواه فإنه ما رجا أحد غير الله تعالی لا خاب»؛ همه امیدواری خود را به خداوند سبحان معطوف دارید و به غیر او امید نداشته باشید زیرا هر کس که به غیر خداوند امید بست، زیان نمود» (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰: ۳۸۶۱).

البته از این نکته نباید غفلت کرد که دنیا به خودی خود منفور نیست و اشیا و آنچه در آن است، خود را همان‌طور که هست، عرضه می‌کنند. حضرت علی علیه السلام به فردی که دنیا را نکوهش می‌کرد فرمودند: «أَيُّهَا الدَّامُ لِلدُّنْيَا الْمُعْتَرِ بِعُزُورِهَا ... دَكَّرْتَهُمُ الدُّنْيَا فَتَدَكَّرُوا وَ حَدَّثْتَهُمْ فَصَدَّقُوا وَ وَعَظْتَهُمْ فَاتَّعَظُوا.»؛ چرا دنیا را سرزنش می‌کنی؟ دنیا خودش را شناسانده و گویای به احوال خودش است، پس چرا آن را نکوهش می‌کنی (نهج البلاغه، حکمت ۱۳۱).

نکته دیگری که انسان در شناخت جهان به آن می‌رسد این است که در می‌یابد این جهان محل ظهور مظاهر اسمای الهی است «اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِأَسْمَائِكَ الَّتِي غَلَبَتْ أَرْكَانَ كُلِّ شَيْءٍ»؛ (دعای کمیل)؛ (عطاردی، ۱۳۸۶، ج ۱۶: ۴۷۳)؛ بنابراین اگر انسان به دنیا با دید مظهر

اسما و آیات خداوند متعال بنگرد، در آن چیزی جز نظام استوار و احسن و مهندسی خلل‌ناپذیر مشاهده نخواهد کرد و ناپایداری آن از جهت صفت ذاتی عالم ماده و گذران بودن است نه از جانب بی‌نظمی و ناهماهنگی در ارکان آن (حوزه شناختی). آدمی اگر این نگرش را به جهان و دنیا داشته باشد از بسیاری از سوءظن‌ها در باره دیگران درامان خواهد ماند.

امیرالمومنین علیه السلام خوش‌بینی را از برترین خوبی‌ها و پربارترین عطایا می‌داند: «حَسْنُ الظَّنِّ رَاحَةُ القَلْبِ وَ سَلَامَةُ الدِّينِ». (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰: ۴۸۱۶) که اگر آدمی بکوشد به این مهارت در خلق و خوی خویش دست یابد آنگاه هم و غم او سبک گشته؛ «حَسْنُ الظَّنِّ يُخَفِّفُ الهِمَّ». (همان: ۴۸۲۳)، و قلبش به آرامش و راحتی می‌رسد؛ خوش‌بینی سبب سلامت بدن نیز است؛ «حَسْنُ الظَّنِّ مِنْ أَفْضَلِ السَّجَايَا وَ أَجْزَلِ العَطَايَا». (همان: ۴۸۳۴)؛ (حوزه شناختی). اگر آدمی به این صفت متحلی گردد (حوزه عاطفی) از آنجا که نیتش نیکو و حسن گشته، خواسته‌هایش نیز حاصل می‌گردد در نتیجه بر میزان امید به آینده او افزون می‌شود (حوزه روانی - حرکتی). حضرت علی علیه السلام فرمودند: «بِحَسَنِ النَّيَّاتِ تُبْجَحُ المَطَالِبُ»؛ با حَسَن نیت هاست که خواسته‌ها برآورده شود (همان: ۴۳۴۹).

### ۳. خداشناسی

آدمی با شناخت اسماء و صفات الهی، و تدبر در خلقت به اصل مهم «لامؤثر فی الوجود الا الله» می‌رسد، و صدور افعال را تنها در یک فاعل می‌بیند و او را تنها غنی مطلق می‌داند و لذا به او دل بستگی پیدا کرده و به او امید می‌بندد، و چون این فاعل غنی مطلق جز زیبایی و خیر محض نیست در نتیجه هر پیشامدی را نیک و خوشایند قلمداد می‌کند: «هر چه آن خسرو کند شیرین بود» (مولوی بلخی، ۱۳۷۶، غزل ۸۲۰: ۳۳۴)؛ و نسبت به حق تعالی حسن ظن پیدا می‌کند؛ و هر چه امید بنده به ربّ بیشتر باشد خوش‌بینی او به خداوند بیشتر خواهد بود؛ حضرت علی علیه السلام می‌فرماید: «حَسْنُ ظَنِّ العَبْدِ بِاللَّهِ سُبْحَانَهُ عَلَيَّ قَدْرٌ رَجَائِهِ لَهُ»؛ حسن ظن بنده به خداوند سبحان به مقدار امیدواری او است. (نوری طبرسی، ۱۴۰۸، ج ۱۱: ۲۵۱)

بنده خدا با خوش‌بینی، زندگی گیتیایی را جلوه‌ای از خداوند درمی‌یابد که بخشیدن و بخشیدن او خیر محض است و نسبت به رخدادهای تلخ و شیرین، نگرش مثبت دارد؛ آنها را بر اساس مصلحت و خیر، ضروری عالم ماده، جزئی‌نگری خویش، آزمایش و ابتلاء، گذرا و ناپایدار تفسیر و تعبیر می‌کند (حوزه شناختی)؛ در نتیجه سکون و آرامش بر وجود این فرد حاکم می‌گردد و گویی هم‌اکنون بهشت او برپاست، بر اساس سخنان آن حضرت با خوش‌بینی و مثبت‌نگری، فرد به آرامش می‌رسد (حوزه عاطفی)، «ثمره خوش‌بینی به خداوند این است که آدمی در همین دنیا گویی در بهشت است» (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰: ۵۳۳۲)، به تعبیر لاهیجی «هر گاه احکام وجوب و صفات کمال الهی بر آدمی غالب شود و به جانب وحدت و مبدأ میل کند، در بهشت

بی‌زوال در می‌آید»؛ (لاهیجی، ۱۳۷۱: ۱۹۶). و در سایه آرامش برآمده از امید و حسن ظن قادر می‌گردد با نگرش مثبت در رویارویی با حوادث خوشایند و ناخوشایند، عملکردهای مناسب را بروز داده (حوزه روانی-حرکتی) و ضمن این که از زمان کنونی حیات خویش غافل نمی‌ماند، می‌تواند آینده‌ای روشن را برای خویش ترسیم نماید؛ در حدیثی از امام باقر علیه السلام نقل شده که فرمودند: «در کتاب علی علیه السلام خواندم رسول خدا صلی الله علیه و آله بر فراز منبر فرمود: سوگند به خدایی که معبودی جز او نیست، هرگز خیر دنیا و آخرت به مؤمنی داده نمی‌شود، مگر به سبب خوش‌گمانی و امیدواری او به خدا، و خوش‌خلقی و خویشتن‌داری از غیبت مؤمنان و سوگند به خدایی که معبودی جز او نیست، خدا هیچ مؤمنی را پس از توبه و استغفار عذاب نمی‌کند، مگر به سبب بدگمانی‌اش به خدا و کوتاهی‌اش در امیدواری به او، و بدرفتاری و غیبت او از مؤمنان...». (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۶۷: ۳۹۴).

خوش بینی و حسن ظن به خدا سبب رضایت و تسلیم و رضا به تدابیر حق تعالی می‌شود، و ریشه خشنودی و رضا، حسن ظن به خدا است؛ زیرا هر کس حسن ظن به خدا داشته باشد می‌داند که آنچه حق تعالی در دنیا نصیب او کرده خیر او در آن بوده پس در هر حال راضی و خشنود به آن است. امام علی علیه السلام می‌فرماید: «أصل الرضا حسن الثقة بالله»؛ ریشه مقام رضا، حسن اعتماد و حسن ظن به خداست. (خوانساری، ۱۳۶۶، ج ۲: ۴۱۵) اگر آدمی به مقام رضا و تسلیم واصل گردد، در برابر شرایط زیست فردی و اجتماعی به دستاوردهایی مانند: بهره‌مندی از زندگی گوارا،<sup>۲</sup> آرامش روحی،<sup>۳</sup> آسایش بدنی،<sup>۴</sup> سوگوار نبودن بر رفته‌ها و نداشته‌های خویش،<sup>۵</sup> کور کردن چشم از و طمع بر داشته‌های دیگران، ریشه‌کن نمودن رشک و از از قلب خود و... دست می‌یابد.

حضرت علی علیه السلام نشانه مقام رضا را آن دانسته که سختی و خوشی برای فرد یکسان باشد، «... علامه رضا الله سبحانه عن العبد رضا بما قضی به سبحانه له و علیه؛...»؛

۱. «عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ (ع) قَالَ وَجَدْنَا فِي كِتَابِ عَلِيِّ (ع) أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ قَالَ وَهُوَ عَلِيٌّ مِثْرَهُ وَ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ مَا أُعْطِيَ مُؤْمِنٌ قَطُّ خَيْرَ الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ إِلَّا بِحَسَنِ ظَنِّهِ بِاللَّهِ وَ رَجَائِهِ لَهُ وَ حَسَنِ خُلُقِهِ وَ الْكَفِّ عَنِ اغْتِيَابِ الْمُؤْمِنِينَ وَ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ لَا يَعْذِبُ اللَّهُ مُؤْمِنًا بَعْدَ التَّوْبَةِ وَ الْإِسْتِغْفَارِ إِلَّا بِسُوءِ ظَنِّهِ بِاللَّهِ وَ تَفْصِيرِهِ مِنْ رَجَائِهِ وَ سُوءِ خُلُقِهِ وَ اغْتِيَابِهِ لِلْمُؤْمِنِينَ وَ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ لَا يَحْسُنُ ظَنُّ عِبْدٍ مُؤْمِنٍ بِاللَّهِ إِلَّا كَانَ اللَّهُ عِنْدَ ظَنِّ عِبْدِهِ الْمُؤْمِنِ لِأَنَّ اللَّهَ كَرِيمٌ يَبْدُو الْخَيْرَاتِ يَسْتَحْيِي أَنْ يَكُونَ عِنْدَهُ الْمُؤْمِنُ قَدْ أَحْسَنَ بِهِ الظَّنُّ ثُمَّ يَخْلِفُ ظَنَّهُ وَ رَجَاءَهُ فَأَحْسِنُوا بِاللَّهِ الظَّنُّ وَ از عَنَّا إِلَيْهِ». (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۶۷: ۳۹۴).

۲. «إِنَّ أَهْنَا النَّاسَ عِشَانًا مَنْ كَانَ بِمَا قَسَمَ اللَّهُ لَهُ رَاضِيًا»؛ (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰: ۳۳۹۷)

۳. «إِلْرَضَ تَسْتَرِحُ»؛ (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰: ۲۲۴۳).

۴. «مَنْ رَضِيَ مِنَ اللَّهِ بِمَا قَسَمَ لَهُ اسْتَرَاحَ بَدَنُهُ»؛ (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۷۱: ۱۳۹).

۵. «يَعْمُ الظَّارِدُ لِيَلْهَمَ الرِّضَا بِالْقَضَاءِ»؛ (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰: ۹۹۰۹).

علامت رضای خداوند از بنده آن است که از آنچه قضای خداوند برایش رقم زده، چه مطابق طبع باشد یا نباشد، راضی و خشنود باشد. (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰: ۴۱۰)؛ و بدینصورت امید واقعی به خدا از نظر تعالی درونی می تواند روح انسان به عالی ترین مقام کمال یعنی مقام رضا برساند، زیرا: «بالاترین درجه زهد پایین ترین درجه ورع است، و بالاترین درجه ورع پایین ترین درجه یقین است، و بالاترین درجه یقین پایین ترین درجه رضا است؛ «أعلى دَرَجَةِ الرَّهْدِ أدنى دَرَجَةِ الوَرَعِ ، و أعلى دَرَجَةِ اليقين ، و أعلى دَرَجَةِ اليقين أدنى دَرَجَةِ الرِّضَا»؛ (الكافی، ۲: ۱۲۸)، و همچنین از نظر تعالی حیات درونی سبب می شود زندگی لذت بخش همراه با آرامش داشته باشد؛ حضرت علی علیه السلام می فرماید: «با مقام [رضا] حزن از قلب رخت برمی بندد؛ «الرِّضَا يَنْفِي الحُزْنَ»؛ (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰: ۴۱۰)، اگر حزن رفت شادمانی جایگزین آن می گردد. یافته های روان شناسی حاکی است؛ آنگاه که آدمی خوشحال و شاد باشد، جهان هستی را دلپذیرتر ادراک می کند، به آسانی و بهتر تصمیم می گیرد.... امید به آینده و اعتماد او به خودش افزون تر می گردد (پارسا، ۱۳۹۲: ۷۶)، افراد شاد، مهارت های خود را به شکلی اغراق آمیز ارزیابی کرده و رویدادهای مثبت را بیش از رویدادهای منفی به یاد می آورند؛ در نتیجه به تبادل انرژی مثبت با محیط و اطرافیان می پردازند.

## نتیجه گیری

۱. خاستگاه امید به عنوان نیروی تحرک بخش زندگی، فقر وجودی، عجز و ناتوانی انسان و همه مخلوقات، بی اعتباری و ناپایداری دنیا، و انحصار فاعل حقیقی در وجود غنی مطلق حق تعالی است. انسان با خودشناسی پس از تجزیه و تحلیل لایه‌ها و سطوح وجودی خود درمی‌یابد، که از خود هیچ سرمایه ماندگاری ندارد. برآیند شناخت و معرفت ژرف در حوزه فقر وجودی این است که به ناتوانی و عجز خویش آگاه شده و می‌کوشد تا این ناتوانی را در سایه قدرت بی پایان و مطلق الهی جبران کند و فقط به ذات حق تعالی دل بسته و امیدوار باشد، همچنین انسان با تدبیر در جهان و ویژگی نامانایی و ناپایداری خلقت، همه ما سوی الله را فقیر محض و وابسته به قدرتی برتر می‌بیند؛ و از طرفی دیگر شناخت دنیا، انسان را به بی اعتباری و ناپایداری آن رهنمون می‌شود، اگر به نامانایی صفات دنیا توجه شود بایسته است در همان حال که برای دستیابی به اهداف و خواسته‌ها کوشید، در ژرفای جان این فکر حاکم باشد که این دنیا با همه سازوبرگش فانی و نامانا است و تا می‌تواند بکوشد دل بسته آن نگردد، و تنها موجودی که شایستگی دل بستگی و امید دارد ذات ازلی و ابدی و غنی حق تعالی است، و لذا به او دل بستگی پیدا کرده و به او امید می‌بندد. و نیز آدمی در نگرش به دنیا به اعتباری و مجازی بودن آن واقف گردیده و به این نتیجه می‌رسد که دنیا شایستگی دل بستگی را ندارد، در نتیجه در مواجهه با ناملایمات دنیا دچار یأس و ناامیدی نمی‌شود.

۲. از سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام فرایند تأثیر گذاری رجا و امید در کمال و تعالی روح و سعه وجودی انسان و پیشرفت و بهبود سبک زندگی وی به این شکل است که اگر آدمی در زیست خود، امیدش را تنها به خداوند ببندد، به مالک همه خزاین و گنجینه‌ها تکیه نموده، و صدور فعل را تنها از فاعلی می‌بیند که جز زیبایی و خیر محض نیست؛ در نتیجه به او حسن ظن پیدا کرده و هر پیشامدی را نیک و خوشایند قلمداد می‌کند؛ و در درونش احساس آرامش حاکم می‌گردد؛ و مستفاد از فرمایش حضرت علی علیه السلام معیار و میزان حسن ظن بنده به خداوند سبحان به مقدار امیدواری او است، و با خوش بینی به حق تعالی یقین دارد اگر این مالک حقیقی را بخواند خواسته و آرزوی او را محقق می‌سازد و اگر هم محقق نسازد؛ و رای این ندادن نیز خیر نهفته است که آدمی با جزیبی‌نگری خویش از دریافت آن عاجز است، در سخنان حضرت امیر علیه السلام از این حالت به «مقام رضا» تعبیر شده است، و بدینصورت امید واقعی به خدا از نظر تعالی درونی می‌تواند روح انسان را به عالی ترین مقام کمال (مقام رضا) برساند، و همچنین سبب می‌شود در برابر شرایط زیست فردی و اجتماعی، زندگی لذت بخش همراه با آرامش داشته باشد.

۳. در سلوک برخاسته از تعالیم امیرالمؤمنین علیه السلام لازم است انسان در کنار تحصیل اسباب شناختی و عاطفی کمال (امید، حسن ظن به خدا و رضایت به تقدیر الهی)، در حوزه روانی و حرکتی نیز برای نیل به امید صادق و مطلوب تلاش کند، لذا ضروری است اهدافی را متناسب با توان خود و واقعیت زندگی‌گزينش نموده و برای وصول به آن اهداف، باید پیوسته در تلاش و تکاپو بود و با توجه به موانع درونی (هوای نفس) و بیرونی (شیطان و تعلقات دنیوی) راه، برای سنجش میزان ترقی و وصول به اهداف به محاسبه و ارزیابی خود برخیزد، پس از ارزیابی، محاسبه و سنجش میزان دست‌یابی به هدف، باید به مجاهده با نفس و سرکشی‌های آن برای پیشبرد اهداف برخاست، برآیند جهاد با نفس، شناخت هیجانات و کنترل و چیره شدن بر آنها است، اگر هیجانات که برخاسته از افکار ذهنی است، کنترل شوند در پی آن احساس و رفتار نیز کنترل خواهد شد و در نتیجه آدمی می‌تواند با تغییر تفکر در باره رخدادهای زندگی و ایجاد نگرش امیدوارانه و نسبت دادن آنها به مبدأ حقیقی صدور افعال، نتایج مطلوب و پایدار را برای خویش رقم زند.

## فهرست منابع

- قرآن مجید  
نهج البلاغه
۱. آذرنوش، آذرتاش (۱۳۹۱ش)، فرهنگ معاصر عربی-فارسی، چاپ چهاردهم، تهران، نشر نی.
  ۲. ابن فارس، احمد بن فارس، معجم مقاییس اللغة (۱۴۰۴ق)، محقق عبدالسلام محمد هارون، چاپ اول، قم، مکتب الاعلام الاسلامی.
  ۳. ابن منظور، محمد بن مكرم (۱۴۱۴ق)، لسان العرب، چاپ سوم، بیروت، دار صادر.
  ۴. پارسا، محمد (۱۳۹۲)، روان‌شناسی انگیزش و هیجان، تهران، چاپ اول، انتشارات سخن.
  ۵. پرچم، اعظم، مریم فاتحی زاده و مریم محقیان (۱۳۹۲)، «ابعاد سه‌گانه نظریه امید اسنایدر و تطبیق آن با دیدگاه قرآن کریم»، دو فصلنامه علمی-پژوهشی تحقیقات علوم قرآن و حدیث دانشگاه الزهراء، ش ۱ (۱۰): ۱-۲۹
  ۶. تمیمی آمدی، عبد الواحد بن محمد (۱۴۱۰ق)، غرر الحکم و درر الکلم، مصحح سید مهدی رجایی، چاپ دوم، قم، دارالکتب الاسلامیه.
  ۷. تهبانوی، محمد علی (۱۹۹۶م)، موسوعه کشف اصطلاحات الفنون و العلوم، تحقیق علی دحروج، چاپ اول، بیروت، مکتبه لبنان ناشرون.
  ۸. خوانساری، جمال الدین، (۱۳۶۶)، شرح آقا جمال الدین خوانساری بر غرر الحکم و درر الکلم، دانشگاه تهران.
  ۹. دهخدا، علی اکبر، (۱۳۸۵)، چاپ اول، تهران، دانشگاه تهران
  ۱۰. راغب اصفهانی، حسین (۱۴۱۲ق)، مفردات ألفاظ القرآن، مصحح داوودی، صفوان عدنان، بیروت دمشق، دار القلم الدار الشامیه.
  ۱۱. سراج طوسی، عبدالله بن علی بن السراج (۱۹۶۰م)، اللمع با اهتمام دکتر عبدالحلیم محمود، بغداد، چاپخانه مثنی.
  ۱۲. سیف، علی اکبر (۱۳۹۷)، روانشناسی پرورشی نوین، چاپ شصت و ششم، تهران، نشر دوران.
  ۱۳. شجاعی، محمد صادق و مجتبی حیدری (۱۳۸۹)، نظریه‌های انسان سالم با نگرش به منابع اسلامی، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).
  ۱۴. طباطبایی، سید محمد حسین (۱۴۱۷)، تفسیر المیزان، چاپ پنجم، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
  ۱۵. طوسی، محمد بن الحسن (۱۴۱۱ق)، مصباح المجتهد و سلاح المتعبد، چاپ اول، بیروت، مؤسسه فقه الشیعه.

۱۶. عطاءالله، عطاردی (۱۳۸۶ش)، مسند الامام علی علیه السلام (۲۷جلدی)، چاپ اول، تهران، ناشر عطارد.
۱۷. عمید، حسن (۱۳۸۷)، فرهنگ فارسی عمید، چاپ بیست و نهم، تهران، امیر کبیر.
۱۸. فیض کاشانی، ملا محسن؛ (۱۳۸۲)، راه نجات (ترجمه کتاب منهج النجات)، رضا رجب زاده، چاپ نهم، تهران، پیام آزادی
۱۹. کاشانی، عبدالرزاق، (۱۳۸۵)، شرح منازل السائرین، تحقیق و تعلیق محسن بیدار فر، چاپ سوم، قم، انتشارات بیدار.
۲۰. کاشانی، عزالدین محمود، (۱۳۶۷)، مصباح الهدایه و مفتاح الکفایه، تصحیح جلال الدین همایی، چاپ سوم، تهران، نشر هما.
۲۱. کلینی، محمد بن یعقوب، (۱۴۰۳ ق)، الاصول من الکافی، چاپ سوم، بیروت، دار الاضواء
۲۲. لاهیجی، شمس الدین محمد (۱۳۷۱)، مفاتیح الاعجاز فی شرح گلشن راز، مقدمه و تصحیح محمد رضا برزگر خالقی و عفت کرباسی، چاپ اول، تهران، زوآر.
۲۳. لیشی واسطی، علی بن محمد (۱۳۷۶ش)، عیون الحکم و المواعظ، تصحیح حسین حسینی بیرجندی، چاپ اول، قم، دار الحدیث.
۲۴. مجلسی، محمدباقر، (۱۴۰۳ق)، بحار الانوار، چاپ سوم، بیروت، دارالاحیاء التراث.
۲۵. مصطفوی، حسن، (۱۳۶۰)، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
۲۶. موسوی خمینی، روح الله، (۱۳۸۰)، شرح حدیث جنود عقل و جهل، چاپ پنجم، تهران، مؤسسه نشر و تنظیم آثار امام خمینی (ره).
۲۷. مولوی، جلال الدین محمد بلخی (۱۳۶۲ش)، مثنوی معنوی، تصحیح رینولد آئین نیکلسون، چاپ نهم، تهران، امیر کبیر.
۲۸. \_\_\_\_\_، کلیات شمس تبریزی، شرح بدیع الزمان فروزانفر، چاپ چهاردهم، تهران، امیر کبیر.
۲۹. موکیلی، آکس و روبرت دانتروز (۱۳۸۴ش)، انگیزش و هیجان، ترجمه حمزه گنجی و علی پیکانی، چاپ اول، تهران، نشر ساوالان.
۳۰. نراقی، ملا احمد؛ (۱۳۸۶)، معراج السعاده، چاپ اول، قم، انتشارات زهیر.
۳۱. نوری طبرسی، میرزا حسین، (۱۴۰۸ق)، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، چاپ اول، بیروت - لبنان، مؤسسه آل البيت علیهم السلام لإحياء التراث.



نوع مقاله: پژوهشی

صفحات ۲۰۶ - ۱۹۳

## بررسی تاثیر اینترنت و ماهواره بر هویت فرهنگی و اخلاقی دانشجویان (مطالعه موردی: دانشگاه آزاد اسلامی واحد ساوه روستای نور علییگ)

اعظم نیکوکار<sup>۱</sup>

مژگان فرزامی سپهر<sup>۲</sup>

### چکیده

این پژوهش با هدف بررسی تاثیر اینترنت و ماهواره بر هویت فرهنگی و اخلاقی دانشجویان ساکن در روستای نورعلی بیگ شهرستان ساوه استان مرکزی انجام شده است. روش پژوهش از نظر هدف، کاربردی و از نظر شیوه جمع‌آوری اطلاعات، علی - مقایسه‌ای بود. جامعه آماری پژوهش را کلیه دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد ساوه تشکیل می‌دهد (N=۴۰۰۰). این انتخاب به دو دلیل است اول این که همجواری دانشگاه آزاد واحد ساوه با روستای نور علی بیگ و از طرفی تعداد بسیار زیادی از دانشجویان ساکن این روستا و روستاهای مجاور آن هستند. حجم نمونه مطابق با فرمول کوکران ۳۸۰ نفر برآورد شد و برای انتخاب نمونه از روش نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای استفاده شد. ابزار گردآوری داده‌ها، پرسشنامه هویت فرهنگی طاهری (۱۳۹۲) در قالب ۳۰ گویه و ضریب آلفای ۰/۹۱ و پرسشنامه هویت اخلاقی آکویینو و رید (۲۰۰۲) در قالب ۱۰ گویه و ضریب آلفای ۰/۷۵ بود. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از آزمون K-S و تحلیل واریانس استفاده شد. نتایج نشان داد بین هویت فرهنگی و اخلاقی دانشجویان بر اساس میزان استفاده آنها از اینترنت و ماهواره تفاوت معناداری وجود دارد.

### واژگان کلیدی

اینترنت، ماهواره، هویت فرهنگی، هویت اخلاقی.

۱. گروه مدیریت آموزشی، واحد ساوه، دانشگاه آزاد اسلامی، ساوه، ایران.

Email: nico\_502000@iau-saveh.ac.ir

۲. گروه زیست‌شناسی، واحد ساوه، دانشگاه آزاد اسلامی، ساوه، ایران. (نویسنده مسئول)

Email: Farzamisepehr@iau-saveh.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۲/۳۰ پذیرش نهایی: ۱۴۰۱/۵/۲۷

## طرح مسأله

اصطلاح آسیب‌های اجتماعی نوپدید ناظر به برخی از آسیب‌های اجتماعی است که بروز و شیوع آن‌ها اخیراً در جامعه مدرن افزایش یافته است. از جمله این آسیب‌ها می‌توان به: آسیب‌های ناشی از فضای مجازی، اینترنت، ماهواره و آسیب‌های مرتبط با فناوری‌های جدید ارتباطی نام برد. ولی این اصطلاح فاقد حدود می‌باشد چراکه پیشرفت بشر در علم و تکنولوژی حدی ندارد (Takahashi و همکاران، ۲۰۱۹). امروزه وسایل ارتباط جمعی در تمامی کشورها نقش بسیار مهمی را در زمینه‌های مختلف از جمله سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی ایفا می‌کنند. اهمیت رسانه‌های گروهی به جهت گسترش اطلاعات تا حدی است که دانشمندان در تقسیم بندی مراحل تاریخی تمدن بشر، دوره خاصی را به زمان ظهور آن اختصاص داده‌اند. آلوین تافلر<sup>۱</sup> تاریخ تمدن بشری را به سه مرحله با عناوین مرحله کشاورزی، مرحله صنعتی و مرحله فراصنعتی یا عصر ارتباطات و اطلاعات تقسیم کرده است؛ به اعتقاد وی، در عصر فراصنعتی، قدرت در دست کسانی است که شبکه‌های ارتباطی و اطلاعاتی را در اختیار خود دارند (تافلر، آلوین، ترجمه امیررحیمی، ۱۳۹۰).

این پژوهش در صدد معرفی برخی از مزایا، معایب و تهدیدهای موجود در شبکه‌های اجتماعی مجازی و ارائه راهکارهایی برای پیشگیری و کاهش این گونه آسیب‌های نوظهور است. بر این اساس، به بررسی سریع و خلاصه ویژگی‌های مثبت رسانه‌های جدید در حوزه‌های اجتماعی و فرهنگی می‌پردازیم. و می‌توان به ویژگی‌هایی اشاره کرد که شامل جهانی بودن و فرامرزی بودن، دسترسی بی دردسر به آخرین اطلاعات، جذابیت و تنوع، دستیابی به علم و دانش جدید، توسعه اقتصادی و شغلی، همگرایی اجتماعی و آزادی اطلاعات و ارتباطات است. بر این اساس، تحلیل گران بر فرهنگ و آسیب‌های هویتی که اینترنت و شبکه‌های مجازی در جوامع ایجاد می‌کنند تمرکز کرده‌اند. موضوع تاثیر شبکه‌های اجتماعی بر هویت فرهنگی و اخلاقی جوانان و به ویژه دانشجویان بسیار قابل توجه است؛ از این رو تحقیقات گسترده‌ای در مورد ابعاد مختلف پیامدهای اجتماعی استفاده از شبکه‌های اجتماعی مجازی انجام شده است. هر پژوهش به بررسی ابعاد این تأثیر پرداخته است که در ذیل به نمونه‌هایی از نتایج این تحقیق اشاره می‌شود: نیکوکار، رزازی (۱۴۰۱) در پژوهشی تحت عنوان بررسی نقش شبکه‌های اجتماعی مجازی در احساس تنهایی و نو آسیب‌های اجتماعی و فرسودگی تحصیلی در دانش‌آموزان دبیرستانی با توجه به تاثیر نقش شبکه‌های اجتماعی در ایجاد نوآسیب‌های اجتماعی و تنهایی

عاطفی نتیجه گرفتند که استفاده کردن از شبکه‌های اجتماعی مجازی می‌تواند احساس تنهایی، نو آسیب‌های اجتماعی و فرسودگی تحصیلی را در دانش آموزان پیش‌بینی کند. همچنین احساس تنهایی، نو آسیب‌های اجتماعی و فرسودگی تحصیلی با مدت استفاده از شبکه‌های مجازی، رابطه مثبت معنادار دارد. مختارپور و کیانی (۱۳۹۹) با بررسی یک تبیین نظری در استفاده از فضای مجازی و توسعه ساختار خانواده در ایران با تأکید بر مفهوم موضوع به شکاف نسلی تأکید داشتند. این تحقیق رابطه معنادار بین آشنایی والدین و فرزندان با فضای مجازی را تایید و تأکید می‌کنند. علاوه بر این، والدین اغلب تصور می‌کنند که برای استفاده از فناوری و فضای جدید، پیر شده‌اند و این موضوع باعث ایجاد شکاف در میزان آشنایی نسل جدید و قدیم با فضای مجازی شده است. تفاوت بین والدین و فرزندان در نگرش و پایبندی به ارزش‌های غیر مادی و مادی مشهود است و البته نگرش و پایبندی به ارزش‌های غیر مادی در بین والدین بیشتر است. رحیمی و فتحی (۲۰۱۸) تأثیر شبکه‌های اجتماعی بر پیوندهای خانوادگی را از دیدگاه معلمان آموزش و پرورش منطقه ۱۱ تهران بررسی کردند و نشان دادند که نتایج تحلیل رگرسیون تشخیص داد که هر یک از مؤلفه‌های «روابط زناشویی»، «کاهش فعالیت‌های روزمره»، «بی‌اعتمادی والدین به فرزندان»، «ارتباط چهره به چهره اعضای خانواده»، «کاهش مشارکت اجتماعی در بین اعضای خانواده» و «انزوای اجتماعی در بین اعضای خانواده» قابلیت تبیین را دارد. و پیش‌بینی «پیوندهای خانوادگی» و اینکه متغیر «بی‌اعتمادی والدین به فرزندان» در مقایسه با سایر متغیرها قوی‌ترین تأثیر را بر «پیوندهای خانوادگی» دارد. به طوری که این متغیر می‌تواند حدود ۲۷ درصد از تغییرات کیفیت روابط خانوادگی را تبیین کند. همچنین مشخص شد که به طور کلی استفاده از «شبکه‌های اجتماعی» می‌تواند ۴۲ درصد از «پیوندهای خانوادگی» را پیش‌بینی کند.

منطقه فسائی و فتحی (۲۰۱۸) پژوهشی با عنوان کاربرد فضای مجازی و رابطه آن با انزوای اجتماعی در بین دانشجویان واحد علوم و تحقیقات انجام دادند و نتایج آن نشان داد: اکثریت پاسخگویان (۸۷ درصد) اظهار داشته‌اند که از فضاهای مجازی و شبکه‌ها استفاده می‌کنند. با این وجود، منحصراً ۱۰.۵ درصد از پاسخ‌دهندگان اظهار داشته‌اند که از فضای مجازی استفاده نمی‌کنند. در نتیجه، اکثریت قریب به اتفاق پاسخ‌دهندگان اظهار داشته‌اند که از فضای مجازی استفاده می‌کنند. اکثر پاسخ‌دهندگان (۷۹.۲۵ درصد) اعلام کرده‌اند که از تلگرام استفاده می‌کنند. از طرفی ۴۵.۵ درصد نیز از تلگرام و واتس‌آپ استفاده می‌کنند. در نتیجه، ۵۶ درصد از مردم از فضای مجازی در سطح متوسط، ۳۰ درصد در سطح بالا و ۱۴ درصد در سطح پایین استفاده می‌کنند. همانطور که نتایج آماری توضیح می‌دهد، رابطه بین متغیرهای مستقل (استفاده از فضای مجازی، تنهایی، ناامیدی، سن، سطح تحصیلات و نوع برنامه) با استفاده از

متغیر وابسته (انزوای اجتماعی) تایید شد.

صدقی، و همکاران (۲۰۱۵) مطالعه‌ای در زمینه شبکه‌های اجتماعی، فضای مجازی و تعهد زوجین انجام دادند و نشان دادند که تفاوت معناداری از نظر جنسیت بین شبکه‌های اجتماعی مشاهده نشد. در فرضیه‌ها بین استفاده از شبکه‌های اجتماعی و میزان اعتماد زوجین رابطه بسیار قوی و معکوس وجود دارد و همچنین بین استفاده از شبکه‌های اجتماعی و میزان تعهد و مسئولیت‌پذیری همسران رابطه بسیار قوی و معکوس وجود دارد. رابطه بسیار قوی و مستقیم بین استفاده از شبکه‌های اجتماعی و میزان وابستگی زوجین به شبکه‌ها. در نتیجه استفاده از شبکه‌های اجتماعی علاوه بر کارکرد مثبت، پیامدهایی نیز به همراه دارد، مانند نوعی از خودبیگانگی به نام بیگانگی از زندگی. به عبارت دیگر، غریبه‌صمیمی و خویشاوند غریبه ظاهر شده است.

صدقی و فتحی (۲۰۱۵) پیامد شبکه‌های اجتماعی سایبری بر سبک زندگی زوجین را بررسی کردند و به این نتیجه رسیدند که بین میزان زمان استفاده از شبکه‌های اجتماعی و مجازی بر تغییر سبک زندگی و تغییر سبک زندگی رابطه معناداری وجود دارد.

فتحی، مختارپور (۲۰۱۴) به بررسی نقش و تأثیر رسانه‌های تصویری جدید در تغییر سبک زندگی پرداختند و معتقدند استفاده از رسانه‌های تصویری جدید سبک زندگی خاصی را توسعه می‌دهد و نظام ارزشی و جهان بینی‌های گوناگونی را در هر جنبه از سبک زندگی ایجاد می‌کند که منجر به کنش‌های گوناگون می‌شود. توسط مردم و باعث می‌شود افراد در زمینه‌های مختلف زندگی خود از الگوهای مختلف از جمله اوقات فراغت و نحوه گذراندن آن، نگرش به ازدواج (شیوه انتخاب همسر)، رفتارهای مذهبی و مدگرایی پیروی کنند.

فتحی، مختارپور (۲۰۱۳) با بررسی مدل توضیحی استفاده از اینترنت و نقش آن در هویت فرهنگی دانش‌آموزان، حضور در چت، دوستیابی، وبلاگ‌ها و شبکه‌های اجتماعی و ارائه دیدگاه‌ها، نگرش‌ها و احساسات نوجوانان در این محیط را تشخیص دادند. آزادی بیان توسط آنها یکی دیگر از دلایل و عواملی است که باعث می‌شود این جوانان بیشتر از این مدل‌های کاربری استفاده کنند. همچنین مدل‌های استفاده از اینترنت در ارتقای سطح فرهنگ دانش‌آموزان و افزایش سطح آگاهی آنان از هویت فرهنگی مؤثر است، به گونه‌ای که در حذف مرزهای جغرافیایی در سطح محلی از طریق فضای مجازی و دسترسی آسان به میراث فرهنگی، نمادهای فرهنگی و خرده فرهنگ‌ها مؤثر بوده است.

فتحی، رشتیانی (۲۰۱۳) با بررسی اندام‌های مشابه در یک جهان و بررسی نقش جهانی شدن در مدیریت بدن، دریافتند که با القای فرهنگ فرستنده (مخاطب می‌سازد) بین جهانی شدن رسانه و فناوری‌های ارتباطی رابطه معنادار و مستقیمی وجود دارد. فرهنگ‌سازی، توسعه

فرهنگ مصرف گرایی، تنوع و مدرنیته، جهانی شدن فرهنگ عامه غرب، ترویج فردگرایی و خودآموزی، یادگیری متقابل و ارائه بازخورد و مدیریت بدن. و تنها یک فرضیه وجود داشت که رد شد و آن رابطه بین ایدئولوژی و مدیریت بدن بود

فتحی، پیراهری و شیرین بیان (۲۰۱۱) با بررسی تأثیر فناوری اطلاعات و ارتباطات (ICT) بر شکاف نسلی (مطالعه موردی: خانواده های گرمسار) تفاوت معناداری را بین والدین و فرزندان در سطح آشنایی، علاقه و استفاده از اطلاعات نشان داد. فناوری ارتباطات به گونه ای که کودکان به صورت حرفه ای و نیمه حرفه ای از فناوری اطلاعات و ارتباطات استفاده می کنند و والدین نیز به صورت مبتدی از آن استفاده می کنند. بین فناوری اطلاعات و ارتباطات و شکاف نسلی در سطح اطمینان ۰/۹۹ رابطه معناداری وجود دارد و همچنین بین دو متغیر رابطه مستقیم و مثبت وجود دارد. فناوری اطلاعات و ارتباطات در کنار سایر متغیرها باعث ایجاد شکاف نسلی شده است. همچنین بین شکاف سنی و تفاوت تحصیلی والدین و فرزندان و شکاف نسلی رابطه معناداری مشاهده شد.

فرضیه های تحقیق:

۱. شبکه های مجازی با سطح انسجام اجتماعی مرتبط هستند.
۲. شبکه های مجازی بر هویت اخلاقی اقشار جوان به ویژه دانشجویان تأثیر دارند.
۳. شبکه های مجازی باعث کم رنگ شدن ارزشهای فرهنگی در بین دانشجویان می شود.
۴. شبکه های مجازی سبک زندگی خانوادگی را به ویژه در بین زوجین جوان دانشجو تغییر داده اند.

### روش تحقیق

از نظر هدف، این پژوهش کاربردی است. از نظر شیوه جمع آوری اطلاعات، به روش علی – مقایسه ای انجام شده است. جامعه آماری پژوهش را کلیه دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد ساوه که در سال تحصیلی ۱۴۰۰ مشغول به تحصیل هستند، تشکیل دادند که تعداد آنها ۴۰۰۰ نفر گزارش شد. حجم نمونه بر اساس جدول «مورگان» ۳۸۰ نفر برآورد شد. نمونه ها به روش نمونه گیری تصادفی ساده انتخاب شدند. ابزار گردآوری داده ها پرسشنامه بود. بخش اول شامل سوال درخصوص میزان استفاده از ماهواره و اینترنت (کم-متوسط-زیاد)، و بخش دوم در پرسشنامه هویت فرهنگی توسط طاهری (۱۳۹۲) (جدول ۱) در قالب ۳۰ گویه طراحی و اعتباریابی شده است. مقیاس این پرسشنامه ۵ درجه ای لیکرت است. پایایی پرسشنامه به کمک آلفای کرونباخ ۰/۹۳ اعلام شده است و در این مطالعه ضریب ۰/۹۱ به دست آمده است. پرسشنامه هویت اخلاقی (جدول ۲) توسط Reed, Aquino (۲۰۰۲) در قالب ۱۰ گویه

طراحی و اعتباریابی شده است. مقیاس این پرسشنامه ۵ درجه‌ای لیکرت است. پایایی پرسشنامه به کمک آلفای کرونباخ ۰/۷۷ اعلام شده است و در این مطالعه ضریب ۰/۷۵ به دست آمده است. میزان استفاده از اینترنت و ماهواره نیز بر اساس سه طیف کم، متوسط و زیاد مورد بررسی قرار گرفته است. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از آزمون‌های K-S و تحلیل واریانس استفاده شد.

جدول ۱- پرسشنامه هویت فرهنگی

ردیف	پرسشنامه هویت فرهنگی طاهری (۱۳۹۲)	کاملاً موافقم	موقع	تأخوری	کاملاً موافقم	مواقفم
۱	کاملاً به اصول و سنتهای مذهبی مانند خواندن نماز، روزه گرفتن، نماز جماعت پای بند هستم					
۲	معمولاً در بیشتر مراسم‌های مذهبی مانند عاشورا، تاسوعا، نماز عید فطر و... شرکت میکنم					
۳	تنها با داشتن دین و ایمان قوی و مذهبی بودن، می توان به سعادت و کمال رسید					
۴	تاریخ ایران، پر از شکوه و عظمت و افتخار است					
۵	آثار تاریخی مربوط به دوران ایران باستان مثل تخت جمشید، مربوط به دوران طاغوت است و نشانه ظلم شاهان و رنج مظلومان است					
۶	با دیدن جاهای باستانی ایران مثل تخت جمشید و غیره احساس غرور می کنم					
۷	آداب و رسوم ایرانی مثل نوروز و چهارشنبه سوری، نشانه هویت ما است و باید آنها را حفظ کنیم					
۸	آداب و رسوم ایرانی آیینی کهنه است، بخاطر همین من بیشتر به آداب و رسوم غربی و جشن هایی چون ولنتاین و... علاقه دارم					
۹	رفتار و اخلاق و اعمال ناپسند ایرانیان ریشه در آداب و رسوم سنتی و بومی آنان دارد.					
۱۰	خود را به آداب، سنن و رسوم ایرانی پایبند می دانم و آنها را حفظ می کنم					
۱۱	من در انتخاب نوع پوشش و حجابم به معیارهایی مانند مد روز بودن، شیک و زیبا بودن، مارکدار بودن و... اهمیت می‌دهم.					
۱۲	پوشش و حجابم به معیارهای سنتی مانند اسلامی بودن، مقبولیت جامعه، همخوانی با فرهنگ جامعه ایرانی - اسلامی نزدیکتر است.					
۱۳	از درست کردن و خوردن غذاهای سنتی ایرانی لذت می‌برم					

				غذاهایی چون فست فود، پیتزا، لازانیا و ... را بر غذاهای سنتی ایرانی ترجیح می‌دهم	۱۴
				سعی می‌کنم اوقات فراغتم را در همنشینی با دوستان و افراد خانواده و فامیل بگذرانم	۱۵
				بیشتر اوقات فراغتم را با فعالیت‌هایی مانند ورزشی، رفتن به تئاتر، سینما، تماشای تلویزیون و ... پر می‌کنم	۱۶
				زبان فارسی نشانه شخصیت و غرور ایرانی است	۱۷
				به عنوان یک ایرانی به زبان فارسی علاقه مند هستم و به آن عشق می‌ورزم	۱۸
				تلاش می‌کنم که در صحبت کردنم از واژه‌ها و کلمات انگلیسی و لاتین استفاده کنم	۱۹
				بنظر من آثار ادبی ایران نظیر شاهنامه فردوسی، مثنوی و معنوی و دیوان حافظ غنی‌ترین آثار ادبی جهان هستند.	۲۰
				از خواندن آثار شعرا و نویسندگان ایرانی لذت می‌برم	۲۱
				به شخصیت‌های ادبی و نویسندگان ایرانی نظیر حافظ، مولوی، خیام و شاملو و ... افتخار می‌کنم	۲۲
				کسانی مانند کوروش کبیر، مصدق، ستارخان و باقر خان و ... مایه افتخار ما ایرانی‌ها هستند	۲۳
				علم و دانش امروزی دنیا مدیون دانشمندان ایرانی همچون ابن سینا و ابوریحان بیرونی است	۲۴
				برای تزئین منزل و محل کار خود از نقاشی (میناتور و ...) و خوشنویسی ایرانی استفاده می‌کنم.	۲۵
				در فرش و مبله کردن محیط داخلی منزلم ترجیح می‌دهم از صنایع دستی ایرانی استفاده کنم.	۲۶
				در اوقات فراغت معمولاً به موسیقی و آوازهای سنتی ایرانی را گوش می‌کنم	۲۷
				هنر نزد ایرانیان است و بس	۲۸
				سعی می‌کنم فرزندانم را براساس فرهنگ اسلامی و ایرانی تربیت کنم تا فرهنگ غربی و مدرن	۲۹
				دوست دارم اسم بچه‌هایم بیشتر اسامی غربی و جدید باشد تا اسامی اسلامی و ایرانی	۳۰

## جدول ۲- پرسشنامه هویت اخلاقی

موافقم	کاملاً موافقم	ناحدودی	موافقم	کاملاً موافقم	ردیف
					لطفاً به صفات و ویژگی‌هایی چون دلسوزی، مهربانی، بخشنده بودن، زحمتکش، صادق توجه نموده و سپس به عبارات زیر پاسخ دهید.
					۱ این به من احساس خوبی می‌دهد که فردی هستم که دارای این ویژگی‌هاست.
					۲ اینکه فردی هستم که دارای این ویژگی‌هاست، قسمت مهمی از وجود من را تشکیل می‌دهد.
					۳ من غالباً پوشش و لباس‌هایم را طوری انتخاب می‌کنم که نشان دهنده این ویژگی‌ها هستم.
					۴ من سرافکننده و خجالت زده می‌شوم از اینکه فردی باشم که دارای این ویژگی‌هاست.
					۵ آن چیزهایی که من در اوقات فراغتم انجام می‌دهم نشان می‌دهد که من دارای این ویژگی‌ها هستم.
					۶ نوع کتاب‌ها و نشریه‌هایی که می‌خوانم، نشانگر آن است که واجد این صفات و ویژگی‌ها هستم.
					۷ داشتن یا نداشتن این ویژگی‌ها برایم مهم نیست.
					۸ این واقعیت که من دارای این ویژگی‌ها هستم، توسط دیگران با عضویت من در موسسات و سازمان‌های خاص مشخص می‌شود.
					۹ از آنجا که من به طور فعال در فعالیتهایی درگیرم، در منظر دیگران دارای این مشخصه‌ها به نظر می‌رسد.
					۱۰ من قویاً تمایل دارم که این ویژگی‌ها را داشته باشم.

## نتایج

مطابق با جدول ۳ سطح معنی‌دار به دست آمده بزرگتر از ۰/۰۵ است و با اطمینان ۹۵ درصد می‌توان گفت داده‌های پژوهش از ویژگی نرمال بودن تبعیت می‌کنند و می‌بایست از آزمون‌های پارامتریک برای تحلیل داده‌ها استفاده نمود.



جدول ۳: آزمون K-S

Sig	K-S	
.070	.044	هویت فرهنگی
.161	.119	هویت اخلاقی

سوال ۱- چه تفاوتی بین هویت فرهنگی و اخلاقی دانشجویان بر اساس میزان استفاده آنها از اینترنت وجود دارد؟

جدول ۴: آماره‌های توصیفی آزمون تحلیل واریانس برای مقایسه بر اساس استفاده از اینترنت

مولفه	استفاده از اینترنت	تعداد	میانگین	انحراف استاندارد	خطای انحراف استاندارد
هویت فرهنگی	کم	81	3.03	.505	.056
	متوسط	127	3.04	.488	.043
	زیاد	172	3.22	.451	.034
	جمع	380	3.123	.483	.024
هویت اخلاقی	کم	81	2.81	.464	.051
	متوسط	127	3.22	.899	.079
	زیاد	172	3.37	.910	.069
	جمع	380	3.206	.857	.043

جدول ۵: آزمون تحلیل واریانس برای مقایسه تفاوت میانگین برای مقایسه بر اساس استفاده از اینترنت

Sig	F	متوسط مجذورات	Df	مجموع مجذورات	منبع تغییرات	
.001	7.184	1.626	2	3.252	بین گروه‌ها	هویت فرهنگی
		.226	377	85.327	درون گروه‌ها	
			379	88.579	جمع	
.000	12.726	8.809	2	17.617	بین گروه‌ها	هویت اخلاقی
		.692	377	260.959	درون گروه‌ها	
			379	278.576	جمع	

با توجه به جداول شماره ۴ و ۵ و چون مقدار Fهای محاسبه شده با درجه آزادی ۳۷۹ و در سطح ۰/۰۵ برای مقایسه میانگین نمرات به دست آمده بر حسب میزان استفاده از اینترنت بزرگتر از مقدار بحرانی جدول F (۴) است، بنابراین فرض صفر مبنی بر عدم تفاوت بین میانگین نمرات آزمودنی‌ها رد شده و نتیجه گرفته می‌شود که بین هویت فرهنگی و اخلاقی دانشجویان بر

اساس میزان استفاده آنها از اینترنت تفاوت وجود دارد. به طوریکه مقایسه میانگین‌ها نشان می‌دهد که هر چه استفاده از اینترنت در بین افراد بیشتر باشد، هویت فرهنگی و اخلاقی نیز در آنها متفاوت‌تر است.

سوال ۲- چه تفاوتی بین هویت فرهنگی و اخلاقی دانشجویان بر اساس میزان استفاده آنها از ماهواره وجود دارد؟

جدول ۶: آماره‌های توصیفی آزمون تحلیل واریانس برای مقایسه بر اساس استفاده از ماهواره

مؤلفه	استفاده از ماهواره	تعداد	میانگین	انحراف استاندارد	خطای انحراف استاندارد
هویت فرهنگی	کم	45	2.86	.541	.080
	متوسط	133	3.08	.415	.036
	زیاد	202	3.20	.489	.034
	جمع	380	3.123	.483	.024
هویت اخلاقی	کم	45	2.74	.443	.066
	متوسط	133	3.25	.881	.076
	زیاد	202	3.27	.882	.062
	جمع	380	3.206	.857	.043

جدول ۷: آزمون تحلیل واریانس برای مقایسه تفاوت میانگین برای مقایسه بر اساس استفاده از ماهواره

Sig	F	متوسط مجذورات	Df	مجموع مجذورات	منبع تغییرات	
.000	10.691	2.377	2	4.754	بین گروه‌ها	هویت فرهنگی
		.222	377	83.825	درون گروه‌ها	
			379	88.579	جمع	
.021	7.709	5.473	2	10.946	بین گروه‌ها	هویت اخلاقی
		.710	377	267.630	درون گروه‌ها	
			379	278.576	جمع	

با توجه به جداول شماره ۶ و ۷ چون مقدار Fهای محاسبه شده با درجه آزادی ۳۷۹ و در سطح ۰/۰۵ برای مقایسه میانگین نمرات به دست آمده بر حسب میزان استفاده از ماهواره بزرگتر از مقدار بحرانی جدول F است، بنابراین فرض صفر مبنی بر عدم تفاوت بین میانگین نمرات آزمودنی‌ها رد شده و نتیجه گرفته می‌شود که بین هویت فرهنگی و اخلاقی دانشجویان بر اساس میزان استفاده آنها از ماهواره تفاوت وجود دارد. به طوریکه مقایسه میانگین‌ها نشان می‌دهد که هر چه استفاده از ماهواره در بین افراد بیشتر باشد، هویت فرهنگی و اخلاقی نیز در آنها متفاوت‌تر است.

## نتیجه گیری

نتایج حاصل از تحقیق پیش رو عبارتند از :

- ۱- تضعیف بنیان های اخلاقی و اعتقادی نوجوانان
- ۲- تخریب باورها و اشاعه عقاید متضاد با آموزه های اسلام در ذهن نوجوانان
- ۳- بی اعتبار شدن ارزشهای اخلاقی (صداقت، امانت، همدلی...)
- ۴- نادیده گرفتن هنجارهای مذهبی (نماز، روزه، پوشش،...)
- ۵- انزوای اجتماعی و احساس تنهایی
- ۶- جایگزینی ضد ارزشها به جای ارزشها (مصرف گرایی، نحوه گذران اوقات فراغت، توجه به نیازهای کاذب و جذاب،...)

۷- تأثیر بر روابط خانوادگی و اجتماعی

امروزه فرآیند جهانی شدن و گسترش فناوری های نوین اطلاعاتی و ارتباطی به چالش های هویت فرهنگی دامن زده و یا دست کم بعد تازه ای به آنها افزوده است. به عنوان مثال، زبان، یکی از عناصر هویتی و معنا ساز در همه فرهنگ ها است که می تواند تحت تأثیر دامنه و عمق استفاده از رسانه ها و مخصوصا اینترنت، شبکه های اجتماعی مجازی و ماهواره به چالش کشیده شود. از خلال زبان است که فرهنگ ها ابراز وجود می کنند. اگر شکاف و رخنه ای در موجودیت زبان ایجاد شود، آن فرهنگ یا هویت آن به خطر می افتد ( Korostelina ۲۰۱۱). همانطور که نتایج به دست آمده در این مطالعه نشان داد، اینترنت و ماهواره بر هویت فرهنگی و اخلاقی تأثیر گذار هستند بدین معنا که هر چه استفاده از اینترنت و ماهواره در بین افراد بیشتر باشد، هویت فرهنگی و اخلاقی نیز در آنها متفاوت تر خواهد بود که نتیجه به دست آمده با مطالعات شریفی و اسلامی (۱۳۹۲)، دمام (۱۳۹۱)، منصوری سده (۱۳۹۱)، عنبرین (۱۳۸۸)، والنسیا (۲۰۱۶)، Ghaysvandi و Mostafaei (۲۰۱۳)، Tyler (۲۰۱۲)، Long (۲۰۰۷) همسو است. در تبیین یافته های به دست آمده باید اذعان داشت که هویت فرهنگی و اخلاقی یعنی مردم یک ملت، در ناخود آگاه خودشان، به کدامین سمت و سو، کدامین مذهب، کدامین زبان و کدامین هنجار و آداب و رسوم اجتماعی تمایل دارد و در بستر جامعه، به کدامیک از این موارد عمل می کند. مثلا چگونه لباس می پوشد؟ چگونه صحبت می کند؟ چگونه به ارزش های جامعه بها می دهد؟ و مواردی از این قبیل. اینترنت و ماهواره به عنوان دو رسانه کاملا در دسترس، به دلیل گردش آزادی که در ارائه اطلاعات و گسترش ارتباطات دارند و نیز بی پروایی گری هایی که در انتشار انواع مطالب و فیلم ها و اخبار دارند، شهروند جامعه امروزی را به گونه ای دچار چالش و

دوگانگی‌های متعددی کرده است بطوریکه فرد به‌راستی نمی‌داند کدام مسیر را باید انتخاب و از چه برنامه‌هایی باید الگوبرگیزی کند. در عین حال، تعدد و وفور برنامه‌های این دو رسانه جهت پر کردن اوقات فراغت سبب شده است تا افراد بسیاری از ارزش‌هایی مثل توجه به دین، مشارکت و تعامل که خانواده‌ها تلاش در درونی کردن‌شان در بین اعضای خانواده دارند، دست بکشند و به جای آن، به کارهای انفرادی و خلاف باور و عقیده اجتماع بپردازند. حفظ هویت فرهنگی دانشجویان شهری و روستایی استفاده‌کننده از ماهواره و اینترنت مشابه و یکسان می‌باشد این امر می‌تواند به دلیل تکنولوژی‌های ارتباطی باشد که تفاوت‌های بین شهر و روستا را به حداقل کاهش داده و باعث نزدیکی فکری در بین آنها شده است به عبارت دیگر شهر و روستا تغییری در تاثیر برنامه‌های این رسانه‌ها بر هویت فرهنگی ندارند و این تأثیرات یکسان است. در عین حال که تحقیقات نشان داده بحران هویت بسته به بنیان مذهبی-تربیتی خانواده، عملکرد دستگاه‌های تربیتی و ضعف و قوت آنها، روابط نوجوانان با خانواده و قرار گرفتن در معرض گونه‌های متفاوت پیام‌های شبکه‌های اجتماعی و میزان و مدت زمان استفاده از آنها و ویژگی‌های نوجوان متفاوت می‌باشد.

### پیشنهادات

الگوهای رفتاری دیگری همچون طرز آرایش و پوشش لباس، شیوه گفتار، آداب اجتماعی تماما نشأت گرفته از دو رسانه یاد شده هستند که تاثیر مستقیمی بر هویت فرهنگی و اخلاقی افراد جامعه دارند. برای کمک کردن به رفع فاصله اتفاق افتاده در هویت فرهنگی و اخلاقی افراد جامعه و جلوگیری از پس‌روی‌های بیشتر، پیشنهاد می‌شود تا:

- ۱- برای بهبود وضعیت مبهم نسل امروز، با توجه به اهمیت رسانه ملی، این رسانه با تغییر در سیاست‌های اجرایی خود، به تامین برنامه‌های مناسب برای تمام اقشار جامعه همت ورزد.
- ۲- نهادهای مسئول در حوزه ترویج فرهنگ، با تشکیل کمیته‌های اجرایی به ارائه سیاست‌گذاری‌های مناسب جهت تبدیل تهدیدهای فضای اینترنت و ماهواره به فرصت بپردازند و از قابلیت‌های این دو رسانه در جهت تحکیم هویت فرهنگی و اخلاقی بهره برداری نمایند.
- ۳- نظام آموزشی، فراگیران خود را نسبت به خطرات، سواستفاده‌های نامناسب و جنگ نرمی که از طریق رسانه‌های دیجیتالی بر کشورها حکمفرمایی می‌کند، آگاه سازد.
- ۴- نهادهای مسئول، بیش از هر زمان دیگری لازم است نسبت به نیازهای افراد جامعه در زمان‌های فراغت، نیازسنجی نموده و تدابیر و برنامه‌های مفید در این زمینه ارائه نمایند.

## فهرست منابع

۱. دمدام، زیبا (۱۳۹۱). تأثیر استفاده ماهواره بر هویت فرهنگی جوانان. مورد مطالعه: شهرستان شوش. پایان نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه شهید چمران اهواز.
۲. شریفی، اصغر؛ اسلامیه، فاطمه (۱۳۹۱). رسانه‌های دیجیتال و هویت اسلامی-ایرانی (فرصت‌ها و تهدیدها). مجموعه مقالات همایش ملی الگوی هویت اسلامی - ایرانی در افق چشم انداز ۱۴۱۵ ه.ش. تهران: دانشگاه تربیت مدرس.
۳. عنبرین، زینب (۱۳۸۸). بررسی رابطه استفاده از اینترنت و هویت فرهنگی جوانان. پایان نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه الزهراء (س).
۴. کاستلز، مانوئل (۱۳۸۹). عصر اطلاعات: اقتصاد، جامعه و فرهنگ. ترجمه حسن چاووشیان. تهران: طرح نو.
۵. طاهری، معصومه (۱۳۹۲). بررسی تأثیر تماشای تلویزیون ماهواره‌ای فارسی زبان بر پایبندی زنان به هویت فرهنگی (مطالعه موردی زنان ۱۵ تا ۴۹ سال شهر تهران). پایان نامه کارشناسی ارشد تبلیغ و ارتباطات فرهنگی، دانشگاه سوره.
۶. منصوری‌سده، منصوره (۱۳۹۱). نقش جهانی شدن در هویت فرهنگی جوانان (با تأکید بر اینترنت و ماهواره). پایان نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی.
۷. مختارپور محمد، کیانی، محمد. (۱۳۹۹) بررسی رابطه ابعاد سرمایه اجتماعی و رضایتمندی شغلی در بین دانشجویان. فصلنامه پژوهش اجتماعی. شماره ۶۴ بهار ۹۹ - صفحات ۷۴-۹۵.
۸. نیکوکار، اعظم و رزازی، نفیسه (۱۴۰۱). نقش شبکه‌های اجتماعی مجازی در احساس تنهایی و نوآسیب‌های اجتماعی و فرسودگی تحصیلی. پایان نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه آزاد اسلامی واحد ساوه.
9. Aquino, K. & Reed, A. (2002). The self-importance of moral identity. *Journal of Personality and Social Psychology*, 83, 1423-1440.
10. Fathi Soroush, Mokhtarpour Mahdi (2013) Explanatory Model of Internet Uses and Its Role in Students' Cultural Identity, *Journal: Cultural Management*, spring 2013, Volume 7, Number 19; Page 117 to Page 138.
11. Fathi Soroush, Mokhtarpour Mahdi (2014) Examining the Role and Influence of New Visual Media in Lifestyle Change (Case Study: Students of Tehran University of Science and Research) *Journal: Iran Social Development Studies* Spring 2014, Volume 6, Number 2 (Series 22) Page 101 to Page 118.
12. Fathi, Soroush; Pirahari, Nayer; Shirin Bayan, Azam; (2011) Examining the Influence of Information and Communication Technology (ICT) on Generation Gap (Case Study Garmsar's Emran Dehghani; Jamileh Fadavi

118Families) Journal: Quarterly of Sociological Studies of Youth »Winter 2011 - Issue 4 (24 pages- From 141 to 164)Volume 5, Number 3 (Series 19) Page 79 to Page 88.

13. Fathi Soroush, Rashtiani Azar (2013) Similar Organs in the Similar World; Examining the Role of Globalization in Body Management Journal: Iran Social Development Studies, summer 2013,

14. Ghaysvandi, Arman., & Mostafaei, Fardin (2013). Investigation of satellite impact on the people's beliefs and attitudes (A case study: Saghez city). International Journal of Advanced Studies in Humanities and Social Science, 1, 2, 127-143.

15. Korostelina, K. (2011). Social identity and conflict: structures, dynamics, and implications, Palgrave Macmillan Press.

16. Long, Janet. (2007). Impact of Internet on Adolescent Self-Identity Development. China Media Research, 3, 1, 1-11.

17. Manteghi Fasaie Ali; Soroush Fathi(2018)Sociological Investigation of the Usage of Cyber Space and its Relation with Social Isolation (Case Study: Science and Research Branch Students) International Journal of Social SciencesVolume 8, Issue 4, Autumn2018,Pages39- 49

18. Rahimi,Mona , Soroush Fathi(2018) Investigating the Effects of Social Networks on Family Relations from the Viewpoints of Teachers in 11th Region of Education Ministry SOCIOLOGICAL STUDIES OF YOUTH Volume 9, Issue 28, Winter 2018, Pages 59-78

19. Sedghijalal Azadeh; Soroush Fathi(2015) The Virtual Social Networks and Couples' Commitment International Journal of Social Sciences Volume 5, Issue 3, Summer 2015, Pages 51-60

20. Sedghi Jalal, Azadeh, And Fathi, Soroush, And Sedghi Jalal, Homa., (2015), The Influence of Virtual Social Networks on Couples' Lifestyle. National Conference on Family Psychology, 28.

21. Takahashi, M., Adachi, M., Nishimura, T., Hirota, T., Yasuda, S.,Kuribayashi, M. and Nakamura, K. (2019). Prevalence of pathological and maladaptive Internet use and the association with depression and health-related quality of life in Japanese elementary and juniorhigh school-aged children. Soc. Psychiatry Psychiatr. Epidemiol,53: 1349-1359.

22. Tyler, T. (2012). Social networking and Globalization. Mediterranean Journal of Social Sciences, 4, 6, 22-30.

23. Valencia, Erika Mae L. (2016). Neo-Filipino: A Study on the Impact of Internet and Mobile Technology on the Identity of Selected Filipino Third Culture Kids. Southeast Asia Research Centre Working Paper Series, 182.<https://www.sid.ir/fa/journal/ViewPaper.aspx?id=275466>.

## نقش دولت در امنیت انسانی با رویکرد قانون اساسی و تاثیر آن بر شادکامی

بهناز یوسفی<sup>۱</sup>

حسین رحمت اللهی<sup>۲</sup>

### چکیده

امنیت یکی از اساسیترین دغدغه‌های جوامع انسانی در طول تاریخ بوده است. دولت مهمترین نهاد تأمین کننده امنیت تلقی میگردد. مفهوم امنیت بسیار فراگیر و گسترده شده است. مفهوم امنیت نظامی - سیاسی به امنیت انسانی تحول یافته است. این بُعد جدید امنیت نه در سطح دولت - ملت، بلکه در سطوح و ابعاد مختلف، مطرح میباشد. امنیت انسانی به معنای رهایی از ترس و رهایی از نیاز می باشد. تاثیر گذاری آن بر همه شاخه های توسعه و حیات انسان، به آن نقشی بنیادین داده است، مراقبت از امنیت انسانی در مقابل انواع تهدیدات، به یکی از وظایف اصلی دولت و حکومتها تبدیل شده است و آنان موظفند در برنامه‌ریزی خود امنیت انسانی را در اولویت قرار دهند. به طوری که تامین و تضمین آن توسط دولت، شادکامی را به دنبال خواهد داشت و بهروزی مردم و احساس رضایت آنها به افزایش اعتماد عمومی و سرمایه اجتماعی خواهد انجامید. بنابراین، تبیین مفهوم «امنیت انسانی» و شاخص های آن می تواند گام مؤثری در راستای تقویت حمایت از حقوق و آزادی های بنیادین به شمار رود، بنابراین هدف پژوهش حاضر نقش دولت در امنیت انسانی با رویکرد قانون اساسی و تاثیر آن بر شادکامی می باشد. در راستای دستیابی به هدف پژوهش پرسش اصلی مقاله حاضر این است که عناصر امنیت انسانی کدامند و چه تاثیری بر شادکامی و رضایتمندی مردم دارد و نقش دولت چیست؟ جهت پاسخ به پرسش، براساس روش پژوهش توصیفی - تحلیلی و با بهره‌گیری از نظریه ها، این نتایج را میتوان مطرح نمود، در دهه های اخیر بحث بر سر اهمیت شادکامی به جهت تاثیرات فراوانش در کیفیت و رضایتمندی از زندگی افراد و همچنین تکلیف دولت ها در قبال آن مطرح شده است. شادکامی در مفاهیمی همچون؛ بهروزی، لذت، فضیلت، سعادت، خوشبختی و ... به کار رفته است که همگی در معنی متفاوت، اما در گفتمان به عنوان مترادف به کار می روند. با پیشرفت علم و تکنولوژی، توسعه تمدن بشری و با ظهور پدیده جهانی شدن، تحول عظیمی در مفهوم دولت و تکالیفش اتفاق افتاد، سطح نیازهای بشر ارتقاء یافت و دیگر وظیفه دولتها به تنهایی تامین منفعت عمومی و ارائه خدمت عمومی نیست، بلکه تامین رفاه اجتماعی نیز، به عنوان وظیفه ای جدید بر دوش دولتها نهاده شد.

### واژگان کلیدی

امنیت انسانی، شادکامی، دولت، تامین اجتماعی، رفاه اجتماعی.

۱. دانشجوی دکتری تخصصی، دانشکده حقوق، پردیس بین المللی، دانشگاه تهران، جزیره کیش، ایران.

Email: beh.youpubliclaw@gmail.com

۲. دانشیار، دانشکده حقوق، پردیس فارابی دانشگاه تهران، قم، ایران. (نویسنده مسئول)

Email: hrahmat@ut.ac.ir

پذیرش نهایی: ۱۴۰۱/۶/۲۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۳/۲۲

## طرح مسأله

امنیت به عنوان یک مفهوم به هدفی نیاز دارد که به آن استناد نماید و ضرورت وجودی آن را توجیه کند. زیرا بدون پاسخ به این سوال که امنیت برای چه؟ این ایده هیچ معنایی ندارد. هدف مرجع امنیت را دولت تشکیل می دهد و در نظام بین الملل، دولت دارای حاکمیت و قلمرو، واحد استاندارد امنیت قلمداد می گردد (بوزان، ۱۳۷۸: ۳۴). دولت ها واحدهای سیاسی - اجتماعی در قلمروهای سرزمینی خاص هستند. آنها تجمعات انسانی هستند که در داخل آنها نهادهای حاکم بر جوامع، روابط در هم تنیده ای در یک قلمرو خاص دارند. در غالب موارد اهداف اصلی تأثیر متقابل قلمرو، حکومت و مردم چیزی است که دولت را تشکیل می دهد. دولت ها دارای پایگاه مادی شامل جمعیت و سرزمین و نهادهایی هستند که آنها را هدایت کرده و مدیریت کنند. با این همه، از جمع این سه امر دولت پدید نمی آید چرا که یک واحد اجتماعی کشاورزی، یک کارخانه، یک خانوار و بسیاری از واحدهای اجتماعی دیگر براحتی ممکن است با معیارهای مزبور مطابقت کنند. رویکرد جدیدی که امروزه نسبت به مقوله امنیت از زوایای گوناگون وجود دارد ما را به اهمیت این موضوع واقف می گرداند. امنیت انسانی مفهوم نوینی است که جوامع عصر جدید به آن نگاه ویژه ای دارند. به واقع مفهوم امنیت انسانی به واسطه تحول در محیط امنیتی بین المللی در دوران پس از جنگ سرد پا به عرصه وجود نهاد. ترکیبی از عوامل مختلف به ایجاد مفهوم امنیت انسانی کمک کردند که برخی از مهم ترین آنها عبارتند از کاهش تهدید سلاح های هسته ای و پیدایش تهدیدات غیر نظامی جدید، بسط دموکراسی در مناطق توسعه نیافته جهان و توجه بیشتر به کیفیت زندگی و حیات انسان، ارتقای نقش حقوق بشر در سطوح ملی و بین المللی، تشدید فرآیند جهانی شدن که از طریق به هم فشردگی زمان و مکان، موجب نفوذپذیری مرزهای ملی شده و سرعت انتقال فناوری و اطلاعات در عرصه جهانی را بیشتر کرده است. امروزه امنیت انسانی به معنای توانمندی شهروندان در تامین سلامت خود در برابر تهدیدات و خطرهای ناشی از اعمال حاکمیت دولتها و همچنین سوانح، حوادث، بلایای طبیعی و محیطی میباشد. شادکامی از نظر صاحب نظران در این حوزه شامل بهروزی عینی و ذهنی است که بهروزی عینی به کیفیت زندگی میپردازد و در حقیقت پرداختن به نیازهاست. در حالی که در بهروزی ذهنی بحث از رضایت از زندگی و پرداختن به خواستهها و ترجیحات است. به این ترتیب میتوان گفت که در حقیقت امنیت انسانی تکامل یافته تامین اجتماعی است، و اعم از امنیت شخصی، غذایی، بهداشتی، سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و زیستمحیطی است و شادکامی تکامل یافته رفاه اجتماعی است. در هزاره سوم همه دولت-کشورها به دنبال آمادهسازی جوامع خود برای کنار آمدن با تغییر و تحولات و منطبق کردن خود با الگوها، هنجارها و انگارههای نوظهوری هستند که در روند زندگی روزمره، خودنمایی میکند. از این رو کشورها به خصوص



کشورهای توسعه‌یافته امروزه، بعد از تامین نیازهای اساسی مردم که سبب انسجام و همبستگی در جامعه سیاسی می‌باشد، به دنبال افزایش رفاه مادی، تغذیه بهتر و کاملتر، آموزش استاندارد، حداکثر امنیت، گذراندن اوقات فراغت و لذت و رضایت از زندگی، بهداشت روانی و ... می‌باشند. امنیت انسانی یک چارچوب جامع و کامل است که در آن تعداد کثیری از تهدیدات و فاکتورهای امنیت باید به صورت همزمان مورد بررسی و ارزیابی قرار گیرد؛ بنابراین با تعمق بر پارادایم امنیت انسانی و ابعاد آن در قانون اساسی ایران می‌توان بر میزان تاثیر آن بر شادکامی و سعادت افراد در جامعه پی برد همان حلقه مفقوده‌ای که با بودن امکانات رفاهی- تفریحی شهروندی پس از انقلاب اسلامی در ایران به دنبال آن هستیم ضرورت پژوهش روشن می‌گردد. هدف از نگارش این مقاله دستیابی به اهداف زیر است:

- ✓ بررسی عملکرد دولت در تامین امنیت انسانی و رسیدن به شادکامی
- ✓ بررسی مفهوم امنیت انسانی و سیاست شادکامی در نظام حقوقی ایران
- ✓ ارتقای پارادایم امنیت انسانی و قرار دادن سیاست شادکامی بعنوان اصلی در اصول قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران
- ✓ بررسی تاثیر سیاست شادکامی در تامین و تضمین امنیت انسانی بعنوان یک نیاز اساسی و حیاتی و نه یک خواسته

ایجاد و ارتقای شادکامی و بهروزی با تامین و تضمین هر چه بیشتر امنیت انسانی در ایران با توجه به این اهداف، مقاله حاضر در پی یافتن پاسخ به این سوال می‌باشد که: عناصر امنیت انسانی کدامند و چه تاثیری بر شادکامی و رضایتمندی مردم دارد و نقش دولت چیست؟ ارتباط بین امنیت انسانی و شادکامی چیست و در این رابطه دولت چه نقشی را بازی میکند؟ ابعاد امنیت انسانی چیست؟ مهمترین علل عدم رضایت مندی و شادکامی نسبت به امنیت انسانی چیست؟ آیا در قانون اساسی ایران به شادکامی (بهروزی ذهنی و عینی) توجهی شده؟ بنابراین بررسی مفاهیم و شاخصه‌های امنیت انسانی و شادکامی نشان از آن دارد که اگر دولت شاخص های امنیت انسانی را تامین کند، بر شادکامی و احساس رضایت شهروندان تاثیر می‌گذارد. در پاسخ به این سوالات می‌توان بیان کرد دو عنصر رهایی از ترس و رهایی از نیاز از مفاهیم و عناصر کلیدی امنیت انسانی است و با محوریت "رفع حوائج مردم" قابلیت بازشناسی را دارد. امنیت برای همه انسان‌ها، هسته حیاتی زندگی (ارضای حوائج مادی در کنار رعایت شأن انسانی)، محافظت از انسان‌ها (حمایت و توانمند سازی) و مدیریت تهدیدات شایع و مهم است که میتواند از وظایف و کارکردهای مهم دولت باشد، امنیت انسانی دارای شاخص‌هایی است که تحقق آنها می‌تواند انسان‌ها را ایمنی بخشد و یا این که آنها را در برابر حقوق اولیه و کرامت

انسانی صیانت نماید، هر چند این شاخص ها تحت تأثیر مقتضیات فرهنگی و شرایط بومی است، امنیت انسانی دارای هفت بعد است (اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، زیست محیطی، سلامت و بهداشت، شخصیتی و غذایی) که برآوردن این ابعاد توسط دولت می تواند بر رضایتمندی و شادکامی مردم تأثیرگذار باشد، کم توجهی به امنیت انسانی و تامین آن بعنوان یکی از کارکردهای مهم دولت، عدم رضایت و شادکامی را به دنبال خواهد داشت، قانون اساسی ایران به شادکامی و بهروزی ذهنی کم توجهی نموده است.

### تبیین مفاهیم

درباره چیستی و محتوای دولت و امنیت انسانی مباحث فراوانی مطرح گردیده است و حتی در نام گذاری آن به عنوان تئوری یا مفهوم، نقطه عزیمت تحلیل، جهان بینی، دستور کار سیاسی و چارچوب سیاست گذاری اختلاف نظر وجود دارد. بنابراین در این بخش از پژوهش شایسته است، مفهوم، ابعاد و مؤلفه های دولت، امنیت انسانی و شادکامی روشن گردد.

### تبیین مفاهیم دولت

دولت چیست؟ این پرسش یکی از ساده ترین و در عین حال مبهم ترین پرسش هایی است که در مبحث سیاست طرح می شود. واژه ی دولت<sup>۱</sup> از ریشه ی لاتینی Stare به معنی ایستادن و به صورت دقیق تر از واژه ی Status به معنی وضع مستقر و پابرجا گرفته شده است. در زبان انگلیسی واژه ی شأن یا منزلت<sup>۲</sup> به همان معنای اصل لاتینی آن به کار برده می شود. این لفظ معمولاً به چیزی اطلاق می شود که مستقر، پابرجا و در وضع خاصی ثابت یا پایدار باشد؛ مشتقات این کلمه در زبان انگلیسی مانند (ایستا<sup>۳</sup>) یا (ثابت<sup>۴</sup>) نیز همین معنا را می رساند (اندرو، ترجمه ی بشیریه، ۱۳۹۱: ۱۵). دولت در علم سیاست به معنی اجتماعی از مردم است که در یک سرزمین مشخص زندگی می کنند و از حکومتی برخوردارند که به وضع و اجرای قانون اقدام میکند و تحت سلطه ی حاکمیتی قرار دارند که استقلال و آزادی آنان را تضمین می کند. (همان: ۱۵).

پدیده ی دولت، مفصل ترین مفهوم مطالعاتی در سیاست است. این امر تنها نتیجه ی تاریخ در هم پیچیده و یا اهمیت خاص دولت در اوضاع سیاسی امروزی نیست، بلکه علت، دوپهلویی و پیچیدگی مفهوم آن است (همان: ۳۶).

زندگی ما در چهارچوب دولت آغاز و پایان می یابد. بدینسان، دولت علاوه بر اینکه مفهومی پیچیده است، واقعیت روزمره ای است که نمی توان آن را نادیده گرفت. برخی از صاحب نظران

1- State

2- Status

3- Static

4- Stable

دولت را تخیلی - حقوقی می دانند که بر دسته ای از واقعیات اتکاء یافته. دولت به این دلیل تخیلی است که همانند یک واقیعت مادی وجود خارجی ندارد، در یک تعریف حقوقی درباره‌ی دولت می توان گفت: « مجموعه ای از مردم که در قلمرو معینی (محدوده‌ی جغرافیایی) و تحت حاکمیت خاصی سکونت داشته باشند.» و برخی نیز در تعریف دولت چنین گفته اند: بافت اجتماعی و کیفیت سیاسی یک ملت « دولت» آن ملت به شمار می رود (گرچی آژندریانی، ۱۳۸۹: ۱۲-۱۳).

مفهوم دولت در معانی دیگری نیز به کار برده می‌شود. بسیاری از نویسندگان مفاهیم «دولت» و «حکومت» را به یک معنا به کار می‌برند و در زبان عامیانه و رسانه‌ها دولتی معمولاً به معنی قوه‌ی مجریه یا هیئت وزیران است که این کاربرد از واژه دولت تنها به بخشی از حکومت اشاره دارد. گاهی نیز دولت به بخشی از حکومت اشاره دارد که شامل نهادهای مذهبی و نهادهای مدنی نمی‌شود. مثلاً کاربرد واژه دولت در اصطلاح سازمان‌های غیردولتی به این مفهوم از دولت اشاره دارد<sup>۱</sup>. وبری‌ها دولت را به‌عنوان سازمانی تعریف می‌کنند که واجد حاکمیت و انحصاری سرزمینی بر کاربرد مشروع خشونت سازمان یافته است (الکساندر، ترجمه‌ی مشیرزاده، ۱۳۹۲: ۲۹۱). در معنای سیاسی، دولت در ساده‌ترین مفهوم به یک تشکل سیاسی اطلاق می‌شود که قدرت برتر را در داخل مرزهای تعریف‌شده‌ی سرزمینی ایجاد و اقتدار را از طریق مجموعه‌ای از نهادهای دائمی اعمال می‌کند (یزدان فام، ۱۳۹۰: ۲۵). این به ویژگی حکومتی دولت اشاره می‌کند، که در ساختار سلسله‌مراتبی داخلی دارای قدرت تام و فائقه است. اعمال قدرت در داخل بر اساس قوای سه‌گانه‌ی حکومت انجام می‌شود که هم دارای ویژگی تفکیک بوده و هم به‌صورت بررسی و تعادل با هم در هم‌کنشی هستند. دولت‌ها در کاربرد مشروع خشونت سازمان یافته تخصص دارند. به بیان پرشور چالرز تیلی، دولت‌ها «قلدرهای حفاظت‌گر» هستند (الکساندر، منبع پیشین: ۲۹۷). این ویژگی بارز دولت ناشی از کنترل آن بر ابزار اعمال خشونت است. دولت خشونت سازمان یافته‌ای اعمال می‌کند که ناشی از قدرت قلدر منشانه‌ای است که در یک قرارداد اجتماعی از سوی جامعه با دولت به‌صورت یک‌طرفه بسته شده است.

در رابطه با مفهوم دولت باید گفت، مفهوم دولت در هر جامعه ای موافق با نظام سیاسی آن جامعه است بنابراین دولت "مفهوم اعتباری است که حقوق ایجاد کرده و تشکیلات و وظایف آن را سازمان داده است (کاتوزیان، ۱۳۸۶، ۵۰) و در این ارتباط نظریه‌های مختلفی وجود دارد برخی ریالیست‌های سیاسی و مارکسیست‌ها، دولت را ابزار اجبار تلقی می‌کنند. برخی دیگر، اساساً دولت را نهاد حقوقی و واجد قدرت قانونی شمرده‌اند. در تفسیرهای متاخر دولت را نهاد

تامین رفاه و آسایش توصیف کرده اند (نورزاد، ۱۳۹۷: ۱۸) در علم حقوق دولت به دو معنی عام و خاص به کار برده می شود، گاهی دولت به معنای خاص است که منظور مدیران کشور، سازمان اداری و اجرایی هستند و گاهی دولت در معنای عام آن به کار می رود که مترادف با حکومت است و تمام سازمان های اداری، قضایی و قانونگذاری را شامل می شود و وصف بارز آن حاکمیت و اقتدار در روابط داخلی و خارجی است. "رالی" در کتاب "اصول دولت" دولت را اینگونه تعریف می کند: "دولت، چارچوب یا مجموعه ای منظم از جامعه یا حکام، خصوصا رئیس کشور و فرمانروای برتری است که به دیگران حکم می راند" و در تبیین ماهیت دولت میان حاکمیت و دولت ارتباط برقرار می کند: دولت یا حاکمیت متشکل از پنج عنصر است: ۱- ایجاد یا لغو قوانین ۲- نصب و عزل مقامات ۳- تسلط بر مرگ و زندگی (اتباع) ۴- حق بر جنگ و صلح ۵- اراده نهایی یا برتر. هر جا که این پنج عنصر، در یک یا بیش از یک تن جمع شود، دولت در آنجا وجود خواهد داشت. بنابراین می توان گفت مفهوم دولت چند وجهی و مبهم است که اساس و شالوده اصلی و واحدی ندارد. برای درک حقوقی مفهوم دولت، نمی توان صرفا به عالم نظریه محدود شد بلکه باید حائز وجودی حقیقی گردید؛ بنابراین می توان گفت دولت زمانی به وجود می آید که یک قلمرو سرزمینی، به همراه مردم و قدرت سیاسی داشته باشد هر چند که ویژگی یک دولت، الگویی نیست که بتوان از آن کپی برداری کرد. واژه دولت اصطلاحی نسبتا جدید است که اولین بار در قرن هفدهم میلادی طی جریان تحولات سیاسی اروپا مطرح گشت و به معنای چارچوب منظمی برای قدرت سیاسی تعریف گشت. اما نهاد دولت به مفهوم امروزی، اولین بار در قرن شانزدهم میلادی در اروپا ایجاد شد که مصادف با اندیشه تفکیک قوا، دولت را به مثابه یکی از ارکان مهم حکومت معرفی کرد. ماکیاوولی در کتاب خود به نام شهپریار کلمه دولت را در معنای جدید به کار گرفت که بعدها حقوقدانان و سیاستمداران فرانسوی و ایتالیایی آن را به معنای متداول فعلی آن رواج دادند. در اسلام نیز تعابیر مختلفی برای بیان ماهیت دولت وجود داشته است. در آغاز اسلام، کلمه "امر" به معنای حکومت برای بیان مفهوم دولت به کار می رفت. این کلمه در آیه شریفه "و امرهم شوری بینهم" به کار رفته و به معنای حکومت مسلمین است (پروین، ۱۳۹۳، ۱۸۴). به طور کلی دو اندیشه متفاوت در ارتباط با نهاد دولت وجود دارد یکی اینکه نهاد دولت سابقه ای به پیشینه حیات انسان بر روی زمین دارد و از دیر باز تنظیم کننده روابط اجتماعی موجود در جامعه بوده است و دیگری اینکه نهاد دولت بر آمده از تحولات سیاسی و اجتماعی اروپا در دوره جدید می باشد و هر چند ماهیت این نهاد در آن دوره تا حد زیادی متفاوت با دوره معاصر بوده است، ولی در هر حال هماهنگی آن با دولتهای معاصر بیش از ساختارهای سیاسی دوره قبل است. (وینسنت، ۱۳۹۵: ۲۹).

از مجموع تعاریفی که دربارهی دولت ارائه شده، میتوان بهطور خلاصه به تعریفهای زیر

اشاره کرد:

۱- تعریف حقوقی: دولت واحدی است که ویژگیهای جمعیت، حکومت، سرزمین و حاکمیت را داشته باشد.

۲- تعریف فلسفی: دولت دارای یک هدف اصلی است. در این تعریف، با مفاهیمی چون ویژگیهای ضروری و بسنده دولت، کمال مطلوب، دولت خوب یا دولت کامل روبه رو هستیم. از لحاظ فلسفی، سه مکتب فکری وجود دارد:

الف) دولت برای ایجاد هماهنگی میان اجزای گوناگون و ضروری جامعه به وجود آمده است.

ب) دولت در نتیجه قراردادی اجتماعی به وجود آمده است.

ج) دولت در نتیجه مبارزه میان نیروهای متضاد اجتماعی پدیدار شده است.

۳- تعریف سیاسی: دولت بر پایه‌ی کمال مطلوب فیلسوفان قرار ندارد؛ بلکه بر واقعیهایی استوار است که در گذشته، اکنون و آینده وجود دارند. در این تعریف، گفته میشود که جامعه، از صورتبندیهای بسیار ساده آن تا گونههای بسیار پیچیده‌اش، بر پایه تغییرات نظام تولید رشد یافته است (عالم، ۱۳۸۴: ۱۳۶). این سه تعریف از سه حوزه‌ی دانشی مختلف اما برهم‌کنش، دولت را مورد مذاقه قرار داده‌اند، بنابراین هدف رسیدن به تعریفی واحد از دولت نیست، چراکه چنین کاری، بیهوده می‌نماید. باید گفت که خود دولت در قالب نظری و عملی جمع بین سه تعریف فوق می‌باشد. بنابراین طبق تعریف، هر دولت دارای عناصری است که تشکیل دهنده‌ی دولت می‌باشند. این عناصر همانطور که در تعریف آمد عبارت هستند از:

۱- عنصر انسانی یا عامل جمعیت. ۲- سرزمین یا قلمرو. ۳- حکومت یا قدرت سیاسی.

بدون وجود هر یک از عناصر بالا؛ دولت محقق نمی‌شود و تمام عناصر مزبور برای ایجاد دولت لازم و ضروری است. بنابراین، چنانچه یک جمعیت انسانی وجود نداشته باشد، یا سرزمین و قلمرویی موجود نباشد و یا چنانچه حکومت و قدرت سیاسی در کار نباشد، نمی‌توان به وجود یک دولت امیدوار بود. چگونگی شکل‌گیری و ماهیت دولت نیز معمولاً توسط یک قانون اساسی (مدون یا نامدون) تعیین میشود (گرگی آزندریانی، ۱۳۸۹: ۱۰).

### تبیین مفاهیم دولت رفاه

در این مبحث در چهار بند تقسیم بندی شده است که به بررسی مفهوم، تاریخچه، وظایف و انواع دولت رفاه می‌پردازد.

### مفهوم دولت رفاه

دولت رفاه<sup>۱</sup> دولتی است که در آن تامین و بهبود رفاه عمومی وظیفه قانونی نهادهای قدرست است. در این نظام اقتصادی دولت به همه کسانی که به هر دلیل نتوانند هزینه‌های خود را تامین کنند یاری‌رسانی می‌کند. این کار از طریق پرداخت مستمری (حداقل درآمد) و یا کمک‌های نقدی دیگر انجام می‌شود (رحیق اغصان، ۱۳۸۴ : ۴۰۳).

دولت رفاه به معنی وجود سیاست‌های سنجیده و هوشمندانه‌ای در زمینه تامین دست کم حداقل استاندارد زندگی برای همه و ارتقای برابری در فرصت‌های زندگی است و در آن هیچ تردیدی در زمینه ضرورت تمرکز تمام توجه همه نهاد‌های رسمی بر تامین خدمات همگانی وجود ندارد. در ادبیات موجود در زمینه دولت رفاه، تاکید بر دو اصل اساسی مورد ادعاست: تامین خدمات رفاهی برای تضمین بقا در شرایط اقتصاد آزاد، و وجود دولت دموکراتیک. در این نظام اقتصادی دولت وظیفه دارد که امکانات بهداشتی درمانی، بیکاری و بازنشستگی، تامین مسکن و خدمات آموزشی و مانند آن را از زمان تولد تا مرگ برای همه شهروندان تامین کند (آشوری، ۱۳۷۳ : ۱۶۴).

با این حال منتقدان معتقدند که در دولت رفاه، علاوه بر ایجاد نابرابری، انگیزه لازم برای فعالیت اقتصادی از شهروندان گرفته خواهد شد و همچنین حق دخالت دولت در همه عرصه‌های زندگی شهروندان توسط دولت و تنگنشدن حیطه اختیار و آزادی شهروندان نتایج بدی برای جوامع نوین به دنبال داشت (همان : ۱۶۵).

دولت رفاه دولتی است که در آن تأمین و بهبود رفاه عمومی وظیفه قانونی نهادهای قدرت است. در این نظام اقتصادی، دولت به همه کسانی که به هر دلیل نتوانند هزینه‌های خود را تأمین کنند یاری‌رسانی می‌کند.

### زمینه‌های پیدایش و شکلگیری دولت رفاه

دولت رفاه نهادی قرن بیستمی است که در کشورهای غربی شکل گرفت (بو، ترجمه همایون پور، ۱۳۸۴ : ۸). با این حال ریشه‌های آن را باید در برنامه‌های بیمه همگانی بیسمارک، در دهه ۱۸۸۰ جستجو کرد. بر اساس برنامه رفاه اجتماعی بیسمارک کارگران در مقابل تضادفات، بیماری، بیماری، بیکاری و پیری بیمه می‌شدند (رز، ترجمه حکیم زاده چهارمی، ۱۳۷۸ : ۱۳۱).

سیاست‌های بیسمارک به سرعت در سایر کشورهای اروپایی نیز رواج یافت. گرچه هدف‌های این سیاست‌ها در همپی کشورهای اروپایی همگون نبود. بیمه‌های اجتماعی دوران بیسمارک بنابر هدف‌های آن یعنی تقویت وفاداری کارگران به نظام و ثبات اجتماعی و

سیاسی (یعنی مبارزه‌ی دفاعی با بروز انقلاب)، عمدتاً فقط کارگران صنعتی را شامل می‌شد (رحیق اغصان، منبع پیشین : ۴۰۴). دولت رفاه دارای دو کار ویژه حمایتی و کار ویژه رفاهی است:

الف) کار ویژه حمایتی: کار ویژه حمایتی دولت رفاه به شرح زیر می‌باشد:

۱. حفظ حاکمیت در برابر بی‌نظمی‌های داخلی و تجاوز خارجی، ۲. وضع قانون به خاطر حفظ حاکمیت و تقویت اطاعت و ایجاد شرایط امنیت کامل، ۳. حفظ نهادهایی مانند خانواده و حاکمیت، ۴. سازمان دادن به حمل‌ونقل و ارتباطات، ایجاد ساختمان و حفظ راه‌ها، انجام خدمات پستی در حد کارآمد، ۵. تنظیم کار بازارها و بازرسی در وزن‌ها و اندازه‌ها، ۶. حفظ روابط دیپلماتیک با کشورهای دیگر، ۷. جمع‌آوری مالیات و مجازات فراریان از مالیات.

ب) کار ویژه‌های رفاهی: دولت رفاه جدید خود را تنها جمع‌کننده مالیات یا ایجادکننده‌ی نظم به‌واسطه‌ی پلیس نمی‌داند، بلکه رفاه اجتماعی را نیز بیشتر می‌کند. کار ویژه‌های مهم رفاهی دولت رفاه را به کوتاهی می‌توان چنین توضیح داد: ۱. بهبود بهداشت: دولت برای تأمین بهداشت مردم اقدامات پیشگیرانه و نیز درمانی به عمل می‌آورد. به‌طور روزافزون دانسته می‌شود که مردم قوی و سالم به‌تنهایی می‌توانند کشوری را بزرگ و مقتدر کنند، به همین دلیل وزیران بهداشت کوشش‌های زیادی به عمل آوردند تا از گسترش بیماری‌های واگیر پیشگیری کنند و در صورت وجود با آن رویارو شوند. برای پایان دادن به استثمار کارگران قوانینی در مورد تنظیم ساعت کار و بهبود شرایط عمومی محیط کار آن‌ها تصویب می‌شود. ۲. گسترش آموزش و پرورش: دولت رفاه می‌کوشد آموزش و پرورش را در دسترس همگان قرار دهد. در چنین دولتی آموزش در انحصار خانواده‌های ثروتمند نیست. همه، دست‌کم از تحصیلات ابتدایی بهره‌مندند و آموزش عالی در دسترس کسانی است که آمادگی کار فکری را دارند. برنامه‌های اعطای بورس و کمک‌هزینه تحصیلی به اجرا درمی‌آید تا افراد شایسته خود را به نوع درست آموزش مجهز کنند. دولت‌های رفاه مقرراتی برای نظام جامع آموزش و پرورش مقدماتی و عالی، عمومی یا فنی وضع می‌کنند تا همه افراد خواهان تحصیلات و تعلیمات بتوانند به خواست خود برسند. امنیت اقتصادی، اگر وضع بخشی از مردم از لحاظ اقتصادی بهبود نیابد، دولت رفاه یک وهم و خیال خواهد بود، فقر باید از بین برود. به عقیده رابسون (از بین بردن واقعی فقر هدف عمده دولت رفاه است و هر کشوری که امکانات رسیدن به این هدف را داشته باشد اما این کار را نکند نمی‌تواند به‌عنوان دولت رفاه احترامی یابد.) بیکاری تا حد امکان باید از بین برده شود و شرایط کار کارگران تا حد زیادی بهبود یابد، ساعت‌های کار کوتاه و دستمزدها مناسب شود. افزون بر این‌ها، دولت رفاه هنرها را شکوفا می‌کند و تسهیلات بازآفرینی هنری را فراهم می‌کند. وظیفه واقعی دولت رفاه ممکن کردن بهره‌مندی شهروندان از آزادی واقعی است (کوهستانی نژاد، ۱۳۸۳: ۶۶۶). بر اساس آنچه گفته شد علل و عواملی را که در پیدایش دولت رفاه موثر بوده‌اند می‌توان

از این قرار برشمرد:

۱- شکوفایی سرمایه داری صنعتی که موجب شد ثروت و فقر نه فقط در مقیاس محلی و ملی بلکه در مقیاس بین‌المللی در کنار هم و رو در رو قرار گیرند. این فرایند هم موجب بروز کشمکش‌های طبقاتی درون جامعه ای و هم موجب بروز کشمکش‌های اقتصادی برون جامعه ای شد که مقابله با آنها از سویی مستلزم رفع تضادهای آشکار و کاهش کشمکش‌ها از طریق نیل به انسجام و وفاق بیشتر، و از سوی دیگر مستلزم تقویت پایه‌ها و تکیه گاه‌های مردمی نظام‌های سیاسی موجود در کشورهای طرف‌مخاصمه بوده است.

۲- اوج‌گیری نهضت‌های کارگری و افزایش مطالبات طبقات محروم.

۳- گسترش خطر سوسیالیسم و ضرورت مهار جریان‌های انقلابی، به ویژه در شرایط تشدید تبلیغات مارکسیستی از طریق احزاب چپ و طرفداران اتحاد جماهیر شوروی (سابق)

۴- انتقال جهان صنعتی غرب از مرحله رشد و توسعه اقتصادی به مرحله توسعه اجتماعی

۵- مقابله با بحران اقتصادی دهه سی و آثار مخرب جنگ جهانی دوم

۶- گسترش اندیشه‌های لیبرالیستی در قالب سوسیال دموکراسی در اروپا

۷- کوشش برای افزایش انسجام اجتماعی در شرایط گسترش کشمکش‌های طبقاتی در

غرب

۸- الزامات مربوط به زندگی در شهرهای صنعتی که در ارتباط با پدیده تراکم جمعیت سطوح نگران‌کننده‌ای از انواع مسائل و آسیب‌های اجتماعی را به نمایش می‌گذاشتند.

۹- ضرورت توجه به سالمندان به صورت جدی و برنامه‌ریزی شده

۱۰- ضرورت گسترش آموزش و پرورش همگانی به عنوان عامل تضمین‌کننده رشد

اقتصادی و توسعه

۱۱- ضرورت توجه به بهداشت همگانی

۱۲- ضرورت حمایت از نیازمندان و محرومین

۱۳- غلبه دیدگاه‌های عرفی و بسط ایده‌های نوسازی (مدرنیزاسیون)

۱۴- افزایش طلاق و کثرت یابی روز افزون تعداد فرزندان بی سرپرست.

بند سوم: وظایف دولت رفاه

دولت رفاه، اساساً، سازماندهی کمک‌های اجتماعی و نیز اجرای برنامه‌های تأمین

اجتماعی را به عهده دارد.

منظور از کمک‌های اجتماعی انواع و اقسام خدمات و کمک‌هایی است که در جامعه

مدرن بر حسب پیدایش برخی نیازهای اجتماعی و سیاسی جدید اهمیت پیدا کرده است و انجام

آنها اغلب به دلیل پر هزینه بودن و فقدان سود تجاری و در نتیجه عدم علاقه مندی



سرمایه‌گذاری خصوصی به فعالیت در این زمینه - از دولت انتظار می‌رود. از جمله مهم‌ترین کمک‌های اجتماعی که به ویژه در چارچوب دولت رفاه مورد توجه بوده است می‌توان از این موارد نام برد: کمک به سالمندان؛ کمک به کودکانی که والدین شان آنها را ترک کرده‌اند و یا والدینشان را از دست داده‌اند؛ کمک به معلولین و حمایت از آنها؛ حمایت از مادران و کودکان؛ انجام خدمات اجتماعی و مددکاری اجتماعی؛ ارائه کمک‌های پزشکی رایگان به نیازمندان؛ و به طور کلی کمک به کلیه کسانی که از لحاظ اقتصادی ضعیف و آسیب‌پذیراند (فرانتس، ترجمه فولادوند، ۱۳۷۳: ۲۱۸).

### انواع دولت رفاه

تنوع کشورها را نباید در این سطح بنیادین جستجو کرد بلکه باید در موضوعاتی از قبیل وسعت نقش دولت و شیوهی مداخله‌ای که از مقامات آن انتظار می‌رود دید. در بعضی از کشورها، دولت نقش عمده‌ای بر عهده دارد، در حالیکه در برخی دیگر نقش کمتری ایفا می‌کند، و بیشتر انتظار می‌رود که اشخاص و مؤسسات خیریه ابتکار عمل نشان دهند. مثلاً، در کشورهای اسکانداوی، دولت نقش بسیار فعالی بر عهده دارد و شهروندانش را از گهواره تا گور از مزایای فراوان و سخاوتمندانه برخوردار می‌سازد تا بتواند بر مخاطرات غلبه کنند. ایالات متحده آمریکا دولت رفاه بسیار محدودتری دارد. این دولت، برای گروه‌های خاصی از شهروندان (از قبیل اعضای سابق ارتش و سالمندان) مزایا و بیمه‌هایی را در نظر می‌گیرد که با سیاست اجتماعی نظام‌های اروپایی قابل مقایسه است، در حالی که سایر انواع بیمه (از قبیل بیمه‌ی بهداشت و درمان) تنها به شکل خصوصی و داوطلبانه وجود دارند. اگر چه کشورها از حیث مقدار و محدودهی مزایای رفاهی به شهروندان آشکارا متفاوتند، ولی ترتیب مسائل هم در کشورهای گوناگون تا حدودی فرق می‌کند. مثلاً، در انگلستان بیمه‌ی بهداشت و درمان در یک نظام ملی سازمان‌یافته دولتی عرضه می‌شود. در آلمان بیمه‌ی بهداشت و درمان از طریق انواع طرح‌های بیمه تأمین می‌شود، که بسیاری از آن‌ها ظاهراً خصوصی هستند ولی عضویت در آنها اجباری است. در ایالات متحده آمریکا بیشتر مردم بیمه‌ی بهداشت و درمان را از طریق انواع مختلف طرح‌های داوطلبانه‌ی خصوصی و شغلی به‌دست می‌آورند، در حالی که دولت کسانی را که خیلی پیر یا خیلی فقیرند تحت پوشش قرار می‌دهد. از نظر فرد متوسط‌الحالی که در هر یک از این سه نظام از بیمه استفاده می‌کند، تفاوت‌های موجود در ترتیب دقیق مزایا احتمالاً چندان مهم نیستند. اما از نظر آن دسته از آمریکاییانی که اصلاً بیمه نیستند، تفاوت میان دولتهای رفاه بسیار زیاد است. در برخی از کشورها، از قبیل ایالات متحده، سازمان خیریه و ابتکار عمل اشخاص نقش مهمی ایفا می‌کنند و عملاً آنچه را که در جای دیگر بر عهده‌ی دولت است فراهم می‌آورند (مارتین لیپست، سیمور، منبع پیشین، ص ۷۸۰).

## تبیین مفهوم امنیت

امنیت عمدتاً به نوعی احساس روانی اطلاق می‌گردد که در آن به خاطر مبرا بودن از ترس، وضعیت آرامش و اطمینان خاطر حاصل می‌گردد. تلاش برای رسیدن به وضعیت امن "سنگ بنای شکل‌گیری واحد‌های سیاسی بوده تا از این طریق اعضای جوامع مذکور بتوانند به کمک یکدیگر به مهمترین نیازشان که تامین امنیت است دست یابند. اما آنچه در جوامع اولیه و حتی تا اواخر دهه ۱۹۸۰ میلادی مطرح بود یک دیدگاه محدود به امنیت بود طوری که بحث امنیت روی موضوعات نظامی متمرکز بود یعنی یک نوع دید تقلیل‌گرایانه نسبت به امنیت حکم فرما بود و امنیت را در توانایی‌های نظامی و برقراری صلح بعد از جنگ‌ها جستجو می‌کردند (بوزان، ۱۳۷۸: ۲۳).

با گذشت زمان و ایجاد تغییراتی در توقعات و نیازهای انسان‌ها، متغیرهای جدیدی برای تعریف امنیت وارد عرصه شدند. برای مثال امروزه پدیده‌ای چون تخریب محیط زیست از مهم‌ترین عوامل برهم زنده امنیت بشر تلقی می‌شود در حالی که تا چندین سال پیش چنین امری اصلاً متصور نبود. از آغاز دوره نظام‌و استقالیایی تا دهه‌های اخیر امنیت بین‌المللی عمدتاً در قالب امنیت نظامی تعریف می‌گردید، در حالی که امروزه محوریت امنیت نظامی زیر سؤال رفته است و امنیت بین‌المللی در ابعاد مختلف سیاسی، نظامی، اقتصادی و اجتماعی تعریف می‌گردد. واژه امنیت بدون وجود عنصر تهدید، هیچگونه مفهومی ندارد. به زبانی ساده امنیت یعنی استفاده بهینه از فرصت‌ها برای رفع تهدیدها از این تعاریف میتوان نتیجه‌گیری نمود که امنیت از دو عنصر اساسی تهدید و فرصت سرچشمه می‌گیرد. در عین حال امنیت قبل از هر چیز به حقوق معطوف است. در حقوق، امنیت از ثبات و همچنین قابل پیش‌بینی بودن عکس‌العمل‌ها پدید می‌آید. نیاز به امنیت قبل از هر چیز با ایجاد سیستم حقوقی تامین می‌شود. کار اولیه این سیستم استقرار نظم در جامعه با قواعد و مقرراتی است که به طور کلی باید از ضمانت اجرای موثر برخوردار باشند. این نوع امنیت امنیتی است که با حقوق به وجود می‌آید. (امنیت حقوقی شخصی) (فلسفی، ۱۳۹۰: ۴۱۲) علاوه بر حوزه حقوق، امنیت در تمامی عرصه‌های روابط اجتماعی اعم از اخلاق و اقتصاد و جامعه‌شناسی و انسان‌شناسی ضرورتی انکارناپذیر به شمار آمده و لزوم آن به تصدیق رسیده است. آنچه مدنظر این تحقیق می‌باشد امنیت انسانی است که عصاره پیوند دو حوزه امنیت و توسعه است و آثار و پیامد جدی هم در حوزه داخلی و هم حوزه بین‌المللی دارد. در بینش جدید، امنیت به سرنوشت گروه‌ها و دسته‌جات جمعی بشری مربوط است و فقط در حالت ثانوی و فرعی به امنیت شخصی افراد منحصر می‌گردد. در نظام

موجود بین المللی، واحد استاندارد امنیت، همان دولت دارای حاکمیت و قلمرو است؛ اما ملت ها و دولت ها در نقاط بسیاری با چنین حالتی مواجه نیستند و تجمع های غیردولتی، به خصوص ملتها به مثابه واحدهای مهمی در تحلیل مطرح می باشند، به ویژه برخی تهدیدات نظامی و زیست محیطی که بر شرایط بقای همه سیاره زمین اثر دارند این احساس مهم را تقویت می کند که امنیت به کل مجموعه بشریت مربوط می گردد. بررسی دگرگونی در مفهوم امنیت از زاویه نگرش مفهومی طی سه مرحله: کاهش حاکمیت ملی، افزایش وابستگی جهانی و بالا گرفتن کشمکش های بی نظم و هرج و مرج گونه (۳) نیز این بینش را تأیید می کند.

### امنیت انسانی

امنیت انسانی نخستین بار در نتیجه تحول کارکردی وظایف دولت و عدم پاسخگویی و تکافوی نظریه خدمت عمومی مطرح شد فرض بر این بود که هر چند نظریه خدمت عمومی، کمبودهای نظریه منفعت عمومی را پاسخ می دهد، اما قادر به حل نیازهای رو به گسترش انسان و رهایی بخشی از نگرانی و ترس عدم برخورداری از زندگی مطلوب نیست (رحمت الهی، ۱۳۹۰: ۸۷)

امنیت انسانی مفهومی نوین است که با گزارش سال ۱۹۹۴ مرکز توسعه سازمان ملل متحد و با پیروی از سیر تحول در نظریه های امنیتی و با ارائه رویکرد اجتماعی جایگزین امنیت نظامی و به دنیای معاصر معرفی شد. هدف اصلی و محور امنیت انسانی، حفظ و حراست و توسعه امنیت برای آحاد افراد انسانی فارغ از اوصاف آنها است. با مطرح شدن پارادایم امنیت انسانی، تحولی در عرصه استراتژی و سیاست های دولتها نیز صورت گرفت و امنیتی که تا قبل از آن دولت محور و بر پایه ابعاد نظامی بود، فرد محور تلقی شد و طبق تعریف گزارش توسعه انسانی سال ۱۹۹۴ مرکز ملل متحد، در هفت بعد یعنی امنیت اقتصادی، بهداشتی، غذایی، زیست محیطی، فردی، اجتماعی و سیاسی، تحلیل و تبیین گشت و هدف اصلی استراتژی دولتها؛ در راستای توسعه پایدار قرار گرفت و برخلاف تحلیلهای سابق امنیتی در سطوح بین المللی، منطقهای، ملی، اجتماعی و فردی، سطح فردی امنیت مورد توجه ویژه قرار گرفت (دانلی، ۱۳۹۰: ۱۸۶) به صورت کلی، امنیت به فقدان ناامنی و تهدید شناخته میشود؛ در نتیجه در امان بودن و امنیت یعنی رهایی و آزادی، هم از ترس از صدمات و سواستفاده های جسمانی یا روانی، خشونت، شکنجه یا مرگ که با ابعاد امنیت فیزیکی و سیاسی مرتبط است، وهم رهایی از خواستن و نیاز که با ابعاد اشتغال و تغذیه و سلامتی در ارتباط است، می باشد. این نحوه نگرش موسع به امنیت، دو ایده را متبادر به ذهن میکند: «اول لحاظ نمودن در امان بودن که به معنایی بیش از امنیت فیزیکی در معنای سنتی آن اشاره دارد و دومی اینکه زندگی مردم باید از طریق امنیت اجتماعی در برابر تغییرات ناگهانی تضمین گردد (تاجبخش، ۱۳۸۹: ۵)» لذا امنیت انسانی نیز بر همین معنای موسع از

امنیت بنا شده است.

گزارش توسعه انسانی، امنیت انسانی را دارای ۲ وجه دانسته است: نخست) ایمنی از تهدیداتی همچون گرسنگی، بیماری و سرکوب. دوم) ایمنی از حوادث ناگهانی در زندگی روزمره.

همانطور که ذکر گردید امنیت انسانی بنا بر تعریف، دو بعد اصلی دارد: رهایی از ترس و رهایی از نیاز. بنابراین، امنیت انسانی هم شامل تامین نیازهای اولیه مادی انسانی و هم شامل ابعاد غیرمادی است و دارای دو بعد کمی و کیفی می‌باشد. از نظر پروفیسور آکسورتی، «تامین حداقل امنیت انسانی، مستلزم ارضای نیازهای مادی اولیه است. بنابراین تحقق امنیت انسانی، مستلزم ارضای این نیازهای مادی در سطح بشریت است. مهمترین این نیازها غذا، مسکن، آموزش و بهداشت می‌باشد که برای بقای نسل انسان ضروری هستند.» (Axworthy, 1999, p 183).

### شاخص‌های امنیت انسانی

تعریف گزارش توسعه انسانی ۱۹۹۴ برنامه ملل متحد از امنیت انسانی بیان می‌کند که دامنه امنیت جهانی باید به تهدیدات در هفت حوزه گسترش یابد. بعد کیفی امنیت انسانی «به شخصیت انسانی او مربوط می‌شود که شامل استقلال فردی، حق تعیین سرنوشت و مشارکت آزاد در زندگی اجتماعی است. رهایی از ساختارهای سرکوب‌گرانه قدرت در سطح جهانی، ملی یا منطقه‌ای نیز لازمه امنیت انسانی است (باربارا، ترجمه ارجمند و قنبری، ۱۳۸۹: ۲۷)» امنیت انسانی در هفت زمینه اصلی تامین می‌گردد:

امنیت جامعه: هنگامی که جوامع به عنوان نوع نظام حمایتی عمل کنند که در آن مجموعه‌های عام از ارزش‌ها و هویت رفاه اعضاء جامعه را ارتقاء بخشد، این نوع امنیت حاصل می‌شود. به عبارتی این نوع امنیت اشاره به این حقیقت دارد که عضویت در یک گروه اعم از خانواده، جامعه، سازمان، گروه‌های نژادی و قومی، می‌تواند عامل ایجاد رقابتی برای صیانت از فرهنگ شود که این نیز به نوبه خود می‌تواند فرد را در موقعیت‌های متعارض، خشونت‌زا و یا تبعیض‌آمیز قرار دهد. شاخص‌هایی که به عنوان منابع تهدید این بعد می‌توان در نظر گرفت عبارت‌اند از: تبعیض و تضاد قومی، نسل‌کشی و پاکسازی قومی، فروپاشی خانواده، نابودی زبان‌ها و فرهنگ‌های سنتی، بی‌عدالتی، نرخ بالای موالید، عدالت اجتماعی، آموزش، تعداد مدارس و نسبت دانش‌آموز به معلم، هویت اجتماعی، نرخ پایین موالید، میزان سواد، کارآمدی نظام آموزشی و تناسب آن با نیازهای ملی محلی.

امنیت شخصی: با آسیب‌پذیری نسبت به خشونت‌های فیزیکی ناشی از جنگ، جرم، خشونت خانوادگی، یا بیماری‌های روانی مرتبط می‌باشد. گروه‌های خاص نظیر زنان و کودکان

بیش از سایرین نسبت به امنیت شخصی آسیب پذیرند. خشونت در بین فقرا، بسیار شایع است. زیرا آن‌ها به دلیل فقر و نداری با بحران‌های بی‌شماری مواجه هستند.

شاخص‌هایی که به عنوان منابع تهدید این بعد می‌توان در نظر گرفت عبارت‌اند از: جرائم خشن، قاچاق مواد مخدر، خشونت و سوء استفاده از زنان و کودکان، برده‌داری و قاچاق زنان و کودکان، بدرفتاری نسبت به زنان و کودکان در خانواده، کودک ربایی، آدم‌ربایی، زلزله، سیل، کرامت انسانی، بهره‌مندی از حقوق انسانی.

امنیت سیاسی: این نوع امنیت، احترام به حقوق اولیه انسانی را لازم می‌شمارد. به عبارتی حمایت در برابر نقض حقوق بشر. شاخص‌هایی که به عنوان منابع تهدید این بعد می‌توان در نظر گرفت عبارت‌اند از: فشارهای حکومتی، خشونت نظام‌وار علیه حقوق انسانی، نقض نظام مند حقوق بشر، حقوق مشروع، قدرت مشروع، احترام به حقوق اولیه، فساد، کاربرد غیر قانونی قدرت، ثبات سیاسی (شپهان، ۱۳۸۸: ۲۵۹).

امنیت اقتصادی: تأمین این نوع امنیت مستلزم نوعی درآمد پایه و مطمئن برای افراد است که این درآمد عموماً از طریق انجام کارهای تولیدی مفید و درآمدزا و یا به عنوان آخرین راه حل از طریق شبکه‌های مطمئن اجتماعی حاصل می‌شود. با این مفهوم تن‌ها حدود یک چهارم مردم جهان به لحاظ اقتصادی در امنیت هستند. در حالی که مسئله امنیت اقتصادی در کشور های در حال توسعه می‌تواند جدی باشد. این مسئله نه تن‌ها در کشور های در حال توسعه بلکه در کشور های توسعه یافته نیز می‌تواند نمود داشته باشد. از این رو مشکلات بی‌کاری می‌تواند نقش قابل ملاحظه‌ای در ایجاد تنش سیاسی و خشونت قومی و قبیله‌ای داشته باشد. شاخص‌هایی که به عنوان منابع تهدید این بعد می‌توان در نظر گرفت عبارت‌اند از: نبود شغل مولد، بی‌ثباتی شغلی و نبود شبکه‌های ایمنی با تأمین مالی بخش عمومی، بیکاری دراز مدت، سرانه مصرف و تعداد افراد زیر خط فقر، نوع و میزان یارانه دولتی دخیل، رضایت و اطمینان از درآمد، اشتغال و عدم بیکاری، عدالت، رشد اقتصادی مناسب، سیاست‌های رفاهی، وجود درآمد پایه و مطمئن برای افراد.

امنیت غذایی: این نوع امنیت، مبین این مسئله است که همه مردم در همه زمان‌ها دسترسی فیزیکی و اقتصادی به غذای (تغذیه) اولیه (خوراک کافی و سالم) را داشته باشند. از نظر سازمان ملل متحد، دسترسی به غذا در همه جا به عنوان یک مسئله تلقی نمی‌شود، بلکه مشکل اصلی اغلب به توزیع ناعادلانه غذا و فقدان توان خرید بر می‌گردد. شاخص‌هایی که به عنوان منابع تهدید این بعد می‌توان در نظر گرفت عبارت‌اند از: عدم برخورداری از خوراک، دسترسی ناکافی به منابع، خوراک مناسب، عدم دسترسی به منابع کافی، عدم دسترسی فیزیکی و اقتصادی به غذای اولیه (خوراک سالم و کافی)، توزیع ناعادلانه غذا و فقدان توان خرید، خشک‌سالی.

امنیت بهداشتی: این قسم از امنیت به مبارزه با آن دسته از ناامنی‌هایی می‌پردازد که در اثر شیوع امراض مسری و انگلی در مناطق آسیب‌پذیر و یا عواقب و پیامدهای سوء صنعتی شده کشورها بوجود می‌آید. به عبارتی امنیت بهداشتی به رهایی افراد از انواع بیماری‌ها و دسترسی آنان به مراقبت‌های سلامتی اشاره دارد. در کشور‌های در حال توسعه عوامل اصلی مرگ، بیماری‌های عفونی و انگلی هستند که سالانه ۱۷ میلیون نفر را از پای در می‌آورد. در کشور‌های صنعتی عوامل کشنده مهم، بیماری‌های دستگاه گردش خون هستند که هر سال ۵/۵ میلیون نفر را می‌کشد. از نظر سازمان ملل متحد، در کشور‌های در حال توسعه و صنعتی معمولاً تهدیدات نسبت به امنیت بهداشتی برای مردم فقیر در نواحی روستایی، بویژه برای کودکان بیشتر است. این مسئله عمدتاً به خاطر سوء تغذیه و تأمین ناکافی دارو، آب پاکیزه یا دیگر ضروریات مراقبت بهداشتی است

شاخص‌هایی که به عنوان منابع تهدید این بعد می‌توان در نظر گرفت، عبارت‌اند از: بیماری‌های مسری و انگلی، بیماری‌های تهدیدکننده حیات، نبود آب آشامیدنی سالم، آلودگی هوا، عدم دسترسی به تسهیلات و مراقبت‌های سلامتی، سوء تغذیه، تأمین ناکافی دارو، تعداد گروه‌های آسیب‌پذیر و میزان آسیب‌پذیری آنها، دلایل و میزان مرگ و میر در کشور، کیفیت، تعداد و نوع واکسن تزریقی به افراد جامعه، دسترسی افراد جامعه به خدمات بهداشتی آسان، مطمئن و ارزان، هزینه بهداشتی شهروندان، آب آشامیدنی سالم، دسترسی به مراقبت‌های بهداشتی.

امنیت زیست‌محیطی: انسان‌ها برای آن که بتوانند به رشد مطلوب خود دست یابند، نیازمند محیطی کاملاً سالم هستند. امنیت محیط زیست حفاظت مردم از اثرات تخریبی کوتاه و بلند مدت طبیعی، تهدیدات دست‌ساخته در طبیعت و تخریب محیط زیست طبیعی را مورد توجه قرار می‌دهد. نبود امکان دسترسی به منابع آب پاکیزه یکی از بزرگ‌ترین تهدیدات محیط زیست می‌باشد. در کشور‌های صنعتی یکی از تهدیدات مهم، آلودگی هوا است. گرم شدن کره زمین که به خاطر انتشار گاز‌های گلخانه‌ای ایجاد شده است، یکی از موضوعات امنیت محیط زیست محسوب می‌گردد. شاخص‌هایی که به عنوان منابع تهدید این بعد می‌توان در نظر گرفت عبارت‌اند از: کاهش دسترسی به آب، آلودگی آب، کاهش اراضی حاصلخیز، بیابان‌زایی، جنگل‌زدایی، آلودگی هوا، تخریب محیط زیست، گرم شدن کره زمین، جایگاه مواد خام در رشد اقتصادی، اثرهای آلودگی‌های شیمیایی خاک و آب کشاورزی و شرب، نسبت جمعیت شهری به روستایی، تعداد زلزله‌های به وقوع پیوسته طی ۲۵ سال اخیر، دسترسی به آب بهداشتی و سالم، وجود اراضی حاصلخیز، وجود محیط زیست سالم (قمصری و دوستدار، ۱۳۸۸: ۸۰-۸۱).

مهم‌ترین انگیزه برای برجسته ساختن امنیت انسانی، نیاز مردم عادی به میزان طبیعی از

امنیت است که در وسط معرکه خشونت سیاسی زندگی می‌کنند. بر اساس نظر سنجی های افکار عمومی که بنیاد آسیا در سال ۲۰۰۴ انجام داد و در گزارش ۲۰۰۵ گروه رند نیز به چاپ رسید، دو سوم مردم افغانستان بر این باورند که بزرگ ترین مشکل کشور امنیت است. ۳۷ درصد از مردم نیز بزرگ ترین مشکل کشور را خشونت قلمداد می‌کنند. ۲۹ درصد از آنان بعد از خشونت، فقر، اقتصاد و شغل را به عنوان بزرگ ترین و مهم ترین مشکل کشور می‌دانند. موضوعات دیگری چدن آموزش و پرورش، برق، راه و مسکن از اهمیت کمتری برخوردارند. بین ۶ تا ۹ درصد از مردم این موضوعات را به عنوان مسائل و مشکلات امنیتی قلمداد کردند. در گزارش منتشر شده رند، نتایج و یافته های مجموعه ای از نظر سنجی ها که در سال ۲۰۰۴ در عراق انجام شد نیز تأیید می‌کند که امنیت انسانی نگرانی اصلی شهروندان عراقی باقی مانده است. سایر تحقیقات و مطالعاتی که در مورد افراد فقیر که در وضعیت خشونت زندگی می‌کنند، نشان می‌دهد که بالاترین آرزوی آنان در امان ماندن از خشونت تأمین امنیت انسانی است (شیهان، ۱۳۸۸: ۲۶۰). هر چند دولت و سایر بازیگران به دلایل اخلاقی و برای تأمین خیر مشترک همه انسان ها، مسئولیت تأمین امنیت انسانی افراد را بر عهده دارد، اما قادر به انجام این امر نمی‌باشد. بنابراین ضروری است از کمک و مساعدت سایر نهاد های رسمی و غیر رسمی، نهاد های داخلی و بین المللی از جمله سازمان های غیر دولتی، بهره جوید(باربارا، ترجمه ارجمند و قنبری، ۱۳۸۹: ۲۷).

### شادکامی

واژه شادکامی در برگیرنده چند مفهوم ذهنی است که بر نگرش و ادراکات فرد و محیطی که در آن زندگی میکند، مبتنی میباشد؛ بنابراین به حالتی اشاره دارد که از تجربه هیجانهای مثبت و رضایت از زندگی نشات میگیرد. براین اساس، اصولاً ارزیابی شادکامی براساس پاسخهای شخصی اشخاص میباشد. با این حال، روانشناسان شاخصهایی را مطرح میکنند تا بر اساس پاسخ به سوالات، سطح شادکامی را ارزیابی کنند و امروزه اقتصاددانان نیز در ارزیابی شادکامی به معیارهای روان شناختی توجه میکنند. شاخص توسعه انسانی که در پی انتقاد به شاخص تولید ناخالص ملی جهت ارزیابی سطح توسعه ملی مطرح شد؛ مبتنی است بر طول عمر، دانش و استاندار زندگی رضایت بخش (مبتنی بر سرانهی درآمد ناخالص ملی). به این شاخص انتقاد شده است که بیانگر توسعه نسبی است نه کلی. بر این اساس در کمیسیون استیگلیتز سن فیتوسی ۱۵ بیان شد که جهت ارزیابی سطح زندگی اشخاص می‌بایست معیارهای حداقل هفتگانه اعمال شود؛ سلامتی، آموزش، فعالیتهای فردی، روابط، امنیت شخصی، شرایط محیط، امنیت اقتصادی، مشارکت سیاسی. امروزه توسعه اجتماعی بیشتر بر اساس شاخصهای بهروری ذهنی سنجیده میشود. این شاخصها در حقیقت در راستای برطرف کردن نواقص شاخصهای فوق ارائه شدند

(تونی، ترجمه همایون پور، ۱۳۸۱: ۱۳۱).

### رفاه اجتماعی

رفاه اجتماعی تعبیری است معطوف به وضعیت اقتصادی، اجتماعی و سیاسی که حفظ کرامت انسانی و مسئولیت‌پذیری افراد جامعه، در قبال یکدیگر و ارتقای توانمندی‌ها، از اهداف آن است. واژه "Welfare"، اشاره به حالتی از سلامت، شادی، سعادت، خوب بودن و مساعدتی به‌ویژه به صورت پول، غذا و دیگر مایحتاج ضروری که به نیازمندان ارائه می‌شود، دارد. این کلمه ابتدا به صورت مصدر "To well fare" به کار می‌رفته؛ که به معنای خوب بودن و خوش گذراندن بوده است. کلمه "Social" نیز متضمن ارتباط رفاه با جامعه و مقابله با خطراتی است که در زندگی جمعی با آن روبرو هستیم. در مجموع این مفهوم به معنای حالتی از مناسب بودن است (میجلی، ترجمه جغتایی، ۱۳۷۸: ۴).

### نظریه های رفاه

سه دیدگاه اصلی تفسیر رفاه عبارتند از ابزاری، محدود، نامحدود. در دیدگاه ابزاری ارتباط بین دستیابی به اهداف و رفاه کاملاً ابزاری است. بیشترین علاقه و تلاش شما برای به دست آوردن هدفی خاص با دلایل خاص، فقط زمانی که در ارتباط با رفاه خود شما باشد موجه به نظر می‌رسد. تأمین رفاه فرد فقط در مورد موضوعی که هدف او باشد معنا دارد. دیدگاه محدود، جامعه گرا و ارزشینگر است. در صورتی که اهداف، عقلانی و درست باشند، رسیدن فرد به اهداف به خودی خود موجب رفاه وی می‌شود. طرفداران این دیدگاه آن را دستیابی به اهدافی میدانند که دارای ماهیت ارزشی و توجیه عقلانی باشند. از نظر طرفداران دیدگاه نامحدود، رسیدن فرد به اهدافش به خودی خود موجب افزایش رفاه وی می‌شود، صرف نظر از این که آن اهداف چه هستند. بارزترین خصیصه فلسفی کسانی که طرفدار دیدگاه نامحدود هستند، طرفداری از تئوری ساده «تحقق آرزو» است. رفاه شخصی با دستیابی به هر هدفی که داری و نه فقط چیزهایی که در نظر جامعه ارزش دارند، افزایش می‌یابد (موسوی، ۱۳۸۸: ۱۸).

از نظر اسمیت، وضع طبیعی نیازی به مداخله ندارد و اگر دولتها بر خلاف نظم طبیعی، مداخله و اعمال سیاست کنند، توان تغییر مسیر آن را ندارند و مقهور سلطه آن خواهند شد. دولتها نباید در امور اقتصادی دخالت کنند؛ چرا که دولت نه تاجر خوبی است و نه مدیری مناسب. مدیران خوبی نخواهند بود چون مستخدمان دولت، به علت نداشتن منافع مادی در تولید، مراقبت، رسیدگی و دلسوزی ندارند. تاجر خوبی هم نیست چرا که دولت ولخرج است و از درآمدی خرج میکند که آن را خود تحصیل نکرده است. آدم اسمیت وظایفی نیز برای دولت قائل است:

اول تأمین امنیت، سپس تعمیم دادگستری و در نهایت، آن دسته از امور عمومی که افراد به خاطر نداشتن نفع یا نداشتن توانایی، خود قادر به انجام آن نیستند. این تعریف اسمیت، او را وارد



مفهوم رفاه اجتماعی میکند. آدم اسمیت، فلسفه سیاسی هیوم را گسترش داد و با تأکید بر این که بازار آزاد، ابزاری است برای تبدیل نفع شخصی به خیر عمومی، عملاً «اقتصاد کلاسیک» را پایه گذاشت. به عقیده اسمیت، رقابتکنندگان در بازار را یک دست نامرئی به سوی خیر و رفاه عمومی هدایت میکند. او معتقد بود: «سیستم مبتنی بر سرمایه داری رقابتی» منافع همه طرفها را تأمین میکند. اسمیت، سرمایه‌داری را یک نظام بهره‌ور با توانی بالقوه برای افزایش رفاه انسان میدید. اقتصاددانان به طور کلی منفعت را رضایت یک فرد از برآورده شدن ترجیحات او در یک دولت تعریف کرده‌است.

طبق اصل پارتهو، اگر هر فرد حیطه‌های از امور را بر حیطه‌های دیگر ترجیح دهد، رفاه اجتماعی باید در آن حیطه برای او بیش از حیطه‌های دیگر در دسترس باشد. این ایده ما را به یاد نظریه نامحدود گرایان در باب مفهوم رفاه میاندازد که معتقد بودند هر چیزی که به کسی احساس رفاه و رضایتمندی بدهد مطلوب است. آدم اسمیت ارزیابی مستدلی از مفهوم رفاه دارد که برگرفته از کل روشهای معمول در علم اقتصاد لیبرالی (آزادخواهی) است. این حقیقت وجود دارد که نظام بازار آزاد یا تجارت آزاد که نظامی خودکامه به شمار میرود، خود به خود موقعیتهایی را به وجود آورد که نسبت به سایر روشهای شناخته شده، ارجحیت دارند. اگر چه آدم اسمیت و جرمی بنتام هر دو از هواداران اقتصاد بازار بوده‌اند. پایه و اساس نظریات آنها تا حدی از هم متفاوت بوده و بر سیاستهای متفاوتی دلالت دارد. جرمی بنتام (۱۷۴۸-۱۸۳۲) و شاگردان وی بودند که برای اولین بار مفهوم رفاه را به علم اخلاق نسبت دادند.

در نوشته های اولیه بنتام، برقراری رفاه جمعی جزو مسئولیت یک حکمران مطلقه خیرخواه بود. سی. پیگو<sup>۱</sup> (۱۸۷۷-۱۹۵۹) اقتصاددان رفاهی، استدلال میکرد رفاه فردی ارتباط نزدیکی با انتخابهای بازار دارد و میتوان گفت که رفاه اجتماعی به تناسب رونق یا رکود ثروت ملی، که از راه شاخصهایی چون تولید ناخالص ملی اندازه‌گیری است، کم یا زیاد می شود. به نظر پیگو، رفاه در حوزه اقتصاد قرار دارد و اقتصاد رفاه عبارت است از بخشی از رفاه اجتماعی که میتواند با ابزارهای پولی اندازه‌گیری شود. تنها در این حالت با چیزی قابل اندازه‌گیری سرو کار پیدا می کنیم (هزار جریبی و صفری شالی، ۱۳۹۱: ۳۷).

فون هایک<sup>۲</sup> در سال ۱۹۴۴ با انتشار کتاب راهی به سوی بردگی که موضوع اصلی آن انتقاد از سوسیالیسم و برنامه‌ریزی متمرکز اقتصادی برای جامعه بود، شهرتی جهانی پیدا کرد. در نظام فکری هایک، مفهوم بازار نقش درجه اولی دارد و آن را نه تنها یک نهاد اساسی جوامع مدرن بلکه عامل غیرقابل اجتناب جوامع بشری به شمار می‌آورد. هایک معتقد است که رشد

1- See pigo

2- Hayek

و شکوفایی جامعه وابسته به هیچ اراده‌ای به تنهایی نیست بلکه محصول رقابت اراده‌های بسیار با یکدیگر و نشأت گرفته از بسیاری آزمون و خطاها، شکستها و البته بسیاری کامیابی هاست. هایک این نظم خودانگیخته را کاتالاکسی می نامید و میگوید در این نوع نظم، افراد جامعه بدون نیاز به فرمان و اطلاعات، بعضی قواعد رفتاری را مدنظر قرار میدهند. دولت قادر به تامین رفاه نخواهد بود اما دولت با تامین آزادی فردی میتواند به افراد امکان و فرصت ایجاد نظم کاتالاکسی را اعطا کند. هایک به نظریه عدالت اجتماعی یا توزیعی اعتراض میکند. وی تاکید مینماید که بعضی مردم قادر به کسب درآمد کافی نیستند، زیرا ارزش کار آنها پایین یا حتی صفر است و باید پولی بیش از آنچه بازار میپردازد، دریافت کنند (باری، ترجمه میرحسینی و نوربخش، ۱۳۸۹: ۸۱). نظرات کینز عکس چنین اظهارات اقتصادی بود و ادعا میکرد لیبرالیسم شکافی ایجاد کرده که میبایست پر شود. اگرچه او یک لیبرال محسوب میشود اما با ایده اشتغالی که مطرح کرد هم میتوان او را به عنوان یک نظریه‌پرداز در حوزه رفاه محسوب کرد. لیبرالها، ایده اصلی خود را از نظریه لسهفر یا اقتصاد آزاد آداماسمیت گرفته و معتقدند اگر شرایطی آزاد برای فرد مهیا شود تا به تولید و پیشرفت فردی دست یابد، جامعه نیز که ترکیبی از این افراد و افرادی است که از این پیشرفت اقتصادی در قالب اشتغال منتفع میشوند، توسعه یافته و رفاه عمومی تامین میشود. اما لیبرالهایی چون جان استوارت میل و هابهاوس هم مثل محافظهکاران و سوسیالیستها از بازار کاملاً آزاد، واهمه داشتند و تا حدی موافق دخالت برای تامین رفاه عمومی بودند (موسوی، همان: ۲۷).

برای مارکسیستها توسعه رفاه، یک فرایند بسیار پیچیده از تضاد و کشمکش است که در بستری از نیازها و مایحتاج ساختاری سرمایه‌داری و عدم ثبات زندگی اجتماعی حاصل از آن وجود دارد. توسعه این سیاستها تناقضات جامعه سرمایه‌داری را منعکس میکند و زندگی ما را تحت تاثیر قرار میدهد. دردیدگاه مارکسیستی آلتوسر، دولت رفاه عمدتاً عنصری از ماشین ایدئولوژیکی دولت محسوب میشود که اجازه میدهد سرمایه‌داری با چهرهای انسانیت‌تر از آن چه واقعاً دارد ظاهر شود. در عین حال، دولت رفاه دقیقاً با ماین سرکوبگری دولت مرتبط است و حتی گهگاه با آن تداخل پیدا میکند، همان طور که هابرماس و اوفه معتقدند سرمایه، نیاز مالی را تامین میکند و در مقابل، دولت هم تضمین میکند که شرایط اقتصادی لازم برای رشد و انباشت سرمایه فراهم باشد. دولت از منابع مالی تامین شده برای برقراری خدمات رفاهی استفاده میکند و در مقابل، وفاداری توده‌های شهروندان را به دست می‌آورد.

### رفاه عینی - رفاه ذهنی

ظاهراً معقول نیست که رفاه را کاملاً عینی بدانیم، در عین حال، باید از این که رفاه را مقوله‌های صرفاً ذهنی بدانیم بپرهیزیم، زیرا چنین امری باعث میشود که رفاه و بهزیستی به

مقوللهای لذتگرایانه و به امری کلا فکری و درونی کاهش یابد. رفاه ذهنی به آن شخص یا خویشتن او وابسته است. پس به احساسات، ادراک ها، شناخت ها و تجارب همان فردی مربوط میشود که وی را موضوع رفاه قرار دادهایم. رفاه عینی عبارت است از قدرت خرید و توانایی در کسب تسهیلات و امکانات زندگی. بر این اساس، رفاه اجتماعی، برابر با مجموعه رفاه افراد جامعه خواهد بود که معمولاً با شاخصهای عینی مانند سطح درآمد، تغذیه و امکانات بهداشتی نشان داده می شود (فیتز پتریک، همان، ص ۱۳۸).

### – شاخص های رفاه اجتماعی

شاخص هایی که در ایران برای رفاه اجتماعی در نظر گرفته می شود، عبارت اند از: آموزش و پرورش، بهداشت، درمان، تغذیه، مسکن، اشتغال جمعیت و نیروی انسانی، هزینه و درآمد تأمین اجتماعی. در کنار شاخص های اصلی، چند شاخص فرعی نیز برای رفاه در نظر گرفته می شود؛ از جمله: گذران اوقات فراغت، دسترسی به تسهیلات فرهنگی، محیط زیست و امنیت فرد در برابر تجاوزات مالی و جانی (مسعود اصل، ۱۳۸۸: ۹۰).

### کیفیت زندگی

میتوان گفت کیفیت زندگی در دو بعد عینی و ذهنی دلالت دارد بر: سطحی از برخورداری مالی، خوب بودن روانی و عاطفی، سلامت جسمانی، بهره‌مندی از روابط اجتماعی (پیوند و اعتماد) و اشتغال، بهزیستی ذهنی، شرایط بهینه محیطی از قبیل: امنیت، کیفیت مسکن، محله و فضاهای گذران اوقات فراغت، فضای سبز شهری و طبیعی و دسترسی به خدمات عمومی چون بهداشت و درمان، آموزش، مشاوره و وسایل حمل و نقل عمومی. مفهوم کیفیت زندگی در مقایسه با رفاه که در بعد عینی و ذهنی آن بیشتر متکی بر فرد و رفاه جامعه را برآیند رفاه مجموع افراد میدانند، مفهومی فریبتر است و بر کیفیت اجتماعی نیز تمرکز دارد (صانعی، ۱۳۹۱: ۷۱).

### خوشبختی

جورج، خوشبختی را ارزیابی عاطفی کیفیت زندگی میدانند و معتقد است رضایت از زندگی، ارزیابی وضعیت کلی زندگی است و از مقایسه میان خواسته‌های فرد با دستاوردهای واقعیش حاصل میشود (نوغانی، ۱۳۸۷: ۱۱۸).

### مطلوبیت

اصل مطلوبیت عبارت از آن است که در هر استدلالی، اساس کار ما محاسبه و مقایسه دردها و لذتها باشد و هیچ اندیشه دیگری را در استدلال خود راه ندهیم. اقتصاددانان مفهوم مطلوبیت را به کار می‌برند و روانشناسان از اصطلاح رضایتمندی استفاده میکنند. اساس مطلوبیت‌گرایی، قاعده بیشترین فایده برای بیشترین افراد است (غفاری و امیدی، ۱۳۸۷: ۲).

## رضایت‌مندی

صرف‌نظر از تفاوت بین این نظریه‌ها به نظر میرسد که همه آنها در این باور مشترکند که هدف فلسفه اجتماعی و خط مشی عمومی، (راضیت‌ر) و سعادتمندتر کردن افراد جامعه است. در این خصوص چهار نوع رضایت از زندگی وجود دارد:

- ۱- رضایت ناشی از داشتن متاثر از میزان برخورداری افراد از امکانات میباشد.
- ۲- رضایت ناشی از ارتباط که معطوف به روابط اجتماعی است.
- ۳- رضایت ناشی از بودن، پنداشت فرد نسبت به خویشتن و تعریف از کیستی خود، که دلالت بر معناداری و کنترل بر زندگی خود در مقابل خود بیگانگی دارد.
- ۴- رضایت ناشی از اقدام و عمل که بیشتر معطوف به چگونگی زمان در اختیار در قالب اوقات فراغت می‌شود (غفاری، همان : ۳).

## امنیت انسانی در قانون اساسی

پس از آشنایی با ماهیت امنیت انسانی و اجزای تشکیل دهنده آن، شناسایی جایگاه آن در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، به عنوان قانون مادر، ضروری است. در این راستا، ابتدا باید به جنبه‌های گوناگون امنیت در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران اشاره کنیم (الف) و سپس به تبیین مفهوم عام امنیت انسانی و تحلیل دلیل وجودی این تفسیر بپردازیم (ب)

## جنبه‌های گوناگون امنیت در قانون اساسی

در آموزه‌های اسلامی مبتنی بر قرآن و سنت، امنیت مفهومی عامی را در بر می‌گیرد و «تنها در مورد جان و مال و عمل و حقوق و آزادی‌های مربوط به این موارد صادق نیست؛ بلکه شامل شخصیت و شرف و حیثیت نیز می‌باشد». اما در عرصه‌ی اندیشه‌ورزی کشورمان، ایده‌ی حق برخورداری از امنیت نخستین بار پیش از جنبش مشروطیت مطرح گردید. برای مثال، «میرزا ملکم خان» در رساله‌ی «صراط مستقیم»، که در سال ۱۳۰۰ نوشته شده، حقوق اساسی فرد را تشریح کرده است و می‌نویسد: «حقوق انسانی بر چهار رکن اصلی استوار است: اطمینان، اختیار یا آزادی، مساوات و امتیاز فضلی». به یقین، منظور «ملکم» در این عبارت از «اطمینان» همان امنیت است که به سنت اروپای آن دوره در کنار آزادی آورده شده است.

اصل ۹ متمم قانون اساسی مشروطیت که به نوعی مبنای تاریخی اصل ۲۲ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به شمار می‌رود، مقرر می‌داشت: «افراد مردم از حیث جان و مال و مسکن و شرف محفوظ و مصون از هر تعرضی هستند و متعرض احدی نمی‌توان شد مگر به حکم و ترتیبی که قوانین مملکت تعیین می‌نماید». صرف نظر از رفع ایرادهای دستوری و محتوایی، اصل ۲۲ مفاد اصل فوق‌الذکر را عیناً تکرار نمود. اصل ۱۳ متمم قانون اساسی نیز در تکمیل اصل پیشین مصونیت حریم خصوصی را تضمین می‌کرد که بعدها این اصل منشأ مواد

۹۱ تا ۹۴ قانون اصول محاکمات جزایی گردید. همانگونه که ملاحظه می‌شود در اصل ۹ تفکیک دقیقی بین مصونیت از جان و مال و حریم خصوصی اعمال نشده است و همین امر موجب سردرگمی بیشتر گردید. بدین سان در بیشتر موارد اصل ۹ در سایه ی اصل ۱۳ تفسیر می‌شد.

در آموزه های حقوق اساسی کشورمان کمتر به تحلیل علمی امنیت پرداخته شده است و غالباً در باب امنیت به ذکر اوصاف کلی و ارائه ی تعریفی شعارگونه از آن اکتفا شده است. افزون بر آن، در این آموزه ها تمایزی بین امنیت شخصی و تضمین حریم خصوصی یا به عبارت دیگر، مصونیت حریم خصوصی ایجاد نشده است. نگاهی به این آموزه ها به سهولت نشان می‌دهد که این ها در انتخاب بین واژه های مصونیت و امنیت تردید دارند و از این روی از ارائه ی تعریف علمی امنیت ناتوان هستند. این ابهام ریشه در قوانین اساسی دارد که نگارش عام آن، این اختلاط و سردرگمی را به دنبال آورده است. شاید تنها یک نویسنده مفهومی عام و بسیار گسترده از امنیت شخصی مراد کرده و با ایجاد ارتباط بین ۲۲، ۲۳، ۲۵، ۲۸، ۳۲، ۳۳ و ۳۸ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران این مفهوم عام را تحقق بخشیده است. البته به نظر می‌رسد که ایرادهای عمده ای بر این تلقی وارد باشد:

نخست اینکه به رغم گستردگی قلمروی امنیت در تعریف این نویسنده، او همچنان واژه ی «امنیت شخصی» را حفظ کرده است؛ در حالی که قالب واژه ی مذکور تاب چنین ظرفیتی را ندارد و علاوه بر آن، کاربرد امنیت شخصی برای تمامی موارد فوق، موجب اختلاط مفاهیم خواهد شد. دوم اینکه، در این حوزه ی بسیار وسیع امنیت شخصی گاه آزادی هایی مانند آزادی انتخاب شغل گنجانده شده اند که به کلی از مفهوم امنیت شخصی دور هستند.

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در اصل ۲۲ امنیت شهروندان را از جنبه های گوناگون تضمین کرده است. تفضیل ر حکم کلی این اصل در اصول دیگر بیان شده است. در اصل ۲۵ مصداق خاص حریم خصوصی، یعنی مکاتبات و مکالمات شهروندان و در اصول ۳۲ و ۳۳ امنیت شخصی شهروندان در برابر بازداشت خودسرانه و سرانجام در اصول ۳۴ تا ۳۸ امنیت قضایی شهروندان تضمین شده اند. بنابراین، ملاحظه می‌شود که حکم عام اصل ۲۲ به صورت های گوناگون و در قالب احکام تفصیلی در اصول فوق مطرح شده است.

بعضی از نویسندگان، برخی از واژه های مذکور در اصل ۲۲ مانند «مال» و «مسکن» را مشمول تضمین حریم خصوصی دانسته اند و فراتر از آن واژه ی «حقوق» را نیز «کلمه ای کیفی و تفسیری قلمداد نموده اند که حق حریم خصوصی را با تفسیری پویا می‌توان مشمول آن دانست». تفسیر مذکور به صواب نیست؛ زیرا واژه «حقوق» به هیچ روی در قالب تضمین حریم خصوصی نمی‌گنجد و به علاوه تفسیر موسّع در واژه ی «مال» و «مسکن» در این مورد

مناسب‌تر می‌نماید و در این صورت به تفسیرهای فاقد منطق حقوقی نیازی نیست. در نتیجه، اصل ۲۲ را می‌توان به عنوان مبنای تضمین حریم خصوصی در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران قلمداد نمود، ولی این امر با اینکه اصل فوق به عنوان مبنای امنیت نیز قلمداد شود تعارضی ندارد. به بیان دیگر، هر اصل قانون اساسی می‌تواند به عنوان مبنایی برای حقوق گوناگون تلقی شود و این امر منافاتی با منطق حقوقی ندارد.

حال پرسش این است که حکم مذکور در اصل ۲۲ با احکام مذکور در اصول فوق چه تفاوتی دارد؟ اگر قوه مؤسس بر آن بود که امنیت شهروندان را به صورت تفصیلی تضمین کند چه نیازی به اصل ۲۲ بود؟ چنانکه دیدیم، آموزه‌های حقوقی کشورمان بدین موضوع توجهی نکرده‌اند و به طور معمول با جمع بندی اصول اصل کلی، امنیت را از آنها استنتاج می‌کنند. اما از منظر علمی، این استنتاج سست بنیاد می‌نماید و از این روی به تحلیل دیگری در این خصوص نیازمندیم. متأسفانه آموزه‌های حقوقی کشورمان تا کنون به این موضوع مهم نپرداخته‌اند و در مورد قابلیت‌های تفسیری این اصل بی‌اعتنا بوده‌اند. پاسخ به پرسش فوق دلیل وجودی مقاله‌ی حاضر است.

### تبیین جایگاه امنیت انسانی در قانون اساسی

در گستره‌ی امنیت در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، با توجه به تعریفی که از امنیت انسانی در بخش پیشین ارائه شد، مدعای ما این است که اصل ۲۲ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران امنیت انسانی را در مفهومی گسترده تضمین نموده است. این اصل، حوزه‌های گوناگونی زمینه‌ی برخورداری از حقوق و آزادی‌های بنیادین را در بر می‌گیرد. در اصل ۲۲ حریم خصوصی (شامل مسکن و شغل)، امنیت حقوقی (تضمین حقوق) و امنیت شخصی (امنیت جسمانی، مالی و معنوی) در کنار یکدیگر از سوی قوه مؤسس تضمین شده‌اند. بدین ترتیب، در اصل ۲۲ مصادیق گوناگون امنیت در قالب زیر مجموعه‌های امنیت انسانی گرد هم آمده‌اند. با توجه به قلمروی گستره‌ی امنیت انسانی، در چارچوب اصل ۲۲ حوزه‌های ذیل را می‌توان بر شمرد:

▪ یک: امنیت شخصی - این امنیت از دو بعد قابل بررسی است: امنیت مادی و معنوی شهروندان. در نوع نخست، این قلمرو، مفهوم مزیقی از امنیت انسانی است که تنها حفظ جان و مال او را در بر می‌گیرد. دو واژه‌ی «جان» و «مال» مذکور در اصل ۲۲ در این قلمرو تضمین می‌شوند. بنابراین، در تفسیری موسّع تمامیت جسمانی شهروندان یا اموال آنان در مقابل هر آنچه که این موارد را در مخاطره

افکند تضمین می‌شود. تفضیل امنیت شخصی، به فراخور اهمیت مورد، در اصول ۳۲ و ۳۸ قابل مشاهده است. در نوع دوم از امنیت شخصی، مفهوم این نوع امنیت اندکی تعمیم داده شده

است و امنیت معنوی یا روانی شهروندان را نیز پوشش داده است. واژه «حیثیت» در اصل ۲۲ بر تضمین این جنبه از امنیت شخصی دلالت می‌کند. در قوانین اساسی مدرن، این تعمیم اصل ۲۲ در نوع خویش گامی بسیار مهم قلمداد می‌شود. تفصیل این بخش از اصل ۲۲ را نیز در اصل ۳۹ می‌توان یافت که به موجب آن هتک حرمت و حیثیت فرد بازداشت شده منع شده است. از جنبه‌ای دیگر نیز شاید بتوان اصل ۳۳ را که مبنای آزادی تعیین اقامتگاه شهروندان است نیز به عنوان تفصیل امنیت روانی شهروندان تلقی نمود؛ زیرا اقامتگاه نیز به نوعی با امنیت روانی آنان ارتباط می‌یابد.

▪ دوم: حریم خصوصی - اگر تضمین حریم خصوصی را بخشی از امنیت شخصی تلقی نکنیم، که به دلیل اهمیت این مورد همین رویه قابل پذیرش به نظر می‌رسد، در کنار امنیت شخصی، دومین بخش از زندگی شهروندان است که توسط اصل ۲۲ مورد حمایت قرار گرفته است. دو واژه ی «مسکن» و «شغل» بر تضمین این جنبه ی مهم از حقوق بنیادین دلالت می‌کنند. افزون بر آن، به دلیل اهمیت مکاتبات و مکالمات در حریم خصوصی شهروندان، این امور به گونه ای خاص در اصل ۲۵ تضمین شده اند.

▪ سه: امنیت حقوقی - در بخش گذشته بر تفاوت امنیت حقوقی و امنیت انسانی تأکید و مشخص شد که امنیت حقوقی، بخشی از امنیت انسانی در مفهوم موسع قلمداد می‌شود. تأمل در مفاد اصل ۲۲ نیز صحت این تفسیر را می‌نمایاند: واژه ی «حقوق» در این اصل، بیانگر آن است که حقوق شهروندان از تعرض مصون هستند و این دقیقاً همان غایت امنیت حقوقی است. در این عرصه، حقوق مکتسبه افراد در کنار اصولی که متضمن حفظ وضعیت حقوقی شهروندان هستند مانند اصل عطف به ماسبق نشدن قوانین، اصل شفافیت قوانین زیر مجموعه‌های امنیت حقوقی را تشکیل می‌دهند.

▪ چهار: امنیت قضایی - گرچه امنیت قضایی شهروندان در بند ۱۴ اصل ۳ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به صراحت تضمین شده است، اما به نظر می‌رسد که با تفسیر موسع واژه ی «حقوق» مذکور در اصل ۲۲ می‌توان مبنای مکمل دقیق تری را نیز برای آن یافت. از این روی، این تفسیر موسع، امکان استنتاج حقوق گوناگون شهروندان در دادرسی را که در قالب امنیت قضایی قرار می‌گیرند را فراهم می‌آورد. این حقوق به گونه ای تفصیلی در اصول ۳۴ و ۳۵ مورد تأکید قرار گرفته اند هر چند حق دادخواهی مذکور در اصل ۳۴ که متضمن برخورداری از دادرسی منصفانه است محتاج تفصیل فزونتر در قوانین عادی است. به علاوه، اصول قانونی بودن جرائم و مجازات ها (اصل ۳۶) و برائت (اصل ۳۷) تضمیناتی برای حفظ امنیت قضایی شهروندان هستند.

با توجه به مراتب فوق مشاهده می‌شود که اصل ۲۲ قالب بسیار وسیعی را با عنوان

«امنیت انسانی» ارائه نموده است که در نظمی منطقی در اصول بعدی جنبه‌های گوناگون آن مقرر می‌شوند. این، در حالی است که در بسیاری از کشورهای پیشرفته مانند فرانسه مفهوم مضیقی از امنیت انسانی لحاظ شده و تنها امنیت شخصی و آن هم جنبه‌ی جسمانی آن؛ یعنی منع بازداشت خودسرانه مورد تأکید قرار گرفته است. البته در برخی از منابع قانونی اساسی فرانسه مانند «مقدمه قانون اساسی سال ۱۹۴۶ به امنیت ماهوی اشاره شده است که به معنای تضمین در برابر تمامی خطرهای مهم برای وجود انسان است (کار، سلامتی، آموزش و تأمین اجتماعی)» اما باید توجه داشت که مفهومی که برای این نوع امنیت به کار گرفته شده با مفهوم امنیت شخصی تفاوت دارد و اموری نیز مشمول آن هستند که ورود آنها به حوزه‌ی امنیت انسانی به آشفته‌گی ماهوی آن می‌انجامد. در نتیجه، به نظر نمی‌رسد که قوه مؤسس فرانسوی قصد آن داشته است که مفهومی معادل «امنیت انسانی» را مراد کند.

بنابراین، شمول اصل ۲۲ و امنیت انسانی در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران بسیار پیشرفته و جامع‌تر از بسیاری از قوانین اساسی است. در کنار این اصل، قواعد شرعی نیز که در کنار نظم حقوقی وجود دارند به مثابه تضمینی مضاعف برای امنیت انسانی به شمار می‌روند. البته باید توجه داشت که قواعد شرعی تنها مؤید تعهد منفی به تضمین امنیت انسانی هستند و تعهد مثبت دولت در تثبیت امنیت انسانی به هنجارهای نظم حقوقی مربوط می‌شود. افزون بر مورد فوق، باید یادآوری نمود که امنیت انسانی در قوانین عادی نیز باید به فراخور مورد حمایت قرار گیرد. به دیگر سخن، زمانی امنیت انسانی از اعتبار کافی برخوردار خواهد بود که گسیختگی بین قانون اساسی و قوانین عادی وجود نداشته باشد. در نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران، این روند به ویژه در قانون کار مصوب سال ۱۳۶۹ در رابطه با امنیت شغلی کارگر و قانون حقوق و آزادی‌های شهروندی نمود می‌یابد. در مقابل، به نظر می‌رسد که در برخی قوانین این جنبه‌های امنیت انسانی کم‌رنگ هستند. برای مثال، در حالت‌های گوناگون استخدام در قانون مدیریت خدمات کشوری کمتر امنیت شغلی کارمندان دستگاه اجرایی لحاظ شده است. این روند کاهش توجه به امنیت انسانی در مقررات اجرایی نیز، جز در موارد استثنایی، دیده می‌شود.

برای هماهنگی تضمین امنیت انسانی در سلسله مراتب قوانین جمهوری اسلامی ایران، گریزی نیست جز اینکه ابتدا شاخص‌های امنیت انسانی باز شناخته شوند. در فقدان تعریفی صحیح و منبج از شاخص‌های امنیت انسانی نه تنها مفهومی سیال را خواهیم داشت؛ بلکه به تناوب در ارزیابی‌ها با اختلاط مفاهیم امنیت انسانی مواجه می‌شویم. به مدد این شاخص‌ها، می‌توان مفهومی عام و در عین حال انعطاف‌پذیر از امنیت انسانی ارائه داد که به فراخور ارزش هنجارهای حقوقی تغییر شکل یابد، ولی در عین حال در چارچوب کلی امنیت انسانی قرار گیرد.



همانگونه که گفته شد، سرلوحه‌ی شاخص‌های امنیت انسانی اصل ۲۲ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران است که معیارهای ارائه شده در آن باید در قوانین عادی و مقررات اجرایی اعمال شوند و جنبه‌ی اجرایی بیابند.

## یافته‌های تحقیق

### وظیفه دولت در تامین امنیت انسانی با رویکرد شادکامی مردم

واژه دولت از ریشه لاتینی state به معنی ایستادن و به صورت دقیق‌تر از واژه status به معنی وضع مستقر و پایرجا گرفته شده‌است. امروزه در زبان انگلیسی واژه شناسان یا منزلت به همان معنای اصل لاتینی آن بهکار برده می‌شود. این لفظ، معمولاً به چیزی اطلاق می‌شود که مستقر، پایرجا و در وضع خاص ثابت یا پایدار باشد. این مفهوم، به صورت بسیار ظریفی از سطح کاربرد در مورد نهادها و قدرت سیاسی انتقال یافته است. کاربرد واژه status (مقام و جایگاه) در خصوص وضع کشور یا حاکمی خاص، خواه پاپ یا امپراطور کاملاً موجه بوده‌است. همچنان که میتوان همان واژه را در خصوص جایگاه و مقام هر شخص یا شیئی در جهان بهکار برد، مجموعه معانی مندرج در مفهوم مقام و جایگاه هم، به وضعیت و موقعیت به طور کلی هم به نفس ثبات و تداوم و هم به لوازم استقرار و ثبات وضعیت دلالت دارند. «یکی از مضامین مهم و ظریف اخیر این است که اگر نظم لازمه ثبات، و استمرار لازمه رفاه حال عامه باشند، در آن صورت، رابطهای میان مفهوم status و رفاه عامه پدید می‌آید. این رابطه از اهمیت بسیاری در قرن شانزدهم و پس از آن برخوردار شد (اندرو، ترجمه بشریه، ۱۳۸۷: ۳۶).

دولت برای نیل به هدف تامین امنیت انسانی برای تمامی اتباع خویش، باید کارکردهای خویش را در این راستا تعریف و تبیین نماید و حقوق، امنیت و منافع شهروندان خویش را در درجه اول اهمیت قرار داده و با در نظر گرفتن ارزش غایی و ذاتی افراد انسانی، در پی برآوردن نیازها و تامین امنیت آنان برآید. در این دیدگاه، فرد انسانی محور تعیین و بازتعریف کارکردهای دولت قرار می‌گیرد و تمامی ابعاد کارکردی و ساختاری دولت بر این مبنا سامان دهی می‌گردند. فرد است که باید کرامت انسانی و شخصیتش حفظ گردد و رفاه و امنیتش تامین گردد و دولت صرفاً وسیله‌ای برای تامین این اغراض محسوب می‌گردد و چه بسا بتوان این گونه استدلال نمود که در صورتی که ماهیت دولت و منافع آن حاصل جمع تک تک انسانهای تشکیل‌دهنده آن و حاصل جمع منافع جز این جمعیت انسانی تعریف گردد، دیگر مفهومی مستقل از منافع این اجزا تشکیل‌دهنده قابل تصور نیست که در مقام تراحم منافع نیاز به تعیین تکلیف برای آن وجود داشته‌باشد. عطف به این رهیافت کلی است که می‌توان از «دولت اجتماعی توسعه‌گرا» سخن گفت. وظایف این دولت گرچه از یک سو همانند دولت دیگری عبارتند از حفظ نظم و اجرای قانون، دفاع از امنیت و تمامیت ارضی کشور، لیکن از سوی دیگر این دولت، «برقراری موجبات

رشد و توسعه اقتصادی، سیاسی و فرهنگی و نیز تامین رفاه و بهروزی و آسایش و آرامش برای کلیه مردم جامعه را نیز جزو وظایف خویش تعریف میکند» (فیتز پتریک، منبع پیشین، ص ۱۰).

همینطور این دولت تامین رفاه و افزایش توانمندی اتباع خویش را جزو اهداف اصلی خویش تعریف مینماید. باز تعریف کارکردهای این دولت در پاسخ به تامین دو بعد امنیت انسانی اتباع یعنی «رهای از نیاز و رهایی از ترس» میباشد. تامین بعد رهایی از ترس مستلزم حفظ و حراست از انسانها در برابر تمامی تهدیدهای گوناگون و تامین امنیت شخصی، امنیت سیاسی، امنیت اجتماعی و امنیت غذایی آنها میباشد. برای تامین این جنبه‌های امنیت انسانی افراد، دولت باید با تعریف وظایف خویش در سطح اجتماعی، سعی در حمایت از انسانها در مقابل هرگونه تهدید فیزیکی، سیاسی و یا قرار گرفتن در معرض گرسنگی نماید. از سوی دیگر تامین بعد رهایی از نیاز مستلزم تامین امنیت غذایی، امنیت اقتصادی، امنیت زیست محیطی و امنیت بهداشتی اتباع میباشد. دولت باید برای تامین این جنبه‌های امنیت انسانی، گسترش رفاه عمومی را در دستور کار و جزو کارکردهای اصلی خویش قرار دهد. دولتی که تامین امنیت انسانی را برای اتباع خویش، هدف خود قرار میدهد، برای تحقق «رهای از نیاز» اتباع خویش باید تحقق توسعه را یکی از اهداف اصلی خویش تعریف نماید، از این رو میتوان آن را دولت توسعه‌گرا نام نهاد (رهامی، ۱۳۹۳: ۲۹۴).

### تحول کارکردی اجتماعی - فرهنگی دولت

در پارادایم امنیت انسانی، مهمترین سرمایه دولت سرمایه انسانی آن و مردم آن میباشند و حفظ حراست و توانمندی سازی این سرمایه مهمترین وظیفه دولت محسوب میگردد. دولتی که بر پایه این پارادایم شکل میگیرد و کارکردهای خود را تعریف مینماید نیز این وظیفه را سرلوحه وظایف خویش قرار میدهد. از همین رو است که دولت اجتماعی توسعه‌گرا، کارکرد اصلی خویش را عرصه اجتماع تعریف مینماید. این دولت با حفظ و حراست از انسانها در زمینه بهداشتی، آنان را در مقابل بیماریها حفظ و حراست مینماید. ابزار حمایت از افراد انسانی در خصوص مسائل بهداشتی در دنیای معاصر سیستم تامین اجتماعی میباشد (عبدالله خانی، ۱۳۸۹: ۱۸۵).

### - امنیت بهداشتی

یکی از مهمترین تاثیراتی که دولت از پارادایم امنیت انسانی میپذیرد، توجه به تامین اجتماعی و تامین خدمات بهداشتی برای تمام اقشار جامعه خصوصا قشرهای محروم و آسیبپذیر میباشد. در صورتیکه دولت برای مقوله تامین اجتماعی اهمیت کافی قائل نشود و یا به وظایف خویش در قبال تامین خدمات بهداشتی عمل ننماید، گاه به آثار فاجعه‌بار اجتماعی منتهی میگردد که گسترش فقر، آسیبهای اجتماعی و بیماریهای سراسری از آن جمله است که دولت در این خصوص باید تلاش کند که در دو بعد، دو حق بنیادین افراد انسانی یعنی حق بر تامین اجتماعی

و حق بر سلامت را که ناظر بر رهایی از نیاز افراد انسانی میباشند محقق نماید. یکی از مهمترین وظایفی که دولت بر عهده دارد، مربوط به حق بر بهداشت و یا حق بر سلامتی میباشد. حق بر بهداشت به عنوان یکی از حقوق اولیه بشری شناخته شده است و دولت نیز تکلیف معینی در این خصوص بر عهده دارد. سلامتی یک حق بشر بنیادی است که برای اعمال حقوق دیگر بشری اجتناب ناپذیر است. هر انسانی حق دارد از بالاترین سطح قابل وصول سلامتی منجر به زندگی توأم با کرامت برخوردار باشد. این حق اعم از حق مراقبت بهداشتی و حق بهداشت میباشد و نه تنها حق مراقبتهای بهداشتی را در بر میگیرد، بلکه شامل حق برخورداری از مقدمات مهم آن شامل آب آشامیدنی سالم، بهداشت کافی، بهداشت محیطزیست و بهداشت محیط کار نیز میشود که این حق در ماده ۲۵ اعلامیه جهانی حقوق بشر، بر حق مادران و کودکان از کمک و مراقبتهای بهداشتی تأکید کرده است. از مهمترین اقدامات در این خصوص خدماتی است که به تنظیم خانواده مربوط میشود و همچنین ارائه خدمات مربوط به بارداری، بستری شدن برای زایمان و دوران پس از زایمان، تغذیه کافی در دوران بارداری و دوران شیردهی و در موارد لازم ارائه خدمات رایگان در این موارد را انجام دهند. در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز در اصل بیست و یکم «حمایت از مادران به خصوص در دوران بارداری» از وظایف دولت شمرده شده است و در برخی قوانین عادی نیز نظیر مواد ۷۵ تا ۷۸ قانون کار در خصوص رعایت مسائل مربوط به زنان باردار و ماده ۹۲ همان قانون در خصوص لزوم تشکیل پرونده پزشکی برای کلیه کارگران توسط کارفرمایان و ماده ۱۴۷ همان قانون در وظیفه دولت به فراهم ساختن خدمات بهداشتی و درمانی برای کارگران الزامی در خصوص تکلیف دولت در فراهم آوردن خدمات بهداشتی ذکر گردیده است.

### – سیستم تامین اجتماعی

تامین بودن یکی از جلوههای اصلی رفاه مردم میباشد. شخصی که از امنیت درآمد، اشتغال و مسکن برخوردار است به روشنی در وضعیت رفاهی بهتری از شخصی قرار دارد که فاقد ایمنی و امنیت خاطر است. «تامین به معنای پیشآگاهی از این امر است که اوضاع و احوال فرد در آینده نزدیک دستخوش نابسامانی نخواهد شد. صرف این پیش بینی و امنیت خاطر حتی برای شخصی که اوضاع و احوالش ممکن است از جهات دیگر حسرتانگیز نباشد، بسیار ارزشمند است.» (فیتزپتریک، منبع پیشین، ص ۲۱).

تامین اجتماعی در پاسخ به درک نیاز آدمی به امنیت خاطر و آسایش به صورت فردی و گروهی در قبال حوادث، بحرانها و پیشآمدهای روزمره به وجود آمده است و این امنیت در هر دوره‌های ابعاد و آثار متفاوتی داشته است. در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز در اصل ۲۹ برخورداری از تامین اجتماعی از نظر بازنشستگی، بیکاری، پیری، از کار افتادگی، بیسرپرستی، در

راهماندگی، حوادث و سوانح و نیاز به خدمات بهداشتی و درمانی و مراقبت‌های پزشکی به صورت بیمه و غیره حق همگانی شمرده‌است و دولت مکلف گردیده‌است که این خدمات را برای یک فرد کشور تامین نماید. (تفسیر عمومی شماره ۱۹ کمیته ح.ا.ا.ف، ۲۰۰۷، پاراگراف ۳ و ۴۱) به نظر نگارنده، دولت موظف است با توجه به نقش بازتوزیعی تامین اجتماعی و تاثیر آن در فقرزدایی، پیشگیری از محرومیت‌های اجتماعی، ارتقای همبستگی اجتماعی و با توجه به اهمیت بنیادین تامین اجتماعی در حفظ کرامت ذاتی انسان، با در اولویت قرار دادن تحقق این حق در سیاست‌های سیاستگذاری و مالی خویش، راهبردی ملی برای تحقق کامل حق بر تامین اجتماعی، از طریق ایجاد یک سیستم ملی، تامین اجتماعی را ایجاد و اجرا نماید.

### - امنیت اجتماعی

امنیت اجتماعی، نگرانی در رابطه با تهدیداتی است که هویت جامعه را مورد تعرض قرار میدهد. لذا اگر جامعه‌های هویت خود را از دست بدهد، دیگر دوامی نخواهد داشت، چرا که مقوله کلیدی اجتماع عبارت است از آن دسته از اعمال و عقایدی که افراد آن را به عنوان اعضای آن جامعه خاص معرفی میکنند و باز میشناسانند. «اجتماع، درگیر هویت است و درگیر خودباوری گروهها و افرادی که خود را اعضای اجتماعی میدانند. در حقیقت، قدرتی که جامعه را قادر می سازد تا تحت شرایط متغیر و تهدیدهای احتمالی و یا حتی واقعی، باقی بماند. باتداوم داشتن در الگوهای سنتی زبان، فرهنگ، معاشرت، هویت، آداب دینی و ملی در ارتباط است.» (Weaver, 1993, p 24). بنابراین دولت باید در حوزه فرهنگ که یکی از ابعاد امنیت اجتماعی میباشد کنشگری فعال و پویا باشد. وظایف دولت در این حوزه به دو بخش عمده تقسیم میگردد: حفظ و حراست از فرهنگ ملی و جلوگیری از نابودی فرهنگهای بومی که در دو قسمت بیان میشود.

### الف) حفظ هویت فرهنگی ملی

دولت به دلیل آن که هویت فرهنگی ملی در هر کشور بخش مهمی از بنیادها و ساختارهای حکومت را شکل میدهد، باید سیاستهای فرهنگی متناسبی را راهبری و اجرا نماید. به بیان باری بوزان، «مسائل فرهنگی، همگی در تفکر نسبت به دولت موثرند و ممکن است حمایت از آنها در مقابل واردات فرهنگی سلطه جو و منحرفکننده ضرورت پیدا کند. در صورت ضعیف بودن فرهنگ بومی، حتی اثرات جانبی و ناخواسته تماسهای فرهنگی اتفافی میتوانند پیامدهای مختلکننده و سیاسی را موجب گردند.» (بوزان، ۱۳۸۷: ۱۴۷) علاوه بر این همواره جامعه نیازمند دلائلی قانعکننده برای پذیرش دولت است که یکی از مهمترین این دلائل حفاظت از ارزشهای بنیادین جامعه میباشد. در نتیجه دولت باید برای پاسخگویی به این نیاز پایداری هویت فرهنگی جامعه، که بقای یک ملت را تضمین میکند وارد عمل شود. در پارادایم امنیت انسانی حفظ هویت ملی فرهنگی در کنار حفظ هویت گروههای قومی از اهمیت بالایی برخوردار است، دولت برای پاسخ تدافعی به تهدید هویت ملی فرهنگی، به تقویت امنیت اجتماعی پردازد

و این راه می تواند از ابزارهای فرهنگی برای تقویت انجام و تمایز اجتماعی و برای اطمینان از بازتولید موثر بهره گیرد.

### ب) پذیرش تنوع فرهنگی

بعددوم، کارکرد فرهنگی دولت، پذیرش تنوع فرهنگی در چارچوب مرزهای ملی است. در پارادایم امنیت انسانی، همان گونه که حفظ موجودیت فیزیکی فرد مورد توجه است، حفظ هویت و موجودیت معنوی او نیز مورد توجه است و همان گونه که فرد با هویت ملی خود شناخته میشود، ممکن است به هویت نژادی، زبانی، دینی و یا فرهنگی خاص خود هم شناخته شود. دولت باید سعی در حفظ این تنوع فرهنگی در مرزهای خود بنماید و در کنار حفظ هویت فرهنگی ملی، حفظ هویت اقوام و فرهنگهای مختلف که از اهمیت بالایی برخوردار است را جز رئیس سیاستهای فرهنگی خویش قرار دهد.

به نظر نگارنده دولت باید از حقوق انسانی همه افراد حمایت نماید. همچنین دولت باید سیاستهای لازم برای کثرتگرایی، قانونی را تدوین و تنظیم نماید و به مرحله اجرا گذارد. در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز در اصل دوازدهم، این امر بدین شکل تصریح گردیده است: «مذاهب دیگر اسلامی اعم از حنفی، شافعی، مالکی، حنبلی و زیدی دارای احترام کامل میباشند و پیروان این مذاهب در انجام مراسمات مذهبی، طبق فقه خودشان آزادند و در تعلیم و تربیت دینی و احوال شخصیه (ازدواج، طلاق، ارث و وصیت) و دعاوی مربوط به آن در دادگاهها رسمیت دارند. دولت در خصوص زبان نیز وظایف مهمی بر عهده دارد، چرا که زبان عمدهترین موضوع مورد نزاع در کشورهای چند فرهنگی میباشد. دولت باید در زمینه سیاستهای اقتصادی و اجتماعی که به مناطق و اقوام و گروههای مختلف نقاط مختلف سرزمین کشور مربوط می شود نیز عدالت را رعایت نماید.

### تحول کارکردی سیاسی - حقوقی دولت

دولت اجتماعی توسعه‌گرا یک مدل خاص حکومت نمیباشد که تحقق آن مستلزم پیاده شدن یک رژیم سیاسی خاص باشد. بدین معنا که این دولت یک مدل خاص حکومت یا رژیم سیاسی نیست، بلکه تمرکز این دولت بر محتوا و کارکرد دولت به صورت کلی و وجه تمایز آن با دیگر دولتها، نگرستن به مسائل از منظر فرد انسانی و تعریف کارکردهای خویش برای تحقق حقوق انسانی و تأمین امنیت انسانی اتباع خویش میباشد. با اتخاذ چنین نگرشی، این دولت باید خود را برای تأمین امنیت انسانی افراد تعریف و کارکرد خویش را در این جهت سازماندهی نماید؛ در نتیجه دولت اجتماعی توسعه‌گرا، قابل اجرا و تحقق در بسیاری از مدل های حکومت میباشد، به شرطی که این حکومت ها قواعد ماهوی حاکم بر این دولت را رعایت نمایند.

### - امنیت فردی

در پارادایم امنیت انسانی امنیت فردی در امان بودن جسم و جان افراد از آسیبها و

خسوتهای شخصی اطلاق میگردد. حقوق دانان نیز امنیت فردی را این گونه تعریف نموده‌اند: «مقصود از امنیت شخصی یا مصونیت فردی یا آزادی فردی به معنای اخص کلمه این است که فرد از هر گونه تعرض و تجاوز مانند قتل، جرح، ضرب، توقیف، حبس، تبعید، شکنجه و سایر اعمال غیرقانونی و خودسرانه و یا اعمالی که منافی حیثیت انسانی اوست مانند اسارت، تملک و بهره‌کشی و بردگی، فحشا و غیره مصون و در امان باشد.» (طباطبایی مومنی، ۱۳۸۸: ۵۷).

با توجه به ابعاد دیگر امنیت انسانی، امنیت فردی از جهت ناامنی‌هایی که توسط دولت و یا به دلیل ناکارآمدی دولت برای فرد به وجود می‌آیند، با امنیت سیاسی مرتبط می‌باشد. حق حیات، بنیادی‌ترین حق انسانی است، حقوق دانان، دیگر حقایق پیشینی شده در اسناد بین‌المللی حقوق بشر را متوقف بر حق حیات دانسته‌اند، در نتیجه این حق جزو حقوق ذاتی وی می‌باشد که همواره باید توسط قانونگذار و دولت مورد حمایت قرار گیرد (قاری سید فاطمی، ۱۳۸۸: ۴۹) و به دلیل این آن که در سایه تامین و امنیت روزانه است که شهروندان میتوانند از حقوق و آزادیهای فردی و اجتماعی بهره‌مند شوند، و تضمین آن را از تکالیف بدیهی دولت‌ها قلمداد نموده‌اند (نجفی ابرند آبادی، ۱۳۸۸: ۱۲).

بنابراین مهمترین و اصلیت‌ترین وظیفه دولتها و کارکرد اولیه آنها، حفظ و حراست از حیات آدمی می‌باشد؛ در نتیجه میتوان نخستین مبنای وظیفه دولتها در حفظ امنیت فردی را حق حیات و حفظ حیات انسانها برشمرد؛ چرا که با در خطر قرار گرفتن امنیت شخصی، به صورت مستقیم حیات انسانها در معرض خطر قرار می‌گیرد تا حدی که ممکن است نقض امنیت فردی به سلب حیات فرد منجر گردد. وظیفه دولتها در دو سطح ملی و فراملی قابل بررسی است: دولتها در سطح ملی وظیفه «تامین» امنیت شهروندان خویش را بر عهده دارند و در سطح فراملی متعهد به «منع نقض» امنیت شخصی تمامی افراد جامعه بشری می‌باشند.

### الف) تامین امنیت فردی شهروندان (سطح ملی)

یکی از مهمترین ابعاد ناامنی شخصی برای انسانها در دنیای معاصر، ناامنی است که توسط خود دولت به وجود می‌آید. دولت از سویی ممکن است با به وجود آوردن ناامنی سیاسی، شرایطی را به وجود آورد که این ناامنی منجر به به وجود آمدن عدم امنیت انسانی گردد و یا با نقض حقوق شهروندی اتباع خویش از طریق اعمال شکنجه، بازداشت خودسرانه و یا ناپدیدشدگی اجباری آنان، امنیت شخصی آنان را نقض نماید. به بیان دیگر؛ دولتها که برای حفظ امنیت فردی تک افراد انسانی به وجود آمده‌اند، ممکن است خود با تفسیر توجیه‌های متعدد، به مهمترین ناقضین امنیت فردی بدل شوند. یکی از شایعترین این توجیهات، «برقراری نظم و امنیت» می‌باشد؛ یعنی دولتها به بهانه برقراری نظم و امنیت اقدام به نقض امنیت برخی از اتباع خویش بنمایند و به بهانه تامین حق بر امنیت آنان حق بر تامین را نقض کنند. در این خصوص همواره باید توجه داشت شهروندان که قسمتی از حقوق و آزادیهای خویش را برای حفظ امنیت فردی

خویش به دولت واگذار نمودند، از حق دیگری یعنی حق بر تامین برخوردارند. تضمین این حق که تمرکز اصلی آن بر پیشگیری از مداخله‌های پلیسی-قضایی عوامل دولتی استوار است، همچون حق بر امنیت فردی برعهده دولتها می باشد؛ در نتیجه همواره باید توجه داشت که تضمین حق بر امنیت، نمی تواند و نباید نقض حقوق و آزادیهای مشروع شهروندان را در ابعاد گوناگون زندگی افراد انسانی به طور کلی- و افراد مظنون یا متهم به ارتکاب جرم به صورت خاص- توجیه نماید؛ در نتیجه از آنجا که «عدم رعایت حق شهروندان بر تامین، توسط نهادهای پلیسی و قضایی خود نوعی ناامنی را در بر دارد.» (نجفی ابرنآبادی، همان، ص ۱۹).

امنیت فردی انسانها ممکن است در سطح ملی به دلایل گوناگون به مخاطره افتد که ضمن برشمردن برخی از مهمترین این ابعاد به وظایف دولت در خصوص هر یک میپردازیم.

**(۱) پیشگیری از نقض امنیت فردی به دلیل ناپدیدشدگی اجباری:** در اسناد متعدد حقوق بشر، دولتها از نقض امنیت شخصی اتباع خویش منع شده‌اند. با استناد به ماده پنج کنوانسیون اروپایی حقوق بشر میتوان گفت که دولت فقط متعهد به عدم دخالت در زندگی شهروندان خویش نمیشد، بلکه موظف است اجرای حقوق انسانی آنان را نیز تضمین نموده و به گونه‌های تعهد مثبت برای تحقق حقوق انسانی آنان را دارد.

**(۲) پیشگیری از نقض امنیت فردی به دلیل شکنجه:** شکنجه یکی از سبعانهترین جلوه‌های نقض حریم شخصی و کرامت ذاتی انسانی میباشد و در تعارض مستقیم با آن چه اندیشمندانی همچون کانت در جایگاه انسان معتقدند. (آن چنان رفتار کن که مایلی آن عمل، قاعده‌های فراگیر و جهان شمول باشد.) و قاعده اخلاقی به مثابه ابزار ننگریستن انسان قرار دارد. از وظایف مهم دولت در حفظ امنیت فردی، پیشگیری از اعمال شکنجه توسط عوامل دولتی است. (سید فاطمی، همان منبع، ص ۷۵).

**(۳) پیشگیری از نقض امنیت فردی از طریق پیشگیری از جرم:** یکی از مهمترین وظایف دولت در طول تاریخ، برقراری نظم و عدالت بوده است که یکی از ابزارهای آن مجازات مجرمین بوده است. مجازات نقضکنندگان حقوق و امنیت دیگر انسان ها گرچه در جهت برقراری نظم موثر میباشد، لیکن تعهد دولت به حفظ امنیت فردی انسانها مستلزم تعهدی فراتر از این امر میباشد. به بیان دیگر دولت ملزم است که از پدید آمدن جرم که بسیاری اشکال آن منجر به نقض امنیت فردی انسانها میشود جلوگیری و پیشگیری نماید (ابراهیمی، ۱۳۹۲: ۹۹).

### **(ب) منع نقض امنیت فردی تمامی اعضا جامعه بشری (سطح فراملی)**

در طول تاریخ همواره امنیت شخصی آدمی توسط عوامل خارج از مرزهای سرزمینی خویش به خطر میافتادهاست و مخاصمات مسلحانه مهمترین عامل به خطر افتادن امنیت شخصی وی بوده‌است. علیرغم پیشرفت جامعه بشری در زمینه‌های مختلف علوم انسانی و طبیعی، متأسفانه در دنیای معاصر هنوز جنگها عامل به خطر افتادن حیات و تمامیت جسمی

آدمی و نابودی سرزمینها و نقض امنیت فردی انسانها محسوب میشود.

**(۱) وظایف دولت در مخاصمات مسلحانه بین‌المللی:** یکی از ابعاد انسانی دولت، پیشگیری از وقوع مخاصمات مسلحانه بین‌المللی و رفع اختلافات خویش از طرق صلح‌آمیز و حل و فصل اختلافات بین‌المللی است. بدون تردید اهتمام دولت به پیشگیری از به وجود آمدن مخاصمانه مسلحانه از بروز بسیاری زمین‌های نقض امنیت شخصی انسانها مهم است، قواعدی است که آنچه در خصوص وظیفه دولت در حفظ امنیت شخصی انسانها مهم است، قواعدی است که دولت باید در خلال این مخاصمات مسلحانه در رفتار خویش با انسانها رعایت نماید و از حیث این رفتار انسانی تفاوتی میان شهروندان یک دولت و یا اتباع دیگر دولتها نیست.

**(۲) وظایف دولت در مخاصمات مسلحانه داخلی:** این تعهد دولت در حفظ امنیت فردی انسانها در خلال مخاصمات مسلحانه در دنیای معاصر با توجه به دگرگونی سطح مخاصمات از سطح بین‌المللی به سطح داخلی نیازمند توجه جدی دولت میباشد. دولت علاوه بر رعایت قواعد مربوط به مخاصمات مسلحانه، باید در خصوص افراد آواره، بیخانمان و مهاجرین ناشی از بلای خانمان سوز جنگ نیز اقدامات انسانی را انجام دهد. بنابراین حفظ کرامت ذاتی انسانها در برابر شکنجه، جرایم جنگی و جرایم خشونت بار درون جامعه یکی از جلوه‌های اصلی چهره انسانی دولت میباشد و حفظ امنیت شخصی افراد انسانی در برابر این آسیب‌ها نیازمند نگرستن به این امر از دریچه ای انسانی می باشد. دولتی که در راستای حفظ امنیت انسانی برنامه‌ریزی مینماید، باید همواره به این شرایط که در آن، این بعد مهم از امنیت انسانها در معرض آسیب قرار میگیرد، توجه داشته باشد.

### امنیت سیاسی

در پارادایم امنیت انسانی، امنیت سیاسی به معنای امنیت از سرکوب دولت و آزادی در مشارکت در فعالیت سیاسی است؛ در نتیجه این بعد از امنیت انسانی از سویی با رهایی از ترس و بعد امنیت شخصی مرتبط میباشد و از سوی دیگر با توانایی مشارکت افراد در امور جامعه خویش. در این گفتار به وظیفه دولت در ایجاد زمینه مشارکت در امور سیاسی جامعه خویش تمرکز می‌نماییم.

### الف) مشارکت

یکی از مهمترین تحولاتی که باید برای تحقق پارادایم امنیت انسانی در دولت به وجود آید، تضمین مشارکت افراد در حیات سیاسی و اجتماعی خویش میباشد. سطح مشارکت افراد، ماهیت و حدود قدرت دولت و حقوق و اختیارات فرد و حکومت در برابر یکدیگر را مشخص میکند. دولت باید از طریق تمرکززدایی، امکان مشارکت در تصمیم‌گیریه‌ها را فراهم آورد و به تشکلهای مردمی



فرصت دهد تا در جریانات ملی تاثیرگذار باشند. دولت باید برای دسترسی به درآمدزایی، اشتغال و ... فرصت مساوی برای تمامی افراد جامعه برای دسترسی به امکانات و مشارکت در امور جامعه را فراهم آورد و تمامی موانع موجود اعم از اجتماعی، اقتصادی و سیاسی برای مشارکت را از بین ببرد.

### ب) تمرکز زدایی

یکی از مهمترین مسائلی که در ارتباط با دولت و بررسی آن از اهمیت فراوانی برخوردار است، شکل دولت میباشد. شکل دولت ممکن است از نظر فلسفه سیاسی مورد مطالعه قرار گیرد که در این رابطه انواع لیبرال، سوسیالیستی، فاشیستی و نظامی بررسی خواهد شد. در عین حال ممکن است شکل دولت و ساختار داخلی کشور از نظر نحوه توزیع قدرت در بین سازمانهای اجرایی و اداری مورد بررسی قرار گیرد که تمرکز در این خصوص مطرح میگردد. یکی از تحولات کارکردی و ساختاری که دولت بر اثر پارادایم امنیت انسانی پیدا میکند، تحول در راستای عدم تمرکز میباشد. تمرکز در تصمیمگیریهای اداری و اجرایی و اجرای این تصمیمات موجب میشود که افراد جامعه انگیزه‌های برای مشارکت در عرصه سیاسی، اجتماعی و فرهنگی نداشته باشند و به صورت غیرمستقیم از اعتلای فرهنگ سیاسی و اجتماعی مردم جلوگیری نماید (موسی زاده، ۱۳۸۱: ۹۱).

یکی از وظایف دولت در حوزه وظایف سیاسی خویش، سیاستگذاری صحیح در حوزه تمرکززدایی به نحوی است که تمامی مولفههای مهم در این خصوص رعایت گردد. تمرکززدایی باید به نحوی صورت گیرد که وحدت ملی و تمامیت ارضی کشور به خطر نیفتد و یکنواختی مقررات و تصمیمات بنیادین در تمام کشور رعایت گردد. همچنین دولت باید در خصوص تمرکز زدایی دقت نماید که این امر خود موجب تفرقه و تشتت بین مردم و ساختارهای سیاسی کشور و یا ادعاهای جدایی طلبانه نشود و از نظر اقتصادی موجب به وجود آمدن بی عدالتیهای اقتصادی جدید نگردد. دولتی که اساس پیشرفت خویش را توسعه افراد انسانی قرار می دهد، باید برای رشد و شکوفایی توانمندیهای تمامی افراد جامعه، برنامه‌ریزی و سیاستگذاری نماید و عدم تمرکز یکی از بهترین شیوه‌های استفاده از پتانسیل نیروی انسانی کل کشور میباشد. به صورت کلی دولت باید سعی نماید که مردم را قادر سازد تا مشارکت بیشتری در حکومت داشته باشند و بتوانند نفوذ بیشتری بر تصمیماتی که بر زندگی آن‌ها موثر است اعمال کنند و تا این امر صورت نگیرد و یا به موقع انجام نشود، موج غیر قابل مقاومت آمل فزاینده مردم به صورت ناگزیر با نظامهای غیر منعطف برخورد خواهد نمود و به هرج و مرج و آشفتگی خواهد انجامید.

## نتیجه گیری

امینت به فقدان ناامنی و تهدید شناخته می شود در نتیجه، در امان بودن و امنیت یعنی رهایی و آزادی، هم از ترس از صدمات و سواستفاده های جسمانی یا روانی، خشونت، شکنجه یا مرگ که با ابعاد امنیت فیزیکی و سیاسی مرتبط است و هم رهایی از خواستن و نیاز که با ابعاد اشتغال و تغذیه و سلامتی در ارتباط است. همان طور که بیان شد، پارادایمی نوین و موثر در اتخاذ سیاستهای کلی دولتها و جوامع است و بنا بر نظر نظریه پردازان این حوزه در هفت بعد اقتصادی، غذایی، بهداشتی، زیست محیطی، فردی، اجتماعی و سیاستی قابل شناسایی است. به صورت موازی با آن مفهوم، سرمایه اجتماعی نیز رویکردی به نسبت جدید در مفاهیم جامعه شناختی برای تشخیص و شناسایی رشد جوامع در جهت پایداری و ثبات اجتماعی و بررسی اعتماد، هنجارها و شبکههای اجتماعی در جوامع است. با بررسی و شناخت هر دوی مفاهیم میتوان از نظر مفهومی آن را قیاس کرد. از لحاظ عملی و در عرصه اجتماع، امنیت انسانی و سرمایه اجتماعی در شش حوزه همبستگی و امنیت اجتماعی، سلامت روانی و امنیت فردی، محیطزیست، مشارکت و امنیت سیاسی، جرم و حمایتهای کیفری، اعتماد و حس امنیت بر یکدیگر آثار متقابل دارند. رهایی از وحشت و ترس، عدم محرومیت و نیاز به امنیت، از اصلترین نیازهای آدمی است و روان شناسان پس از نیازهای زیستی اولیه (همچون خوراک، پوشاک و مسکن) نیازهای امنیتی را مهمترین نیازهای آدمی دانستهاند؛ در نتیجه امنیت بخش عمدهای از دغدغه ذهنی هر انسانی را در زندگی وی و ذهن انسانها و اندیشمندان را در حیات بشری به خود اختصاص دادهاست.

امنیت انسانی بخشی از نیازهای امنیتی را که مورد غفلت رویکردهای پیشین قرار گرفته بودند، مورد شناسایی قرار داده و در جهت رفع آنها تلاش می کند. برخی از این نیازهای امنیتی مسبوق به سابقه اند، لکن برخی دیگر ماحصل تحولات جدید جهانی هستند. مقابله با تهدیداتی که مفهوم امنیت انسانی مد نظر دارد، به علت وسعت و پیچیدگی آنها، نیازمند پی ریزی چار چربی مشترک با رشته های مرتبط نظیر حقوق بشر و توسعه انسانی است. علاوه بر این، اگر طرفداران رویکرد امنیت انسانی، صرفاً به دستور کار خویش بسنده کنند، در اجرای آن با مشکلات زیادی مواجه خواهند شد. عدم اجماع نظر میان پژوهشگران مطالعات امنیتی از یکسر و فقدان نهادهای سرمند جهت رفع تهدیدات انسانی از سرت دیگر، مهمترین عواملی هستند که نیاز به هماهنگی و همکاری در حوزه امنیت را میان پژوهشگران و سیاستمداران ضرورت می سازند. از این رو، ایجاد پیوندی منطقی هم میان رویکردهای امنیت ملی و امنیت انسانی و هم میان دولت ها و نهادهای بین المللی، جهت تأمین امنیت بین المللی غیر قابل انکار است. در غیر

این صورت غلبه بر خیل عظیم تهدیدات موجود و حمایت مطلوب از حقوق و آزادی های انسان دور از دسترس به نظر می رسد.

یکی از مهمترین ابزارهایی که آدمی برای تامین امنیت ایجاد نموده دولت میباشد. دولت ها با هدف اولیه حفظ و حراست از انسانها به وجود آمده اند و به عنوان یکی از پیچیدهترین ابعاد حیات اجتماعی، با تکامل جوامع بشری متکامل گشته اند. دولت به عنوان نهادی که به منظور حراست از انسانها پدید آمده بود، به تدریج و با تغییر جهت از کارکرد اولیه خویش تبدیل به اصلی ترین ناقض حقوق و امنیت آنها گردید. برای تبیین فلسفه و کارکرد دولت به عنوان یکی از متکاملترین و پیچیدهترین نهادهای بشری می توان چنین داشت که به صورت خلاصه و در یک بیان کلی، وظیفه دولت تامین خیر عمومی است. شکل عملی و عینی این وظیفه همواره جلوه عینی و نمود فعالیت های دولت بوده است. از دیرباز دولتها وظیفه تامین نظم و امنیت را در بعد داخلی و خارجی بر عهده داشته اند؛ در نتیجه برآوردن نظم عمومی اولین وظیفه دولت محسوب میگردد و نظریه نظم عمومی اولین نظریه های بود که وظایف و کارکردهای دولت با آن تبیین میگردد. دولت برای تامین امنیت بهداشتی اتباع خویش، باید با تعریف سیستم جامع سلامت و همچنین سیستم تامین اجتماعی، امکانات بهداشتی لازم را در دسترس آنان قرار دهد. در این دیدگاه با توجه به این نکته که هویت یکی از مهمترین عناصر تشکیل دهنده انسان مدرن میباشد و دردنیای معاصر از مولفههای متعدد و چند لایه تشکیل شده است، از اهمیت ویژه های برخوردار است و دولت برای تامین امنیت اجتماعی افراد باید همراه با حفظ هویت فرهنگی ملی، زمینه پذیرش تنوع فرهنگی را از طریق اتخاذ سیاستهای چند فرهنگی فراهم آورد. برای تامین امنیت انسانی شهروندان خویش، دولت باید مشارکت آنان را از طریق نهادهای مردم نهاد و تمرکززدایی از ساختار دولت جلب نماید. دولت تحت تاثیر پارادایم امنیت انسانی و برای تامین امنیت انسانی شهروندان خویش، باید از نقض امنیت فردی آنان در مقابل مخاطرات، مخاصمات مسلحانه و جرایم پیشگیری نماید. همچنین دولت باید برای تامین امنیت غذایی و اقتصادی انسانها و رهایی آنان از نیاز، توسعه توانمندساز را از اصلیتترین کارکردهای خویش قرار دهد و تامین حداقل مایحتاج زندگی آنان را مدنظر قرار دهد. بنابراین کارکردهای دولت در امنیت انسانی موجب شادکامی (بهروری ذهنی و عینی) میشود که همان سرمایه اجتماعی میباشد.

امنیت مبنای دیگر حقوق و آزادی های بنیادین به شمار می رود. در مفهوم «امنیت انسانی» با مفهومی مواجه شویم که در بیشتر قوانین اساسی بدان اشاره نشده است. از این روی، باید تفاوت آن را با مفاهیم مشابه مانند آزادی فردی، امنیت حقوقی، امنیت قضایی و تضمین حریم خصوصی دانست. امروزه بیشتر قوانین اساسی مدرن بر مفهوم امنیت شخصی و آن هم در جنبه ی جسمانی آن در مقابل بازداشت خودسرانه تأکید دارند؛ در حالی که به نظر می رسد اصل

۲۲ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مبنای نظری لازم را برای امنیت انسانی ارائه داده است؛ مفهومی که شاخص‌های گوناگونی از قبیل تضمین امنیت شخصی، حریم خصوصی، امنیت حقوقی و امنیت قضایی را در بر می‌گیرد. به مدد این اصل عام و تفسیر موسّع آن، می‌توان منطق حاکم بر اصول بعدی و ارتباط آنها با اصل ۲۲ را دریافت. بدین سان، ادبیات حقوقی کشورمان در حوزه‌ی حقوق اساسی شاهد مفهوم نوینی خواهد بود که بر خلاف قوانین اساسی کشورهای دیگر و اجداد آثار مفیدی است. در این راستا، استفاده از تجربه‌ی کشورهای دیگر خالی از فایده نیست و مطالعه‌ی تطبیقی بر غنای تحلیل جایگاه امنیت انسانی در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران می‌افزاید.

### پیشنهادها

سازماندهی اجرایی در سیاست‌های اجتماعی مستلزم توجه به ارزیابی شیوه‌های متمرکز و غیر متمرکز اجرایی در ارائه انواع خدمات تعیین حدود سرپرستی دولت در ارائه سطوح متفاوت خدمات رفاهی و حمایتی و تامین اجتماعی و تعیین حدود مشارکت گروه‌های غیر دولتی از جمله بیمه شدگان و کارفرمایان در ارائه خدمات است.

رفع آثار نامطلوب ناشی از مهاجرت‌های بی‌رویه به شهرها که به صورت محله‌های فقیر و پر جمعیت شهرها مشاهده می‌شود و افزایش سطح بهره‌مندی مردم در این محله‌ها و همچنین روستاهای کشور از خدمات بهداشتی و درمانی، آموزش عمومی برنامه‌های تنظیم خانواده و افزایش درآمد ناشی از اشتغال برای این گروه، از اهداف اساسی برای تدوین سیاست‌های اجتماعی محسوب می‌شوند.

از جمله عوامل حائز اهمیت در تدوین سیاست‌های رفاه اجتماعی، تعیین ابعاد کمی و کیفی خدمات اجتماعی برای گروه‌های آسیب‌پذیر شامل کودکان و نوجوانان بیماران و معلولان سالمندان و خانواده‌های بی‌سرپرست است همچنین در برنامه‌های تامین اجتماعی ضروری است گروه‌ها و تعداد کسانی که خارج از پوشش قوانین بیمه‌های اجتماعی قرار می‌گیرند برای تعیین حدود تعهدات دولت شناسایی شوند.

## فهرست منابع

۱. ابراهیمی، شهرام، جرم‌شناسی پیشگیری، (تهران، انتشارات میزان، چاپ دوم، نشر خرسندی، ۱۳۹۲)
۲. باری، نورمن. رفاه اجتماعی، ترجمه سیداکبر میرحسینی - سیدمرتضی نوربخش، (تهران: سمت، ۱۳۸۹)
۳. بوزان، باری، مردم دولت‌ها و هراس، مترجم پژوهشکده مطالعات راهبردی، (تهران: انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی، چاپ دوم، ۱۳۸)
۴. دانلی، جک، اخلاق و حقوق بشر، در حقوق بشر ارزش‌ها و واقعیت‌ها، مترجم شریفی طراز کوهی، حسین، \_تهران، انتشارات میزان، ۱۳۹۰)
۵. رحمت الهی، حسین، نگاهی نو به مبانی حقوق عمومی (مفاهیم و ارزش‌ها) (تهران، نشر میزان، ۱۳۹۰)
۶. رهامی، روح‌الله امنیت انسانی و دولت، رهایی از ترس، رهایی از نیاز در دولت اجتماعی توسعه‌گرا، (تهران، نشر میزان، ۱۳۹۳)
۷. صناعی، صدیقه. بررسی میزان سطح کیفیت زندگی مردم شهر اهواز و عوامل مؤثر آن. پایه نامه کارشناسی ارشد، (تهران: دانشگاه علامه طباطبایی، ۱۳۹۱)
۸. طباطبایی موتمنی، منوچهر، آزادیهای عمومی و حقوق بشر، (تهران، چاپ چهارم، انتشارات دانشگاه، ۱۳۸۸)
۹. عبدالله خانی، علی، نظریه‌های امنیت، (تهران، انتشارات موسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر، ۱۳۸۹)
۱۰. غفاری، غلامرضا. امید، رضا. کیفیت زندگی، شاخص توسعه اجتماعی، (تهران: شیرازه، ۱۳۸۷)
۱۱. فن تیگروم، باربارا، امنیت انسانی و حقوق بین‌الملل، مترجم اردشیر ارجمند و حمید قنبری، (تهران انتشارات مجد، تهران، ۱۳۸۹)
۱۲. فیتزپتریک، تونی، نظریه رفاه سیاست اجتماعی چیست؟، مترجم هرمز همایون پور، مؤسسه عالی پژوهش تأمین اجتماعی، انتشارات گام نو، (تهران: انتشارات گام نو، ۱۳۸۱)
۱۳. قاری سید فاطمی، سید محمد، حقوق بشر در جهان معاصر (دفتر یکم) (تهران، انتشارات شهر دانش، چاپ دوم، ۱۳۸۸)
۱۴. مسعود اصل، ایروان؛ نظام رفاه اجتماعی در جهان، (تهران، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۸)

۱۵. موسوی، میرطاهر-محمدی، محمدعلی، مفاهیم و نظریه های اجتماعی، (تهران: نشر دانژه، ۱۳۸۸)
۱۶. موسی زاده، رضا، حقوق اداری (۱-۲) (تهران، انتشارات میزان، چاپ سوم، ۱۳۸۱)
۱۷. میجلی، جیمز، رفاه اجتماعی در جهان، مترجم، محمدتقی جغتایی، (تهران، انتشارات دانشگاه علوم بهزیستی و توان بخشی، ۱۳۷۸)
۱۸. نجفی ابرند آبادی، علی حسین، رویکرد جرم شناختی قانون (حقوق شهروندی) منتشره در مجموعه مقالات همایش حقوق شهروندی، (تهران، انتشارات دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، ۱۳۸۸)
۱۹. نوغانی، محسن. کیفیت زندگی شهروندان و رابطه آن با سرمایه اجتماعی در شهر مشهد، (مجله علوم اجتماعی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد، ۱۳۸۷)
۲۰. وینسنت، اندرو، نظریه دولت، مترجم حسین بشریه، (تهران: انتشارات نی، چاپ ششم، ۱۳۸۷)
۲۱. هزارجریبی، جعفر-صفری شالی، رضا، آئاتومی رفاه اجتماعی، (تهران: انتشارات جامعه و فرهنگ، ۱۳۹۱)
22. Tadjbakhsh, shahrbanou, mahbub Ul haq, s human security vision: An unfettered dream? Tehran, strategic studies quarterly, 2008, p 5
23. Axbworthy, Lloyd, introduction, human security: safety for people in a changing world concept paper of the department of foreign affairs and international trade, April, 1999, p 183
24. Weaver, alive, societal security and European security, in: weaver, ctal, identity, migration and the new security agenda in Europe, Lndon, printer, 1993, p 24.

نوع مقاله: پژوهشی

صفحات ۲۵۷ - ۲۴۷

## تعهد اجتماعی در مسئولیت پذیری مدنی با وجود اسباب مجمل

سیف الله گلیجانی مقدم<sup>۱</sup>

اسدالله لطفی<sup>۲</sup>

محمود قیوم زاده<sup>۳</sup>

### چکیده

برای صدور حکم به جبران خسارت، احراز رابطه سببیت الزامی است و اگر این رابطه احراز نگردد، صدور حکم به جبران خسارت و مسئول دانستن یک یا چند شخص ممکن نمی باشد. مقتضیات ناشی از این قاعده اثباتی، مانع درون حقوقی بر سر راه جبران خسارت شناخته می شود. رابطه سببیت، به صورتهای گوناگون قابل فرض است؛ به این معنی که در زیان حاصله، یا عامل واحد دخالت داشته و یا عوامل متعدد و در صورت تعدد عوامل، یا همه به صورت مباشر در ایجاد ضرر مشارکت داشته اند، یا همه به صورت سبب دخیل بوده اند و یا بعضی به صورت سبب و بعضی، به صورت مباشر در ایجاد ضرر نقش داشته اند.

نظامهای حقوقی برای حل مسئله مورد نظر، روشها و راه حل های گوناگونی را برای صدور حکم و نحوه جبران خسارت به زیان دیده، ارائه نموده اند و فقه اسلامی، هم در زمینه دیدگاه های قابل توجهی دارد که در نوشته پیش رو به بررسی این دیدگاهها پرداخته می شود.

### واژگان کلیدی

فقه، مسئولیت مدنی، سبب مجمل، رابطه سببیت.

۱. دانشجوی دکتری فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد خمین، دانشگاه آزاد اسلامی، خمین، ایران.

۲. دانشیار دانشگاه بیرجند، الملل، امام خمین (ره)، قزوین، ایران. (نویسنده مسئول)

Email: i.lotfi@yahoo.com

۳. استاد گروه معارف اسلامی و حقوق، واحد ساوه، دانشگاه آزاد اسلامی، ساوه، ایران.

Email: maarefteacher@yahoo.com

پذیرش نهایی: ۱۴۰۰/۹/۹

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۶/۵

## طرح مسأله

یکی از معیارهای تقسیم مسئولیت، تقسیم به اندازه‌ی درجه‌ی تقصیر هریک از مسئولان است. تقصیر ممکن است سنگین یا سبک و یا بسیار سبک باشد. تقصیر سنگین مفهومی میانه‌ی تقصیر عمدی و خطاست؛ زیرا مرتکب نسبت به نتیجه یقین ندارد و آن را نمی‌خواهد؛ ولی درجه‌ی احتمال افراد به مرحله‌ی ظن می‌رسد. گاه نیز تقصیر به دلیل بی‌اعتنایی به ارزشی مهم (مانند جان و شرافت انسان) سنگین محسوب می‌شود. این تقسیم در حقوق ما مبنایی ندارد؛ زیرا تقصیر به هر درجه‌ی ای که باشد، ایجاد مسئولیت می‌کند. شدت و ضعف مسئولیت وابسته به میزان خسارت است، نه درجه‌ی تقصیر. به همین دلیل چه بسا از لغزش و اشتباهی کوچک، مسئولیتی بزرگ به بار آید یا از بی‌مبالائی و تقصیری سنگین ضرری به بار نیاید و یا آنچه ایجاد می‌شود، ناچیز و اندک باشد.<sup>۱</sup>

در مسئولیت مدنی مبتنی بر تقصیر، هرگاه برخی از اسباب حادثه زیانبار مقصر و برخی فاقد تقصیر باشند، فقط آن اسبابی مسئول جبران خسارت زیان دیده شناخته می‌شوند که مرتکب تقصیر شده باشند، وگرنه اسباب بدون تقصیر از مسئولیت و جبران خسارت زیان دیده معاف هستند. همچنان که قسم اخیر ماده ۳۳۶ قانون مجازات اسلامی در فرض «تصادف بینت دو سوار و... اگر یکی از آنها مقصر باشد، فقط مقصر ضمان است»، یا اینکه تقصیر و درجه آن را در تحقق مسئولیت سوارانی که با هم برخورد کرده‌اند و وسیله نقلیه آنها خسارت دیده است موثر نمی‌داند و معیار دیگری که همان انتساب عمل به سوار است، برگزیده است. با وجود این تقصیر، یک طرف را شرط انتساب برخورد و تصادم و در نتیجه شرط تحقق مسئولیت یک طرف در صورتی که طرف دیگر بی‌تقصیر باشد قرار داده است و جبران خسارت فقط بر عهده سببی گذاشته شده است که مرتکب تقصیر یا تعدی عرفی شده است.<sup>۲</sup>

## نظریه سبب متعارف و اصلی در فقه اسلامی

به موجب این نظریه که بر مبنای تمییز علمی درجه احتمالها استوار شده است، باید بین سبب ورود ضرر و شرایطی که زمینه را برای تاثیر سبب فراهم آورده است تفاوت گذارد. تمام حوادث و شرایطی را که در وقوع ضرر دخالت داشته است نباید در زمره اسباب آن آورد حادثه‌ای سبب است که بر مبنای متعارف و سیر عادی امور، منجر به ورود ضرر شود. ولی شرایطی که گاه بر حسب اتفاق و در نتیجه اوضاع و احوال استثنایی باعث ایجاد ضرر می‌شود را

۱. کاتوزیان، ۱۳۷۷، ص ۱۵۶

۲. قاسم زاده، مرتضی، الزامات و مسولیت مدنی بدون قرارداد، جلد دوم، انتشارات میزان، ۱۳۷۷، ص ۳۹۹



نیاید سبب شمرد.<sup>۱</sup>

بدین ترتیب هر کس مسئول جبران زیان‌هایی است که به حکم عادت و معمول از تقصیر او ناشی می‌شود لیکن درباره نتایجی که در اثر پیش آمده‌های غیر عادی ایجاد شده است مسئولیتی ندارد.<sup>۲</sup>

از این نظریه در حقوق کشورهای غربی با عنوان علت کامل یا علت مناسب نام برده شده است در حقوق کشورهای غربی و بین حقوقدانان غرب تعابیری چون سبب منتج، سبب فعال و سبب اقوی از مباشر به کار رفته است. در حقوق ایران نیز اصطلاحاتی چون سبب متعارف، سبب اصلی و سبب مناسب و بالاخره سبب متعارف یاد شده است.

در فقه امامیه نیز پاره‌ای از فقیهان، سبب را منحصر به موردی می‌دانند که شخص به کاری دست زند که انتظار ایجاد تلف به حکم عادت برود بر مبنای همین نظر در موردی که شخص گوسفندی غضب کند و بچه آن بمیرد یا مالک گله‌ای را حبس می‌کند و گله تلف بشود، غاصب و حابس را مسئول می‌دانند. محقق ثانی صاحب جامع المقاصد آن را تابع اوضاع و احوال می‌دانند به گونه‌ای که بر حسب عادت انتظار تلف گوسفند یا گله برود.<sup>۳</sup>

چنانکه گفته شد مبنای نظریه مذکور تحمیل ضمان بر سببی است که به طور متعارف منجر به نتیجه زیان بار شده و وضع مسئولیت از سببی که از روی اتفاق چنین نتیجه‌ای را در پی دانسته است این مبنا را به وضوح می‌توان در آثار فقهای امامیه یافت. گروهی این بحث را ذیل موجبات ضمان آورده‌اند و گفته‌اند: هر گاه کسی در ملک خود آتش به مقدار نیازش روشن کرده باشد که احتمال سرایت آن به جاهای دیگر نمی‌رفته لکن اتفاقاً سرایت نموده و منجر به تلف مال دیگری شود ضامن نمی‌باشد.<sup>۴</sup>

برخی دیگر از این حکم قاعده‌ای کلی ساخته و گفته‌اند ((لا ضمان فیما لا یعد اضرارا عرفا و ان ترتب علیه الضرر اتفاقاً)).<sup>۵</sup>

یعنی ضمان در جایی که عرفاً اضرار شمرده نمی‌شود وجود ندارد هر چند که اتفاقاً منجر به ضرر بشود. همین قاعده را گروهی از فقهای امامیه در تعریف سبب آورده‌اند و متذکر شده‌اند که باید عرفاً از سبب انتظار تلف رود یعنی غالباً وجود آن منجر به تلف شود تا بتوان آن را

۱. صفایی، سیدحسین، ۱۳۷۱، تعهدات و قراردادهای، جلد ۲، تهران، انتشارات موسسه حسابداری، ص ۵۶۳.

۲. کاتوزیان، ناصر، الزام‌های خارج از قرارداد، ص ۲۱۶، شرح ۲۳۴.

۳. نجفی، شیخ محمد حسن، ۱۴۱۲ق، جواهرالکلام فی شرایع الاسلام، جلد ۳۷، انتشارات بیروت، ص ۶۴.

۴. آل کاشف العطاء، تحریرالمجله، ج ۳، ص ۱۴۶ و مرحوم امام خمینی، تحریرالوسیله، جلد ۲، ص ۵۲۰.

۵. خوبی، سیدابوالقاسم، ۱۳۸۶، مبانی تکلمه المنهاج، جلد دوم، موسسه احیاء آثار الامام الخوئی، چاپ

ضامن دانست.<sup>۱</sup>

بنابراین از دید این دسته از فقهای شیعه، سببی را می‌توان مسئول جبران خسارت زیان دیده شناخت که متعارفاً و بر حسب سیر طبیعی امور منجر به زیان شده است نه سببی که استثناً و به طور اتفاقی زیان را بوجود آورده است با این وجود هیچ کدام از اینان در فرض اجتماع اسباب به طور صریح نظریه متعارف را اتخاذ نکرده بلکه غالباً به طرف نظریه سبب مقدم در تاثیر یا نظریات دیگر گرایش پیدا کرده‌اند.

صاحب جواهر که علی‌رغم انتقاد نسبت به نظریه مقدم در تاثیر آن را می‌پذیرد ولی پس از آن احتمال ضمان سبب اقوی را نیز می‌دهد.<sup>۲</sup>

### رابطه سببیت و فعل شخص

با وجود این، چنانکه بسیاری از فقها و حقوقدانان گفته‌اند، در سبب معنای فلسفی و عقلی آن مراد نیست،<sup>۳</sup> اما در اینکه مفهوم سببیت چیست، دیدگاهها متفاوت است. در نظر بسیاری از فقهای امامیه، سبب به معنای شرط است، به این معنا که اگر نبود، خساراتی به بار نمی‌آمد. صاحب جواهر نیز در کتاب غصب پس از نقل تعریف‌های فقها از تسبیب بیان می‌دارد: سبب به معنای علت تامه و به معنای اصطلاحی یعنی چیزی که از وجودش وجود حاصل شود و از عدمش عدم پدید آید بر حسب ذاتش نیست، بلکه مراد از آن شرط است.<sup>۴</sup> نیز این ضابطه را در تعریف تسبیب پذیرفته است. در حقیقت، شرط در معنای دقیق، امری است که از عدمش عدم لازم می‌آید، ولی از وجودش وجود لازم نمی‌آید. به عبارت دیگر، بین شرط و مشروط تنها ملازمه عدمی برقرار است، بدون اینکه وجود شرط برای تحقق مشروط به تنهایی کافی باشد. از نظر این دسته از فقها، سبب امری است که اگر نبود، خسارت یا جنایت واقع نمیشد، بدون اینکه وجود آن برای تحقق خسارت کافی باشد.

به عنوان مثال، چنانچه راننده‌ای با انحراف به چپ، به راننده دیگری که با سرعت غیرمجاز در حرکت است، برخورد کند، سبب ورود خسارت است، چراکه اگر انحراف او به چپ نبود، خسارت مذکور واقع نمی‌شد. این معیار در کاملاً نیز برای احراز رابطه سببیت مورد توجه

۱. محقق ثانی، علی بن حسین الکرکی، ۱۹۹۱م، جامع المقاصد فی الشرح القواعد، جلد ۶، چاپ اول، مدرسه اهل بیت لاجیا التراث، بیروت ص ۲۰۶

۲. نجفی، شیخ محمدحسن، ۱۴۰۴، جواهر الکلام فی الشرایع الاسلام، ج ۴۳، ص ۱۴۷

۳. هاشمی‌شاهرودی، سید محمود؛ و جمعی از پژوهشگران، ۱۴۱۷، معجم فقه‌الجواهر، بیروت: الغدیر، چاپ اول.

۴. نجفی، شیخ محمدحسن، ۱۴۰۴، جواهر الکلام، جلد ۲۷، بیروت: دار إحياء التراث العربی، چاپ هفتم، جلد ۳۷: ۵۱ (ماده ۵۰۶ق.م.ا).

قرار گرفته است. در این سیستم حقوقی معمولاً سبب واقعی<sup>۱</sup> ورود خسارت را شرط لازم<sup>۲</sup> می دانند و برای احراز اینکه چه شرطی، شرط لازم و سبب واقعی ورود خسارت است، به معیار "اگر... نبود" روی می‌آورند و این پرسش را مطرح میکنند که اگر فعل خواننده نبود، باز هم خسارت واقع میشد؟ در صورت منفی بودن پاسخ، خواننده مسبب است و چنانچه پاسخ مثبت باشد، وی سبب واقعی محسوب نمی شود.<sup>۳</sup>

تلقی شرط به عنوان سبب ورود صدمه یا خسارت و معیار "اگر... نبود" برای احراز رابطه سببیت در برخی موارد راه گشاست، ولی همواره به کار نمی‌آید. برای نمونه، چنانچه دو نفر با کمک هم ماشینی را به پرتگاهی بیندازند و معلوم شود نیروی یک تن هم برای سقوط ماشین کافی بوده است<sup>۴</sup> یا شخصی چاقویی به قلب دیگری بزند و دیگری شاه‌رگ او را قطع کند و احراز شود که هر یک از صدمات وارده سبب قتل میشده است؛ در این حالتها، با اینکه فعل هر یک از آنها در صورت نبود دیگری برای ورود خسارت یا قتل کافی بوده است، ولی کسی در سببیت هردوی آنها برای وقوع خسارت و جنایت تردید ندارد. همچنین، در مواردی که وقوع جنایت و خسارت بیش از یک سبب واقعی دارد، گرچه با اعمال ضابطه "اگر... نبود" هر دو عامل، سبب محسوب می شوند، ولی برای تحمیل صدمه و خسارت به کسی که باید مسئول آن قرار گیرد، این ضابطه راهکاری ارائه نمی کند؛<sup>۵</sup>

بنابراین، صرف ضرورت وجود عاملی برای وقوع خسارت بدنی یا مالی جهت احراز رابطه سببیت کفایت نمی‌کند، بلکه لازم است علاوه بر جنبه منفی رابطه، دخالت به صورت مثبت نیز اثبات شود؛ یعنی ثابت شود فعل مرتکب به صورت مثبت نیز در وقوع نتیجه مؤثر بوده و آن را پدید آورده است. در حقیقت، در اثبات رابطه سببیت بیش از آنکه تأکید بر جنبه منفی رابطه بین فعل و نتیجه آن باشد، به جنبه مثبت رابطه میان عمل و صدمه وارد شده تکیه میشود؛ بنابراین، ضابطه "اگر... نبود" و نیز صرف شر بودن امری جهت وقوع نتیجه برای تحقق سبب کفایت نمی کند، بلکه ملازمه وجودی عرفی میان آن دو هم لازم است.<sup>۶</sup> برخی از فقهای معاصر نیز

1 . Cause-in-fact.

2 . Necessary condition

3 . Honoré 1995: 363; Coleman 1992: 270; Gray 1999:95

۴ . کاتوزیان، ناصر، ۱۳۸۷، الزام‌های خارج از قرارداد: مسوولیت مدنی، ج ۱، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، چاپ هشتم، ص ۴۳۷

5 . Coleman 1992: 270

۶ . لازم به ذکر است پاره‌ای از فقها در کنار ایجاد علت تلف و ایجاد سبب برای آن، از ایجاد شرط تلف نیز برای حکم به ضمان نام برده، گفته‌اند: چنانچه فردی فعلی انجام دهد و به دیگری خسارتی وارد کند، بهنجویکه اگر آن فعل نبود خسارت واقع نمیشد، بدون اینکه آن فعل در ایجاد خسارت اثر داشته یا با آن ملازمه داشته

ضمن نقد معیار "اگر نبود، جنایت واقع نمیشد" میگویند، برای تحقق جنایت لازم است فوت مستند به فاعل آن باشد، به طوریکه سبب بر او اطلاق شود. صاحب جواهر هم در کتاب دیات می پذیرد سبب وصف ایجادی و تولیدکنندگی دارد، اما آن را شبیه شرط می بیند که جنایت را ایجاد نمی کند، بلکه مولد آن را هرچند از طریق واسطه می آفریند. برای نمونه، شهادت دروغ که انگیزه قتل را در قاضی ایجاد می کند یا دادن غذای مسموم به مهمان که در تولید و ایجاد قتل به صورت عرفی و نه حسی یا شرعی تأثیر دارد.<sup>۱</sup> شاید توجه به همین ایرادها و تیزبینی‌ها سبب شده برخی فقهای متأخر برای احراز سببیت، ضابطه عرفی معرفی کنند.

به عنوان مثال، برخی گفته اند: "مراد از سبب یا تسبیب، علت یا معنای فلسفی آن نیست. بلکه مقصود از آن فعلی است که موجب خسارت می شود و عرف آن را به مسبب منسوب میسازد و ضابطه آن نیز ارتکاب عقلایی است و از اینرو، از موردی به مورد دیگر تفاوت می کند؛ بنابراین، تسبیب مسئله عقلی نیست و معنای لغوی و فلسفی ندارد، بلکه تنها مسئله عرفی است و مقصود از آن انتساب عقلایی خسارت به مسبب است".<sup>۲</sup> برخی فقها نیز در عبارتی رسا گفته‌اند: در این مقام، ملاک صدق انتساب اتلاف به اوست، گرچه تلف از طریق تسبیب باشد. در کامن لا نیز در آخرین تحلیل‌ها انتساب رابطه سببیت را امری واقعی می دانند نه هنجاری و قضاوت حقوق در خصوص رابطه سببیت را بر برداشت‌هایی متکی می کنند که افراد معمولی از رابطه سببیت دارند، نه تعریفی که فیلسوفان و دانشمندان از آن ارائه می کنند. برداشت عرف عام از رابطه سببیت مبتنی بر هر نوع انحرافی از جریان عادی و طبیعی امور است.<sup>۳</sup>

در نتیجه، علاوه بر اثبات تقصیر یا دخالت غیرمستقیم عامل (به صورت تسبیب) در وقوع خسارت یا جنایت، لازم است میان فعل مرتکب و جنایت یا خسارت وارد شده، رابطه سببیت به صورت وجودی و مثبت نیز وجود داشته باشد. منتها برخلاف مشهور، به صرف اثبات اینکه اگر عامل نمی بود، جنایت واقع نمی شد، رابطه سببیت احراز نمی شود. همچنین، رابطه سببیت در

باشد، مانند اینکه فردی در ملک دیگری چاهی بکند و چاقویی در آن قرار دهد و سبب خسارت مالی یا جنایت بر دیگری شود، اگر عامل متعددی باشد، تنها ضمان مالی اثبات میشود، بدون اینکه قصاص ثابت شود؛ اما اگر متعددی نباشد، بهطور مطلق ضمانی ندارد (نراقی، ۱۴۲۲: ۲۷-۳۴). بر اساس آنچه گفته شد، ایراد این نظریه نیز واضح است، چراکه صرف شرط بودن فعلی برای ورود خسارت یا جنایت، موجب نمیشود که آن را سبب بشماریم؛ بلکه لازم است از جهت وجودی و مثبت نیز در وقوع آن دخالت داشته باشد. افزون بر آن، تفاوت قصاص از یکطرف و دیه و ضمان مالی از سوی دیگر از حیث رابطه سببیت توجیهی ندارد.

۱. نجفی، شیخ محمدحسن، ۱۴۰۴، جواهر الکلام، ج ۲۷، بیروت: دار احیاء التراث العربی، چاپ هفتم، ج ۴۳: ۹۵-۹۶.
۲. هاشمی شاهرودی، ۱۴۲۳، موسوعه الفقه الاسلامی، ج ۹، قم: مؤسسه دائرة المعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل بیت (ع)، چاپ اول. جلد سوم، ص ۲۵۲.

مفهوم گفته شده، به معنای علیت نیست، چرا که ملازمه عقلی بین فعل و نتیجه آن را لازم نمی بیند. همین که در نظر عرف فعل مرتکب خسارت یا جنایتی را پدید آورده باشد، برای احراز رابطه سببیت به معنای پیش گفته کفایت می کند.

### نظریه ولایت قاضی

یکی دیگر از نظریاتی که در رابطه با مسوولیت سبب مجمل در فقه مطرح بوده و هست، تعیین مسوول پرداخت جبران خسارت توسط قاضی می باشد. به طور کلی هرگاه برای تبیین حکم شرعی دسترسی به دلیل اجتهادی ممکن نباشد چاره کار تمسک به اصول عملیه است، یعنی در حالت بلا تکلیفی و نیافتن دلیل در منابع چهارگانه فقه لازم است برای رفع سرگردانی به اصول عملیه استناد کرد از این رو گفته اند « الاصل دلیل حیث لادلیل » به حکم استقراء می توان گفت اصولی که در مجاری مختلف جریان می یابند منحصر در چهار اصل می باشند که عبارتند از استصحاب، براءت، احتیاط و تخییر<sup>۱</sup>

در بحث سبب مجمل علم تفصیلی و قطع به ورود ضرر وجود دارد منتها در خصوص عامل زیان علم اجمالی داریم که یکی از چند سبب معلوم و معین سبب ضرر می باشند. موضوع فاقد سابقه یقینی است، بنابراین جریان استصحاب در آن منتفی است. از طرفی همانطور که سابقاً بیان گردید در اینکه تکلیفی وجود دارد تردیدی نیست، بنابراین موضوع مجرای اصل براءت نیز نیست، معهداً علیرغم وجود تکلیف و علم به جنس آن، نوع آن مشخص و مردد است، زیرا از یک طرف اقتضای قاعده لاضرر آن است که خسارت زیان دیده جبران شود، از طرف دیگر منع اکل مال به باطل مقتضی حرمت اخذ خسارت از همه اسباب مجمل است؛ بنابراین موضوع دایر است بین وجوب و لزوم جبران خسارت زیان دیده به وسیله همه اسبابی که احتمال انتساب ضرر به آنها می رود و حرمت اخذ خسارت از همه اسباب مجمل با علم به اینکه فقط یکی از آنها مسبب واقعی ضرر می باشد.

از طرفی باید این شائبه را از ذهن زدود که چون تردید در تعلق تکلیف و مصادیق آن است موضوع مجرای اصل اشتغال (احتیاط) است، زیرا اولاً در اینجا نوع تکلیف دقیقاً مشخص نیست و امر بین وجوب و حرمت در دوران است. ثانیاً، برفرض که تکلیف وجوب و لزوم اخذ خسارت بوده و رعایت احتیاط مقتضی آن می باشد که از اسباب مجمل خسارت گرفته شود، با علم و قطع وجدانی به اینکه فقط یکی از اسباب عامل واقعی زیان می باشد منافات دارد. ثانیاً، بر فرض که تکلیف حرمت اخذ خسارت باشد و با اعمال اصل اشتغال از هیچیکدام از اطراف علم اجمالی خسارتی گرفته نشود، با قطع وجدانی به اینکه یکی از اسباب مذکور عامل واقعی

زیان می باشد، مخالفت دارد. نتیجه اینکه در ما نحن فیه امر دایر است بین وجوب و حرمت و محل جریان اصل تخییر است.<sup>۱</sup>

عده ای جبران خسارت توسط اسباب مجمل را به مانند دوران امر بین محذورین می دانند و چنین استدلال نموده اند که گاهی مکلف بین دو محذور فعل و ترک فعل یا وجوب و حرمت قرار گرفته و امکان عمل به هر دو تکلیف برایش مقدور نیست، مثلاً در روز سی ام ماه رمضان تردید می کند که آیا روز قبل رمضان پایان یافته و در نتیجه روز جاری عید فطر است و گرفتن روزه حرام یا رمضان کماکان ادامه دارد و گرفتن روزه واجب. از این امر اصولیین تعبیر کرده اند به دوران امر بین محذورین و چون امکان عمل به هر دو تکلیف برای مکلف وجود ندارد وی را در مبادرت به یکی از آن دو مخیر ساخته اند. بنابراین در مسأله تعیین مسؤول در اسباب مجمل قائل به اصل تخییر شده اند.

اعمال تخییر یعنی دادن این اختیار به قاضی که بتواند نسبت به تمام افراد حکم به عدم ضمان داده یا همه، آنها ضامن شناخته و یا برخی را ملزم به جبران خسارت زیان دیده نموده و برخی دیگر را تبرئه نماید. نتیجه ای که عقل سلیم آن را نمی پذیرد. از اینروست که برخی از فقها در تعدیل این نظریه آورده اند در خصوص موضوع دو علم اجمالی وجود دارد: اول: علم اجمالی به لزوم جبران خسارت توسط یکی از اسباب. دوم: علم اجمالی به تبرئه دیگر اسباب از تأدیه خسارت. موافقت قطعی با علم اجمالی اول جز با پرداخت خسارت توسط همه اسباب مذکور و عدم مخالفت قطعی با علم اجمالی دوم جز با براءت همه اسباب از جبران خسارت حاصل نمی شود. بنابراین نتیجه حکم به مسؤولیت تمام اسباب یا براءت همه آنها از تأدیه خسارت زیان دیده مخالف قطعی با مجموع دو علم اجمالی مذکور می باشد، شایسته است که از این مخالفت قطعی پرهیز کرد، بدین ترتیب که با ضامن شناختن یکی از اسباب مذکور و تبرئه سایرین موجبات موافقت احتمالی با علم اجمالی و عدم مخالفت قطعی با آن را فراهم کرد.

ملا احمد نراقی نیز دو وظیفه کلی برای حاکم بر می شمرد:

۱- هر وظیفه ای که پیامبر (ص) یا امام (ع) داشته، حاکم نیز دارد مگر آنچه به دلیل خاص

اسننا شود.

۲- هر کاری که به امور دنیوی یا اخروی مردم مربوط باشد و به ناچار باید انجام شود و عقلاً یا عادتاً نمی توان از انجام آنها گریخت. البته در صورتی که زندگی یا معاد یکی یا گروهی از مردم به آن وابسته باشد و نظم امور دینی یا دنیوی شرعاً بدان جهت منوط باشد که درباره آن

۱. همان، ص ۳۰۹

۲. صفری، ۱۳۷۹، ص ۶۷

اجماع، نفی ضرر، نفی عسر و حرج، نفی ایجاد فساد به ضرر مسلمانان، یا هر دلیل دیگری یا اذن شارع برای ورود در آن رسیده باشد و برای یک شخص یا گروهی معین یا نامعین، تکلیفی قرارداده نشده باشد؛ بلکه تنها لزوم انجام آن و اذن شارع نسبت به آن دانسته شده باشد بی آن که امر مورد تکلیف یا اذن شناخته شده باشد. اینها از وظایف فقیه است. بدین ترتیب می‌توان و بلکه باید تعیین تکلیف نهایی در مسئله ضمان سبب مجمل را نیز به قاضی و حاکم شرع واگذار کرد.<sup>۱</sup>

البته این راه نیز با دشواری‌هایی رو به روست. صرف نظر از اختلافاتی که در مفهوم حاکم شرع وجود دارد، سپردن چنین مسئله‌ای یکسره به دستقاضی آن را از چهارچوب قاعده و قانون خارج می‌سازد. تمام جستجو‌ها و نظریه‌پردازی‌ها نیز در پی آن هستند که ضابطه‌ای فراهم آورند و راه حلی را با مبنای حقوقی مناسب ارائه دهند.<sup>۲</sup>

تردید نیست که تا زمانی که خلا قانونی در این زمینه وجود دارد، قاضی در هر مورد نظر نهایی را اعمال می‌کند، اما این نظر باید مبتنی بر استدلال‌های حقوقی و متناسب با شرایط خاص هر پرونده باشد.

اگر منظور از اعمال ولایت حاکم شرع، قضاوت بدنی معنا باشد، قابل پذیرش است. چنین تصمیمی که با استدلال همراه شود و شرایط را در نظر بگیرد، قابل نقد و بررسی نیز خواهد بود. امام نمی‌تواند با توسل به مفهوم حاکم شرع باب نظریات حقوقی را مسدود کرد و نظر قاضی را به منزله حکم نهایی فارغ از هرگونه بررسی حقوقی و منطقی پذیرفت.

۱. صفری، محسن، مسؤلیت مدنی سبب مجمل، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، شماره ۴۹، ۱۳۷۹، ص ۲۷۲  
 ۲. مظفری سبینی، خدیجه، مسؤلیت مدنی سبب مجمل، پایان نامه مقطع ارشد - گروه حقوق خصوصی، دانشگاه تهران، ۱۳۸۸، ص ۱۰۳

## فهرست منابع

### قرآن کریم

۱. امیری قائم مقامی، عبدالمجید، ۱۳۷۸، حقوق تعهدات، چاپ اول، تهران: نشر میزان، جلد ۱، ص ۳۰۶.
۲. حلی، جعفر بن حسن، ۱۴۰۸ق، شرایع الاسلام، جلد ۳، قم، انتشارات اسماعیلیان، ص. ۱۸۶
۳. خمینی، امام روح الله، تحریر الوسیله، قم، دفتر انتشارات اسلامی، بی تا، ص. ۵۶۳
۴. خویی، سید ابوالقاسم، ۱۳۸۶، مبانی تکلمه المنهاج، جلد دوم، موسسه احیا آثار الامام الخویی، چاپ سوم، ص ۲۶۱، مساله ۲۶۱
۵. صفایی، سید حسین، ۱۳۷۹، دوره مقدماتی حقوق مدنی، قواعد عمومی قراردادها، چاپ اول، تهران: نشریه موسسه عالی حسابداری، ص ۵۶۸
۶. صفایی، سید حسین؛ حبیب الله رحیمی، ۱۳۹۰، مسئولیت مدنی. چاپ چهارم، انتشارات سمت، ص ۲۷
۷. صفایی، سید حسین، ۱۳۷۱، تعهدات و قراردادها، جلد ۲، تهران، انتشارات موسسه حسابداری، ص ۵۶۳.
۸. صفایی، سید حسن، ۱۳۹۲، «ضابطه تقسیم مسئولیت مدنی در فرض تصادم دو وسیله نقلیه»، فصلنامه مطالعات آرای قضایی رأی، سال دوم، شماره ۲، ص ۳۴
۹. صفری، محسن، پاک طینت، حسن، ۱۳۸۹، مسئولیت قهری و قراردادی: تفاوت ها و کارکردها، فصل نامه حقوق، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دوره ۴۰، شماره ۴
۱۰. عاملی، زین الدین (شهید ثانی)، (۱۴۱۳ق، مسالک الافهام، جلد ۱۲، قم، موسسه المعارف الاسلامیه، ص. ۱۶۳
۱۱. قاسم زاده، مرتضی، الزامات و مسئولیت مدنی بدون قرارداد، جلد دوم، انتشارات میزان، ۱۳۷۷، ص ۳۹۹
۱۲. کریمی، عباس، ادله اثبات دعوا، نشر میزان، چاپ اول، ۱۳۶۵، ص ۱۶۳
۱۳. گنجی، مریم، معیارهای تشخیص و مصادیق سبب اقوی از مباشر در قوانین جزایی و فقه، فصلنامه بین المللی قانون یار، دوره سوم، شماره دوازدهم، ۱۳۹۸، ص ۳۵۵
۱۴. لطفی، اسدالله، قواعد فقه حقوقی، انتشارات جاودانه، ۱۳۹۳، ص ۱۲۴
۱۵. لطفی، اسدالله، سلسله مباحث فقهی، حقوقی مسئولیت مدنی، ۱۳۹۳، نشر جنگل،



جاودانه، ص ۳۱۶

۱۶. محسنی، فرید، ملکوتی، نصیر، ۱۳۹۴، رابطه سببیت در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲، مجله حقوقی دادگستری، سال هفتاد و نهم، شماره نود و یکم، صص ۱۴۳-۱۴۵
۱۷. محقق ثانی، علی بن حسین الکرکی، ۱۹۹۱م، جامع المقاصد فی الشرح القواعد، جلد ۶، چاپ اول، مدرسه اهل بیت لاحیا التراث، بیروت ص ۲۰۶
۱۸. محمدی، علی، شرح رسائل، انتشارات دارالکفر، چاپ پنجم، ۱۳۸۴، ص ۲۹۱
۱۹. مراغه ای، میر عبدالفتاح، العناوین، جلد اول، انتشارت جنگل، ۱۳۸۸، ص ۲۵۱
۲۰. میر عبدالفتاح حسین مراغی، العناوین، موسسه النشر الاسلامی، ۱۴۱۸ ه.ق. ج ۲، عنوان ۷۴، ص ۵۶۲ به بعد.
۲۱. ناصر کاتوزیان، حقوق مدنی، الزام های خارج از قرارداد، ضمان قهری، ص ۵۴۷
۲۲. نجفی، شیخ محمد حسن، ۱۴۱۲ق، جواهر الکلام فی شرایع الاسلام، جلد ۳۷، انتشارات بیروت، ص ۶۴
۲۳. هاشمی شاهرودی، ۱۴۲۳، موسوعه الفقه الإسلامی، ج ۹، قم: مؤسسه دائره المعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل بیت (ع)، چاپ اول. جلد سوم، ص ۲۵۲
۲۴. یزدانیان، علیرضا، حقوق مدنی، قواعد عنومی مسوولیت مدنی، نشر میزان، جلد ۱، ص ۱۵۹.



# Abstracts

## **Social commitment in civic responsibility despite luxury goods**

*Seifollah Golijani Moghaddaam  
Asadollah Lotfi  
Mahmoud Qayumzadeh*

### **Abstract**

In order to issue a sentence for compensation, it is necessary to establish the relationship of causation, and if this relationship is not established, it is not possible to issue a sentence for compensation and hold one or more persons responsible. The requirements arising from this evidentiary rule are recognized as a legal obstacle to compensation. The relationship of causality can be assumed in various ways; This means that either a single agent was involved in the damage, or multiple factors, and in the case of multiple factors, or all of them participated in causing the damage, or all of them were involved as a cause, or some as a cause and Some of them have played a role in causing damage.

In order to solve the problem in question, legal systems have presented various methods and solutions for the issuing of judgments and how to compensate the injured party, and Islamic jurisprudence has significant views in this field, which will be examined in the upcoming article. Opinions are paid.

### **Keywords**

jurisprudence, civil responsibility, general cause, causal relationship.

## **Government's role in human's security and its impact on people's happiness**

*Behnaz Yousefi*

*Hossein Rahmatollahi*

### **Abstract**

Human's security means to be free from fear and need. It's impact on all branches of human's life and development has given it a fundamental role in a way which it's guarantee and provision by government will result in people's happiness and their satisfaction leads to increase of public trust and social wealth

**Purpose:** The purpose of this paper is the government's role in human's security and its effect on people's happiness

**Method:** The research method for this paper is descriptive and analytical

**Findings:** In recent decade's discussions has been considered about the importance of happiness due to its abundance effects in quality and satisfactions in individual's life and government role. Happiness has been used in concepts like wellbeing, enjoyment, prosperity, fortunate in which by definition differ but in conversations they are used as synonyms.

**Results:** With an advancement of science and technology, development of human civilization and emerge of globalization phenomena, a great transition has been done in government and its duties definition. Human's needs levelled up and government's duties did not summarized in securing public interest and providing public services any more since provision of social welfare was also added to government tasks.

### **Keywords**

Human's security, Happiness, Government, Social, Security, Social Welfare.

## **Investigating the impact of internet and satellite on the cultural and moral identity of students** (case study: Islamic Azad University, Saveh Branch, Noor Alibek Village)

*Azam Nikokar*  
*Mozhgan Farzami Sepehr*

### **Abstract**

This research was conducted with the aim of investigating the effect of internet and satellite on the cultural and moral identity of students living in Nur Ali Bey village, Saveh city, Central province. The research method was applied in terms of the goal and causal-comparative in terms of the data collection method. The statistical population of the research consists of all the students of the Islamic Azad University of Saveh branch (N = 4000). This selection is for two reasons, firstly, the proximity of the Azad University of Saveh branch with Noor Ali Bey village, and on the other hand, a large number of students living in this village and There are neighboring villages. The sample size was estimated to be 380 people according to Cochran's formula, and stratified random sampling was used to select the sample. The data collection tool was Taheri's cultural identity questionnaire (2012) in the form of 30 items and alpha coefficient of 0.91 and Aquino and Reed's moral identity questionnaire (2002) in the form of 10 items and alpha coefficient of 0.75. K-S test and analysis of variance were used to analyze the data. The results showed that there is a significant difference between the cultural and moral identity of students based on their use of internet and satellite.

### **Keywords**

Internet, satellite, cultural identity, moral identity.

## **The origin of hope and its role in the excellence of human life inside and outside in the words of Amirul Momineen**

*Amir Abbas Mahdavi Fard  
Reza Zamani  
Masoumeh Azizi Khadem*

### **Abstract**

"Hope" is an inner state that has a strong link with how a person views his origin and destination, his behavior, his selective approach in worldly life, and his way of reaching happiness in the last life. This research, through a descriptive-analytical method, pursues to, based on the words of Amir al-Mu'minin peace be upon him, investigate the origin of hope and its role in human perfection, to find out how to achieve a course which will bring man to exalt his soul and his existential capability; and will cause his lifestyle to improve. If a person becomes aware of his own and other creatures' "existential lack" through "self-knowledge", "self-evaluation", and "recognition of the reality of the world", he will confine his hope only to God Almighty. With a "proper faithfulness" towards Him in every bestowed or denied blessing, the highest stage of perfection, that is the position of "satisfaction" will appear in man's existence. When a person reaches the position of satisfaction, he will enjoy a pleasant life in his both personal and social life conditions.

### **Keywords**

Imam Ali (AS), hope, self-knowledge, existential requirement, satisfaction.

## **The role of moral principles in climate obligations from the perspective of international law**

*Reza Maleki  
Masoud Raie*

### **Abstract**

Despite the existence of a legal regime to deal with climate change in the current era, the various consequences of climate change are increasing rapidly and the most negative effects are on the poor and marginalized people around the world. Considering the ineffectiveness of the government's legal responsibility institution in meeting climate commitments, what practical solutions can be considered to deal with this challenge? It seems that considering the uneven path of the legal system of international responsibility to deal with climate change, from the Structural Convention to Paris, it is possible to resort to the moral responsibility of governments by validating moral principles. In this article, with a descriptive and analytical method, after examining the legal regime of climate change and its challenges, ethical principles and its relationship with obligations related to climate change are discussed as a practical solution to deal with climate change.

### **Keywords**

climate change, international government responsibility, moral principles, moral responsibility, 2017 UNESCO document.



## **The effects of the emergence of security-oriented criminalization in crimes against security in Iranian criminal law**

*Hossein Rezaei Todeshki*

*Seyyed Mahmoud Majidi*

*Mohammad Javad Baghizadeh*

### **Abstract**

Securityism is one of the unjust constructions that is imposed on the body of criminal policy and it means a deviant process in the formation of a response process to the criminal phenomenon. The security orientation of criminal policy can be a criterion to distinguish an efficient and desirable criminal policy from an ineffective and undesirable criminal policy; As a result, the criminal policy of every society should provide a suitable justification for criminalizing and illegalizing the actions of people that were considered permissible before. This article is written in a descriptive-analytical way. In this article, an attempt has been made to answer this question: What are the most important coordinates of security-oriented criminalization in Iran's criminal law? Give an appropriate answer. It seems that the most important coordinates of security-oriented criminalization in Iran's criminal law include criminalization of criminal thoughts, criminalization of preliminary acts, legislative obfuscation and new criminalizations. The purpose of this article is to explain the manifestations of the tendency to aggressive criminalization in Iranian criminal law.

### **Keywords**

criminalization, criminal law, security-oriented, crimes against security.

## **Investigating the moral and social approach of the semi-liberty system according to the law on reducing the punishment of imprisonment**

*Nafiseh Jalali  
Irag Golduzian  
Seyyed Reza Mousavi*

### **Abstract**

One of the tools of criminal policy is the institutions that pave the way for the return of criminals to society. Prison punishment, although inherently an opportunity that creates the necessary readiness to return and the prisoner on the verge of re-entering the community from the ability to readjust. It should be noted, but it should not be forgotten that the prison environment is an environment with all the possibilities of rehabilitation. Basically, it enables and confronts the offender, especially in long-term convictions, when he leaves prison. This led the legislature to approve for the first time in the Islamic Penal Code adopted in 1392 a system called the semi-liberty system in Articles 56 and 57. This legal establishment is in the interest of some defendants who grant this establishment to Defendants is subject to several conditions. In the present article, while examining the semi-liberty system in the law approved in 92 and examining the legal and religious principles and stages of its implementation, this system was examined in reducing the punishment of imprisonment 1399 and it was found that this system in which the convict consents to the amount of punishment It is a condition that not only tolerance is for the accused, but also for the society and the government, because with the release of the accused from prison, the society will have more labor for prosperity and production, and on the other hand, the government will reduce the cost of prisons. It is a clear example of criminal justice being contracted in Iran.

### **Keyword**

Social Justice, Imprisonment, Semi-Freedom System, Contractual Justice.

## **A comparative study of preventive approaches to giving false testimony from the perspective of ethics, Imami jurisprudence and Iranian and Egyptian law**

*Seyyed Mohammad Ebrahimi  
Mohammad Rasul Ahangaran  
Seyyed Abolghasem Naghibi*

### **Abstract**

Testimony as a tool and one of the common arguments in proving a claim, has an important place in Imami jurisprudence and Iranian and Egyptian law. Therefore, in order to prevent it from the plague of hypocrisy, it is necessary to take measures in the two a priori and pre-occurrence areas, ie not to commit the crime of coercion and the posterior area, and after the occurrence of the crime, ie the treatment area. In this article, in the field of a priori and action, the approaches of ethics and justice in jurisprudence and law of Iran and Egypt are examined and he believes that paying attention to justice in the witness as an internal police is an element preventing the commission of martyrdom and using a moral guarantee factor. It is considered as force in preventing martyrdom. In the field of retroactive and reactionary measures, while dealing with various punishments, the use of the punishment of tashhir, which is one of the characteristics of jurisprudence, has been specified as a basic and main measure to prevent the recurrence of the crime of forced martyrdom. Community Verified icon.

### **Keywords**

False testimony, prevention, justice, morality, punishment, defamatio.

## **Examining the basics of warning and evangelism in Khutba Ghara**

*Mohammad Hadi Amin Naji  
Zahra Amini Armaki*

### **Abstract**

In accordance with their mission, all the prophets advantaged from Warnings and Awardings to encourage people in practicing the good deeds and avoiding the bad ones. If the Prophets had not employed a motivational system in place, all their teachings might have become void. Ali (a.s.) had also exploited such a mechanism in his lectures and sermons to guide people on their journey to reach Salvation. The main purpose of the present research is a thorough investigation of the Gharra sermon as a doctrine, discovering the means of Warnings and Awardings in the lecture of Amir Al-Mo'menin (a.s.). By a survey into the principles, a model can be related and released via Descriptive analytical method on the Warnings and Awardings in the words of Imam Ali (a.s.), helping us to acquire a better understanding of what Imam (a.s.) meant in his wisdom. Five principles have been attained as the main Warnings and Awardings principles in the lectures of Imam Ali (a.s.), focusing on the Gharra Sermon: 1) Ultimatums, 2) Guidance, 3) Practice of Piety, 4) Reminder, 5) Delivering a lesson or advice.

### **Keywords**

Warning, awarding, principle, the Gharra sermon, Nahjolbalaghe.

## **The place of good morality in the basis of arbitration in Iranian and European law**

*Mohammad Amir Nejat  
Seyyed Ebrahim Hosseini  
Mahmood Ghayomzadeh*

### **Abstract**

Arbitrability means the ability to bring a case to arbitration in any country in the world. The sources and the requirements that these sources explain the principles of arbitration. One of these sources is good morals. Good morality, which is one of the irrelevant compulsory sources, exists in the legal rules of all countries. In Iranian law as in European law, it is forbidden to refer a case to arbitration on legal questions in accordance with good morals. But the definition of good morals and its examples are not the same in all countries. A question in Iranian law may not be arbitrable due to an obstacle to good morals, and vice versa in European law. Therefore, given the value and importance of arbitration, it is very important to look at this basis. In the law of European countries, legal doctrine and case law, based on judges' opinions and legal interpretations, have attempted to limit the standard of good character and other above principles in the arbitration of lawsuits so that more lawsuits can be referred to arbitration.

### **Keywords**

arbitrability, good of ethics, arbitration vote, public order.

## **The effect of behavioral disorder on the realization of Ehsan**

*Mohammad Esmail Beighi  
Seyyed Ahamad Mir Khalili  
Alireza Entezari*

### **Abstract**

The issue of sexual dysfunction is one of the emerging phenomena that has been less studied in jurisprudential research and studies. One of the issues related to sexual dysfunction is what effect this phenomenon has on the issue of "couple benevolence". To answer this question, jurisprudential and legal texts must be examined and analyzed. The research finding is that according to the criteria and areas of leaving Ehsan, sexual disorders can also be considered as obstacles to the realization of Ehsan. Legally, according to Article 227 of the Islamic Penal Code adopted in 1392 and the phrase "such matters" in this article indicates that the above cases are not exclusive examples of obstacles to the realization of sexuality and therefore sexual disorders can be among the obstacles to realization. Ehsan counted. Judicial practice also confirms such an understanding.

### **Keywords**

Sexual Disorder, Sexual Dysfunction , Behavioral Disorder, Ehsan, Good companionship.

## **Urban representations in contemporary stories with a focus on war stories**

*Maryam Akhbari  
Arash Moshfeghi  
Hossein Dadashi*

### **Abstract**

The purpose of this article is to examine the image of the city and its features and appearances in five fictional works of the war. For this purpose, five fictional works in the field of war literature were selected. Their content was examined in terms of urban elements and manifestations. The results of the survey showed that in these effects of war in cities, bombing, poverty and famine, destruction and destruction of the appearance of cities and urban elements due to war have the highest frequency. In all these works, the city has a dark and sad appearance. The cemeteries and hospitals are full of martyrs and injured people. Most of the people of the city have either migrated or those who remain, poverty prevents them from leaving. The elements of urban modernity are a tool in the war. Also, the approach to war fiction from the perspective of urban elements indicates that the names of the cities involved in the war have been used the most.

### **Keywords**

Urban representations, Contemporary stories, War stories.

## **Analysis of Ethical Principles of Disciplinary and Educational Responses to Juvenile Delinquency from the Perspective of Islamic Criminal Law**

*Rohollah Ebrahimi  
MohammadAli Haji DehAbadi  
Seyed Alireza Hosseini*

### **Abstract**

Ethical principles Disciplinary and educational responses to juvenile delinquency reflect the facts and rules that have a moral character and are used as a response to the crimes and violations of children and adolescents in order to maintain and promote their moral characteristics and legitimacy. The answers are in the light of observing these principles. The present article has examined the nature of these principles by descriptive-analytical method and based on reference to authoritative Islamic sources. The findings of the study indicate that in Islamic law, the ethical foundations of disciplinary and educational responses to juvenile delinquency are diverse in addition to persuasion. Engaging in the development of the child, correcting and rehabilitating, promoting and exalting the moral virtues of love-loving and justice-oriented are among the principles that are used to change the way of thinking and beliefs of children and adolescents and to reconstruct or create moral feelings and virtues. – Restraint on moral behaviors based on religious and Islamic teachings are used and from this perspective help to restore public order and security.

### **Keywords**

disciplinary answers, educational answers, moral principles, public order and security, child delinquency, Islamic law.





## **Ethical Research**

*The Quarterly Journal*

*Vol. 13, No. 4, Summer 2023/ No: 52/ ISSN: 2383-3279*

**Proprietor:** *Iranian Association for Islamic Thought. (ISSN: 2383-3279)*

**Chief Director:** *Reza Haji Ebrahim Ph. D*

**Chief Editor:** *Mahmoud ghayyomzade Ph. D*

---

### **Board of Writers**

*Hojatoleslam Alireza Amini; Mohsen Javadi, Ph. D; Ahmad Deilami, Ph. D; Amir Divani, Ph. D; Jafar Shahnazari, Ph. D; Jafar Sadri, Ph. D; Amir Abbas Alizamani, Ph. D; Mahmoud ghayyomzade, Ph. D; Abdollah Nasri, Ph. D.*

---

**Internal director and Editorial- board director:** *Alireza Moazami*

**Translator:** *Ehsani*

**Page Design:** *Ehsan Computer*

**Editor:** *Hamidreza alizadeh*

---

### **Note**

*The Journal Ethical Research accepts papers on the Ethics ‘Islamic Ethics ‘applied ethics ‘comparative ethics ‘and ethical challenges of Modernism and moral training. The papers received will be published provided that they are written according to the house style of the journal. The authors will bear responsibilities for their own papers.*

---

**Address:** *Bolward Al-Ghadir ‘University of Qom ‘Central Library ‘office of the journal.*

**Tel:** *0098-25-32103360*

**Fax:** *0098-25-32103360*

**Email:** *Akhlagh\_1393@yahoo.com*

---

*This journal is cooperatively being published by Iranian Association for Islamic Thought.*



فرم اشتراک مجله علمی "پژوهش‌های اخلاقی" انجمن معارف اسلامی

لطفا در این قسمت چیزی ننویسید کد اشتراک:			
نام و نام خانوادگی			
نام سازمان (مخصوص سازمان‌ها)			
شغل، محل کار، سمت			
میزان تحصیلات و رشته تحصیلی			
آدرس پستی			
پست الکترونیک			
شماره فیش بانکی	تاریخ فیش بانکی	تعداد نسخه دریافتی	شروع اشتراک از شماره
امضای متقاضی		تاریخ	

هزینه اشتراک (با احتساب هزینه پست)

اشتراک یک ساله برای اشخاص (افراد حقیقی): ۱/۰۰۰/۰۰۰ ریال

اشتراک دو ساله برای اشخاص (افراد حقیقی): ۱/۵۰۰/۰۰۰ ریال

اشتراک یک ساله برای دانشجویان با ارائه کپی کارت دانشجویی: ۷۰۰/۰۰۰ ریال

اشتراک یک ساله برای سازمان‌ها (افراد حقوقی): ۱/۰۰۰/۰۰۰ ریال

اشتراک دو ساله برای سازمان‌ها (افراد حقوقی): ۱/۵۰۰/۰۰۰ ریال

خواهشمند است مبلغ اشتراک یا خرید شماره‌های قبلی را به حساب ۱۵۳۱۰۷۱ بانک تجارت

شعبه صفائیه قم واریز و اصل فیش را به همراه فرم تکمیل شده اشتراک به نشانی

قم، بلوار الغدیر، دانشگاه قم، کتابخانه مرکزی،

دفتر فصلنامه پژوهش‌های اخلاقی

ارسال فرمایید:

جهت اطلاع بیشتر با تلفن ۰۲۵ - ۳۲۱۰۳۳۶۰ تماس حاصل فرمایید.